





خرابِ زمزمه تازه توام عرفی  
که عقل ازین نفس تازه مست می‌گردد

# کلیات عرفی شیرازی

جلد دوم

مشمول بر: قصیده‌ها، ترکیب بندها، ترجیع بندها، قطعات

براساس نسخه‌های ابوالقاسم سراجا اصفهانی

و

محمد صادق ناظم تبریزی

بکوشش و تصحیح

پرفسور محمدولی الحق انصاری



# انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲/۲۴۰۶

شماره مسلسل ۴۰۶۹

عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد، ۱۳۹۳ - ۱۳۹۹ .  
(ادیوان)

کلیات عرفی شیرازی مشتمل بر قصیده‌ها، ترکیب  
بندها، ترجیح بندها، قطعات براساس نسخه‌های  
ابوالقاسم سراجا اصفهانی و محمداصادق ناظم  
تبریزی/ بکوشش و تصحیح محمد ولی الحق انصاری -  
تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ،  
۱۳۷۷

۳ ج. جدول - (انتشارات دانشگاه تهران؛  
شماره ۱/۲۴۰۶، ۲/۲۴۰۶، ۳/۲۴۰۶)

ریال: (دوره سه‌جلدی) ISBN 964-03-9315-0

ISBN 964-03-4069-3 (۲ ج.) - ISBN 964-03-4068-5 (۱ ج.) - ISBN ۶۵۰۰۰

ISBN 964-03-4070-7 (۳ ج.) - ISBN 964-03-4069-3 (۲ ج.)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا فهرست‌نویسی  
پیش از انتشار)

م. ع. لاتینی فقه: Koliat-e-Orfie Shirazi

جلد سوم مشتمل بر رباعیات و مثنویات است.  
کتابنامه

۱ شعر فارسی - قرن ۱۰ اق. الف سراجا  
اصفهانی، محمداقاسم بن محمدعلی، قرن ۱۱ اق. ب ناظم  
تبریزی، محمداصادق، - ۱۰۸۳ق. ج ولی‌الحق  
انصاری، محمد، مصحح. د دانشگاه تهران، موسسه  
انتشارات و چاپ. ه عنوان.

۸۱۶/۴۱

۵۵۴۹۵

۱۳۷۷

PLR۶۰۳۱/۵۹

۱۳۷۷

۸۲۵-۷۸

کتابخانه ملی ایران

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب ۰-۹۳۱۵-۳-۹۶۴ (دوره سه‌جلدی) ISBN 964-03-9315-0 (3vol.set)

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب ۳-۴۰۶۹-۳-۹۶۴ (جلد دوم) ISBN 964-03-4069-3 (vol,2)

عنوان: کلیات عرفی شیرازی

به کوشش و تصحیح: دکتر محمدولی‌الحق انصاری

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: بهار سال ۱۳۷۸ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مصحح است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

قیمت دوره سه‌جلدی: ۶۵۰۰۰ ریال





تاسیس ۱۳۷۶  
کتابخانه تخصصی ادبیات

## فهرست مطالب

### کلیات عرفی شیرازی

#### جلد اول

##### بخش نثر

۳۲-۱۴	مقدمه
۱۰۸-۳۴	معرفی نسخه‌ها
۱۱۹-۱۰۹	خلاصه احوال عرفی شیرازی
۱۳۸-۱۲۰	اقوال تذکره نویسان معاصر
۱۵۳-۱۳۹	دیباجه کلیات عرفی از عبدالباقی نهاوندی
۱۶۱-۱۵۵	دیباجه کلیات عرفی از ناظم تبریزی
۱۸۵-۱۶۲	رساله نفسیه
۲۲۶-۱۸۶	رقعات عرفی شیرازی و پاره‌های دیگر نثر

##### بخش نظم

۸۶۷-۲۲۹	غزلیات عرفی شیرازی
۹۲۹-۸۶۸	اشعار متفرقه و غزلیات ناتمام
صفحه الف - صفحه ش	فهرست استعارات و ترکیب‌ها
۶۶-۱ ضمیمه	فهرست غزلیات

#### جلد دوم

۴۱۲-۱۱	قصاید عرفی شیرازی
۴۲۳-۴۱۴	قصاید مشکوک
۴۶۰-۴۲۵	ترکیب بند و ترجیع بند

قطعات عرفی شیرازی  
فهرست تعداد قصاید و قطعات

۵۲۴-۴۶۱  
۱-۱۰-۱- ضمیمه

### جلد سوم

رباعیات عرفی شیرازی  
مثنویات عرفی شیرازی  
فهرست رباعیات  
دیگر منظومات  
فهرست مثنویات  
فهرست مأخذ

۹۹-۳  
۲۵۶-۱۰۰  
۱-۳۰-۱ ضمیمه  
۲۷۸-۲۵۷  
۳۳-۳۴ ضمیمه  
الف - ظ ضمیمه

## عرفی شیرازی

### ترجمه نظم اردوی علامه اقبال لاهوری از قلم پرفسور دکتر محمد ولی الحق

ز تخیلِ خودش عرفی بنا کرده ست ایوانی	که قربان باد بر آن قصرِ سینا کاخ فارابی
رقم زد بر فضای عشق تحریری که از فیضش	برون آیند از دل تا به دیده اشک عنایی
به پیش تربتش روزی چنان شکوه کنان گفتم	ندارد عالم اکنون آن همه اسباب بیتابی
مزاج اهل عالم شد متغیر بآن طوری	که از این خاکدان بیرون شد آن انداز سیمایی
فغان نیم شب از شاعران باشد کدورت را	نداند چشم اهل انجمن چون لطف بیخوابی
بر ایشان شعله فریاد کی ظلمت ربا باشد	که هنگام سحر رافی نباشند از فلک تابی
صدا آمد ز تربت "شکوه اهل جهان کم گو"	"نوا را تلخ تر می زن چو ذوق نغمه کم یابی
	حدی را تیز تر می خوان چو محمل را گران بینی"

### نظم اصلی علامه اقبال در اردو

محل ایسا کیا تعمیر عرفی کی تخیل نی	تصدیق جس پہ حیرت خانہ سینا و فارابی
فضائی عشق پر تحریر کی اس نی نوا ایسی	میسر جس سی ہنی آنکھوں کوایتک اشک عنایی
مری دل نی یہ اکدن اسکی تربت سی شکایت کی	ہنن ہنگامہ عالم من اب اسباب بیتابی
مزاج اہل عالم من تغیر اگیا ایسا	کہ رخصت ہوگی دینا سی کیفیت دہ سیمایی
فغان نیم شب شاعر کی بار گوش ہوتی ہی	نہ ہو جب چشم محفل آشنای لطف بیخوابی
کسی کا شعلہ فریاد ہو ظلمت ربا کیونکر	گران ہی شب پرستوی پر سحر کی آسمان تابی
صدا تربت سی آئی "شکوه اہل جهان کم گو"	"نوا را تلخ تر می زن چو ذوق نغمہ کم یابی
	حدی را تیز تر می خوان چو محمل را گران بینی"

## پیش لفظ جلد دوم کلیات عرفی

پس از تدوین جلد اول "کلیات عرفی شیرازی" (که علاوه بر دیباجة و غیره مشتمل است بر نامه‌های عرفی رساله نفسیه و دیگر پاره‌های نثر عرفی و غزلیاتش)، هنگام پاک نویسی جلد دوم که مشتمل بر قصاید خواهد بود، برخی از نسخه‌های دیگر از سخنان عرفی هم بدست آمده که به عقیده بنده بی‌مورد نباشد اگر آنها هم در تدوین این جلد دوم کار برده شوند. نخستین نسخه ازین قبیل همانا نسخه چاپ مطبع محمدی است از قصاید عرفی که به اهتمام محمد نورعلی به چاپ رسیده بود اما این نسخه فاقد سال چاپ است. درین نسخه همان قصاید، قطعات، ترجیع‌بندها و ترکیب‌بندها وجود دارند که در نسخه‌های قصاید عرفی که وقتاً فوقتاً در هند چاپ شدند، یافته می‌شوند. این نسخه به عنوان نسخه نمره ۱۷۱ بکار برده می‌شود. علاوه از این نسخه چاپی سه نسخه دیگر نسخه‌های خطی‌اند. اولین ازین‌ها که به عنوان نسخه نمره ۱۷۰ بکار برده می‌شود، نسخه شخصی بنده است مشتمل بر چهل و دو قصاید. این نسخه خیلی کهنه است ولی به علت اینکه ناقص‌الطرفین است، هنگام تدوین کلیات عرفی که چند سال قبل صورت گرفته بود، مورد استفاده قرار نگرفته بود اما پس از مطالعه دقیق معلوم شد که این نسخه بدخط بدرستی نقل شده و پاک از اغلاط است. لذا حالا هنگام پاک نویسی این نسخه هم بکار برده شده به عنوان نسخه ۱۷۰.

نسخه سوم که حالا به وقت پاک‌نویسی به کار برده می‌شود و مثل نسخه‌های بالا در "فهرست مآخذ" ذکر نشده، نسخه کلیات عرفیست که به کلکسیون بوهار در کتابخانه ملی کلکته هند (NATIONAL LIBRARY) نگهداری می‌شود تحت نمره ۳۶۴. این نسخه که خطش خیلی پاک و جالب است، مبنی بر نسخه ترتیب داده سراجا می‌نماید و در صورت اصلی باید از دیباجة عبدالباقی نه‌اوندی آغاز شده باشد. در صورت موجوده برگه‌های ابتدایی نسخه افتاده‌اند و فقط چهار سطر آخرین دیباجة نه‌اوندی دیده می‌شود. مانند نسخه‌های ۱، ۵، ۱۷۳ در این نسخه هم علاوه بر قصاید سستی سی و هشت قصیده تمام و ناتمام دیگر (که در آن بندی از ترکیب‌بند، ۹ اشعار یک قصیده چاپ شده، و دو قصیده دیگر که در نسخه‌های چاپی شاملند) در بخش مقدماتی قصاید دیده می‌شوند. پس از آنها بخش شصت و دو قصیده، که از قصیده با مطلع:

"اقبال کرم می‌گز ارباب هم را      همت نخورد نشتر آری و نعم را"

آغاز می‌شود، یافته می‌شوند که عموماً در همه نسخه‌های چاپی قصاید عرفی جا دارند. پس از قصاید

بخش‌های مثنویات و رباعیات آمده و بعد ۱۹۳ اشعار ساقی‌نامه - سپس از ورق ۱۸۷ (ب) تا ۲۰۶ (الف) قطعات و برخی از اشعار متفرقه به چشم می‌خورند. از ورق ۲۰۶ (ب) ترکیب‌بندی مشتمل بر نه بند آغاز می‌شود - پس از آن در بخش غزلیات بجای اشعار مکمل اشعار منتجه غزلیات یافته می‌شوند. در صفحات اخیر نه رباعی وجود دارند و به همین اوراق نسخه باتمام می‌رسد. این نسخه که به عنوان مأخذ ۱۷۲ بکار برده شده است باین معنی مهم است که مثل نسخه ۱، ۵ آن نه تنها دارای قصاید کمیاب هست بلکه در آن تعداد اشعار بعضی قصاید چاپی هم زیاده است مثلاً مثل نسخه ۱، ۵ در قصیده "ترجمة الشوق" که در این نسخه ۲۲۲ بیت وجود دارد بجای ۱۸۰ بیت که در دیگر نسخه‌ها یافته می‌شوند.

در کتابخانه ملی (NATIONAL LIBRARY) کلکته در کلکسیون بوهار نسخه دیگری از کلیات عرفیست (نمره ۳۶۵) اما آن دارای ارزشی نیست.

نسخه خطی سوم که هنگام پاک‌نویسی این جلد قصاید عرفی مورد استفاده قرار گرفته مربوط است به کتابخانه شخصی آقای کمال ادیب‌بیک، استاد دانشگاه انقره (ترکیه) که براساس آن دکتر نعیم‌الدین هجده قصیده عرفی را به عنوان "چند قصاید غیر معروف عرفی شیرازی (SOME UNKNOWN QASIDAS OF URFI SHIRAZI) انتشار داده بود.

آقای دکتر نعیم‌الدین لطف کرده مائیکرو فیلم این نسخه را به بنده مرحمت فرمودند و در تدوین قصاید عرفی درین جلد دوم به عنوان نسخه ۱۷۳ کار برده می‌شود.

بیجا نخواهد بود اگر اینجا نکته‌ای در باره قصیده بیست و هشتم و بیست و نهم بنویسم. در مورد تدوین کلیات عرفی، عبدالباقی نهاوندی هم در مآثر رحیمی و هم در دیباچه خود نوشته است که نسخه‌های سخنان عرفی خیلی مغشوش بودند. قصایدی که در نسخه موجود آمده‌اند بر این امر شاهد هستند. از آنجمله قصیده نفسیه معروف اوست که در زمینه قصیده ظهیر فاریابی گفته شد و مطلعش بدین قرار است:

سپیده دم که زدم آستین بشمع شعور شنیدم آیت استفتوحا ز عالم نور

تعداد اشعار این قصیده در نسخه‌های مختلف تا اندازه‌ای زیاده اختلاف دارد چنانکه در نسخه‌های یکم و پنجم که با هم شباهت دارند تعداد اشعار این قصیده صد و چهار است، در نسخه هفتم صد و دو، در نسخه‌های سیزدهم و بیست و پنجم نود و نه، در نسخه دوم نود و چهار، در نسخه پانزدهم نود و هفت، در نسخه هفدهم یکصد، در نسخه نهم (چاپ ایران) هشتاد و هفت، نسخه‌های مرتضوی، رزاقی،

محمّدی، قیومی و نولکشوری (همه نسخه‌های چاپی هند) هفتادو هفت است. بعلاوه در بیشتر نسخه‌های خطی دیگر تعداد اشعار این قصیده بین هفتادوپنج و هشتادوشش است.

در تدوین و ترتیب این نسخه‌های یکم و پنجم (که با هم مشابهت دارند) و نسخه هفدهم که مساوی آنها هست به عنوان نسخه‌های اساسی بکار برده شده‌اند. از مطالعه این نسخه‌ها برمی‌آید که درین قصیده نعتیه مهم بسیار از اشعار وجود دارد (که تعداد آن بیست و سه است) که با اشعار باقی مانده این قصیده پیوندی ندارند. اصل قصیده که عموماً به این شعر پایان می‌رسد:

لذیذ بود حکایت درازتر گفتم چنانکه حرف عصا گفت موسی اندر طور  
(شعر هشتادم این نسخه)، دارای آهنگ نعتیه است ولی پس از آن بیست و هفت بیت به استثنای چهار  
از آن در مدح پادشاه دنیاداری بچشم می‌رسند و در آن هشت بیت فخریه هم وجود دارد. افتخار  
نگاری از جمله ویژگی‌های کلام عرفی است ولی این اشعار را در قصیده نعتیه شمردن جز بی‌اوه؟  
چیزی دگر نیست و بر همین منوال است اشعار باقی مانده مدح پادشاه دنیوی. این بیست و سه اشعار  
الحاقی در نسخه بیست و نهم هم بچشم می‌رسند و دکتر نعیم‌الدین آنها را در دو نسخه استامبول یافته  
در مجله علم اسلامی علیگره (شماره ژوئن سنه ۱۹۶۰ میلادی) به چاپ رسانیده و در نسخه‌های  
اساسی یکم و پنجم مزبور بیست و سه بیتی که ظاهراً الحاقی بچشم می‌رسند، به آخرین شعر اصل  
قصیده (لذیذ بود حکایت الخ) توسط دو بیت مربوط کرده‌اند که ذیلاً نقل می‌شوند.

لذیذ بود حکایت درازتر گفتم چنانکه حرف عصا گفت موسی اندر طور  
چون این قصیده رساندم بسمع او فرمود که ای ز نظم تو منظوم لولوی منشور  
عطای جایزه اخروی به عهده ما حوالت صله دنیوی به فخر دهور  
از این دو بیت بر می‌آید که قصیده به پیشگاه رسول مقبول صلّ الله علیه و سلم تقدیم شد و از  
عالم بالا پاسخ آمد که صله‌ای در آخرت از سوی ما خواهد رسید و از دنیا از سوی "فخر دهور"  
خواهد رسید و پس از آن اشعار مدحیه "فخر دهور" آغاز می‌شوند. سپس اشعار فخریه مذکور  
می‌آیند و در آخر آنها این دو بیت قرار دارند:

چون این قصیده که مرآة حسن طبع من است ز اهل صورت و معنی سجل شدش منشور  
علم ز جوهر کل یافت "زبده" الالهام بلی رواست که گردد باین علم مشهور  
در مورد این هر چهار بیت باید عرض کنم که دو بیت نخستین جزو اشعار قصیده نعتیه می‌توانند  
باشند که در مصرعی از آن ذکر رسیدن صله از سوی "فخر دهور" هم آمده و در نسخه بیست و نهم این

اشعار پس از اشعار دعائیه می آیند که بدین شعر پایان می یابد:

خرابه دل مجروح امتان تو باد ز نوشداروی الطاف شاملت معمور

با در نظر داشتن این شهادت ها امکان آن می رود که این هر دو اشعار از جمله اشعار قصیده نعتیه باشند لذا آنها هم در قصیده بیست و هشتم آورده شده اند. دو بیت اخیر که در آن قصیده را "زبده الالهام" نامیده است، حتماً اشعار قصیده نعتیه هستند زیرا در وضعی که در آن گفته شده نباید آن را "زبده الالهام" نامید. قصیده ای که در مدح شاهی گفته شده، نمی تواند این عنوان را داشته باشد. اما بیست و سه بیت باقی مانده که از آن جمله هشت بیت در نسخه نهم (ترتیب داده آقای غلام حسین جواهری) هم یافته می شوند، به این قصیده نعتیه ربطی ندارند زیرا پس از مدح رسول، مدح شاهی یا مدح خود خلاف قیاس به نظر می رسد کم از کم در شش نسخه کلیات عرفی (یکم، پنجم، هفدهم، سی و پنجم، صد و هفتاد و سوم) قصیده دیگری در همین زمین در مدح اکبر پادشاه وجود دارد که مطلعش این است:

جهان ز شمع جمال که شد چنین پُر نور که آفتاب برنگ ستاره شد مستور

آهنگ اشعار این قصیده و بیست و سه اشعار مذکور در بالا اغلب یکنواخت و یکسان است و به عقیده نویسنده این سطور این بیست و سه بیت که در مدح پادشاه گفته شده اند جزو این قصیده (قصیده بیست و نهم) هستند نه که جزو قصیده نعتیه (قصیده بیست و هشتم). براساس اغتشاش مسودات کلام عرفی که بعد از وفاتش یافته شد، سراجا آنها را سهواً از جمله اشعار قصیده نعتیه شمرده و همین سهو توسط ناظم تبریزی صورت بسته است. با در نظر داشتن این عقیده، این بیست و سه بیت در نسخه حالیه جای قصیده بیست و هشتم، تحت قصیده بیست و نهم (که ممکن است بلافاصله بعد از سروده شدن قصیده بیست و هشتم گفته شده باشد) نوشته می شوند. در نسخه جواهری هم هشت بیت از این قصیده (از ۶۸ تا ۷۵) تحت قصیده نعتیه مذکور آورده شده.

مثل قصاید مذکوره بالا در دو قصیده دیگر که بطور یک قصیده چاپ شده اند (بر صفحات ۱۰۴ تا ۱۰۷ در نسخه جواهری و بر صفحات ۱۱۹ تا ۱۲۱ در نسخه نولکشور) اغتشاش راه یافته درین نسخه ها این قصیده بطور قصیده دو مطلعین یافته می شود در مدح امیرالمومنین علی علیه السلام. درین نسخه ها این قصیده از مطلع زیر آغاز می یابد:

تبارک الله ازین آسمان شتاب کرنگ که نعل آینه رنگش ندیده زنگ درنگ

پس این مطلع یازده بیت یافته می شوند که در آنها همانا "آسمان شتاب کرنگ" مورد ستایش قرار

گرفته که قبلاً در مطلع ذکر شده است. پس از این دوازده اشعار مطلعی دیگریست بقرار زیر:

منم که شسته‌ام از لوح مدعا بیرنگ      نه تشنگی کش آبم نه آرزو چش رنگ

پس این مطلع بیست و پنج بیت آمده که بر آن این قصیده به پایان می‌رسد.

این قصیده علاوه بر قصاید عرفی چاپ نولکشور و کلیات عرفی چاپ تهران در نسخه‌های خطی مهم دیگری هم یافته می‌شود و مهمترین آن نسخه‌ها، نسخه ترتیب داده ناظم تبریزی و نقول نسخه ترتیب داده سراجا هستند. در شرح‌های مختلف هم این قصیده همینطور یافته می‌شود چنانکه در نسخه‌های چاپی وجود دارد ال‌ترتیب و تعداد ابیات درین نسخه‌ها و شرح‌ها از آنچه که در نسخه‌های چاپیست اختلاف دارد.

چنانکه در پیش لفظ جلد اول این اثر گفته شده، کلیات عرفی در دوره زندگانی عرفی مدون نشده بود و پس از درگذشت وی براساس مسودات پراکنده کلام عرفی که خیلی مغشوش و پراکنده بود، سراجا کلیاتش را ترتیب داد. به علت همین پراکندگی مسودات، کلیاتی که ترتیب یافت در آن اشعار قصاید مختلف با هم آمیخته شدند و این گونه اشعار در چندین قصیده آمده‌اند در صورتی که آنها اشعار آن قصاید نیستند و بایستی در قصاید دیگری که در همین زمین گفته شده‌اند شامل گردد. قصیده مزبور هم ازین نوع به نظر می‌رسد که در آن اشعار قصاید مختلف با یکدیگر آمیخته شده‌اند. این قصیده چنانکه در نسخه‌های چاپی یافته می‌شود به توصیف اسب آسمان شتاب آغاز می‌شود و دوازده بیت اولیه قصیده در توصیف همین آسمان شتاب‌گرنگ هستند. پس از آن مطلع ثانی و بعد نه بیت دیگر مربوط به توصیف فطرت و طبیعت گوینده است. سپس شعری از گریز هست و پس آن پانزده بیت مدح آمده‌اند و قصیده به شعر زیر به پایان می‌رسد.

سریع‌تر بکف آرم عنان معنی را      که هیبت تو رباید ز روی اعدا رنگ

این آخرین شعر بدین امر نیز اشاره می‌کند که آن نباید آخرین شعر قصیده قرار داده شود بلکه پس از آن باید چند بیت دیگر نیز بیاید که حالا در هیچ یک از نسخه‌ها یافته نمی‌شوند و امکان آن هم دارد که بیت دیگری سروده نشده باشد.

ترتیبی که اشعار قصیده مزبور دارد درست به نظر نمی‌رسد زیرا که اگر از توصیف اسب (ولو که آن براق باشد) قصیده آغاز شود، پس از آن، چند بیت مربوط به توصیف طبع خود و بعد گریز از آن و سپس مدح با هم مربوط و متناسب بنظر نمی‌رسند. درین وضع امکان دو امر است، نخست اینکه آن دوازده اشعار قصیده که در آن ذکر است از "آسمان شتاب‌گرنگ" تشبیب قصیده‌ایست که در توصیف



براق یا اسپ شخصی ست خیلی مهم آغاز شده ولی ناتمام مانده یا بقیه اشعار آن به وقت ترتیب کلیات بدست نیامده است. این دوازده بیت اولیه حتماً با ابیات بعدی که از مطلع زیر آغاز می شود مربوط نیستند:

منم که شیشه ام از لوح مدعا بیرنگ      نه تشنگی کشِ آبم نه آرزو چشِ رنگ  
و این بیست و شش بیت بعدی مربوط به قصیده دیگری هستند که مثل قصیده نخستین ناتمام مانده است. امکان دیگر این است که این قصیده (اگر آنرا قصیده یگانه فرض کنیم) براستی به مطلع دیگر آغاز می شود<sup>(۱)</sup> و دوازده بیتی که در توصیف اسب گفته شده اند آخرین اشعار آن قصیده هستند. عقیده ام در باره ترتیب و تنظیم قصیده مزبور ظن محض بوده تا آن که نسخه ای خیلی مهمی از کلیات عرفی مکتوبه ۱۰۷۰ هجری قمری از نظرم گذشت. درین نسخه (که در کتابخانه مولانا آزاد، علیگره، هند نگهداری می شود و بطور مآخذ دوم درین اثر بکار برده شده است) این قصیده در دو بخش جداگانه روی صفحه های مختلف به چشم رسید. در جای چهارده بیت (بشمول دوازده بیت ابتدائیه) که از مطلع زیر:

تبارک الله از آن آسمان شتاب کرنگ      که فعلی آینه رنگش ندید زنگ درنگ  
آغاز می شوند به این دو بیت دعائیه به پایان می رسد و آخرین شعر منظومه همین طور است:  
شگفته باد برویت گل بهار نشاط      حسود جاه تو چون غنچه باد با دل تنگ  
اشعار باقی مانده این قصیده در نسخه مذکور در جای دیگر یافته می شوند که در آخر آن مطلع اول این قصیده هم به عنوان آخرین شعر یا مطلع ثانی به چشم آمده. به علت نوشته شدن هر دو بخش این قصیده بطور جداگانه اگر این عقیده را که آنها بخش دو قصیده مختلف هستند مورد تأیید قرار دهد. پس از پایان یافتن بخشی که از مطلع دوم آغاز می شود، وجود مطلع اول بر این امر دلالت می کند که بخشی که از مطلع دوم آغاز می شود بخش اولیه قصیده است و بخشی که از مطلع اول آغاز می شود آخرین بخش آنست. همراه با این، وقتی که ما این اشعار را مورد بررسی دقیق قرار می دهیم، روشن می شود که قبل ازین دوازده یا چهارده بیت ممکن است که ابیاتی باشند که آخرین بیت از اشعار بوده مطلع ثانی را با دوازده بیت اصلی یعنی مطلع

۱- در کلیات عرفی که در کتابخانه ملی تهران به نمره ۲۳۸۸ نگهداری می شود، این قصیده به همین طور یافته می شود یعنی بخشی که از مطلع ثانی آغاز می یابد، جزو اولین قصیده است و جزوی که از مطلع اول می آغازد بخش بعدی نیست.

تبارک‌الله ازین آسمان شتاب کرننگ  
 که نعل آینه رنگش ندیده رنگ درنگ  
 با هم مربوط کند ولی این‌گونه اشعار در هیچ یک از نسخه‌ها با چشم نمی‌رسند تا آنجا که این قصیده به  
 ممدوح بستگی دارد از عناوین نسخه‌های چاپی برمی‌آید که قصیده مزبور در منقبت حضرت علی  
 است ولی از متن قصیده هیچ یک از نسخه‌های چاپی و غیر چاپی درین مورد چیزی بدست نمی‌آید.  
 خوشبختانه محمد شفیع سنجلی در اثر خودش کارنامه فیض این مسئله را حل کرد و هنگام شرح  
 اشعار این قصیده پس از شعر زیر:

بلی چگونه بود زنگ‌دار آینه‌ای      که صیقلی کندش رای شاه با فرهنگ  
 شعر زیر را هم نوشته است که نشان می‌دهد که این قصیده (یا بخشی از آن که بعد از مطلع ثانی  
 می‌آید) در نعت رسول خدا صل‌الله علیه و سلم است نه در منقبت حضرت علی.

محمد عربی آن که آورند خراج      شهان روم و خراسان و چین و هند و فرنگ  
 پس از روشن شدن این امر که ابیاتی که پس از مطلع ثانی این قصیده آمده‌اند در نعت رسول هستند.  
 ظاهراً چنان معلوم می‌شود که چهارده بیتی که از مطلع اول آغاز می‌شوند اگر اشعار آخرین همین  
 قصیده هستند، ممکن است در توصیف براق باشد. ولی دو بیت آخرین این بخش که تنها در نسخه  
 خطی علی‌گه (از کلیات عرفی) یافته می‌شوند، این گمان را رد می‌کند و از آن برمی‌آید که ممدوح  
 شخصی است که در زمان شاعر وجود داشته بود چنانکه از اشعار زیر ظاهر می‌شود:

همیشه تا بُود از اقتضای لیل و نهار      به چارباغ عناصر گل امل صد رنگ  
 شگفته باد برویت گل بهار نشاط      حسود جاه تو چون غنچه باد با دل تنگ  
 از آنچه در بالا گفته شد این عیان است که نظم مذکور یک قصیده مکمل نیست بلکه آن مجموعه  
 اشعار دو قصیده نامکمل است و اولین چهارده بیتش تشبیب قصیده نامکمل است که در مدح شاهی  
 یا امیری گفته شده بود و بیست و شش بیت باقی مانده که از مطلع ثانی آغاز می‌شوند جزو قصیده  
 دیگری در همین زمینه هستند که در نعت سید المرسلین گفته شده بود. در اثر موجوده این قصیده به  
 صورت دو قصیده نامکمل جا داده شده است.

اثر موجوده یعنی جلد دوم کلیات عرفی دارای بخش‌های زیر است.

(۱) بخش قصاید    (۲) بخش قطعات    (۳) بخش معنیات    (۴) بخش منظومات

دیگر مثنویات و رباعیات مولانا عرفی شیرازی در جلد سوم این کلیات جا خواهند یافت.

## بخش قصاید عرفی شیرازی

من مدح گرم لیک نه هر جایی و طامع  
گردن ننه من منت هر بذل و کرم را  
دستان نزنند بلبل من بر گل هر شاخ  
باید گل خورشید مر این صوت و نغم را  
گر جاهلی آواز دهد این چه ترانه‌ست  
حاجت ببر از یاد چه بسیار و چه کم را  
گویم که برو ژاژ مخا باد میما  
این پایه مسلم نبود حاتم و جم را



## قصیده اول

در نعمت سید المرسلین صل الله علیه و سلم<sup>(۱)</sup>

اقبال کرم می‌گزد ارباب هم را

همّت نخورد نیشتر لاو<sup>(۲)</sup> نعم را

از رغبت دنیا الم آشوب نگردم

زین باد پریشان نکنم زلف علم را

فقرم<sup>(۳)</sup> به سیاست کشد از مسند همّت<sup>(۴)</sup>

در چشم وجود<sup>(۵)</sup> ار ندهم جای عدم را

بی برگی من داغ نهد بر دل سامان

بی مهری من زرد کنند روی درم را

این جوهر<sup>(۶)</sup> ذات از شرف نسبت آباست

سوده‌ست به ابر این دُر اگرچه سر یم را

هر چند که در کشمکش جاه و مناصب

گمنام نمودند همه دوده هم را

از نقش و نگار در و دیوار شکسته

آثار پدید است صنادید عجم را

۱- این قصیده در جواب قصیده حکیم انوری و ابوالفرج رونی گفته شده. لطفی، شاعر معروف ترکیه هم درین زمینه قصیده‌ای در نعت گفته است که در آن ذکر عرفی هم کرده، بطور فخریه می‌گوید

حسان مسیحاً دم رومم که گرفتم در معجره گویی ره حسان عجم را

عرفی که درین قافیه در نعت سرایی در مجمع ارواح زند لاف قدم را

دعوی قدم رد خور عیسی ست که در کون پیش از من و او دم زد و برداشت قدم را

گیرم که مسیحاست در اعجاز طرازی باز آمده کاظهار کند معجز دم را

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۱۸۰، شفیع، منیر، فارغ، آرزو، رحیم، خان‌خانان = نشتر آری و نعم؛ ن ۹، ۲۰، ۱۸، ۸، ۳۵ = نیشتر لاو نعم

۳- در نسخه هشتم اشعار ۳، ۴، ۵، ۱۰ وجود ندارند. همین طور در نسخه ۳۵ اشعار ۳، ۴، ۵ موجود نیستند

۴- عزت = ن ۱، ۴، ۱۷، ۵، ۱۷۰، آرزو، مسرت، فارغ، خان‌خانان، شفیع و غیره = همّت

۵- مسرت = جسم وجود؛ آرزو، شفیع، رحیم، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره همه نسخ کلیات و قصاید عرفی = چشم وجود

۶- بهار عجم = گوهر؛ دیگر همه نسخ کلیات و قصاید و شرحها = جوهر

تا گهر<sup>(۱)</sup> آدم نسیم باز ناستد<sup>(۲)</sup>

ز آبای خود ار بشمرم اصحابِ کرم را  
اما نبود وصفِ اضافی هُنرِ ذات

این فتوی هَمّت بود اربابِ هم را  
این برقی نجات که جهد از گهر من

مدح است ولی گهر ذاتِ اب و عم را  
وصفِ گُل و ریحان به هوا باز نگرده

هر چند هوا عطر دهد قوَتِ شم را  
المَنّت لله که نیازم به نسبت نیست

اینگ به شهادت طلبم لوح و قلم را  
اقبالِ سکندر به جهانگیری نظم

برداشت به یک دست قلم را و علم را  
نوبت به من افتاد، بگوید که دوران

آرایشی از نو بکنند مسندِ جم را  
نی نی غلط این نغمه<sup>(۳)</sup> بموقع نسرودم

این نغمه نشید است دگر صوت و نغم<sup>(۴)</sup> را<sup>(۵)</sup>  
دوران که بود تا کند<sup>(۶)</sup> آرامشِ مسند

مداحِ شهنشاهِ عرب را و عجم را  
آرایشِ ایوانِ نبوت که ز تعظیم

خاکِ درِ او تاج<sup>(۷)</sup> شرف داد قسم را

۱- ن ۹ = تا گهر آدم؛ دیگر نسخ = تا گور آدم

۲- پاورق نسخه نهم = نماند؛ دیگر همه نسخ = نه ایستد

۳- ن ۸، ۳۵ = نکته؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، آرزو و غیره = نغمه

۴- ن ۱، ۳۵ = صوت نغم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره صوت و نغم

۵- این شعر بطور سند در بهار عجم یافته شد

۶- ن ۱ = کو دهد؛ دیگر همه نسخ = تا کند

۷- ن ۱۸ = اوج؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = تاج

روزی که شمردند عدیلش ز محالات  
 تاریخ تو لَدِ بنوشتند عدم را  
 تا رایتِ عفو و غضبش سایه نیفکند  
 هیأت<sup>(۱)</sup> مستصور نشد آرامش و رم را  
 تا شاهد علم و عملش چهره نیفروخت  
 معلوم نشد فایده نی کیف<sup>(۲)</sup> و نه کم را<sup>(۳)</sup>  
 آنجا که سبک روحیش آید به تکلم<sup>(۴)</sup>  
 ز آسیب گرانی بخرد<sup>(۵)</sup> گوش اصم را  
 تأثیر بَرَد سهم تو از حکم<sup>(۶)</sup> کواکب<sup>(۷)</sup>  
 تغیر دهد هیبت تو طعم<sup>(۸)</sup> نعم<sup>(۹)</sup> را  
 انعام تو بر دوخته چشم و دهن آز  
 احسان تو بشکافته هر قطره یم را  
 زان گریه دهد روشنی دل که بیاموخت  
 روشنگری آینه انصاف تو نم را  
 در کوی تو تبدیل کند مردمک چشم  
 اجزای وجود خود و اجزای قدم را

۱- ن ۹ = هیبت؛ دیگر نسخ = هیبت

۲- ن ۱۷۰ = فایده کیف و نه کم را؛ ن ۵، ۱۷، ۲۸ = فایده نی بیش و به کم را؛ دیگر نسخ مثل ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۲۹، ۳۵ = فایده نی کیف و نه کم را؛ بهار عجم = شیرازه مجموعه نه بستند کرم را

۳- این شعر بطور سند در بهار عجم یافته شد

۴- در نسخ ۹، ۱۷، ۲۵ این بیت قبل پستمین یافته شد

۵- آرزو = نخرد؛ مسرت، ۱، ۵، ۱۷۰ و غیره همه نسخ = بخرد

۶- ن ۳۵ = حسن؛ ن ۱، ۱۹ = سیر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۹، ۱۷۰، شرح رحیم، شرح آرزو، شرح مسرت و غیره = حکم

۷- این بیت در نسخه هشتم موجود نیست و در شرح عیوض رای مسرت بعد از بیت بیست و سوم یافته می شود

۸- ن ۱۷۰ = رنگ؛ دیگر همه نسخ = طعم

۹- شرح مسرت = غنم؛ دیگر نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = نعم

از بس شرف گوهرِ تو منشئی تقدیر  
آن روز که بگذاشتی اقلیمِ قدم را<sup>(۱)</sup>  
تا حکم نزول تو در این دار نوشته‌ست<sup>(۲)</sup>  
صد ره به عبث باز تراشید قلم را  
گر جوهرِ اوّل به حریم تو در آید  
تن در ندهد قامتِ تعظیم تو خم را  
آن روز که امکانِ حشم حادثه‌آراست  
تا کون<sup>(۳)</sup> ترا اصل مهمات نخواندند  
نشنید قضا ترجمه لفظِ اهم را  
تا مجمعِ امکان<sup>(۴)</sup> و وجوبت ننوشتند  
مورد متعین نشد اطلاقِ اعم را  
تقدیر به یک ناقه نشانید دو محمل  
تا نامِ ترا افسرِ فهرست نکردند  
شیرازِ مجموعه نبستند کرم را  
عرفی مشتاق این ره نعت است نه صحرایست  
آهسته<sup>(۵)</sup> که ره بردم تیغ است قدم را

۱- در نسخهٔ اوّل پیش این بیت شعر زیر هم یافته شد:

محوست عدیل تو که در گم شدن او  
دخلی نبود ما حی نسیان و عدم را

ولی این بیت حقیقتاً بابت قصیدهٔ دیگر است

۲- شرح آرزو، شرح مسرت، شرح فارغ، نسخهٔ ۲۹ = نوید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۹، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۱۸، ۲۰، شرح منیر = نوشت است

۳- ن ۹ = ذات؛ دیگر همه نسخ = کون

۴- ن ۱۷۰ = امکان وجوبت؛ دیگر همه نسخ = امکان و وجوبت؛ شرح مسرت = امکان ز وجوبت

۵- ۳۰ (حاشیه) = هشدار



هشدار که نتوان به یک آهنگ سرودن  
 نعت<sup>(۱)</sup> شه کونین و مدیح کی و جم را  
 شایسته به دست آر که بینند در این شهر  
 شایستگی جنس چه بسیار و چه کم<sup>(۲)</sup> را  
 گیرم که خرد حصر کند مایه<sup>(۳)</sup> نعتش  
 آن<sup>(۴)</sup> حوصله آخر به کجا نطق و رقم را  
 شاها به عطایت<sup>(۵)</sup> که از آن کام که دانی  
 نوید<sup>(۶)</sup> مهل عرفی محروم و دژم<sup>(۷)</sup> را  
 از باغ نعیمش مده انعام و میامیز  
 با مطلب او مطلب اصحاب شکم را  
 آسایش همسایگی حق ز تو خواهد  
 او هیمة دوزخ<sup>(۸)</sup> چه کند<sup>(۹)</sup> باغ ارم را<sup>(۱۰)</sup>  
 دانم نرسد ذره به خورشید و لیکن  
 شوق طیران می کشد ارباب هم را

- ۱- ن ۲۹، ۹ = مدح؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، و غیره = نعت  
 ۲- ن ۱۷۰ = چه بسیار و چه کم؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۹ و غیره = چه بسیار و چه کم  
 ۳- ن ۵، ۶، ۸، ۱۹، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = پایه نعتش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۱۷، ۲۰، شرح قطب و غیره = مایه نعتش  
 ۴- ن ۳۵ = کو؛ ن ۱، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۵، ۸، ۱۷ و غیره = آن  
 ۵- ن ۱۷۰ = بعطایت از آن کام؛ ن ۶، ۸ = بعنایت که از آن کام؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، شرح مسرت، شرح قطب، شرح آرزو = بعطایت که از آن کام  
 ۶- ن ۶ = محروم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۰، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = نوید  
 ۷- ن ۴، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰، ۲۹ = محروم دژم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۲۸، ۹ = محروم و دژم  
 ۸- ن شرح آرزو، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = قطب = دوزخ همت؛ ن ۱، ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۰، ۱۷۰، شرح مسرت، شرح میرزاجان = همه دوزخ؛ ن ۲۹ = دوزخ هیبت  
 ۹- شرح میرزاجان = چکند؛ شرح مسرت و شرح ملامنبر = نکند  
 ۱۰- آرزو نویسد: در مصرع لاحق این بیت نسخ مختلف یافته شده ..... در بعضی کتب بجای "نکند" "چه کند" واقع شده - در بعضی کتب این مصرع چنین بنظر آمده "او دوزخ همت نکند باغ ارم را" در بعضی جای درین صورت هم بجای "نه کند" "چه کند" مسطور است.

هر چند طبیعی<sup>(۱)</sup> بُوَد این مس<sup>(۲)</sup> تو بفرمای  
تا جلوه دهد فیض تو اکسیرِ کرم را  
من هم به سؤالی لبِ خجلت<sup>(۳)</sup> بگشایم<sup>(۴)</sup>  
ای آبِ حیات از لبِ تو<sup>(۵)</sup> خضرِ نعم را  
هر گاه که در مدح تو لغزم<sup>(۶)</sup>، تو ببخشای  
کز مدح ندانم من حیران شده ذم را  
تحصیل ثواب و شرفِ نسبتِ نعت<sup>(۷)</sup>  
زین گونه خجل ساخته حسانِ عجم را  
تا نعت<sup>(۸)</sup> تو آمد ز مشیت به نوشتن  
بالا نگرستن بشد از یاد<sup>(۹)</sup> قلم را  
دانش نگشاید به سزا عقده نعتش  
زینجاست<sup>(۱۰)</sup> که اندیشه نگون کرد علم را  
مدح تو ز اخلاص<sup>(۱۱)</sup> کنم کدیه نه از علم  
از بستکده چون آورم آهوی حرم را

- ۱- ن ۵، ۱۷، ۲۹، ۲۸، ۹، ۳۵، ۳۰، شرح مسرت، ۱۷۰ = طبیعی؛ بعضی نسخ = که طبعی
- ۲- ن ۲، ۴، ۳۰، ۵ (اصلی)، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = این نقص بفرمای؛ ن ۲۹ = این نفس بفرمای؛ ن ۱، ۸، ۵ (درست شده)، ۹، ۱۸، ۱۹، ۳۰، ۱۷۰، شرح مسرت، شرح قطب، شرح آرزو = این مس تو بفرمای
- ۳- ن ۶ (حاشیه) = خواهش؛ دیگر همه نسخ و شرح رحیم، شرح مسرت، شرح قطب، شرح شفیع = خجلت
- ۴- ن ۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = نگشایم؛ ن ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۳۰، ۱، ۸، ۲۹، ۳۵ = بگشایم
- ۵- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = از لب خضر تو نعم را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۰، ۲۸ = از لب تو خضر نعم را؛ ن ۱۷۰ = از لب خضر نعم را
- ۶- ن ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰ = بلغزم تو؛ ن ۴، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = تو لغزم تو
- ۷- شرح شفیع = ذات؛ دیگر نسخ و شرح مسرت، آرزو، قطب و غیره = نعت
- ۸- ن ۳۰، شرح رحیم = مدح؛ ن ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۵، ۹ و غیره = نعت
- ۹- شرح مسرت = دست؛ دیگر همه نسخ = یار
- ۱۰- ن ۱۷۰ = این جاست؛ دیگر همه نسخ = زین جاست
- ۱۱- ن ۲۹ = کنم کدیه ز اخلاص؛ دیگر همه نسخ = ز اخلاص کنم کدیه؛ ن ۹ = ز اخلاص کنم هدیه

## قصیده دَوَم در مدح عبدالرحیم خانخانان<sup>(۱)</sup>

ای داشته در سایه هم تیغ و قلم را  
وی ساخته آرایش هم فضل و کرم را  
جسم مرتبه خان<sup>(۲)</sup> خانان کز اثرِ نطق<sup>(۳)</sup>  
چون گل همگی<sup>(۴)</sup> گوش کند جذرِ اصم را  
این جام که از رای منیر تو فلک ساخت  
زود آ که کند غنچه گل<sup>(۵)</sup> شهرتِ جسم را  
یک شیوه شناسد غضبت<sup>(۶)</sup> عفو و مکافات  
یک نغمه<sup>(۷)</sup> شمارد کرمِ لاو نعم را  
جاوید همی ببخشد<sup>(۸)</sup> و از مایه نگاهد  
رشح قلمت ثروتِ اصنافِ امم را

خلاصه‌الاشعار: اشعار ۱۵، ۱۶ را گذاشته تمام اشعار این قصیده در خلاصه‌الاشعار انتخاب شده‌اند.

۱- این قصیده هم در زمین قصاید ابوالفرج رونی و انوری گفته شده است. مطالع قصاید این هر دو در زیر نقل می‌شوند. ابوالفرج:

امروز نشاط است قزه فضل و کرم را

امروز وفائیت عجب تیغ و قلم را

انوری:

ای قاعده تازه ز دست تو کرم را

وی مرتبه نوز بتان تو قلم را

۲- ن ۹ = دارای زمان کز ؛ پاورقی ن ۹ = خانخانان آن کز ؛ ن ۸، ۳۵ = جانان جهان ؛ ن ۲۹ = خان جهان ؛ مآثر رحیمی، شرح قطب، شرح عجیب و غریب = خانخانان ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، شرح رحیم، آرزو، منیر، مسرت، شفیع، ۱۷۰ = خان خانان (در شرح خودش میرزا جان نوشته: مخفی نماند که بعضی از ستم ظریفان نکته‌چین معترض‌اند و می‌گویند که کلمه خان خانان اثر جاف واقع است اما انصاف آن است که بیجا اعتراض می‌کنند)

۳- ن ۵، ۲۹، ۳۵ = لطف ؛ ن ۱، ۹، ۲، ۱۰۷ و غیره = نطق

۴- آرزو = همگین ؛ دیگر نسخ = همگی

۵- ن ۴ = غنچه و گل ؛ دیگر همه نسخ = غنچه گل

۶- ن ۳۵، ۱۷۰ = غضب و عفو و مکافات ؛ ن ۱، ۹، ۵، ۲۹ و غیره = غضب عفو و مکافات

۷- ن ۶ (حاشیه) = شیوه ؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۱۷۰، خلاصه، مسرت، شفیع، میرزا جان = نغمه

۸- مآثر رحیمی (حاشیه)، ۱۷۰ = جاوید ببخشد ؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و تمام شرح‌ها = همی ببخشد

گنجینه احسانت<sup>(۱)</sup> تُنْکِ مایه نگردد  
 گر تا ابد انعام دهد صفر رقم را<sup>(۲)</sup>  
 چرخ از شرف خاکی درت ساخت طلسمی  
 کز درگهت آن سو نَبُود راه قسم<sup>(۳)</sup> را  
 نگرفته<sup>(۴)</sup> ز انصاف تو در معرکه لاف  
 شادی طرفِ شادی و غم جانب غم را  
 گر بشنود از دهر که مردود کف تست<sup>(۵)</sup>  
 بیرون فگند سکه ز آغوش درم را  
 تا گوهرِ ذاتت ز حوادث بشمردند  
 صدگونه تملق<sup>(۶)</sup> به حدوث است قدم را  
 آگه نیم از شبه تو<sup>(۷)</sup> دانم که نزاده است<sup>(۸)</sup>  
 دوشیزه‌ای از دوده شبه تو عدم را  
 از عدل تو گر طبع چنین معتدل آید<sup>(۹)</sup>  
 آن عهد رسد عالم فرتوت<sup>(۱۰)</sup> و دژم را

۱- ن ۱، ۸، ۳۵، خلاصه = احساند؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = احسانش

۲- ن ۲۹ = صفحه؛ دیگر همه نسخ = صفر

۳- ن ۱۷۰ = قلم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۹ و غیره = قسم

۴- مسرت، قطب = بگرفته ز انصاف تو؛ خلاصه، عجیب و غریب، ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و غیره نگرفته ز انصاف تو

۵- ن ۸ = اوست؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۱۷۰ = تست

۶- ن ۶ = تعلق؛ ن ۱۹ = تخلف؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۲۰، شفیع، منیر، رحیم = تملق

۷- مأثر رحیمی = شبه که؛ دیگر همه نسخ = شبه تو

۸- ن ۵، ۴ = بزاد؛ دیگر همه نسخ مثل ۱۸، ۲۴، ۹، ۲۹، ۳۵ = نزاد است

۹- ن ۳۵ = آمد؛ دیگر همه نسخ = آید

۱۰- شرح منیر، ۲۹، ۱۸ = فرتوت و دژم؛ ن ۵، ۳۵، ۲۴، ۱۷۰ = فرتوت دژم

کز<sup>(۱)</sup> گمشدگی در قلم و هم نیاید<sup>(۲)</sup>  
 امکانِ رقمِ صورتِ مفهوم<sup>(۳)</sup> هم را  
 گر جاه<sup>(۴)</sup> حسودت به هنر هندسی افتد  
 در<sup>(۵)</sup> مرتبه نقصان رسد از صفر رقم را  
 بدخواه تو خوشدل که به وی چرخ به صلح است  
 غافل که کشد آشتی گرک غنم را  
 هر تشنه که لب مانند برو<sup>(۶)</sup>، آب لبش خورد<sup>(۷)</sup>  
 از بس که فشرده است<sup>(۸)</sup> کفِ جوَدِ تو یم را  
 از بس که کفِ راد<sup>(۹)</sup> تو بی فاصله بخش است<sup>(۱۰)</sup>  
 در جوَدِ تو نی بیش بود<sup>(۱۱)</sup> راه و نه کم را  
 دستِ تو ز بس الفتِ شان داد به یک جای<sup>(۱۲)</sup>  
 در منصب هم دخل بود تیغ و قلم را  
 آن روز که ایثار<sup>(۱۳)</sup> شجاعت نگذارد  
 بی بهره ز تیغ مگر آهوی حرم را

- ۱- ن ۱۷، ۲۹، ۳۵ = کز؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۹، ۳۰، ۱۸، ۲۴، ۹، قطب، مسرت، منیر، شفیع = کز  
 ۲- ن ۳، ۴، ۲۹ = نماید؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۵ = نماند؛ مسرت = (در بعضی نسخ بجای "نیاید" "نیارد")؛ ن ۱، ۵، مسرت، قطب، شفیع = نیاید  
 ۳- ن ۱، ۴، ۳، ۱۷، ۵، ۲۴، ۹، ۲۵، ۳۵، ۱۷۰ = مفهوم؛ شرح مسرت = موهوم  
 ۴- ن ۱۷ = شکل؛ ن ۱، ۴، ۳، ۵، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، مآثر رحیمی، شرح مسرت، قطب، منیر، رحیم و غیره = جاه  
 ۵- شرح منیر = صد؛ دیگر همه نسخ = در  
 ۶- ن ۱۷ = بران؛ دیگر همه نسخ = برو  
 ۷- ن ۹ = ده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = خورد (در نسخه های چاپی مثل ۱۸، ۲۴ این بیت نیافته شد)  
 ۸- ن ۹، رحیم، مسرت، ۱۷۰ = فشرده است؛ ن ۹، ۲۹، ۳۵ = فشرده است  
 ۹- ن ۶، ۱۷، ۲۹، شرح منیر = جوَد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۵، ۳۰، شفیع، رحیم، عجیب و غریب = راد  
 ۱۰- ن ۲۹ = بخشد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۵، ۱۷۰، شفیع = بخش است  
 ۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، مآثر رحیمی، شرح منیر، شرح رحیم = نی راه بود بیش و نه کم را؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = نی بیش بود راه و نه کم را  
 ۱۲- در بعضی نسخ "جا" و در دیگران "جای"  
 اشعار ۳۲، ۳۴ = بهار عجم

هر عطسه که از مغز کمان تو گشاید<sup>(۱)</sup>

ریزد به گریبان بقا خون عدم را

آنجا که نهیب تو تپ لرزه کند عام

اعمی متحرک نگردد نبض بقم<sup>(۲)</sup> را

سلطان<sup>(۳)</sup> غم از عدل<sup>(۴)</sup> تو بگریخته بگذاشت<sup>(۵)</sup>

در سینه اعدای تو اوتاد خیم را

از بسکه بود یاد تو در طینت<sup>(۶)</sup> اشیاء

نسیان تو شرمنده کند شهرت جم را

افلاک در آغوش مشیت بنهادند

از بیع تمنای تو قانون سلم<sup>(۷)</sup> را

در کارگو عدل تو از بس هنر آموخت

عدل تو به فرزندی برداشت ستم را

از بس که ز رای تو ستند داروی صحت

عیسی به طبابت بنشانید سقم را

رد می کند اسباب هرم بخت تو، ترسم

کز زلف بت من برد آرایش خم را

از بس که حسد جمع کند سینه خصمت

از سینه افلاک برد گوی ورم<sup>(۸)</sup> را

۱۳- شرح میرزا جان، مسرت، شفیع، ۱، ۹، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، قطب، منیر، رحیم = اینار؛ ن ۱، ۲، ۶، ۱۷، مآثر رحیمی، خلاصه = آثار

۱- شرح شفیع، منیر، قطب = برآید؛ ن ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = گشاید

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، شفیع، قطب = ستم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بقم

۳- در نسخه های چاپی مثل ۱۸، ۲۴، ۳۰ و نیز در شرح شفیع این بیت نیافته شد

۴- ن ۶ = خوف؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵، مآثر رحیمی = عدل

۵- شرح رحیم = بگریخت و بگذاشت؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه = بگریخته بگذاشت

۶- ن ۸، ۳۵، ۵ = سینه اشیاء؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و غیره = طینت

۷- ن ۲۹ = قانون و سلم؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۹، ۱۷۰ و غیره = قانون سلم

۸- ن ۱، ۸، ۲۰، ۳۵، ۲۴، ۱۷۰ = درم؛ ن ۲، ۵، ۹، ۴، ۱۸، ۱۷، ۲۹، ۳۰، عجیب و غریب = ورم

خصمت چو ز روبه صفتی لایه گر آید  
 از سردی او<sup>(۱)</sup> تب شکند شیر اجم را  
 زد کوس<sup>(۲)</sup> حیات ابدی خصم تو، چون دید  
 سرمایه هستی ز وجود تو عدم را  
 تقدیر پی کاهش اجزای وجودش  
 اکسیر فنا داد گدازش<sup>(۳)</sup> گر غم را  
 رامشگر عدل تو صد آهنگی مخالف  
 بنوازد و نی زیر<sup>(۴)</sup> کند کوک و نه بم را  
 محویست عدلی تو که در گم شدن او<sup>(۵)</sup>  
 دخلی نبود ماحی نسیان و عدم<sup>(۶)</sup> را  
 ای آنکه در ایام ستایش گری تو  
 صوفی شمرده عیب نگهبانی دم را  
 مدح<sup>(۷)</sup> تو کجا باده نطقم<sup>(۸)</sup> به کف آرد  
 آنجا اثر نوش بود نشئه سم را  
 بخرام و نظر کن که به جولانگه مدحت  
 حور قلم<sup>(۹)</sup> زاده گلستان ارم را

۱- ن ۲۹ = دم؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = او

۲- ن ۳۰، ۲۴، ۱۷۰ (نسخ چاپی) = گوش؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و دیگر نسخ = کوس

۳- ن ۲۹، ۱۷، ۱۸، ۹، ۱۷۱، خلاصه، عجیب و غریب، مآثر رحیمی، قطب = گدازش؛ ن ۴، ۲۴، ۳۰، شرح شفیع = گدازش؛ ن ۳۵، ۱۷۰ = گدازش؟

۴- ن ۹، ۲۰، ۱۸، ۳۰، ۱۷۱، ۲۴، مآثر رحیمی، شرح رحیم = بنوازد و نی کوک کند زیر و نه بم را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۶، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بنوازد و نی زیر کند کوک و نه بم را

۵- ن ۱، ۵، مآثر رحیمی، شرح منیر = آن؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۲۴، ۱۷۱، شرح رحیم، قطب، شفیع = او

۶- ن ۱۷۱ = نسیان حرم؛ ن ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۳۰، ۲۰، ۸ = نسیان قدم؛ ن ۲، ۵، ۱۷، مسرت = نسیان عدم؛ ن ۱۹ = نسیان قلم؛ ن ۳، ۴، ۹، ۸، ۲۹، شرح شفیع، عجیب و غریب = نسیان و عدم؛ ن ۳۵ = نسیان و قدم

۷- ن ۱، ۵ = مدحت زکجا؛ دیگر نسخ مثل شرح میرزا جان، ۲۹، ۳، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = مدح تو کجا

۸- ن ۱، ۵، ۳۵، شرح عجیب و غریب = نظم؛ ن ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، شرح شفیع، شرح رحیم و غیره = نظم؛ ن ۱۷۰ = نظم؟

۹- خلاصه = چوب قلم؛ ن ۹ = حور قلم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = حور قلم؛ ن ۱۷۰

انصاف بده<sup>(۱)</sup> بوالفرج و انوری امروز  
 بهر چه غنیمت نشمارند<sup>(۲)</sup> عدم را  
 روح الله<sup>(۳)</sup> از اعجازِ نفس جان دوشان باد<sup>(۴)</sup>  
 تا من قلم<sup>(۵)</sup> اندازم و گیرند قلم را  
 اول رو این نظم خود ایشان بسپردند<sup>(۶)</sup>  
 پس باز نمودیم به هم منزل هم را  
 بالله که نه لاف و نه گزاف، آیه صدقست  
 حاسد بود آن کو شمرد کذب قسم را  
 زان<sup>(۷)</sup> دوست<sup>(۸)</sup> مرا داشتی آن عالم<sup>(۹)</sup> انصاف  
 کز رحلت<sup>(۱۰)</sup> خود داد شرف<sup>(۱۱)</sup> ملکِ قدم را  
 معیارِ سخن بود،<sup>(۱۲)</sup> تو<sup>(۱۳)</sup> هم گنج تمیزی  
 دیگر چه توان گفت،<sup>(۱۴)</sup> بین معجز دم را

ادامهٔ باورقی از صفحهٔ قبل

= حوری قلم

۱- خلاصه = بود؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = انصاف بده

۲- ن ۲۴، ۳۰ (نسخه‌های خطی) = بشمارند؛ دیگر همه نسخ بشمول ن ۹، ۱۷۱ (نسخه‌های چاپی) = نشمارند

۳- در شرح عجیب و غریب از قرات "روح الله" بجای "بسم الله" و "باد" بجای "باز" تشریح این بیت کرده شده است و این درست می‌نماید ولی در تمام نسخه‌های مثل ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = "بسم الله" و "باز" است. در نسخه ۱۷۰ = بجای "باز" "باش" است

۴- در شرح عجیب و غریب از قرات "روح الله" بجای "بسم الله" و "باد" بجای "باز" تشریح این بیت کرده شده است و این درست می‌نماید ولی در تمام نسخه‌های مثل ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = "بسم الله" و "باز" است. در نسخه ۱۷۰ = بجای "باز" "باش" است

۵- ن ۹ = قلم؟

۶- ن ۲۹، ۳۵ = نه سپردند؛ ن ۱، ۵، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸ و غیره = بسپردند

۷- شرح شفیع و عجیب و غریب = زان؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۷، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = زین

۸- ن ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱، ۱۹، ۲۰، شرح رحیم، شفیع، عجیب و غریب، مآثر رحیمی = دوست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = دست

۹- ن ۵، ۸، ۳۵ = آیت؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۹، مآثر رحیمی = عالم

۱۰- خلاصه = حالت؛ تمام نسخ دیوان = رحلت

۱۱- ن ۲۹ = تاج شرف داد عدم را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۳۵، ۱۷۱ = داد شرف ملک قدم را

۱۲- اشاره بطرف حکیم ابوالفتح مربی و استاد عرفی



چندان که درت را رسد<sup>(۱۵)</sup> از نسبت من عار  
 از نسبت من فخر بود ملک عجم را  
 من مدح گرم لیک<sup>(۱۶)</sup> نه هر جایی و طامع  
 گردن نهم<sup>(۱۷)</sup> منت هر بذل و کرم را  
 دستان نزنند بُلبُل من بر گل هر شاخ  
 باید گل خورشید مر این صوت و نغم را  
 یک منعم<sup>(۱۸)</sup> و یک نعمت و یک منت و یک شکر  
 صد شکر که تقدیر چنین رانده قلم را  
 گر جاهلی آواز دهد کاین<sup>(۱۹)</sup> چه ترانه‌ست  
 حاجت ببر از یاد، چه بسیار و چه کم را  
 گویم که برو،<sup>(۲۰)</sup> ژاژمخا، باد میما  
 این پایه مسلم نبود حاتم و جم را  
 امکان بود امکان که همه عجز و نیاز است  
 سرمایه فطرت چه سلاطین چه خدم را  
 سلطان و گدا در طلب جامه و نان‌اند  
 تا باز بگیرند<sup>(۲۱)</sup> جسد را و شکم را

۱۳- اشاره بطرف خانخانان که دوست ابوالفتح بود و عرفی از توسط ابوالفتح به خانخانان معرفی شده بود.

۱۴- خلاصه = دید؛ همه نسخ کلیات = گفت

۱۵- ن ۹، ۳۰، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ (نسخ چاپی) = بود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = رسد

۱۶- ن ۱۹ = مدح گرم و لیک؛ دیگر همه نسخ = من مدح گرم لیک

۱۷- ن ۱۷، ۴، ۳، ۲۴، ۱۷، ۸، ۳۵، شرح قطب = گردن نشوم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۲۴، ۱۷۱ = گردن نه نهم؛ ن ۱۷۰ = گردن نه شود

۱۸- ن ۱، ۵ = یک نعمت و یک منعم و یک منع و یک شکر؛ ن ۸، ۳۵ = یک منت و یک نعمت و یک منعم و یک شکر؛ ن

۲۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۰، ۱۷۱ = یک منعم و یک نعمت و یک منت و یک شکر

۱۹- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = این؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = کاین

۲۰- ن ۲۹ = مرو؛ دیگر همه نسخ = برو

۲۱- ن ۴، ۲۹، ۱۷۰ = باز بگیرند؛ ن ۵، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = بگیرند؛ ن ۱۷ = باز نگیرند

ممکن<sup>(۱)</sup> هنرش چیست زیک در طلبیدن  
عیش چه به هر در شدن ایثار<sup>(۲)</sup> نعم را  
یارب مده این عیب که زحمت ندهم<sup>(۳)</sup> باز  
در زیور این زشت براهین حکم<sup>(۴)</sup> را  
عرفی همه لافى، به دعا تیز قدم شو<sup>(۵)</sup>  
بشتاب، که میدان نشود تنگ رقم<sup>(۶)</sup> را  
تا از کشش خواهش<sup>(۷)</sup> و آویزش مقصود  
طبیع کوه و بیجاده بود آز و کرم را  
در خواهش عمر تو ابد باد موله  
ز آویزش عهد<sup>(۸)</sup> تو شرف باد قدم را  
صنعت گوشان چشم<sup>(۹)</sup> و دل خصم تو بادا  
تا صنعت تحلیل بود آتش و نم را

### قصیده سوّم

### در نعت سید المرسلین صلّ الله و علیه و سلم

- 
- ۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۷، ۱۷۱ = لیکن؛ ن ۶، ۱۲، ۲۹ = مسکین؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = ممکن  
۲- ن ۴، ۱۹ = ایثار و نعم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، مآثر رحیمی و غیره = ایثار نعم  
۳- ن ۶، ۱۷۰ = نکشم؛ ن ۲، ۴، ۱۹، ۲۰، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = بدهم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه و غیره = ندهم  
۴- ن ۴، ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۱۷۱، خلاصه، رحیم = براهین و حکم؛ ن ۵، ۱۷، ۳۵، شرح عجیب و غریب = براهین حکم  
۵- ن ۲۰، ۳۵ = کن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۲۹ = شو  
۶- ن ۱۷ = الم؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰، ۲۹، ۳۵ = رقم  
۷- ن ۲۹ = کشش و خواهش؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۵، ۱۷۱ = کشش خواهش  
۸- ن ۱، ۵ = عدل؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۹، ۱۸، ۲۴ = غیره = عهد تو  
۹- مآثر رحیمی = جان؛ مسرت، ۱۷۰ = جسم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = چشم

سر در پی خویش داده<sup>(۲)</sup> ما را  
 از کـوچـه ما طلب وفا را  
 بی مژده<sup>(۴)</sup> ندیده‌ام صبا را  
 کـامـروز مُسَلِّم است ما را  
 آواره<sup>(۷)</sup> ز کـفـش کرده پا را  
 بهر تو تهی کنم چه جا را  
 ناکرده تمام یک نوا را  
 ناکرده به دوش یک قبا را  
 آفات<sup>(۱۰)</sup> نجوم فتنه‌زا را  
 این کارکنان کبریا را  
 مـمـنـون اثر کنم دعا را  
 یا بخل<sup>(۱۱)</sup> عطای<sup>(۱۲)</sup> مدعا را  
 از خـسـانه بـرون کنم هوا<sup>(۱۴)</sup> را  
 مـعـزول ندیده‌ام ریا<sup>(۱۵)</sup> را  
 دست اجل شکسته پا را

ای بر زده دامنِ بلا<sup>(۱)</sup> را  
 چون در ره مردمی نهی پای  
 یادم<sup>(۳)</sup> نکنی و هیچ گه من  
 دیوانگی<sup>(۵)</sup> محبت تو  
 بیگانه ز تاج کرده<sup>(۶)</sup> تارک  
 جان و دل من پُر از غمِ تست<sup>(۸)</sup>  
 آماده صد سرودِ دردم  
 صد چاک سپرده‌ام به هر دست<sup>(۹)</sup>  
 تا کی به شکیب در پذیرم  
 یارب چه عداوت است با من  
 ای بخت چنان مکن که آخر  
 یا دست جفای چرخ بر بند  
 با خویش چو راز<sup>(۱۳)</sup> دوست گویم  
 در ملک فرنگ و شهر اسلام  
 تا کی به میانِ خود بینم

۱-ن ۲۸ = مدارا؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = بلارا

۲- مسرت = کرد؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = داده

۳-ن ۱۹ = آدم؛ دیگر همه نسخ = یادم

۴-ن ۱۹ = بی یاد ندیده‌ام شمارا؛ دیگر همه نسخ مثل ۵، ۳۵، ۱۸، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = بی مژده ندیده‌ام صبا را

۵-ن ۹ (پاورقی)، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، رحیم (همه چاپی) = دیوان گری؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۵، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ = دیوانگی

۶-ن ۱، ۴، ۱۷، ۱۷۱، ۳۵، ۱۸، ۲۴ = کرد؛ ن ۲۸ = برد؛ ن کارنامه = کرده

۷-ن ۹، ۱۷۰، ۲۸، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = آواره؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۸، ۲۰ = آزاده

۸-ن ۵، ۱ = تو؛ ن ۱۷، ۳۵، ۱۷۰، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۲۸ = تست

۹-ن ۲۴، ۳۰ = بهر دشت؛ ن ۵، ۳۵، ۱۸، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = بهر دست

۱۰-ن ۱۷۰ = آسیب؛ ن ۲۸، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = آفات

۱۱-ن ۹، ۱۸، ۵، ۱۹، ۲۰، ۲۴، عجیب = بخل؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ = نخل

۱۲-ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳۵، ۲۸، ۳۵ = غذای؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = عطای؛ ن ۱۷۰ = برار

۱۳-ن ۸، ۳۵ = چراز دوست؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۱۷۰، ۱۷۱ = چو راز دوست

۱۴-ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، ۳۰ = کارنامه صبا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ = رحیم = هوا

۱۵-ن ۳۰، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۹ = هوا؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۷، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ = ریا

در انجمن جمال رویت<sup>(۱)</sup>      بگرفته<sup>(۲)</sup> ز آفتاب<sup>(۳)</sup> جا را  
 گر نقش جمال تو نگیرد<sup>(۴)</sup>      از سینه برون کنم صفا را<sup>(۵)</sup>  
 تا کی فلکم به عشوه گوید      کای وهم تو کرده پی صبا را  
 از عشقِ فلان به باد دادی      سرمایه دانش و ذکا را  
 هر چند که راست گوید اما      خاموشی این ستم فزا را  
 رفتم که به گنج<sup>(۶)</sup> خانه طبع      مروهون شرف کنم ثنا را  
 گنجی به کف آورم که شاید      سرمایه نعمتِ مصطفی را  
 درج گهر آورم که زبید<sup>(۷)</sup>      آویزه<sup>(۸)</sup> گوش انبیا را  
 دستی سخن آورم که باشد<sup>(۹)</sup>      مجموعه لطف<sup>(۱۰)</sup> اولیا را  
 اینک به زبان رساندم از دل      تا داغ کنم دل سما<sup>(۱۱)</sup> را  
 ای جوید تو دست و دل سخا را      وی عزم تو بال و پر صبا را<sup>(۱۲)</sup>

### قصیده چهارم

در مدح یکی از ممدوحین عرفی که اسمش معلوم نشد (نا تمام)<sup>(۱۳)</sup>

- 
- ۱- ن ۱، ۵، ۱۸، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = رویت؛ مسرت = روایت  
 ۲- مسرت = بگرفت؛ دیگر همه نسخ = بگرفته  
 ۳- بهار عجم = بر آفتاب؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۱۷۰، ۱۸، ۲۴، ۹ و غیره = ز آفتاب  
 ۴- ن ۸، ۳۵، ۱۷۰ = بگيرد؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = نگيرد؛ ن ۱۷۰ = مگيرد؟  
 ۵- در شرح مسرت این بیت قبل از شعر دهم یافته شد  
 ۶- ن ۶ (نسخه چاپی)، ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = گنج؛ ن ۹، ۲۴، ۱۷۱ (نسخ چاپی) = گنج  
 ۷- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = زبید؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۰، ۱۷۱ = شاید؛ ن ۱۷۰ = باشد  
 ۸- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = گنجینه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۰، ۳۰، ۱۷۱ = آویزه  
 ۹- قطب = شوید؛ ن ۱۷۰ = باشد؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱، رحیم، ترجمه قطب = شد  
 ۱۰- مسرت = مجموعه نصف؟؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۸، ۲۴ = مجموعه لطف؛ ن ۱۷۱ = مجموعه را لطف  
 ۱۱- ن ۲، ۵، ۸، ۱۹، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = شما؛ ن ۱، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۰، ۳۰، ۱۷۱، شرح رحیم = سما  
 ۱۲- از این مطلع ثانی پیدا می شود که این قصیده نا تمام است  
 ۱۳- این پاره قصیده تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۳۵ (همه نقل های نسخه سراجا)، نسخه ۱۷ (ترتیب داده ناظم

هنگامِ سماع است دلا نطق و بیان<sup>(۱)</sup> را  
 دامن به میان زن نفس زهرشان را<sup>(۲)</sup>  
 فریاد که از شورش<sup>(۳)</sup> دل چشمه اندوه<sup>(۴)</sup>  
 جوشی زد و برداشت ز لب مهرِ بُتان<sup>(۵)</sup> را  
 تیفی که ز خون جگرم آب ستاند  
 در کعبه شکافد زره امن و امان را  
 تیفی به گلوی جگرم بوسه شمارد  
 کز بوس<sup>(۶)</sup> لب سایه زند زخم فسان را  
 در باغ امیدم شکفت فتنه به هر گام  
 دستِ هنرِ نامیه و پای خزان را  
 گر عطسه زند در چمنِ خلد دماغم  
 از فرطِ یبوست که دهد طبع جنان را  
 با جذبِ نقودی<sup>(۷)</sup> که شجر داد به شبنم<sup>(۸)</sup>  
 برگ و بر طوبی نپذیرد سیلان را

### قصیده پنجم

ادامهٔ پاورقی از صفحهٔ قبل

تبریزی)، نسخه ۴۲ (کتابخانه مجلس ملی تهران)، نسخه ۱۷۲ (مبنی به نسخه سراجا و محفوظ در نیشنل لایبرمری - کتابخانه ملی - کلکته هند) و نسخه ۱۷۳ (ملک کمال ادیب‌بیک، استاد دانشگاه انقره ترکیه) یافته شد و یکی از آنها قصاید می‌نماید که عرفی پیش از ورود به هند در ایران سروده بود در زمین قصیدهٔ انوری به این مطلع: باز این چه جوانی و جمال است جهان را وین حال که نوگشت زمین را و زمان را

۱- ن ۱۷۳ = نطق بیان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = نطق و بیان

۲- این مطلع در نسخه کمال ادیب بیگ وجود ندارد

۳- ن ۱۷۳ = سوزش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳۵ = شورش

۴- ن ۱۷ = حیوان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۳۵، ۱۷۲، نسخه کمال ادیب = اندوه

۵- ن ۱۷، ۱۷۲، ۱۷۳ = بیان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بتان

۶- در نسخه ۱۷۳ و دیگر همه نسخ بوس هست ولی دکتر نعیم الدین بوسه خوانده است

۷- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵ = نقودی؛ ن ۲۱ (مبنی بر ن ۱۷۳) = نقودی؛ ن ۱۷ = نفوسی؟

۸- ن ۱۷۳ = داد نصیم؛ ن ۲ = داد به شبنم؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = دارد تسنیم؛ ن ۳۵ = دارد و تسنیم؛ ن سحر دارد نسیم؟

## در نعت سید المرسلین صل الله علیه و سلم<sup>(۱)</sup>

زهی نظام ز شرع تو دین و دنی را  
 ترا نیابت و شاهی ملک تعالی را  
 نه انجم است فلک را، که از غرور<sup>(۲)</sup> چو گفت  
 به روی رفعت جاه تو حرف دعوی را  
 قضا ز فرط غضب برکشید دندانها  
 فرو نشاند به تارک<sup>(۳)</sup> سپهر اعلی را  
 قضا به منع وجود مشابعت<sup>(۴)</sup> شاید  
 که ضد صورت نوعی کند هیولی را  
 به بوسه حامله سازد بساط ایوانش  
 لب غرور فروشان بسزم علوی را  
 چنین که می سزد او را صفات شایسته  
 بین چه حوصله بوده ست عقل اولی را  
 که در معامله نسبت الوهیت  
 نگاه داشته بر لب حدیث آری<sup>(۵)</sup> را  
 فریب<sup>(۶)</sup> ناشده عفو او سیه سازد  
 به توتیای معاصی دو چشمه تقوی را

۱- این قصیده ناتمام تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۳۵، ۲۹ (همه نقل های نسخه سراجا)، نسخه ۱۷ (ترتیب داده ناظم تبریزی)، ن ۴۲ (کتابخانه مجلس شورای ملی تهران)، نسخه ۱۷۲ (نسخه محفوظ در کتابخانه ملی نیشنل لایبری کلکته هند)، ن ۱۷۳ (نسخه کمال ادیب بیگ استاد دانشگاه انقره) نیز در نسخه ۴۴ (دیوان عرفی نمره ۶۷۸/ف محفوظ در کتابخانه ملی تهران) یافته شد و یکی از قصاید کمیاب عرفیست. ظاهراً این هم قبل ورود عرفی در هند سروده شده بود در زمینه قصیده انوری باین مطلع:

نمونه گشت زمین مرغزار عقبی را

قبا به سبزه بیماراست باغ دینی را

۲- ن ۱۲، ۱۷۳ = چو گفت؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲، ۴۴ = چه گفت

۳- ن ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۱۷، ۳۵ = به تارک؛ ن ۱، ۲، ۱۷۲، ۴۴ = تبارک؟

۴- ن ۲ = خود ار کند؛ ن ۱، ۷، ۸، ۱۲، ۱۷، ۳۵، ۱۷۳، ۴۴ = مشابعت

۵- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = اولی؛ ن ۲، ۷، ۸، ۱۲، ۱۷، ۳۵، ۴۴ = آری

۶- ن ۲، ۱۷۲ قریب؛ ن ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۱۷، ۳۵ = فریب

به صد دلیل که تقدیم ذات از او<sup>(۱)</sup> عمل است<sup>(۲)</sup>

نیافت وهم غلط رو عنانِ دعوی را

همین دلیلِ فصاحت<sup>(۳)</sup> بسم که در تأویل

ز من کسی نشنیده‌ست لفظ "یعنی" را

حسود از آن دهد انصاف در بلاغتِ من

که شیوه<sup>(۴)</sup> عذبی لابد است خشتی را

چنان به شیوه پاکیزگی عبارت من

ز فیض نعت تو ثابت نموده دعوی را

که بی وسیله شرطِ نکاح و دأبِ وصال<sup>(۵)</sup>

برهنه در بغل آرد عروس معنی را

(ناتمام)

### قصیده ششم

در مدح حکیم ابوالفتح گیلانی<sup>(۶)</sup>

مرحبا ای شاهد<sup>(۷)</sup> ایام را عهد شباب

وی<sup>(۸)</sup> بهین<sup>(۹)</sup> نوپاوه باغ دعای مستجاب

خلاصه: اشعار ۸ تا ۱۱، ۱۸ تا ۲۰، ۵۰ تا ۵۰؛ بهار عجم

۱- ۸، ۲، ۴۴، ۱۷۳ = ازان؛ ن ۱، ۵، ۷، ۱۲، ۳۵، ۱۷۲ = ازو

۲- ۱۷۲ = عملست؛ دیگر همه نسخ = عمل است

۳- ۱۷۳ = وضاحت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۷، ۱۲، ۱۷، ۳۵، ۴۴، ۱۷۲، ۱۷۳ = فصاحت

۴- ۸، ۲، ۷، ۱۷، ۴۴، ۱۷۳ = که شیوه عدلی لاید است خشتی را؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۲، ۳۵، ۱۷۲ = ز فیض نعت تو ثابت نموده

دعوی را (درین شش نسخه یک شعر کم است و اشعار ۱۱، ۱۲ را بطور یک شکر نوشته‌اند)

۵- ۱۷۳ = وصول؛ دیگر همه نسخ = وصال

۶- مطابق بیان عبدالحمید خان، شرح نویس "عجیب و غریب" شهنشاه اکبر حکیم ابوالفتح را برای رفتن به مهم اذن داده بود ولی حکیم نرفت و پادشاه عهده‌اش را تغییر داد و در حضور خود طلبید و بمرتبه سابق بحال کرد - این قصیده بآن وقت سروده شده بود.

۷- مسرت = گشتن؛ دیگر همه نسخ = شاهد

۸- ۱، ۴، ۵، ۸، ۳، ۶، ۲۹، ۳۵، خلاصه، مسرت = ای؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، کارنامه، آرزو = وی

۹- ۶ = ثمین؛ ۲، ۸، ۱۷، ۳۵ = مهین؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱، منیر، رحیم، کارنامه،

مسرت، آرزو = بهین

مرحبا ای اوج بخش در حُضیض افتادگان  
 کز تو بر<sup>(۱)</sup> بازوی عصفور است شهبالِ عقاب  
 مرحبا ای نوشداروی مزاجِ روزگار  
 کز تو در کامِ حسود<sup>(۲)</sup> است افعی غم را لعاب  
 مرحبا<sup>(۳)</sup> ای کز لیاقت یافت تجدید<sup>(۴)</sup> نزول  
 آیتِ جاهت بدونِ نسخ چون أم الکتاب  
 در حضور و غیبت از فیض تو<sup>(۵)</sup> عالم متنع<sup>(۶)</sup>  
 مدح و ذم را من ندانم،<sup>(۷)</sup> آفتابی آفتاب  
 آفتاب گفتم و مهر<sup>(۸)</sup> از شعف بیهوش<sup>(۹)</sup> گشت  
 از خوی گل عارضات بر دماغش زن گلاب  
 کی<sup>(۱۰)</sup> عروسِ بختِ اعدای تو گردد حامله  
 کز سفیدی داشت در گهواره گیسویش خضاب  
 در محیطِ عصمت گرسخت و شو یابد، شود  
 دامنِ آلوده عصیان مصلای ثواب<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۲۹ = در؛ دیگر همه نسخ = بر

۲- ن ۲۸ = حسودت؛ دیگر همه نسخ = حسود است

۳- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ این مطلع بعد از اشعار ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ یافته شد و این چهار اشعار بعد شعر ۱۵ وجود دارد. ترتیب نسخه موجود مطابق ترتیب نسخ ۲، ۴، ۶، ۱۷ و غیره هست.

۴- ن ۶ = مرحمت بخشد ز دل اما در حاشیه "تجدید نزول" هست. در دیگر همه نسخ "تجدید نزول" هست.

۵- ن ۳۵ = دو؛ دیگر همه نسخ = تو

۶- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹ (پاورقی)، خلاصه، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، کارنامه، شرح آرزو = متنع؛ ن ۱۸ = مستفیض؛ ن ۲۴، ۲۵، ۱۷۱، رحیم = مستفید

۷- خلاصه = می دانم؛ دیگر همه نسخ = من ندانم

۸- شرح رحیم = ماه؛ دیگر همه نسخ بشمول خلاصه و دیگر شرح ها = مهر

۹- ن ۶ = مدهوش؛ دیگر همه نسخ بشمول خلاصه و شرح ها = بیهوش

۱۰- خلاصه = گر؛ همه نسخ کلیات = کی

۱۱- ن ۲۸ = صواب؛ دیگر همه نسخ = ثواب



گر نسیمِ باغِ خلقتِ مستشر گردد، شود  
 عطسه از مغزِ یبوست چشمه‌انگیزِ گلاب<sup>(۱)</sup>  
 در شبستانِ گناه از شمعِ ارشاد آوری  
 در وی از بهر صفا صد اربعین دارد ثواب<sup>(۲)</sup>  
 نغمه‌ای از ارغنونِ بزمِ احبابِ تو عیش<sup>(۳)</sup>  
 نشئه‌ای<sup>(۴)</sup> از کوکنارِ بختِ اعدای تو خواب  
 منشاء<sup>(۵)</sup> فخرِ عقولی چون کلام<sup>(۶)</sup> مستدام  
 مظهرِ حُسنِ قبولی چون دعای مستجاب  
 معتبر در ذاتِ تو دولت، چو هستی در قدم  
 تعبیه در طبعِ تو همت، چو هستی در شراب  
 بره‌ای از آهوانِ مرتع<sup>(۷)</sup> جاهت حمل  
 تره‌ای<sup>(۸)</sup> از سرخِ بید<sup>(۹)</sup> روضه قهرت،<sup>(۱۰)</sup> شهاب  
 نامِ عدلت چو بزمِ معمور گردد جانِ لفظ  
 وصفِ خُشمت چون کنم گردد دلِ معنی خراب<sup>(۱۱)</sup>  
 پرچمِ رمحِ تو در آشوب‌گاهِ معرکه  
 لیلة القدریست در هنگامه یومِ حساب

۱- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد

۲- فقط در نسخ ۲، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد

۳- ن ۱۷۰ = عشق؛ دیگر همه نسخ = عیش

۴- ن ۳۵ = تشنه؛ دیگر همه نسخ = نشئه

۵- ن ۳۵، ۲۸ = نشاء؛ ن ۱، ۲۹، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = منشاء

۶- ن ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه = کمال؛ ن ۲ (حاشیه)، ۹ (پاورقی)، ۱۷۰، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، کارنامه،

منیر، آرزو، رحیم، عجیب و غریب = کلام

۷- ن ۶ = مرتفع؛ ن ۸، ۳۵ = مزرع؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱، بهار عجم = مرتع

۸- ن ۹ = ترکه‌ای؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵ = تره‌ای

۹- ن ۲۸ = طره‌ای از شرع عید؟

۱۰- ن ۲۹ = مهرت؛ ن ۲۸ = فطرت؛ دیگر نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۶، ۹، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۱۷۱ = قهرت

۱۱- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ این بیت یافته نمی‌شود و بجای آن بیت زیر وجود دارد

مدح طبعت چون کنم اندیشه مستسقی شود      وصف قهرت چون کنم گردد دل معنی خراب

می‌کنند<sup>(۱)</sup> از گلشنِ خلقت عروسانِ بهشت  
 سُنبُلِ اندر جیبِ زُلف و گُل به دامنِ نقاب  
 خیمهٔ جاهت کجا<sup>(۲)</sup> و تنگنای لامکان  
 در فضای قدرِ خود می‌کش طناب اندر طناب  
 در دیاری که‌اش بُود نظمِ امور از عفو تو  
 معصیت را کفش شویند<sup>(۳)</sup> از گلابِ احتساب  
 نو و عروسی دان دلِ اعدای جاهت کش بُود  
 اشک<sup>(۴)</sup> زلفِ نیم‌تاب و مرگ چشمِ نیم‌خواب  
 رشتهٔ تورش دمی دیگر نماند بر زمین  
 بسکه دارد آفتاب از رشکِ رایت پیچ و تاب  
 ماهتاب<sup>(۵)</sup> از شوق پا بوسه دلِ خود می‌خورد  
 تا ز بهر نقره<sup>(۶)</sup> خنگت آورد زرینِ رکاب  
 چون در آید همتِ مطلب شکافد در سؤال  
 تر زبانی چون<sup>(۷)</sup> تمنا خشک ماند در جواب  
 آسمان از<sup>(۸)</sup> زیر بامت<sup>(۹)</sup> گوید ای عالی مکان<sup>(۱۰)</sup>  
 جوهرِ کل ز آستانهٔ گوید ای قدسی جناب<sup>(۱۱)</sup>

۱- ۲۸، ۱۷، ۱ = می‌کشد؛ دیگر همه نسخ و خلاصه، شرح رحیم و غیره = می‌کنند

۲- ۳۵، ۸ = گشا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۸، ۱۷، ۲۰، ۲۹، خلاصه، شرح منیر، رحیم، قطب و غیره = کجا

۳- ۶ = دوزاند کلاه احتساب؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه = دوزند از کلاه احتساب؛ ن ۱۹ = دوزاند ز ازل در حساب؛ ن ۲۸ = دوزند از گلاب اجتناب؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = دوزاند از دوال اجتناب؛ ن ۴ = شویند از گلاب احتساب

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵، ۲۸، خلاصه، مسرت، کارنامه = رشک؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ (غیر ترمیم شده)، ۲۹، ۲۴، ۱۷۱ = اشک

۵- ۱۸، ۹، ۱، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، شرح رحیم، عجیب و غریب = ماهتاب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، شرح آرزو، کارنامه مسرت، منیر = آفتاب

۶- ۸ = نقره خنگت؛ ن ۱۷ = نقره جنگ؛ دیگر همه نسخ = نقره خنگت

۷- ۵، ۱ = خشک ماند چون تمنا؛ دیگر همه نسخ = چون تمنا خشک ماند

۸- ن ۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۲۰، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۹ = از؛ ن ۸، ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳ = در

۹- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = پایت؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۹، ۲۸، ۲۹، کارنامه، مسرت، قطب، آرزو، عجیب، خلاصه = بامت

طوف کاخت کان<sup>(۱۲)</sup> خیال آمد<sup>(۱۳)</sup> مرا حجّ قبول  
 سهو رایت کان محال آمد<sup>(۱۴)</sup> مرا رای صواب<sup>(۱۵)</sup>  
 گفته‌ام در گوشه زندان حرمان قطعه‌ای  
 در حضورت خوانم اما غاییم دان در خطاب  
 این<sup>(۱۶)</sup> منم محرومی اندوز از همایون<sup>(۱۷)</sup> موکبت  
 پنجه محروم از عنان و دیده محروم از رکاب  
 گر نه سیر آسمانها از نظام آفتاده است  
 از چه رو بینم عطارد را جدا از آفتاب  
 جوهر خود را عطارد خواندم<sup>(۱۸)</sup> و دیدم که خصم  
 زهر خندش بر لب از بار<sup>(۱۹)</sup> حسد ریزد لعاب

ای<sup>(۲۰)</sup> حسود از من عطارد نیستم، پس کیستم  
 آسمان در زیر ران و در بغل دارم کتاب

- ۱۰-ن ۱۹ = مقام؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = مکان  
 ۱۱-ن ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، رحیم، منیر، کارنامه، عجیب = عالی جناب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه، شرح آرزو = قدسی جناب  
 ۱۲-ن ۸، ۳۵ = کو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۴ و غیره = کان  
 ۱۳-قطب، مسرت = آید؛ دیگر همه نسخ = آمد  
 ۱۴-ن ۸، ۳۵ = کو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۴ و غیره = کان  
 ۱۵-ن ۱۹ = از انتخاب؛ ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = رای صواب  
 ۱۶-ن ۲۹، ۳۵ = ای؛ ن ۵، ۲۸، ۹ = این  
 ۱۷-ن ۳۵ خلاصه = همیون؛ دیگر نسخ = همایون  
 ۱۸-ن ۲۹ = گفتیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = خواندم  
 ۱۹-ن ۲۰، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = لب از بار حسد؛ ۵ = لب ما از حسد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۱۹، ۲۸، بهار عجم، خلاصه، رحیم = لب از مار حسد؛ ۱ = لب از عار حسد  
 ۲۰-خلاصه = ای حسود از من عطارد نیستم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۹، ۱۷۱ = ای حسودان گر عطارد نیستم؛ ن ۲۸ = ای حسودان گر عطارد خواندم

صفحه<sup>(۱)</sup> فرهنگم از ایوان<sup>(۲)</sup> فطنت<sup>(۳)</sup> تخت‌گاه  
 شاه‌بیت طبعم از دیوان فطرت<sup>(۴)</sup> انتخاب  
 نغمه مستانه‌اش<sup>(۵)</sup> ترکی فلک را مست کرد  
 هندوی کلکی<sup>(۶)</sup> مرا یارب که داده‌ست این شراب  
 هان مکش<sup>(۷)</sup> عرفی عنان، مستانه مدح خود بسنج<sup>(۸)</sup>  
 ترکتازی‌ها مسلم، لاف‌سنجیها صواب  
 زمین نوای تلخ لب در چشمه کوثر بشوی  
 پس ادا کن قطعه‌ای کز وی تراود شهید ناب  
 لامکان سیرآفتابا، عالم‌آرا، نیرا  
 ای که باغ عالم<sup>(۹)</sup> از فیض تو گیرد آب و تاب  
 اندر آن فرصت که از<sup>(۱۰)</sup> آرایش کون و مکان  
 از رو صورت معطل داشتی رای صواب  
 جاهل و عالم شدند از بهر این سر فالگیر  
 آن<sup>(۱۱)</sup> یک از کنز<sup>(۱۲)</sup> الجہالت این<sup>(۱۳)</sup> یک از علم‌الکتاب

- ۱- ن ۶ (حاشیه) = حلقه: ن ۴، ۵، ۹، ۱۹، ۱۷۱، ۲۹ = صفه فرهنگم: ن ۲۸ = قصه فرهنگم: ن ۳۵ = صفحه فرسنگم: ن ۸، ۲، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۵، رحیم، آرزو = صفحه فرهنگم  
 ۲- ن ۸ = دیوان: ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۲۸، ۳۵ = ایوان  
 ۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، ۲۸ = فطرت: ن ۱، ۵، ۱۷ = فطنت: ن ۲۹ = فکرت: ن ۳۵ = خطت؟  
 ۴- رحیم = فکرت؛ دیگر همه نسخ = فطرت  
 ۵- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ (نسخ چاپی): ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مستانه‌اش  
 ۶- ن ۱۷ = طبع؛ دیگر همه نسخ بشمول ۲۸، ۱۷۰ و غیره = کلک  
 ۷- ن ۱، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = بکش: ن ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۱۷ = مکش  
 ۸- ن ۶ = مکن: ن ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه، ۱۷۰ = مسنج: ن ۱، ۵، ۸، رحیم = بسنج  
 ۹- ن ۹ = باغ گیتی: ن ۲۸، ۹ (پاورقی)، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، رحیم = باغ جنت: ن ۱، ۴، ۹ (حاشیه)، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = باغ عالم: ن ۵ = باغ علم  
 ۱۰- مسرت، آرزو = در: ن ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۰، ۲۹ = از  
 ۱۱- ن ۲۹، ۱۷، ۲۸، ۵ = آن: ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی) = این  
 ۱۲- ن ۱، ۴، ۵، ۸ = کنز: ن ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴ و غیره = کنز  
 ۱۳- ن ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = این: ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = آن

دیده در حکمت شناس<sup>(۱)</sup> و بی‌بصر دهری<sup>(۲)</sup> قیاس  
 نقیض این بر لوح سنگ و طرح آن بر سطح آب  
 من که حکم‌انداز علم<sup>(۳)</sup> ناوکی بستم به زه  
 کز کمان نگشاده<sup>(۴)</sup> صید مدعا کردم کباب  
 گفتم ای دانا و نادان ذره و خفاش کیست  
 هم ز عرفی کشف سر آفتاب آید<sup>(۵)</sup> صواب<sup>(۶)</sup>  
 آفتاب این شیوه دارد اندر این حکمت بسیست<sup>(۷)</sup>  
 کو درآید در حجاب و باز<sup>(۸)</sup> بگشاید<sup>(۹)</sup> نقاب  
 این مثل هم با عوام‌الناس کوته‌بین زدم  
 ورنه حُسن آفتابِ عالم<sup>(۱۰)</sup> آرا در حجاب!  
 آن<sup>(۱۱)</sup> مهندس که‌اش نظر دایم محیطِ عالم است  
 داند<sup>(۱۲)</sup> این معنی که شب هم در طلوع است آفتاب  
 گر نگفتم نامِ ممدوح اندرین مدح ای حسود  
 جای آن دارد مده<sup>(۱۳)</sup> خود را چو بختِ خود بخواب

۱- ن ۱۷، ۱۹ = حکمت شناس؛ دیگر همه نسخ = شناس

۲- ن ۲۹، ۹ = دهری؛ ن ۵، ۳۵، ۱۸، ۱۷۰ = در هر قیاس

۳- ن ۱۷ = عظم؛ دیگر همه نسخ = علم

۴- ن ۱۷ = نگذشته؛ دیگر همه نسخ = بگشاده

۵- ن ۲۸، ۲۹، ۹، ۱۸، ۲۴ و غیره = آمد؛ ن ۵، ۳۵ = آید

۶- ن ۹ (پاورقی) = جواب؛ دیگر همه نسخ = صواب؛ ن ۲۹ = که‌اش سر آید برون از آفتاب

۷- ن ۲، ۱ = بس حکمت است؛ ن ۱۲، ۲۰، ۲۴ = حکمت نشست؛ ن ۴، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۲۸، ۳۵، ۲۹، ۱۷۰ = حکمت

بسیست

۸- ن ۱، ۳۵ = حجاب ناز؛ ن ۴، ۱۷۰ = حجاب و ناز؛ ن ۳، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = حجاب رباز

۹- ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۱۹ = نکشاید؛ ن ۱، ۶، ۸، ۳۰، ۲۹، ۳۵ = خلاصه = بکشاید؛ ن ۱۷۰، ۱۷۱ = مکشاید؟

۱۰- ن ۲۸ = آفتاب عالم آرای حجاب؛ ن ۱، ۲، ۹، ۵، ۱۷۰، ۴، ۶ = آفتاب عالم آرا و حجاب؛ ن ۲۹ = آفتاب و عالم آرای

حجاب؛ ن ۸، ۳۵ = آفتاب عالم آرایش جواب؛ ن ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷، ۱، ۲۰، رحیم = آفتاب عالم آرا در حجاب

۱۱- ن ۳، ۴، ۱۹ = این؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = آن

۱۲- ن ۸، ۳۵، ۲۸ و ندرین؛ ن ۱، ۴، ۹، ۲، ۶، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = داند این معنی

۱۳- ن ۹ = مزین؛ دیگر همه نسخ مثل ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۸ و غیره = مده

جمله دانند و توهم دانی که این فرخنده مدح<sup>(۱)</sup>  
 محضر<sup>(۲)</sup> مصداق<sup>(۳)</sup> باشد و آن نگنجد در حجاب<sup>(۴)</sup>  
 و رجاهل می‌کنی<sup>(۵)</sup> هم فاش می‌گویم که کیست  
 میرابوالفتح آفتاب جهل سوز و علم تاب  
 دشمنان را کشتم و احباب را دادم حیات  
 این<sup>(۶)</sup> زمان رفتم به ترتیب دعای مستجاب  
 تا فنا مطلق رود در ترکاز انقراض<sup>(۷)</sup>  
 تا بقا رونق برد از<sup>(۸)</sup> کارگاه انقلاب  
 عمر اعدای تو شبگیر فنا را همعنان  
 عهد اقبال تو توفیق بقا را هم رکاب  
 هیش می‌ران جاودان کانداز نگارستان هند  
 ذاری اسباب تَنعَم سربسر لب<sup>(۹)</sup> لباب  
 گیت<sup>(۱۰)</sup> خوانت زهره قوال<sup>(۱۱)</sup> و کلی‌ران<sup>(۱۲)</sup> زحل  
 آبدارت ابر نیسان و خواص آفتاب

۱- ن ۲۹ = ای فرخنده بخت ؛ ن ۵ = این فرخنده بخت ؛ ن ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰، ۲۸، ۲۴، ۱۷۱، ۹ = این فرخنده مدح

۲- ن ۱، ۹، ۱۸، ۱۷۱ = مختصر ؛ دیگر همه نسخ مثل ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = محضر

۳- شرح رحیم، ۱۸، ۱۷۰ = مصداق صدق است کان ؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مصداق باشد وان

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۳۵ = حجاب ؛ ن ۳، ۱۷۰، خلاصه = حساب ؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱ = کتاب

۵- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = می‌کنم ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = می‌کنی

۶- ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۱۸، ۱۷۱، ۱۷۰ = این زمان ؛ ن ۲۹ = وین زمان ؛ ن ۸، ۳۵ = آن زمان

۷- ن ۸، ۳۵ = روزگار ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۲، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱، ۱۷۰ = انقراض

۸- ن ۱۷، ۱۸، ۱۷۱، رحیم، در ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، خلاصه = از

۹- ن ۵، ۲۹ = لب و لباب ؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = لب لباب

۱۰- ن ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، شرح آرزو، کارنامه، مسرت، عجیب، میرزاجان، منیر، بهار عجم، قطب = گیت خواند  
 (گیت لفظ هندیست بمعنی نغمه) ؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی) = مجلس است زهره قوال

۱۱- ن ۱۷ = زهره چنگی ؛ ن ۱، ۲۸، ۵، ۱۷۰، ۳۵ = زهره قوال ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴ = زهره قوال

۱۲- ن ۱، ۵، ۲۸، ۳۵ = کلی ران (کلی بمعنی مگس لفظ هندیست) ؛ ن ۲۹ = هندیت ؛ ن ۹، ۱۸، ۱۷۰ = مگس رانت ؛ ن

## قصیده هفتم

در مدح رئیس شرق علی ابن جعفر<sup>(۱)</sup>زهی نسیم جمال<sup>(۲)</sup> تو موج بخش سراب<sup>(۳)</sup>

سؤال را به لب گنج برفشاند جواب

لبت عتاب کند<sup>(۴)</sup> کز تو بوسه‌ای طلبم

دلم ریودی و جانم نکرد با تو عتاب

عقیق لب صنما، تا جدایم از لب تو

همی حسد برد از اشکی<sup>(۵)</sup> من عقیق مذاب

چو چهره تو برون آمد از حجاب دو زلف

برون دوید منجم گرفته اسطرلاب

ز نور عارض تو در لباس پیری رفت

اگر چه بود شب تیره در لباس شباب

فروغ صبح ز دیده نهفته چون سیمرخ

هراز<sup>(۶)</sup> ظلمت شب دیده دیده بان<sup>(۷)</sup> غراب

فلک چو روی من از زخم دست نیل اندود

ز اشکی دیده<sup>(۸)</sup> بود قطره قطره سیماب

۱- این قصیده تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ (همه نقل‌های نسخه سراجا) و نسخه ۱۷ (ترتیب داده ناظم) و نسخه ۱۷۳ (نسخه کمال‌الدیب بیگ انقره) یافته شد. در نسخه ۱۷۲ عنوانش "در مدح امام رضا هست"

۲- ۱۷۳، ۸، ۲، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = جمال؛ ن ۱، ۵، ۷، ۱۷۲، ۱۷۳ = شمال

۳- ن ۱، ۲، ۱۷، ۱۷۳ = شراب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = سراب

۴- ن ۳۵ = عطانه کند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۷، ۱۷۲، ۱۷۳ = عتاب کند

۵- ن ۲۹، ۱۷۳ = رشک؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = اشک

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۳۵، ۱۷۲ = هزار؛ ن ۱۷، ۲۹، ۱۷۳ = مزار

۷- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = دیده ویدان غراب؛ ن ۱۷۳، ۲۹، ۸ = دیده دیدبان؛ ن ۱۷ = دید دیده بان

۸- ن ۵ = قطره؛ ن ۱، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = دیده

ستاره چون کفِ موسی که برکشید<sup>(۱)</sup> از جیب  
 مجرّه همچو طریقتش که عبره<sup>(۲)</sup> کرد بر آب  
 همیشه بر رُخِ مهرِ من از وفایت زخم<sup>(۳)</sup>  
 چنانکه بر رخ مهر تو از جفاست نقاب  
 هوای دلبرِ جانی همه خطاست خطا  
 ثنای مجلسِ عالی همه صواب صواب  
 رئیسِ شرقِ علی‌ابنِ جعفر آنکه فزود<sup>(۴)</sup>  
 بـزرگیِ حسـبش را بـزرگیِ انساب  
 عطای او چو سعادت<sup>(۵)</sup> بود دلیلِ سحاب  
 ثنای او چو عبادت بود امیدِ ثواب  
 یگانه‌ای،<sup>(۶)</sup> که نبیند چو تو چهار ارکان  
 به زیرِ سایهٔ این خیمهٔ چهار طناب  
 لقای او عوضِ نعمتِ همه اسلاف<sup>(۷)</sup>  
 بقای<sup>(۸)</sup> او سببِ حرمتِ همه اعقاب  
 به قدرِ چرخ و<sup>(۹)</sup> قبولش کواکبِ اقبال  
 به جودِ بحر و کلامش جواهرِ آداب  
 گشاد یابد اگر از کمان<sup>(۱۰)</sup> همت تو  
 به هم بدوزد نسرین را خدنگِ شهاب

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = بردید ؛ ن ۲، ۱۷، ۲۹، ۱۷۳ = برکشید

۲- ن ۲، ۱۷، ۲۹، ۱۷۳ = بهره ؛ ن ۱، ۱۷۲، ۵ = زنده ؛ ن ۳۵ = مرده

۳- ن ۱۷ = وفایت زخم ؛ ن ۲ = وفا زخم ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = وفایت زخم

۴- ن ۱، ۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۲۱ = فزود ؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۳ = فزود

۵- ن ۲ = دلالت ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۲، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = سعادت

۶- ن ۲ = یگانه آنکه ؛ دیگر همه نسخ = یگانه که

۷- ن ۵ = اصلاّب ؛ ن ۱۷۲ = اصناف ؛ ن ۱، ۸، ۲۸، ۳۵، ۱۷۳ = اسلاف

۸- ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳ = بقای ؛ ن ۱۷۲ = لقای

۹- ن ۱۷ = چرخ قبولش ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = چرخ و قبولش

۱۰- ن ۱۷ = کمال ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = کمان



ز بس که بود به تلخی سرشته با همه جوع  
 زمانه مُرغِ دلِ دشمنِت بکرد کباب<sup>(۱)</sup>  
 به آفتاب مساوی نهاد رای ترا  
 سپهرِ مست که گامی نزد به راهِ صواب  
 زمانه گفت که هان این نه جای کج بازیست<sup>(۲)</sup>  
 غلط مبارز<sup>(۳)</sup> و ازین کجروی عنان برتاب  
 به عالمی که شود مهر رای او طالع  
 منجم آورد از آفتاب اصـطـرلاب  
 یک است رای وی و رای جوهرِ اوّل  
 که هر که بر نهج او نرفت<sup>(۴)</sup> نیست مُصاب  
 نه آنکه رای خردسج او به طبیعت؟  
 سبک نموده عنان یا گران نموده رکاب  
 ره صواب به درگاهِ کعبه منتهی است  
 نه آستانِ حرم منتهی به راهِ صواب  
 قضا چو دید که روی جمیله رایت<sup>(۵)</sup>  
 شود مشاهدِ نامحرمان ز تحتِ<sup>(۶)</sup> حجاب  
 ز نورِ باصـرۃ عقل رشته جمع آورد  
 کز آن<sup>(۷)</sup> قماشِ سطبری کند ز بهرِ نقاب  
 لواصـعِ مه اگر فی المثل فرود آید  
 به مضجعی که بود بخت دشمن تو به خواب

۱- این بیت تنها در نسخ ۲، ۱۷، ۲۹، ۱۷۳ یافته شد

۲- ن ۲ = کج تازیست ؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = کج بازیست

۳- ن ۲ = غلط متاز ؛ ن ۱۷۳ = غلط مساز ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = غلط مبارز

۴- در همه نسخ (ن ۱، ۵، ۸، ۲، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳) که قصیده یافته می شود "نرفت" هست. از مناسبت "مصاب" بمعنی رسیده "برفت" درست است ولی بمناسبت "مصاب" بمعنی صواب داشته شده "نرفت" درست است.

۵- ن ۲۹ = جمیله آرایت ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = جمیله رایت

۶- ن ۱۷۲ = تحت ؛ ن ۱، ۲۹، ۱۷۳، ۵ = بخت ؛ ن ۳۵ = نحت ؟

۷- ن ۳۵ = کزو ؛ ن ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۹، ۱۷، ۱۲، ۵ و غیره = کزان

به روی ماه مثنی شود<sup>(۱)</sup> سواد<sup>(۲)</sup> کلف  
 ز غایت سریانِ ظلام در مهتاب  
 گراهِ تمامِ تو صورتِ گرِ مثال شود  
 که جوهرش بود از چشمهٔ عدم سیراب  
 زفاف<sup>(۳)</sup> حمل پذیرد به گاه<sup>(۴)</sup> بیداری  
 جمیله‌ای که مصوّر شود به صفحهٔ خواب  
 سفینه بر سرِ آبی که قطره‌قطرهٔ اوست<sup>(۵)</sup>  
 به فتنه حامله همچون طبیعتِ میِ ناب  
 به سطح آب روان کشتی از طمع لبریز  
 مشابهِ مگسِ پُرهوس به رویِ شراب<sup>(۶)</sup>  
 گهی زمام<sup>(۷)</sup> ضلالت گرفته بادِ نقیض<sup>(۸)</sup>  
 چنانکه دامنِ اهل گناه دستِ عذاب  
 گهی عنانِ هدایت فکند بادِ مراد  
 چنانکه بر اثر رهروانِ صدق و ثواب<sup>(۹)</sup>  
 سماعِ همتِ من در بساطِ عمان بود  
 چو رقصِ شاهدِ مستی به طبعِ بادهٔ ناب  
 به دستِ راکبِ اتید و پایِ فارسِ یاس  
 نه بوسه ریز عنان و نه چهره‌سای رکاب

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = مثنی کند؛ ن ۱۷، ۱۷۳ = مثنی شود؛ ن ۲۹ = تمنا شود؟

۲- ن ۸ = مواد؛ دیگر همه نسخ = سواد

۳- ن ۳۵ = زفاف؛ ن ۵، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ = زفاف

۴- ن ۳۵ = نگاه؛ ن ۵، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ = بگاه

۵- ن ۱۷ = اوست؛ ن ۸، ۳۵ = ان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ = او

۶- ن ۱۷، ۳۵ = سراب؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷۲، ۱۷۳ = شراب

۷- ن ۳۵ = زمام؛ دیگر همه نسخ = زمام

۸- ن ۵، ۱۷ = باد به فیض؛ ن ۱ = بادیه فیض؛ ن ۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = باد نقیض

۹- ن ۱۷۳ = صدق و ثواب؛ ن ۱۷۲، ۳۵، ۲۹، ۱۲، ۱۷، ۸، ۵، ۱ = صدق ثواب

## قصیده هشتم

در مدح جلال‌الدین محمد اکبر بادشاه<sup>(۱)</sup>

ای دل معنی سرشت رازدان آفتاب  
 ای<sup>(۲)</sup> ضمیرت عالم افروز جهان آفتاب  
 بر بساط<sup>(۳)</sup> دولت هرکس که بیند، بنگرد  
 از شراب تربیت رطلِ گران آفتاب  
 دولت جمشید هم‌دوشی<sup>(۴)</sup> کند با دولت  
 گر<sup>(۵)</sup> تواند سایه بودن هم عنان آفتاب  
 کاروان سالار شاهان آفتاب آمد ولی  
 چون تو نایب<sup>(۶)</sup> یوسفی در کاروان آفتاب  
 دهر سرکش رام شد در زیر ران دولت  
 چون سمند<sup>(۷)</sup> آسمان در زیر ران آفتاب  
 طوطی نطق چو در مدحت شکرخایی کند  
 آب گرم از ذوق گردد در دهان آفتاب  
 تالوای دولت<sup>(۸)</sup> را نگذرانند<sup>(۹)</sup> از اوج عرش  
 اهل معنی را نشد معلوم شأن آفتاب

۱- تحت اثرات اهل هنود اکبر تاحد پرستش احترام آفتاب می‌کرد. این نکته را در ذهن داشته این قصیده سروده شده بود. نسخه‌های خطی که نقل نسخه سراجا هستند مثل ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۲ فقط دارای اشعار ۱، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۰، ۲، ۲۷ هستند. در نسخه ۲۹ این قصیده یافته نمی‌شود.

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، منیر، شرح آرزو، مسرت، عبدالرحیم، عجیب، بهار عجم = تا ابد بر خوان دولت میهمان آفتاب؛ ن ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۲ = ای ضمیر عالم افروز جهان آفتاب

۳- ن ۱۷۰ = بساط؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = کمال

۴- ن ۱۷۰ = همپایی؛ همه نسخ چاپی مثل ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = همدوشی

۵- ن ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = کی / گر تواند سایه بودن هم عنان آفتاب

۶- ن ۱۸، عبدالرحیم = نامه؛ ن ۹ = نایب

۷- ن ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = چون سمندر آسمان در زیر ران آفتاب؛ دیگر همه نسخ بطوری که نوشته شد.

۸- ن ۳، ۱۷ = دولت شه؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = دولت را

۹- ن ۳ = نگذرند؛ ن ۹، ۱۸ و غیره = نگذرانند

همچو شمعی کان<sup>(۱)</sup> برافروزند از شمع دگر  
 از کی نور است جان شاه و جانِ آفتاب  
 فیض<sup>(۲)</sup> می تابد ز رویت، چون نتابد کز ازل  
 گوهرت را پرورش داده ست کانِ آفتاب  
 سجده گاه هفت اقلیم است مسندگاه تو  
 قبله هفت آسمان است آسمانِ آفتاب  
 گر همای آفتاب آرامگه می داشتی  
 جای<sup>(۳)</sup> اکبر شاه بودی آشیانِ آفتاب  
 آسمان تا دید عکس آفتاب اندر دلت<sup>(۴)</sup>  
 کرده نام سینهات<sup>(۵)</sup> آئینه دان آفتاب  
 هر کجا آماج گاهی<sup>(۶)</sup> دولت<sup>(۷)</sup> آماده کرد  
 می جهد تیر سعادت از کمانِ آفتاب  
 گر چه سیر آفتاب اندر جهان ظاهر است  
 باطن شاه است در معنی جهان آفتاب  
 وصف شاه از ناکسی چون من کجا لایق بود<sup>(۸)</sup>  
 هر چه کردم، نقل کردم از زبانِ آفتاب  
 بر سرِ شه سایه افکن چون شود بالِ هما  
 چون پر خفاش گردد سایه بانِ آفتاب<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲ = کان؛ ن ۸، ۳۵ = کو

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = نور؛ ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۹، رحیم، عجیب و غریب = فیض

۳- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = جای؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = جان

۴- ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = آسمان تا دیده عکس آفتاب اندر دلت؛ ن ۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۰، ۱۷۱، شرح رحیم، = بسکه  
 عکس آفتاب دیده در دل آسمان

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷ = سینه اش؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = سینهات

۶- شرح رحیم = آماج گاهی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = آماجگاه

۷- ن ۱۹ = طلعت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = طلعت؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = دولت

۸- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = شود؛ دیگر همه نسخ مع آرزو، رحیم = بود

۹- در نسخ ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ اشعار ۱۶، ۱۷ بعد از شعر ۲۸ بافته شدند و بعد آنها شعر ۲۴ وجود دارد.

گر بدان غایت که شه بهشناسدش باید شناخت  
 از مسیحا هم معجونام و نشان آفتاب  
 گر پس<sup>(۱)</sup> از قرنی بود سعدین را با هم قران  
 چون شود<sup>(۲)</sup> هر صبحدم با شه قران آفتاب  
 حکم خورشید است حکم شه که در معنی یکیست  
 روزگار دولت شاه و زمان آفتاب  
 دمبدم چون ماهنو<sup>(۳)</sup> نور رخس افزون شود  
 هرکه<sup>(۴)</sup> پیشانی نهد بر آستان<sup>(۵)</sup> آفتاب  
 دیده از عینک چنان<sup>(۶)</sup> نظاره اشیا کند  
 همچنان بسیند دلت راز نهان آفتاب  
 مدح خورشید و ثنای شه کند عرفی مدام  
 کز مریدان شه است و عاشقان آفتاب  
 در مزین رشته گوهر طرازان وجود  
 گوهر ذات تو آذین<sup>(۷)</sup> دکان آفتاب  
 آسمان<sup>(۸)</sup> داند که چون شاه جهان هرگز نبود  
 قدردان آفتاب<sup>(۹)</sup> اندر زمان آفتاب  
 هرکه<sup>(۱۰)</sup> مهر آفتابش<sup>(۱۱)</sup> جوشد از سر تا قدم  
 نور بارد از سراپایش<sup>(۱۲)</sup> بسان آفتاب

۱- آرزو = گرنه هر قرنی بود؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = گر پس از قرنی

۲- ن شرح آرزو = شود؛ شرح رحیم، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ (نسخ مطبوعه) = بود

۳- ن ۸ = ماه نور چهاره اش روشن شود؛ ن ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۲ = ماه نور چهاره اش افزون شود؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = ماه نو نور رخس افزون شود

۴- اشاره بطرف آفتاب پرستی اکبر پادشاه

۵- ن ۸ = چون آسمان؛ ن ۳۵ = بر آسمان؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۱۷، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ و غیره = بر آستان

۶- ن ۳، ۱۷۰، ۲۴، ۱۷۱ = چسان؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰ = چنان

۷- ن ۳، ۱۷۰ = آئین؛ ن ۹، ۱۸، ۱۷۱ = آذین

۸- در نسخ ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ این آخرین بیت قصیده است.

۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = آفتاب اندر زمان آفتاب؛ ن ۳ = آفتابی در زمان آفتاب

۱۰- شرح آرزو = بسکه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = هرکه؛ ۱۷۰ = آنکه

تا کند گردش عیان راز نهانِ آسمان  
 تا دهد زیب<sup>(۱۳)</sup> جهانِ حُسنِ عیانِ آفتاب  
 وقفِ عهدت<sup>(۱۴)</sup> باد دور<sup>(۱۵)</sup> لایزالِ آسمان  
 نورِ چشم<sup>(۱۶)</sup> باد حُسنِ جاودانِ آفتاب  
 پایۀ<sup>(۱۷)</sup> اخلاصِ من خاطر نشانِ شاه باد  
 همچنان کاخِ اخلاصِ شه خاطر نشانِ آفتاب

### قصیده نهم

#### نام ممدوح پیدا نیست

ای خیال غمزهات نشتر شکن<sup>(۱۸)</sup> در چشمِ خواب  
 وی به فتوی لب غسل تبسم در شراب<sup>(۱۹)</sup>  
 نام حسنت چون برم معمور گردد جانِ عشق  
 وصفِ عشقت چون کنم گردد دلِ معنی خراب

۱۱- ن ۳، ۱۷۰ = آفتاب؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آفتابش

۱۲- ن ۳، ۱۷۰، شرح آرزو = سرابایت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۳۳، ۱۷۷، عجیب و غریب، رحیم = سرابایش

۱۳- ن ۳، ۱۷۰ = رب جهان؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = زیب جهان

۱۴- عجیب و غریب = وقف ذهنت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱ = دولت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = وقف عهدت

۱۵- ن ۹، ۱۲، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱، ۱۷۰ = سر لایزالِ آسمان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = دور لایزالِ آسمان

۱۶- ن ۳ = حشمت؛ دیگر همه نسخ = چشمت

۱۷- ن ۳، ۱۷۰ = پایۀ اخلاص؛ ن ۹، ۱۹، ۸، ۲۰، ۲۴ = مایۀ اخلاص

این قصیده ناتمام تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۳۵، ۱۷۲ (همه نقل‌های نسخه سراجا) و نسخه ۱۷ (ترتیب داده ناظم تبریزی) یافته شد. ازین اشعار اسم ممدوحش پیدا نیست ولی او هم یکی از ممدوحین در ایران باشد.

۱۸- ن ۱۷ = شکر شکن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۳۵، ۱۲، ۱۷۲ = نشتر شکن

۱۹- ن ۲، ۵، ۸، ۱۷ = سراب؛ ن ۱، ۳۵، ۱۲، ۱۷۲ = شراب

تا بفتراکِ تو سر بر بست آهوی حرم  
 گردنِ حورِ شهادت شد ز<sup>(۱)</sup> مَنّت طوقِ یاب  
 گر خمار از مستیِ چشمِ تو یابد نشأتی  
 چشمه چشمه از لبِ خمیازه بر جوشد شراب  
 تشنگانِ باده و صلت در آتش خفته‌اند  
 قطره‌ای بر مه‌فشان نه جرعه‌ای بر آفتاب  
 دست بر دل ماندی و هم خوابه آرام شد  
 می نه اکنون بر دل آرام دست اضطراب  
 گر فشانم دودِ دل بر ناله اهلِ هوس  
 از اثرِ لبریز گردد چون دعای مستجاب  
 شیونِ اهلِ مصیبت با خرویش من بود  
 خنده کبکِ دری و گریه مُرغِ کباب  
 بر گریبانِ مُراد و جیبِ صبرم تا ابد  
 نزع می‌دوزد کشاکشِ عمر می‌ریزد شباب<sup>(۲)</sup>  
 شعله آهم چو ریزد بر دماغِ عرش دود  
 از حسد چون خیزران بر خویشتن پیچد شهاب  
 هر کجا چشم‌ت سؤال اندیشد و خوابت جواب  
 شعله سرتاپا شود ریش و کند در پنبه خواب<sup>(۳)</sup>  
 (ناتمام)

### قصیده دهم

#### قصیده ناتمام در مدح امیرالمومنین علی ابن ابی طالب

۱- ن ۱۷ = به منت؛ دیگر همه نسخ = ز منت

۲- ن ۳۵، ۵ = شتاب؛ ن ۱، ۲، ۷، ۸، ۱۷، ۱۷۲ = شباب

۳- این بیت تنها در نسخه هفدهم یافته شد.

آن طوییم که برگ و برش<sup>(۱)</sup> داغ<sup>(۲)</sup> و اخگر است  
 زاغ و تذرو شاخچه او سمندر است  
 آن روضه‌ام که هر شجرش<sup>(۳)</sup> را که باغبان  
 آبش ز خونِ دل ندهد، خشک و بی براست  
 آن پای تا به سر همه زخم<sup>(۴)</sup> جراحتم  
 کورا به خوابِ عافیت الماس بستر است  
 آن پای خسته‌ام که در تبِ صفرا و جوشِ خون  
 فسادش آتشِ جگر و شعله نشتر است  
 آن مُدهُدم که در چمنِ لاله‌زار عشق  
 تاجش ز شعله شجرِ طور بر سر است  
 آن تیغِ آب داده<sup>(۵)</sup> زهرِ ملامتم  
 کش پای تا سر از اثر زخمِ جوهر است  
 آن شعله دوست همزم خُشکم که خاکِ وی<sup>(۶)</sup>  
 صندل فروشِ ناصیه عود و عنبر است  
 آن کشتیم که بر زَید<sup>(۷)</sup> بحرِ شعله موج  
 آشوب‌گاه موجه طوفانش معبر است  
 آن بحر جوهری طلب و<sup>(۸)</sup> تشنه دوستیم  
 کش برق<sup>(۹)</sup> موج و آبله سینه گوهر است

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = برس؛ ن ۲، ۳۵ = برم؛ ن ۱۷۲ = باغ مرا

۲- ن ۲۹ = داغ اخگر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، ۳۵ = داغ و اخگر

۳- ن ۴، ۲۸ = هر شجر باغبان او؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۹ = هر شجرش را که باغبان؛ ن ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = هر شجرش باغبان اگر؛ مسرت، آرزو، قطب = تا شجر اوست باغبان؛ کارنامه = هر شجر باغبان او؛ ن ۱۷۰ = هر شجری را که باغبان

۴- ن ۳۵، ۵، ۲۹ = زخم جراحتم؛ ن ۱۷۰، ۹، ۲۸، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = زخم و جراحتم

۵- ن ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰، ۲۸، مسرت = آب داده به زهر ملامتم؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = آب داده تیغ ملامتم

۶- ن ۱۷۰، قطب = او؛ دیگر همه نسخ = وی

۷- ن ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = برزند از بحر شعله موج؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، شرح آرزو، مسرت، = بر زیر

بحر شعله موج؛ ن ۱۸ = برزند بحر شعله موج

۸- ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = جوهری طلب تشنه دوستیم؛ ن ۹، ۱۷۰، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱ = جوهری طلب و تشنه دوستیم؛ ن ۳۵



آن گلشنم که سوسنِ خودرو گیاه اوست<sup>(۱۰)</sup>  
 زهراب داده نشتر و<sup>(۱۱)</sup> الماس خنجر است<sup>(۱۲)</sup>  
 آن عابدم که دست و میان مرا ز قدر  
 تسبیح ننگ و رشته زئار زیور است<sup>(۱۳)</sup>  
 آن دلفروز شاهدِ قدسم که صورتش  
 مرآة‌عین<sup>(۱۴)</sup> نامیه را حُسنِ انور است<sup>(۱۵)</sup>  
 سیرم<sup>(۱۶)</sup> به عالمی که چو اقلیمِ هشتمین  
 آنجا بساطِ ملک به بحر است و نی بر است  
 در عالمی پرندۀ عرشم که فرش او<sup>(۱۷)</sup>  
 معراجها ز عالم توحید برتر است<sup>(۱۸)</sup>  
 آن هندسه نویس وجودم که لوح او<sup>(۱۹)</sup>  
 خطش برنگِ دایره بی‌پا و بی‌سر است

ادامۀ پاورقی از صفحه قبل  
 = جوهر طلب تشنه دوستیم  
 ۹-ن ۱۷ = کش موج زخم و آبله سینه ؛ ن ۳ = کش برق موج او به همه سینه ؛ ن ۱، ۴، شرح آرزو، قطب، کارنامه، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = کش برق موج و آبله سینه  
 ۱۰-ن ۵، ۸، ۳۵ = اوست ؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۲۹ = او  
 ۱۱-ن ۸، ۳۵ = نشتر الماس و خنجر ؛ ن ۲، ۱۷، ۵ = نشتر الماس و خنجر ؛ ن ۱ = نشتر و الماس جوهر ؛ ن ۲۹ = نشتر و الماس و خنجر  
 ۱۲- اشعار ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸ تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ یافته شد  
 ۱۳- اشعار ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸ تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ یافته شد  
 ۱۴-ن ۱۷ = حسن ؛ دیگر نسخ = عین  
 ۱۵- اشعار ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸ تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ یافته شد  
 ۱۶-ن ۲، ۲۹ = میرم ؛ ن ۱۷ = پریم ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، مژت، آرزو = سیرم  
 ۱۷-ن ۸، ۳۵ = آن ؛ ن ۵، ۲۸ = او  
 ۱۸- در نسخه دوم این مصراع مصرعه ثانی شعر سیزدهم است و مصرعه ثانی آن شعر مصرعه ثانی شعر چهاردهم است.  
 ۱۹-ن ۲، ۲۹ = او ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = آن

آن کشته‌ام که در دهنِ زخم‌های او<sup>(۱)</sup>  
 قنادخانه‌های لبالب ز شکر است  
 آن عالم<sup>(۲)</sup> کش از زیرِ عرش تا ثری<sup>(۳)</sup>  
 اشیا بدون صورتِ نوعی مصوّر است  
 آن ره نوردِ وادی<sup>(۴)</sup> بیت‌المقدسم  
 کورا صدای عطسه<sup>(۵)</sup> جبریل رهبر است  
 آن دوزخ‌م که سینه آتش فروزِ وی  
 از فتنه‌های عشق لبالب ز کافر است  
 آن چشمه حلاوت دردم که ذوقِ او  
 لب تشنگی فزای و گلوسوزِ کوثر است  
 آن زاهد به معبد تزویر معتکف  
 که‌اش زهد خشک بر اثرِ دامنِ تر است  
 آن عاملِ شکسته نویسم که نزدِ او  
 شکلی که در شمار اقل<sup>(۶)</sup> است، اکثر است  
 دامادِ آن عروسِ جمیل که عالمش  
 با صدقِ مذهبِ حکما ظَلِ دفتر<sup>(۷)</sup> است  
 آن عود پاک سوخته‌ام کز بخارِ وی  
 دامن و جیبِ دلبرِ کنعان معطر است

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷ = او؛ ن ۸، ۳۵ = آن

۲- ن ۴، مسرت = عالم که؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۱ = عالم کش

۳- ن ۸، ۳۵ = تا بزیر؛ ن ۱، ۴، ۱۷، ۵ = تا ثری

۴- ن ۸، ۳۵ = پایه مقدس؛ ن ۵ = آن ره نورد بادیه مقدس؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = ره نورد وادی بیت المقدس؛

ن ۱۷۰ = ره نورد بادیه بیت مقدس است

۵- عجیب و غریب = شهپر؛ همه نسخ قصاید و کلیات = عطسه

۶- ن ۸، ۳۵ = اقل است اکثر است؛ ن ۱، ۲، ۱۷ = اقل است و اکثر است

۷- ن ۱، ۲، ۵ = دفتر؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵، آرزو، مسرت = دختر

آن کف پردرم که ز نقش<sup>(۱)</sup> بتانِ چین  
 بیت‌الله دلم صـنمستانِ آزر است  
 آنم کز استفاضه انوارِ گوهرش  
 مرآة علمِ جوهرِ اوّل منور است  
 کوته کنم عبارت و معنی کنم بلند<sup>(۲)</sup>  
 آن بلبلم که نغمه زنِ باغِ حیدر است  
 هر نسخه دعا که نه ختمش<sup>(۳)</sup> ز شکرِ اوست  
 ماننده مصنفِ بسی حمد ابتر است

### قصیده یازدهم

#### در مدح یکی از ممدوحین عرفی

سر طبعم از<sup>(۴)</sup> توسنی بر هواست      که سر چشمه<sup>(۵)</sup> آبروی صباست<sup>(۶)</sup>  
 دلا سنبل و ورد<sup>(۷)</sup> برکن که باز      به اندیشه زارش هوای چراست  
 مطوق کنند باد را گاه سیر      رکابش که خلخالِ ساقِ صباست  
 شکن گیر گردد بگاه سکون      عنانش که زلفِ عروسِ هواست  
 ترنم برو زاوخیایی<sup>(۸)</sup> بود      لبم هرکه از وصفِ او نغمه زاست<sup>(۹)</sup>  
 جهد نغمه داستانِ سنج او      به اوجِ حسینی<sup>(۱۰)</sup> ز میدانِ راست  
 ز طغیانِ سرعتِ بگاه سکون      عرق خیزتر از جبینِ حیاست

۱- ن ۳۵ = زلفش ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲ = ز نقش

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = دراز ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۰ = بلند

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۲۹ = حوضش ؛ ن ۱۷ = ختمش

۴- ن ۱۷، ۲۹ = ار ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷۲، ۹ = از

۵- ن ۱۷ = سرچشمه اش ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = سرچشمه

۶- در همه نسخ "صبا" ولی در شعر سؤم هم قافیه "صبا" هست ممکن است که اینجا "صفا" باشد

۷- ن ۸، ۳۵ = سنبل و ورد برکن ؛ ن ۱، ۱۷۲، ۵ = سنبل دور برکن ؛ ۲ = سنبل و زود ؛ ن ۲۹ = سنبل ورود

۸- ن ۱۷ = برو زاوخیایی ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = پیردازخیایی

۹- ن ۱۷ = خاست ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = زاست

۱۰- ن ۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = حسینی ؛ ن ۵، ۸، ۱۷ = چسینی ؟ (مفهوم مصراع روشن نیست)

درم ریـزتر ز آسـتینِ سخاست  
 ز آمیزشِ بوسه‌های صباست<sup>(۱)</sup>  
 دهانش لبالب ز شاخ گیاست  
 دو صد نهر جاری بباغِ هواست  
 دمی کش عنان بر کفِ بختِ ماست  
 غبارِ رهش آشیانِ هـماست  
 به علوی شتابی تذرو دعاست  
 فضا تنگ میدانِ ترازِ تنگناست  
 نفس را ز باز آمدنِ صد عـناست  
 دیارِ سکون و مزارِ صداست  
 زمین زَلّه بندِ مزاجِ هواست  
 به حُسنِ آبروی قبولِ دعاست  
 قدمهای نسپرده‌اش<sup>(۸)</sup> از قفاست  
 محیطی که موجش بدونِ هواست  
 دگر چشم اندیشه بی توتیاست  
 به آرامِ او چشم و هم آشناست  
 چو دستِ سکونش عنان آزماست  
 به ده گام در سرحدِ انتهاست

ز نقشِ قدم بر کنارِ صبا  
 اگر می‌کند مکث در بند و بست  
 میاور علق را که در شیهه‌زار<sup>(۲)</sup>  
 بهل آب کو<sup>(۳)</sup> چشمه<sup>(۴)</sup> سیر او  
 ز میدانِ غم بر نیارد<sup>(۵)</sup> غبار  
 نشانِ شمش خالِ روی شمال  
 به سفلی گرائیست<sup>(۶)</sup> حکمِ فلک  
 به صحرای اندیشه با سیر او  
 ز رفتار او چون حکایت رود  
 گل جلوه ناچیده از پای او<sup>(۷)</sup>  
 بهر جافتد سایه‌اش تا ابد  
 به طبعِ آشیانِ تذرو شتاب  
 به طی مکان چون نه‌د گام بیش  
 شنیدم ز اندیشه کارام<sup>(۹)</sup> اوست  
 اگر بر نینگیزد از ره غبار  
 به سیرش ندانم که دیده‌ست لیک<sup>(۱۰)</sup>  
 به باطن دهد علّتِ رعشه را  
 چو باد است در طی میدانِ دهر

۱- در نسخه ۱۷ این بیت چهارم این قصیده است

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = شیهه‌زار؛ ن ۱۷۳ = شیهه‌زار؟ ۱۷۴ = سبزه‌زار

۳- ن ۱، ۲ = کو؛ ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = کو

۴- ن ۱۷ = چشمه‌گر [م]؟؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = چشمه سیر

۵- ن ۲۹، ۱۷۳ = نباید؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = نیارد

۶- ن ۱، ۵، ۱۷۳ = گرائیست؛ ن ۲، ۸، ۲۹، ۱۷۲، ۳۵ = گرائیست؛ ۱۷ = گر نیست؟

۷- ن ۳۵ = آن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ = او

۸- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = نسپرده؛ ن ۲، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳ = نشمرده

۹- ن ۵، ۱۷۲ = اندیشه کارم؛ ن ۲۹، ۵۳، ۱۷۳ = اندیشه کارام

۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲، ۱۰ = نیز؛ ن ۱۷۳، ۲۹، ۱۷، ۲ = لیک

که حبْلِ المِتينِ دوتای و دوپاست<sup>(۱)</sup>  
 که پیشِ قدمِ زیرِ دستِ قفاست  
 درنگش چو در بوسهٔ دست و پاست  
 که اندیشه را دست و پا در حناست  
 به هر گام صد کوه ازو توتیاست  
 بسه میدانِ پهناور اخْتفاست  
 سراسیمه در طاسِ نزد<sup>(۵)</sup> دعاست  
 به هستی، و این معنی او را هجاست  
 که بختِ منشِ رایض و رهنماست  
 ز آمیزشِ نسبتِ من جِداست  
 چو تصویرِ صبرم بطی الخفاست  
 ملالَم که از زشتی بختِ خاست<sup>(۷)</sup>  
 بدین دعویم این غزل خود گواست  
 که صد دشنه در آستینِ صداست<sup>(۸)</sup>  
 که تابوتِ یاسم بدوشِ فناست  
 تبسُّمِ نسیمِست، باغش کجاست  
 ز زهدی که ناموسِ شید و ریاست  
 قبولی که هیکلِ طرازِ دعاست  
 عروجش به اقصای هفتم سماست

در آویز در دست و پایش سپهر  
 خِرد با شتابش<sup>(۲)</sup> تصوّر کند  
 بود طبعِ اندیشه زندان<sup>(۳)</sup> نشین  
 که پیکِ عنان و جلوگیرِ اوست  
 ز بس که اش صبا بوسه ریزد به راه  
 سمندِ من است آن، ولی سیر او  
 مدیحِ من است این ولی نقشِ این<sup>(۴)</sup>  
 به گامی تواند رسید از عدم  
 ولی چون بَرَد پی به شهر وجود  
 غم و شادی من که جنسِ دویم  
 چو تأثیرِ دردم سریعِ الظهور  
 چو حسنِ بدایت<sup>(۶)</sup> بود پرده سوز  
 منم زیور معنی و زیبِ لفظ  
 نویدِ نگاهی که دلجویِ ماست  
 پیامی<sup>(۹)</sup> که امید را زنده کرد  
 ترنمِ ندیمست، در بزمِ کیست  
 بکنِ توبه عرفی بدستِ شراب  
 رقمِ سنجِ منشورِ نظمِ من است  
 جگر گوشهٔ مریم طبعِ من

۱- ن ۱۷، ۸، ۳۵ = دو پای دوتا است ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = دو تای دو پاست ؛ ن ۱۷۳، ۹ = دوتای دوتا است

۲- ۳۵ = ستایش ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۸، ۱۷۲، ۱۷۳ = شتابش

۳- ۲، ۲۹، ۱۷۳ = بالا نشین ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = زندان نشین

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷۳ = این ؛ ن ۲ = آن ؛ ن ۱۷، ۳۵ = او

۵- ن ۱، ۲، ۱۷ = نزد ؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳ = نزد

۶- ن ۱۷۳ = هدایت ؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۲، ۳۵ = بدایت ؛ ن ۵، ۲۹، ۱۷۲ = مدایت

۷- ن ۱، ۵، ۸ = خواست ؛ ن ۱۷ = ماست ؛ ن ۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = خاست

۸- ن ۱۷، ۱۷۳ = صبا ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۲، ۱۷۲ = صدا

۹- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۲، ۱۷۳ = پیامی ؛ ن ۱۷، ۲۹، ۳۵ = پیام

- رسائیش<sup>(۱)</sup> زان<sup>(۲)</sup> سان که در جنب او<sup>(۳)</sup>  
 بدستوری نقش بند هوس  
 ز سوی خود و جانب شهریار  
 دلم کاتب رقعہ‌های نیاز  
 رقم سنجی نقش همتای او<sup>(۵)</sup>  
 دران مرز و بوم سلامت نصیب<sup>(۶)</sup>  
 گشاینده اکحل شعله را  
 عدو دیده در اجتهاد گریز  
 بقا از بقای تو دریوزه کرد  
 ز آرایش آموزی جود تو  
 چو گلبانگی هیت زنی بر فلک  
 ز کلکت زبان در دهان سکوت  
 بگناه تکلم ز تأثیر جود
- نصیب من از درد و غم نارساست<sup>(۴)</sup>  
 که یک رنگی آموز شاه و گداست  
 به نوعی که امید را مدعاست  
 لبم منشی نسخه‌های سخاست  
 طلسم زبان‌بند کلک قضاست  
 که دارای حفظ تو فرمان رواست<sup>(۷)</sup>  
 بدست اثر نشتر بوریاست  
 که محراب رویش ز هر سو قفاست<sup>(۸)</sup>  
 درین بحث تحصیل حاصل رواست  
 سر آرزو هماغل مدعاست  
 سراسیمگی بر خط استواست  
 ز رُاحت گره در زبان صداست  
 جوابت ز پیش و سؤال از قفاست<sup>(۹)</sup>

### قصیده دوازدهم

#### قصیده ناتمام با تشبیت فخریه<sup>(۱۰)</sup>

- ۱- ن ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۳ = رسائیش؛ ن ۲، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲ = رسائیش  
 ۲- ن ۱، ۵ = زانوس؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = زان  
 ۳- ن ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲، ۱۷۳ = او؛ ن ۲، ۲۹ = من  
 ۴- ن ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۲ = ناسزا؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳ = نارسا  
 ۵- ن ۲۹ = تو؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱۷۲، ۱۷۳ = او  
 ۶- ن ۱، ۵ = اثر؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = نصیب  
 ۷- ن ۲، ۲۹ = ماست؛ دیگر همه نسخ = رواست  
 ۸- ن ۸ = فنا؛ دیگر همه نسخ = قفا  
 ۹- این قصیده نادر است و تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ یافته شد. این هم در ایران سروده شده باشد.  
 ۱۰- این دوازده اشعار (که مطلع تنها در نسخه ۱۷ ترتیب داده ناظم تبریزی و یازده اشعار دیگر در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ همه نقل‌های نسخه ترتیب داده سراجا یافته شد) تشبیت قصیده ناتمام می‌نماید. این هم یکی از قصاید کمباب عرفیست که در بسیاری نسخ در ابتدای بخش قصاید بطور جزوی خصوصی یافته می‌شوند و ممکن است که مدوح این قصیده ناتمام یکی از امرای ایران باشد و این اشعار جزوی از کلام عرفی که در ایران سروده شده باشد.

بهارم دست پروردِ خزان است<sup>(۱)</sup>  
 به دنبالش دلم چابک عنان است  
 مرا در مقلبِ شهبازِ جان است  
 فلان در کفر مشهورِ جهان است  
 بمان، کت پای همت ناتوان است  
 ممان،<sup>(۶)</sup> کز<sup>(۷)</sup> بزم قرب این آستان<sup>(۸)</sup> است  
 چرا هر مویت آسایش چکان است  
 سر افتاده این جا ترزبان است  
 شبانِ دشتِ عشقِ آهو چران است  
 که استعدادِ اوّل گسام آن است  
 نه هر بُزغاله را موسی شبان است  
 که آبِ لعل در پهلوی کان است

دلِ خرسندم از غم شادمان است  
 هر آن آهوی غم کان تیزوتر<sup>(۲)</sup>  
 هر آن کبکِ بلد کان<sup>(۳)</sup> خوش نواتر  
 مسلمانانِ کدامست آنکه گویند  
 براه عشق اگر محتاجِ خضری  
 وگر<sup>(۴)</sup> صد ره<sup>(۵)</sup> وصالِ پای بوسد  
 اگر آهوی قربان‌گاه عشقی  
 گلوی صید این جا دشنه<sup>(۹)</sup> خیز است  
 تو رویاهی سر خودگیر و می‌گرد  
 بسود هر منزلی ارشاد صد گام  
 نه هر گوساله فیض از سامری یافت  
 به مژگانِ مَهرِ کان بشکن به تیشه

### قصیده سیزدهم در پند و اندرز<sup>(۱۰)</sup>

- 
- ۱- تنها در نسخه ۱۷ یافته شد  
 ۲- ن ۱۷ = خورد ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۲۹، ۱۲، ۳۵، ۱۷۲ = تر  
 ۳- ن ۲ = کو ؛ دیگر همه نسخ = کان  
 ۴- ن ۲، ۲۹ = اگر ؛ ن ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۳۵، ۱۷۲ = وگر  
 ۵- ن ۱۷ = رو ؛ دیگر همه نسخ = ره  
 ۶- ن ۱۷ = بمان ؛ ۲، ۲۹ = همان ؛ ۱، ۷، ۸، ۱۲، ۳۵، ۵، ۱۷۲ = ممان  
 ۷- ن ۱۷ = گر بزم این قرب ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = کز بزم قرب این  
 ۸- ن ۱، ۲، ۵ = داستان ؛ ن ۷، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = آستان  
 ۹- ن ۵ = رشته خیز ؛ دیگر همه نسخ = دشنه خیز  
 خلاصه‌الاشعار : اشعار از ۱ تا ۲۷ و ۳۲ تا ۷۳ ؛ آتشکده اشعار ۵، ۶، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۳۹، ۵۹، ۶۱ ؛ بهار عجم = ۳، ۱۸، ۳۲، ۵۲، ۶۹.
- 

۱۰- عرفی اکثر قصاید را از حکمت و موعظت می‌آغازد. ممکن است که تشبیه قصیده ناتمام باشد. این هم ممکن است که مثل چند قصاید دیگر این بطور قصیده و اعطانه گفته شده باشد. درین صورت این را قصیده ناتمام نباید شمرد. ادامه پاورقی در صفحه بعد

زودتر هستی منعم را فنا غارت گراست  
 ازل آن گنجینه روید دزد کش قفل از زر است  
 تنگ عیشان<sup>(۱)</sup> سیه دل را محبت دلگشاست  
 بر شکفتیهای<sup>(۲)</sup> نیلوفر ز مهر انور است  
 هر<sup>(۳)</sup> دلی کو مطمئن تر نور حق به جلوه گر  
 به نماید عکس مه چون آب موجش کمتر است  
 نی به مشرب کار دارد معرفت نی با ورع<sup>(۴)</sup>  
 آتش ایمن بری از هیزم<sup>(۵)</sup> خشک و تر است  
 در هجوم فتنه پای صبر می باید فشرد  
 کشتی اندر هول طوفان،<sup>(۶)</sup> پاسبانش لنگر است  
 توده خاکی بود در سیر انواع صور  
 آنکه گاهی چشم آهوی ختن گه عبهر<sup>(۷)</sup> است  
 چهره زرد<sup>(۸)</sup> است کرده صورت نوعی بدل  
 آنکه نزد فهم صرافان بی معنی زر است

ادامهٔ پاورقی از صفحهٔ قبل

این قصیده هم کمیاب هست و تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۲، ۲۹، ۱۷۲ یافته شد. از قصاید قدیمی عرفی که در ایران سروده شده بودند می نماید. قبل عرفی امیر خسرو دهلوی، مولانا عبدالرحمن جامی و علی شیر نوایی قصیده ها درین زمین سروده اند که بالترتیب ازین مصرعا آغاز می شوند.

خسرو = گوش شد خالی و بانگ غفلش اندر سراسر است

جامی = کنگر ایوان شه کز کاخ کیوان برتر است

نوایی = آتشین لعلی که تاج خسروان را زیور است

۱- ن ۲، ۳۵ = تنگ چشمان ؛ ن ۱، ۵، ۷، ۱۷، ۱۲، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ = تنگ عیشان

۲- ن پرشکفتنهای ؛ ۱۷ = شب شکفتنهای ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۲، ۱۷۳ = برشکفتنهای

۳- ن ۱۷ = در دلی ؛ ۲ = بر دلی ؛ ن ۱، ۵، ۷، ۳۵، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ = هر دلی

۴- ن ۱، ۵، ۳۵، ۱۷ = دروع ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۷۳ = ورع

۵- ن ۸، ۳۵ = ز آرایش ؛ ن ۱۷، ۲۹، ۱۷۳ = از هیزم ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷۲ = از آتش

۶- ن ۱، ۵ = افتد ؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۳ = طوفان

۷- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۲۱، ۱۷۲ = عبهر ؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷۳ (حاشیه) = عبهر

۸- در نسخ املا "زردست"



زینتِ مرد از هنر باشد نه اطلس، کین قماش  
 گه لباسِ شاه و گه برگستوانِ استر است  
 آدم از معنیست رنگین، ور غرض صورت بود  
 صورتِ رنگین بسی نقّاش را بر دفتر است  
 هر دلی کو صلب بالطبعست بر نرم بالعرض<sup>(۱)</sup>  
 نرود اربابِ صفا دل نیست سنگِ مرمر است  
 شرم باد از ریزه سنگی ترا، کز تربیت  
 تاجِ شاهان را فزاید زیب و نامش گوهر است  
 کور باطن را نیفزاید بدل نور از سلوک  
 چشم اعمی را چه فیض از توتیای عنبر است  
 آنکه استعدادِ فیض نیست می‌شاید اگر  
 ننگرد مُرشد که نیکش بیش یا بد<sup>(۲)</sup> کمتر است  
 پشه را گر در شمارِ صید شهباز آورد  
 بعد ازان بیند که صید فربه‌ی یا لاغر است<sup>(۳)</sup>  
 باید انگشتانِ عامل را قلم کردن تمام<sup>(۴)</sup>  
 زانکه هر انگشتِ او ماری و ناخن نشتر است  
 عاجزان را دمبدم نشتر بدل زن کژدمیست<sup>(۵)</sup>  
 آنکه در انگشتِ اربابِ قلم انگشتر است  
 دهر دجّالی، و در دستِ فریبِ او دف است  
 کافتاب و مه جلالِ آسمانش چنبر است<sup>(۶)</sup>

۱- ۲۱ = و نرم است بالعرض (این از روی عروض درست نیست)؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = و نرم بالعرض (این هم درست نمی‌نماید).

۲- ۵ = باید؛ ن ۲۹، ۳۵، ۲۱ = یابد

۳- در نسخ ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۲ این بیت پیش از بیت سیزدهم یافته شد

۴- ۸ = ولی؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = تمام

۵- ۲ = گر ادیب؛ ن ۱۷۳ = بدل زن کژدمیست؛ ن ۲۹، ۱۷ = بدل زن کژدمیست؛ ن ۱، ۵، ۳۵ = زن کردنیست؟

۶- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ این بیت پیش از بیت بالایش یافته شد ولی در نسخ ۱۷، ۱۷۳ ترتیب اشعار همین است که درج شده.

بر فریب شاهد دنیا منه دل، کین عجز  
 مادر صد بی بکارت گشت و نامش دختر است  
 نزد معلول ز کام از بهر تصحیح مزاج  
 فضله حیوان گرامی تر ز مشک و عنبر است

### قصیده چهاردهم

#### قصیده در مدح حکیم ابوالفتح گیلانی<sup>(۱)</sup>

ز هر گلی که هوای دلم نقاب گشاد  
 فلک به گلشن حسرت نوشت و<sup>(۲)</sup> داد بباد  
 هر آن گره که در آن<sup>(۳)</sup> نقد مدعا بستند<sup>(۴)</sup>  
 بدامن طلب مدعی نهاد<sup>(۵)</sup> و گشاد  
 زمانه غیر الم نامه نیست تصنیفش  
 دلم ز صفحه فهرست برگرفته<sup>(۶)</sup> سواد  
 مخند اگر به فسون زمانه دل بستم  
 نه بهترم ز سلیمان که تکیه زد<sup>(۷)</sup> بر باد  
 کدام شهوت<sup>(۸)</sup> از آبای سببه شد صادر<sup>(۹)</sup>  
 چه<sup>(۱۰)</sup> نطفه از رحم امهات اربعه زاد

۱- این قصیده در جواب قصیده ظهیر فارابی گفته شده باین مطلع:

مرا ز دست هنرهای خویشان فریاد  
 که هر یکی بدگر و نه داردم ناشاد

۲- ن ۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، ۹ (پاورقی) = نوشت و رفت بباد ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، شرح آرزو، میرزاجان، منیر، قطب، شفیع، عجیب = نوشت و داد بباد ؛ خلاصه = نوشت و رفت زیاد ؛ ن ۱۷۰ = نوشته داد بباد ؛ ن ۲۸ = نوشت رفت بباد

۳- ن ۲، ۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷، خلاصه = درو ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۹ = دران

۴- ن ۱، ۴، ۱۷۰ = بستم ؛ خلاصه = بسته ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = بستند

۵- ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۸ = نهاد گشاد ؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = نهاد و گشاد

۶- بهار عجم، کارنامه = برگرفت ؛ دیگر همه نسخ = برگرفته

۷- ن ۱۷۰ = کرد ؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = زد

۸- شرح آرزو، میزت = صحبت ؛ دیگر همه نسخ و آتشکده، خلاصه، رحیم، میرزاجان = شهوت

۹- ن ۲ = حاصل ؛ ن ۵ = ظاهر ؛ خلاصه = صادر شد ؛ میرزاجان، آتشکده، میزت، آرزو و دیگر دیوان بشمول

که روزگار به مولود دشمنانِ توام  
 دو صد کرشمه نیفشاند<sup>(۱۱)</sup> در مبارکباد  
 چراغِ مهر نمی‌میرد ای فلک، یک صبح  
 برویم از نگشایی<sup>(۱۲)</sup> دریچهٔ بیداد  
 چه خیزد از نفسِ سردِ من، بهل یک روز  
 که ز مهریر نجوشد<sup>(۱۳)</sup> ز کوزهٔ حدّاد  
 دگر بناله نمی‌ریزم آبروی نفس  
 که چشمه چشمه ازین آب داده‌ام بریاد  
 کدام ناله میانش به شعله بر بستم  
 که روزگار به منع اثر فرو نگشاد  
 کدام ناله سرشتم بداغِ دل کورا<sup>(۱۴)</sup>  
 زمانه در کرهٔ ز مهریر غوطه نداد<sup>(۱۵)</sup>  
 گرفتم آنکه ز فریاد<sup>(۱۶)</sup> منع دل<sup>(۱۷)</sup> نکنم<sup>(۱۸)</sup>  
 که مهربان شود این عمر نوح و این<sup>(۱۹)</sup> فریاد

ادامهٔ پاورقی از صفحهٔ قبل

۵(حاشیه) = صادر

۱۰-ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، رحیم = کدام نطفه که از ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۲، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = چه نطفه از رحم

۱۱-ن ۸، ۲۹، ۳۵ = نیاراست ؛ ن ۱۷، آتشکده = بیفشاند ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، آرزو، میرزاجان، رحیم = نیفشاند ؛

خلاصه = میفشاند

۱۲-ن ۱۹ = بکشائی ؛ دیگر همه نسخ = نگشایی

۱۳-ن ۸، میرزاجان = بجوشد ؛ دیگر همه نسخ و شرح با = نجوشد

۱۴-ن ۱۷ = اورا ؛ دیگر همه نسخ = کورا

۱۵-این بیت در نسخ ۱، ۳، ۴، ۵، ۶ نیافته شد. تنها در نسخ ۲، ۱۳، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۴، ۱۷ دیده شد بعد از بیت  
 نمره ۱۲ که آن مقدم این بیت ۱۳ هست.

۱۶-ن ۹ = زیاد تو ؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = زفریاد

۱۷-شرح آرزو، منیر، کارنامه، مسرت، قطب، ۱۷۰ = لب ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، ۱۸، ۹، ۱۷۰ = دل

۱۸-ن ۴، قطب = بکنم ؛ دیگر همه نسخ = نکنم

۱۹-ن ۱ = ازین ؛ ن ۲، ۴، ۶، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، و این ؛ ن ۱۷۰، ۱۸، ۲۰ = زین

به بخت بی اثرم<sup>(۱)</sup> آن کند خجالتِ عجز<sup>(۲)</sup>  
 که ضعفِ باده محلّ زفاف با داماد  
 مدارِ زندگی بر ملالت است<sup>(۳)</sup> کجاست  
 دروغ مصلحت آمیز و تیشه فرهاد  
 از آن ز دست هنرهای<sup>(۴)</sup> خود نمی<sup>(۵)</sup> نالم<sup>(۶)</sup>  
 که بر ظهیر ازین شیوه هیچ در نگشاد  
 بدین صفت<sup>(۷)</sup> که به عهدِ حیات بگشایند<sup>(۸)</sup>  
 هزار چشمه خون از دلم به نیش<sup>(۹)</sup> عناد  
 چه دل گشاید ازینم که بعد ازین گویند  
 که بوده است فلان دام اسمه استاد  
 ازینکه بعد بریدن تمام شانه شود  
 گره گشاده نگردد ز طره شمشاد  
 هزار آهوی روح القدس فریب<sup>(۱۰)</sup> افتد  
 هنوز ناوکی اندیشه را نداده کشاد<sup>(۱۱)</sup>

- ۱- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = بی اثرم؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بی اثرم  
 ۲- ن ۲۸، ۱۷۰ = عجز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = عجز  
 ۳- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ملالت است؛ ن ۲۰، خلاصه = ملالت تست؛ ن ۹ (پاورقی)، ۱۸، ۲۴، ۱۷۱، شرح آرزو، کارنامه، مسرت، آتشکده = ملالت است  
 ۴- ن ۱۷ = عملهای؛ دیگر همه نسخ بشمول ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، کارنامه، آرزو، منیر، مسرت، قطب، خلاصه، آتشکده = هنرهای  
 ۵- ن ۱، ۴، ۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۵، کارنامه، مسرت، آرزو = همی؛ ن ۲، ۳، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، آتشکده، خلاصه، منیر = نمی  
 ۶- اشاره بطرف مطلع قصیده ظهیر فاریابی  
 ۷- ن ۱۳ = جهت؛ دیگر همه نسخ = صفت  
 ۸- ن ۲۹ = نکشایند؛ مسرت = بگشادند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، رحیم، میرزاجان = بگشایند  
 ۹- ن ۱، ۹، ۱۹، ۲۸، ۱۷۱ = پیش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵ = نیش  
 ۱۰- ن ۲، ۸ = قریب؛ ن ۲۹، ۳۵ = قریب؛ ۱۷ = مرب ؟  
 ۱۱- این بیت تنها در نسخ ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد

بچشمِ صدق نظر می‌کنم به هر چه گذشت<sup>(۱)</sup>

جُزاین صواب نیستم که دارم دل شاد

که در مَدایحِ دونان طیبعتِ مَلْکِی

ز بَاغِ قَدَسِ نَبِردم بکشتِ هزلِ آباد

کنون که می‌کنم انشای مدح، مدحِ کسیست

که جبرئیلِ مدیحتش فزوده بر اوراد

حکیمِ عهدِ ابوالفتحِ آفتابِ هنر<sup>(۲)</sup>

که از دمش رَوَد اعجازِ عیسوی بر باد

رماد را شررِ قهر او کند سنجرف

جماد را اثرِ لطفِ او کند شمشاد

اگر به قصرِ جلالتش روند پایه شمار<sup>(۳)</sup>

که نیم پایه بود زان شمار سیع شداد

عجب بدان که قدم سوده باز پس گردد

هم از بدایت<sup>(۴)</sup> سَلَمِ نهایتِ اعداد

زهی تَکْوَن<sup>(۵)</sup> جاوِ تو زینتِ امکان

زهی<sup>(۶)</sup> تَجَلّی<sup>(۷)</sup> ذاتِ تو علّتِ ایجاد

۱- ن ۵ = بهر چه که هست ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بهر چه گذشت

۲- ن ۸، ۲۵ خلاصه = منیر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = هنر

۳- شرح عجیب و غریب = پای شمار ؛ دیگر همه نسخ = پایه شمار

۴- ن ۱۹ = نهایت علم و نهایت اعداد ؛ ن ۶ = نهایت سلم بدایت اعداد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰،

۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱، ۲، ۳، ۴ = هم از بدایت سلم نهایت اعداد

۵- ن ۲۹، ۳۵، ۱، ۲، ۳، ۴ = تَکْوَن جاه ؛ ن ۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۳۳، ۲۴، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = تَلَوَن جاه ؛ ن ۲۸ = تَلَوَن جای ؛ عجیب و

غریب = ترقی جاه ؛ ن ۹ = تَکْوَن ذات

۶- خلاصه = خهی ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۹، ۱۷۰ = زهی

۷- خلاصه = تجمل ؛ دیگر همه نسخ = تجلی

ز نقش<sup>(۱)</sup> مانی دانش نگشت خامه<sup>(۲)</sup> صنع  
 ازان نیافت نشان کسی چو نقش<sup>(۳)</sup> زیاد<sup>(۴)</sup>  
 بدین صفت که به عهد نظام دولت تو  
 بود ملازم هر بستگی هزار گشاد  
 چگونه طره مشوش کند ز باد صبا  
 اگر نه شانه به جیب آید از عدم شمشاد  
 ز خط حکم تو گر پا برون نهد گردون  
 گسسته دایره مانند حلقه نون باد  
 به سیر مرتع قدر<sup>(۵)</sup> تو آهوان حرم  
 بدور سفره خلق تو گریه های زیاد  
 نثار مقدم اندازه تو چشم ملوک  
 غبار دامن آوازه تو گوش بلاد  
 نفاذ امر تو گر پنجه ای ز موم<sup>(۶)</sup> کند  
 کشد انامل وی<sup>(۷)</sup> آتش از دل فولاد<sup>(۸)</sup>  
 حسود جاه تو صد ره ز رنگ و بوی هوس  
 بدست یاری افتد بست نقش مراد  
 زمانه بعد حصول مراد با وی کرد  
 همان که بعد نظام بهشت با شداد

۱- ن ۱۳، ۲۹ = به نقش ثانی دانش؛ ن ۲ = ز نقش معنی دانش؛ ن ۸، ۳۵ = به نقش مانی دانش

۲- ن ۲، ۲۹ = خانه؛ ن ۸، ۳۵ = پایه

۳- ن ۲ = نقش زیاد؛ ن ۲۹ = نقش از یاد؛ ن ۸، ۳۵ = نقش آباد

۴- این بیت و دو بیت بعدی تنها در نسخ ۸، ۱۳، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۵- ن ۱۷۰ = آرزو، مسرت، کارنامه، منیر، خلاصه، عجیب و غریب = جاه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، بهار عجم، رحیم = قدر

۶- ن ۱۷ = زمام؛ ن ۳۵ = رموز؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۸ = زوموم

۷- میرزا جان = آن؛ ن ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۹، ۳۵، ۱، ۵، ۹ = وی

۸- ن خلاصه = پولاد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ و غیره = فولاد

به باغ طبع<sup>(۱)</sup> تو جوشند طایرانِ بهشت  
 چنانکه فوجِ مگس بر<sup>(۲)</sup> دُکانچه قنّاد  
 چو رازدار تو گردد ز مُردنِ شیرین  
 ملال راه نیابد به خاطر<sup>(۳)</sup>ِ فرهاد  
 اگر صبا به مزاری برد غبارِ درت  
 کنند تهنیت<sup>(۴)</sup> از هم بزیرِ خاک اجساد  
 بر آسمانِ نهم حلمت<sup>(۵)</sup> ار فشارد<sup>(۶)</sup> پای  
 بجز دو بُعد مبرهن نگردد از ابعاد  
 بذکرِ نام تو وقت دعا چو برگردد  
 به شارعِ نفسم<sup>(۷)</sup> فوجِ فوج از اعداد  
 برای رفعِ تقدّمِ عجبِ مدان<sup>(۸)</sup> که زند  
 صفِ مآتِ شبیخون به لشکرِ اُخاد  
 خدایگانان، دارم حکایتی بر لب  
 که چون مدیح تو نتواندم بلب<sup>(۹)</sup> استاد  
 خیالِ بندگانیت دوش نقش می‌بستم  
 ز روی کسبِ شَرَفِ نی ز روی استعداد  
 که ناگه از درِ اندیشه‌خانه شاهدِ عقل  
 که شمعِ خلوت<sup>(۱۰)</sup> اسرارِ مبدأ است و معاد

۱- ۳۵، ۸ = مدح؛ ن ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، خلاصه، قطب و غیره = طبع

۲- ۳۵ = با؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸ و غیره = بر

۳- ۳۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷، رحیم = به خاطر؛ ن ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۲۰ = به سینه

۴- ۳۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۱، رحیم = کنند تهنیت از هم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = کنند تهنیت هم؛ ن ۲۸ = کشد به تهنیت هم

۵- کارنامه = حکمت؛ دیگر همه نسخ و شروح = حلمت

۶- مسرت، آرزو = گذارد؛ ن ۹ = فشاندی؛ ن ۱۸، ۲۰ = فشاند؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵، ۸، قطب، میرزا جان، کارنامه، رحیم

= فشارد

۷- ۳۵، ۸، ۹ (حاشیه) = سختم؛ دیگر همه نسخ = نفسم

۸- قطب = بدان؛ دیگر همه نسخ = مدان

۹- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بلب؛ خلاصه = بدل

۱۰- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و غیره = خلوت؛ خلاصه = جلوه

کرشمه سنج و تبسم کنان در آمد و گفت  
 که عید<sup>(۱)</sup> بندگی صاحب مبارک باد<sup>(۲)</sup>  
 من از تعجب این حرف دلگشا گفتم  
 که این ز لطف کلام تو ملکِ هزل<sup>(۳)</sup> آباد  
 نه آسمانم و نی آفتاب و نی بهرام  
 کزین مطایبه گردهم ز ساده لوحی شاد  
 توهم ز حرف تسنک مایه تر زبان نشوی  
 بگو که صورت این مُژده از چه معنی زاد  
 جواب داد که این مُژده را دلیلی هست  
 که دست فطرتم آن را به طاق حصر<sup>(۴)</sup> نهاد  
 همین نفس ادب آموز قدسیان جبریل  
 در چو حرم قدس را بدیده کُشاد  
 به سوی کاتب اعمال بانگ برزد و گفت  
 که ای رقم کش کردار<sup>(۵)</sup> خوب و زشت عباد<sup>(۶)</sup>  
 بشوی نامه عرفی که ایزد مُتعال  
 ز بندگانِ خودش برگزید و کرد آزاد  
 اگر نه بندگی صاحب بفال آمد  
 سبب چه بود که جبریل این ندا در داد

۱- ن ۹ (پاورقی)، ۱۸ = عهد؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸ (حاشیه)، ۲۹، ۳۵ و غیره = عید  
 ۲- در نسخ ۱، ۹، ۲۰ مصرع ثانی این بیت مصرعه ثانی شعر ۴۷ هست و مصرعه ثانی آن شعر مصرعه ثانی این بیت (۳۶) هست.

۳- خلاصه = دل؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = هزل

۴- ن ۹ (پاورقی)، ۲۰ (حاشیه)، ۸ = حصر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۳۶، خلاصه و غیره = حصر

۵- ن ۱، ۵ = اعمال؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = کردار

۶- ن ۲۸ = عناد؛ ن ۲۹ = جهاد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷ و غیره = عباد

خلاصه: اشعار ۱ تا ۲۲، ۲۶ تا ۴۰، ۴۳ تا ۵۹، ۶۲ تا ۸۶، ۸۹ تا ۹۱، ۹۰ تا ۹۱

بهار عجم: اشعار ۷، ۱۴، ۱۷، ۳۹، ۴۳، ۴۶، ۵۲، ۵۴، ۵۵



من از ستانت بُرهان به شرم<sup>(۱)</sup> غوطه زدم  
 شکست بر رُخ اندیشه رنگِ استبعاد<sup>(۲)</sup>  
 بخدمت آمدم<sup>(۳)</sup> اینک<sup>(۴)</sup> بگو چه مصلحت است  
 بر آستانِ تو باید نشست با اُستاد  
 گرم ز بنده شمردی ز خواجگی صد شکر  
 و گر قبول نکردی، ز ناکسی فریاد  
 بگوهرم مفشان آستینِ منع<sup>(۵)</sup> مباد  
 که شبچراغ شود بی صفا ز گردِ کساد  
 بگویم<sup>(۶)</sup> از گُهر خویش گر چه بی شرمیست<sup>(۷)</sup>  
 که در حضورِ هُما سر کنم ستایشِ خاد  
 ز دودمانِ اصیلیم، همین گواهم بس  
 که شرمِ این سخنم خوی ز چهره بیرون داد  
 اگر نه شرمِ جلالِ تو مُهر لب بودی  
 نژادی از نفسم<sup>(۸)</sup> جُز مدایحِ اجداد  
 نکرده گوهرِ مدحی<sup>(۹)</sup> نثارِ کس هرگز  
 گهر شناسِ ضمیرم که گنج زیر<sup>(۱۰)</sup> افتاد

- ۱- ن ۳۵، ۸ = ز شرم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۲۹ و غیره = به شرم  
 ۲- ن ۲، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، رحیم = استعداد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۳، ۸، ۱۹، ۳۵، خلاصه = استبعاد  
 ۳- ۴ = آمد؛ دیگر همه نسخ = آمدم  
 ۴- ن ۳۵، ۸ = اکنون؛ ن ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اینک  
 ۵- ن ۸ = ز میع؛ ن ۱، ۳۵، ۲۸، ۲۹، ۵، ۹، ۱۸، ۲۱، ۱، ۳، ۴ = بیع؛ ن ۹ (پاورق)، رحیم، مسرت، کارنامه = منع  
 ۶- آتشکده = نگویم؛ دیگر همه نسخ و شروح = بگویم  
 ۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، رحیم، عجیب و غریب = بی ادبیست؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه، آتشکده = بی شرمیست؛ ن ۲۸ = بی هنر است  
 ۸- ن ۲۹ = نغم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = نفسم  
 ۹- ن ۱۹، ۶ (پاورق) = نظمی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = مدحی  
 ۱۰- ن ۹، ۱۸، ۲۹، ۵، ۱۸، ۲۸ = ریز؛ ن ۱، ۲۱، ۳۵، ۱۷، ۴ = زیر

مراسمزد<sup>(۱)</sup> که بنام به نسبت آبا  
 چنانکه تا به قیامت به طبع من اولاد  
 کلید جاو تو یارب چه تیز<sup>(۲)</sup> دندانست  
 که مهر گنج طبیعت شکست و قفل گشاد  
 بگیر تحفه نظمی که زاده از<sup>(۳)</sup> طبعم  
 درو بسیر<sup>(۴)</sup> بیندیش کین<sup>(۵)</sup> لطیف نهاد  
 نه گوهر است ولی هست زاده دریا  
 نه جوهر است ولی هست قابل ابعاد  
 خدایگانا، زآن گونه سر بلندم کن  
 که همتم نکند<sup>(۶)</sup> همسری به سبب شداد  
 چنان ز گریه غم باز دار چشم دلم<sup>(۷)</sup>  
 که خنده ریز توانم گذشت بر حساد  
 به صد مضایقه نازی قبول می کردم  
 ز شاهدان بهشتی سرشت<sup>(۸)</sup> حور نژاد  
 کنون ز غاشیه بافان ریش اندوزم  
 کمرشده های عروسانِ خلیج و نوشاد  
 مگر ز منهی رایت شنیده ای حالم  
 که ریش های حریفان همی دهی<sup>(۹)</sup> برباد

۱- ن ۳، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۱۲۱، خلاصه، رحیم، آتشکده = رسد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵ = سزد

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = تیز؛ ن ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۱۲۱، خلاصه = شوخ

۳- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = زاده طبعم؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۸، ۳۳، ۱۲۱، ۲۴ = زاده از طبعم

۴- ن ۳، ۴، ۲۸، ۳۵، کارنامه = بسیر باندیشه؛ ن ۹ = به سهل بیندیش؛ ن ۱۷، ۳۳، ۲۴ = بسیر بیندیش؛ ن ۱۸، ۲۰، ۱۲۱ = بسیر بیندیش؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸ = بسیر و بیندیش

۵- میرزا جان = کان؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۴، ۱۲۱، رحیم = کاین

۶- ن ۹، ۲۸، ۲۰ = بکند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۳۳، ۲۴، ۱۲۱ = نکند

۷- ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = چشم و دل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۰، ۲۸، ۱۲۱ = چشم دل

۸- ن ۱۸، ۲۰، رحیم، ۳۳، ۲۴ = بهشتی سرشت و حور نژاد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، قطب، منیر، میرزا جان و غیره = بهشتی سرشت حور نژاد

۹- ن ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۳۳ = دهی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = دهم

همیشه تالِبِ الیاس و خضر سیرابست<sup>(۱)</sup>

ز چشمه‌ای که هنوزش کند سکندر یاد

لِبِ عُدوی تو سیراب لیک ازان آبی

که ضربت<sup>(۲)</sup> تو چکاند ز دشنه<sup>(۳)</sup> فولاد

### قصیده پانزدهم

#### قصیده در مدح حکیم ابوالفتح گیلانی

عشق کو <sup>(۴)</sup> تا خرد بر اندازد	عود شوقی به مجمراندازد
درد را در دلم بیالاید	عافیت را به بستراندازد
مُریغِ جان را برد به باغِ گلی <sup>(۵)</sup>	که اگر پرزنند، پراندازد
صیدِ دل را کشد به بند کسی	که اگر سر کشد، سراندازد
آنکه از ناز و غمزه بر جانم	گه ستان گاه خنجراندازد
وز <sup>(۶)</sup> متاعِ وفا به جیبِ دلم	نه اقل و نه اکثراندازد
شاهدی کو که یک نفس گوشی	به دل <sup>(۷)</sup> درد پروراندازد
هر شکستی که از دلم بخرد <sup>(۸)</sup>	بدو زلفِ معتراندازد
آسمان رنگِ شیشه‌ای طلبد	آفتابی <sup>(۹)</sup> به ساغراندازد
در شراب <sup>(۱۰)</sup> افگند دل گرمم	دوزخی را به کوثراندازد
خنده جام، غم <sup>(۱۱)</sup> بگریاند	گریه شیشه، خون براندازد

۱- خلاصه = شاداب؛ دیگر همه نسخ کلیات = سیراب

۲- ن ۱، ۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸ = ضربت؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه = فرصت

۳- ن ۶ = خنجر؛ دیگر همه نسخ = دشنه

۴- خلاصه = تو؛ دیگر همه نسخ = کو

۵- ن ۸، ۳۵ و لی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱، ۲۴ و غیره = گلی

۶- ن ۴، ۱۷ = از؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ و غیره = وز

۷- ن ۸، ۳۵ = بمن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱، ۲۴ و غیره = بدل

۸- ن ۸، ۱۸، ۲۹، مسرت، میرزا جان = خیزد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱، ۲۴ و غیره = بخرد

۹- ن ۹، ۱۸، ۲۹، رخیم، ۳۳، ۱۷۱، ۲۴ = کافتابی؛ ن ۱۷ و آفتابی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = آفتابی

۱۰- ن ۳۵ = سراب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ و غیره = شراب

۱۱- ن ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = جام جم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = جام غم

نورِ خورشید می<sup>(۱)</sup> برنگِ شفق  
 بادهٔ روشنی که لمعهٔ آن<sup>(۳)</sup>  
 قهقهه شیشه طبلِ کوچ زند  
 کو مغنی که اضطرابِ دلم  
 از رگ و ریشهٔ دلم<sup>(۵)</sup> بکشد  
 زخمه از بادِ گوشهٔ دامن  
 نی غلط گفتم، این نه گردابِ است  
 کشتیم در میانِ بحر شکست  
 هر که دنیا نشیمنش باشد  
 مُردم از شرم،<sup>(۸)</sup> چند گمراهیم<sup>(۹)</sup>  
 دستِ توفیق کو که شمشیری  
 حُسن معنی که دارد آنکه بمهر  
 یوسف آنکس بود که از حسدش  
 او عبیر<sup>(۱۲)</sup> لباسِ خود خواهد<sup>(۱۳)</sup>  
 واعظم گشت سنگِ مستی کو

بر سرِ خاک اغبر<sup>(۲)</sup> اندازد  
 نور از چشمِ اختر اندازد  
 هوش را خیمه بر سر اندازد  
 همه در نبضِ مزم<sup>(۴)</sup> اندازد  
 رعشه در جان غم در اندازد  
 موج در نغمه<sup>(۶)</sup> تر اندازد  
 کز ویم کس به معبر اندازد  
 که به دریا شناور اندازد<sup>(۷)</sup>  
 فشرش در کام اژدر اندازد  
 عقده در کارِ رهبر اندازد  
 بر سرِ نفسِ کافر اندازد  
 در رو دشمنان سر اندازد<sup>(۱۰)</sup>  
 گر<sup>(۱۱)</sup> برادرِ بیه چه در اندازد  
 که بیه جیبِ برادر اندازد  
 که شکستی<sup>(۱۴)</sup> به منبر اندازد

- ۱- ن ۱۷، عجیب و غریب = می برنگ شفق؛ ن ۴ = پی پرند شفق؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = می برد ز شفق؛ ن ۲، ۳، ۲۹ = می پرند شفق؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۴ = می پرند شفق
- ۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۰ = عنبر؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ (حاشیه)، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۲۴، ۱۷۱ = اغبر
- ۳- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷ = او؛ ن ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵، مسرت، رحیم و غیره = آن
- ۴- ن ۲۹، ۲۸ = مضمهر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۳۳، ۳۵، ۲۴، ۱۷۱ و غیره = مزم
- ۵- ن ۲، ۴، ۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، بهار عجم = غم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۸، ۳۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲، مسرت، ۲۴ = دلم
- ۶- مسرت = نغمه تر براندازد؛ دیگر همه نسخ و شروح = نغمه تر اندازد
- ۷- اشعار ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ در نسخ اول و پنجم و هشتم و سی پنجم نیافته شد
- ۸- ن ۳۵، رشک؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۴، ۵، ۲۸، ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = شرم
- ۹- ن ۱۹ = گمراهیم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۲۴، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۹، ۱۷۱ = گمراهیم
- ۱۰- در نسخه چهارم این بیت موجود نیست.
- ۱۱- ن ۲، ۲۹ = کو؛ ن ۱، ۱۷، ۱۹، ۳۵، ۸ = که؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۴ = گر
- ۱۲- ن ۱۷ = عبیری؛ دیگر همه نسخ بشمول شروح = عبیر
- ۱۳- ن ۱۸، ۳۱ = خواهد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۲۴ = خواند
- ۱۴- ن ۸، ۱۹، ۱۷ = شکستش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۳۵، ۲۸ = شکستن؛ ن (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ =

که سخن طرح دیگر اندازد  
 رسم شرم از جهان بر اندازد  
 به طرب‌گاه<sup>(۲)</sup> دلبهر اندازد  
 شور تا کی به هر سر اندازد  
 مهره ناگه<sup>(۴)</sup> به ششدر اندازد  
 که شکایت به محشر اندازد  
 زهر آفت به ساغر اندازد  
 ترسمش عقل در<sup>(۷)</sup> سر اندازد  
 بدر گوش داور اندازد  
 غمزه زهره<sup>(۹)</sup> خنجر اندازد  
 آسمان مهر انور اندازد  
 قلمش نافه تر اندازد  
 چویند و در گلو در اندازد  
 بر زمین بیضه زر اندازد

ذوق وعظم نماند و<sup>(۱)</sup> می‌خواهم  
 سربسر شکوه ستم گردد  
 خویشتن را ز تنگنای دلم  
 گوید ای بی‌وفا کرشمه تو  
 نقش بین،<sup>(۳)</sup> کج مبارز با عرفی  
 کاشکی آن شکیب هم می‌داشت  
 رو به دلجویش مباد آن مست  
 رو که آن تشنه بهانه<sup>(۵)</sup> مدح<sup>(۶)</sup>  
 که شکایت به خون بی‌الاید<sup>(۸)</sup>  
 میر ابوالفتح کز سیاست او  
 گر ضمیرش کند نثار قبول  
 نامه<sup>(۱۰)</sup> صحرای چین شود هرگاه<sup>(۱۱)</sup>  
 دانه از کشت جودش از مرغی  
 همچو سیمرخ آسمان هر روز<sup>(۱۲)</sup>

ادامه پاورقی از صفحه قبل

شکستی

- ۱- ن ۴، ۱۷، ۲۹، خلاصه = نماند می‌خواهم؛ ۳، ۵، ۱۸، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۲۴، ۱۷۱ = نماند می‌خواهم  
 ۲- ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = به نظرگاه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۴ = به طرب‌گاه  
 ۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، قطب، ۲۸، عجیب = نقش بین کج مبارز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۲۴ = نقش را کج مبارز؛ ن ۴، ۱۹، ۵ (حاشیه) = نقش کز بین  
 ۴- ن ۴، ۵، ۱۷، ۳۵ = مهره ناگه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، عجیب و غریب، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۴ = مهره تاکی  
 ۵- مسرت و عجیب و غریب = پیاله؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۳۵ = بهانه؛ ن ۲۹ = مدائح  
 ۶- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = ناز؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۳۳، ۱۷۱، ۲۴ = مدح  
 ۷- ن ۱، ۲، ۴، ۲۹ = بر؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۵، ۳۳، ۲۴ = در  
 ۸- ن ۹، ۱۷، آرزو = بی‌الاید؛ ن ۲۸ = بی‌الاند؛ ۱، ۴، ۵، قطب = بی‌الاید؛ ن ۱، ۲۰، ۳۳، ۲۹، ۴، ۳۵، خلاصه، رحیم = بی‌الاید  
 ۹- ن ۱۷ = غمزه زهراب خنجر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۴، مسرت، رحیم و غیره = غمزه زهره خنجر  
 ۱۰- ن ۱، ۳، ۴، ۵ (ترمیم)، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نامه؛ ن ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، نافه؛ خلاصه، عجیب و غریب = ناز  
 ۱۱- ن ۲۹ = هرکام؛ دیگر همه نسخ = هرگاه  
 ۱۲- ن ۱۷ = هر دم؛ دیگر همه نسخ کلیات و شروح = هر روز

جانب فرش گستر اندازد	بهر سامان بزم اگر نظری
جای فرشش به منظر اندازد	چمن جنت آورد رضوان
گر به دامن صرصر اندازد	مایه <sup>(۱)</sup> انتعاش <sup>(۲)</sup> مظلومان
پیش بُرج کبوتر اندازد	آشیان <sup>(۳)</sup> خراب کرده باز
نام رستم به خون در اندازد	روز هیجا چو <sup>(۴)</sup> برکشد شمشیر
لرزه در نقشِ مسطر اندازد	خامه <sup>(۵)</sup> هنگام ثبت <sup>(۶)</sup> هیبت او
که روا رو به لشکر اندازد	در مصاف قیامت آشوبی <sup>(۷)</sup>
حمله را باد در سر اندازد	نعره را تازیانه فعل کند
صدمه <sup>(۸)</sup> سد سکندر اندازد	نعره سیلی بر آفتاب زند
نیزه در ناف اختر اندازد	دشنه بر سینه فلک شکند
وز برش <sup>(۱۰)</sup> چنگ و مزمز <sup>(۱۱)</sup> اندازد	زهره آهنگ رزم بردارد <sup>(۹)</sup>
زره <sup>(۱۳)</sup> زلف در بر اندازد	حله <sup>(۱۲)</sup> مطربانه چاک زند
طلبد خود و معجز اندازد <sup>(۱۴)</sup>	ترکتاز از کمرشمه وام کند
سرو دست دو پیگر اندازد	تیغ سیماب کون در آمد و شد

۱-ن ۸ = پایه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۹، ۱۸ = مایه

۲- شرح منیر، میرزاجان = انتعام ؛ دیگر همه نسخ و شروح = انتعاش

۳-ن ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۲۴ = آشیانه ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = آشیان

۴-ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۳۵ = چو ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۲۴، آرزو، مسرت = که

۵-ن ۳، بهار عجم = نامه ؛ دیگر همه نسخ = خامه

۶-ن ۱۸، ۲۰ = هنگام شب ز هیبت ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = هنگام ثبت هیبت

۷-ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = آشوبی ؛ ن ۹، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۴ = آشوبش

۸-عجیب و غریب = حمله ؛ دیگر همه نسخ = صدمه

۹-عجیب و غریب = ساز دهد ؛ دیگر همه نسخ بشمول خلاصه و شرحها = بردارد

۱۰-ن ۱، ۵، وز برش چنگ ؛ ن ۱۷ = در برون چنگ ؛ ن ۳۵، ۲۹، مسرت = در بر چنگ ؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۳۲، ۳۳

رحیم، ۲۴ = وز برون چنگ ؛ شرح عجیب و غریب = وز بغل چنگ

۱۱-ن ۱، ۲، ۳ = چنگ مزمز ؛ ن ۲۹ = چنگ مضمز ؛ ن ۳۵، مسرت = چنگ مرمر ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳

۲۴ = چنگ و مزمز

۱۲-ن ۱۷ = خامه ؛ دیگر همه نسخ = حله

۱۳-در همه نسخ "زره زلف" هست ولی مسرت "از زره زلف" را درست تر خیال می کند.

۱۴-این بیت تنها در نسخ ۲، ۹، ۲۹ یافته شد.

آفتاب از گشاد ناوکِ او	جوشنِ حوت در بر <sup>(۱)</sup> اندازد
بگریزد به زیرِ ماهی <sup>(۲)</sup> گاو	گرز را چون <sup>(۳)</sup> به مغفر اندازد
بادِ آتش نهاد حمله او	بحر را تشنه در بر اندازد
علت <sup>(۴)</sup> ریشه بسکه عام شود	چون به میدان تگاور اندازد
رمحِ فولاد عرضِ موج زند <sup>(۵)</sup>	تیغِ الماس جوهر اندازد
تا بسنجد متاع بازویش	آنکه زین پس جلد در <sup>(۶)</sup> اندازد
سرِ خاقان به تیغ بردارد	در ترازوی قیصر اندازد
ای که خشم در آزمودن تیغ	سرِ بهرام صفا در اندازد
گر کشد باز هیبت تو صغیر	مرغِ تصویر شهر اندازد
حلمت <sup>(۷)</sup> از سایه افکند به فلک	سینه بر روی محور اندازد
گر قضا قدرتت بدست آرد	بی عرض طرح <sup>(۸)</sup> جوهر اندازد
عطری از جیبِ خلقت <sup>(۹)</sup> از گردون	در گریبان خاور اندازد

۱- ن ۴ = درس؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = بر سر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بهار عجم = در بر

۲- بقول مسرت در چند نسخه در میان ماهی و گاو عطف یافته می شود

۳- ن ۹، ۲، ۵، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۵، ۳۳، مسرت، ۱۷۱، ۲۴ = چون؛ ن ۲۹ = گر

۴- در نسخه ۱۷ اشعار از ۵۷ تا ۶۱ در میان اشعار ۴۶ و ۴۷ یافته شدند. در نسخ ۸، ۱، ۵ (غیر تصحیح شده) شعر ۵۷ بعد از شعر ۴۶ وجود دارد و بعد از آن اشعار ۱۶، ۱۷، ۱۸ دیده می شوند و پس آن اشعار ۵۸، ۵۹، ۶۰ یافته می شوند. بعد از آن اشعار ۴۷ تا ۵۲ بنظر می آید. بعد از آن در نسخه ۱، ۵ اشعار ۵۴ تا ۵۶ هستند ولی در نسخه هشتم شعر ۵۵ موجود نیست. بعد از این اشعار شعر ۶۱ هست. در نسخه ۹ (مطبوعه تهران) هم ترتیب مختلف است در آن نسخه بعد از شعر ۱۷ ابیات از ۴۱ تا ۶۱ به چشم می خورد و بعد از آن اشعار از ۱۸ تا ۴۰ یافته شدند. بعد از آن دیگر اشعار مطابق ترتیب نسخه موجوده هست. در دیگر نسخ هم ترتیب درست نیست.

۵- ن ۹ (پاورقی) = راه موج زند؛ ن ۲۸ = عرض موج ببرد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = عرض موج ببرد؛ ن ۸، ۹، ۲۰، ۱۲، کارنامه، عجیب و غریب، ۳۳ = عرض موج زند

۶- ن ۲۹ = بر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵ = در

۷- ن ۱، ۲، ۸، ۳۵ = حکمت؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴ = حکمت؛ ن ۵ = حقیقتاً حکمت بود ولی حکمت درست کرده شد

بهار عجم = شعر ۱۲، ۲

۸- ن ۱۷ = طبع؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ = طرح

۹- شرح میرزا جان = خلقت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۳، ۳۱، ۲۴ = غیره = خلقت

جای نور آفتاب چون سایه  
 با تو گر حاتم از ره دعوی<sup>(۲)</sup>  
 تو مطالب فشانی و حاتم<sup>(۳)</sup>  
 دشمنت بسکه هست بخل سرشت  
 فعل ازو اشتقاق نتوان کرد  
 شقۀ مردی تو گر مریم  
 مایۀ نشئۀ انانیت<sup>(۹)</sup>  
 داورا لحن مدح<sup>(۱۰)</sup> گستر تو  
 خرد از غور کنه خلق توام  
 حور گر خاکی فطرت یابد  
 زیب حور خیالم ار سنجد  
 بوی جودت شنیده زان قلم<sup>(۱۱)</sup>  
 گر چه طبعم ز شرم مدحت تو  
 عرشیان بر سر کلاه زنند  
 ننگ<sup>(۱۳)</sup> دار و مرنج اگر عرفی

بر<sup>(۱)</sup> جهان فرش عنبر اندازد  
 طرح داد و ستد در اندازد  
 آرزو در برابر اندازد<sup>(۴)</sup>  
 بلغات<sup>(۵)</sup> از<sup>(۶)</sup> نظر در<sup>(۷)</sup> اندازد  
 چون نظر سوی مصدر اندازد  
 معجز آسای به سر در<sup>(۸)</sup> اندازد  
 باز در بطن مادر اندازد  
 رقص در مسمع کر اندازد  
 در ته جیب عنبر اندازد  
 در لباس معطر اندازد  
 لیلی از شرم زیور اندازد  
 مردم از عطسه گوهر اندازد  
 سرب به پائین<sup>(۱۲)</sup> چو عبهر اندازد  
 مرغ فکرم اگر پر اندازد  
 در ثنایت عنان در اندازد

- ۱- ن میرزا جان = در جهان ؛ دیگر همه نسخ = بر جهان  
 ۲- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = نسبت ؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، شرح رحیم = دعوی  
 ۳- ن ۲۹ = جانم ؛ دیگر همه نسخ = حاتم  
 ۴- بقول شرح رحیم آرزو انداختن کنایت از عاجز آمدن است  
 ۵- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴، ۱۷۱ = به لغات ؛ ن ۳۵ = بلعاب ؛ ن ۱۷ = بلغان ؟  
 ۶- ن ۱۷، ۲۸، ۳۵ = ار ؛ ن ۴، ۵، ۲۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴ = از  
 ۷- کارنامه = بر ؛ دیگر همه نسخ و شروح = در  
 ۸- ن ۱۷، کارنامه = بر ؛ دیگر همه نسخ و شروح = در  
 ۹- ن ۳، ۹، ۲۸، خلاصه، ۱۸، ۳۳، ۴، ۱۷۱ = انوئیت ؛ ن ۲، ۲۹ = اناسیت ؛ ن ۱۷ = انوسیت ؛ ن ۵، ۸، ۹ (پاورق)، ۳۵ = انانیت ؛ ن ۱ = انانیت  
 ۱۰- ن ۲، ۲۸، ۲۹، خلاصه = مدح لحن گستر تو ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۳، ۱۷، ۱۸، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱، ۲۴ = لحن مدح گستر تو  
 ۱۱- ن ۹ = قلم ؛ دیگر همه نسخ خطی و چاپی = قلم  
 ۱۲- ن ۱، ۲، ۴، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = به پائین ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = به بالین  
 ۱۳- ن ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۴، ۱۷۱، عجیب و غریب = نیک دار ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹ = ننگ دار و



چه کند طوطی گرسنه، بگوی<sup>(۱)</sup>  
 ور<sup>(۲)</sup> به تنگی، به شوقِ مدح بگو<sup>(۳)</sup>  
 بهر تسکینِ شوقِ مدحتِ تو  
 چون زلیخا که در تسلیِ شوق<sup>(۵)</sup>  
 انوری عاجز است و من عاجز  
 گو به ذهنت<sup>(۶)</sup> که معنی لایق  
 آب گشتم ز شرمِ تحسینت<sup>(۷)</sup>  
 هر<sup>(۸)</sup> کجا مدحت<sup>(۹)</sup> آتش افروزد  
 تا فلک دلقِ اشتهب و ادهم  
 روزِ خصمِ تو شب لباسش باد  
 گسرنه خود را به شکر اندازد  
 کش به دل سایه کمتر اندازد  
 نظم رنگین به دفتر اندازد  
 طرح کاخِ مصور اندازد  
 طرح مدحت که در خور اندازد  
 در زبانِ ثناگر اندازد  
 که به مرغِ سخن پر اندازد  
 در<sup>(۱۰)</sup> ضمیرِ سمندر اندازد  
 روز و شب را به بر در اندازد  
 نه لباسی که از بر اندازد

### قصیده شانزدهم

#### قصیده در وعظ و نصیحت و گردش روزگار

سری در عهد<sup>(۱۱)</sup> ما سامان ندارد

کسی گر<sup>(۱۲)</sup> آب دارد، نان ندارد

- 
- ۱- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹ = بگوی؛ ن ۴، ۱۷، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴ = بگو  
 ۲- ن ۲، ۲۹ = گر؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۴، ۵، ۲۸، ۳۵، ۹، ۱۲، ۱۷، ۲۰، ۲۴ و غیره = ور  
 ۳- ن ۱۷ = تنگی؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۲۴، ۱۷۱ = تنگی؛ ۳۵ = سکی؟  
 ۴- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = بگوی؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۴، ۱۷۱ = بگو  
 ۵- ن ۲۹ = عشق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴ = شوق  
 ۶- ن ۵، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = به ذهنت؛ ن ۱۹ = مدحت  
 ۷- ن ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵ = تهنیت؛ ن ۹، ۱۷، ۱، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵ = تحسینت  
 ۸- ن ۵، ۱۹ = هر؛ ن ۹، ۱۸، ۲۸، ۳۵ و غیره = گر  
 ۹- ن ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = مدحت؛ ن ۲، ۲۹ = مدح  
 ۱۰- ن ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ و غیره = تا؛ ن ۱۹ = در  
 ۱۱- ن ۲۹، ۳۵ = عهد تو؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = عهد ما؛ ن ۵ = عهد  
 ۱۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کو؛ ن ۳، ۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گر

منادی می‌زند<sup>(۱)</sup> در شش جهت یأس<sup>(۲)</sup>

که درد مفلسی<sup>(۳)</sup> درمان ندارد

به شیرینی<sup>(۴)</sup> سخاوت جان بود لیک

کسی کو زر ندارد، جان ندارد

چنان عام است بی آبی درین عهد

که بهرام آب در پیکان ندارد

ز قحطِ نمان به مهمانی عیسی

بجز یک نان فلک در خوان ندارد

هنرور نان کجا یابد که عیسی

به گردون رفت و جز یک نان ندارد

مَجو لؤلؤ که از بس تنگدستی

خزف هم در صدف عمان ندارد<sup>(۵)</sup>

حدیثم از زیان دیگران است

ز من این گفتگو امکان ندارد

چنان از بی زری شاد است عرفی

که پنداری به زر ایمان ندارد

همه این تنگ<sup>(۶)</sup> عیشی‌ها ز فسق است

و گرنه بذلِ حق پایان ندارد

غلط شد راه نعمت‌خانه ورنه

نعمیم حق در و دربان ندارد

۱- ن ۱۷ = می‌کند؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = می‌زند

۲- ن ۹، عجیب و غریب = بانگ؛ ن ۹ (پاورق) = فاش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = یأس

۳- بهار عجم = بیکسی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مفلسی

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = به شریان سخاوت؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، آرزو، مسرت، عجیب و غریب = به

شیرینی سخاوت؛ کارنامه = بشیرین جان

۵- در نسخه ۱۹ این بیت بعد از شعر پنجم آمده است و بعد از آن شعر هشتم است و پس آن شعر ششم است

۶- ن ۱، ۸، ۲۹، ۳۵ = همه این عیشها از روی فسق است؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = همه این تنگ عیشها ز

فسق است

نیایی هیچ شیخ پاکدامن

که داغ فسق در تنبان ندارد

کدامین ساده رو<sup>(۱)</sup> زن فعل یایی<sup>(۲)</sup>

که برسر<sup>(۳)</sup> چادر از<sup>(۴)</sup> دامن ندارد

چنان بر خضر بوی می گذر بست

که ره در چشمه حیوان ندارد

چنان گرم اند در عصیان که دوزخ

غم بیکاری شیطان ندارد

عمل<sup>(۵)</sup> این وانگهی لب نغمه<sup>(۶)</sup> پرداز

که مسکین این ندارد<sup>(۷)</sup> آن ندارد

مکافات عمل ارزاق<sup>(۸)</sup> خلق است

هوای نفس قوت جان<sup>(۹)</sup> ندارد

چرا دستی نگهدارد زمانه

که گر<sup>(۱۰)</sup> دل بشکند توان ندارد

بیابان طی مکن کش<sup>(۱۱)</sup> هر بن خار

کم از صد غول سرگردان<sup>(۱۲)</sup> ندارد

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۹، ۲۸، ۲۹، قطب = ساده زن فعل ؛ ن ۵ = ساده زین فعل ؛ ۳ = ساده خوش فعل ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴،

۳۳، ۱۷۱ = ساده زن بر فعل ؛ ۱۷ = ساده زن بد فعل ؛ ۸، ۳۵ = ساده زن از فعل ؛ شرح آرزو، کارنامه = ساده رو زن فعل

۲- ن ۲ = بینی ؛ دیگر همه نسخ و شروح = یایی

۳- ن ۵، ۱ = در سر ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = بر سر

۴- ن ۹ = چادر دامن ؛ دیگر همه نسخ = چادر از دامن

۵- ن ۱، ۴، ۸، ۲۹ = غمی این ؛ ن ۳۵ = غم این ؛ ن ۱۷ = غم این ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸ و همه شرح ها = عمل این

۶- کارنامه = نکته پرداز ؛ آرزو = نغمه بردار ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = نغمه پرداز

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = این ندارد و آن ندارد ؛ ن ۱، ۵ = این ندارد آن ندارد ؛ ن ۲۸ = این ندارد و آن ندارد

۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ارزاق ؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، آرزو، مسرت، کارنامه = رزاق

۹- ن ۲۸ = قوت آن ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۱۷، ۳۵، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = قوت جان ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۹ = و قوت جان

۱۰- ن ۹ = گر ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۹ (پاورق)، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵ = هر

۱۱- ن ۴ = پس هر ؛ همه نسخ دیگر = کش هر

بیابان چیست آن عهد دگر بود	
کدامین شهر غولستان ندارد	ز نافرمانی و ناشکری حق <sup>(۱۳)</sup>
همزاران عید یک قربان ندارد	کسی کز بیم حق نعمت شناس است
بدست از <sup>(۱۴)</sup> شکر جز دستان ندارد	لبی در شکر جنباند، نداند <sup>(۱۵)</sup>
که منعم نعمت ارزان ندارد	معاصی باعث خذلان روح است
درین معنی کسی کتمان <sup>(۱۶)</sup> ندارد	بباید ترک این اعمال زنهار <sup>(۱۷)</sup>
که روح آسایش از خذلان ندارد	کسی کو داند و مغلوب نفس است
ز مردم عیب خود پنهان ندارد	که چون <sup>(۱۸)</sup> دشمن به طعنش لب گشاید
همان نفش ز کبر انسان ندارد	کسی کو داند و ترکش تواند
ولی آهنگی ترکی آن ندارد	اگر مؤمن بود، رنجد <sup>(۱۹)</sup> ز محراب
و گر کافر، به بت ایمان ندارد	

۱۲- عجیب و غریب = سرخیلان؛ دیگر نسخ کلیات و شرح ها = سرگردان

۱۳- ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خلق؛ ن ۳، ۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = حق

۱۴- ن ۱۷، مسرت = بدست شکر جز؛ ن ۲ = بدست از ننگ جز؛ دیگر همه نسخ = بدست از شکر جز

۱۵- ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = بداند؛ ن ۹، ۱۵، ۲، ۳، ۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نداند

۱۶- ن ۹ = کسی کتمان؛ ن ۲، ۳، ۱۷، ۲۴، ۱۸، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = سخن تاوان؛ ن ۱، ۴، ۵ = سخن نادان

۱۷- ن ۹ (پاورق) = زیرا؛ دیگر همه نسخ = زنهار

۱۸- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = ۱۷۱ = که دشمن چون؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = که چون دشمن

۱۹- ن ۹، ۲۴، ۱۷۱ = رنجبر و قلاب؛ ن ۱۸، ۳۳ = زنجیر قلاب؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زنجیر جلاب؛ آرزو = رنجد

کسی کو ترک گیرد گر بداند<sup>(۱)</sup>

همانا ایـزدش حیران ندارد

کسی کو نی بداند، نی تواند<sup>(۲)</sup>

بـه معشوق ازل پیمان ندارد

چنین گفتن نکو آید ز عرفی

نکو بشنو که گوش آن ندارد

### قصیده هفدهم

#### قصیده در مدح میر ابو الفتح گیلانی

داورا سالِ نوت مسحفل طرازِ سور<sup>(۳)</sup> باد

تهنیت گویان عامت<sup>(۴)</sup> قیصر و فغفور باد

تا<sup>(۵)</sup> ازل سال کهن برگشته بهر تهنیت

جملگی در ساحت سالِ نوت محصور باد

ار در دروازه نوروز تا میدانِ عید

همچنین آرایش بازار<sup>(۶)</sup>ِ عمرت<sup>(۷)</sup> سور باد

میر ابو الفتح آفتابِ اوج عزت<sup>(۸)</sup> نام تست

این مبارک نام یارب تا ابد مذکور باد

ادامه پاورقی از صفحه قبل

ز محراب

۱- ن ۲، ۴، ۹، ۲۹، ۳۳، ۱۸ = بداند ؛ (حاشیه) = گر تواند ؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = نداند

۲- ن ۱، ۱۷ = نی نداند ؛ ن ۵، ۹، ۲۸، ۴ = نی تواند

۳- ن ۱، ۵ = نور ؛ دیگر همه نسخ بشمول ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۲۴ و شروح رحیم، میرزا جان، آرزو، مسرت، کارنامه = سور

۴- ن ۲ = بزنت ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = عامت

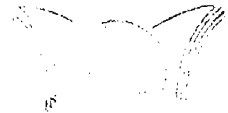
۵- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۲۹ = تا ازل سال کهن برگشته ؛ ن ۱، ۱۷، ۳۵ = تا ازان سال کهن برگشته ؛ در ن ۵

اصلاً "ازان" بود ولی آن را درست کرده "ازل" کردند.

۶- ن ۳۵ = ماراز عمرت ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = بازار عمرت

۷- قطب، مسرت = عمرش ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، آرزو، رحیم = عمرت

۸- شرح آرزو = عشرت ؛ دیگر نسخ = غزت



گفت رای صائب صنعت نگارِ عالم  
 آسمان گفت آفتابِ من ترا مزدور باد  
 دولتت در بساطِ عالم گفت شهلا نرگسم  
 زهره گفتا چشمِ من چون چشمِ تو مخمور باد  
 هر معمایی<sup>(۱)</sup> کش افزایش بود مصداقِ اسم  
 در میانِ کبودکانِ دولت مشهور باد  
 هر لغت کاندیشه یابد بهر مفهوم ابد  
 جمله بر عنوان لوحِ هستیت<sup>(۲)</sup> مسطور باد  
 دولت بر دشمنان نیش است و بر احباب نوش  
 نوش و نیش هر دو کون از فیض این زنبور باد  
 در سماعت از صریرِ خامهات اسرارِ غیب  
 حشر و نشرِ لفظ و معنی از دمِ این صور باد  
 نه فلک محصور بادا در حصارِ دولت  
 نی غلط گفتم، قضای لامکان محصور باد

شاخ<sup>(۳)</sup> تاکی کش بود بخت<sup>(۴)</sup> بلندت باغبان  
 طارم گردون شکن از خوشه<sup>(۵)</sup> انگور باد  
 قبطه شمشیر کینت دستگاهِ آفت است  
 سایه شمشادِ رایت چشمه سار<sup>(۶)</sup> نور باد

۱- ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۵، آرزو، رحیم = هر معمایی کش افزایش بود؛ ن ۵ = در معمایی کش افزایش بود؛ بر معمایی کش افزایش بود

۲- ن ۳۵ = هیبت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹ و غیره = هستیت

۳- ن ۱ = تاج؛ دیگر همه نسخ = شاخ

۴- ن ۲۹ = تاکی ترکش بخت بلندت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۳۵ = تاکی کش بود بخت بلندت

۵- ن ۹ = زان شاخه انگور؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = از خوشه انگور

۶- ن ۵، ۱ = چشمه سار طور؛ ن ۲۹ = چشمه ساتور؛ ن ۱، ۸، ۱۹، ۳۵ = چشمه ساطور؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، قطب، رحیم،

ادامه باورقی در صفحه بعد

عالم عیشت که با تطبیق<sup>(۱)</sup> شرع آمد<sup>(۲)</sup> قدیم  
 آسمانِ او بهشت و زهره او حور باد  
 بهر اخذِ نعمت<sup>(۳)</sup> تسخیرِ عالم بر درت  
 دامنِ دریوزه بر<sup>(۴)</sup> کف سایه باد<sup>(۵)</sup> و نور باد  
 عالمی هست از جز<sup>(۶)</sup> این عالم که اورا ناظم<sup>(۷)</sup> است  
 هم ترا هم ناظم<sup>(۸)</sup> عدلِ ترا مزدور باد  
 گر قضا خود را شمارد دستیار<sup>(۹)</sup> حکم تو  
 جای تعزیر است اما گویمش معذور باد  
 در محیطِ عشق موسائی که موجش دایم است  
 لجه قریبِ ترا هر موج، کوه طور باد  
 عشقت<sup>(۱۰)</sup> از بازیچه در بزمی<sup>(۱۱)</sup> اگر مستی کند  
 شیشه می را شکستن بر سر فغفور باد

ادامهٔ باورقی از صفحه قبل

۲۴، ۳۳ = چشمه سار نور؛ ن ۲، ۱۷، ۱۹ (حاشیه)، ۲۸، کارنامه، مسرت، قطب، آرزو، بهار عجم = چشمه شاپور (چشمه شاپور چشمه ایست که شاپور در زمین ارمن ساخته بسیار روشن و درخشان)  
 ۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = با طبق شروع؛ ن ۳، ۴، ۱۸، ۱۹ (حاشیه)، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۳، قطب، رحیم = با تطبیق شرع؛ ن ۹، مسرت = تا تطبیق شرع  
 ۲- ن ۹ = آید؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵، قطب، آرزو، مسرت = آمد  
 ۳- ن ۲۹، ۳۵ = نعمتی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷، ۳۳ = نعمت  
 ۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۹، قطب، مسرت = در؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲، ۳۵، ۸، میرزا جان = بر  
 ۵- ن ۲۰ = سایه بار نور باد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، ۳۵ = سایه باد و نور باد  
 ۶- ن ۲۹ = آخر این عالم؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، رحیم، کارنامه = از جز این عالم؛ ن ۱، ۵، ۳۵ = از جز این عالم؟؛ ن ۱۷ = از جز این عالم  
 ۷- ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵ = ناظمه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ناظم است  
 ۸- ن ۱۷، ۳ = هم ترا هم ناظم عدل ترا؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۳۳، ۱۷۱ = هم ترا با ناظمش عدل ترا؛ ن ۴ = هم ترا یا ناظم عدل ترا  
 ۹- ن ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۹، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، شرح آرزو، میرزا جان، قطب، عجیب و غریب = دستیار حکم تو؛ ن ۸، ۱۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = دوستدار حکم تو  
 بهار عجم = اشعار ۱۲ و ۲۷

مدح لایق مشکل است اما به ملک مدح تو  
 رایت اندیشه روح القدس منصور باد  
 چون دعای شاعرانه نیست<sup>(۱۲)</sup> عرفی بر اثر  
 ساده گویی کن، بگو، هستیت نا محصور باد

### قصیده هجدهم قصیده در مدح حکیم ابو الفتح گیلانی

صاحباً عید بر تو میمون باد	عید نیز از رُخت همایون باد
هر متاعی که ملک تهنیت است	نزد روز و شب تو مرهون باد
آستانان پناه دوران است	آستینت کلاه گردون باد
امتناع حصول شوکت تو	نشتر سینه فریدون باد
روی خورشید آسمان مراد	از می طالع تو گلگون باد <sup>(۱۳)</sup>
انقطاع حیات دشمن تو	جوهر دشنه شبیخون باد
هر شرابی که در خم انشاست	به لب خامه <sup>(۱۴)</sup> تو مقرون باد
هر سرایی <sup>(۱۵)</sup> که در جهان عطاست	از نم خامه تو جیحون باد
علم بر فطنت تو مفتون است	لوح محفوظ نیز مفتون باد
صورت از بینش <sup>(۱۶)</sup> تو ممنون است	عقلی فعال نیز ممنون <sup>(۱۷)</sup> باد
شست و شوی لباس گیتی <sup>(۱۸)</sup> را	عدل نزهتگر <sup>(۱۹)</sup> تو صابون باد

۱۱- ن ۳۵ = در بزمی که بد مستی کند؛ ن ۲ = در بزمی اگر بازی کند؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹ = در بزمی اگر مستی کند

۱۲- ن ۱۹ = هست عرفی کم اثر؛ ن ۱۸، ۲۰، ۹ (پاورق)، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = هست عرفی بی اثر؛ ن ۹، ۳۰ = نیست عرفی بی اثر؛ ن ۲۸ = هست کم عرفی اثر؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = نیست عرفی بر اثر؛ ن ۱، ۲، رحیم = هست عرفی بر اثر

۱۳- این شعر فقط در نسخ اول و پنجم و هشتم و هفدهم و سی پنجم یافته شد

۱۴- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بلب خامه تو مقرون باد؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵ = بلب نامه تو

۱۵- ن ۱، ۵، ۹، ۳۵، ۸ = شرابی؛ ن ۴، ۱۷ = سرابی

۱۶- ن ۲۸، مسرت = هستی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بینش

۱۷- شرح قطب = مفتون؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ممنون

۱۸- ن ۱۷ = گردون؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۲۸، ۳۵ = گیتی

۱۹- ن ۵، ۱۹ = نزهتگه تو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۳ = نزهتگر



خاندانِ رموزِ عیسی<sup>(۱)</sup> را  
 دوره روزگار و<sup>(۲)</sup> دولت تو  
 فتنه حادثات و دشمن تو  
 لاشه حاسدت به عهد حیات  
 مضجع<sup>(۳)</sup> دشمنت بشرط وفات  
 گر نه ظل تو ابره اش باشد<sup>(۴)</sup>  
 خون سردی که بر تو جوش نزد<sup>(۵)</sup>  
 روح خصمت که زنده در گور است  
 آرزو<sup>(۶)</sup> را دست از سخاوت تو  
 وعده<sup>(۷)</sup> در روزگار همت تو  
 ذات پاکت که والی علم است  
 اسم ذاتت که میر ابوالفتح است  
 در تماشای حسن دولت تو  
 در دیار وجود دشمن تو  
 مهر و ماهت بجای لعل و گهر  
 دشمنت خسته باد کو به عبث  
 حاسدت در مصیبت طالع  
 مطربی را که دشنه مضراست

کلک دانشور تو خاتون باد  
 جسم و جان باد و لفظ و مضمون باد  
 زخم و خون باد و خواب و افیون باد  
 طعمه کرگسان گردون باد  
 صدر ایوان ربع مسکون باد  
 قاقم صبح شبه اکسون باد  
 از عروق وجود بیرون باد  
 در تپای فتنه مدفون باد  
 در گریبان گنج قارون باد  
 دلش از عمر کوتاهی خون باد  
 باج گیر از کمال ذوالنون باد  
 تاج بخش کلام موزون باد  
 لیلی روزگار مجنون باد  
 عافیت را مزاج طاعون باد  
 سوده اندر میان معجون باد  
 جادوی بابلش در افسون باد  
 تا به مژگان نشسته در خون باد  
 سینه دشمن تو قانون باد

- 
- ۱- ن ۱۹، ۳، ۲ = عیسی؟ دیگر همه نسخ بشمول بهار عجم = عیسی  
 ۲- ن ۲، ۱، ۳، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = روزگار دولت تو؛ ن ۴، ۱۸، ۳۳، ۲۹، ۱۷۱، شرح مسرت، کارنامه، رحیم = روزگار و دولت تو  
 ۳- ن ۴ = مذبح؛ دیگر همه نسخ = مضجع  
 ۴- شرح آرزو = بودی؛ همه نسخ کلیات = باشد  
 ۵- ن ۴، ۱۷، ۲۹ = نزد؛ ن ۱، ۳، ۲، ۵، ۸، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = زند  
 ۶- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = آرزو دستش؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آرزو دست  
 ۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = وعده روزگار همت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = وعده در روزگار همت  
 بهار عجم = ۲۲
-

عرفی است این که سحر می‌سجد  
هر کجا ابرِ فطرتش بار  
هوس تکبیه گاهِ دانش او  
آفرین باد بر طبیعت او<sup>(۱)</sup>  
داورا، دولتی که لازم تست  
گر قدر می‌تواندش افزود  
ور همین است حدِ افزایش  
گر نخیزد فلک به طاعت تو  
ختم کردم به این دعا که سرت  
نخل تحسینش از تو موزون باد  
قطره محسودِ دُر مکنون باد  
خسکِ بسترِ فِلاطون باد  
روی فیض تو<sup>(۲)</sup> نیز گلگون باد  
می‌دانم که گویمش چون باد  
تا حدِ امتناع افزون باد  
جاودان با عیار و<sup>(۳)</sup> اکنون باد  
کافِ کُن منفعل تراز نون باد  
سایه پروردِ لطفِ بیچون باد

### قصیده نوزدهم

#### در تعزیت حکیم ابوالفتح و تهنیت عبدالرحیم خانخانان

ز آسمان و زمین مژده ناگهان<sup>(۴)</sup> آمد  
که آفتابِ زمین، ماه<sup>(۵)</sup> آسمان آمد  
لوی فوج حکومت به قلب‌گاه<sup>(۶)</sup> رسید  
همای اوج سعادت به آشیان آمد  
دو جنبش<sup>(۷)</sup> است که از غایتِ جلالت قدر  
لباب<sup>(۸)</sup> جمله تواریخ در جهان آمد

۱- ن ۲۸ = تو؛ دیگر همه نسخ = او

۲- ن ۲۸ = فیض از تو؛ دیگر همه نسخ = فیض تو

۳- ن ۲۹ = عیار و اکنون؛ دیگر همه نسخ = عیار اکنون

۴- ن ۱، ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ناگهان؛ ن ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = در فغان

۵- ن ۹ = ماه؛ ن ۱۹ = مسرت، آرزو = سوی؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۹ (پاورقی)، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۴،

۳۳، ۳۵، ۱۷۱، شرح آرزو، مسرت و غیره = تاج

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۹ = به قبله گاه؛ ن ۷، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱، شرح میرزا جان، رحیم، مآثر رحیمی = به قلب‌گاه

۷- ن ۲۴، ۳۳، ۱۸، ۹، مآثر = دو جنبشی است؛ ن ۱۷ = دو جنبش؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ =

دو جنبش است

۸- ن ۲ = کتاب؛ ن ۲۹ = لبالب؛ ن ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = لباب

نخست هجرتِ سلطان دین که از کعبه  
 سوی مدینه به تکمیل انس و جان آمد  
 دوم مراجعتِ فخرِ دهر کز<sup>(۱)</sup> حدِ ملک  
 به تاختگاه<sup>(۲)</sup> شهنشاه کامران<sup>(۳)</sup> آمد  
 بحدِ مملکتِ شاه رفت و عالم گفت  
 که صدرِ مجلس<sup>(۴)</sup> دنیا به آستان<sup>(۵)</sup> آمد  
 چو باز گشت ز اقصای ملک، دوران گفت  
 که روزگار بسر رفته در جهان<sup>(۶)</sup> آمد  
 سپهر گفت بهل مدح<sup>(۷)</sup> روزگار و بگو  
 که آفتاب سوی نافِ آسمان آمد  
 جهان بگفت که نی نی بگو که جانِ جهان  
 بلب رسید و دگر در<sup>(۸)</sup> تنِ جهان آمد  
 من این شنیدم و گفتم که گر<sup>(۹)</sup> غرض مدح است  
 همین نه پس که بگویی خدایگان آمد  
 بگو خلاصه تقدیر<sup>(۱۰)</sup> خانخانان است  
 که همعنان<sup>(۱۱)</sup> شهنشاه انس و<sup>(۱۲)</sup> جان آمد

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = فخر دهر و مرکز ملک؛ ن ۱۷ = فخر و مرکز همه ملک؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۹، ۳۵، مآثر،

کارنامه، مسرت = فخر دهر کز حد ملک

۲- شرح منیر = پیشگاه؛ دیگر همه شروع و نسخ کلیات = پیشگاه

۳- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شهنشاه کامران؛ ن ۱۹ = شهنشه خدایگان

۴- ن ۹ = مسند؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸ = مجلس

۵- ن ۹، ۲۹ = به آسمان؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۵ و غیره = آستان

۶- ن ۱۷، ۵ (حاشیه)، مسرت = در جهان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ و غیره = در میان

۷- ن ۱۷ = نرخ؛ دیگر همه نسخ = مدح

۸- ۲۹ = بر؛ دیگر همه نسخ = در

۹- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = غرض که گر؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷ = که گر غرض

۱۰- ن ۹ = این عصر؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ و غیره = تقدیر

۱۱- ۹ = خاک بوس؛ دیگر همه نسخ = همچنان

۱۲- ن ۳ = شهنشاه راستان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شهنشاه انس و جاه

به هر قدم که همین زد زمین زمان را گفت  
 که بختم آمد و فرخنده و جوان آمد  
 به هر دیار که آمد زمان زمین را گفت  
 که تاجم آمد و بر فرقِ فرقدان آمد  
 درون دایرهٔ آسمان<sup>(۱)</sup> ز آمدنش  
 به عرش و فرش بگویم که آسمان آمد  
 زهی بلندی نامت<sup>(۲)</sup> که تاج<sup>(۳)</sup> تاری نظم  
 چو ویحک و زهی و حبّذا و هان آمد  
 بیایا که ز اقبالِ ای بهشت<sup>(۴)</sup> نهم  
 زمانه برتر از امید کامران آمد  
 اگر هوای سمن<sup>(۵)</sup> داشت، نوبهار رسید  
 و گگر امیدِ ثمر داشت، بوستان آمد  
 قلم بنان<sup>(۶)</sup> تو سنجید و نه فلک را گفت  
 خوشا هلال که هم شکلی این بُتان آمد  
 فلک عنان تو بوسید و شش جهت را گفت  
 خوشا زمانه که در تحتِ این عنان آمد  
 حریم روضهٔ جاه ترا بود چمنی  
 که آفتاب درو شکلی اقحوان آمد  
 تویی که در<sup>(۷)</sup> ازل اندیشه‌ات بذهن<sup>(۸)</sup> قضا  
 گذشت<sup>(۹)</sup> و بر اثرش امر کن فکان آمد

۱- ۸، ۳۵ = آستان؛ ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۹ = آسمان

۲- ۲ = فطنت؛ ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴ و غیره = نامت

۳- ۸، ۹، ۲۰، ۲، ۲۸، ۲۹، ۳۴ = تاج و تارک نظم؛ ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۳۵، مآثر رحیمی، شرح منیر، آرزو، میرزا جان = تاج تارک نظم

۴- ۱، ۵، ۲۸، ۲۹، مسرت، = بهشت نعیم؛ ۲ = بهشت ارم؛ ۱۷ = سپهر نهم؛ ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = بهشت نهم

۵- ۲۸ = صنم؛ ۱، ۵، ۲۹، ۳۵، ۹ (پاورق)، ۳، ۲، ۶، ۸ = سمن؛ ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = چمن

۶- ۲۹ = نه نام؛ ۱۷، ۳۵ = بیان؛ ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = بنان

۷- ۱، ۵، ۳۵ = از؛ ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸ = در

مگر ثنای تو از طبع می‌کند شب‌گرد  
 که گوش بر<sup>(۱۰)</sup> در دروازه دهان آمد  
 مگر دعای تو جوشد ز دل که حُسن<sup>(۱۱)</sup> قبول  
 شکافت برقع و تا سرحد زبان آمد  
 فلک به لجه هستی بعکس<sup>(۱۲)</sup> فرمانت  
 دو غوطه زد، به ته عمر جاودان آمد  
 امید بر اثر نقش پای احسانت  
 دوگام زد، به سر گنج شایگان آمد  
 فلک به مدح تو دوشینه کرد تحریکم  
 چنانکه نطق به نزدیکی داستان آمد  
 ز عجز دم زدم، اندیشه لب گزید و بگفت  
 که راز سینه اندیشه بر زبان آمد  
 خدایگانا حالِ دلم<sup>(۱۳)</sup> تو می‌دانی  
 چه گویمت که دلم چون ز غم گران آمد  
 چه احتیاج که گویم که مُرد<sup>(۱۴)</sup> و عرفی را  
 چه بر سر از هوس<sup>(۱۵)</sup> مرگی ناگهان آمد  
 درین<sup>(۱۶)</sup> مصیبتِ عظمی که دهر سنگین دل  
 ز گریه بر سرِ مو چشمِ خونفشان آمد

۸-ن=۹=بفکر؛ ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸=بذهن

۹-ن=۲، ۴، ۱۷=گذشت و بر اثر؛ ۱، ۳، ۱۸، ۲۴، ۳۳=گذشت بر اثر

۱۰-ن=۲۹=از؛ ۱۷، ۲۸=در؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۵=بر

۱۱-ن=۵، ۱۸، ۲۰=بحس؛ دیگر همه نسخ=که حسن

۱۲-ن=۱۷=حکم؛ دیگر همه نسخ=عکس

۱۳-ن=۱، ۲=بحال دلم؛ کارنامه، ۹، ۱=راز دلم؛ ۱، ۵، ۳، ۴، ۶، ۹(پاورق)، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۵=حال دلم

۱۴-ن=۹=رفت؛ ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۳۵=مرد

۱۵-مأثر رحیمی، کارنامه=اثر؛ دیگر همه نسخ=هوس

۱۶-ن=۱۷=چنین؛ ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵=درین

چنان فریفت مرا گریه‌های روحانی  
 که چشم<sup>(۱)</sup> از هوس قطره‌ای به جان آمد  
 که رهبرش به عدم<sup>(۲)</sup> شد<sup>(۳)</sup> که مرگ در مرگش  
 سیاه پوش تراز عمر جاودان آمد  
 برفت و لطف تو بر من گماشت و این بدلیست  
 بنزد عقل که تاوان آن<sup>(۴)</sup> زیان آمد  
 ولی به نسبت اوصاف<sup>(۵)</sup> و وحدت ارواح  
 همانکه رفت بنزدیک من همان آمد  
 تو آگهی که مرا از غروب آن خورشید  
 چه گنجهای سعادت زیان جان آمد  
 من آگهم که گر آن شب چراغ گم کردم<sup>(۶)</sup>  
 چه گوهرم به تلافی آن زیان آمد  
 بهار باغ مرا گر قضا به جنت برد  
 بهار باغ بهشت به بوستان آمد  
 هر آن عروس که با<sup>(۷)</sup> نوحه<sup>(۸)</sup> شد ز حجله نطق  
 ز راه تهنیت اینک به آستان<sup>(۹)</sup> آمد  
 همیشه تا رسد از آسمان بگوش این قول  
 که عهد دولت بهمان شد و فلان آمد

۱- ن ۱۷ = جانم؛ ن ۳، ۶، کارنامه = چشم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = چشم

۲- متأثر رحیمی = بقدم؛ دیگر همه نسخ = بعدم

۳- ن ۶ = گشت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۴، ۲۸، ۳۵ و غیره = شد

۴- ن ۲۹، ۲ = متأثر = این؛ دیگر همه نسخ = آن

۵- ن ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۹، ۲۸، کارنامه، مسرت، متأثر = اوصاف وحدت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۸، ۴، ۳۵، ۲۹، ۳۳، ۲۴ = ۱۷۱ =

اوصاف و وحدت

۶- ن ۴، ۶، ۱۹، ۲۸ = گردید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = کردم

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۴، ۳۳، ۱۷۱، ۳۴ = در؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۵ = با

۸- ن ۱۸، ۲۰، ۳۴، ۳۳، ۲۴، ۱۷۱ = نور شد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نوحه شد

۹- ن ۳۵ = بوستان؛ ۲۸ = آشیان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۵ = به آستان

ز دورۀ تو نگو<sup>(۱)</sup> یاد آسمان تا حشر  
که دورِ حشمتِ این رفت و دورِ آن آمد

### قصیده بیستم

#### در مدح شهنشاه اکرو بیانِ لطافت کشمیر

هر<sup>(۲)</sup> سوخته جانی که به کشمیر در آید  
گر مرغِ کباب است که<sup>(۳)</sup> با بال و پر آید  
بنگر که ز فیض چه<sup>(۴)</sup> شود گوهر یکتا  
جایی که خرف گر رود آن جا گهر آید  
وانگه بچنین فصل که در ساحتِ گلزار  
از لطف هوا چاشت نسیمِ سحر آید  
از بلبل خاموش دلِ باغ گرفته ست<sup>(۵)</sup>  
او را چه کند، محملِ گل دیرتر آید  
گل هم چه کند، بادِ صبا خواست که عرفی  
آید سوی کشمیر و گلشن بر اثر آید  
گو هفته‌ای از شاهدِ گل حُجله تهی باش  
تا بلبلِ شیراز درین باغ<sup>(۶)</sup> در آید  
نشکفت<sup>(۷)</sup> گل اما بمثلِ بر رگِ شاخی  
گر پای نهم خونِ گلم تا کمر آید

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴ = بگوید؛ ن ۹ نکویاد؛ ۵، ۸، ۳۵ = نگوین بار؛ ن ۶، ۱۹، ۲۹ = بگوید

۲- ن ۲، ۴، ۱۹ (حاشیه)، ۲۸، ۲۹، ۳۵، میرزا جان، آرزو = آن؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۳۳، ۱۷۱، منیر = هر

۳- آرزو و مسرت هر دو نوشته‌اند که این "که" برای مفاجات است بمعنی ناگهان

۴- ن ۹ = بشود؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵ و همه شرح‌ها = چه شود؛ ن ۲۸ و کارنامه = چه بود

۵- ن ۹، ۳۵، ۱۸، ۳۳ = گرفته است؛ ن ۱۷۱، ۲۴، ۲۹، ۲۸، ۵ = گرفت است

۶- مسرت = به گلزار؛ آرزو و دیگر همه نسخ = درین باغ

۷- ن ۹، مسرت، ۱۷، ۳۵، ۱ = نشکفته گل؛ ن ۲۹ = بشکفته گل؛ ن ۵، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۱۷۱ = نشکفت گل

وقت است که گل بر فکند مقنعه<sup>(۱)</sup> ناز  
 زان سان که ز فانوس چراغی بدر آید  
 مهتاب گل از هم بشکافد قصبِ شاخ  
 و ر لمعه او سیب قمر لعل تر آید  
 فردوس به دروازه کشمیر رسیده است  
 کو<sup>(۲)</sup> مدعی کور ندیده است، در آید  
 زیبایی<sup>(۳)</sup> کشمیر اگر باعثِ عشوه است  
 من می خرم از زالِ فلک عشوه گر آید  
 این سبزه و این چشمه و این لاله و این گل  
 آن شرح ندارد که به گفتار در آید  
 آن لاله که هنگام تراشیدن خارا  
 از رخنه سنگ و دهن تیشه بر آید  
 آن چشمه که رضوان چو رود تشنه به سوش  
 کوثر به سرش تیزتر و تشنه تر آید  
 تا رنگ گلی نشکند از تابش<sup>(۴)</sup> خورشید  
 حریا نکند میل که خورشید بر آید  
 از بسکه کند جذبِ رطوبت، خطرش نیست  
 گر ساغر<sup>(۵)</sup> چینی ز هوا بر حجر آید  
 در<sup>(۶)</sup> چاشت گه از شبنم گل گردفشان است  
 آن باد که در هند گر<sup>(۷)</sup> آید، جگر<sup>(۸)</sup> آید

۱- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۹ (پاورق) = مقنعه ناز؛ ن ۹، ۱۸، ۳۳ = پرده ز رخ باز؛ ن ۲۴، ۱۷۱، ۲۵، ۹ (پاورق) = پرده ز رخسار

۲- مسرت = کو مدعی کور ندیده است؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = گر مدعی و گر نه گزند؛ ن ۹، ۱۸، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = گو مدعی گر نگرنده است؛ آرزو = گر مدعی و گر نگرنده است

۳- ن ۲، ۲۹ = رعنائی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = زیبایی  
 ۴- مسرت = آتش؛ همه نسخ کلیات و دیگر شرح ها = تابش

۵- ن ۲۹، ۱۷۵، آرزو = کاسه چینی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۵ = ساغر

۶- ن ۱۷۵ = از شبنم گل گرد فشانست گه چاشت؛ ن ۵ = در چاشت گه از شبنم دل هست گه یار؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۷، ۳۵ =



حاجت به دو زخمِ ار فتدش، قطع<sup>(۹)</sup> محال است  
 گر سنگ دلی مایلِ قطعِ شجر آید  
 زان کز مددِ نشو و نما زخمِ نخستین  
 مَصَمَّت شده تا زخمِ دگر<sup>(۱۰)</sup> بر اثر آید  
 کشمیر بهشت است فریبنده که شبلی  
 آید چو درو، صومعه بر وی سقر آید  
 طاووس مثالی که نیفشانده<sup>(۱۱)</sup> پرو بال  
 هر لمح<sup>(۱۲)</sup> به رنگِ دگر اندر نظر آید  
 زیبنده عروسی که نیفزوده<sup>(۱۳)</sup> جمالش  
 هر دم به نظر خوشتر و شاداب‌تر آید  
 هر لحظه<sup>(۱۴)</sup> که شاداب<sup>(۱۵)</sup> ترش بینم گویم  
 بگشای بغلِ بو که در آغوش در آید  
 یاد از روشِ خود کنم و بزمِ خداوند  
 هر که که صبا در چمنش جلوه‌گر آید  
 چون بوی گل آید کنم از انجمنش یاد  
 تا نکه‌ت گل مایه صد درد سر آید

ادامهٔ باورقی از صفحهٔ قبل

در چاشتگاه از شبنم گل هست گهر بار؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱ = در چاشت‌گاه از شبنم گل گردفشان است

۷- قطب = چو؛ دیگر همه نسخ = گر

۸- اصلاً لفظ زبانِ هندی ست (جهگر) بمعنی هوای تیز و تند

۹- ن (باورقی) = حاجت به یکی ضرب تیر بیشترش نیست؛ دیگر همه نسخ بطوری که نوشته شد.

۱۰- ن ۵، ۲۸، ۳۵ = دَوم؛ ن ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = دگر

۱۱- ن ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، آرزو، مسرت، ۱۷۱ = نیفشانده؛ ن ۱۹، ۲۴، کارنامه، عجیب و غریب = برافشانده؛ ن ۱، ۵، ۶، ۱۷، ۲۹، قطب = بیفشانده

۱۲- ن ۵، ۱۷۰، شرح مسرت، کارنامه، آرزو = لحظه؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = لمح

۱۳- ن ۵ (حاشیه)، ۴، ۶، ۹، ۱۹، ۲۸، ۱۷۰ = نیفزوده؛ ن ۲، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵، رحیم = بیفزوده

۱۴- ن ۱۹ = لمح؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = لحظه

۱۵- ن ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۹، ۱۸، ۲۴، شاداب و ترش؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = شاداب ترش

هرگه که به عزم سفر از شوق<sup>(۱)</sup> تو عرفی  
 آید به وداع وی<sup>(۲)</sup> و با چشم تر آید  
 زاری کند از شش جهت آغاز که مشتاب  
 کاین فصل و سه فصل دیگر<sup>(۳)</sup> نیز سر آید<sup>(۴)</sup>  
 لیک از همه خلد است که بی طوف جنابت<sup>(۵)</sup>  
 چندان نکند مکث که وقت ثمر آید  
 کشمیر بررد واله و او واله به کشمیر  
 امانه چنان کش به دل از دیده در آید  
 کارش همه انباشتن چشمه گریه است  
 هرگاه که سیمای تواس در نظر آید  
 ترسد که درین<sup>(۶)</sup> خاک چو از شوق تو گرید  
 خون جگرش گل شود، آنکه<sup>(۷)</sup> بدر آید  
 از بسکه ملایم صفت افتاده<sup>(۸)</sup> هوایش  
 بیم است که او سحرش بی اثر آید  
 حکم تواس آورد<sup>(۹)</sup> به کشمیر و گرنه  
 کی<sup>(۱۰)</sup> از سر آن خاک به خاک دیگر آید

۱- ۳۵، ۸، ۳۵ = ذوق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸ = غیره = شوق

۲- ۲۹ = تو و؛ ۵، ۹، ۳۵، ۲۸ = غیره = وی و

۳- ۲۹، ۵، ۳۵، ۱۸ = دگرم؛ ن ۲۸ = دگری

۴- ۲۹، ۱۸، ۲۴ = بر اثر؛ ن ۵، ۲۹، ۳۵ = نیز سر

۵- آرزو = حریمت؛ دیگر همه نسخ = جنابت

۶- ۲۹ = دران؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۱۷۰ = درین

۷- ۳۵، ۸، ۵، ۱، ۳۵ = آنگاه در آید؛ ن ۳، ۶، ۹، ۱۷، ۲۸، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = آنگه بدرا

۸- ۳۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، شرح منیر، آرزو = افتاد؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۱۷۱ = افتاده

۹- ۱۷ = آورده ز کشمیر؛ ن ۳۵ = آورده بکشمیر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = آورد

بکشمیر

۱۰- ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، رحیم = کی از سر آن خاک بخاک دیگر آید؛ ن ۳، ۴، ۱۹ = آن کز گل این خاک ازان خاک

در آید؛ ن ۶ = آنگه گل این باد ازان خاک در آید؛ ن ۵ = آن کز گل این خاک ازان خاک بر آید؛ ۲۹ = آنکو گلش آن خاک

ادامه پاورقی در صفحه بعد

می آید و می سوزد ازین رشک که کشمیر  
چون یافت که آید بکجا بر اثر آید

### قصیده بیست و یکم در مدح حضرت علی موسی جعفر<sup>(۱)</sup>

ز عشوه‌ها که دران چشم فتنه گر گنجد  
به سینه درد تو بالله<sup>(۲)</sup> بیشتر گنجد  
به عارضت نظری دارم آرزو، اما  
خوشا دلی که درو تاب آن نظر گنجد  
نظر چگونه بهوشم<sup>(۳)</sup> که با نظاره تو  
نه لذت‌یست که آن در دل بشر گنجد  
بحیرتم که چرا نیست تاب نیم نظر  
مرا که نشتر الماس در جگر گنجد  
چه آفتی که به امید نیم عشوه<sup>(۴)</sup> ز تو  
جهان جهان غم و حسرت به سینه در گنجد  
ز ذوق نامه حسرت شوم هلاک اگر  
گمان برم که به دل حسرتی دگر گنجد  
نه<sup>(۵)</sup> آنقدر ز غمت گریه آرزو دارم  
که آن بحوصله دیده‌های تر گنجد

ادامه باورقی از صفحه قبل

ازین خاک بر آید؛ ۱ = آن کو گل آن خاک ازین خاک در آید؛ ۲۸ = آن گل کز ازین خاک ازان خاک در آید؛ ن ۵، ۳۵ = آن کز  
گل این خاک ازین خاک در آید؛ ن ۱۷۰ = آن گل کز ازان خاک درین خاک در آید.  
۱- این یکی از منظومات نادر عرفیست و فقط در نسخ ۴۲، ۲، ۱، ۵، ۷، ۸، ۳۵، ۱۷۲، ۱۲، ۱۷، ۲۱ یافته شد  
۲- ن ۲۱ = بالید؛ ن ۱۷۲ = باصد؟ ن ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = بالله  
۳- ن ۲، ۵، ۲۹، ۱۷۲ = نبوشم؛ ن ۱۷، ۷، ۲۱، ۳۵ = ببوشم  
۴- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۱، ۱۷۲ = عشوه تو؛ ن ۷، ۲۹، ۳۵، ۸ = عشوه ز تو؛ ن ۲۱ = عشق ز تو  
۵- ن ۲۹ = به؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲، ۸ = به

ازان به گریه برون می‌کنم ز دل تنگی  
 که در دلم غم و درد تو بیشتر گنجد  
 میان عجز من و ناز او نه پیغامیست  
 که در میانه بجز قاصد نظر گنجد  
 ز لطف او نه بحالی شدم ز بیتیابی  
 که لطف دیگر و بیتیابی دگر گنجد  
 نگاه کن به تبسم که جای مرهم نیست  
 به سینه‌ات که درو ذوق نیست<sup>(۱)</sup> گنجد  
 نه تاب چاشنیش آورد اگر به مثل  
 حلاوت لب او در دل شکر گنجد  
 شکوه مهر تو در تنگنای سینه مگر<sup>(۲)</sup>  
 بعون حوصله شاه دادگر گنجد  
 علی موسی جعفر که بیضه گردون  
 همای همت او را به زیر پر گنجد  
 اگر بباد شکوهش گهر شود سفته  
 محیط نه فلک اندر دل گهر گنجد  
 ز<sup>(۳)</sup> تیزی نظرش نه فلک شود سفته  
 خیال رمح تو آنرا که در نظر گنجد  
 ظفر به تیغ تو اول شود هلاک اگر  
 خیال خصم تو در سینه ظفر گنجد  
 سزد که لعل فشاند ز فرجه‌های مشام  
 اگر خواص کفت در دل حجر گنجد

۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲، ۲۹، ۲۱ = بیشتر؛ ن ۸ = بیشتر؛ ن ۳۵ = مشتر؟

۲- ن ۳۵ = نگر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷۲ = مگر؛ ن ۲۱ = من

۳- ن ۵، ۱۷۲، ۳۵، ۲۹ = ز؛ ن ۲۱ = نه

ز فیضِ جود تو در بطنِ ماکیان شاید  
 که جای بیضه صدف‌های پُرگهر گنجد  
 شکوهِ عالم ذاتِ ترا ازین چه<sup>(۱)</sup> قصور  
 که حشمتت به مضیقِ زمانه در گنجد  
 بلی ز حوصلهٔ آسمان چه کم گردد  
 ازین که عکسِ وی آئینه را ببر<sup>(۲)</sup> گنجد  
 اگر چه تحفهٔ کان بخش یک عطای تو نیست  
 ازو بگیر که گاهی بـمـاحـضـر گنجد  
 ولی نه<sup>(۳)</sup> محض غلط رفت این سخن حاشا  
 به مذهب تو کی احسانِ مختصر گنجد  
 اگر مبصرِ حاجت نظر به خواب<sup>(۴)</sup> کند  
 ز کبریا عجب از<sup>(۵)</sup> خواب در نظر گنجد  
 به اجتماعِ نقیضین اگر دهی فرمان  
 شرارِ نار تواند که در مطر گنجد  
 بود شکوهِ ترا در دو کون<sup>(۶)</sup> گنجایش  
 درون بیضه همای سپهر اگر گنجد  
 ز ابرِ جود تو گر بارور شود مشکل  
 که مایهٔ ثمر اندر دلِ شجر گنجد  
 سخنوری تو عرفی نه آن محل دارد  
 که در مدیحِ شهنشاهِ بحر و بر گنجد

۱- ن ۱۷ = سه ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۳۵، ۲۱، ۱۷۲ = چه

۲- ن ۱ = راهبر ؛ ن ۲۱ = رای را ؛ ن ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = راببر ؛ ۱۷۲ = را.....

۳- ۱۷، ۲۹، ۳۵ = به محض ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = نه محض

۴- ن ۳۵ = خصم ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲ = خواب

۵- ن ۱، ۵ = از ؛ ن ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = ار

۶- ن ۱۷، ۲۹، ۳۵ = در دو کون ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷۲ = در درون

مدام تا نبود اهل ذوق را باور  
 که در مذاقِ حَسَدِ لَذَّتِ هنر گنجد  
 حسودِ جاوِ تو یابد ز شهد<sup>(۱)</sup> طعمِ شرنگ  
 به تنگنای تنش تا حیات<sup>(۲)</sup> در گنجد

### قصیده بیست و دوم قصیده در نعت سید المرسلین صل الله علیه و سلم<sup>(۳)</sup>

من آن نیم که چو نعتِ نبی کنم بنیاد  
 رسومِ رودکی و بوفراسم آید یاد  
 به سر قصیده همی چون عروس بنشانم  
 گزافهای حُلّی بسته را به حجله باد<sup>(۴)</sup>  
 گهی مطالبِ صوفیه را کنم تحریر  
 گهی مراتبِ عقلیه را کنم بر باد<sup>(۵)</sup>  
 کهی رذایل اخلاقِ نفس بر شمرم  
 چنانکه سببت ابلیس را کنم بر باد  
 من آن طرازم و گوید خرد که باز این زشت<sup>(۶)</sup>  
 گشود بندِ نقابِ کرشمه در ره باد  
 من آن نوازنم و عقل چهره افروزد  
 که باد منفذ انبانه گزاف کشاد

۱- ن ۱۷۲ = نه شهد طعم شریک ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = ز شهد طعم شرنگ

۲- ن ۳۵ = حباب ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = حیات

۳- این هم قصیده نادر هست که در نسخه ۱۷ (نسخه ناظم تبریزی) و نقل های نسخه سراجا مثل ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ یافته شد.

۴- ن ۲۱، ۱۷۳ = یاد ؛ ن ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = باد

۵- این شعر فقط در نسخ ۲، ۲۱، ۲۹، ۱۷۳ یافته شد.

۶- ن ۱۷۲ = بار این است ؛ ن ۳۵ = باز این رست ؛ ن ۲، ۱۷، ۲۹ = باز این زشت ؛ ن ۲۱ = باز این رشت ؛ ن ۱، ۵ = باز

پس آن گهی که از آنها یکی کنم انشا  
 گریز تازه بیندیشم<sup>(۱)</sup> و کنم بنیاد  
 همین که لب بگشایم بنای نعت نهم<sup>(۲)</sup>  
 کجاست فرصت ترتیبِ این<sup>(۳)</sup> فسانه به یاد<sup>(۴)</sup>  
 گلِ خلیل درین باغ زهر می‌خندد  
 دم مسیح درین روضه می‌رود بر باد  
 کسی نگوید کاین شیوه نیز معمول است  
 بیارم اینک از اشعار جمله استشهاد  
 بروی مسندِ دانش بزرِ دامنِ حرص  
 بسا قصیده گزین دست گفته است استاد  
 که او<sup>(۵)</sup> مکابره نامش نهاده آن گوید  
 مرا شتاب ثنای نبی دهد آن یاد  
 اگر حسود بگوید گزاف سنجیدی  
 که سر قصیده بیارم بلیغ<sup>(۶)</sup> از استاد  
 بدین که طرزِ نوی روی گوش ما دیده‌ست  
 ز سر قصیدگی این داستان نگشت آزاد<sup>(۷)</sup>  
 عجیب نیست که خود با خودی بدست افتد  
 حیات اگر به تتبع کسی دهد بر باد

۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = بیندیشم ؛ ن ۸، ۲۱، ۳۵ = نیندیشم

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷۲ = کنم ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = نهم

۳- ن ۸، ۳۵ = این ؛ ن ۲، ۲۱، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲ = آن

۴- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ این شعر بعد از شعر نهم است ولی در نسخ ۲۹، ۲۱ ترتیب به طور است که نوشته شد.

۵- ن ۲، ۱۷، ۲۹ = او ؛ ن ۵، ۸، ۲۱، ۳۵، ۱۷۲ = آن

۶- ن ۲ = بلیغ از ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = تتبع

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲ = این شعر بعد از شعر ۱۵ دیده شد.

دویم<sup>(۱)</sup> جدل بود آن را جواب خاموشیست

ولی جواب<sup>(۲)</sup> نخستین حدیث باید داد

بدین که حرف دل از پیش آرزو برداشت

چه شد که هر دو به یک بحرشان گذار افتاد

### قصیده بیست و سوم

#### تشبیه یکی از قصاید ناتمام<sup>(۳)</sup>

وقت آنست که اندیشه پریشان گردد	علم بر جهل برون آید <sup>(۴)</sup> و سلطان گردد
چشم خفاش شود دیده خورشید خرد	بس که مغلوب فروغ رخ جانان گردد
سر اندیشه لگدکوب شود در ره عشق	زهد کافر شود و کفر مسلمان گردد
وقت آنست اگر پرده بر اندازد بخت	که دل مورچه‌ای ملک سلیمان گردد
هر نفس لعبتی از پرده اسرار خرد <sup>(۵)</sup>	زنده در پیش نظر <sup>(۶)</sup> آید و بیجان گردد
خوانی آراسته‌ایم از نعم <sup>(۷)</sup> هوش و خرد	عشق اگر زود در آید نمک خوان گردد
تربیت یافتگان را ز نظر بر فگند	کفر صد پایه <sup>(۸)</sup> فرود آید و ایمان گردد

### قصیده بیست و چهارم

#### قصیده ناتمام که از اشعارش اسم ممدوح پیدا نیست<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۲۹، ۳۵، ۲۱ = دویم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = دوم

۲- ن ۲، ۱۷، ۲۱، ۳۵، ۱۷۲ = جواب نخستین حدیث؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = حدیث نخستین جواب

۳- این اشعار تشبیه خیلی نادراست و تنها در نسخ ۱، ۵، ۴۲، ۲۱، ۱۷، ۱۷۲ یافته شدند.

۴- ن ۱، ۵، ۲۱، ۱۷۲ = آید؛ ن ۱۷ = گردد

۵- ن ۱۷۲ = خرد؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۱ = خرد

۶- ن ۱۷، ۲۱ = نظر؛ ن ۱، ۵ = نفس؛ ن ۱۷۲ = نفس؟

۷- ن ۱۷، ۲۱، ۱۷۲ = نعم؛ ن ۱، ۵ = نفس

۸- ن ۱۷ = پایه؛ ن ۱، ۵، ۲۱، ۱۷۲ = نامه

۹- این اشعار تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷، ۲۱ (نسخه چاپی نعیم‌الدین)، ۴۲ یافته شدند. ترتیب اشعار درین نسخ اختلاف دارد. درین نسخه آنها بطوری که در نسخه ۱، ۵ هستند نوشته شدند.



هرگز<sup>(۱)</sup> از قهر تو بازار سلامت نشکند  
 کز هجوم فتنه ناموس<sup>(۲)</sup> قیامت نشکند  
 با خیالِ همت آرایش افروز هوس  
 در دیارِ کامرانی جعدِ فرصت نشکند  
 بر نیارد هیبت بانگی که در کتمِ عدم  
 صد نفس در سینه صبح قیامت نشکند  
 هیبت هرگز نینگیزد ببازی مرکبی  
 کز نگاهی هر طرف صد فوج هیبت نشکند<sup>(۳)</sup>  
 گر<sup>(۴)</sup> زلیخا فی‌المثل در دل در آرد عهد او  
 آن دلِ نازک به صد کوه ملامت نشکند  
 عهد او گر سایه بر اعراضِ امراض افکند  
 رنگِ بیمار دل آزارِ محبت<sup>(۵)</sup> نشکند  
 آگهی تازیم<sup>(۶)</sup> کز خون شهیدان نهی تو  
 در گلوی غمزه خویان حلاوت نشکند  
 مشکل ار با عونِ تو مهتاب را دست کتان  
 قوتِ بازوی تأثیرِ طبیعت<sup>(۷)</sup> نشکند  
 در هوای شهرِ عفوت<sup>(۸)</sup> برده از رنج سکوت  
 جز به صافِ معصیت پرهیز عصمت نشکند

۱- ۴۲ ن = هرگز قهر تو؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = هرگز از قهر تو

۲- ۱۷۳ ن (۲۱) = بازار؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۴۲، ۱۷۲ = ناموس

۳- این بیت در نسخه ۴۲ نیست

۴- ۴۲ ن = کز؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲، ۱۷۳ (نسخه چاپی ۲۱)، ۱۷ = گر

۵- ۱۷۳، ۱۷۲ ن = از رنج محبت؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۴۲ = آزار محبت

۶- ۱۷۲، ۵، ۱ ن = تازیم؛ ن ۱۷، ۱۷۳ = تازیم؛ ن ۴۲ = باریم؟

بهار عجم: اشعار ۱، ۱۴، ۲۱، ۳۱، ۳۵

۷- ۱۷۳ ن (نسخه چاپی ۲۱) = محبت؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۴۲، ۱۷۲ = طبیعت

۸- ۱۷۳ ن = شهر عفوت رنج بردار ملوک؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = شهر عفوت برده از رنج سلوک؛ ن ۱۷۲ = رنج شهر عفوت

برده از سلوک؟

## قصیده بیست و پنجم

قصیده ناتمام در مدح یکی از ممدوحین عرفی که اسمش پیدا نیست<sup>(۱)</sup>

دولت را با<sup>(۲)</sup> ابد آمیزش ممتاز باد

باز اجلال<sup>(۳)</sup> تو اوج لامکان انداز باد

حله افگند آسمان در رقص دامن گیریت

دستِ اوجِ لامکان هم آستین انداز باد

میوه انجام پروردِ ثمرزارِ ابد

دولت را چیده در مهمانی آغاز باد

گر تذرو صیت عدلت فی المثل خوابی کند

آشپاش در میان آشپان باز باد

شاهد علم<sup>(۴)</sup> تو هر جا برفشانند برگ<sup>(۵)</sup> حسن

دامنِ دريوزه تسمکین بدستِ ناز باد

هر کجا معجز نثار آید رسولِ رای تو

انفعالی<sup>(۶)</sup> آفتابش سایه اعجاز باد

آن<sup>(۷)</sup> اثرها را که طبع آسمان از خود نهفت

لمعه‌ای از آفتابِ دانشت غماز باد

هر کجا دستان به مدح عرش گردد اوج<sup>(۸)</sup> گیر

مسندت را خنده‌های زیر لب طنّاز باد

۱- این قصیده مختصر تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷۲، ۱۷، ۲۱، ۴۲، ۱۷۳ = یافته شد.

۲- ن ۱۷۲ = تا؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۳ = با

۳- ن ۱۷۲ = اجلال؛ ن ۱۷۳ (۲۱) = امداد؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = اعجاز

۴- ن ۱، ۵، ۱۷۲، ۱۷، ۲۱ = حلم؛ ن ۴۲ = علم

۵- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = برگ؛ ن ۲۱ = برق

۶- ن ۱۷، ۲۱، ۱۷۲ = انفعال؛ ن ۱، ۵ = احتمال

۷- ن ۱۷۲ = زان؛ ن ۱، ۵، ۲۱ = آن

۸- ن ۱، ۵ = جای؛ ن ۱۷، ۲۱، ۱۷۲ = اوج

هرکجا دستت گشاید دامنِ گوهر فریب  
از جواهر طبعِ عرفی آستین<sup>(۱)</sup> پرداز باد

### قصیده بیست و ششم قصیده در مدح خانخانان عبدالرحیم<sup>(۲)</sup>

تا بایزم از وصال جدا کرد روزگار  
با روزگار شوق چها کرد روزگار  
آن دست را که بر نفکندی حجاب<sup>(۳)</sup> وصل  
ببند قبابی هجرگشا کرد روزگار  
آن چشمه‌های زهر که درباغ فتنه بود  
در کار بیخ مهر گیا کرد روزگار  
آن جنس‌های فتنه که در شهر غم<sup>(۴)</sup> خرنند<sup>(۵)</sup>  
قحطِ متاع بود، عطا کرد روزگار  
چون من ستم خری<sup>(۶)</sup> سرِ بازار او<sup>(۷)</sup> نداشت  
زودم فروخت، حیف خطا کرد روزگار  
حالت ببین که تکیه محرومی مرا  
آنین مشهد<sup>(۸)</sup> شهدا کرد روزگار<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۲۱ = آستین داد ؟ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = آستین پرداز

۲- قصیده در جواب انورست با این مطلع :

جبل‌المتین ملک دوتا کرد روزگار

۳- شرح مسرت = تقاب ؛ دیگر همه نسخ = حجاب

۴- ن ۲۸ = دل ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۵، ۲۹، ۳۵ = غم

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۵، ۴، ۳، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۵ = خرنند ؛ ن ۱۷ = خرنند

۶- ن ۲۸ = ستم‌گری ؛ دیگر همه نسخ = ستم خری

۷- ن ۸، ۳۵ = آن ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = او

۸- ن ۱۷ = مشهد ؛ ن ۲ = مصحف

۹- این بیت تنها در نسخ ۲، ۱۴، ۱۷ یافته شد.

دردم به کشوری که عنانِ اثر فکند  
 بیمار را به مرگ دوا کرد روزگار  
 از بوی تلخ سوخت دماغِ امید و یأس<sup>(۱)</sup>  
 زهری که در پیالهٔ ما کرد روزگار  
 در بزمِ ما ز<sup>(۲)</sup> شیوه و آوازهٔ ملال  
 هر نغمه‌ای که داشت ادا کرد روزگار  
 ای جان<sup>(۳)</sup> پیاله درکش و مستی زیاده کن  
 کت<sup>(۴)</sup> زهر هجر نشاء فرا کرد روزگار  
 ای دل کلاه کج نه<sup>(۵)</sup> و بر یأس تکیه زن  
 کت جامهٔ امید قبا کرد روزگار  
 آن دست را که رو ننمودی به آستین<sup>(۶)</sup>  
 دامن سعی گیر دعا کرد روزگار  
 آن مست را که بوسه ندادی بدست وصل  
 در پای مُژده<sup>(۷)</sup> میر صبا کرد روزگار  
 هر وعدهٔ جفا<sup>(۸)</sup> که به کونین کرده بود  
 با ما<sup>(۹)</sup> ز روی مهر و وفا کرد روزگار  
 هر ناوکی که زد به شهیدان کربلا  
 زخمش نثارِ سینهٔ ما کرد روزگار

۱- ن ۲، ۳۵ = امید یاس ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = امید و یاس

۲- ن ۲۸ = ناز ؛ ن ۲۹، ۳۵ و غیره = ماز

۳- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = ای دل ؛ ن ۲۸، ۲۹، ۵، ۳۵، ۱۷۰ = ای جان

۴- ن ۲۸ = کین ؛ ن ۹، ۱۸، ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = کت

۵- کارنامه = کن ؛ همه نسخ کلیات و مسرت = نه

۶- ن ۱، ۵ = در آستین ؛ کارنامه، قطب = ز آستین ؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰ = به آستین

۷- ن ۹، ۵، ۲۸، ۳۵ = مُژده ؛ ن ۱۸، ۲۴، ۳۳ = مزد

۸- شرح منیر = دعا ؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۸، بهار عجم = جفا

۹- بهار عجم = با باز ؛ دیگر همه نسخ = با ما

دُرَجِ اَمید و گنجِ دعا را گهر<sup>(۱)</sup> نماند  
 دستِ دلم به جیبِ رضا<sup>(۲)</sup> کرد روزگار  
 عرفی به حیرتیم که بی<sup>(۳)</sup> نسبتِ گناه  
 ما را اسیرِ تیغِ جفا کرد روزگار  
 آخر نه در حمایتِ الطافِ داوریم  
 ظلمی چنین صریح چرا کرد روزگار  
 ما را مگر ز جمله اعدای او شمرد  
 وین ظلم بر سیلِ سزا کرد روزگار  
 فرزانه خانِ خانانِ کز<sup>(۴)</sup> فرّ دولتش  
 خجلت نصیب ظلّ هما کرد روزگار  
 در هر کجا مبارزِ عدلش کمر بست  
 تیغ از میان حادثه وا کرد روزگار  
 از<sup>(۵)</sup> آرزوی سایه ایوانِ رفعتش  
 تعمیرِ ارتفاعِ سما<sup>(۶)</sup> کرد روزگار  
 هم روزنامه<sup>(۷)</sup> دارِ نصیبِ حسود و وی<sup>(۸)</sup>  
 فتویٰ نویسِ خوف و رجا کرد روزگار  
 هم چهره<sup>(۹)</sup> مسا و صباح وی و حسود  
 اندوده صباح و مسا کرد روزگار

۱- مأثر رحیمی = گهر فشاند؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۲، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = گهر نماند؛ ن ۱۷، ۲۸ = اثر نماند

۲- ن ۲۸ = جفا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = رضا

۳- ن ۱۹، ۵ = حیرتم که ز بی نسبت گناه؛ ن ۱، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = حیرتم که بی نسبت گناه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بحیرتیم که بی نسبت گناه

۴- ن ۲۰ = که از؛ دیگر همه نسخ = کز

۵- ن ۱۷۰، قطب، عجیب و غریب = در؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، شرح آرزو، منیر، کارنامه = از

۶- ن ۹ = ثنا؛ دیگر همه نسخ بشمول ۵، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = سما

۷- ن ۳۵ = هم روزیانه دار؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸ و غیره = روزنامه دار

۸- ن ۲۸ (درست شده)، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، قطب، منیر، آرزو، مسرت = دی و حسود؛ ن ۱، ۳ = حسود و وی؛ ن ۹، ۲۸ (اصل)، ۵، ۲، ۸، ۱۷، ۳۵، ۲۹ = حسود وی

۹- ن ۲، ۹، ۱۹، ۳، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = مسا و صباح حسود وی؛ ن ۲۸ = صباح و مسا وی و حسود؛ ن ۱، ۳، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴،

ای عدلِ پروری که به حکمِ عتابِ تو  
 آجال را بریدِ فنا<sup>(۱)</sup> کرد روزگار  
 بر آسمانِ لطف<sup>(۲)</sup> تو خورشیدی که کرد<sup>(۳)</sup>  
 با<sup>(۴)</sup> سایهٔ سعیدِ هما کرد روزگار  
 در روزگارِ قهر<sup>(۵)</sup> تو معموره‌ای که ساخت  
 در تحتِ ظلِّ چند بنا کرد روزگار  
 در آفتابِ لطفِ تو رنگِ زیر را  
 بالا نشینِ رنگِ حنا کرد روزگار  
 با التفاتِ عام تو گردِ کساد را  
 آرایشِ متاعِ دعا کرد روزگار  
 می خواست تحفهٔ تو کند باغِ خلد را  
 از روی همّتِ تو حیا کرد روزگار  
 گلزارِ وصل<sup>(۶)</sup> شاهد<sup>(۷)</sup> عمرت بدست کرد  
 بر بختِ خود چه<sup>(۸)</sup> مایه ثنا کرد روزگار

ادامهٔ باورقی از صفحهٔ قبل

۲۹، مسرت، آرزو = مسا و صباح وی و حسود؛ ۵ (اصل) = مسا و صباح وی و حسود و بعد اصلاح "صبحا و مسا و صباح حسود وی".

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = برید و فنا؛ ن ۲ = برید و قبا؛ ن ۱، ۳، ۴، ۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، قطب، مسرت، کارنامه = برید فنا

۲- ن ۱، ۵، ۸ = لطف؛ ن ۳، ۲۸، ۱۷۰ = عشق؛ ن ۴، ۱۹، ۲۹، ۳۵، شرح آرزو، منیر، کارنامه = علف؛ ن ۱۷،

۳- ن ۴ = خورشیدی نکرد؛ ن ۵، ۲۹، ۳۵ = خورشید نی کرد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۲۸، ۱۷۰ = خورشیدی که کرد

۴- ن ۴، ۱۹ = تا؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۸ = با

۵- ن ۵، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۱۷ = لطف؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = قهر؛ ن ۱، ۵، ۱۷۰ = علف

۶- ن ۲۸ = گلزار بخت؛ ن ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷، ۴، ۵، ۹ = گلزار وصل؛ ن ۲۹ = گل زار وصل

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = شاهد عمرت؛ ن ۵، ۱۷۰، ۴، ۲۹، ۳۵، بهار عجم، کارنامه

۸- ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۲، ۳، ۴، ۵، مآثر رحیمی، کارنامه = چه مایه؛ ن ۹، ۱۸، ۱۷۱، ۲۴، ۲۰، ۳۳ = چه پایه؛ ن ۱ = چو

مایه

شکل محبتِ تو ز چشمش نمی‌رود  
 از بس نظر به آئینه‌ها<sup>(۱)</sup> کرد روزگار  
 با ازدحامِ جاوِ تو زان سوی لامکان  
 تأکید<sup>(۲)</sup> در عمومِ ملا کرد روزگار  
 برهانِ دهر سوز عتابِ تو می‌گذشت  
 تسلیم<sup>(۳)</sup> در ثبوتِ خلا کرد روزگار  
 صیتِ افاضتِ تو به شهری اگر نیافت<sup>(۴)</sup>  
 خاشاک در دهانِ صبا کرد روزگار  
 امرت به مصلحت قدمی گریه سنگ زد  
 دستار در گلوی قضا کرد روزگار  
 فرزانه داد را، نفسی گوش کن ز لطف  
 تا بشمرد رهی که چها کرد روزگار  
 آورد روی بـیندگی ما به دلبری  
 مارا درم خرید بلا<sup>(۵)</sup> کرد روزگار  
 شوقی که با وجود وی از بیمِ فرقتش<sup>(۶)</sup>  
 از بهرِ جان خویش دعا کرد روزگار  
 در مـصـرِ حـسـنِ او نـسـتـانـند رایگان  
 کنعان صدف دری که بها کرد روزگار  
 عمری کرشمه‌اش بشکستِ دلم گماشت<sup>(۷)</sup>  
 اما بر آن کرشمه جفا کرد روزگار

۱- ن ۱۹ = به ماه و سها ؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷، ۵ = به آئینه‌ها

۲- کارنامه = تسلیم در ثبوت ملا ؛ ن ۳۵، ۲۹ = تأکید در عموم بلا ؛ ن ۲، ۱، ۴، ۱۷، ۵ = تأکید در عموم ملا ؛ ن ۹، ۲۴، ۱۸، ۳۳ = تأکید بر عموم ملا

۳- کارنامه = تأکید در عموم خلا ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۶، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = تسلیم در ثبوت خلا

۴- مآثر رحیمی = نفاق ؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵ = بتافت ؛ ن ۴، ۲۸، ۹، ۲۰، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = نیافت

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، مآثر رحیمی = وفا ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، کارنامه = بلا

۶- ن ۲، ۴ = آفتش ؛ ن ۳ = فرصتش ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، قطب، کارنامه، مآثر = فرقتش

۷- ن ۹ (پاورق) = شتاب ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = گماشت

آمیزی چو شیر و شکر داد و عاقبت<sup>(۱)</sup>

ما را ز هم به حیلۀ جدا کرد روزگار

هم روزگار داغ شود گر بیان کنم

آنها که در میانه ما کرد روزگار

گفتم چنان مکن که شکایت برم به چرخ<sup>(۲)</sup>

خندید و خیل<sup>(۳)</sup> فتنه دوتا کرد روزگار

چون گفتمش که شکوه به داور همی برم

آغاز عجز کرد و ابا کرد روزگار

چون فتنه‌های رفته شمردم بدامنش

شرمنده گشت و عهد وفا کرد روزگار

گفتم بقای دوستیت نیست باورم

عدل ترا ضمان بقا کرد روزگار

هر فتنه‌ای که باز نمودم که این مکن

صوتِ نعم<sup>(۴)</sup> قرین صدا کرد روزگار

هر مطلبی که پیش گرفتم که این برآر

بنیاد جمع برگ و نوا کرد روزگار

القاصه نام داور ایام چون شنید

صد عجز بهر صلح و صفا کرد روزگار

عرفی دعای داور<sup>(۵)</sup> ما کن که نام او

بشنود و حاجتِ تو روا کرد روزگار

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = داد عاقبت ؛ ن ۲۸، = ۱۷۰ داد عاقبت ؛ ن ۱، ۵، ۳۵ = داد و عاقبت

۲- ن ۱، ۵ = بخلق ؛ دیگر همه نسخ بشمول مائیه نسخه پنجم = به چرخ

۳- ن ۱۷ = سیل ؛ ن ۲۹ = جهل ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۱۷۰، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = خیل

۴- ن ۲، ۲۹ = بغم قرین ؛ ن ۳ = نغم قرین ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = نعم قرین

۵- ن ۲، ۳، ۴، ۱۹ = شاه جهان ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = داور ما



تا در زمانه<sup>(۱)</sup> خاک نشینانِ مُلکِ یأس

گویند جور کرد و جفا کرد روزگار

آوازه دیارِ مرادت جُز این مباد

کاینک هزار قصر<sup>(۲)</sup> بنا کرد روزگار

### قصیده بیست و هفتم

قصیده ناتمام در مدح یکی از ممدوحین عرفی که اسمش ظاهر نیست<sup>(۳)</sup>

ای سایه همای تو معمارِ روزگار	خرم به آبروی تو گلزارِ روزگار <sup>(۴)</sup>
گاهِ نهیب زلزله انگیزِ عدل تو	آفتد بروی حادثه دیوارِ روزگار
در آستانِ بزمِ تو هنگامِ بارِ عام	دو زیرِ کفش گمشده دستارِ <sup>(۵)</sup> روزگار
خالیست دور حادثه در دورِ عدل تو	چون مقلبِ زمانه و <sup>(۶)</sup> متقارِ روزگار
در جنب بوستانِ جلالت نه آسمان <sup>(۷)</sup>	یک مشتِ سبزه برسرِ <sup>(۸)</sup> دیوارِ روزگار
در روزگارِ عدل تو از راهِ انتقام <sup>(۹)</sup>	در پای روزگار خلد خارِ روزگار
ابجد نویسِ جاهِ تو نوکِ قلم شکافت	صورتِ نبسته <sup>(۱۰)</sup> دایره کارِ روزگار
پرگارِ سازِ صنع به نیرنگ برگرفت	اندازه بهر صورتِ پرگارِ روزگار

### قصیده بیست و هشتم

#### زبده الالهام

۱- ن ۲۸، ۱۸، ۳۳ = زمان ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = زمانه

۲- ن ۱، ۳۵ = قصه ؛ ن ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = قصر

۳- این قصیده هم یکی از قصائد نادر عرفی شیراز بیست که تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷، ۴۲ (نمره ۲۵۹۶ در کتابخانه مجلس شورای ملی تهران)، ۱۷۳ (محفوظ در نیشنل لایبرری کلکته) دیده شد.

۴- این مطلع تنها در ن ۱۷، ۴۲ یافته شد.

۵- ن ۴۲ = دیوار ؛ دیگر همه نسخ = دستار

۶- ن ۴۲ = ز ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = و

۷- ن ۱۷۲ = بآسمان ؛ ن ۴۲ = به آستان ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = نه آسمان

۸- ن ۴۲ = بر در و دیوار ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = بر سر دیوار

۹- ن ۱۷، ۴۲ = انتظام ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = انتقام

۱۰- ن ۱۷، ۴۲ = به بسته ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = نه بسته

## قصیده در نعت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم<sup>(۱)</sup>

سپیده دم که<sup>(۲)</sup> زدم آستین به شمع شعور  
 شنیدم آیت استفتحوا<sup>(۳)</sup> ز عالم نور  
 ببه دل ز شاهد بزم ازل ندا آمد  
 که ای تمام وفا وز<sup>(۴)</sup> رضای ما بس دور  
 زهی اطاعت و<sup>(۵)</sup> حسن ادب،<sup>(۶)</sup> زهی طاعت<sup>(۷)</sup>  
 که با اجازت<sup>(۸)</sup> مایی ز وصل ما مهجور  
 زیاد<sup>(۹)</sup> ازین نه حلال است دوری از برما  
 اگر به حوصله نازی در آ به بزم حضور  
 طلب بیار<sup>(۱۰)</sup> و درآ، وز متاع منع کلیم  
 بساط عذر میار، که نیستی معذور  
 اگر به چشمه مقصود دست عشوه ما  
 شکست ساغر امید او<sup>(۱۱)</sup> به سنگی فتور  
 نه کوتاهی ز عطا بود، عشق می داند  
 که بر کرشمه ما تنگ<sup>(۱۲)</sup> بود خلعت<sup>(۱۳)</sup> طور

۱- این قصیده در زمین ظهیر فاریابی گفته شد.

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۴۲، ۳۳، ۱۷۱ = چو؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ و شرح های میرزا جان، آرزو، قطب، مسرت = که

۳- ن ۹ = لا تقطعو؛ ن ۱، ۵، ۱۷۰، ۲۸، ۳۵، ۱۸، ۲۴، ۲۰، ۱۷۱، ۳۳ = استفتحو

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷ = وفا و رضای؛ ن ۳۵ = وفا و رضای؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۰، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۲۴ = از

۵- کارنامه، عجیب و غریب = اطاعت و حسن ادب؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۱۷، ۳۵، ۲۸، شرح مسرت و منیر  
 = اطاعت حسن ادب

۶- شرح مسرت = عمل؛ دیگر همه نسخ = ادب

۷- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۹، منیر، رحیم، ۱۷۰ = زهی طاعت؛ ن ۱۷، ۲۸، ۳۵، مسرت = زهی طاعت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = زهی طاعت

۸- شرح منیر = بی اجازت؛ شرح مسرت = با اجابت؛ همه نسخ کلیات و شرح ها = با اجازت

۹- ن ۹، ۲۴، ۳۰، ۱۸، ۳۳، ۲۸ = زیاده زین؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = زیاد ازین

۱۰- ن ۱۷ = طلب نثار و در آور؛ ن ۲۸، ۳۵ = طلب نثار در آور؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸ = طلب نثار در آور؛ ن ۳ = طلب بیار در آاز؛  
 ن ۹، ۱۸، ۲۰ = طلب بیار و مترس از

۱۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = او؛ ن ۹ = را

۱۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = تنگ بود؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = تنگ بود

تو در معامله اهل بطور<sup>(۱۴)</sup> متاع مخیر  
 که نا<sup>(۱۵)</sup> صحیح بود تیغ و سعی نامشکور  
 در ملاطفت آشنا<sup>(۱۶)</sup> گشاد<sup>(۱۷)</sup> و در آ  
 که آشتی<sup>(۱۸)</sup> طلب است ان سعیکم مشکور  
 می مشاهده ارزان و راه می‌کده پاک  
 تو در مشقت نزع از طبیعت مخمور  
 بیا، بنوش، که در مستیت شهید کنم  
 که نیست قابل رحمت شهادت مستور  
 بیا که در طلبت بر فراز صدر سریر  
 بیا که بهر تو بر<sup>(۱۹)</sup> صفت<sup>(۲۰)</sup> سرای سرور  
 چو عشق تو همه بینایی است شاهد وصل  
 چو حسن ماه همه آرایش است حجله سور  
 بکرد زمزمه این عطیه با دل من  
 همان اثر که به اهل فنا کند دم صور  
 دلم بناله در آمد که هان صبوری را  
 ز حد میر که درین راه کس مباد صبور  
 عنان فگنده جهاندم بزییر بام وصال  
 منزّه از اثر سعی گام و سیر ستور

۱۳- ن ۱۸، ۱۹، ۲۰ = خلعت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = خلوت

۱۴- بمعنی فرود آئید. اشاره به فرود آمدن آدم و حوا به عالم خاک

۱۵- ن ۲۸، ۳۵ = نا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۸، ۹

۱۶- ن شرح عجیب و غریب = آتنا؛ ن ۲، ۳، ۴، ۲۸ = انبیا؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷ = اتقیا؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = مسرت = آشنا

۱۷- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = گشاده درآ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گشاد درآ

۱۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۳۰ = آشتی؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۳۵ و غیره = آستین

۱۹- ن ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۴، ۱۸، ۱۷۰ = بر؛ ن ۱، ۵ = شد؛ ن ۲، عجیب و غریب، ۲۸ = در

۲۰- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = صفحه؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = صفت

بدستِ هَمَّتِ<sup>(۱)</sup> طاعت در آن رها<sup>(۲)</sup> کردم  
 به<sup>(۳)</sup> اولین قدم اسباب خلد و حور و قصور  
 زدم به حبلِ متین مراد<sup>(۴)</sup> دست ادب  
 به سعی بازوی دل بر شدم به اوج حضور  
 کمالِ جذبه لطف<sup>(۵)</sup> آستینِ فشانم<sup>(۶)</sup> برد  
 به خلوتی که یکی<sup>(۷)</sup> بود رنگِ سایه و نور  
 تبارکِ الله ازان بزمِ بی زوال که بود  
 ز نورِ حسن لبالب ز دوستی معمور  
 به سطح انجمن افتاده فرش‌های لطیف  
 ز گونه‌گونه عنایت، نه<sup>(۸)</sup> اطلس و سیف  
 جماعتی ز<sup>(۹)</sup> یمین و یسارِ مهدِ وصال  
 که هر یکی بسعاد<sup>(۱۰)</sup> گرفته صد منشور

ز طمعِ مردم و دارِ<sup>(۱۱)</sup> سیاست آسوده  
 چکیده<sup>(۱۲)</sup> از نفسِ جمله نغمه منصور

- ۱- ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = هَمَّت طاعت و ران؛ ن ۲۸، ۹ = بدست هَمَّت طاعت دران؛ ن ۳۳ = هَمَّت و طاعتوران؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۰، ۳۵ = بدست طاعت هَمَّت و ران  
 ۲- کارنامه فیض = بهل؛ دیگر همه نسخ = رها  
 ۳- بهار عجم = در؛ همه نسخ دیگر = به  
 ۴- ۱۷۲ = مراد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۳۵، ۹ = جواز؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = جوار  
 ۵- ن ۲۸ = نطق؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = لطف  
 ۶- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = کشانم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = فشانم  
 ۷- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بخلوتی که بیک رنگ بود؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = بخلوتی که یکی بود رنگ؛ ن ۱۷۰ = بدره که یکی رنگ بود  
 ۸- ن ۱۷ = چو؛ ن ۹، ۲۰ = به؛ ن ۱، ۴، ۵، ۳۵ = ز؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = نه  
 ۹- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = ز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = به  
 ۱۰- ن ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = به سعادت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = ز سعادت  
 ۱۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲، ۳۵ = و از روزگار؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۳ = دور از سیاست آسوده؛ ن ۲۴، شرح رحیم = و دار

دلیلِ دعویٰ منصور<sup>(۱۳)</sup> کایتی‌ست مبین<sup>(۱۴)</sup>

به لوحِ ناصیهٔ ائمه‌هاشان مسطور

پس از مشاهدهٔ جمعِ سروری<sup>(۱۵)</sup> دیدم

که بود بر صفِ اصحابِ قرب<sup>(۱۶)</sup> صدرِ صدور

جمالِ صدرنشینان ز نورِ چهرهٔ او

چو انجم از اثرِ شاهِ اختران مستور

فرو شدم به تحیرِ که یارب این که بود

که هست صورتِ او زیبِ معنیِ جمهور

هنوز در دلم این معنیِ خجسته اثر

ز شاهراهِ تحیرِ نکرده بود عبور

که گفت شاهدِ تنها نشینِ مستندِ حسن

ز رویِ مهرِ که ای از ره بصیرت دور

کدام کحلِ که نگرفتی<sup>(۱۷)</sup> از هدایتِ ما

هنوز دیدهٔ معنیتِ هست عینِ قصور

بر آستانهٔ ما هست گردِ گردی<sup>(۱۸)</sup> از ره وی<sup>(۱۹)</sup>

که ذره‌ذرهٔ او هست چشمه‌چشمهٔ نور

اجازتِ قدم<sup>(۲۰)</sup> او بیار تا بدهم

که هست<sup>(۲۱)</sup> منتِ ازین<sup>(۲۲)</sup> توتیا بدیدهٔ حور

ادامهٔ پاورقی از صفحهٔ قبل

سیاست آسوده؛ ن ۳، ۲۸ = و دار از سیاست آلوده

۱۲- ن ۱۷ = چکید؛ دیگر همه نسخ = چکیده

۱۳- ن ۵ = مشور؛ ن ۹، ۳۵، ۱۷۱ = منصور

۱۴- ن ۳، ۴، ۱۷، ۱۹، ۲۸ = متین؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ و غیره = مبین

۱۵- ن ۱۷ = شاهدهی؛ همه نسخ دیگر = سروری

۱۶- ن ۲۸ = صفه؛ ن ۱ = صدر؛ ن ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۳۵ = قرب

۱۷- ن ۲۸ = نگرفته؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۵ و غیره = نگرفتی

۱۸- ن ۲۸ = گرد؛ ن ۳۵، ۱۷۰، ۹، ۱۸، ۱۵ = گردی

۱۹- ن او؛ ن ۵، ۹، ۱۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و غیره = وی

۲۰- ن ۱۷۰ = اجازت از قدم او؛ ن ۲۸، ۳۵، ۹، ۵، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = اجازت قدم او

وگر<sup>(۲۳)</sup> صبور نه‌ای تا بگویم این آنست<sup>(۲۴)</sup>

که ما بروز ازل ناظریم و او منظور

بصورت آینه حسن<sup>(۲۵)</sup> به معنی ما

روان چو<sup>(۲۶)</sup> صورت و معنی بذات او مستور<sup>(۲۷)</sup>

زآستین نرسیدی به جیب دست وجود

اگر نه گوهر او<sup>(۲۸)</sup> داشتی هوای ظهور

طراز صورت و معنی محمد عربی

که نطقی ما به ادب نسام او<sup>(۲۹)</sup> کند مذکور

کنونکه معرفت حاصل است<sup>(۳۰)</sup> زود بیار

به استعانت<sup>(۳۱)</sup> آن کحل تحفه<sup>(۳۲)</sup> مقدور<sup>(۳۳)</sup>

به عون لطف الهی به لمحای گفتم

قصیده‌ای که بود<sup>(۳۴)</sup> مطلعش باین دستور

۲۱-ن ۲، ۴= نیست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴= هست

۲۲-ن ۴، عجیب و غریب = منت این؛ ن ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۲۸، ۵، ۱ = منت ازین

۲۳-ن ۱۷۰ = اگر؛ ن ۳۵، ۲۸، ۹، ۱۸، ۵، ۱ و غیره = وگر

۲۴-ن ۳، ۴، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۵ = این آن است؛ ن ۱، ۱۷ = بگویم این نسبت؛ ن ۲ = بگویم این است؛ منیر = بگویم آن کیست

۲۵-ن ۳۵ = تا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴ = ما؛ ن ۱۷۰ = او

۲۶-ن ۱۷۰ = روان چو صورت و معنی؛ ن ۲۸ = روان صورت معنی؛ ن ۵، ۳۵، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = روان صورت و معنی؛ ن ۱۸، ۹ = روان و صورت معنی

۲۷-ن ۱۷۰ = مستور؛ ن ۲۸ = مسطور؛ ن ۵، ۳۵، ۱، ۹، ۱۸، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = مسرور

۲۸-ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۴ = او داشتی؛ ن ۵، ۳۵، ۱ = آن داشتی

۲۹-ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۰ = وی؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸ = او

۳۰-ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = هست زود رود بیار؛ ن ۲۸ = حاصل است رو و بیار؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = حاصل است زود بیار

۳۱-شرح عجیب و غریب = استجازت؛ ن ۳، ۴، به استفائه؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = به آستانه آن؛ ن ۸، ۳۵ = به آستانه ما؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = به استعانی آن

۳۲-ن ۱۷۰ = دیده؛ ن ۹، ۱۸، ۳۵، ۲۸، ۵ = تحفه

۳۳-ن ۲۸ = معذور؛ ن ۹، ۳۵، ۵، ۱۸، ۱ و غیره = مقدور

۳۴-شرح رحیم = که بدین مطلعش بود دستور؛ همه نسخ کلیات = که بود مطلعش بدین دستور

زهی لوی نبوت<sup>(۱)</sup> ز<sup>(۲)</sup> نسبت منصور  
 مزاج عشق ز آمیزش دلت رنجور  
 به نور<sup>(۳)</sup> و سایه چو امر سکون و سیر کنی  
 زمانه فاصله یابد میان سایه و نور  
 بباغ<sup>(۴)</sup> طبع تو در<sup>(۵)</sup> اوج استفاده فیض  
 همای عقل کند<sup>(۶)</sup> کار سایه عصفور  
 هدایتی تو نماید به چشم صورت بین  
 هر آنچه در حرم ایزدی بود مستور  
 ز نور ناصیهات ماه اگر ضیا گیرد  
 به آفتاب دهد نسخه حساب<sup>(۷)</sup> شهر  
 ازان نفس که برون داده اند گوهر تو  
 به گنج صنع نمانده تعلق گنجور  
 شعاع شعله قهر<sup>(۸)</sup> تو گرفتد به سحاب  
 رماد<sup>(۹)</sup> برق شود سرمه صبا و دبور  
 اگر چه هست مبرهن که در مسیر وجود  
 موثراند صفات اله فی مأثور  
 اجل رسیده چو نامت<sup>(۱۰)</sup> به جبهه<sup>(۱۱)</sup> بنویسد  
 خجل شود ز نگه کردنش اجل از دور

۱- شرح قطب = محبت؛ همه نسخ دیگر و منیر، میرزاجان و رحیم و غیره = نبوت

۲- شرح میرزاجان = به؛ همه نسخ کلیات = ز

۳- ن ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵، ۲۸، ۹، ۱۸، ۱۷۰ = نور و سایه؛ ن ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۲ = نور سایه

۴- ن ۸، ۳۵ = بنای طبع؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲، ۳، ۴، ۱۷ = بباغ طبع

۵- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = در اوج؛ ن ۲۸ = دراج؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = بر اوج

۶- ن ۱، ۵ = کند میل سایه عصفور؛ ن ۸ = کند ساز سایه عصفور؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = طلبگار سایه عصفور

۷- ن ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = سنین و شهر؛ ن ۱، ۵، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = حساب شهر

۸- ن ۱، ۳۰، ۳۲، ۲۴ = قهر تو؟؛ ن ۳۱، میرزاجان = قهرت اگر فتد؛ همه نسخ دیگر = قهر تو گرفتد

۹- ن ۱۷، ۳۵، ۲۹ = زیاد برق؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۱۷۰ = رماد برق

۱۰- ن ۴، بهار عجم = نامش؛ همه نسخ کلیات = نامت

۱۱- ن ۱، ۵ = به سینه؛ ۱۷۰، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴ = به جبهه؛ ۹ (پاورق) = به حرز

عداوتِ تو کند بحثِ کز مآثرِ من  
 مزاجِ حلمِ خداوند می شود محرور<sup>(۱)</sup>  
 ز سر کلاهِ حکومتِ بدامن تو نهاد  
 قضا که هست دو عالم به حکمِ او مجبور  
 که این کلاه به سرمان ز گوشه بر شکنش  
 که در دو کون تویی آمو و منم مأمور  
 به عهدِ امر<sup>(۲)</sup> تو حکمِ قضا چنان منسوخ  
 که از نزولِ کلامِ مجید حکمِ زیور  
 اگر ز روی ضمیرت نقاب برخیزد  
 برنگ سایه شود آفتاب طعمه نور  
 شها تویی که زکوة بضاعتِ کرم  
 دو کون را ز گران مایگی کند معمور  
 منم که کرده‌ام<sup>(۳)</sup> از ننگ<sup>(۴)</sup> شرکتِ نوعی  
 نصیب فرقه انسان هزار گونه قصور  
 ز روزگارِ من آثارِ یأس می تابد  
 چو حالت<sup>(۵)</sup> سنوات از مآثر<sup>(۶)</sup> با حور  
 تنزل<sup>(۷)</sup> عملم گر شود نسیم ریاض  
 به طبع بر اثر غورگی رود انگور

۱- این شعر تنها در نسخ ۹، ۲ یافته شد. در نسخه ۹ مصرع به این طور است:

عداوت تو مبادا که از تأثر آن.

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = امر تو حکم قضا؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = حکم تو امر قضا

۳- شرح مسرت = گفته‌ام؛ همه نسخ کلیات = کرده‌ام

۴- شرح قطب = رنگ؛ همه نسخ کلیات = ننگ

۵- ۱۷۰ = حاصل؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴ = حالت؛ ن ۱، ۵ = آفت

۶- ن ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۵ = مآثر ما جور؛ ن ۱۸، ۳۳، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = مآثر باد

۷- ن ۵، ۳۵ = تنزل؛ ن ۹، ۱۷۱ = تنزل



ز حرصِ نعمتِ عصیان<sup>(۱)</sup> که زهر معنوی است  
بدونِ صوم کند نفس زله بند سحور  
بشوی روی سیاهم به<sup>(۲)</sup> آبِ احسانت<sup>(۳)</sup>  
که تیرگی برد از چهره شبِ دیجور  
بس است صاحبِ اعمالِ نامزای بودن  
چه احتیاج که کس جاودان بود مقهور  
نمودبالله اگر روز حشر طی نکند  
شفاعتِ تو عملنامه اناث و ذکور  
ز شرم کثرتِ<sup>(۴)</sup> عصیانِ من به ریشه فتد  
حسابگاه<sup>(۵)</sup> قیامت چو ارضِ نیشاپور  
دمِ سؤال چو<sup>(۶)</sup> از تابِ انفعال شود<sup>(۷)</sup>  
نفس شکسته گلو از زمانه مغرور  
امید هست که مهر لبِ سؤال شود  
عنایت که چو عصیانِ ماست نامحصور  
اگر به پنجه خورشید دل بیفشارم  
بجای خوی<sup>(۸)</sup> ز مسامش چکد شبِ دیجور  
وفا نمی کند امیدِ مغفرت با یأس  
نه زانکه عفو الهی نسازدم<sup>(۹)</sup> مغفور

۱- ن ۱۷۰، ۵، سرت = دنیا؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۱۷، ۴، ۸، ۱ = عصیان

۲- ن ۱۸، ۹، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = ز؛ ن ۱۷۰، ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۸ = به

۳- ن ۲۸ = عون؛ ن ۳۵، ۱۷۰، ۲۹، ۱۸، ۹، و غیره = آب

۴- ن ۲۸ = ز شرکت همه عصیان من؛ ن ۲۹، ۱۸، ۹، ۳۵ = ز شرم کثرت عصیان من

۵- شرح قطب = به عرصه گاه؛ همه نسخ کلیات = حسابگاه

۶- ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = چو؛ ن ۱۸، ۹، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲ = که

۷- ن ۱۸، ۹، ۲۴، ۳۰، ۳۲، ۱۷۰ = شود؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۳ = شویم

۸- ن ۲۹، ۱ = خوی؛ ن ۲۸، ۳۵، ۱۸، ۹، ۲۴، ۴، ۱۷، ۵، ۱۷۰ = خون

۹- ن ۱۷ = بسازدم؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱۷۰، ۱۸، ۹، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نسازدم

ز طول معصیت استغفرالله اندیشم  
 که گرد قصر نشیند بذیل عفو غفور  
 همین بس است اگر ناجیم، اگر مغضوب<sup>(۱)</sup>  
 که با ولای تو فردا همی شوم محشور  
 به عونِ نعمتِ عشقِ تو فارغم ز نعیم  
 نه جوی شیر شناسم نه طارم انگور  
 ز عودِ مهر و گلابِ وفاست عنصرِ من  
 اگر برفتنِ دوزخ همی شوم مأمور  
 به بزمِ جتیان انجمن طرازِ بهشت  
 ز دودِ آتش دوزخ ببرد بخار<sup>(۲)</sup> و بخور  
 زکوةِ مهر تو حاشا اگر دهم<sup>(۳)</sup> به طباع  
 کنند بباده تبسمِ طبیعتِ کافور  
 محبتِ تو نهاده<sup>(۴)</sup> به سینهام داغی  
 که نیست سونش<sup>(۵)</sup> الماس و معنی<sup>(۶)</sup> ناسور  
 همیشه تا جگرِ خون‌چکانِ گمراهان  
 بود ز نشترِ شرم آشیانه زنبور  
 خرابه دلی مجروح امتان<sup>(۷)</sup> تو باد  
 ز نوشداروی الطاف شاملت معمور

۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = هالک؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = مغضوب

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = بخار و بخور؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۱۷۰، ۲۹، ۳۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = بخار بخور

۳- ن ۳۵ = اگر برم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۷۰، ۲۸ = دهم

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = محبت تو نهاده؛ شرح قطب = محبت نگذارد؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = محبت تو ندارد

۵- ن ۴، ۱۹، ۱۷ = نیست مونس الماس؛ ن ۵، ۱۸ (حاشیه) = نیست سونش الماس

۶- ن ۲۹ = خونی؛ همه نسخ دیگر = معنی

۷- ن ۱۸، ۳۳، ۲۴ = آستان؛ ن ۱۷۱، ۱۷۰، ۳۵، ۲۹، ۵، ۱ = امتان

چون این قصیده رساندم بسمع وی،<sup>(۱)</sup> فرمود  
 که ای ز نظم تو منظوم لؤلؤی مستور  
 عطای جایزه اخروی به عهده ما  
 حوالت صله دنیوی به فخر دهور  
 شیبی ز دولت رویای افتخار رُشل  
 علم به عرش زدم در میان خواب و شعور  
 خمیر مایه این سر قصیده آن<sup>(۲)</sup> رویاست  
 که شاخ و برگ فزودش زیان<sup>(۳)</sup> من چو طیور  
 کسی گمان نبرد کز برای زینت شعر  
 براصلی خواب فزودم که نیست این منظور  
 لذیذ بود حکایت درازتر گفتم  
 چنانکه حرف عصا گفت موسی اندر طور  
 چون این قصیده که مرآه حسن طبع منست  
 ز اهل صورت و معنی سِجَل شدش مستور  
 علم ز جوهر کل یافت "زیده الالهام"  
 بلی، رواست که گردد به این علم مشهور

### قصیده بیست و نهم

#### قصیده در مدح جلال الدین محمد اکبر<sup>(۴)</sup>

۱- ن ۵، ۲۹ = او؛ ن ۱، ۲، مجله = وی

۲- شرح مسرت = زان؛ دیگر همه نسخ = آن

۳- ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۸، ۳۵، ۲۸ (اصل) = زبان رمز طیور؛ دیگر همه نسخ مثل ۱۷۱، ۱۸، ۹، ۲۸ (اصلاح شده) = زبان من

چو طیور؛ ن ۵ = ربان من چون طور

۴- این قصیده تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ یافته شد.

جهان ز شمع جمال که شد چنین پُر نور  
 که آفتاب برنگِ ستاره شد مستور  
 فلک به عزمِ نثارِ که<sup>(۱)</sup> پر کند دامن  
 مشابهِ صدف از<sup>(۲)</sup> عقد لؤلؤیِ منشور  
 قضا به رقعۀ لطفِ که از خزانه<sup>(۳)</sup> غیب  
 فگنده باز بدوشِ زمانه خلعتِ سور<sup>(۴)</sup>  
 قدر به صدمۀ عنفِ<sup>(۵)</sup> که کوفت گردنِ چرخ  
 که بازش از سرِ نخوت فتاد تاجِ غرور  
 غبارِ موکبِ عدلِ که از زمین برخاست  
 که گشت صحنِ فلکِ پُر ز کیمیایِ سرور  
 سحابِ حرمِ<sup>(۶)</sup> که شد بر زمانه قطره فشان  
 که شُست چهرۀ آفاق را ز گردِ نشور  
 شمالِ مجمره گردانِ خلق کیست که باز  
 نمود جیبِ جهان را پُر از بخارِ بخور  
 چه عنبرین نفس است این<sup>(۷)</sup> که با نسیم صباست<sup>(۸)</sup>  
 چه لمعه هاست که می تابد از سپهرِ غیور  
 مگر تصرفِ<sup>(۹)</sup> گلشن طرارِ جنتِ عدن  
 مگر تکلفِ پیرایه<sup>(۱۰)</sup> ساز حور و قصور

۱- ن ۳۵ = تو ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲ = که

۲- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = و ؛ ن ۵، ۱۷، ۳۵ = از

۳- ن ۱۷ = خرینه ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = خزان

۴- ن ۱۷ = نور ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = سور

۵- ن ۵ = عنف ؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = عنف

۶- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = عزم ؛ ن ۸، ۳۵ = حزم ؛ ن ۱۷ = جرم ؟

۷- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = اینکه ؛ ن ۸، ۳۵ = آنکه

۸- ن ۳۵ = نسیم شمال ؛ ن ۱، ۵، ۸ = نسیم صبا ؛ ن ۱۷، ۱۷۲ = نسیم صباست

۹- ن ۱۷ = تصرف ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = به نصرت

۱۰- ن ۱۷ = پیرانه سوز ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = پیرایه ساز

گشاده غُرْفَةُ فردوس بر فضای جهان  
 کشیده طَرَّةٔ عنبرفشان<sup>(۱)</sup> ز چهره حور  
 که شد صبا همگی عطسه از شمایمِ عطر  
 که آسمان همه شد دیده از لوامعِ نور  
 ز اوجِ عالمِ علوی مگر فرود آورد  
 فرشته مجملِ عیسی درین سرای سرور  
 ز کوهِ وادی ایمن مگر بجانب شهر  
 کلیم آمده بهر مصالحِ جمهور  
 سخن صریح بگویم بعونِ لطفِ اله  
 رسید موکب شاهِ مظفر [و]<sup>(۲)</sup> منصور  
 جنابِ جاهِ سپهرِ جلال اکبر شاه  
 که واجب است ثنائش به مذهبِ جمهور  
 چو مردِ معرکه جوید لبش ز مادر دهر  
 اناث در شکمِ او بدل شود به ذکور  
 ز مستی می تلخ حمایتش در چین  
 بسی پیاله شکستند بر سرِ مغفور  
 ز آستین نرسیدی به جیب دستِ اثر<sup>(۳)</sup>  
 اگر نه گوهر او داشتی هوای ظهور  
 اگر ز همت او بهره مند بودندی  
 طباعِ اهل شهود<sup>(۴)</sup> و ذواتِ اهل صدور<sup>(۵)</sup>

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۲ = طَرَّةٔ عنبرفشان چهره حور؛ ن ۱۷، ۳۵ = طَرَّةٔ عنبرفشان ز چهره حور

۲- در همه نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ "مظفر منصور" هست ولی "مظفر و منصور" درست می نماید

۳- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = آخر؛ ن ۸، ۳۵ = اثر

۴- ۲۹ = شهر، ن ۵

۵- ن ۲۹، ۲، مجله = صدور؛ ن ۱، ۵ = ظهور

زهی محال که<sup>(۱)</sup> از غیر علتِ اولی<sup>(۲)</sup>  
 اثر قبول نمودی طبیعتِ ماثور  
 دو مرکب‌اند زبون در طویله<sup>(۳)</sup> عزمش  
 یکی سمند صبا و یکی کمیت دبور  
 اگر مهابتِ او شحنة بهشت شود  
 توان فروخت به بوس و کنار غازه به حور  
 بمنع زادن امثال او حکیمِ ازل  
 دهد به مادر ارکانِ مفرح<sup>(۴)</sup> کافور  
 جز<sup>(۵)</sup> این امید نماندش ز پرده‌های علم  
 که سایه افگندش بعد مرگ بر سر گور  
 حسد که آب ثمر گیر اوست می‌داند  
 که بر حسودِ تو زهر است آب میوه شور  
 به آرزوی ظفر سر فراشت<sup>(۶)</sup> چون رایت  
 عدو محاو<sup>(۷)</sup> رایاتِ لشکر منصور  
 عداوتِ تو کند بحث کز حرارتِ قهر  
 مزاجِ جلم خداوند می‌شود محرور  
 عدالت تو چو مصداقِ وحیِ مسندِ شرع  
 فطانت تو چو حُسن عقیده منبع نور

۱- ن ۲۹ = اگر؛ ن ۱، ۲، ۵، که از

۲- ن ۲۹ = اول؛ ن ۱، ۵ = اولی

۳- ن ۲، ۲۹، مجله علوم اسلامی = در طویله عزمش؛ ن ۱، ۵ = طویله خانه عرش

۴- ن ۲، ۲۹، مجله = مفرح؛ ن ۱، ۵ = طبیعت

۵- ن ۱۷۲، ۱، ۵ = چرا؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = جزاین

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = سر فراشت؛ ن ۱۷ = پرفراشت

۷- ن ۱۷ = محاو؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = بخاری؛ ۸ = مجازی؛ ن ۳۵ = مجاری

خلاصه: اشعار ۱، ۳ تا هشت، ۱۴ تا ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳ تا ۵۷، ۵۹، ۸۰، ۸۴ تا ۹۴، ۹۹ تا ۱۰۲، ۱۴۴ تا ۱۵۵، ۱۶۷،

۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۴ تا ۱۸۹، ۱۹۲ تا ۱۹۹، ۲۰۵ تا ۲۲۱ بهار عجم: ۷، ۴۲، ۱۳۲، ۱۶۷، ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۴،

جهان ز جود تو معمور گشت و این عجب است  
 که احتمال سخایت ندیده روی ظهور  
 زهی ز عدل تو دیرینه شهر کون و فساد  
 چو دار ملک محبت ز ظلم غم معمور  
 تویی که کرده ضمیرت ز روی شاهد عقل  
 به آستین هدایت غبار غفلت دور  
 ز بهر مصلحت دهر اگر سخن<sup>(۱)</sup> رانی  
 کنند بر ورق دفتر قضا مسطور  
 به روح خصم ز تیغت که گفته<sup>(۲)</sup> حرف نجات  
 که در حریم فنا می کند تهیة سور  
 دل حسود تو الماس اگر بیاد آرد  
 بدست عهد شهید وفا شود مکسور  
 ستایشم ز کمال تو قاصر است آن به  
 که مدح خود کنم، این ننگ از تودارم دور  
 زهی جواهر قدسی ز طبع من منظوم  
 زهی ممالک معنی ز نظم من معمور  
 اگر ز نشئه طبعم اثر به باغ رسد  
 سبوی می دمد<sup>(۳)</sup> از جای دانه انگور  
 منم که از اثر حسن طبع من قلمی<sup>(۴)</sup>  
 که بر صحیفه کند زادهای<sup>(۵)</sup> وی<sup>(۶)</sup> مسطور

۱- مجله، ۲۹، ۲ = نعت رای ترا؛ ن ۱، ۵، ۲۹

۲- ن ۲۹ = اگر نه حرف نجات؛ ن ۲، مجله = که گفته حرف نجات؛ ن ۱، ۵ = که گفته راه نجات

۳- ن ۲۹ = دهد؛ ن ۱، ۵، ۹، ۳۵ (حاشیه) = دمد

۴- ن ۹ = قلمی است؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۳۵ (حاشیه) = قلمی

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۳۵ (حاشیه) = زادهای؛ ن ۹، ۳۵ = رازهای

۶- ن ۹ = دل؛ ن ۲۹ = خود؛ ن ۱، ۲، ۵، مجله، ۳۵ (حاشیه) = وی

سزد که بی اثر رنگ و بی تحرک دست  
 بسروی صفحه نگارد مثال صورت حور  
 بسرون<sup>(۱)</sup> کنند ملائک سر از دریچه عرش  
 دمی که شاهد طبعم<sup>(۲)</sup> کند به سدره عبور  
 به یک لباس نگنجد<sup>(۳)</sup> به جوهر اوّل  
 ز ازدحام معانی و کسب ریای شعور  
 هنوز در عدم است آنکه با منش سنجد<sup>(۴)</sup>  
 روان انوری آورده این خبر به حضور  
 بخوان بر اهل فنا<sup>(۵)</sup> شعر من، ضرورت نیست  
 که منت دم عیسی کشند<sup>(۶)</sup> یا<sup>(۷)</sup> دم صور  
 همیشه تا دل آشفته بخت اهل وفا  
 ز هجر و وصل بود مایه سنج ماتم و سور  
 حسود جاه تو بادا ز شاهد مقصود  
 چو دست جود تو از وصل<sup>(۸)</sup> آستین مهجور  
 بلی<sup>(۹)</sup> به اهل خمار آگه است باده فروش  
 که هست عین حرارت حلاوت انگور

### قصیده سی ام

- 
- ۱- مجله = بدر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۳۵ (حاشیه) = برون  
 ۲- ن ۳۵ (حاشیه) = نظم؛ ن ۲۹، ۵، ۹ = طبعم  
 ۳- ن ۲۹ = بگنجد؛ ن ۱، ۹، ۲، ۳۵ (حاشیه) = نه گنجد  
 ۴- مجله = سنجید؛ ن ۵ = سنجند؛ ن ۱، ۲، ۲۹ = سنجد  
 ۵- ن ۳۵ (حاشیه) = بر اهل وفا؛ ن ۲۹ = به اهل فنا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹ = بر اهل فنا  
 ۶- ن ۵ = شنید؛ ن ۱، ۲، ۹، ۲۹، ۳۵ (حاشیه) = کشند  
 ۷- ن ۲۹، ۳۵ = تا؛ ن ۵، ۹ = یا؛ ن ۱، ۲ = با  
 ۸- ن ۲، ۵، ۹، ۲۹ = وصل؛ ن ۱، مجله = اصل  
 ۹- ن ۳۵ = بلی؛ ن ۵ = به می



قصیده در منقبتِ امیرالمومنین علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه<sup>(۱)</sup>

## ترجمة الشوق

جهان بگشتم و دردا به<sup>(۲)</sup> هیچ شهر و دیار

نیافتم که فروشد بخت در بازار

مرا زمانه طنّاز دست بسته و تیغ

زند به فرقم و گوید که هان سری میخوار

کفن بیار و تابوت و جامه نیکی کن

که روزگار طیب است و عافیت بیمار

زمانه مردِ مصاف است و من ز ساده دلی

کنم بجوشنِ تدبیر و هم دفعِ مضار

ز منجنیقِ فلک سنگِ فتنه می بارد

من ابلهانه گریزم در آبگینه حصار

عجب که نشکنم<sup>(۳)</sup> این کارگاه مینایی

که شیشه خالی و من در لجاجتم ز خمار

چنین که ناله ز دل جوشد و نفس نزنم

عجب مدار گر<sup>(۴)</sup> آتش برآورم چو چناراگر کرشمه یارم<sup>(۵)</sup> کشد و گر غمِ عشق<sup>(۶)</sup>نه آفرین ز لبم بشنوند و نی<sup>(۷)</sup> زنهار

۱- این قصیده در زمین قصیده ظهور فارابی (به مصرع آغاز: سپیده دم که زند ابر خیمه در گلزار) گفته شد. در همین زمین قصاید امیر خسرو (به مصرع آغاز: سپیده دم که گهر یارد ابر در گلزار)، کمال اسماعیل (مصرعه آغاز: امید لذت عیش از مدار چرخ؟؟؟) و حیدر کلوخ (به مصرعه آغاز: فغان ز شوخی چشم بتان گل رخسار) و غیره هم گفته شده اند.

۲- ن ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه = که؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۲ = به

۳- ن ۱۷۰ = بشکنم؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴ و غیره دیگر همه نسخ = نشکنم

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹ = گر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۴، ۶، ۳ = که

۵- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، خلاصه، کارنامه، ۱۷۰ = یارم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = و صا

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = هجر؛ ن ۲۹، ۳۵ = عشق

۷- ن ۱۷، ۳۵ = نه؛ ن ۱، ۸، ۲۸، ۴، ۵ = ولی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۹ = و نه

منم که داردم اندوه و<sup>(۱)</sup> غم یسار و یمین  
 مثال وارثِ دین در میانه کفار<sup>(۲)</sup>  
 جبین<sup>(۳)</sup> اشک جگرگون سیاه باد اگر  
 زدل بدیده رود یا ز دیده سوی کنار  
 زجامِ گریه مستانه آن چنان مستم  
 که هیچ شرم ندارم ز مردمِ هشیار  
 زمانه ترکی<sup>(۴)</sup> عنایت نکرد و من به غلط  
 وظیفه غم امسال ازو گرفتم پار  
 هزار مرتبه طوفان جهان گرفت و مرا  
 هنوز گریه گلگون اشک بود سوار  
 دلم چو رنگِ زلیخا شکسته در خلوت  
 غم چو تهمتِ یوسف دویده در بازار  
 دلم ز درد گرانمایه چون جگر ز فغان  
 دماغم از گله<sup>(۵)</sup> خالی چو خاطرَم ز غبار<sup>(۶)</sup>

دلِ خراب مرا مطلب<sup>(۷)</sup> است آیتِ یأس  
 چو زود رفتنِ جان پیش نیم‌کشته شکار<sup>(۸)</sup>

- ۱- ن ۳۵ = داردم اندوه غم؛ ن ۵ = دارم اندوه غم؛ ن ۱۷، ۱، ۸ = داردم اندوه و غم  
 ۲- اشعار از نهم تا سیزدهم تنها در نسخ ۱، ۸، ۱۷ در میانه اشعار دوم و سوم یافته شدند.  
 ۳- ن ۱، ۱۷، ۵ = جبین؛ ن ۸، ۳۵ = چنین که  
 ۴- ن ۱۷ = برگ؛ ن ۳۵ = ننگ؛ ن ۱، ۸، ۵ = ترک  
 ۵- خلاصه = گنه؛ همه نسخ کلیات = گله  
 ۶- در نسخ ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۹، ۱۸ و غیره ترتیب اشعار اختلاف دارد و این شعر قبل بیت ۱۴ هست و در میان هر دو ابیات شعر ۱۶ هست.  
 ۷- ن ۳۵، ۲۸، ۱۷۰، ۴، ۱، ۸ = مطلب است؛ ن ۹ = مطلبی است  
 ۸- در نسخه هفدهم قبل این شعر مطلع زیر هم یافته شد.  
 که طوطی قلم زد بخون دل منتظر  
 چه مایه گل شکر آرد زمانه در بازار

ز سلکِ مَدّتِ عمرم که<sup>(۱)</sup> روزها دزدید<sup>(۲)</sup>  
 که فصلی<sup>(۳)</sup> شیب شبام گذشت در شبِ تار  
 درین سرای غم<sup>(۴)</sup> اندوده چند بنشینند  
 ملال رو به من و عیش روی بر دیوار<sup>(۵)</sup>  
 گل حیاتِ من از بسکه هست پژمرده  
 اجل نمی‌زند<sup>(۶)</sup> از ننگ بر سرِ دستار  
 برون<sup>(۷)</sup> ز صورتِ دیبای بالشم کس<sup>(۸)</sup> نیست  
 کز<sup>(۹)</sup> آستینِ نمِ اشکم<sup>(۱۰)</sup> بچیند از رخسار  
 ز دوستانِ منافق چنان رمیده دلم  
 که پیش روی ز الماس می‌کشم<sup>(۱۱)</sup> دیوار<sup>(۱۲)</sup>  
 عروسِ بختم اگر زلفِ شان بیاراید  
 سفید گردد زلفینِ شاهدانِ تار  
 کدام فتنه شبی<sup>(۱۳)</sup> سر نهاده بر بالین  
 که صبحدم نشد از خواب روی<sup>(۱۴)</sup> من بیدار

۱-ن ۵ = چه ؛ ن ۱ = چو ؛ ن ۴، ۱۸، ۱۷، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵ = که

۲-ن ۸ ۳۵ = دزدند ؛ ن ۲۹، ۲۸، ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = دزدید ؛ ن ۴، ۱۷۰ = دزدمد ؟

۳-ن ۲ = که فیض سبب و ؛ ن ۲۸ = که شیب همچو ؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۸، ۳۵، ۲۹، ۵، ۱، ۶ و غیره = که فصل سبب و

۴-ن ۲ = سرای دو درجه ؛ ن ۲۹، ۳۵، ۵، ۱، ۸ = سرای غم اندوده

۵-این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ (همه نقل‌های نسخه سراجا) و ۱۷ (نسخه ناظم) یافته شد

۶-ن ۱ = نمی‌برد ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = نمی‌زند ؛ ن ۴، ۶ = نزد

۷-ن ۲، ۸ = بغیر ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۶، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = برون ز

۸-ن ۱۷ = پس ؛ دیگر نسخ بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = کس

۹-ن ۱، ۶، ۱۷ = کش ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = کز ؛ ن ۳۵ =

۱۰-شرح مسرت = اشکی ؛ همه نسخ کلیات و خلاصه = اشکم

۱۱-ن ۹، ۱۸، ۲۴ و غیره = می‌کنم ؛ ن (حاشیه) = می‌کشم

۱۲-این بیت تنها در نسخه ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۶ (همه نسخ چاپی) و بر حاشیه ن ۵ یافته شد. در نقل‌های

نسخه سراجا یا در نسخه ناظم نیست

۱۳-ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = شبی ؛ همه نسخ مطبوعه و ن ۲۸ = به شب

۱۴-همه نسخ مطبوعه مثل ۹، ۱۸، ۲۴ و غیره = روی من ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۸ = روبمن

جراحتم چو بخارد، به عزمِ خاریدن  
 "پلنگ ناخن"<sup>(۱)</sup> گردد زمانه خونخوار  
 وگر طیب دهد ناگوار دارویی  
 کند بشیره دندان مار نوش گوار  
 وگر<sup>(۲)</sup> ز بوته<sup>(۳)</sup> خاری شبی کنم<sup>(۴)</sup> بالش<sup>(۵)</sup>  
 به سعی زلزله در دیده‌ام خلاند خار  
 به صید موری اگر ناوکی به زه بندم  
 دهانِ مار شود<sup>(۶)</sup> در گزیدنم سوفار  
 یقین شناس که منصور از آن انالحق زد  
 که وا رهد ز زمانه به دستگیری دار  
 شب گذشته به زانو نهاده بودم سر  
 که افتاد خرد را برین<sup>(۷)</sup> خرابه گذار  
 سری چنانکه<sup>(۸)</sup> نیاری شنید بی سامان  
 غمی، چنانکه مبادم<sup>(۹)</sup> نصیب دیگر بار  
 بدید و گفت بعالم مباد چون تو کسی  
 جهان بخوشتن آرای<sup>(۱۰)</sup> و خوشتن بیزار

۱- ن ۱۷۰، ۳۵، شرح مسرت، رحیم = ناخن؛ دیگر همه نسخ = ناخن

۲- آتشکده = شبی؛ همه نسخ کلیات بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = وگر

۳- شرح قطب = پنبه؛ همه نسخ کلیات = بوته

۴- ن ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = شبی کنم؛ ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، کارنامه، قطب، رحیم = کنم شبی؛ آتشکده = اگر کنم

۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ و غیره = بالش؛ ن ۱، ۶، ۸، ۵، ۴، ۲۹، ۳۵ = بالین

۶- ن ۲، ۳، ۵ (حاشیه)، ۶، ۱۷، ۳۵ = شود؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۲۹، خلاصه = کند

۷- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۳۵ = درین؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹ = رین

۸- ن ۳ = چنین که؛ همه نسخ دیگر = چنانکه

۹- ن ۶ = نصیب مباد؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی) = مباد نصیب؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = مبادم

نصیب

۱۰- ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۹ = آرای؛ ن ۱، ۲۸، ۲۴، ۳۵، ۱۷، ۴ = آرای

سری چنین<sup>(۱)</sup> همه رای صواب و بی سامان<sup>(۲)</sup>  
 دلی<sup>(۳)</sup> چنین<sup>(۴)</sup> همه صاف شراب و درد خمار  
 مرض ببین و سبب جوی و خود معالجه کن  
 طیب کیست فلاطون اگر شود بیمار  
 بگریه گفتمش آری طریق عقل این است  
 ولیک جانب انصاف هم<sup>(۵)</sup> نگه میدار  
 کسی چگونه به سامان در آورد آن سر  
 که گر<sup>(۶)</sup> ز زانوئی<sup>(۷)</sup> برداشت کوفت بر دیوار  
 بخنده گفت سراسیمگیست گم دارد  
 و گرنه هادی این ره تو بوده‌ای هموار  
 رخت نمام و بر خوشتن نهم منت  
 از آنکه<sup>(۸)</sup> نقد مرا نیست چون توکس معیار  
 تهی کن از همه اندیشه خطا و بنه  
 به خای مرقد کحل الجواهر<sup>(۹)</sup> الا ابصار  
 چه مرقد آنکه بود در شکنجه تا به<sup>(۱۰)</sup> فلک  
 هوای منظر او از تراکم انضار

- ۱- ن ۳۵، ۳۲ = چنان؛ ن ۹، ۱۸، ۲، ۳۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = چنین  
 ۲- ن ۲ = صواب بی پایان؛ ن ۱، ۲۸ = صواب بی سامان؛ ن ۱۷ = صواب بی پایان؛ ن ۳، ۵، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۴ = صواب و بی سامان  
 ۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵ = دلی؛ ن ۳ = غمی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸ = سری  
 ۴- ن ۳۵، ۳۲ = چنان؛ ن ۹، ۱۸، ۲، ۳۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = چنین  
 ۵- ن ۹ (پاورق)؛ را؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = خود؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = هم  
 ۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳ = چون؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = گر  
 ۷- ن ۱۷، ۸، ۱ = زانوئی؛ همه دیگر بشمول ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زانو  
 ۸- ن ۳۵، ۱۷، ۸ = از آن که نقد مرا نیست جز تو؛ ن ۱، ۵ = ازین که نقد مرا نیست جز تو؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶ = که نقدها مرا نیست جز تو؛ ن ۱، ۲۸، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = که نقدهای مرا جز تو نیست  
 ۹- ن ۲۹، ۲۸ = کحل الجواهر الا ابصار؛ ن ۹، ۱۸، ۵، ۳۵، ۲، ۳، ۴ = کحل الجواهر ابصار  
 ۱۰- ن ۳۵ = نام فلک؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = تا به فلک

بحیرتم که چه صنعت بکار برد که کرد  
 به تنگنای جهان<sup>(۱)</sup> وضع این بنا معمار  
 که گر بقدر بلندی بیفکند<sup>(۲)</sup> سایه  
 محیط کون و مکان گردد آسمان کردار  
 کتابه‌اش که بود سرنوشت عالم کون  
 چو بوی جامه<sup>(۳)</sup> یوسف برد ز دیده غبار  
 دهان غنچه فردوس و ناف آموی چین  
 دو آلت اند کزان شد مشبک<sup>(۴)</sup> تیار<sup>(۵)</sup>  
 زهی صفای عمارت که در تماشایش  
 بدیده باز نگردد نگاه<sup>(۶)</sup> از دیوار  
 ز سقف گنبدش امسال باز می‌آید  
 هر آن صدا که کسی داده در حریمش پار  
 چه قسدر صبح<sup>(۷)</sup> شناسند ساکنان درش  
 که بر<sup>(۸)</sup> حوالی او<sup>(۹)</sup> شام را نبوده گذار  
 گر آفتاب در آید به گنبدش، گویی  
 که در میانه فانوس شد مگس طیار

۱- شرح منیر = چنان؛ همه نسخ کلیات = جهان

۲- شرح منیر = بیفکند؛ ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = برافکند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بیفکند

۳- ۶ = دیده؛ همه نسخ دیگر = جامه

۴- ن ۸ = شد بنام مشک تار؛ ن ۳۵ = شد مشبک تار؛ ن ۱۷ = شد مشبک تیار

۵- این شعر تنها در نسخ ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد

۶- ۳ = نظر از آن دیوار؛ همه نسخ دیگر = نگاه از دیوار

۷- خلاصه = شام؛ همه نسخ دیگر = صبح

۸- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۹، ۳۴ = بر؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۹، ۳۴ = خلاصه

در

۹- مسرت، ۳۵ = آن؛ همه نسخ دیگر بشمول ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۲۴ = او



چو صبح دیده خورشید پرورد به شکم  
 گر آشیانه کند شب پریش بر<sup>(۱)</sup> دیوار  
 رموز غیب<sup>(۲)</sup> مصور شود درو هر دم<sup>(۳)</sup>  
 چو خاطری که بود در تصوّر اسرار  
 از آن<sup>(۴)</sup> زمان که فتادش نظر به شمس او  
 شد آفتاب پرست آفتاب حربا وار  
 به داغ<sup>(۵)</sup> لاله توان دید یاسمن در وی  
 چو بسترد<sup>(۶)</sup> ز سرش مهر سایه دیوار  
 ندانم ای فلک انصاف می دهی یا نه  
 گراز هزار جفایت یکی کنم اظهار  
 فرو نشین به دو زانو و چین بر<sup>(۷)</sup> ابرو زن  
 بدان صفت که و غا<sup>(۸)</sup> پیشگانِ دعوی دار  
 اگر صواب بگویم، بگو و شرم مکن<sup>(۹)</sup>  
 که آبروی مرا نیست شرم کس در کار  
 مرا به شوق چنین بینی<sup>(۱۰)</sup> از چنان مرقد  
 مرا به دست تهی بینی از چنان بازار  
 نه بالِ روح قدس می دهی نه پرُ مگس  
 نه سیمِ قلب دهی نه زرِ تمام عیار

۱- خلاصه = در؛ همه نسخ کلیات = در

۲- ن ۶ = عشق؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۱، ۵، ۲ و غیره = غیب

۳- خلاصه = همه دم؛ همه نسخ بشمول ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۹، ۱۸، ۲۴ و غیره = هر دم

۴- ن ۱، ۵ = دران؛ همه نسخ دیگر = ازان

۵- ن ۱، ۵ = ز داغ؛ ن ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بداغ

۶- شرح سبّرت = چو گسترد برش؛ ن ۱۷ = چو گسترد ز سرش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۴، ۲۴، ۲۹، ۳۵ = چو گسترد ز سرش

منیر = چو بسترد ز برش

۷- ن ۲۸، ۲۹، ۸، ۲ = در ابرو؛ ن ۵، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۳۵ = بر ابرو

۸- ن ۱، ۴، ۳۰ = دعا؛ ن ۶، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۲ = دغا؛ ن ۳۱ = و غا

۹- ن ۲ = مگبر؛ همه نسخ دیگر = مکن

۱۰- ن ۱ = نسبتی؛ ن ۶ = پیش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸ = بینی



ازین معامله خود منفعل مباش<sup>(۱)</sup> که تو  
 به مور پر دهی، از<sup>(۲)</sup> پای من بری رفتار  
 به کاوش مژه از گور تا نجف بروم  
 اگر به هند هلاکم<sup>(۳)</sup> کنی<sup>(۴)</sup> و گر به تبار  
 ستیزه<sup>(۵)</sup> با چو<sup>(۶)</sup> تو قاهر دلیل دانش نیست  
 زبان گزیدم و کردم ز گفته استغفار  
 ترخمی بکن آخر که عاجزم عاجز  
 نگاه کن که چه خون می چکانم<sup>(۷)</sup> از گفتار

۱- شرح عجیب و غریب، ۲۹، ۱۷۰ = بباش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۸، ۹، ۳۵ و دیگر نسخ = مباش  
 ۲- ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی) = وز؛ ن ۱، ۹، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = از  
 ۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۶ = به خاکم؛ ن ۳، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۱۹، ۳۴، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۳۰، ۳۱، ۳۲، منیر، مسرت، کارنامه، خلاصه و غیره = هلاکم

۴- ن ۲، ۸، ۳۵ = کنند؛ ن ۶ = کند؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = کنی  
 ۵- آقای داعی الاسلام استاد سابق دانشگاه عثمانیه حیدرآباد (هند) در اثر خودش بعنوان "شعر و شاعری عرفی شیرازی" نوشته است پیش از آمدن به هندوستان عرفی به نجف اشرف رفته بود و در آن زمان آنجا داستانی شهرت یافته بود که مشعل مرادی قصیده در مدح امیرالمؤمنین گفته بود باین مطلع:

شمع می ریزم برایت یا امیرالمؤمنین  
 همقد گلدسته هایت یا امیرالمؤمنین  
 و آن را چون پیش آرامگاه امیرالمؤمنین خواند در شب در خواب دید که امیرالمؤمنین باو می فرمایند که صله قصیده از فلان تاجر بگیری و آن تاجر هم در خواب زیارت امیرالمؤمنین کرد که باو می فرمود که چهار صد تومان به آن مشعلچی بدهد. هر دو بر طبق ارشاد امیرالمؤمنین عمل نمودند و مشعلچی بطور صله قصیده چهار صد تومان یافت. چون عرفی این داستان را شنید قصیده ای عالی در مدح امیرالمؤمنین گفت و پیش آرامگاهش خواند و در شب منتظر بشارت ماند ولی نا کام شد. شب دیگر هم همانطور منتظر بشارت ماند ولی در آن شب هم خوابی ندید. روز سوم هم قصیده را خواند و در شب انتظار بشارت کرد ولی باین موقع هم نا کام ماند. پس روز چهارم پیش روضه مبارک رفت و گفت "یا علی! امامت چیزی دیگر است و شعر فهمی چیزی دیگر - آن شمع که قصیده مهمل در مدحت ساخت، به او چهار صد تومان دادی و برای چنین قصیده عالی بمن هیچ ندادی." و بعد ازین برگشت - در شب در خواب دید که امیرالمؤمنین در عالم غرض می گویند: "از نجف برو و الا استخوانت را خورد می کنم" عرفی چون بیدار شد همان وقت از نجف گریخت و بعد به هند آمد در تذکرة ای این داستان یافت نشد. ممکن است که ظریفان بمناسبت این اشعار این داستان را وضع کرده اند. ولی این هم ممکن است که چنین واقعه پیش آمده باشد و برای آن گستاخی درین قصیده عرفی اشعار معذرت نظم کرد

۶- ن ۱، ۲۸ = تو چو؛ همه نسخ دیگر = چو تو  
 ۷- ن ۲۹، ۶ = فشام؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = چکانم

سخن چرا نبود دردناک و خون آلود  
 که تالب از ته دل می‌کند به ریش گزار  
 مرا که دست بگیرد که زیر دست توام  
 مرا که کار گشاید که از تو خیزد<sup>(۱)</sup> کار  
 چه هرزه گو شدم از درد دل که شرمم باد  
 تو کیستی که شوی دستگیر و کار گزار  
 همان که شوق طوافش مرا به طوفان داد  
 به نیم جذبه گشاید<sup>(۲)</sup> ز ورطه‌ام بکنار  
 شه سریر ولایت<sup>(۳)</sup> علی عالی قدر  
 محیط عالم دانش، جهان علم<sup>(۴)</sup> و وقار  
 لغت نویسن خرد در صحاح همت او  
 به معنی لغتی<sup>(۵)</sup> اندک آورد بسیار  
 مثالی آینه اندیشه زنگ بردارد<sup>(۶)</sup>  
 گر<sup>(۷)</sup> آورد به دل دشمنش به سهو گزار<sup>(۸)</sup>  
 برنگ دایره در حصر جود او هر دم  
 شود ملاقی<sup>(۹)</sup> آغاز انتهای شمار  
 فلک به جوهر کُل گفت روز مولودش<sup>(۱۰)</sup>  
 هنوز سیر کنم یا رسیده وقت قرار

۱- ن خلاصه = آید؛ همه نسخ چاپی و خطی کلیات = خیزد

۲- ن ۲۹ = تواند کشیدیم؛ ۶ = برآرد ز ورطه‌ام؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۳۳، ۱۷۱ = کشاید ز ورطه‌ام؛ ن ۴، ۹، ۲۴، ۲۸، ۳۵، بهار عجم، ۸ = کشاند

۳- ن ۴، ۱۹ = هدایت؛ همه نسخ دیگر = ولایت

۴- ن ۶، ۹، ۱۰، ۲۹ = فضل؛ ن ۲، ۴، ۱۷، ۲۸، ۱۷۱ = حلم؛ ن ۱، ۳، ۳۵، ۸، ۹، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۱۷۰ = علم

۵- ن ۳ = لغتی؛ ن ۳۵ = لغت او؛ دیگر همه نسخ مثل ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۸، ۹، ۱۱، ۱۲ = لغت

۶- شرح رحیم = بزدايد؛ ن ۹، ۱۸، ۱، ۵، ۸، ۱۷۰، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۲۴، ۳۵ و غیره همه نسخ کلیات = بردارد؛ ن ۶ = می‌گیرد

۷- شرح میرزا جان = چو؛ همه نسخ کلیات = گر

۸- ن ۱، ۵، ۱۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = گزار

۹- ن ۲۹، میرزا جان، ۵، ۱ = تلاقی؛ ن ۳۵ = تلاقی؛ ن ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۸، ۱۷ = ملاقی

۱۰- ن ۹، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = میلادش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = مولودش

چراغِ مهرِ قضا در چراغِ دانِ سپهر  
 نهاد و گفت قدر را که هان بگیر و بسیار  
 کسی که در زده بر<sup>(۱)</sup> دامنِ خلافت دست  
 به خاصیت شده هر مو در آستینش مار  
 گدایِ کوچه مهرت<sup>(۲)</sup> بروزگارِ گناه  
 گرفته باج ز سلطانِ ملکی استغفار<sup>(۳)</sup>  
 بر آید از لبِ خورشید جای تسخاله  
 کسی که رشک ضمیر تو سازدش بیمار  
 حسودِ جاوید تو از فرطِ بی ثباتی عمر  
 گمانِ زندگی جاودان برد به<sup>(۴)</sup> شرار  
 کسی که در چمنِ رای او رود چو فلک  
 ز آفتابِ زند گل بگوشه دستار  
 ز خلقِ اوست که قتلِ سقفِ بارگش  
 ز نسبت<sup>(۵)</sup> دلِ روح القدس ندارد عار  
 ز فیضِ خنده لطفش که کیمیا اثر است  
 بگاه صیحه<sup>(۶)</sup> قهرش که هست صورِ آثار  
 نعیم<sup>(۷)</sup> شاخِ گلی از حدیقه احسان  
 حجیم<sup>(۸)</sup> مُشتِ خسی<sup>(۹)</sup> در شکنجه اعصار

۱- ن ۱۷ = در؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بر

۲- ن ۱، ۵، ۱۷ = مهرش؛ ن ۸، ۳۵ = مهرت

۳- اشعار از نمره ۷۸ تا ۸۳ تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷ یافته شدند. بیت ۸۰ در خلاصه الاشعار و نسخ دیگر هم هست ولی بعد از شعر ۲۰۸

۴- ن ۱، ۵ = ز؛ ن ۱، ۱۷، ۳۵ = به

۵- ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = نسبت؛ ن ۳، ۲۸، شرح منیر = هیئت؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = هیأت

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = شیوه؛ ن ۹، ۱۸، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = صیحه

۷- ن ۶، ۲۹ (متداول) = نعیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = حجیم

۸- ن ۶، ۲۹ (متداول) = حجیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۲۹ = بهشت

۹- ن ۹ = برگ خسی در؛ ن ۶ = شاخ گلی در؛ ن ۱، ۱۷۰، ۸، ۱۳۵، ۲۹، ۲۸ = مشت خسی در؛ ن ۱، ۵ = مشت خسی از؛ ن

۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نیست خسی در

فشد چو سایهٔ حکمش<sup>(۱)</sup> بر آفتاب، سزد  
 که نور ازو<sup>(۲)</sup> متعدی نگردد آینه وار  
 نشسته شاهدِ خلقتش به خلوتی که بود<sup>(۳)</sup>  
 دریچهٔ حرمش نافِ آهوی تاتار<sup>(۴)</sup>  
 چو مهر<sup>(۵)</sup> رای تو در صبحدم شود طالع  
 شود ز فرطِ تهوعِ گلوی صبح فگار  
 کمانِ قصید<sup>(۶)</sup> ترا جذبه‌ای بود که اگر  
 زهش بگوشِ رسانی، رسد به قبضه شکار  
 عبادتی که محلّی<sup>(۷)</sup> به اجتهادِ تو نیست  
 بود ز سیئه<sup>(۸)</sup> محتاج‌تر به استغفار  
 ز بس به عهدِ تو لاغر شد از ریاضتِ زهد  
 گرفت پهلوی ناهیدِ شکلی موسیقار  
 عمل طرازِ فلک در صلاحِ کون و فساد  
 اگر نهد به خلافِ مصالحِ تو مدار  
 نه چرخ<sup>(۹)</sup> از مننه یابد مطابق<sup>(۱۰)</sup> حرکات  
 نه دخل<sup>(۱۱)</sup> حادثه بیند موافقِ آثار

۱- خلاصه = حکمش؛ همه نسخ چاپی یا خطی کلیات = حملش

۲- ن ۱، شرح مسرت = نور او؛ همه نسخ دیگر و شرح‌ها = نور ازو

۳- ن ۲۸ = درو؛ ۶ = سزد؛ همه نسخ دیگر = بود

۴- در نسخه ۱۷ اشعار از ۸۴ تا ۸۸ در میان اشعار ۷۹-۸۰ یافته شدند.

۵- شرح مسرت = نور رای؛ دیگر همه نسخ = مهر رای

۶- ن ۱، ۵ = قدر؛ ۸ = قهر؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۴ = قصد

۷- ن ۲۸ = مسلم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = محلّی

۸- ن ۳۳، ۲، ۸، ۱۸ = سینۀ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۱۷، ۲۴، ۳۵ = سینۀ

۹- ن ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۲، قطب، ۱۷۰ = خر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۳۳، ۳۴، ۳۵ = چرخ

۱۰- ن ۶ = موافق؛ همه نسخ دیگر = مطابق

۱۱- ن ۶، خلاصه = جاه به بیند؛ ن ۱۷۰، ۲۹، قطب = حادثه یابد؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۸، ۲۴، ۳۰

۱۷۱، ۳۳، ۳۲، ۳۱ = حادثه بیند

غبارِ صحنِ سرای تو اوج<sup>(۱)</sup> هفت اورنگ<sup>(۲)</sup>

شکنج زلفِ سخای تو موجِ دریا بار

اگر نه قهر<sup>(۳)</sup> تو یاد آرد آسمان شاید

که حفظِ منطقه‌اش بر میان شود زَنار

شبابِ صدره و طوبی شود به شیب بدل

چو منع نشو کنی از<sup>(۴)</sup> مجاری اشجار

ز مردمک نرسد نور تا ابد به مژه

چو بشکنی حرکت در مفاصل<sup>(۵)</sup> انتظار<sup>(۶)</sup>

به هر دیار که آید<sup>(۷)</sup> لَوای عدلِ تو، ظلم

دهد درازی دستِ ستم به پای فرار

شود ز جذبتِ قهر تو آسمان منشق

بلی شکافته گردد سفالی خام از نار<sup>(۸)</sup>

عروسِ حجله ز هولِ تو هیبت آرایش

جبینِ رزم به خونِ گریز غازه نگار<sup>(۹)</sup>

۱- خلاصه = چرخ؛ دیگر همه نسخ = اوج

۲- ملک الشعرا علی فرق‌دی می‌گوید

بگرد مرکز چترش مدار هفت اقلیم      چو گرد قطب شمالی مدار هفت اورنگ

۳- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = مهر؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، خلاصه، شرح منیر، کارنامه، مسرت و غیره = قهر

۴- شرح رحیم، کارنامه = در؛ همه نسخ دیگر = از

۵- ن ۴، ۱۹ = مقاطر؛ ن ۱۷۰ = مقابل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵ = مفاصل

۶- ن ۲، ۳، ۱۷۰، ۲۸، ۲۹، خلاصه، منیر = انوار؛ شرح میرزاجان = ابصار؛ همه نسخ دیگر مثل ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۵، ۳۰، ۳۱ و غیره = انتظار

۷- ن ۴، ۸، ۱۷، ۳۵، میرزاجان = آرد؛ ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۰، ۳۱ = آمد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۲۴، خلاصه، شرح رحیم، کارنامه و غیره = آید

۸- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۹- این شعر تنها در نسخ ۱، ۸، ۳۵ و بر حاشیه ن ۵ یافته شد

به نورِ عالم معنی<sup>(۱)</sup> گشوده شوق کلیم

به ناز و نعمتِ حسنِ تو روزه دیدار

هنوز ناصیه آفتاب در عرق است

ازان فروغ که بروی فشاندی از رخسار

ز شریم نورِ جمالِ تو آفتابِ هنوز

به هر جهت<sup>(۲)</sup> که رود، هست روی بر دیوار

همه تراوشِ جودی و کاوشِ امید

همه نوازشِ ناموسی و گذارش<sup>(۳)</sup> عار<sup>(۴)</sup>

غبارِ خشمِ تو آرایشِ کلاهِ خزان

شعارِ لطفِ تو افزایشِ جمالِ بهار

محیطِ بر کفِ جودِ تو کرده موجِ فدا

سپهرِ بر سرِ جاوِ تو کرده اوجِ نثار

ز شوقِ کویِ تو پا در گلم، ز عمر چه سود

هزار جانِ گرامی و یک قدمِ رفتار

چو خیمه دوره<sup>(۵)</sup> دامنم آسمانِ گویی

به صد طنابِ فرو بسته است و صد مسمار

به گلخن آمده از<sup>(۶)</sup> روضه مانده ام محروم

که روی هند سیه باد و پای حرصِ فگار

ز شوقِ کویِ تو هر جا شوم<sup>(۷)</sup> هلاک، مرا

بجای سبزه قدمِ بردم ز خاکِ مزار

۱- ن ۲، ۹ (پاورق)، ۲۹، خلاصه = وحدت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۴، ۲۴، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = معنی

۲- ن ۶ = طرف؛ دیگر همه نسخ = جهت

۳- ن ۳۵، رحیم، ۵، ۲۴ = گذارش؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲، ۳، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = گذارش؛ ن ۱۷۰ = گذارش

۴- ن ۱۷۰ = خار؛ همه نسخ دیگر = عار

۵- ن ۴ = در زده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = دوره

۶- ن ۱۷، ۴ = وز؛ دیگر نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۵ و غیره = از

۷- ن ۱۸، ۲۴، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ (همه نسخ چاپی هند)، شرح رحیم = شود؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵

نه دین بجای و نه ایمان، بسوی خویشم خوان  
 مگر ز شرمِ تو بگشایم از میان<sup>(۱)</sup> زَنار  
 ز وعده‌ها که ز خود کرده‌ام یکی این است  
 که در طوافِ تو خواهم گریستن بسیار  
 نثارِ کوی تو دارم هزار جان و هنوز  
 متاعِ من همه دستِ تهیست همچو چنار  
 اگر ز<sup>(۲)</sup> آتش شوقم شود<sup>(۳)</sup> فراغ پذیر  
 به سلسیل زند غوطه مرغِ آتش خوار  
 مرا چو دیده بود ابلقی، چه اندیشم  
 که این کُرنِگِ حَرون است و آن گَهر<sup>(۴)</sup> رهوار  
 چگونه پای کم آرم ز آسمان، کاخر<sup>(۵)</sup>  
 که بر درِ تو بود دایمِش بسر رفتار  
 بدان خدای که در شهر بندِ امکان نیست  
 متاعِ معرفتش نیم ذره در بازار  
 به جزر و مدِّ محیطِ عطای او که کشد  
 به نیم موجه دو عالم گناه را به کنار  
 بگُنه او که تعجّب نشد<sup>(۶)</sup> گران مایه  
 ازین که کرد ز درکش<sup>(۷)</sup> نبی به عجز اقرار<sup>(۸)</sup>

۱- ن ۱۷، خلاصه = کمر؛ دیگر همه نسخ کلیات بشمول ۹، ۱۸، ۱، ۵ و غیره = میان

۲- شرح رحیم = نه؛ همه نسخ کلیات = ز

۳- شرح مسرّت = بود؛ همه نسخ کلیات = شود

۴- شرح مسرّت = کره؛ همه نسخ کلیات = کهر

۵- ن ۳، ۴، ۹، ۶، ۱۸، ۲۸، خلاصه = آخر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۳۵ = کاخر

۶- ن ۲۹ = بشد؛ همه نسخ دیگر کلیات = نشد

۷- کارنامه فیض = ذکرش؛ ن ۳۵، ۲۹، ۱۷، ۲۴، ۹، ۱۸ و غیره = درکش؛ ن ۹ (پاورقی) = جذب

۸- اشاره بحديث شریف: ما عرفناک حق معرفتک

به کلکِ او که نوشت<sup>(۱)</sup> و بساکه بنویسد

بروی صفحه عالم سطورِ لیل و نهار

به حاذقی که ز داروی حکمتش گردید

شکسته رنگِ خزان و شکفته روی بهار<sup>(۲)</sup>

به لطفِ او که ز فیض نمونه‌ایست بهشت

به جودِ او که ز دیگش نمک چشی ست بحار

به خشمِ او که همش حلمِ اوست شعله نشان<sup>(۳)</sup>

به کنه او که همش علمِ اوست آئینه دار

به عشق<sup>(۴)</sup> او که به پهلوی جان نشاند درد

به شوق<sup>(۵)</sup> او که ببازوی دل فرستد کار

به سایه علمِ مصطفی دران عرصه

که<sup>(۶)</sup> آفتاب شود<sup>(۷)</sup> هم علاقه<sup>(۸)</sup> دستار

به جاءِ او که برویش قدم گشاده<sup>(۹)</sup> نظر

به شبه او که بگردش عدم کشیده حصار

به آستینِ کریمش که هست گنج افشان

به آستانِ حریمش که هست ناصیه زار

به نعمتِ تو که اندازه را کند معزول

به مدحتِ تو که اندیشه را کند بیمار

۱- ن ۶ = نوشتست و بسکه بنویسد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، ۳۹، ۳۵ و غیره = نوشت و بساکه بنویسد

۲- ن ۹ = بخار؛ دیگر همه نسخ = بهار

۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = نشان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نشان

۴- ن ۶ = شوق؛ همه نسخ دیگر کلیات و خلاصه و شرح‌ها = عشق

۵- ن ۶ = عشق؛ همه نسخ دیگر = شوق

۶- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۳۵، ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۱۷۰ = کز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، خلاصه = که؛ ن ۲۴ = گر

۷- شرح مسرت = بود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = شود

۸- ن ۲۸ = خم علاقه؛ ن ۲۴، ۱۷۰، ۲۹، ۳۵، ۱، ۴، ۵ = خم علاقه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = هم علاقه

۹- شرح مسرت = گشاد؛ کارنامه فیض = گشوده؛ دیگر همه نسخ = گشاده



به سلک یازده عقدی کزان<sup>(۱)</sup> دو لؤلؤ را<sup>(۲)</sup>

علیست ابرِ مطیر بتول دریا بار

بطایرِ ارنی<sup>(۳)</sup> سنج بی اثر نغمه

به لنترانسی هم ذوق<sup>(۴)</sup> مزده دیدار

به عشوه‌ای که زلیخا برید ازو<sup>(۵)</sup> کف دست

به فتنه‌ای<sup>(۶)</sup> که مسیحا گزید ازو<sup>(۷)</sup> سر دار

به برقع مه کنعان که بود حُسن آباد

به حجله گاه زلیخا که بود یوسف زار

به آن متاع که گوهر فروشِ کنعانی

به مصر بُرد و لبالب ز چشم<sup>(۸)</sup> شد بازار

به آن دروغ که فرهاد ازو<sup>(۹)</sup> شهادت یافت

به آن ترانه که منصور را کشید به دار

به نامه‌ای<sup>(۱۰)</sup> که به لیلی خیالِ مجنون برد

به آن کرشمه که لیلی بر آن نمود نثار

به تیشه‌ای که از<sup>(۱۱)</sup> اطراف صورتِ شیرین

همه کرشمه تراشید و ریخت بر کهسار

۱- ن ۸، ۳۵ = که آن ؛ ن ۶ = کزو ؛ ن ۹، ۲۹، ۲۸ = کران

۲- ن ۹، ۲۰ = نور ؛ ن ۱۸، ۳۳ = زاد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = را ؛ ن ۱۹، ۲۸، ۲۴، ۱۷۱ = زاد

۳- ن ۶، ۲۸ = اربی ؛ ن ۹، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۱۷۰، ۲، ۳، ۴، ۵ = ارنی

۴- ن ۱۷۰ = هم شوق مزده ؛ ن ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۲۴، ۳۳ = هم ذوق مزده ؛ ن ۱، ۵ = هم ذوق و مزده

۵- ن ۳۵ = ازان ؛ همه نسخ دیگر = ازو

۶- ن ۶ = عشوه‌ای ؛ دیگر همه نسخ = فتنه‌ای

۷- ن ۳۵ = ازان ؛ همه نسخ دیگر = ازو

۸- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹ = حسن ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۳۵، آتشکده، خلاصه و غیره =

چشم

۹- ن ۲۹، ۳۰، ۵، ۱، ۶، ۸، ۳، خلاصه، آتشکده = ازان ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۷۰ = ازو

۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸ (حاشیه)، ۲۹، ۳۵ = ۱۷۰ به نامه‌ای ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۷۱ = به ناقه‌ای

۱۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۷۰، ۲۹، ۳۵ = ز ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = بر

به نوش نوش<sup>(۱)</sup> نبید صبحی مستان  
 به کاواکاو کلند<sup>(۲)</sup> طبیعت هشیار  
 به غم فروشی<sup>(۳)</sup> آسودگان شکوه طراز  
 به تازه روئی پز مردگان شکر گذار  
 به رنج بازوی پُر نفع کاسبان ضعیف  
 به چین ابروی بیوجه خواجگان کبار  
 به خستی<sup>(۴)</sup> که کند جذب طعمه از کف مور  
 به شهوتی<sup>(۵)</sup> که زند فال<sup>(۶)</sup> بوسه بر لب یار<sup>(۷)</sup>  
 به گوشه گیری عنقا که جوهر<sup>(۸)</sup> فعال  
 ندید صورت او جز به صفحه پندار<sup>(۹)</sup>  
 به هوشمندی آن سایه خفت نخل حیات  
 که دیده باز نکرد<sup>(۱۰)</sup> از کشاکش منشار  
 به عقد گوشه<sup>(۱۱)</sup> دستار شاعران حریص  
 که بی برات صله سینه ایست پُر آزار  
 به دل سیاهی جهل و به روشنائی علم  
 به نقش بندی لیل و به سادگی نهار

- 
- ۱- ن ۸ = نوش و نیش نبید ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۱۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = نوش نوش ندیم ؛ ۴ = نوش نوش ندیمی ؛ ۲۴ = نوش نوش ندیم و  
 ۲- ن ۲۸ = کلیدی ؛ ن ۱۷۰، شرح عجیب و غریب = کلند ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = کلید  
 ۳- شرح مسرت = غم فزونی ؛ دیگر همه نسخ بشمول خلاصه و شرح های مختلف = غم فروشی  
 ۴- ن ۲ = به مستی ؛ ن ۹ (پاورق) = به جستی ؛ ن ۹ = به جیشی ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = به خستی  
 ۵- ن ۱۷ = بخواهی ؛ همه نسخ دیگر بشمول خلاصه = بشهوتی  
 ۶- ن ۹ = خال ؛ همه نسخ دیگر = فال  
 ۷- ن ۳۱، ۱۸، ۳۳ = نار ؛ ن ۲۴ = کار ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = یار  
 ۸- ن ۶ = فعال جوهر عنقا که ؛ دیگر نسخ بطوری که نوشته شد  
 ۹- ن ۶ = به سایه دیوار ؛ همه نسخ دیگر = صفحه پندار  
 ۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵، خلاصه = کند در ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، مسرت، کارنامه =  
 نکرد از  
 ۱۱- ن ۳۱ (حاشیه) = طره ؛ همه نسخ دیگر = گوشه

به جود آن که<sup>(۱)</sup> به انگشت کام بشمارد  
 یگان یگان بکسف دست در محل شمار  
 به تایی که خدا زد مثل به تویه او  
 به طاعتی که ویا لم مباد روز شمار  
 به خوش لباسی آن جامه زیب جلوه<sup>(۲)</sup> فروش  
 که عود و چنگ نواز ز<sup>(۳)</sup> جامه و شلوار  
 به بر شکستن معشوق بر دل ناچیز  
 به دل نهادن عاشق به وعده ناچار  
 بیاید او که ز ابروی او کشاده گره  
 به جذب او که ز دامان جان<sup>(۴)</sup> فشانده غبار  
 بکذب شعبده باز و ظرافت غماز  
 به رقت دل رحم<sup>(۵)</sup> و به ذلت انکار<sup>(۶)</sup>  
 به نکته های مدقق که بی تشنج نیست  
 به حرف های مزور که هست رعشه شعار<sup>(۷)</sup>  
 به نافه ای که ز آهوی صنع می افتد  
 به هر کجا نمکین تر بود ز چهره<sup>(۸)</sup> یار<sup>(۹)</sup>  
 به طبع<sup>(۱۰)</sup> گرسنه چشم حمیت<sup>(۱۱)</sup> اندیشم  
 که جز به نعمت جود تو نشکند ناهار

۱- ن ۸، ۹، ۳۵ = او که ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = آن که

۲- ن ۱۷ = عشوه ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = جلوه

۳- ن ۱، ۵، ۳۵ = به ؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = ز

۴- ن ۱، ۵، او ؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = جان

۵- ن ۱، ۵، ۱۷ = رحم ؛ ن ۸، ۳۵ = زخم

۶- ن ۱۷، ۸ = انکار ؛ ن ۱، ۵، ۳۵ = آشکار

۷- اشعار از ۱۴۵ تا ۱۵۲ تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شدند.

۸- ن ۶ = عارض ؛ دیگر همه نسخ بشمول ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = چهره

۹- در نسخ چاپی مثل ن ۹، ۱۸، ۲۴ و غیره این بیت بعد از شعر ۱۶۱ یافته شد.

۱۰- شرح رحیم، ۱۸، ۲۴ = طمع ؛ همه نسخ کلیات، آتشکده = طبع

۱۱- ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۰، ۳۰، ۳۱ = محبت ؛ ن ۲۸ = جمیعت ؛ ن ۳۵ = حمایت ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۱۷۰ = جمیعت

به دست همّت من کز کنار گوشه گرفت  
 ز ننگ آنکه به دریوزه<sup>(۱)</sup> آشناست کنار  
 به چاک<sup>(۲)</sup> جُبه که باد بروت عابد ازوست  
 به تارِ سبجه<sup>(۳)</sup> که صوفی ازوست در زُتار  
 به ناز<sup>(۴)</sup> حسن که بندد نقاب در خلوت  
 به رازِ عشق که آید برهنه در بازار  
 به نکته‌گیری ناموس روستایی<sup>(۵)</sup> طبع  
 به لب‌گزیدنِ افسوس خویشان بیزار  
 به مردمی که بود هم طویله عتقا  
 به محرمی که بود هم قبیله اسرار  
 به گرم چشمی من در نظاره معنی  
 به شرمگینی من در<sup>(۶)</sup> افاده اشعار  
 به سنبلی که به<sup>(۷)</sup> گلزارِ حسن می‌روید  
 نه از<sup>(۸)</sup> میانه گلشن، ز<sup>(۹)</sup> گوشه دستار<sup>(۱۰)</sup>

- ۱- شرح رحیم، ۱ = درویزه؛ ن ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۲۴، ۵۸ = دریوزه  
 ۲- ن ۲۸ (حاشیه)، ۱۷، مسرت = بخاک سجده؛ ن ۱، ۵، ۳، ۴، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵، ۲۸ = بخاک سبجه؛ ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = بخاک جبهه؛ شرح رحیم، کارنامه فیض = بخاک جبهه  
 ۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = بتار سبجه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بتار جبهه  
 ۴- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۲۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۰ = شرم؛ ن ۶، ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴، خلاصه = بتار؛ ن ۱۷۱ = بتار  
 ۵- ن ۹ (پاورق) = اوستادی طبع؛ ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴، ۳۸، ۳، ۵، ۲۹، ۳۵ = روستائی طبع؛ ن ۲۸، ۲۴ = روشنائی طبع؛ ن ۲، ۶ = روستائی طمع  
 ۶- خلاصه = از؛ همه نسخ کلیات = در  
 ۷- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۰ = به؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = از  
 ۸- آتشکده = در؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲، ۳، ۴، ۵ = در  
 ۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۴ = نه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ز  
 ۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، خلاصه و غیره = گلزار؛ ن ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دستار

به شور<sup>(۱)</sup> قمریِ دستان سرای<sup>(۲)</sup> یک نغمه  
 که درسِ نکته<sup>(۳)</sup> توحید می‌کند تکرار  
 به عندلیبِ چمن کز نوای گوناگون  
 لباسِ بوقلمونِ دوخت بر قد<sup>(۴)</sup> گلزار  
 به دودِ گلخنِ امید و دردگاه<sup>(۵)</sup> هوس  
 که با دماغِ منش هر دو راست قریب جوار  
 به آفتابِ مراد و دریچه طالع  
 که نیست هیچ یکش<sup>(۶)</sup> با زمانه ما کار  
 به نیم قطره شرابی که باز می‌ماند  
 پس از پیاله<sup>(۷)</sup> کشیدن به ساغر از لب یار  
 به کان کسب که زاید<sup>(۸)</sup> بنامِ بذلِ درم  
 به شانِ نصب که دوزد بدوش عزل غیار<sup>(۹)</sup>  
 به آستینِ کلیم و دریچه مشرق  
 به آستانِ کریم<sup>(۱۰)</sup> و پذیره<sup>(۱۱)</sup> ادرار

۱- ن ۳، ۱۷۰ = شوق؛ ن ۸ = سوز؛ ن ۱، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = شور

۲- ن ۱۹ = نواز؛ ن ۲۸، خلاصه = شمار؛ همه نسخ دیگر = سرای

۳- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹ = نکته؛ ن ۳، ۵، ۸، ۲۸، ۳۵، ۱۹ = نغمه

۴- ن ۹ = رخ؛ همه نسخ دیگر = قد

۵- ن ۱۷ = گاه دود هوس؛ ن ۲۹ = دودهای هوس؛ همه نسخ دیگر = دردگاه هوس

۶- ن ۱۷، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۲۹، خلاصه = هیچ یکش؛ ن ۲ = هیچ کشش؛ ن ۶، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = هیچ گهش

۷- ن ۳۵، آتشکده = پس از کشیدن ساغر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۲۸ و غیره = پس از پیاله کشیدن

۸- شرح مسرت = راند؛ همه نسخ کلیات = زاید

۹- اشاره بدستان شناسائی پیروان بعضی مذاهب است که در زمان قدیم در شهرهای مسلمان نشین رایج بودن که پارچه زرد رنگی را روی لباس خود می‌دوختند تا بدین وسیله مسلمان از یهود و دیگر غیر مسلمان مشخص باشد

۱۰- شرح مسرت = لثیم؛ دیگر همه نسخ = کریم

۱۱- ن ۳۵ = بدیده جرار؛ ن ۲، ۸، ۱ = بدیده اصرار؛ ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳، ۵ (درست شده) = پذیره اورار

به عرضه دادن شوق و به آب<sup>(۱)</sup> شستن یأس  
 به دستیاری توفیق و رنگ دادن کار  
 به انبساط مکان<sup>(۲)</sup> و به امتیاز جهت  
 به اختلاط میان و به احتراز<sup>(۳)</sup> کنار  
 به عطلت<sup>(۴)</sup> سکنت و به کوشش حرکات  
 به عزت حسنات و به جوشش<sup>(۵)</sup> اذکار<sup>(۶)</sup>  
 به ساقی اجل کور<sup>(۷)</sup> بزم خاکی شراب  
 که کاسه سر جسمشید را کند سرشار  
 به تیز دستی خلّاق<sup>(۸)</sup> عدل شامل تو  
 که موی ظلم تراشد ز فرق شهر و دیار  
 به متن تنگ قضا کش قدر بود شارح  
 به نظم طبع اجل<sup>(۹)</sup> کش بشر<sup>(۱۰)</sup> بود نثار  
 به سایه تو که شد روزگار را سرپوش  
 به پایه تو که شد اعتبار را معیار  
 به نور سایه تراش و به دود مغز خراش  
 به صبح جیب شکاف و به مهر نجم شکار

۱- ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۲۴، ۲۹، ۱۷۰، ۲، ۳ = به آب شستن یأس؛ ن ۵، ۲۸ = براب شستن یأس؛ ن ۱، ۸، ۳۵ = برات دادن یأس

۲- ن ۱۹ = باب شستن باک

۳- خلاصه = جهان؛ همه نسخه‌های دیگر = مکان

۴- ن ۱۸، ۳۱، ۳۳ = احتراز؛ ن ۹، ۲۸، ۳۵، ۲۴، ۲۹ = احتراز

۵- ن ۱، ۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = عطلت؛ ن ۲ = غلظت؛ ن ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = علت

۶- ن ۲۸، ۱۷۰ = بکوشش؛ همه نسخ دیگر = بجوشش

۷- ن ۹ (پاورقی)، ۱۸، ۳۳ = افکار؛ دیگر همه نسخ کلیات = اذکار؛ ن ۱۷۰ = ابکار

۸- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = اجل کور بزم خاک شراب؛ ن ۱، ۵ = اجل کور و بزم خاک شراب

۹- ن ۱۷ = جلاد؛ ن ۵، ۸، ۳۵ = خلّاق؛ ن ۱ = خلان

۱۰- ن ۱، ۵ = اجل؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = بشر

۱۱- ن ۱، ۵ = بشر؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = اجل

به کرم پیله که نبامش را بود مزدور  
 به نیش پشه که نمرود را کند بیمار<sup>(۱)</sup>  
 به نامه‌ای که به جانها<sup>(۲)</sup> ز تست مزده رسان  
 به خامه‌ای که به دلها ز تست مهر نگار  
 به حُسن گل که به بویش صبا کند شبگیر  
 به بوی می که به سویش سخا<sup>(۳)</sup> کند میخوار<sup>(۴)</sup>  
 به<sup>(۵)</sup> فیض جوهر ثانی معید<sup>(۶)</sup> علم و هنر  
 به نوک خامه‌مانی کلید نقش و نگار  
 به اشکِ خوشه رسان و به آهِ خرمن سوز  
 به دور باش یمین و به دستگاه یسار  
 به شهر بند حیات و به ترکاز اجل  
 به صور حشر که خیزد ز مخرج احضار  
 به ناتمامی عمر و به ناگریزی مرگ  
 به بختِ تیره که ابواب را بود مسمار  
 به توبه و به پشیمانی دل تائب  
 به مستی و به پریشانی سر و دستار  
 به عیش زهره<sup>(۷)</sup> چنگی به درد ناله‌نی<sup>(۸)</sup>  
 به فیض سرمه‌مکی به گردِ کوچه یار

۱- اشعار از ۱۷۲ تا ۱۸۳ تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شدند.

۲- ن ۱، ۵ = زبانها؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = بجانها

۳- ن ۸، ۳۵ = صبا؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = سخا

۴- ن ۸، ۳۵ = هنجار؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = میخوار

۵- ن ۳۵ = چو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = به (در نسخه ۳۵ این بیت بعد از شعر ۲۱۳ یافته شد)

۶- ن ۱۷ = سعید؛ ن ۸، ۳۵ = بعید؛ ن ۱، ۵ = معید

۷- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زهره؛ ن ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ (همه نسخ چایی هند) = ناله

۸- ن ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۸ = من؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = نی

به خوی فشانیِ شبنم به خود فروشیِ گل  
 به نیزه بازی<sup>(۱)</sup> سوسن به دشنه سازی<sup>(۲)</sup> خار  
 به یکه تازی وحدت به عرصه<sup>(۳)</sup> توحید  
 به فوج داری<sup>(۴)</sup> کثرت به عالمِ آثار  
 به دعوت<sup>(۵)</sup> لب عابد که دوخت دلقِ مراد  
 به آتشِ دلِ عاشق که سوخت لوحِ مزار  
 به بر شگفتن امروز و غنچه گشتن<sup>(۶)</sup> دی  
 به توشه پختنِ امسال و<sup>(۷)</sup> فاقه بردنِ پار  
 به شیوه دانیِ شهر و به زشت خوییِ ده  
 به زله<sup>(۸)</sup> بندی کشت و به خوشه چینی کار  
 به صبحِ قاقم پوش و بشامِ اکسون باف  
 به صلح آب فشان و به چشم<sup>(۹)</sup> آتش بار  
 به هوشمندیِ عدل و سیاه مستی<sup>(۱۰)</sup> ظلم  
 به ترزبانی تیغ<sup>(۱۱)</sup> و به سرگرانیِ دار

۱- آتشکده = سازی؛ همه نسخه های کلیات = بازی

۲- ن ۳۵، آتشکده = بازی؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۹ و غیره = سازی

۳- ن ۶ = دادی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = عرصه

۴- ن ۲۴، ۳۳، ۱۸، ۱۷۱، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = تازی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = داری

۵- ن ۱۹ = دعوت دل حافظ؛ ن ۶ = دعوی دل عابد؛ ن ۳، ۵، ۳۵ = بمعرض لب عابد؛ ن ۱، ۹، ۲۹، ۲۸، ۱۸، ۲۴، ۳۳،

۱۷ = دعوت لب عابد

۶- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ (نسخ چاپی هند) = گشتن؛ ن ۹ (چاپ ایران) = کشتن

۷- ن ۱، ۵ = امسال فاقه بردن؛ ن ۹، ۱۷۱ = امسال و نام بردن؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = امسال نامه بردن

۸- ن ۹ = به نخل بندی؛ ن ۸، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = زله (در نسخ ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ "زله" را از ذال معجمه نوشته اند.

۹- ن ۲، ۹، ۲۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = جنگ؛ ن ۳۰، ۳۲ = جنگ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = خشم

۱۰- ن ۶ = سیاه بختی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = سیاه مستی

۱۱- ن ۱، ۵ = عجز؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰ = تیغ



به کذبِ بی پدر و صدقِ آدمی زاده  
 به جهلِ بی اثر و علم<sup>(۱)</sup> جبرئیل آثار  
 به بُخل<sup>(۲)</sup> و عده تراش و قناعتِ عیاش<sup>(۳)</sup>  
 به صدقِ تنگ<sup>(۴)</sup> معاش و خوش آمدِ جرار  
 به ناگواری نزع<sup>(۵)</sup> و به ناگریزی مرگ<sup>(۶)</sup>  
 به بیمداری<sup>(۷)</sup> عمر و به بیوفایی یار  
 به هزلِ معرکه گیر و نفاق<sup>(۸)</sup> تو بر تو  
 به صبرِ کم سخن و شوق<sup>(۹)</sup> آتشین گفتار  
 به آبروی قناعت به ذلت<sup>(۱۰)</sup> خواهش  
 به کامرانیِ فرصت، به دولتِ دیدار  
 به تنگنای گریبان به وسعتِ دامن  
 به خاکساری کفش و به نخوتِ دستار  
 به داغِ پهلوی بیمارِ ممتنع حرکت  
 به دردِ زانوی جوئیای منتقطع رفتار  
 به زیردستی عجز و به همتِ دعوی  
 به سخت کوشی بخت<sup>(۱۱)</sup> و لجاجتِ احرار<sup>(۱۲)</sup>

۱- ۶ = عقل آدمی؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، خلاصه = عقل جبرئیل؛ ن ۴، ۵ (حاشیه)،  
 ۱۹، کارنامه، مسرت = علم جبرئیل؛ ن ۲۹ = فیض جبرئیل  
 ۲- ۲۸، ۹ = نخل؛ همه نسخ دیگر = بخل  
 ۳- ۳ = عاشق؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، خلاصه، بهار عجم = عیاش  
 ۴- ۲، ۳، ۳۵، ۸ = نیک؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = تنگ  
 ۵- آتشکده = مرگ؛ همه نسخ کلیات = نزع  
 ۶- آتشکده = نزع؛ همه نسخ کلیات = مرگ  
 ۷- آتشکده = بی بقائی؛ همه نسخ کلیات بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و غیره = بی مداری  
 ۸- ۵، ۱ = نقاب؛ همه دیگر نسخه ها = نفاق  
 ۹- ۹ (پاورقی)، خلاصه = خشم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شوق  
 ۱۰- ۲۴ = علت؛ همه نسخ دیگر = ذلت  
 ۱۱- ۵ = بخت؛ ن ۱، ۸، ۳۵ = بخت  
 ۱۲- ۵ = جرار؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = احرار

به عفو او که بود با گناه خلق ردیف  
 به ذات او که بود بر صفات خویش سوار  
 به نور جبهه برهان و جلوه دعوی  
 به فرق<sup>(۱)</sup> کردن بحث و تجاهل افکار  
 به جود او که ز ذوقش طمع شود همت  
 به عفو او که نهد بر زبانم استغفار  
 به دست همت من کز کنار گوشه گرفت  
 ز ننگ آنکه بدریوزه آشناست کنار<sup>(۲)</sup>  
 بحق این همه سوگندهای صدق<sup>(۳)</sup> افروز  
 که<sup>(۴)</sup> نزد علم تو حاجت نداشتم بشمار  
 که گر شود ره کوی تو جمله نشتر خیز<sup>(۵)</sup>  
 کنم به مردمی دیده طی نشتر زار  
 رهی<sup>(۶)</sup> ز شوق سراسیمه طی کنم که قدم  
 به کام<sup>(۷)</sup> تیشه نهم گر ستانم<sup>(۸)</sup> از سر خار  
 به آب مهر تو شستم گناه نامه خویش  
 چه غم که کاتب اعمال دارد استحضار<sup>(۹)</sup>  
 نه<sup>(۱۰)</sup> در پناه ولای توام؟ چه غم که بود  
 معاصیم نه باندازه قیاس و شمار

۱- ن ۱، ۵، ۸ = فرق کردن؛ ن ۳۵ = عرق کردن

۲- اشعار از ۲۰۰ تا ۲۰۴ تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شدند.

۳- ن ۲۹ = گوناگون؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۲۸ = صدق افروز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، رحیم = صدق آمیز؛ ن ۸، ۳۵ = مهر افروز

۴- ن ۳۵ = به؛ دیگر همه نسخ = که

۵- ن ۴ = نشتر زار؛ دیگر همه نسخ = نشتر خیز

۶- ن ۲۴ = زهی؛ همه نسخ دیگر = رهی

۷- ن ۱۷ = بنوک؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ و غیره = بکام

۸- ن ۲ = برآرم؛ همه نسخ دیگر = ستانم

۹- ن ۲، ۴ = استحقار؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = استحضار

۱۰- ن ۲، ۴، ۲۸ = چو؛ ن ۸ = که؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۳۵ و غیره = نه

اگر<sup>(۱)</sup> ولای تو ابلیس را شود زوزق  
 کشد ز ورطه لعنت به یک نفس بکنار  
 هر آن عروس سخن کز دیار<sup>(۲)</sup> مدح تو نیست  
 به عشوه گر کشدم در نیارمش به کنار  
 شباهت تو کند آفتاب در یوزه  
 که آورد به ضمیرم بدین وسیله گذار  
 مگر به دامن جود تو دست زد قلمم  
 که گنجش از بُن ناخن دمید نرگس وار  
 چو دوحه چمن طور شب چراغ ثمر  
 چو نوک تیشه فرهاد<sup>(۳)</sup> آفتاب نگار<sup>(۴)</sup>  
 چو کرم پیله بخود برتند<sup>(۵)</sup> مدایح تو  
 بگاه طاعت ایزد چو دارمش بیکار  
 معلمی که تراشیده خامه طبعم  
 ز آفتاب نهد لوح ساده ام به کنار  
 کجاست مانی صورت نگار تایید  
 نگارخانه ارژنگ و صورت جاندار  
 به چار سوی سخن<sup>(۶)</sup> نقد رایجی دارم  
 نه همچو ماو زر اندوده، آفتاب عیار  
 کلام من که متاع ولایت سخن است  
 بروی دست صبا می رود سلیمان وار

۱- ن ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۹ = و گر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = اگر

۲- ن ۵ = ریاض؛ همه نسخ دیگر = دیار

۳- ن ۱، ۵ = فرهاد از آفتاب؛ ن ۸ = فرهاد آفتاب

۴- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ یافته شد. در نسخه هشتم پیش این بیت شعر ۱۸۰ یافته شد

۵- ن ۲، ۹، خلاصه = برتند؛ ن ۳، ۲۹ = در تنم؛ ن ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۲۸، ۳۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = در تند

۶- ن ۲، ۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۱۸، ۳۳ = چمن؛ ن ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = سخن

ز جهل<sup>(۱)</sup> جایزه یابم اگر بجا گویم  
 به علم تاج دهم چون شوم مدیح<sup>(۲)</sup> نگار  
 نه انجم است فلک را، که همتِ عرفی  
 دمامد آبِ دهانش فگنده بر رخسار  
 از آن به عالمِ سفلی در آمدم که مرا  
 غریب دوست نهاد است و<sup>(۳)</sup> آشنا بیزار  
 به کامِ دنیویم چون زیان نمی‌گردد  
 حدیثِ جایزه در حشر می‌کنم اظهار  
 چو این قصیده در افواهِ خاص و عام افتاد  
 خطابِ "ترجمة الشوق" یافت از احرار

### قصیده سی و یکم

قصیده در مدح شهنشاه جلال‌الدین محمد اکبر<sup>(۴)</sup>

دی صبحدم که<sup>(۵)</sup> ناصیه شای روزگار  
 می‌داد بوس عجز به درگاهِ کردگار  
 مهدِ امل نهاده به بالِ همای وهم  
 رفتم به باغِ قدس به آوردنِ ثمار  
 ناگه به صدرِ باغ بدیدم که طبعِ من  
 بر عادتِ ندیم خداوند روزگار

۱- شرح منیر = زحل؛ همه نسخ کلیات = جهل

۲- شرح منیر = بدیع؛ همه نسخ کلیات = مدیح

۳- ن ۲، ۸، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = نهاد است آشنا؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۷، ۳۵ = نهاد است و آشنا

۴- این قصیده تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ یافته شد.

۵- ن ۱۷۲ = ز؛ ن ۱، ۵، ۳۵، ۲، ۸ = که؛ ن ۱۷ = چو

در سایه حیات<sup>(۱)</sup> همای مطالبت  
 ساکن بروی مهد<sup>(۲)</sup> به اندیشه در شکار  
 هر لمح<sup>(۳)</sup> شاهباز سخن گیر فکرتش  
 رعنا تذروی افگند از اوج<sup>(۴)</sup> اعتبار  
 دستش هنوز در کمر آستین ولی  
 انبوه میوه سربسر<sup>(۵)</sup> آورده در<sup>(۶)</sup> کنار  
 در بندگی به طوع کمر بسته عقل و<sup>(۷)</sup> روح  
 آن خادم یمیش و این لازم یسار  
 بگشاده<sup>(۸)</sup> دست جوهر اول اجازتش  
 در شیوه‌ها که لازم قرب است و<sup>(۹)</sup> اعتبار  
 گاهی به برگ گل عرقش چیند از جبین  
 گاهش به جعد حور مگس راند از عذار  
 از طبع ارزقی ثمرش می‌نهد به لب  
 وز درج<sup>(۱۰)</sup> انوری گهرش می‌کند نثار  
 کلکی بدست وی که فرد ریزد از زیان  
 بی<sup>(۱۱)</sup> نسبت انامل آن<sup>(۱۲)</sup> در شاهوار

۱- ن ۲ = جناح ؛ ن ۵، ۸، ۳۵، ۱۷ = حیات

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = مهد باندیشه ؛ ن ۲ = مهد در اندیشه ؛ ۱۷ = مهدد باندیشه

۳- ن ۲ = هر لحظه ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = بر لمح ؛ ن ۸ = در لمح

۴- ن ۲ = شاخ ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = اوج

۵- ن ۳۵، ۸ = سربسر ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = سربلب

۶- ن ۱، ۲ = از ؛ ن ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = در

۷- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = عقل روح ؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷ = عقل و روح

۸- ن ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = بگشاده ؛ ن ۱۷ = نکشاده

۹- ن ۲، ۵، ۸، ۳۵ = قرب است و اعتبار ؛ ن ۱۷۲ = قرب است اعتبار

۱۰- ن ۱ = وز درج ؛ ن ۲، ۵، ۸، ۳۵ = وز روح ؛ ن ۵، ۱۷۲ = در دوزخ ؟

۱۱- ن ۲ = با ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۲ = بی

۱۲- ن ۲ = ار ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۲ = آن

فردی بدستِ دیگر و از جنبشِ قلم  
 بر وی نثارِ روح کند نظمِ آبدار  
 نظمی که گر<sup>(۱)</sup> لطافتِ او ناخنی زند  
 گردد گشاده چشمه حیوان ز شوره زار  
 نظمی که گاه رُفتنِ گرد از بساطِ وی  
 برچیده حور لعل و گهر بهر گوشوار  
 نظمی که رو به آتش اگر شوید آفتاب  
 بر حُسنِ او زیاده نینم<sup>(۲)</sup> جمالِ یار  
 گفتم که این دُرّه چه و در سلکِ نظمِ کیست  
 ای<sup>(۳)</sup> گوهرِ وجودِ تو از گنجِ انحصار<sup>(۴)</sup>  
 گفت این قصیده ایست که آورده‌ام به نظم  
 در مدحِ آن که یابد از و مدحِ اعتبار  
 شاهِ سپهرِ کوکبه اکبر که هستیش  
 بر گنجِ فتنه حدّثان نشانده مار  
 گر هست گوشِ ذوقِ تو گوهرِ طلب، بگو<sup>(۵)</sup>  
 تا آستینِ شکاف شود دست<sup>(۶)</sup> در شمار<sup>(۷)</sup>  
 گفتم به این عنایت ار لایقم، بلی  
 این جمله هستیم به عطایت امیدوار  
 او دستِ التفات به یغمای<sup>(۸)</sup> گنجِ برد  
 من دستِ احتیاج بر آوردم از کنار

۱- ن ۲ = از ؛ ن ۱ = کز ؛ ن ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = گر

۲- ن ۱۷ = بیایم ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = نه بینم ؛ ن ۸، ۳۵ = به بینم ؛ ن ۲ = نیایم

۳- ن ۱۷۲، ۲، ۵ = این ؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = ای

۴- ن ۵، ۱، ۱۷۲ = آن حصار ؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = انحصار

۵- ن ۱۷۲ = مگو ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷ = بگو

۶- ن ۱۷۲ = دوست ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵ = دست

۷- ن ۸ = نثار ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = شمار

۸- ن ۸، ۱، ۳۵ = به یغمای گنج ؛ ن ۵ = به یغما و گنج

این بود بی بها گهری کز عطای او  
 اوّل بسدستم آمد و دارم به روزگار  
 کای<sup>(۱)</sup> منع را به صنعتِ ذاتِ تو افتخار  
 ذات و سیله اثر آفریدگار  
 روزی که کلک صانع تحریر می نمود  
 اشکال کاینات به انواع اعتبار  
 تصویر صورتِ تو به لوح<sup>(۲)</sup> کمال کرد  
 تحریر شکل جمله به عنوان اختصار  
 در حالتی که شکلِ عِدیم المِثالِ تو  
 گردید بر صحیفه تحریر آشکار  
 تقدیر شست مستسخ<sup>(۳)</sup> واهب الصور  
 تا طرح صورتِ نبرد بعد ازین بکار  
 یوسف که بود گوهرِ یکتای گنج حسن  
 شبه تو بود جلوه گر از لوح روزگار  
 روشن کنم که بهر چه استاد صنع کرد  
 بر صفحه وجود شبیه ترا نگار  
 جمعی حکیم صورت و از علم بی نصیب  
 گم کرده راه معرفت ذاتِ کردگار  
 ایجاب را که لازمه ذات ممکن است  
 با واجب الوجود نهادند<sup>(۴)</sup> در شمار  
 فرمود امرِ تشنیه<sup>(۵)</sup> در شکلِ ذاتِ تو  
 تا مطلع شوند به برهانِ اختیار

۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = کای؛ ن ۲، ۸، ۳۵ = کاین

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = بلوح؛ ن ۲ = به موج

۳- ن ۱، ۲، ۸ = متسخ؛ ن ۳۵، ۱۷، ۱۷۲ = مستسخ

۴- ن ۲ = بدانند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = نهادند؛ ن ۱۷ = ندانند

۵- ن ۲، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = تشنیه؛ ن ۱، ۵ = پیشه؛ ن ۱۷ = تبشه

اندیشه‌ناکِ تیغِ تو گر معتکف شود  
 در ساحتِ حرم که زامنش<sup>(۱)</sup> بود حصار  
 از بسکه بر دمد<sup>(۲)</sup> سرِ پر خون کشتگان  
 صحنِ حرم کمرش فروشد به لاله زار  
 در معرضِ مصاف که راجع شود به اصل  
 از حملهٔ تو سایهٔ آن<sup>(۳)</sup> تیغِ آبدار  
 صد چشمه خون گشاید از آن بسکه هر طرف  
 الماس جوشنان<sup>(۴)</sup> جواهر کند فگار  
 صیبتِ مهابتِ تو که عالم گرفته است  
 برگوش ساکنان بهشت ار کند گذار  
 از غایتِ هراسِ عروسانِ روضه را  
 گردد شکسته رنگِ یواقیتِ گوشوار  
 چون چشمِ نرگس است بمهدِ صلاحِ تو  
 گاهی بمستی اندر<sup>(۵)</sup> و گاهیست در خمار<sup>(۶)</sup>  
 از بس فشرد<sup>(۷)</sup> دستِ طبیعتِ گلوی وی<sup>(۸)</sup>  
 بیرون فتاده هر طرفش دیده بر<sup>(۹)</sup> عذار  
 در فصلِ دی به سعیِ سپهرِ زیاده سر  
 چندانکه شد زیادتی از لیل بر نهار

۱- ن ۳۵ = امنش؛ ن ۱۷۲ = آتش

۲- ن ۲ = ره به بحر نهد خون؛ ن ۱ = بر دمد شرر خون؛ ن ۲، ۸، ۱۷۲، ۳۵ = بر دمد سر پر خون

۳- ن ۲، ۸، ۱۷، ۳۵ = آن؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = این

۴- ن ۲ = جوهران؛ ن ۱۷۲، ۳۵، ۱۷، ۸، ۵، ۱ = جوشنان

۵- ن ۱۷۲ = آید؛ ن ۱، ۲، ۸، ۳۵، ۱۷ = اندر

۶- ن ۲ = در خمار؛ ن ۱، ۵ = هوشیار؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷۲ = درکنار

۷- ن ۱ = فتاده؛ ن ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = فشرد

۸- ن ۲ = بدر دل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = وی

۹- ن ۲ = دیدهٔ غدار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۲ = دیده بر غدار



ایام جبر کرد<sup>(۱)</sup> به امداد عدل تو  
تا<sup>(۲)</sup> آن که شد مقابله در موسم<sup>(۳)</sup> بهار  
از بام قصر جاو تو تقدیر در ازل  
زد بانگ بر زمانه که ای اهل روزگار  
مردود این در است کسی کو بر آستان  
جز گوهر امید کند تحفه‌ای نثار  
گر شبه دست و دامن خصم<sup>(۴)</sup> تو خوانمش  
بر یک دگر فشرده شود پنجه چنار  
خصم ترا عذاب قیامت همی برد  
الوان متاع فتنه به آرایش مزار  
صورت نبود روح<sup>(۵)</sup> هیولی که فتنه<sup>(۶)</sup> کرد  
بر لوح سینه شکل عدوی ترا نگار  
عدل تو نارسیده به دروازه وجود  
سلطان فتنه را بفگندند از حصار  
امید را به عدل<sup>(۷)</sup> تو محبوب<sup>(۸)</sup> مدعا  
جولان در آستین کند و خواب در کنار  
پامال کرده مسیر فلک را سکون وی  
گاهی که بوده توسن عزم تو در چدار<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = جبر کرد بامداد؛ ن ۱، ۵ = ایام جبر کرده امداد؛ ن ۱۷۲ = سیر کرده امداد

۲- ن ۱۷ = با؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = تا

۳- ن ۳۵، ۸ = مقابله لیل و نهار؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = مقابله در موسم بهار

۴- ن ۱۷۲ = دست و دامن بذل تو؛ ن ۳۵ = دست و دامن خصم تو؛ ن ۱، ۵ = دست دامن بذل تو

۵- ن ۱، ۱۷۲، ۵ = زوج سهولی؟؛ ن ۲ = درج هیولی؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷ = روح هیولی

۶- ن ۵ = گرفته کرد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷ = که فتنه کرد

۷- ن ۲، ۱۷ = عهد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = عدل

۸- ن ۱ = محبوب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = محبوب

۹- ن ۱۷ = چدار؟؛ ن ۱ = چدار؟؛ ن ۵، ۳۵، ۱۷۲ = چدار (بمعنی رسن که ازان پاهای اسب می‌بندند)

حورانِ خلدِ عزمِ ترا ابره لباس  
 هست از نفاذِ امرِ خداوندِ بود و تار  
 در معرضِ مصالحِ مردمِ نوازیت  
 هم صحبتی پیاده و بی نسبتی سوار  
 در جستجوی ذروه<sup>(۱)</sup> جاهت بهم رسید<sup>(۲)</sup>  
 اندیشه را ز فرطِ سراسیمگی دوار  
 شاها منم که روضه طبعِ مرا بود  
 انواعِ سحر و معجزه، الوانِ برگ و بار  
 جوهرِ نسَمای آینه عقیلِ اول است  
 این معنیِ طبیعی و این<sup>(۳)</sup> لفظِ مستعار  
 نظمِ مرا حلاوتِ تسنیم بر اثر  
 طبعِ مرا لطافتِ فردوس در جوار  
 این مایه فطرتی که مرا هست، اگر دهد  
 جا در حریمِ تربیتم شاو کامگار  
 از روی عجزِ ناصیه طبعِ انوری  
 جوید<sup>(۴)</sup> ز آستانه من زیور<sup>(۵)</sup> از غبار  
 گنجینه سپهر لبالب کنم ز دُر  
 گر طبعِ بی نیاز تو گوید که هان بیار  
 گر جز متاعِ مدح<sup>(۶)</sup> تو آرد<sup>(۷)</sup> ز شهر طبع  
 اندیشه را به<sup>(۸)</sup> جرم خسارت کنم بدار

۱- ۱۷۲ ن = نشوه جامت ؛ ن ۱، ۵ = ذروه جامت ؛ ن ۲ = ذروه جاهت

۲- ۱۷ ن = رسند ؛ ن ۵، ۳۵، ۱۷۲ = رسد ؛ ن ۱، ۸ = رسید

۳- ۱۷۲، ۸، ۱۷، ۳۵ = این ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = آن

۴- ۲ ن = روید ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = جوید

۵- ۲ ن = زینت ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = زیور

۶- ۱۷، ۲ ن = مهر ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = مدح

۷- ۱۷، ۲ ن = آید ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = آرد

۸- ۱۷، ۲ ن = به جرم ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = ز جرم

آهسته باز گرد چو بر تابدت عنان  
ای ابرش سبک رو مسخردوم روزگار  
کز گامِ اولین که نه آهسته مانده‌ای  
عهدِ قدیم را جهتِ سر بود فگار<sup>(۱)</sup>

### قصیده سی و دوم

#### از قصیده اسمِ ممدوح روشن نیست<sup>(۲)</sup>

درین هوا سزد از فیضِ اعتدالِ بهار	که جای نافه فتد غنچه ز آهوانِ تبار
ز فیضِ لطفِ هوا در چمن شود سوده	بگاہ <sup>(۳)</sup> جنبشِ گلبرگِ نوکِ سوزنِ خار
به سعیِ نشو و نما شاید ار چو سبزِ خطان	بنفشه طفلِ رحم را و مه زطرفِ عذار
ز رنگها که پذیرفته طبعِ خاک سزد	که بر دمد گلِ صد رنگ از نهالِ خیار
ز اعتدالِ هوا چون نهالِ بید شهاب	سزد که برگِ برون آرد از یمین و یسار
درین هوای فرح‌زا سزد که عاشق را	نشانِ وصلِ دهد روزِ حسرتِ دیدار
ز بس زمرّد و زنگار شد چمن، چه عجب	که عندلیب شود سبز فامِ طوطی وار
گه ترنّم بلبل ز شوقِ دل شاید	که نغمه روی سخن را کند به غازه نگار
شود سماعِ کنان زنده گر به سعیِ هوا	بگوشِ مرده درآیند نوایِ موسیقار
ز فیضِ نشو و نما استخوانِ فرسوده	سزد که سبزه و ش آید برون ز لوحِ مزار
ز بس هوا به طبایعِ رطوبتِ آمیز است	به نورِ شمع شود شُسته نقش از دیوار

۱- چنان می‌نماید که این قصیده تنها در نقل‌های نسخهٔ سراجا و در نسخهٔ ناظم تبریزی یافته شد. بعد از ورود عرفی به فتح‌پور سیکری و قبل از معرفی شدن او به حکیم ابوالفتح (که تربیت‌کنندهٔ عرفی بود) گفته شده بود. آهنگش مثل قصایدی که عرفی بعد از رسیدن به صحبت حکیم ابوالفتح گفت بلند و پرشکوه نیست ولی از اشعار فخریهٔ این قصیده پیداست که این مال عرفیست و الحاقی نیست. مفهوم بعضی اشعار این قصیده چنانکه باید روشن نیست.

۲- این قصیده تنها در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ یافته شد و ازان منظومات می‌نماید که عرفی قبل از ورود به هند نظم کرده بود. آهنگ این قصیده هم از آهنگ قصاید که بعد از تربیت یافتن از حکیم ابوالفتح سروده مختلف است و ازین سبب بعضی از عرفی شناسان مثل آقای محمد علی داعی‌الاسلام، سابق استاد دانشگاه عثمانیه و استاد بوسف حسین موسوی، رئیس سابق قسمت فارسی دانشگاه لکهنو، چنین منظومات را الحاقی خیال می‌کنند.

۳- ن ۱، ۵ = بجای؛ ن ۷، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = بگاہ

که عثوه می‌چکد از چشمِ صورتِ دیوار  
عیان بود ز صفا طرح نقشبندِ بهار  
عدیمِ ماجره<sup>(۲)</sup> تمثالِ خویش در زنگار  
شود چو عارضِ یار از خیالِ بوسه فگار  
گمان برند که نرگس بود به خوابِ خمار  
که ذره‌وش بسماع آید از نشاطِ غبار<sup>(۳)</sup>  
نهالِ سبز برون آورد سر از مقدار  
که شعله قطره<sup>(۴)</sup> فشاند برون بجای شرار  
مگر به خونِ عنادل سرشته گِلِ فُخار  
ز تاب آتشِ قهرِ شه فلک مقدار  
که شعله پیشتر از دود می‌جهد چو شرار  
که درجِ لعل دمد از شجر بجای انار  
زند بسزیرِ کلاه سپهر دست چنار  
ز زیر پای اجل<sup>(۸)</sup> نردبانِ لیل و نهار  
سزد که شعله گشاید برنگِ لاله کنار  
که بر دمد مژه از چشمِ نرگس بیمار  
سزد که میوه دماند ز سایه اشجار  
گرفته طبعِ شرر مرتفع شود چو بخار

زمانه یافته آن مایه حسن و کیفیت  
مثالِ صفحهٔ تصویر در طبیعتِ خاک  
صفا<sup>(۱)</sup> رسیده بجائی که بنگرد آسان  
زهی سرایتِ لطفِ هوا که صورت سنگ  
فگنده بهر تماشای سبزه سر در پیش  
گه سرودِ عنادل بطرفِ باغ سزد  
سزد که مرغِ چمن را کنون بجای نوا  
درین هوای رطوبت فضا عجب نبود  
برنگِ لعل مذاب است کوزهٔ غنچه  
به بوستان که گل و لاله مشعل افروزند  
خلافِ قاعده بر مشعلِ شقایق بین  
اگر ز چشمهٔ جود تو نم برد،<sup>(۵)</sup> شاید  
اگر به نامیه رو آورد تسلطِ تو<sup>(۶)</sup>  
فتد به قعر ابد گر فرو رود<sup>(۷)</sup> غضبش  
نسیمِ لطف تو جائی که شبنم افشاند  
ز جامِ لطفِ تو گر شربتی کشد شاید  
چمن طرازی احسان او بفصلی خزان  
غبارِ فتنه ز تأثیر آتشِ غضبت

همه اشعار قصیده سوای اشعار ۸، ۲۶، ۴۴ در خلاصه‌الاشعار شامل انتخاب هستند.

آتشکده: اشعار ۱، ۲، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۸ بهار عجم: شعر ۲

۱- ن ۱۷۲ = صبا؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = صفا

۲- ن ۱۷ = باصره؛ ن ۱، ۸، ۳۵ = ماجره؛ ن ۹؟ = ۵ = ماجره ۹

۳- ن ۳۵ = غبار؛ ن ۱، ۵، ۸ = عیار

۴- ن ۱، ۱۷۲، ۳۵، ۵ = قطره؛ ن ۱۷ = آب

۵- ن ۸، ۳۵ = برون شاید؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = برد شاید

۶- ن ۸ = تو؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = او

۷- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = کشد؛ ن ۱، ۵ = رود

۸- ن ۸، ۳۵ = ازل؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = اجل

هوا گرفته تفتق بندد و شود ابری      که بر عدوی تو باشد مدام<sup>(۱)</sup> صاعقه بار  
سمند فارس قهر تو چون برانگیزد      برد ز کینه چو باد از بساط<sup>(۲)</sup> فتنه غبار  
چو نوک خامه تحریر بر حوالی خط      سزد که سیر کند گرد صورت دیوار<sup>(۳)</sup>

### قصیده سی و سوم

#### قصیده در نعت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم<sup>(۴)</sup>

آمد آشفته به خوابم شبی آن مایه ناز  
به روش مهر فرا<sup>(۵)</sup> و به نگه صیر گداز<sup>(۶)</sup>  
وه چه شب، سرمه آهوی غزالان ختن  
وه چه شب، و سمنه ابروی عروسان طراز  
خواب نی، زاویه<sup>(۷)</sup> وارد او والی حسن  
خواب نی، آینه<sup>(۸)</sup> صورت او معنی ناز  
چو پری چهره نگاری که ندارد مثلش  
در پس پرده فطرت فلک لعبت<sup>(۹)</sup> باز

۱- ن ۱۷ = همیشه ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = مدام

۲- ن ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = بساط فتنه ؛ ن ۱، ۸ = فنا و فتنه ؛ ۵ = فساد فتنه

۳- در اشعار مدح گاهی ممدوح را مخاطب و گاهی غائب نظم کرده و این یکی از عیوب شعر است.

۴- این قصیده در زمین قصیده انوری گفته شده که به این مصرعه آغاز می شود: موبک عالی دستور چنان آمد باز

۵- ن ۹، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = مهر فرا و ؛ ن ۱، ۵، ۶، ۴، ۱۷۰، ۳۵، ۲۸ = مهر فرای و

۶- در مختلف نسخه های کلیات ترتیب اشعار اختلاف دارد. بس مطابق نسخه ۱۷ ترتیب این دوازده اشعار باین طور است : ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و مطابق نسخ ۱، ۵، ۳۵ ترتیب باین طور است : ۱، ۲، ۷، ۳، ۶، ۸، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴ اینجا ترتیب مطابق نسخه چهارم است و در نسخه های مطبوعه هم ترتیب همین طور است  
سواى اینکه شعر ۸ در آن نسخه ها موجود نیست.

۷- ن ۹ = زاویه داد در او ؛ ن ۱۹، مسرت = زاویه دارد آن ؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = زاویه دار دل آن ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، منیر، رحیم، ۱۷۰، ۲۴، ۳۳ = زاویه دارد او ؛ ن ۲ = زاویه وار ره او ؛ ن ۱۷، ۸ = زاویه وار دل آن ؛ ن ۲۸ = زاویه دارد دل او ؛ ن ۲۹ = زاویه دار دل او

۸- ن ۱۹، ۳۵ = آئینه صورت آن ؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۸، ۱۷۱، ۳۳، ۲۴، ۱۷ = آئینه صورت او

۹- ن ۱۷، خلاصه = شعبده ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۲۰ و غیره = لعبت

خواب را شب همه شب دیده به پا<sup>(۱)</sup> می سودم  
 که برویم<sup>(۲)</sup> در این واقعه را ساخته باز  
 دیدم القصه که خوش گرم عنانست<sup>(۳)</sup> روان  
 سودم اندر قدمش چهره به صد عجز و نیاز  
 گفتم ای عربده جو چیست گناهم که دگر  
 به تعرض همه خشمی، به تغافل همه ناز  
 تا کی ای شوخ ستم پیشه بیگانه نواز  
 من به غم تکیه کنم چشم تو بر بالش ناز<sup>(۴)</sup>  
 گفت این خود نه گناهست که ساکت شده‌ای  
 از ثنا گسستری شاه سریر اعجاز  
 منفعل گشتم و فی الحال به وادی مدیح  
 مرکب طبع جهاندم به هوای نگ و تاز  
 ره نبردم به سوی<sup>(۵)</sup> کشور معنی هرچند  
 که در آن بادیه راندم به نشیب و به قرار  
 گریه آلوده فتادم دگر اندر قدمش  
 گفتم ای مایه آرام دل اهل نیاز  
 از جبین چین بگشاید دل من جمع شود  
 که سراسیمه کند مرغ خیالم<sup>(۶)</sup> پرواز  
 این سخن در دلش از درد اثر کرد و سرم  
 برگرفت از قدم خویش و<sup>(۷)</sup> به لطف آمد باز

۱- ن ۲۸ = پیام سودم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۲۴ = به پیامی سودم؛ ن ۹، ۳۳ = پیام سودم؛ ن ۱۷۱

= پیامی سودم

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷ = برویم؛ خلاصه = برویم

۳- آتشکده = عنان است و روان؛ دیگر همه نسخ = عنان است روان؛ ن ۳ = عتاب است روان

۴- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = بسر کشور؛ ن ۱۷۰، ۳۵، ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۸، ۵، ۶، ۴، ۱، ۵ = بسوی کشور

۶- ن ۲۹ = دلم را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = خیالم

۷- ن ۱، ۴، ۲۸، خلاصه، ۱۷۰ = خویش به لطف آمد؛ ن ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = خویش و به لطف آمد

بسی حجابانه زدم بـوسه بدستش وز ذوق<sup>(۱)</sup>  
گفتم اکنون ده<sup>(۲)</sup> اجازت که شوم<sup>(۳)</sup> وحی طراز  
در ثنای شه کونین و<sup>(۴)</sup> امام ثقلین  
که بود لمعه برق غضبش کفر گداز  
آنکه گر رخس بر افلاک جهانند گردد  
پُشتِ نسر<sup>(۵)</sup> فلک از نفس شمش سینه باز  
آنکه<sup>(۶)</sup> گر افعی رمحش رود اندر ته<sup>(۷)</sup> خاک  
دلِ محمود بـرون آورد از زُلفِ ایـاز  
آنکه چون در کنف<sup>(۸)</sup> چتر همایون<sup>(۹)</sup> آثار  
هممعنانِ ظفر از راه غـزا گردد باز  
زهره گیسو بگشاید که شود گردفشان<sup>(۱۰)</sup>  
از رکابش که پذیرفته غبار از تگ و تاز  
فتح گوید چه کنی چشمِ منست این نه رکاب  
سرمه چشم جهان بین مرا پاک مساز  
عرش را گفت فلک مسندِ جاوِ وی و عقل  
گفت هیئات یقین شد که نه‌ای محرم<sup>(۱۱)</sup> راز

- ۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳ = از شوق؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = وز ذوق؛ ن ۲، ۳۵، ۶ = وز شوق  
۲- ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = ده اجازت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۱۷، ۳۵ = خلاصه = با اجازت  
۳- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خلاصه = که شدم؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۳، ۲۴، ۱۷۰، ۱۷۱ = آتشکده = که شوم  
۴- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کونین و امام؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، رحیم = کونین امام  
۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نسر؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = ستر  
۶- کارنامه = وانکه؛ دیگر همه نسخ = آنکه  
۷- آتشکده = دل؛ دیگر همه نسخ بشمول خلاصه و میرزا جان و غیره = ته  
۸- ن ۹، ۱۷۱، ۲۴، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۲۹ = کنف؛ ن ۳، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۳۱ = کنف  
۹- ن ۳۵ = خلاصه = همیون؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۱۷۰، ۲۰ و غیره = همایون  
۱۰- خلاصه = گردفشان؛ دیگر همه نسخ = گرو فشان  
۱۱- کارنامه فیض = واقف؛ دیگر همه نسخ = محرم

مسند<sup>(۱)</sup> جـا و وی آرایش آن بارگه است  
 که بساطش بری از ننگ نشیب است و فراز<sup>(۲)</sup>  
 شعله خاطر او را چه شرر چشمه مهر<sup>(۳)</sup>  
 گریه خامه او را چه اثر خنده<sup>(۴)</sup> راز<sup>(۵)</sup>  
 در جوارِ حرّمش عرش مشرف به سجود  
 در دیارِ کرمش جود موظف به<sup>(۶)</sup> نیاز  
 ای که از نشئه افسانه عدل تو به خواب  
 فتنه چون زلف دلرام کند<sup>(۷)</sup> پای دراز  
 ز احتساب تو پی دوختن زلف و رع  
 زهره در سوزن عیسی کشد ابریشم ساز  
 تابد از<sup>(۸)</sup> نیرِ رایت، ز<sup>(۹)</sup> زمین مرغان را  
 سایه بر جبهه<sup>(۱۰)</sup> خورشید فتد در پرواز  
 احتساب<sup>(۱۱)</sup> تو اگر عارضِ نهی افروزد  
 ای سرپرده عصمت ز تو با<sup>(۱۲)</sup> زینت و ساز

۱- ن ۶ = منیر؛ دیگر همه نسخ بشمول خلاصه = مسند

۲- این شعر در نسخ ۴ و ۱۷ نیافته شد.

۳- ن ۳، ۶، ۹، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = چشمه مهر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۳۵، ۸ = نور

۴- ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = ناز؛ ن ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = خلاصه، ۳ = راز

۵- در نسخه چهارم نیافته شد.

۶- ن ۲۸، منیر = ز؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵ و غیره = به

۷- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کند؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = کشد

۸- ن ۱۷ = تا باید نیز رایت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۲۹، ۱۷۱ = تابد از نیز رایت؛ ن ۲۸ = تابد از پرتو رایت؛ ن ۹،

۳۵، ۳۳، ۲۴ = تابد از نئی رایت

۹- ن ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ = به زمین؛ ن ۱۷۰، ۱۷۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۴، ۳ = ز زمین

۱۰- ن ۱، ۳۵ = سایه جبهه خورشید؛ ن ۵، ۲۸ = سایه چشمه خورشید؛ ن ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۳۵، ۱۷۱ = سایه به

جبهه خورشید؛ ن ۲۹، ۱۸، ۳۳ = سایه در جبهه خورشید؛ ن ۱۷۰ = سایه بر چشمه خورشید

۱۱- ن ۱۷ = احتساب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۱۷۰ و غیره = احتساب

۱۲- ن ۸، ۳۵ = پر زینت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = بازینت ساز



زخمه هر چند که انگشت زند بر لبِ تار  
 نغمه از بیم نیارد که برآرد آواز  
 عقلی کل نسبتِ حکمت به قضا کرد و کنون<sup>(۱)</sup>  
 دارد اندیشه که ناگه شمرندش طَنَاز<sup>(۲)</sup>  
 هر حدیثی که رضایت به سماعش نبود  
 از درِ گوش سراسیمه به لب گردد باز  
 نیرِ رای تو چون عرض کند<sup>(۳)</sup> لمعه نور  
 خیر<sup>(۴)</sup> جود تو<sup>(۵)</sup> چون بخش کند نعمت و ناز<sup>(۶)</sup>  
 چه کند گر نکند مهر نهان رُخ به کسوف  
 چه کند گر نکند حور درِ روضه فراز<sup>(۷)</sup>  
 چون برافراشت<sup>(۸)</sup> قضا رایتِ عدلِ تو زبیم  
 فتنه برتافت عنان تا به ازل<sup>(۹)</sup> گردد باز  
 آسمان بانگ زد<sup>(۱۰)</sup> از پی که کجا خواهی رفت  
 نقدِ جان بر<sup>(۱۱)</sup> کفِ تسلیم نه<sup>(۱۲)</sup> و هرزه متاز  
 داورا طبعِ من آن روضه فیض است که هست  
 شجرِ او همه سحر و ثمرِ او اعجاز

- ۱- خلاصه = قضا کرد گمان؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = قضا کرده کنون؛ ن ۲، ۴، ۹، ۲۹، ۱۸ = کرد و کنون؛ ن ۲۸، ۱۷۰ = کرد کنون
- ۲- ن ۲۹ = غَمَاز؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۱۷۰ = طَنَاز
- ۳- خلاصه، کارنامه = گر نور دهد لمعه نور؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۲۹ = چون عرض کند لمعه نور
- ۴- ن ۱۷۰، ۲۸، ۱۸، ۹، ۱۷۱، ۳۳، ۲۴، ۲۹ = خیر؛ ن ۲۰، ۵ (حاشیه) = حیّز؛ ن ۱، ۵ = حیّز؛ ن ۳۵ = حیض
- ۵- ن ۱، ۵ = جود تو که؛ دیگر همه نسخ = جود تو
- ۶- این اشعار در نسخ ۴، ۱۷، ۲۸ یافته نشدند و در خلاصه در حاشیه بعد نوشته شدند.
- ۷- این اشعار در نسخ ۴، ۱۷، ۲۸ یافته نشدند و در خلاصه در حاشیه بعد نوشته شدند.
- ۸- ن ۶، ۹، ۱۷ (پاورق) = بر افروخت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵ و غیره = برافراشت
- ۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳، رحیم = به عدم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = به ازل
- ۱۰- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بانگ برو زد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بانگ زد از پی
- ۱۱- خلاصه = در؛ دیگر همه نسخ کلیات = بر
- ۱۲- خلاصه = زو؛ همه نسخ کلیات = نه

نامه‌ام داده نشان از چمن گلشن وحی  
 خامه‌ام کرده زبان در دهن شاهدِ راز  
 جوهرِ طبع من از وصفِ کمالِ روشن  
 جوهرِ نظم من از نسبتِ ذاتِ ممتاز  
 خصم و طرزِ سخن من؟ به چه درک و<sup>(۱)</sup> به چه فهم  
 غیر و نظمِ گهر من؟ به چه برگ و به چه ساز  
 معنی از خامه<sup>(۲)</sup> من گاهِ روش می‌بارد<sup>(۳)</sup>  
 چون ز رفتارِ بتان فتنه<sup>(۴)</sup> گه جلوه<sup>(۵)</sup> ناز  
 نو و عروسی نبود در تفتی فکرتِ من  
 که نه از زیورِ مدح تو بود چهره طراز  
 اعتبارِ صدف از نسبتِ دُر<sup>(۶)</sup> است، بلی<sup>(۷)</sup>  
 انوری گر بود<sup>(۸)</sup> از مهنه، منم از شیراز  
 کنم از مایده معنویش مهبانی  
 ازرقی<sup>(۹)</sup> گر بسرِ خوانِ وجود آید باز<sup>(۱۰)</sup>  
 عرفی این طرز<sup>(۱۱)</sup> سخن حدّ تو نبود لیکن  
 مدحتِ شاه چنین<sup>(۱۲)</sup> کرده زبانِ تو دراز

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بجه فهم و بجه درک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بجه درک و بجه فهم

۲- ن ۲۹ = جوهر؛ خلاصه = خاطر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = خامه

۳- ن ۱۹ = سازد؛ ۱ = آرد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = بارد

۴- ن ۶ = گاه نظر؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = فتنه گه

۵- ن ۹، ۲۹، ۲۴، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۳۰، ۳۱، خلاصه = جلوه و ناز؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۳۵ = جلوه ناز

۶- ن ۱۹ = دریاست؛ دیگر همه نسخ = دُر است

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۴ (همه نسخ چاپی)، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۳۵ = ولی؛ ن ۶، ۱۷، ۲۹، کارنامه، قطب = بلی

۸- ن ۹ = گرز ابیورد؛ دیگر همه نسخ = بود از مهنه

۹- ن ۸ = ۳۵، انوری؛ ن ۹، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۱، ۲، ۵ = ارزقی

۱۰- این بیت در نسخ ۶، ۴، ۱۷، ۲۸، ۱۷۰ نیافته شد.

۱۱- خلاصه = طور؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱ و غیره = طرز

۱۲- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = رحیم = چنین کرد زبان تو دراز؛ ن ۲۸ = زبان تو چنین کرد طراز؛ ن ۱۷ = بخت کرد زبان تو دراز؛ ن

۳۱، ۳۳، ۲۰، ۱۸ = زمان تو چنین کرد دراز؛ ن ۳، ۴، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱، ۱۷۰ = ریان تو چنین کرد دراز

تا گهی رو بفراز آرد و<sup>(۱)</sup> گاهی به نشیب  
 بهر احداثِ حوادث<sup>(۲)</sup> فلکِ دایره ساز  
 بیکرِ خصمِ ترا خاک برسد سربه نشیب  
 دشمنِ جِاِ ترا دار کند<sup>(۳)</sup> رو به<sup>(۴)</sup> فراز

### قصیده سی و چهارم قصیده در منقبت امیرالمومنین امام المتقین حضرت علی ابن ابی طالب<sup>(۵)</sup> کرم الله وجهه

دوش در پرده نشیب و فراز	بودم اندیشه سنج و ذهن طراز
جوش معنی فروش چون الهام	شمع حیرت فروز چون اعجاز
جگر چشمه زای را از ننگ <sup>(۶)</sup>	ناخن کاو کاو ذهن دراز
عقل مشغول گنج ریزی رمز	و هم سرگرم زیزه چینی راز
عقل مسند نشین عالم قدس	و هم بیهوده گردد ملک حجاز
ساعتی ساده لوح و معرکه سوز	لمحه ای نقش بند و شعبده باز
همچو دیوانگان پریشان سر <sup>(۷)</sup>	رفته از کف عنان نهی و جواز
گر بمیدان وسعت اطلاق <sup>(۸)</sup>	در شتابندگی چو رخس مجاز
گه بدام شکنجه تفتیده <sup>(۹)</sup>	در فرو بستگی چو مرغ نیاز <sup>(۱۰)</sup>

۱- ن ۴، ۹، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ = آورد و گه؛ ن ۲، ۳، ۵ (حاشیه)، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۳ = آرد و گاهی؛ ن ۲۹ = آید و گاهی

۲- ن ۲۹ = مرادت؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = حوادث (این بیت در ن بخ ۵، نیست)

۳- ن ۱۷ = کشد؛ همه نسخ دیگر = کند

۴- ن ۵، ۸، ۱۷، ۱۹ = یر بفراز؛ ن ۱، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = رو بفراز

۵- این قصیده تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۴۲ یافته شد

۶- ن ۸ = راز شک؛ ن ۱، ۱۷، ۱۷۲ = راز از تنگ؛ ن ۳۵ = راز تنگ؛ ن ۵ = راز از تنگ

۷- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = پریشان سیر؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = پریشان سر

۸- ن ۱۷ = اخلاق؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = اطلاق

۹- ن ۸، ۳۵ = تفسیده؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = تفتیده؛ ن ۱۷ = تقلید؟

۱۰- ن ۱۷۲ = بناز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = نیاز

گاهی از بهرِ دلگشائیِ عشق  
گاهی از بهرِ میهمانیِ حُسن  
گاهی از جز و مدّ لَجّة اشک  
گاهی از نافِ آهوانِ ختن  
گاهی از زیورِ خزینهٔ عقل<sup>(۳)</sup>  
گاهی از ابرِ حُسن پُر کرده  
گاهی از گنجِ عشقِ بگرفته  
که برفعِ فسادِ راسخ سیر  
برده رو بر رو طپانچهٔ شرع  
مانده گردنِ بسزیرِ خنجرِ عشق  
که دُرافشان به جیب<sup>(۵)</sup> و دامنِ درد  
که خرامانِ بگشتِ کوچهٔ هزل  
بودم القاصه دوشِ تادمِ صبح  
گردِ اوج و حُضیضِ گردیدم  
لیک نشناختم ز یکدیگر  
نه به دیر آشنا شدم نه حرم  
درد در ریشهٔ دلم پیچید<sup>(۹)</sup>  
میوهٔ خام ریز<sup>(۱۰)</sup> نخلِ امید

کرده داوود لهجه نوحه طراز  
کرده در ملکِ روح دست انداز<sup>(۱)</sup>  
کعبه رَقاص گشته<sup>(۲)</sup> در شیراز  
تحفه آور به چینِ زلفِ ایاز  
جاءِ محمود را به عجز طراز  
کوچه و بامِ عشق را از ناز  
گردن و گوشِ حسن را به نیاز  
که بترکِ غرور کج پرواز  
کاؤل این رُخ که باز بیند باز  
کاؤل این هم که ناز<sup>(۴)</sup> دارد ناز  
ریزش تلخِ گریهٔ غمّاز  
نوشخند<sup>(۶)</sup> شگفتهٔ طنّاز  
بر مسیر<sup>(۷)</sup> سلوک در تگ و تاز  
بیِ مراعات<sup>(۸)</sup> جنبشِ پرواز  
منهجِ عام و جادهٔ ممتاز  
نه حقیقت شناختم نه مجاز  
خشک شد بوستانِ عشرت و ناز  
گشت پامالِ یأسِ حرمان ساز

۱- این بیت در نسخ ۸، نیافته شد.

۲- ن ۱، ۵ = گشته؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = کرده

۳- ن ۸، ۳۵ = عشق؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = عقل (این بیت در نسخه ۱۷ نیافته شد)

۴- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = ناز دارد ناز؛ ن ۸ = باز دارد باز؛ ن ۳۵ = مار دارد ناز؟

۵- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = بجیب دامن درد؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷ = بجیب و دامن درد

۶- ن ۸ = نوش خنده؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = نوشخند

۷- ن ۱۷۲، ۵ = بر سیر سلوک؛ ن ۱ = بر سبهر سلوک؛ ن ۸، ۳۵ = بر مسیر سلوک

۸- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = مراات؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷ = بیِ مراعات

۹- ن ۱۷ = پیچید؛ ن ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۲ = پیچید

۱۰- ن ۵، ۱۷، ۸ = ریز؛ ن ۱، ۳۵، ۱۷۲ = زیر

گریه بیدار گشت چشمه<sup>(۱)</sup> فشان  
 ناگه از بوستانِ عالم غیب  
 کای جگر تشنه چشمه<sup>(۲)</sup> جو چشمه  
 تشنگی آب بر نمی آرد  
 تو و رای امید می جنبان  
 تشنگی تا به چشمه رو آرد  
 تو بدار از عنان گرفتن دست  
 چشمه ای کز نمش بود سیراب  
 بحرِ عرفان علی عالی قدر  
 آن که عزمش گه<sup>(۴)</sup> خیال کند  
 چون فلک آورد به مهمانی  
 افگند هر طرف ز کاهکشان  
 سلب ایمان کند چو سجده بت  
 دل ما خلد و مهر او طوبی  
 نور محضی و هر چه گویندت  
 بر مدیج تو قدسیان ز ادب  
 قفس آفتاب اگر شکند  
 و بر بیارد زمانه زنبوری  
 هر سمندی که کلک صنع کشد  
 هدیه طالع من آبستن  
 چار دیوارِ خانه ام کوه<sup>(۶)</sup> است

ناله پرواز کرد شعله طراز  
 طوطی کرد تنگ شکر باز  
 ترنگردد بخود گلوی نیاز  
 دامن بر زن و به چشمه بتاز  
 یاس گو باش ساز هرزه نواز  
 تو سلاسل مباف و گنده مساز  
 که رسیدی به طرف چشمه فراز  
 تر و خشک ریاض مغز<sup>(۳)</sup> و مجاز  
 که بود آبروی گلشن راز  
 جانبِ عرش چون ملک پرواز  
 جاء او را بغایت اعزاز  
 پرنیانها بر رسم پا انداز  
 گر نیارد به معبد تو نماز  
 جرم ما کبک و عفو او شهباز  
 بجز این استعاره است و مجاز  
 در اندیشه می کنند فراز  
 طوطی رای او کنند پرواز  
 نوش و نیشش تو می کنی ممتاز<sup>(۵)</sup>  
 بال و دم را تو می کنی پرداز  
 بدل کبک و ناخن شهباز  
 چون به شیون برآورم آواز

۱- ۳۵ = گریه فشان ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲ = چشمه فشان

۲- ۳۵، ۸ = چشمه چشمه جو ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = چشمه چشمه ؛ ن ۱۷ = چشمه جو چشمه

۳- ۱۷۲، ۵ = مغز بخار ؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷ = مغز و مجاز ؛ ن ۱ = مغز تجاز ؟

۴- ۱۷ = اگر ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = گه

۵- ۱۷۲، ۱۷ = می کنی پرواز ؛ ن ۱، ۵ = می دهی پرواز ؛ ن ۸، ۳۵ = می کنی ممتاز

۶- ۳۵ = کوه است ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۰ = کوهست

دم روح القدس عزب<sup>(۱)</sup> مانند  
گر مسیح آمدی مرا دمساز  
همه عالم شوند جذر اصم  
گر به عمری لبم گشایم باز

### قصیده سی و پنجم

#### قصیده در مدح حکیم ابوالفتح یا عبدالرحیم خانخانان<sup>(۲)</sup>

زهی نگاه تو شاهین فتنه را پرواز  
غم تو چشمه لذت جو حسن منبع ناز  
ز بام صبر کمندم بغایتی کوتاه  
که دست فتنه حسنت به روزگار دراز  
چنان به ذوق شهادت ز کشتگانم فرد  
که غمزه تو به کشتن ز شیوه‌ها ممتاز  
تبسم تو کلید امید را دیدار  
کرشمه‌های تو با عشق در لباس ادب  
چو گاه خدمت محمود عشوه‌های ایاز  
ز ناز بر سر بالین کس قدم نهد<sup>(۳)</sup>  
زهی غرور که در تکیه گاه وصل دلم  
اگر بوعده وصلت اجل شود دمساز  
سر امید شهادت نهد به زانوی ناز<sup>(۴)</sup>  
هوای باغ که دارد سرور جانم باز  
که چرخ می‌زندش کرد بار صد پرواز<sup>(۵)</sup>

۱- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = عذب؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = عزب

۲- این قصیده در نسخ اول و دوم و پنجم و هفتم و هشتم و دوازدهم و هفدهم و سی و پنجم و یکصد و هفتاد و دو یافته شد

۳- ن ۳، ۵، ۱۷۲ = نه نهد؛ ن ۱، ۲، ۸ = نه نهد

۴- ن ۲، ۱۷ = باز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = ناز

۵- این اشعار تنها در نسخه ۱۷ یافته شدند.

ازین زیاده بساطِ فنا ممهد کن

که فرش خوابِ قصر است پای فتنه دراز

دمی که عشقِ تو تاثیرِ غم کند ارزان

دمی<sup>(۱)</sup> که حُسنِ تو از عشوه سر دهد شهباز

همای غم همه بر خویشتن کند سایه

تذرو جان همه در آستین کند پرواز

بساطِ ناز تو آن کعبه زیارتِ عشق

بسیطِ عجز من این مشهد شهیدِ نیاز

محلّ بوسه جان و محیطِ حسرتِ دل

چه آستانِ حقیقت، چه آستینِ مجاز

دمی که آینه در دست<sup>(۲)</sup> روی بر تابی

ز عکسِ روی خود<sup>(۳)</sup> از غایتِ کرشمه و ناز

دهد مثال به آئینه هوا عکسی

که از مشاهده شکلِ او نماید<sup>(۴)</sup> باز

ز انفعال به یک سو روان شود قبله

چو رو به کعبه کنم در حریمِ عشقِ نماز

جمالِ یوسفِ کنعان به<sup>(۵)</sup> شرم غوطه زند

در آن زمان که بود حسنِ کاملت طناز

نه زلفِ یار ز بادِ صباست<sup>(۶)</sup> رعشه طراز

همای حُسنِ فشانَد<sup>(۷)</sup> جناح در پرواز

۱- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = گهی؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = دمی

۲- ن ۱، ۵، ۸ = دست و روی؛ ن ۲، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = دست روی

۳- ن ۱۷ = خرد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = خود

۴- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = نماند؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = نماید

۵- ن ۱۷، ۲ = به شرم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = ز شرم

۶- ن ۱۷ = نه زلف یار ز باد هواست رعشه زند؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = نه زلف یار ز باد صباست رعشه طراز

۷- ن ۱۷۴ = نشاند؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷ = فشانَد

به صیدگاه تو نگشوده پای تاز<sup>(۱)</sup> هنوز  
 شکسته بال بود جبرئیل در پرواز  
 تموج طیران عرش را برقص آرد<sup>(۲)</sup>  
 چو مرغِ جاهِ تو در لامکان کند پرواز  
 نگونی<sup>(۳)</sup> از علمِ دشمنِ تو یافت نشیب  
 بلندی از چمنِ همتِ تو چید<sup>(۴)</sup> فراز  
 زمانه گفت فلک را به عهدِ صاحب<sup>(۵)</sup> من  
 کدام ذلت و<sup>(۶)</sup> پستی و چیست عزت و<sup>(۷)</sup> ناز  
 جواب داد که نزد من و قضا و قدر  
 همین به نهجِ حقیقت نه بر سیلِ مجاز<sup>(۸)</sup>  
 هر آنچه زبده انواع عزّ او<sup>(۹)</sup> ذلت  
 تو<sup>(۱۱)</sup> و رعیتِ اندیشه طبیعتِ تو  
 هر آنچه فضله آثارِ عاف او اعزاز<sup>(۱۰)</sup>  
 چه شهرزادِ حقیقت چه ده نشین مجاز  
 به تنگنای دل دشمنت ز کوچه حسن  
 رود به تیغِ گرانی سرِ کرشمه و ناز<sup>(۱۲)</sup>

۱- ن ۱، ۵ = پای لفظ؛ ن ۲، ۱۷، ۸ = پای بار؛ ن ۳۵ = پای ناز؛ ن ۱۷۲ = پای ناز

۲- ن ۲ = آورد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = آرد

۳- ن ۱۷ = نگونی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = نگونی

۴- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = چید؛ ن ۱۷ = چند؛ ن ۸، ۳۵ = یافت

۵- ن ۸، ۳۵ = صحبت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = صاحب

۶- ن ۱۷ = ذلتِ پستی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = ذلت و پستی

۷- ن ۱۷ = عزتِ ناز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = عزت و ناز

۸- بطوریکه در نسخه ۱۷ یافته شد، در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ این هر دو اشعار، اشعار آخرین این قصیده هستند.

۹- ن عزه دولت؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = عزا و ذلت؛ ن ۸، ۳۵ = عزا و دولت

۱۰- بطوریکه در نسخه ۱۷ یافته شد، در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ این هر دو اشعار، اشعار آخرین این قصیده هستند.

۱۱- ن ۱۷ = بود رعیتِ اندیشه طبیعت او؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = بود رعیتِ اندیشه طبیعت تو

۱۲- این بیت در نسخه ۱۷۲ نیست.



حریرِ خامه چنان است در اناملِ تو  
 که کبک قهقهه سنجد به مقلبِ شهباز  
 به روی نامه گشایی دریچه الهام  
 به نوکِ خامه فشانی و فینه اعجاز  
 مزاج دشمنِ جاءِ تو در قبول<sup>(۱)</sup> فساد  
 نظیر آب و هوای ولایتِ اهواز  
 طبیعتِ تو ز آرایش متاع هنر  
 عدیل مملکتِ حسن شاهدانِ طراز

### قصیده سی و ششم اسم ممدوح پیدا نیست<sup>(۲)</sup>

پای طاووس طبیعت به حنا بستم باز  
 تالاب کبکی سبک خنده نبینم<sup>(۳)</sup> طنّاز  
 لیک هر کبکی دری زاغ و زغن خنده زند<sup>(۴)</sup>  
 گر به این حیل طرازی نشود قهقهه ساز  
 پای طاووس به این شعله ز زشتی<sup>(۵)</sup> دارد  
 کز وی این زرقی<sup>(۶)</sup> تنک مایه نباید<sup>(۷)</sup> به گداز

آتشکده: اشعار ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و بهار عجم: اشعار ۲، ۶، ۱۴، ۱۵، ۲۱

۱- ن ۱، ۱۷۲، ۵ = فساد قبول؛ ن ۲، ۳۵، ۸ = قبول فساد

۲- این هم یکی از نادر قصائد هست و تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۱ یافته شد.

۳- ن ۱۷ = نمی بینم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = نه بینم طنّاز

۴- ن ۱۷ = خنده زند؛ ن ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = خنده زند

۵- ن ۱۷، ۳۵ = شعله ز زشتی دارد؛ ن ۱، ۵، ۲، ۱۷۲ = شعله ز زشتی دارد؛ ن ۸ = شعله ز زشتی دارد

۶- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = زرق؛ ن ۱۷، ۳۵، ۸ = زرق

۷- ن ۸ = نباید؛ ن ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = نباید؛ ن ۱ = نباید

خود حنا چون کند آرایشِ حسنش<sup>(۱)</sup> بصفای  
 که همین لحظه به منتقار پذیرد پرواز  
 مایه زشتی ما بیشتر از حُسنِ پُر<sup>(۲)</sup> است  
 این نشیب است فرومایه تر از چند فراز  
 نیش<sup>(۳)</sup> الماس میفکن به ره ای خنده کبک  
 پای طاووس نیرزد به چنین پای انداز  
 طعنه گو طرفِ کله بشکن و دامن بر زن  
 که برون تاخته از پرده یکی شعبده باز  
 به حوالی قدم گردد و ریزد خوی شرم  
 به تماشای<sup>(۴)</sup> جناح آید و چیند گلی ناز  
 این یکی معنیش آنست که این زشتی و<sup>(۵)</sup> حسن  
 کاش در حاصلِ یک باغ نبودند<sup>(۶)</sup> انباز  
 این<sup>(۷)</sup> یکی حاصلش این است که از زشتی نیست<sup>(۸)</sup>  
 حُسن هم هست، همان به که شوم عشوه طراز  
 فی المثل گر به ثریا برد از تختِ ثری  
 زشتی پای ز طاووس کجا<sup>(۹)</sup> ماند باز  
 طبعم از جوششِ معنی بفلک ریزد موج  
 آشیان می کند از شوخی مُرغم پرواز

۱- ن ۱۷ = حسنش ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = پایش

۲- ن ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = پُر ؛ ن ۸ = بر ؛ ن ۲، ۵ = تر

۳- ن ۱۷ = نیش ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = ریش

۴- ن ۱۷ = جوابی ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = تماشای

۵- ن ۳۵ = زشتی حسن ؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲ = زشتی و حسن

۶- ن ۱۷ = نبودند بباز ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = نبودند انباز

۷- ن ۳۵، ۸ = آن ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = این

۸- ن ۱۷، ۲ = هست ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۲، ۳۵ = نیست

۹- ن ۱۷ = نمی ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = کجا

طوبی از عطسه فردوس شود میوه<sup>(۱)</sup> فشان  
 گر شود عطر نسیم خردم روضه طراز  
 عجز محمود پی تحفه به هر سو<sup>(۲)</sup> چیند  
 از دلم گگر شکستنستان طلبد زلف ایاز  
 گر من آرایش بازار چه بیع<sup>(۳)</sup> کنم  
 جنس شان نقد شود عشوه فروشان طراز  
 چشم پوشیده نگاه است که داند جز دوست  
 لب فرو<sup>(۴)</sup> بسته زیانست که من دانم و<sup>(۵)</sup> راز  
 نغمه از پرده<sup>(۶)</sup> اسرار نچیند زخمه  
 سحر بازچه فروشی نکند با اعجاز  
 بیش ازین زمزمه صدق تگنجد به سماع  
 نغمه لاف به رقص آورم<sup>(۷)</sup> از لهجه ساز  
 باد عیسی به چمن می وزد ای<sup>(۸)</sup> روضه مسوز<sup>(۹)</sup>  
 آب حیوان به دهن می چکد، ای تشنه<sup>(۱۰)</sup> بساز<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۵ = شعله ؛ ن ۱، ۲، ۵ (حاشیه)، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = میوه

۲- ن ۲ = بهر سو بیند ؛ ن ۱ = بهر موج اند ؛ ن ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = بهر سو چیند ؛ ن ۲ = به هر سو بیند ؛ ن ۱۷ = به هر سو چیند

۳- ن ۲ = عیب ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = بیع

۴- ن ۱۷ = فرو ؛ ن ۸ = پر ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۳۵، ۱۷۲ = بر

۵- ن ۱۷ = دانم و راز ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = دانم باز

۶- ن ۱، ۵ = از پرده اسرار نه چیند زخمه ؛ ن ۲، ۱۷ = نغمه از پرده زند جوش و بیچیند زخمه ؛ ن ۸، ۳۵ = نغمه از پرده زند جوش نه جهد زخمه ؛ ن ۱۷۲ = نغمه از پرده زند جوش نچیند زخمه

۷- ن ۸ = آورد ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۲، ۱۷۲ = آورم

۸- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = این ؛ ن ۵، ۱۷ = ای

۹- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = مسوز ؛ ن ۱۷ = بسوز

۱۰- ن ۱، ۱۷ = تشنه ؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷۲ = بسته

۱۱- ن ۲، ۸، ۱۷، ۳۵ = بساز ؛ ن ۱، ۵ = مناز ؛ ن ۱۷۲ = مساز

عالمی شقی قمر دید ز انگشتِ نبی  
بولهب گو مگشا چشم حسد بر اعجاز<sup>(۱)</sup>

### قصیده سی و هفتم

قصیده در مدح امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی ابن ابی طالب کرم‌الله وجهه

این بارگاه کیست که گویند بی هراس  
کای اوجِ عرشِ سطحِ حُضیفِ ترا مماس  
مستقر بند کرده ز سستی<sup>(۲)</sup> هزار جای<sup>(۳)</sup>  
تا اولین دریچهٔ آن<sup>(۴)</sup> طایرِ قیاس  
آورد گوشوارِ مرصع به رشوه<sup>(۵)</sup> عرش  
کزوی علو شأن ستاند<sup>(۶)</sup> به التماس  
نی سایه‌اش لباس ببر<sup>(۷)</sup> کرده از علو  
نی کرده نورِ مهر زران‌دودی<sup>(۸)</sup> لباس  
از بس که نور بارد<sup>(۹)</sup> ازو<sup>(۱۰)</sup> در حوایش  
خورشید روشنی کند از سایه اقتباس  
گر بشنود نسیم هوای حریم او  
بر سفرِ نوبهار هجوم آورد عطاس

۱- در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ شعر نمره ۱۲ بعد این بیت یافته شد و این هر دو اشعار بین اشعار ۱۵ و ۱۶ هستند.  
درین قصیده ترتیب اشعار مطابق نسخه ۱۷ هست

۲- ن ۱، ۱۸، ۳۳، ۲۸ = سستی؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۳۳ (حاشیه)، ۳۳ (حاشیه)، ۲۹، ۲۴، ۳۵ = سستی

۳- ن ۴ = هزار جاه؛ ن ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۴ = جا؛ ن ۱، ۵، ۶، ۳۵ = جای

۴- ن ۳۵، ۲۹، ۱۷، ۵، ۱، بهار عجم = او؛ ن ۴، ۱۸، ۲۵، ۲۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آن

۵- ن ۹ = هدیه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = رشوه

۶- ن ۴ = نستاند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = بستاند

۷- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، رحیم، مسرت، عجیب و غریب = سیه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره

= به‌بر

۸- قطب = اندودی‌اش؛ همه نسخ معه شرح میرزا جان و رحیم = اندودی

۹- ن ۳۵، ۸ = تابد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ و غیره = بارد

۱۰- ن ۲۹ = ازین؛ همه نسخ دیگر = ازو

گفت آسمان مرا که بگو این چه منظر<sup>(۱)</sup> است  
 کز رفعتش نه وهم نشان داد<sup>(۲)</sup> و نی قیاس  
 گفتم که عرش نیست،<sup>(۳)</sup> ز جاج است، و لب گزید  
 گفتا نعوذ بالله از یسن طبعِ دون اساس  
 شرمی بکن، چه عرش و چه کرسی، نه<sup>(۴)</sup> بارها  
 گفتم بصره حرف زن ای پایه<sup>(۵)</sup> ناشناس  
 ایسن قصرِ جاه<sup>(۶)</sup> واسطه آفرینش است  
 یعنی علی، جهانِ معانی، امامِ ناس  
 آنجا که لطفِ او عملِ کیمیا کند  
 زر دارد التماسِ طلائیّت از نحاس  
 معجونی از بلاهتِ<sup>(۷)</sup> خصم و شعورِ اوست  
 کیفیتی که کرده قضا نامِ آن<sup>(۸)</sup> نعاس  
 ای از شمیمِ جمیعِ عروسانِ خلقِ تو<sup>(۹)</sup>  
 پیچیده در مشام نسیم صبا عطاس  
 نه اطلیس فلک نشود عطفِ دامنش  
 بر قیدِ کبریای تو دوزند اگر لباس

۱- شرح عجیب و غریب = منبر؛ همه نسخ دیگر بشمول آتشکده، شرح رحیم = منظر

۲- آتشکده = ماند؛ دیگر همه نسخ و شرح‌ها = داد

۳- ن ۲۹ = هست؛ ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و غیره = نیست

۴- ن ۱۷، ۵، آتشکده = که؛ ن ۱۹ = چه؛ ن ۱، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نه

۵- ن ۱۸، ۴، ۲۰، ۲۵، ۳، ۱۷۱، ۳۳، ۲۴، ۹ = پایه؛ ن ۱، ۷، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مایه

۶- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۲۸ = قصر جای؛ آتشکده = بارگاه؛ ن ۱ = قصر و جاه؛ ن ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = قصر  
 جاه

۷- ن ۲۸، ۶ = معجونی و ملامت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵، میرزا جان = معجونی از بلاهت؛ شرح  
 قطب = معجونی از بلاوت

۸- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۷۱ = آن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = او

۹- شرح رحیم، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = او؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = تو

دشمن چو یافت<sup>(۱)</sup> حزمِ ترا،<sup>(۲)</sup> گفت با زحل  
 چون بختِ من بخواب که فارغ شدی ز پاس<sup>(۳)</sup>  
 با صیقلِ ضمیرِ تو چون عکسِ آینه  
 مرعی شود ز ظلّ بدن صورتِ حواس  
 لیل و نهارِ نسبتِ<sup>(۴)</sup> شان منعکس شود  
 گر مه ضیا<sup>(۵)</sup> کند ز ضمیرِ تو اقتباس  
 زلفین<sup>(۶)</sup> مه و شان نپذیرند صیدِ دل  
 عفوِ تو عام سازد اگر منعِ احتباس  
 حفظِ<sup>(۷)</sup> تو گر ندای امان در دهد به بحر  
 شاید که سطحِ آب شود شعله را مماس  
 گرمابهٔ جهانِ جلالِ ترا بود  
 از مهر<sup>(۸)</sup> و ماه جام و ز هفتم سپهر طاس  
 جاهِ ترا سپهرِ سمندی بود که هست  
 از آفتاب<sup>(۹)</sup> شعشه در گردشِ قطاس  
 شاها منم که چون فرسِ طبعِ زین کنم  
 گسیرد به دوش غاشیهٔ عجزِ بنوئاس

۱- ن ۱، ۲، ۵، شرح مسرت = دید؛ ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = یافت

۲- ن ۶ = عزم تو؛ ن ۲، ۲۸ = حزم ترا؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۹ = حزم ترا؛ ن ۳۵ = حرم ترا؟

۳- ن ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = پاس؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۹، ۳۵ = یاس؛ ن ۲۹ = باس

۴- شرح قطب، میرزاجان، ۳ = صورت؛ ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نسبت

۵- شرح مسرت = کند ضیاء ضمیر تو؛ کارنامه = صفا کند ز ضمیر تو؛ همه نسخ چابی و خطی و شرح میرزاجان و قطب = ضیا کند ز ضمیر تو

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = گیسوی مهوشان؛ ن ۶ = زلفین دلبران؛ ن ۲، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۹، ۱۷۱ = زلفین مهوشان

۷- شرح میرزاجان = حفظت اگر؛ همه نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۱ و غیره = حفظ تو گر

۸- ن ۱۷ = ماه و مهر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مهر و ماه

۹- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = آفتاب و شعشه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، مسرت، قطب، رحیم = آفتاب شعشه

فرماندهی نداشتی چون من جهانِ نظم  
 وین حرف با ظهیر توان گفت بی هراس  
 طرزِ کلامِ غیر کجا وین روش کجا  
 نسناس را کسی نشناسد<sup>(۱)</sup> ز نوعِ ناس  
 در شعرِ من چه کار کند ناخنِ حسود  
 بس فارغ است خوشهٔ پروین ز جورِ داس  
 نظمِ حسود و شعرِ مرا در میان بود  
 بعدی که واقع است میانِ امید و یاس  
 عرفی بس است بیهوده دستِ دعا برآر  
 نزدِ جلیل<sup>(۲)</sup> عزوجل بهر<sup>(۳)</sup> التماس  
 لبریز باد جامِ حیاتِ<sup>(۴)</sup> موافقت  
 تاهست گرم دورهٔ این واژگونه طاس  
 بی خوشه باد کشتِ مُرادِ مخالفت  
 چندان که دانه آرد شود در دهانِ آس

### قصیدهٔ سی و هشتم قصیده در مدح شهنشاه جلال‌الدین محمد اکبر

کجا به حسن شود با تو هم‌عنان نرگس  
 تو چشمِ عالمی و چشمِ بوستان نرگس<sup>(۵)</sup>

بهار عجم: اشعار ۱۱، ۱۳، ۵۰

۱- ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۹ = شماره؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۳۵، رحیم = نه شناسد

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۳۵ = خدای؛ ن ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = جلیل

۳- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹ = دست؛ ن ۱۷، ۳۵ = بهر

۴- ن ۱۷ = نشاط؛ دیگر همه نسخ چاپی و خطی = حیات

۵- این مطلع تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ یافته شد. در نسخه هفدهم این بطور مطلع ثانی است بعد از شعر ۱۵

به طشتِ سیم نهد نصف سر از آن نرگس  
 که زخمِ تیغِ فنا را دهد نشان نرگس  
 به عشوه باج<sup>(۱)</sup> گرفتگی ز بوستان<sup>(۲)</sup> امروز  
 اگر چو چشم تو بودی کرشمه‌دان نرگس  
 فتاد<sup>(۳)</sup> چشم تو بیمار و ترکِ عشوه گرفت  
 ز پشت پای برآرد سر این زمان نرگس  
 خمار و<sup>(۴)</sup> مستی خود را به غمزه تو فروخت  
 دگر نماند متاعیش در دکان نرگس  
 ز مهر بر سرِ اطفال سبزه می‌لرزد  
 نه از نسیم صبا لرزد آنچنان نرگس<sup>(۵)</sup>  
 نهاد<sup>(۶)</sup> چشم تو مسند به پیشگاه بهشت  
 اگر به زیر نگین یافت بوستان نرگس  
 نکرده جرمی و از شرم بر زمین بیند  
 ازین<sup>(۷)</sup> صفت شده مقبولِ مردمان نرگس  
 به عالم آمده خسرو ترنج زر بر<sup>(۸)</sup> کف  
 ز<sup>(۹)</sup> جهل نامش کردند سادگان نرگس  
 گهی شراب و<sup>(۱۰)</sup> گهی شربتِ بنفشه خورد  
 ز جامِ لاله، که شوخ است و نا توان نرگس

- ۱- ن ۱۷ = باب ؛ ن ۴، ۹ (پاورق)، ۲۸ = تاج ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = باج  
 ۲- ن ۹ = بوستان افروز ؛ همه نسخ دیگر مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۹ (پاورق) = امروز  
 ۳- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۲، ۲۹، شرح میرزا جان، کارنامه = فتاد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۳۵ = فتاده  
 ۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۹، ۱۷۰، شرح رحیم = خمار مستی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خمار و مستی  
 ۵- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.  
 ۶- ن ۱۷، ۱۸، کارنامه، مسرت = نهاد ؛ دیگر همه نسخ = نهاد  
 ۷- ن ۳۵ = ازان ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = ازین  
 ۸- ن ۲، ۲۸، قطب = در ؛ همه نسخ دیگر = بر  
 ۹- ن کارنامه = به جهل ؛ همه نسخ دیگر = ز جهل  
 ۱۰- ن ۹، شرح رحیم، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گهی شراب گهی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۲۹، ۱۷۰ = گهی شراب و گهی



به حسن لیلی باغ است لیک مجنون وار  
 نهاده بر سر هر موی آشیان نرگس  
 عروس حُجَلَه باغ است از حریر سپید  
 کشیده مقنعه برگرد رو<sup>(۱)</sup> از آن نرگس  
 زبان طعنه سوسن ز کام چون نکشید<sup>(۲)</sup>  
 اگر نه روی چمن دید در میان نرگس  
 ز لاله کرده بظاهر قبول دعوی حسن  
 ولی نهان زده چشمک به ارغوان نرگس  
 بجای خون خورش در رحم مگر قی بود  
 که مست شد متولد به بوستان<sup>(۳)</sup> نرگس  
 ز بسکه نیست بخویش<sup>(۴)</sup> اعتمادش از مستی  
 نهاده در بغل لاله سرمه دان نرگس  
 کجاست لیلی تا بنگرد به صحن چمن  
 که هست بر سر هر موی آشیان نرگس<sup>(۵)</sup>  
 برای طفل بنفشه و غنچه سیراب  
 فرو گذاشته پستان چو دایگان نرگس  
 چمن ز سایه سنبل هزار شب<sup>(۶)</sup> دارد  
 اگر چه ساخته خورشید را عیان نرگس

۱- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۱ = روی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = رو

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷۰ = نه برید؛ ن ۲۹ = ببرید؛ ن ۳۵ = ببرند؛ ن ۱۹ = نشود؛ ن ۲۸ = نه رند؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = نه کشید؛ ن ۱۷۱ = نکشند؛ ن ۹ = نکشد

۳- ن ۱۷۰ ۳۵ ۲۹ ۸ ۵ ۱ = ز بوستان؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = بیوستان

۴- ن ۱۸، ۲۱، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۴، ۲، ۱۷، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = خویش؛ ن ۳، مسرت، عجیب و غریب = خود

۵- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۶- قطب = سر؛ دیگر همه نسخ کلیات و شرح ها = شب

کشد ز هر سرِ مو شعله لیک<sup>(۱)</sup> این عجب است  
 که بی فتیله بود شمع بوستان نرگس  
 فراسیابِ چمن راست بهر حرب<sup>(۲)</sup> خزان  
 سمند باد و زره سبزه و سنان نرگس  
 لباسِ خضر<sup>(۳)</sup> بپوشید<sup>(۴)</sup> و طاس بازی کرد  
 ز شیخکان<sup>(۵)</sup> مشعبد دهد نشان نرگس  
 سحر که دیده گردون به شش جهت باز است  
 کند به شعبده تقلید آسمان نرگس  
 کسی ندیده به عالم قماشِ نورافشان  
 مگر گرفته ز برجیس طیلان نرگس  
 چو غنچه کیسه پُر از زر کن ای چمن که دگر  
 رساند بر درِ دروازه خزان نرگس  
 مگر به دامنِ احسانِ شاه زد پنجه  
 که گنج سیم و زرش روید<sup>(۶)</sup> از بُنان نرگس  
 طراوتِ چمنِ روزگار اکبرشاه  
 که گشته از اثرِ بختِ او جوان نرگس<sup>(۷)</sup>  
 خیالِ کجرویش<sup>(۸)</sup> سایه بر دماغ افکند  
 کش اوفتاده ز سر مغز در دهان نرگس

۱- ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷ = شعله‌ای و این عجب است؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، کارنامه، رحیم، عجیب و غریب،

۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شعله لیک این عجب است

۲- ن ۹ = جنگ؛ دیگر همه نسخ بشمول ۹ (پاورق) = حرب

۳- ن ۲ = فقر؛ دیگر همه نسخ = خضر

۴- ن ۴، ۱۷۱ = بپوشید؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بپوشید

۵- شرح قطب = بچکان؛ دیگر همه نسخ = شیخکان

۶- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخه‌های چاپی هند) = دید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = روید

۷- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۸- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = کز؛ ن ۳، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = کج

ز بس که حور<sup>(۱)</sup> و ملک دیده بر درش سودند  
 سزد که رویدش از خاکِ آستانِ نرگس  
 اگر به خوابِ بییند خیالِ رفعتِ او  
 کلاه گوشه رساند<sup>(۲)</sup> به آسمانِ نرگس  
 صبا ز حاجب<sup>(۳)</sup> او نرخِ سرمه می‌پرسید<sup>(۴)</sup>  
 مگر به خاکِ درش دوخت دیدگانِ نرگس  
 اگر<sup>(۵)</sup> به صحنِ چمن فی‌المثل شجاعتِ او  
 دهد نهیب که هین یاسمین دهانِ نرگس  
 چو عکسِ لاله زند یاسمین در آبِ آتش  
 چو شاخِ بید کشد خنجر از میانِ نرگس  
 اگر بدست کند<sup>(۶)</sup> گردد راه او بنهد<sup>(۷)</sup>  
 دکانِ سرمه فروشی<sup>(۸)</sup> ز دیدگانِ نرگس  
 مگر ز نعمتِ<sup>(۹)</sup> خلقتش بهارِ خوانِ آراست  
 که چشمِ دوخته بر صحنِ بوستان<sup>(۱۰)</sup> نرگس<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۱۷ = خلق؛ همه نسخ دیگر = حور

۲- ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = رساند به آسمان؛ ن ۱، ۲، ۵ = رساند بر آسمان؛ ن ۳ = بدوزد ز دیدگان

۳- ن ۳۵ = جانب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = حاجب

۴- ن ۱۷، ۲۸ = می‌پرسید؛ ن ۱۷۰ = می‌پرسند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = می‌پرسد

۵- ن ۲۹ = مگر؛ همه نسخ چاپی و خطی دیگر = اگر

۶- ن ۵ = فتد؛ همه نسخ دیگر = کند

۷- ن ۳ = ببند؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۸ = بنهد

۸- ن ۳، ۵، ۹، شرح رحیم = سرمه فروشی ز دیدگان؛ ن ۲ = سرمه فروشی به دیدگان؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = سرمه فروشی دیدگان؛ ن ۱ = فروسی بازار دیدگان

۹- ن ۸، شرح رحیم = مدحت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = نعمت

۱۰- ن ۳۵ = آستان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹ و غیره = بوستان

۱۱- در نسخ ۱، ۴، ۵، ۱۸ این بیت بعد از بیت ۲۹ یافته شد و در نسخ ۹، ۱۸، ۲۰ و دیگر نسخ قصاید چاپی در هند این بیت قبل از بیت ۲۹ یافته می‌شود. در دیگر نسخ هم ترتیب اشعار اختلاف دارد.

مگر گرفته ز خُلق تو خلعتی که مدام  
 ز بوی جامهٔ یوسف دهد نشان نرگس<sup>(۱)</sup>  
 دوام جِـاوه تو گر باغبانِ دهر شدی  
 بیافتی چو خضر عمرِ جاودان نرگس<sup>(۲)</sup>  
 به صحنِ باغ ز گنجینهٔ امانتِ تو<sup>(۳)</sup>  
 بدوش دیده کشد<sup>(۴)</sup> گنجِ شایگان نرگس<sup>(۵)</sup>  
 ز بهر گوشهٔ دستارِ جِـاوه او گردون  
 ز آفتاب گل آرد ز<sup>(۶)</sup> فرقدان نرگس  
 ایـا شهی که به ایثارِ عطر در عالم  
 ز فیضِ خلق تو گردیده داستان نرگس  
 تمام روز بود با سفیدهٔ دم خورشید  
 چو صنعتش کند از آسمان<sup>(۷)</sup> بیان نرگس<sup>(۸)</sup>  
 اگر بنامیه<sup>(۹)</sup> عنفش<sup>(۱۰)</sup> تسلط آموزد  
 بدستِ قوس<sup>(۱۱)</sup> قزح بشکند کمان نرگس

۱- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ یافته شد

۲- ترتیب این اشعار مطابق ترتیب نسخه هفدهم است. در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۲۹ این بیت بعد از شعر ۲۶ یافته شد.

۳- ن ۱۷، ۴ = تو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = او؛ ن ۲۸ = شاه

۴- شرح میرزا جان = کند؛ همه نسخ چاپی و خطی = کشد

۵- در نسخه چهارم این بیت بعد از شعر ۳۳ یافته شد و در نسخه نهم قبل آن شعر

۶- شرح رحیم = بفرقدان؛ همه نسخ دیگر = ز فرقدان

۷- ن ۱، ۵، ۳۵ = آسمانیان؛ ن ۲، ۸، ۱۷ = آسمان بیان

۸- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۹- ن ۱، ۴، ۵، ۲۸ = اگر بنامیه؛ ن ۳، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = اگر بنامیه

۱۰- ن ۱۷ = عنفت؛ همه نسخ دیگر = عنفش؛ ن ۱ = عشقش

۱۱- ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = قوس قزح؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = قوس و قزح

شکفته نرگسی<sup>(۱)</sup> از باغِ رای تو چیدم<sup>(۲)</sup>  
 که آفتاب بود ذره‌ای از آن نرگس<sup>(۳)</sup>  
 سیاست<sup>(۴)</sup> تو جهان را به رنگ و بو دارد<sup>(۵)</sup>  
 ز خستگیت<sup>(۶)</sup> چنین خرّم و جوان نرگس  
 کنند سجده برش سرکشانِ باغ اگر  
 نشان دهی که نه چندی کسی فلان نرگس  
 نجومِ ثابت و سیّار بر تو افشانند  
 اگر هوس کنی از باغِ<sup>(۷)</sup> آسمان نرگس  
 دو چشمِ خویش بناخن برآورد رضوان  
 اگر طلب کنی از روضهٔ جنان نرگس  
 ز<sup>(۸)</sup> بحرِ دست تو جدول مگر بریده که هست  
 بجای آب ز فواره زرفشان نرگس  
 اگر ز لذّتِ مدحِ تو آگهی یابد  
 بجای چشم برون آورد زیان نرگس  
 ز باغِ لطفِ تو گلها دمد که می‌چیند<sup>(۹)</sup>  
 فضاله چینی ز کران سوسن از میان نرگس  
 چنان هوای تو بگرفت پای تابه سرش  
 که جای مغز نماندش در استخوان نرگس

۱- ن ۳۵، ۸ = ترگلی؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = نرگسی

۲- ۵ = او دیدم؛ ن ۱، ۲، = تو دیدم؛ ن ۳۵، ۸ = تو چیدم

۳- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = یافته شد.

۴- ۹ = سیادت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = سیاست

۵- ۳ = داند؛ شرح رحیم، کارنامه = آورد؛ ن ۱۷۰ = آرد؛ ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ و غیره = دارد

۶- ن ۱۷ (حاشیه) = ز حفظ اوست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = ز خستگیت

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بام؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۳، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = باغ

۸- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = به بحر؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = ز بحر

۹- ن ۱، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، شرح کارنامه، شرح میرزا جان، رحیم = برچیند؛ ن ۱، ۲، ۴، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ =

می‌چیند

هم از نتیجه افراطِ نعمتِ تو بود  
 که بر نهاده دهان<sup>(۱)</sup> بر سرِ دهان نرگس<sup>(۲)</sup>  
 نعیمِ جودِ تو مخصوصِ جنسِ انسان<sup>(۳)</sup> نیست  
 ز پایِ تا به سر آمد<sup>(۴)</sup> شکمِ از آن<sup>(۵)</sup> نرگس  
 شمایلِ تو نویسد به نورسانِ چمن  
 زیان<sup>(۶)</sup> کلکش از آن گشت گلفشان نرگس  
 نهاده در طبقِ سیم و بر<sup>(۷)</sup> نهاده به سر  
 به عزمِ مطبخِ خوان<sup>(۸)</sup> تو اقحوان نرگس<sup>(۹)</sup>  
 دیارِ خلقِ تو بی فضلِ آنچنان<sup>(۱۰)</sup> که خرنند  
 برای همیزم گلخن ز باغبان<sup>(۱۱)</sup> نرگس  
 مبارزانِ ترا ز اشتیاقِ چهره و چشم  
 ز تیغِ لاله برون آید،<sup>(۱۲)</sup> از سنان نرگس  
 نظر به بختِ حسودت گشاد از آنرو<sup>(۱۳)</sup> یافت  
 سفیدیِ مژده در بدو<sup>(۱۴)</sup> عنفوان<sup>(۱۵)</sup> نرگس

۱- ۲۹ = دهان بر دهان ازان ؛ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = دهان بر سر دهان

۲- این شعر تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۹، شرح رحیم، ۸، ۳۵ = حیوانست ؛ ن ۲۸ = ایشان نیست ؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = حیوان نیست ؛ ن ۲۸، ۱۷۰ = انسان نیست

۴- ۲۸ = آید ؛ همه نسخ دیگر = آمد

۵- ۸، ۳۵ = ازان دهان ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شکم ازان

۶- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = زیان ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ز بانگ

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بر ؛ ن ۱۷ = سر ؛ شرح میرزا جان = زر

۸- ن ۸، ۳۵ = مطبخِ خوان تو ؛ ن ۱۷ = مطبخِ خلقتِ جو ؛ ن ۱، ۲ = مطبخِ خلقِ تو ؛ ن ۵ = مطبخِ جودِ تو

۹- این شعر تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = گلشنی که درو ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۱۹، ۳، ۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = آن چنان که خرنند

۱۱- ن ۱، ۵، ۲۹ = شود گران ؛ ن ۱۷ = بود گران ؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۵ = ز باغبان

۱۲- ۲۸ = آمد ؛ کارنامه = آرد ؛ همه نسخ دیگر = آید

۱۳- شرح رحیم = دریافت ؛ همه نسخ دیگر = دریافت

۱۴- ن ۱، ۱۷، ۲۸ = در دیده ؛ ن ۱۹ = در حد ؛ ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = بدو

۱۵- ن ۱۷، ۲۸ = ارغوان ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸ = غیره = عنفوان

بدونِ فیضِ تو بینا کجا شود، هرچند  
 ز بوی جامهٔ یوسف دهد نشان نرگس  
 به خوابِ متهمش می‌کنی و شرمِت باد<sup>(۱)</sup>  
 که روی خوابِ ندیده‌ست در جهان نرگس<sup>(۲)</sup>  
 به سیم و زر صفتش می‌کنی ولی دانی  
 که<sup>(۳)</sup> این متاعِ نچیده‌ست در دکانِ نرگس<sup>(۴)</sup>  
 ز ریش<sup>(۵)</sup> بر سرِ دستار و زین خیال گذشت  
 که سر برآورد از جیبِ آسمانِ نرگس  
 ز<sup>(۶)</sup> باغِ مدحِ تو دوشیزگانِ خاطرِ من  
 به سر زدند<sup>(۷)</sup> ز شوخیِ یگان‌یگانِ نرگس  
 سزد که دیر به خدامِ مجلس<sup>(۸)</sup> تو رسد  
 که کرده دامنِ هر بیت را گرانِ نرگس  
 برین چمنِ نظری کن که از میانهٔ او  
 دمیده سنبِل و ریحان و از کرانِ نرگس  
 تبارک‌الله ازین<sup>(۹)</sup> باغِ دلگشاکه در او  
 به چار<sup>(۱۰)</sup> فصل بود تازه و جوانِ نرگس  
 نسیمِ نسبتِ مدحتِ گشاد غنجهٔ او  
 و گر نه چون رهد از آفتِ خزانِ نرگس

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵ = باد؛ ن ۱۷، ۲۹ = نیست

۲- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵ = که این متاع؛ ن ۱۷، ۲۹ = کزین متاع

۴- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۵- شرح رحیم = زری تو؛ همه نسخ دیگر مثل ۱، ۴، ۱۷، ۳۵، ۹ و غیره = ز ریش

۶- شرح میرزا جان = باغ؛ همه نسخ دیگر = ز باغ

۷- ن ۴، ۲۸ = زنند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = زدند

۸- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = روضه؛ ن ۱۷۰ = درگاه؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵، شرح رحیم = مجلس

۹- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = ازان؛ ن ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸ = ازین

۱۰- شرح رحیم = بهار؛ همه نسخ دیگر = به چار

ز بسکه داشت ز خلقت امید عفو و<sup>(۱)</sup> عطا  
 به شهر مدح تو آورد کاروان نرگس  
 ببزم مدح تو مهمان بود ولی ز ادب  
 صف نعال گزیند چو میزبان نرگس  
 چو مجلس تو ز گلهای جتیش<sup>(۲)</sup> تنگ<sup>(۳)</sup> است  
 بدامن از چه کنند این بهشتیان نرگس<sup>(۴)</sup>  
 ز فیض نسبت مدح تو تاجداری یافت  
 ز پشت پای برآورد سر این زمان نرگس  
 ببین که از چمن طبع<sup>(۵)</sup> من به مجلس تو  
 چگونه گشت ز دنبال هم روان نرگس  
 نهفته گوش ملایک بجای نرگس دان  
 ز باغ طبع چو بخشم به عرشیان<sup>(۶)</sup> نرگس  
 ببزم مدح تو عرفی نهاده نرگس دان  
 اگر چه لایق این بزم نیست آن نرگس<sup>(۷)</sup>  
 همیشه تا ز نم ابر و گردش مه و مهر  
 بروید از چمن باغ و بوستان نرگس<sup>(۸)</sup>

آتشکده = شعر ۵؛ بهار عجم: شعر ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۴۹، ۷۶، ۹۹

- ۱- ن عفو خطا؛ ن ۱۷۰ = عفو و خطا؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = عفو و عطا
- ۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = چنینش؛ ن ۲، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = جتیش
- ۳- ن ۲، ۹، ۱۸، ۳۳ = تنگ؛ ن ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۷۱، شرح میرزا جان = تنگ
- ۴- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۳ این شعر بعد از شعر ۶۷ بود و در نسخ ۴، ۹، ۱۸، ۲۰ بعد از بی ۶۴ و در نسخ ۱۷، ۱۹، ۳۵ مطلقاً موجود نیست.
- ۵- ن ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۰، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۸، ۲۹ = طبع من؛ ن ۱، ۲، ۳۵، ۸ = مدح من
- ۶- ن ۱۸ (حاشیه) = فرشیان؛ همه نسخ دیگر = عرشیان
- ۷- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.
- ۸- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.



به باغِ دهر<sup>(۱)</sup> ز تاثیر مهر و مه بادا

و جودِ شاه چمن، عمرِ جاودان نرگس<sup>(۲)</sup>

### قصیده سی و نهم

قصیده در نعتِ سیدالمرسلین صلی الله علیه و سلم<sup>(۳)</sup>

ای مهرِ تو جان آفرینش	نعتِ تو زبان آفرینش
لطفِ تو چمن طرازِ امکان <sup>(۴)</sup>	خشمِ تو خزانِ آفرینش
جودت همه بخشِ عالمِ کون	علمت همه دانِ آفرینش
با لقمه همتِ تو بس تنگ	میدانِ دهانِ آفرینش
همتای تو بهترین خطابش	بی نام و نشانِ آفرینش
در جنب تعینت دو عالم	بهمان و فلانِ آفرینش
تا گوهرِ فطرتِ تو گردید	آئینِ دکانِ آفرینش
تیزی بگذاشت <sup>(۵)</sup> تیشه صنع	در کاوشِ کانِ آفرینش
ناشی ز هوای جلوه تو	ارخای <sup>(۶)</sup> عنانِ آفرینش
در ضمنِ شمردنِ عطایت	افلاجِ بُنانِ آفرینش
اندیشه احتمالِ شانت	زانسوی گمانِ آفرینش
مهمانی میزبانِ جودت	عییدِ رمضانِ آفرینش
شمشیرِ کمالِ تو نباشد <sup>(۷)</sup>	محتاجِ فسانِ آفرینش
معراجِ تو در هوای لاهوت	حدُّ طیرانِ آفرینش

۱- ن ۳۵ = مدح ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = دهر

۲- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۳- این قصیده در زمین انوری طرح شده - مطلع انوری :

ای شادی جان آفرینش

۴- ن ۶، ۱۷ = ارکان ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = امکان

۵- ن ۶، ۳۵، ۲۹، شرح مسرّت = نگذاشت ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۱۷۱ = بگذاشت

۶- ن ۲۸ = از خوان ؛ ن ۸ = از جای ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ارخای

۷- ن ۱۷ = نباشد ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۰ = نیامد ؛ ن ۸، ۱۷۰ = نیاید ؛ ن ۱، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۳۵ =

با طالعِ حاسدِ تو همزاد<sup>(۱)</sup>  
 با نطفهٔ دشمنِ تو توام  
 عیسیِ مگس و<sup>(۲)</sup> تکلمِ تو  
 امکانِ وجودِ دشمنِ تو  
 صافی<sup>(۳)</sup> شکرِ شفاعتِ<sup>(۴)</sup> تو  
 با دیدنِ<sup>(۵)</sup> آبِ گوهرِ تو  
 تاثیرِ ملالِ غیبتِ تو  
 نعلینِ تو تاجِ قابِ قوسین  
 در بازوی قدرتِ تو مضمَر  
 با علمِ تو آشنا نیفتاد  
 نظارهٔ چهرهٔ حسودت  
 افسانهٔ سرنوشتِ خصمت  
 با مستیِ شوقِ تستِ عرفی  
 در مغزِ دماغِ او خبر نیست  
 دعویِ کنِ نعتِ لایقِ تو  
 دارد بعنایتِ تو عرفی  
 بر خیز که شورِ کفر برخاست

فوجِ حدثانِ آفرینش  
 صد مرثیه خوانِ آفرینش  
 حلوائِ دکانِ آفرینش  
 زَنارِ میانِ آفرینش  
 قوتِ مگسانِ آفرینش  
 دفعِ یرقانِ آفرینش  
 وجهِ خوفقانِ آفرینش  
 تمکینِ تو شانِ آفرینش  
 صد زورِ کمانِ آفرینش  
 یک مسـئله دانِ آفرینش  
 وجهِ غشیانِ آفرینش  
 تـزریقِ بیانِ آفرینش  
 از بیخبرانِ آفرینش  
 از عنبر و بانِ آفرینش  
 رسوایِ جهانِ آفرینش  
 حرفی ز زبانِ آفرینش  
 ای فتنه نشانِ آفرینش

۱- ن ۱، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۲، ۱۷۱ = همزاد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = همراه

۲- ن ۱۸، ۲۸، ۳۳، ۲۰ = مگسِ تکلم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = مگس و تکلم

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = صاف؛ ن ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = صافی

۴- ن ۱۷ (حاشیه) = قناعت؛ همه نسخ دیگر = شفاعت

۵- ن ۱، ۴، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = با دیدن؛ ن ۲، ۵، ۸، ۳۵ = باریدن

قصیده چهلیم  
در نعت سید المرسلین صلی الله علیه وسلم  
عمان جواهر<sup>(۱)</sup>

دل من باغبانِ عشق و حیرانی گلستانش  
ازل دروازه باغ و ابد حد خیابانش  
چنان باغی کزان<sup>(۲)</sup> گلچین نیارد گل بُرون بُردن  
نه آن باغی که یابد<sup>(۳)</sup> خارچین از بیم دورانش<sup>(۴)</sup>  
گلی کز خرّمی دی<sup>(۵)</sup> را بخنداند چو فروردین  
نه آن گل کز وداع<sup>(۶)</sup> شاخ گریاند زمستانش  
گلی زین باغ اگر چینی بیاور دستی از بینش  
که نقش لوح محفوظ است بر اوراقِ اغصانش

۱- اصلاً درین زمین خاقانی قصیده گفته بود باین مطلع :

دل من پیر تعلیم است من طفل دانش

دم تسلیم سر عشر و بسر زانو دبستانش

و در جوابش امیر خسرو قصیده مشتمل بر یک صد و پنجاه بیت گفت که باین مطلع آغاز می شود:

دل من طفل است و پیر عشق استاد زبان دانش

سواد الوجه سبق و مسکنت کنج دبستانش

و اسمش مرآة الصفا گذاشت - در تقلید خسرو. مولانا جامی قصیده بعنوان جلاء الروم گفت که مشتمل بر یک صد و سی

اشعار هست - بعد عرفی، فضولی بغدادی هم قصیده‌ای مشتمل بر یک صد و سی و چهار بیت گفت و اسمش

رئیس القلب نهاد - نفعی شاعر معروف زبان ترکیه هم درین زمین قصیده‌ای گفت باین مطلع :

دل من مست جام عشق و عقل کل ربان دانش

نگوید نشنود هر در جز از توحید یزدانش

و درین قصیده ذکر عرفی باین طور کرد:

زهی دولت که عرفی را مسلم شد در اندیشه

که با کلکش کند سجده لوی خان خانانش

محصل سخت معجز گوی بی پرواست در معنی

که تحقیق آشنائی می کند با سهو اذعانش

هنوز از پرده پندار تنها ده قدم بیرون

که همت گشته مسلوب الرجا از فیض مستانش

بباندک مایه قانع از تنک ظرفی و هم مغرور

سخن را منحصر داند بخود از نقص عرفانش

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۸، ۱۷، ۹، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵ = کزو؛ ن ۴ = ازو

۳- ن ۱۹ = ماند؛ ن ۲ = ناید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = باید؛ ن ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = یابه

۴- ن ۱۹ = در دانش؛ ن ۱ = در بانش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = دورانش

۵- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۸، دی را؛ ن ۱، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = وی را

۶- ن ۴ = فراق؛ همه نسخ دیگر = وداع

اگر سر در هوا گردد کسی باری در آن<sup>(۱)</sup> وادی  
 که گر در<sup>(۲)</sup> چه فتد، همدرد باشد ماهِ کنعانش  
 نثارِ محرمانِ بزمِ عشقِ آیا چها باشد  
 که درد و داغِ می‌ریزند بر بیرون نشینانش<sup>(۳)</sup>  
 فشاندم در ازل گردی ز دامنِ این زمانِ بینم  
 که نامش عالم است و می‌کشد در دیده خاقانش  
 اگر طفلِ دلم را دایه حور آید و گر مریم  
 به هنگامِ مکیدن زهر می‌جوشد ز پستانش  
 دلت ریش است، رو،<sup>(۴)</sup> زنجیرِ الماسش به هر مونه  
 مکن<sup>(۵)</sup> در گشت<sup>(۶)</sup> عیشِ آباد دوشا<sup>(۷)</sup> دوش درمانش  
 دل<sup>(۸)</sup> شوریده خوانندش که در بازارِ معشوقی<sup>(۹)</sup>  
 خریدارِ پریشانیست صد زلفِ پریشانش  
 مسلمانی کسی داند<sup>(۱۰)</sup> که در یکرنگی<sup>(۱۱)</sup> وحدت  
 زهر مو چشمه خون ریزد، ار خوانی مسلمانش

- ۱- ن ۲ = درین دوران ؛ ن ۳، ۸، ۹، ۳۵ = درین وادی ؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۴۰، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دران داری  
 ۲- آتشکده = که گر افتد به چه همخوابه باشد ؛ شرح میرزا جان = که در چه افتد و همدرد باشد ؛ ن ۱، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = که گردد چه فتد  
 ۳- کارنامه، عجیب و غریب = بیرون بستانش ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = بیرون از دبستانش ؛ شرح میرزا جان = بیرون ایوانش ؛ ن ۲ = وز بیرون بستانش ؛ ن ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵ = بر بیرون نشینایش ؛ ن ۲۸ = بر بیرون نستانش ؟  
 ۴- ن ۲، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ریش است، رو زنجیر الماسش به هر مونه ؛ ن ۲۰ = ریش است زو زنجیر الماسش بهر سویه ؛ ن ۱، ۵، ۹ = ریش است و رو زنجیر الماسش بهر مونه  
 ۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = مکش ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۷۱، قطب، رحیم = مکن ؛ ن ۹ = مکن  
 ۶- ن ۱۸، ۳۳، ۱۷۱ (نسخ چاپی هند) = گشت ؛ ن ۹ (چاپ ایران)، ۲۴، ۲۰ (چاپ هند)، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ (نسخ خطی) = کشت  
 ۷- ن ۱۷ = آبادشان و درد درمانش ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = آباد شادروان دریانش ؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = آباد دوشادوش درمانش  
 ۸- ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۱، ۳۳، ۳۵ = دلی ؛ ن ۲۹، ۳۰، ۳۱ = ولی  
 ۹- ن ۹ (پاورقی) = معشوقان ؛ ن ۴ = مغروران ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = معشوقی  
 ۱۰- ن ۴ = راند ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰ و غیره = داند  
 ۱۱- ن ۱، ۵ = در بازار یک رنگی ؛ ن ۹ (پاورقی)، ۴، ۲۹، منیر = در بیرنگی وحدت ؛ ن ۴، ۲۸ = در نیرنگی وحدت ؛ ن ۲،

نیابت زان معلّم جوی اندر<sup>(۱)</sup> حکمت آموزی  
 که لوح جوهر کل ساده یابی در دبستانش  
 صفا می جوید از قصرِ دلم<sup>(۲)</sup> معموره جنت  
 که انواع پریشانی<sup>(۳)</sup> بود معمارِ ایوانش  
 حرام است اهل معنی<sup>(۴)</sup> را چشیدن نعمت<sup>(۵)</sup> خوانی  
 که نبود سینه گرم<sup>(۶)</sup> و دل ریشی نمکدانش  
 دماغِ آن<sup>(۷)</sup> کی از بوی محبت عطسه ریز<sup>(۸)</sup> آید  
 که می سوزند عودِ عافیت در زیر دامانش  
 از آن نفست بطورِ اهلِ ایمان خنده‌ها دارد  
 که پروردی به عهدِ کودکی در کافرستانش  
 وفا را یاد گیر از دوست کز ماتم سیه سازد  
 لباسِ کعبه در مرگِ شهیدانِ بیابانش  
 بدان<sup>(۹)</sup> شاید<sup>(۱۰)</sup> گشودن چشمه معنی که چون بر وی  
 فشانی قطره ذوق افکنند در قعرِ عمّانش

ادامهٔ باورقی از صفحه قبل

- ۸، ۹، ۵ (حاشیه)، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۳۵ = در یک رنگی وحدت  
 ۱- ن ۴، ۱۹، ۲۸، ۲۹ = یافتم در ؛ ن ۱، ۵ = یافت کاندل ؛ ن ۸، ۳۵ = یافت اندر ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ (همه نسخ چایی)، ۱۷، شرح رحیم، شرح عجیب و غریب = جوی اندر  
 ۲- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = قصر دلم ؛ ن ۴ = قصر و دلی ؛ ن ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵ = قصر دلی  
 ۳- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = انواع پریشانی ؛ ن ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = که انواع خرابیها  
 ۴- ن ۲۸ = لذت ؛ ن ۲۹، ۳۵ و دیگر نسخ = معنی  
 ۵- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = لقمه ؛ ن ۸، ۳۵ = لذت ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵ = نعمت  
 ۶- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = سینه گرم و دل ریشی ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = سینه نان گرم و دل ریشی ؛ ن ۲۰ = سینه و نان گرم و دل ریشی  
 ۷- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ = او ؛ ن ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = آن  
 ۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ (همه نسخ چایی) = عطسه ریزاند ؛ ن ۱، ۲، ۲۸، ۲۹ = عطسه ریز آمد ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۳۵ = عطسه ریز آید  
 ۹- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۵ = بدان ؛ ن ۲، ۹، ۲۹، ۲۸، ۱۸، ۲۸ = غیره = بران  
 ۱۰- ن ۴، مسرت = باید ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = شاید

چراغِ دل نیفروزد<sup>(۱)</sup> دران بزمِ سیه روزی<sup>(۲)</sup>  
 که شمعِ آفتاب از دود<sup>(۳)</sup> میرد در شبستانش  
 ز ایمان<sup>(۴)</sup> دلت آسیب می‌بارد،<sup>(۵)</sup> بدیرش بر  
 که بریندند حرزِ کفر بر بازوی ایمانش  
 به درسِ عشق خواندن گر کلیم و گر خلیل آید  
 بدونِ گریه و زاری نیابد<sup>(۶)</sup> ذوق وجدانش  
 به روح‌الله نخندانند<sup>(۷)</sup> حُسنِ آفتابِ ما  
 مگر بینند<sup>(۸)</sup> گریانش، مگر یابند<sup>(۹)</sup> بریانش  
 به رنجوری کسی ارزد که هرگه میرد<sup>(۱۰)</sup> از شادی  
 دران مُردن بود صاحبِ عزا صد عیدِ قربانش  
 وصالِ آفتابِ ما کسی یابد که از مژگان  
 سهیل<sup>(۱۱)</sup> و زهره دامن‌دامن افشانند ز هجرانش

۱- ن ۲، ۴، ۱۸، ۹، ۲۰، ۳، ۲۸، ۲۴، ۲۹ = نیفروزد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = نیفروزد

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = سیه روزی؛ ن ۸، ۳۵ = سیه روزی

۳- بهار عجم = ذوق؛ همه نسخ دیگر = دود

۴- ن ۲، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ز ایمان دلت؛ ن ۱، ۵ (اصلاح)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = کارنامه، قطب، مسرت، رحیم، ۱۷۱ = ز ایمان گر دلت

۵- ن ۳ = می‌آید؛ ن ۲، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = می‌بارد؛ ن ۱، ۱۷۱ = می‌یابد؛ ن ۵ (اصلاح)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = همه شرح‌ها = می‌یابد

۶- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵ = نیابد؛ ن ۱۷۱ = نیابد؛ ن ۹، ۲۸ = نیابد

۷- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، مسرت، قطب = نه خندانند؛ ن ۵، میرزا جان = بخندانید؛ ن ۲ = نخندانید؛ ن ۸ = نخندانند؛ ن ۳۵ = بخندانند

۸- ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸، ۳۵ = بینند؛ ن ۲۹ = یابند

۹- ن ۲۹ = بینند؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = یابند

۱۰- ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۳۵ = میرد از پی لذت؛ ن ۲ = میرد از پی شادی؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، ۳۰ = کارنامه، مسرت، قطب = هرگز میرد از لذت؛ ن ۹ = هرگز میرد از شادی

۱۱- ن ۹، ۲۰ = سهیل و ماه و زهره دامن‌دامن افشانند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = سهیل و زهره دامن‌دامن افشانند

چو نازش تیغ بردارد چه جای سدره و طوبی  
 که گردد<sup>(۱)</sup> عرش و کرسی حرفِ تابوتِ شهیدانش  
 نثارِ دل کن آن گوهر که ملکِ وی تواند شد  
 نه آن گوهر که دستِ مرگ برچیند ز دامانش  
 ز گنجِ عشقِ دامانِ گهر بستان که چون دل را  
 بستارکِ برفشانی در شود<sup>(۲)</sup> در مغزِ ایمانش  
 بمیزانِ درون<sup>(۳)</sup> سنجان بسنج این نکته، پس بنگر<sup>(۴)</sup>  
 که دردا نشان کنی بهتر بود یا راحت افشانش<sup>(۵)</sup>  
 محبتِ درسِ معنی گوید، افلاطون<sup>(۶)</sup> مطلب کو  
 که صغری خندد و کبری فرو گیرد<sup>(۷)</sup> به برهانش  
 فغان از عشق می‌خیزد که هر دل کز<sup>(۸)</sup> چراغِ ما  
 نکرد آرایشِ هر مو به داغی، وای بر جانش  
 کدامی آرزو بر سفره چیند نعمتِ کامی  
 که صد نوبت دمی اندیشه ما نیست مهمانش  
 به این بی‌رنگی<sup>(۹)</sup> و بی‌قیمتی آن طرفه یاقوتم  
 که لعلِ آفتاب این آب و رنگ آورد از کانش

۱- ۱، ۵ = که گردد عرش خود را؛ ن ۲۸ = که گردد لوح و کرسی؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۵ (حاشیه)، ۱۷، ۲۹، ۱۸، ۲۵، ۲۴،

۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۳۵ = که گردد عرش و کرسی

۲- ۹ = اوفتد در جیب؛ ن ۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۳، ۱۷۱، ۳۰، ۳۱، ۲۸ = در شود در مغز؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = پر شود در مغز

۳- ۲، ۸، ۲۹ = وفا سنجان؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۳۵، بهار عجم و غیره = درون سنجان

۴- ۴، ۱۹، بهار عجم، رحیم = پس بنگر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و

۵- این بیت در ن ۲۸ در نسخه جواهری و نسخه‌های قضاها و عرفی که در هند چاپ شدند نیست

۶- شرح عجیب و غریب = افلاطون و منطق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = افلاطون مطلب؛ ن ۴، شرح منیر = افلاطون و مطلب

۷- ن ۱، ۱۷، ۵ (اصل)، ۸ = گیرد؛ ن ۲، ۴، ۳۵ (اصلاح)، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = گیرد

۸- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۳۵ = هر دل کز چراغ ما؛ ن ۲۹ = هر دل کز چراغ او؛ ن ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = هر دل از چراغ ما

۹- ۹ (پاورق) = تاریکی؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۹، ۳۵ و غیره = بی رنگی

اگر بی‌قیمت تحصیل ارزش می‌کنم، صبری<sup>(۱)</sup>  
 رسد این قطره را روزی که خوانی دُرُ غلطانش  
 دلم آه‌نگی افغان دارد و لب شکرِ غم گوید  
 لبی<sup>(۲)</sup> خواهم که بفرستم به استقبالِ افغانش  
 دلی می‌باید اسبابِ پریشانی طلب ورنه  
 پریشانی به عهدِ بخت من جمعست سامانش<sup>(۳)</sup>  
 (ز بس کز هر سر مویم طراود چشمه خونی  
 بود فواره خونِ جگر طوق گریبان<sup>(۴)</sup>  
 سماع<sup>(۵)</sup> بایزیدی گو که در سمع فرود آید  
 ندای لیس فی بطنی سواه از سینه<sup>(۶)</sup> جان<sup>(۷)</sup>  
 به گامی رفته صد فرسنگ در آن وادی طاعت  
 که باشد معتکف در گامِ اوّل عمرِ لقمانش  
 لبِ داوود دستی<sup>(۸)</sup> می‌نهد<sup>(۹)</sup> بر سینه نفمه  
 دلِ تنگم همانا گردد لب می‌کرد افغانش  
 سلامت را بدادِ نیستی بر می‌کشد شاهی  
 که فرمان می‌رود در کشور دلهای ویرانش

۱- ن ۱، ۵، ۱۷ = چیزی؛ ن ۴، ۸، ۹ (پاورق)، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = صبری؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = کاخر

۲- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱ = لبی؛ ن ۱۷ = همی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بهی

۳- این بیت تنها در نسخ ۲، ۲۹ یافته شد - در نسخه دوم آنها بعد از بیت ۲۹ هستند. در نسخه ۲۹ شعر ۳۹ بعد از شعر ۳۴ هست بعد از این بیت هستند و بیت ثانی بعد از بیت ۸۵ هست.

۴- این بیت تنها در نسخ ۲، ۲۹ یافته شد - در نسخه دوم آنها بعد از بیت ۲۹ هستند. در نسخه ۲۹ شعر ۳۹ بعد از شعر ۳۴ هست بعد از این بیت هستند و بیت ثانی بعد از بیت ۸۵ هست.

۵- ن ۱۷ = سماع مابرنده؛ در دیگر نسخ بطوری که نوشته شد

۶- ن ۱، ۵، ۳۵، ۲۹، ۸، ۳۵ = جامه؛ ن ۱۷ = خانه

۷- اشعار ۳۷ و ۳۸ تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شدند.

۸- ن ۲۹ = هستی می‌نهم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = دستی می‌نهد

۹- شرح مسرت = می‌زند؛ همه نسخ دیگر = می‌نهد



ز هر مو عالمی<sup>(۱)</sup> ز نثار و ناقوش فرو ریزد  
 اگر کافر دلم در عطسه<sup>(۲)</sup> آرد بوی ایمانش  
 کسی کز لذت طاعت بود محروم، من ضامن  
 که بگذارند<sup>(۳)</sup> در جنت ولی با<sup>(۴)</sup> داغ حرمانش  
 به سنبل می‌زند چو گان زلفی سیلی خجلت  
 که ناف آهوی چین می‌تراشد گوی میدانش  
 پریشان دیده‌ای این فوج<sup>(۵)</sup> میدان مجازی را  
 ز بام<sup>(۶)</sup> هوش<sup>(۷)</sup> سر برکن که رنگین می‌دهم<sup>(۸)</sup> شانش<sup>(۹)</sup>  
 امام شهر یعنی هادی ما در دم مردن  
 شهادت بر زبان راند مبارکباد ایمانش  
 به صدر صفه رقصان می‌بری ای<sup>(۱۰)</sup> زرق صوفی<sup>(۱۱)</sup> را  
 ازین آهسته‌تر می‌ران که برهم می‌زنی شانش  
 کسی کز علم منطق دم زند بی عشق، می‌شاید  
 که بشماری بدون انتساب فضل<sup>(۱۲)</sup> حیوانش

۱- ن ۲۴ = عالم؛ دیگر همه نسخ = عالمی

۲- ن ۵، شرح مسرت، کارنامه = عطسه؛ ن ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ و غیره = رعشه

۳- ن ۲۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۵ = بگذارند؛ ن ۱، ۳۵ = نگذارند

۴- ن ۲۹ = ولی در باغ حرمانش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸ = ولی با داغ حرمانش؛ ن ۳۵ = ولی با داغ حرمانش

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، قطب = گوی؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = حاشیه

۶- ن ۲، ۹، ۱۷، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، ۳۰، ۳۱، ۳۲، کارنامه، ۲۸، مسرت، قطب، رحیم = زیام؛ ۱، ۵، ۸ = پیام

۷- ن ۲ = قصر؛ دیگر همه نسخ = هوش

۸- ن ۱۷ = می‌کنم؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵ و غیره = می‌دهم

۹- در نسخ ۹، ۱۸، ۲۰ و شرح کارنامه این بیت بعد از بیت ۴۴ یافته شد، در نسخ ۱، ۴ مطلقاً نیست، در نسخ ۲، ۵، ۸، ۱۷ بعد از شعر ۳۸ یافته شد. در تمام قصیده ترتیب اشعار در نسخه‌ها اختلاف دارد.

۱۰- ن ۲، ۱۷، ۳۵ = این؛ دیگر نسخ = ای

۱۱- ن ۴ = زاهد؛ دیگر همه نسخ = صوفی

۱۲- ن ۱، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵ = فضل؛ ن ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، شرح منیر، شرح مسرت، عجیب و غریب = فصل

بنازم مرشدِ گریان و بریان را، که می‌خندد  
 به طوق کردن شیطان زو<sup>(۱)</sup> دور گریانش  
 مریدِ مرشدِ ما جبّه گلدوز می‌خواهد  
 خمرِ عیسی ست این رنگین، بیارایید<sup>(۲)</sup> پالانش  
 به میدانِ محبتِ گوی خورشید ار بیندازی<sup>(۳)</sup>  
 کسوف<sup>(۴)</sup> جاودان یابد<sup>(۵)</sup> ز سیلی‌های چوگانش  
 به بالِ عافیت<sup>(۶)</sup> تاکی بپرواز آوری دل را  
 بهل<sup>(۷)</sup> کن تا ز اوجِ زمهریر آریم<sup>(۸)</sup> بریانش<sup>(۹)</sup>  
 سماع آموز ازان مجنون که در هنگامه مستی<sup>(۱۰)</sup>  
 برنگِ شعله دارد جنبش<sup>(۱۱)</sup> بالطبع رقصانش  
 من آن دریای<sup>(۱۲)</sup> پُر آشوبم از تاثیر خاصیت  
 که تسکین است موج انگیز و آرام است طوفانش  
 عنان از عرصه صورت بگردان کاندران<sup>(۱۳)</sup> وادی  
 ز زاغ آموزد آئین<sup>(۱۴)</sup> روش کبکِ خرامانش

- ۱- ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = زهی طوق گریانش ؛ ن ۲۸ = ره دور گریانش ؛ ن ۳، ۸، ۲۹، ۳۵ = زه دور گریانش ؛ ن ۱ = زده دور گریانش  
 ۲- ن ۳، ۳۵، ۲۸ = بیارایند ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = بیارایید ؛ ن ۸ = بیالاند  
 ۳- ن ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = بلند آری ؛ ن ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = بینداری  
 ۴- ن ۱، ۵، ۲۸، ۳۵ = خسوف ؛ ن ۹، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۹ و غیره = کسوف  
 ۵- ن ۱ = یابد ؛ ن ۲، ۴، ۹، ۲۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۸ و غیره = یابد  
 ۶- ن ۹ (پاورق) = بی غمی ؛ ۴ = بی غمان ؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸ = عافیت  
 ۷- ن ۳، شرح منیر، قطب، کارنامه، عجیب و غریب = بهل ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = بحل  
 ۸- شرح مسرت = آرند ؛ همه نسخ کلیات بشمول ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، ۲۴، ۳۵، ۱۸ و شرح قطب، کارنامه، منیر، رحیم و غیره = آریم  
 ۹- شرح قطب = پژمانش ؛ همه نسخ کلیات و شرح‌های دیگر = بریانش  
 ۱۰- ن ۹، ۱۹، ۳۲ = هستی ؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۳۵ و غیره = مستی  
 ۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = جنبشی ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = جنبش  
 ۱۲- ن ۲۸، ۲۰، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = دریای آشوبم که از ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = دریای پر آشوبم از  
 ۱۳- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کاندران ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = کاندربین  
 ۱۴- ن ۱۷، ۲۸ = آئین و روش ؛ دیگر همه نسخ بشمول ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = آئین روش

به باغستانِ معنی رو که تاثیر هوا آرد<sup>(۱)</sup>  
 سسراویل تذر و از بهر طاووسان بُستانش  
 به مژگانِ رخنه در کشتی کن ار طوفان سبک<sup>(۲)</sup> باشد  
 دران دریای بی ساحل<sup>(۳)</sup> که تسلیم است پایانش<sup>(۴)</sup>  
 دل از حسنِ عملِ بستان و بفگن<sup>(۵)</sup> در کفِ عصیان  
 به عصمت هرکه<sup>(۶)</sup> نازد، معصیت دان ترکِ عصیان  
 مجو کوثر، می لعلی طلب کز وی چوکس نوشد  
 برنگی لاله از تارکِ بروید جامِ مرجانش  
 سفال از بهرِ می جُستم درین<sup>(۷)</sup> دیرِ مغان ناگه  
 خضر بر سنگ دلها زد سبوی آبِ حیوانش<sup>(۸)</sup>  
 بنوش آن می<sup>(۹)</sup> که گر داغی نهد بر مؤمن و کافر  
 بخندد این به تزویرش، بگرید آن به دستانش<sup>(۱۰)</sup>  
 بنوش آن می که گر آئینه گردد کفر و ایمان را  
 بچشم وهم امام و برهمن گردند حیرانش  
 بنوش آن می که گر بر صورتِ شیرین برافشانی  
 برون آرد ز قیدِ بیستون سرمست و رقصانش

۱- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، شرح مسرت، رحیم = آرد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = دارد

۲- شرح قطب = تنک باشد؛ همه نسخ کلیات و شرح های دیگر = سبک باشد

۳- ن ۱، ۵، بی پایان؛ ن ۳، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، شرح منیر، میرزا جان، مسرت، کارنامه، = بی ساحل

۴- ن ۱، ۵، ۸ = طوفانش؛ دیگر همه نسخ بشمول ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳

بیا،<sup>(۱)</sup> این می که گر تلخ است و گر شیرین بدست آور<sup>(۲)</sup>

بترک<sup>(۳)</sup> دین و دل بیغش کن و بشمار ارزانش

وگر<sup>(۴)</sup> از حرمت اندیشی، بیا تا حکم بنمایم

ز سلطان شریعت لیک ننمایی بخامانش<sup>(۵)</sup>

شهنشاه سریر<sup>(۶)</sup> قباب قوسین احمد مرسل

که بر پیشانی تقدیر مرقوم است فرمانش

شهنشاهی که فرّاشان بزم او بصد منت

بفراق عرش می ریزند گرد فرش ایوانش

شهنشاهی که هست از غایت درویشی و رحمت<sup>(۷)</sup>

وجود خود<sup>(۸)</sup> فراموش و غم عالم<sup>(۹)</sup> فراوانش

شهنشاهی که چون آماده شد جَمَازَه جاهش

فرو بستند از عرش برین محمل به کوهانش

بجنت<sup>(۱۰)</sup> گر<sup>(۱۱)</sup> برات نعمت جاوید بنویسد

سواد از دیده<sup>(۱۲)</sup> آلاید بنوک خامه رضوانش

- 
- ۱- ن ۹ = بیار آن می ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹ = بیا این می ؛ ن ۱، ۳۵ = بیا ای می ؛ ن ۲، ۱۸، ۲۰ = بیا آن می ؛ ن ۲۸ = بیار این می
- ۲- ن ۲۹ = بدست آید ؛ ن (پاورق) = بجان درکش ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = بدست آور
- ۳- ن ۲ = نبرد ؛ همه نسخ دیگر = بترک
- ۴- ن ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۸، وگر ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = اگر
- ۵- ن ۳، ۵ (حاشیه)، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خامانش ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی)، ۱، ۵ = خاقانش
- ۶- ن ۲۹ = بسیر ؛ همه نسخ دیگر = سریر
- ۷- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۲، ۳۱، ۳۰ = منت ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = رحمت
- ۸- ن ۱۹ = غم ؛ همه نسخ دیگر = خود
- ۹- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = غم لشکر ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ (همه نسخ چاپی) = غم عالم
- ۱۰- شرح مسرت = محبت ؛ همه نسخ دیگر = به جنت
- ۱۱- ن ۸، ۳۵ = کو ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = گر
- ۱۲- ن ۲۹ = سواد از دیدگان ریزد ؛ ن ۲۸ = سواد از دیده آراید ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۳۵ = سواد از دیده آلاید

در آن حالت<sup>(۱)</sup> که ریزد نوش بر نوش از لب دانش  
 بود<sup>(۲)</sup> بآلِ همای جوهر اولِ مگس رانش  
 بنام عزّت<sup>(۳)</sup> و شان را که در ایوانِ سلطانی  
 علی آرایشِ بزم است و جبریل است مهمانش  
 گلستانی<sup>(۴)</sup> همای فضل<sup>(۵)</sup> او در زیر پر دارد  
 که می نازد به زاغی هدهد<sup>(۶)</sup> روح سلیمان  
 نسیم فیض او چون محو سازد گرد نادانی  
 صفای جوهر آینه علم است تاوانش<sup>(۷)</sup>  
 ادیبِ عقلش ار یابد<sup>(۸)</sup> نخی بردامنِ طفلان  
 ز نخ بر علم افلاطون زند شاگرد نادانش<sup>(۹)</sup>  
 بهشتی نزهت از<sup>(۱۰)</sup> گلگشت او دارد که هر ساعت  
 ز طوبی باج<sup>(۱۱)</sup> می گیرد پی بازیچه ریحانش  
 نخوردند از محبتِ انبیا<sup>(۱۲)</sup> لذت رسان زخمی  
 که جانِ مست او نگذاشت<sup>(۱۳)</sup> یک زخمِ نمایانش

۱- ن ۹ = حَلّت؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۵ و غیره = حالت

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = پر و بال؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بود بال

۳- ن ۴، ۵، ۱۷ = عشرت؛ ن ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = عزّت

۴- ن ۲، ۹، ۲۹ = جهانی را؛ ن ۱، ۳، ۸، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = گلستانی؛ ن ۲۸ = گلستان

۵- ن ۲، ۳، ۸، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۵ (حاشیه) = فیض؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۳۵ = فضل

۶- شرح قطب = هدهد و روح؛ همه نسخ کلیات = هدهد روح

۷- این شعر تنها در نسخه نهم و نسخه بیست و نهم یافته شد.

۸- ن ۹ = یابد؛ ۲۹ = ماند

۹- این شعر تنها در نسخه نهم و نسخه بیست و نهم یافته شد.

۱۰- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخه های چاپی)، شرح مسرت، قطب، رحیم = نزهت گلگشت؛ ن

۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ (همه نسخ مهم خطی) = مزهت از گلگشت

۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = تاج؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شرح قطب، مسرت = باج

۱۲- بهار عجم = انتها؛ همه نسخ کلیات = انبیا

۱۳- ن ۱، ۵ = بگذاشت؛ ن ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۳، ۲۴، ۳۳ = نگذاشت؛ ن ۳۰، ۳۲ = نگذاشت

کسی کز خوانِ نافرمانیش نعمت خورد<sup>(۱)</sup> دوزخ  
 خلال از شعله آتش فرستد بهر دندانش  
 گلی رحمت بود خود<sup>(۲)</sup> رو گیاه گلشنِ طبعش  
 صفِ امکان بود حق ناشناسِ نعمتِ خوانش  
 عتابِ او<sup>(۳)</sup> بود رخشِ<sup>(۴)</sup> که هر گاهش<sup>(۵)</sup> بر انگیزد  
 غبارِ مرگ خیزاند<sup>(۶)</sup> ز آبِ خضر جولانش  
 عطای<sup>(۷)</sup> او بود امری که در صحرای ناکامی  
 گلِ مقصود رویاند ز خارِ یأس بارانش  
 زهی عزّت<sup>(۸)</sup> که بی نعتِ تولوح معصیت گردد  
 هر آن نامه<sup>(۹)</sup> که بسم الله کند تذهیبِ عنوانش  
 زهی رحمت که بنمودی بخلق آیینِ روئی  
 که ایزد در نقابِ حُسن خود<sup>(۱۰)</sup> می داشت پنهانش  
 کسی کز راه<sup>(۱۱)</sup> اولاد به مژگان خار برچیند<sup>(۱۲)</sup>  
 نویسد باغبانِ روضه<sup>(۱۳)</sup> طوبی گل افشانش

- ۱- ن ۸، ۳۵ = برد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ و غیره = خورد  
 ۲- ن ۸، ۱۷، ۳۵، ۴، ۳، ۴ = خرم گیاه؛ ن ۹، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = خود رو گیاه؛ ن ۱، ۵ = چون کیمیاو؛ ن ۵ (حاشیه)، ۲۸ = خورد و گیاه  
 ۳- ن ۱ = عتاب آلوده او؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۹، ۱۸ و غیره = عتاب او بود  
 ۴- ن ۲۸ = زخمی؛ همه نسخ دیگر = رخشِ  
 ۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = کاهش؛ ن ۲۹، ۸ = گامش  
 ۶- ن ۲۹ = خیز آید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۵ و غیره = خیزاند  
 ۷- ن ۹ (حاشیه) = سخانی؛ ن ۲۹ = عصای؛ همه نسخ دیگر = عطای  
 ۸- ن ۵، ۱ = غیرت؛ ن ۸، ۳۵ = عشرت؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۷ = عزّت  
 ۹- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = دفتر؛ همه نسخ دیگر = نامه  
 ۱۰- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹ = حسن خود؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = خویش  
 ۱۱- ن ۹ = کز گلشن مهرت؛ ن همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کز راه اولاد  
 ۱۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = می چیند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = برچیند  
 ۱۳- ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = باغبان روضه طوبی؛ ن ۲، ۸، ۲۹، ۲۸، ۳۵، ۱۷ = باغبان روضه بر طوبی؛ ن ۱، ۵ = باغبان بر روضه طوبی

شها بر عرفی پژمرده رحمی کن که می‌شاید<sup>(۱)</sup>  
چنان پژمرده باغی ریزشی زین<sup>(۲)</sup> ابر نیسانش  
دهانش چشمه زهر است، از رحمت<sup>(۳)</sup> دری بگشا  
که شیرین کام سازد میوه‌های باغ احسانش  
ز بس کز هر سرِ مویش تراود چشمه خونی<sup>(۴)</sup>  
بود فواره خونِ جگر طوقِ گریانش  
دل او در هوای عالمِ قدس است و من<sup>(۵)</sup> راضی  
که چون رخت از جهان بندد توان گفتن<sup>(۶)</sup> مسلمانش  
دلم بر هرزه‌گردی‌های این گمراه می‌سوزد  
مهل زین بیشتر سرگشته صحرای خذلانش  
متاعِ ترهاتم گربه دل مانند، زبان دارد  
برون می‌ریزم از دل تا شوم<sup>(۷)</sup> فارغ ز نقصانش  
حکیم در سخن، اینک حدیثم فاش می‌گوید  
که افلاطون بود عرفی و شیراز است یونانش  
دم عیسی تمنا داشت خاقانی که برخیزد  
به امدادِ صبا اینک فرستادم به شروانش  
به مشرق می‌رود ترسم که روح انوری ناگه  
بررات از تنگدستی آورد ملکِ خراسانش

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = می‌شاید؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = می‌باید؛ ن ۱ = می‌ماند

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ و غیره = زین؛ ن ۱۷ = زبان

۳- ن ۴، ۵، ۳، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = رحمت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = شرح رحیم = لذت

۴- ن ۲۴، ۳۱، ۲۸ = خوبی؛ ن ۹ = چاهه خونی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۰، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = چشمه خونی

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲، ۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = و من راضی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی) = می‌دانم

۶- ن ۹ = توان گفتی؛ همه نسخ بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = توان گفتن

۷- ن ۲۴، ۳۰، ۳۲، ۱۷۱ = شود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۱، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = شوم

ندارد ساوه<sup>(۱)</sup> زین<sup>(۲)</sup> بخشی، که نظم لامکان سیرم  
گذار قافیه هرگز نیفتاده به سلماش  
میان انوری و عرفی از جوید کسی نسبت  
حدیث ماه<sup>(۳)</sup> نخشب عرض<sup>(۴)</sup> دارد ماه تابانش  
وگر نشنیده است این قصه را بعد از شکر خندی  
بگو از حالت یوسف شماری<sup>(۵)</sup> گیر و اخوانش  
فگندم جوشن آوازه‌ای<sup>(۶)</sup> بر دوش نام<sup>(۷)</sup> خود  
که شکافد<sup>(۸)</sup> به میدان قیامت تیغ نسیانش  
بباغ نظم خود می‌نازم،<sup>(۹)</sup> آخر چون نتازد کس  
که دارد عطر گیسوی رسول‌الله ریحانش  
بحل باد از من آن کس کز حسد عیم<sup>(۱۰)</sup> کند لیکن<sup>(۱۱)</sup>  
زبان لفظ و<sup>(۱۲)</sup> معنی می‌کند<sup>(۱۳)</sup> شمشیر بارانش  
به صد جانش خریدم، کی روا باشد که بفروشم  
به تحسین سبک فهمان و احسان لثیمانش

۱- ن ۹، شرح عجیب و غریب = ساده؛ همه نسخ دیگر = ساوه

۲- شرح مسرت = زان؛ همه نسخ کلیات و غیره = زین

۳- ن ۱۷، ۴ = چاه؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ماه نخشب

۴- ن ۳۵، ۸، ۵ = عرض داده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = عرض دارد؛ ن ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = عرضه دارد

۵- ن ۳ = شماری کن از اخوانش؛ ن ۹ = شماری گیر از اخوانش؛ ن ۳۰، ۳۲، ۱۷۱ = شماری گیر اخوانش؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شماری گیرد اخوانش

۶- ن ۱۹ = آوازه را؛ همه نسخ دیگر = آوازه‌ای

۷- ن ۳ = دوش امام خود؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = دوش نام خود

۸- ن ۱، ۸، ۳۵، ۱۷۱ = بشکافد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = نشکافد

۹- ن ۱، ۸، ۳۵ = بی نام؛ ن ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = می‌نازم

۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = عیم؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = عیش

۱۱- ن ۹ = اما؛ همه نسخه‌های دیگر و شرح رحیم = لیکن

۱۲- شرح رحیم = لفظ معنی؛ همه نسخه‌های دیگر = لفظ و معنی

۱۳- ن ۵ = می‌کشد؛ همه نسخ خطی و چاپی = می‌کند



به یک ارزن<sup>(۱)</sup> گرانش می شمارم گر تو بستانی<sup>(۲)</sup>  
 دهد گر خرمن مه<sup>(۳)</sup> آسمان بشمارم<sup>(۴)</sup> ارزانش  
 تو دانی قیمت آبش که هم خضری و هم چشمه  
 نه اسکندر که از لب می گریزد آب حیوانش  
 تعالی الله چه نخل است این به آب خضر<sup>(۵)</sup> پرورده  
 که بی تحریک می ریزد گلی معنی ز اغصانش  
 شمار از حد و صفش قاصر آمد این اشارت<sup>(۶)</sup> بس  
 که عمان الجواهر نام کردند اهل عرفانش

### قصیده چهل و یک

#### قصیده ناتمام در نعت سید المرسلین صل الله علیه و سلم

ای مسند جلال تو بالانشین عرش  
 کز<sup>(۸)</sup> من گریز کرده ز شرم شکوه تو  
 چون دامن<sup>(۱۰)</sup> مبارز جاه تو بر زدند<sup>(۱۱)</sup>  
 گردی کز<sup>(۱۲)</sup> آستان تو دوری کند قضا  
 زرین طناب چتر تو حبل المتین عرش<sup>(۷)</sup>  
 چندین ملک نشسته ازین در<sup>(۹)</sup> کمین عرش  
 بر توسن سپهر نهادند زین عرش  
 بنشاندش ز روی شرف بر جبین عرش

۱- ن ۹ = ارزان؛ همه نسخه های دیگر = ارزن

۲- ن ۵ = بستانی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بستانی

۳- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۹ = نه؛ ن ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ و غیره = مه

۴- ن ۲۹ = بشمارم؛ همه نسخ دیگر بشمول ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳ و غیره = بشمارم

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آب دیده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = آب خضر

۶- ن ۳۵ = بشارت بس؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۳۳ و غیره = اشارت بس؛ ن ۲۸ = بشارت بین

۷- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۴۲، ۱۷۲، ۳۷ یافته شدند (ن ۳۷ بقول دکتر مهدی بیانی ظاهراً بخط عرفی است)

۸- ن ۵، ۳۷ = کز؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۱۷۲، ۴۲ = گر

۹- ن ۳۷ = ازان رو کمین عرش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۴۳، ۱۷۲ = ازین در کمین عرش

۱۰- ن ۳۷ = دامنش مبارز جاه تو برزند؛ ن ۱ = دامن مبارزه جاه تو برزند؛ ن ۲، ۵، ۴۲، ۱۷۲ = دامن مبارز جاه تو برزنده

۱۱- ن ۱، ۱۷۲، ۲، ۳۷ = زند؛ ن ۱۷، ۴۲ = زدند

۱۲- ن ۴۲، ۳۷ = ز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = کز

گر<sup>(۱)</sup> شاهدِ شکوه تو پنهان کند جمال  
تقدیر اگر نیافتی انگشتِ جاهِ تو  
عمریست کز برای نثارِ تو کرده‌اند  
اما نریزد<sup>(۴)</sup> از سببِ کم بضاعتی  
چون مدحِ مستندِ تو کند مرغِ فکرتم  
نامِ مبارک تو پس از نامِ ذوالجلال  
سوزد بهشت از نفسِ آتشین<sup>(۲)</sup> عرش  
در خاتمِ فلک بنشاندی نگینِ عرش  
ارواح<sup>(۳)</sup> قدسیان همه در آتشینِ عرش  
جز<sup>(۵)</sup> شبنمِ ریاض صبا از جبینِ عرش  
در لامکان برو<sup>(۶)</sup> شنوند آفرینِ عرش  
نقاشِ کنده است در<sup>(۷)</sup> انگشتینِ عرش

### قصیده چهل و دوم

قصیده ناتمام در مدح یکی از ممدوحین عرفی که اسمش پیدا نیست<sup>(۸)</sup>

تا به سیل فتح شستی گرد آشوب<sup>(۹)</sup> از مصاف

ناخنِ تیغت دلِ خود می‌خراشد در غلاف

تا برون آورد شمشیرِ تو دست از آستین

غازه از خون<sup>(۱۰)</sup> گریز اندوده بر روی مصاف

فته در خوابِ عدم بیند که در ایامِ تو

گاه بالین می‌طرازد گاه می‌دوزد لحاف

از دماغِ مشکِ چین ریزد هجوم عطسه خون

آهوی خلق تو هرگز نافه بگشاید ز ناف

بهار عجم: اشعار ۹، ۴

۱- ن ۱۷۲ = تا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۴۲، ۳۷ = گر

۲- ن ۱۷۲، ۴۲ = آتشین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳۷ = واپسین

۳- ن ۱۷، ۴۲ = جانهای؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷۲، ۳۷ = ارواح

۴- ن ۵، ۱۷۲، ۴۲ = نریزد؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۳۷ = بریزد

۵- ن ۳۷ = خوی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳۲، ۱۷۲ = جز

۶- ن ۵، ۱۷۲ = لامکان او شنوند؛ ن ۱۷، ۲، ۴۲ = لامکان برو شنوند؛ ن ۳۷ = لامکان شود؟

۷- ن ۳۷ = صنع بست بر انگشتی؛ ن ۱، ۲، ۱۷۲، ۱۷، ۵ = صنع کنده بر انگشتی؛ ن ۴۲ = کنده است در انگشتی

۸- این قصیده ناتمام تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲، ۴۲ یافته شد.

۹- ن ۱۷۲ = گرد آشوب مصاف؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۴۲ = گرد آشوب از مصاف

۱۰- ن ۸، ۱۷، ۳۵، ۴۲ = خون؛ ن ۱، ۵، ؟؟؟؟؟؟

باد<sup>(۱)</sup> خُلقت گر وزد بر جعد حورانِ حروف  
 عنبرافشانند ز جیبِ لام<sup>(۲)</sup> در دامن کاف  
 مایه گیر از بختِ خصم و<sup>(۳)</sup> طالعِ فیروزِ تو  
 تنگ دستی‌های عجز و ترکتازی‌های لاف  
 گر کنی اضداد را در<sup>(۴)</sup> آئنه مصداق هم  
 صدق گیرد نقش مفهوم<sup>(۵)</sup> خود از لوح گزاف  
 بر لبِ حُسن از عتاب<sup>(۶)</sup> خنده زهر افشان شود  
 غمزه را در کاوشِ دلها اگر دارد مصاف<sup>(۷)</sup>

### قصیده چهل و سوم

قصیده در مدح حکیم ابوالفتح گیلانی<sup>(۸)</sup>

صبحدم کز دریچه ادراک  
 نگرستم به ساحِ افلاک  
 شاهد طبع خویشتن<sup>(۹)</sup> دیدم  
 رسته از قید آب و آتش و خاک  
 بند برقِ نبسته<sup>(۱۰)</sup> و سرمست  
 نسیم پوشیده حله و بیباک

۱- ن ۴۲ = جور؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = باد

۲- ن ۱۷، ۴۲ = لام؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = طره

۳- ن ۱۷، ۳۵، ۱۷۲، ۴۲ = خصم و طالع؛ ن ۱، ۵، ۸ = خصم طالع

۴- ن ۱۷ = اضداد در آئینه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = اضداد را در آئنه

۵- ن ۱۷، ۴۲ = موهوم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = مفهوم

۶- ن ۱۷ = عنایت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = عتاب؛ ن ۵، ۴۲، ۱۷۲ = عتابت

۷- ن ۸ = مصاف؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = معاف

۸- این قصیده در زمین قصیده ابوالفرج رونی گفته شد که باین مطلع آغاز می‌شود:

انجم همت تو نه افلاک

ای چو نام تو اعتقاد تو پاک

۹- ن ۱۷ = خویش را؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = خویشتن

۱۰- ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۴۲، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = شرح عجیب و غریب = کشاده؛ ن ۱۷ = به بسته؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸

۹ (پاورقی)، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۲۰ (حاشیه)، کارنامه، مسرت = نه بسته

گاه<sup>(۱)</sup> اندیشه مند و حیران وش  
 گاه عبارت نورد و زمزمه ناک  
 زده بر<sup>(۲)</sup> فهم طعنه امساک  
 گاه<sup>(۳)</sup> ابرو گشاده از<sup>(۴)</sup> دریافت  
 غَزَلْ شُکْر خواننده بر ادراک  
 حُلَّةُ لفظ بر قد معنی  
 صد روش دوختی و کردی چاک  
 گوهر نسیم شفته را هردم  
 سونش<sup>(۶)</sup> از گرد و<sup>(۷)</sup> پیش کردی پاک  
 رفتم آهسته<sup>(۸)</sup> پیش و بنمودم  
 خویش را در مقام استدراک  
 خنده آمیز<sup>(۹)</sup> و چین به<sup>(۱۰)</sup> ابرو گفت  
 کای کهن محرم من و ادراک  
 چسبست کاندر چنین دم آمده ای  
 که نفس راست از شد آمد<sup>(۱۱)</sup> پاک

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = گاهی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، بهار عجم = گاه

۲- ن ۸، ۳۵ = از؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸ و غیره = بر

۳- ن ۳، ۳۵ = گاهی؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گاه

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = از؛ ن ۲۹ = و

۵- ن ۸، ۳۵ = حلقه زلف؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۱۷۱ = حلقه لفظ؛ ن ۱ = حلقه لفظ

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵ = سونش؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = سونش؛ ن ۲۹ = سورش

۷- ن ۲، ۸، ۳۵، ۱۷۰ = گرد نیش؛ ن ۱، ۵، ۹ = گرد خویش؛ ن ۱۹ = کرد تیشه؛ ن ۹، ۱۷ = گرد تیر؛ ن ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳،

۱۷۱ = گرد و پیش؛ ن ۲۹ = پیش کرده گردی

۸- ن ۹ = رفتم آهسته پیش پیش و بنمودم؛ همه نسخ دیگر = رفتم آهسته پیش و بنمودم

۹- ن ۸، ۳۵، ۵ = خنده آموز؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = آمیز

۱۰- ن ۳، ۵، ۸، ۳۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = در ابرو؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = به ابرو؛ ن ۱، ۱۷ = رحیم = بر ابرو

۱۱- ن ۲۸ = شد آید پاک؛ ن ۳۵ = شاید پاک؛ ن ۲ = شد آمد پاک؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۲۴، ۳۳، ۲، ۳، ۴، ۵ = شد آمد پاک؛

ن ۹، ۸ = از شداید پاک

گفتمش عفو کن که ممکن نیست

از تو دوری به احتمالِ هلاک

توئی امروز در مسالک<sup>(۱)</sup> فضل

ناگزیر طَبایعِ دراک<sup>(۲)</sup>

نطق<sup>(۳)</sup> ما گوش و گوش ما<sup>(۴)</sup> هوش است

تا گرفتی به نطق عرصه خای

روی اندیشه از تو در مقصود

طوره دانش از تو در پیچاک

داری اندیشه‌ای، بگوی و مپوش

محرم<sup>(۵)</sup> خود تو از که داری باک<sup>(۶)</sup>

تلخ شد گفت<sup>(۷)</sup> اینست حدس آنکه

از سمک لافِ فضل تا به سماک

این نه عید<sup>(۸)</sup> است و من نه مَدَحِ میر؟

او نه صراف<sup>(۹)</sup> نظم و من سباک

روشن است اینکه بی ثنائش امروز

کارِ اندیشه می‌کشد به هلاک

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ممالک ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = مسالک

۲- ن ۱، ۳۵، ۲۸، ۲۹، ۹ = طبایع ادراک ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = طبایع دراک ؛ ن ۱۷۰ = باگریزی طبایع و ادراک ؟

۳- ن ۲۸، ۲، ۳۵ = نطق تا گوش ؛ ن ۱۷ = نفس با گوش ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = نطق ما گوش

۴- ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = گوش ما هوش است ؛ ن ۲ = گوش تا هوش است ؛ ن ۱۷ = هوش تا هوش است

۵- ن ۱۷ = محرم ؛ ن ۲، ۸، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸ = محرم ؛ ن ۳۵ = محرم

۶- ن ۸ = پاک ؛ همه نسخ دیگر = باک

۷- ن ۵ = نیست گفت حدش آن که ؛ ن ۸، ۲۹، ۳۵ = گفت نیست حدش آن که ؛ ن ۲، ۲۸ = گفت اینست حدش آن که ؛ ن

۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گفت اینست حدس آنکه

۸- ن ۱۹ = مدحست ؛ همه نسخ دیگر = عید است

۹- ن ۱۷ = صراف و نظم من ؛ ن ۱، ۵ = صراف ملک و من ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = صراف نظم و من

باز گفتم دلیر و شرم زده  
 کای تو گلزارِ فضل و<sup>(۱)</sup> ما خاشاک  
 لطف کن تا بینم آن<sup>(۲)</sup> معجون  
 شهش افزون تر است یا تریاک  
 بپذیرفت<sup>(۳)</sup> چون ازان تلخی  
 اندکی گشته بود خجالت ناک  
 مطلعش گوئیا بلند نبود  
 چنگ در بیت اسم زد چالاک  
 میرابوالفتح آنکه از قلمش<sup>(۴)</sup>  
 لؤلؤ آید برون چون خوشه ز<sup>(۵)</sup> تاک  
 گوهرش دست بُرده<sup>(۶)</sup> از دریا  
 سایه اش نور بسته بر فتراک  
 قهر او بی ستم بر انگیزد  
 فعلی زهر از طبیعتِ تریاک  
 جود او بسی<sup>(۷)</sup> نفاق<sup>(۸)</sup> بنماید<sup>(۹)</sup>  
 نام حاتم ز<sup>(۱۰)</sup> نامه امساک

- 
- ۱- ن ۳۵ = گلزار فهم و من ؛ ن ۱، ۵، ۸ = گلزار فهم و ما ؛ ن ۲۹ = گلزار و ما حسن و ؛ ن ۱۷۰ = گلزار فضل و من ؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = گلزار فضل و ما  
 ۲- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۴ = این ؛ ن ۱، ۸، ۹، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ و غیره = آن  
 ۳- ن ۲ = چون ازان تلخی لب نوشین ؛ ن ۱، ۲۸ = نه پذیرفت ازان تلخی ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۳۰، ۲۹، ۳۵ = پذیرفت چون ازان تلخی  
 ۴- ن ۳ = لقبش ؛ ن ۲ = لفظش ؛ ن ۲۹ = لطفش ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ و غیره = قلمش  
 ۵- ن ۳، ۴، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = خوشه ز تاک ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = خوشه تاک  
 ۶- ن ۲۸ = برد در دریا ؛ همه نسخ دیگر = برده از دریا  
 ۷- ن ۱۷، ۴ = پی ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۳۵ و غیره = بی  
 ۸- ن ۵ = نقاب ؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۱۷، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = نفاق  
 ۹- ن ۱ = می ماند ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = بنماید  
 ۱۰- ن ۱۷ = به نامه ؛ ن ۱، ۸، ۲۹، ۳۵ = زمانه ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = ز نامه

چون ز نند لطفِ او در آتش دم  
 ماهی از کوزه برکشد<sup>(۱)</sup> سَمای<sup>(۲)</sup>  
 چون کنند نامِ او<sup>(۳)</sup> به خاتم نقش  
 خامه دزد عطار از حگای  
 عرش در فخر<sup>(۴)</sup> خانه<sup>(۵)</sup> قدرش  
 آستان<sup>(۶)</sup> را گزیده بر افلاک  
 چرخ در ملکِ نامه<sup>(۷)</sup> عزمش  
 حرکت را نوشته از املاک  
 رمحِ او کز انامِلِ عدل است  
 هفت<sup>(۸)</sup> اندامِ ظلم را شبای  
 بختِ او کز نژادِ توفیق<sup>(۹)</sup> است  
 زر و سیمِ مراد را سبای  
 آسمان در رفاقتِ عزمش<sup>(۱۰)</sup>  
 به<sup>(۱۱)</sup> تواضع کند به چرخ<sup>(۱۲)</sup> سواک

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = برکشد؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = می‌کشد

۲- ن ۱۷ = سَبَکای؛ ن ۹، ۲۹ = شَکَّای؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ (پاورق)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۳۵ = سَکَّای

۳- ن ۲۹ = خود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ و غیره = او

۴- ن ۲، ۹، ۲۹ = فرش؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = فخر

۵- ن قطب = فخر نامه؛ ن ۲، ۹ = خانه؛ ن ۲۹ = جامه؛ همه نسخ دیگر = خانه

۶- ن ۲۹، شرح مسرّت = آسمان؛ همه نسخ دیگر کلیات و قطب و رحیم و غیره = آستان

۷- ن ۹ = عَزَش؛ همه نسخ دیگر چاپی و خطی = عزمش

۸- ن ۳۵ = گفت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۹ و غیره = هفت

۹- ن ۸ = توفیق است؛ ن ۳۵ = توفیعیست؛ ن ۱، ۲، ۵ (اصل)، ۴ = توفیقت؛ ن ۳، ۵ (اصلاح)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = توفیق است

۱۰- شرح مسرّت = امرش؛ همه نسخ کلیات و شرح میرزا جان، کارنامه، قطب، رحیم = عزمش

۱۱- نسخه مسرّت = بی؛ همه نسخ دیگر = به

۱۲- شرح مسرّت = به عرش؛ همه نسخ مثل ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = به چرخ

جبروتش نپوشد<sup>(۱)</sup> آن نعلین  
 که ز قوس النهار یافت شرآک  
 کلک<sup>(۲)</sup> او کز<sup>(۳)</sup> شراین ابر است  
 سر و چشم زمانه را دلاک<sup>(۴)</sup>  
 چرخ در عرض لشکرش می گفت  
 دست مظلوم را چو کرد فراز<sup>(۵)</sup>  
 صد شیبخون به شعله زد خاشاک  
 ای ابد را به عهده استظهار  
 وی عمل<sup>(۶)</sup> را به علمت استمساک  
 بزم گاه تو حله<sup>(۷)</sup> یوسف  
 رزم گاه تو شانۀ ضحاک  
 از خم مدّت تو جامِ نخست  
 جرعه‌ای دورِ آخر افلاک  
 از نشاطِ زمانۀ تو خجل  
 نشئه روزِ اوّل تریاک  
 بذل<sup>(۸)</sup> گوهر بس است کز<sup>(۹)</sup> حد رفت  
 شورش بحرِ ممسک<sup>(۱۰)</sup> و غزاک

۱- ن ۵، ۳، ۳۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، عجیب و غریب = نپوشد؛ ن ۲، ۴، ۹، قطب = بپوشد؛ شرح مسرت = بپوسد

۲- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = کز؛ ن ۲، ۱۷ = گر

۴- ن ۸، ۳۵ = دزاک؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۵ = دلاک

۵- ن ۵، ۹، ۱۷، ۳۵ = فراز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲، ۳، ۴، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = دراز؛ ن ۲۸ = آزاد

۶- ن ۹ = ازل؛ ن ۱۸ و دیگر نسخه‌ها = عمل

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، کارنامه، شفیع = حله؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹ (حاشیه)، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱

= حجله

۸- ن ۴ = بس گوهر بس است؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = بذل گوهر بس است

۹- ن ۱۷ = کز؛ همه نسخه‌های چاپی و خطی دیگر = از

۱۰- شرح شفیع، کارنامه = ممسک و غزاک؛ همه نسخ چاپی و خطی = ممسک غزاک



فقر از زر غنا<sup>(۱)</sup> شد اکنون بس  
 کاوش کانِ کاسِ کاواک  
 بر حسودِ تو رحم<sup>(۲)</sup> جایز بود  
 گر نمی بود<sup>(۳)</sup> احتمالِ هلاک  
 دستِ رفعتِ دراز کن، تا چند  
 کهنه دلقِ فلک نگردهد چاک  
 داورا، عسری از ثنای تو رفت  
 از حُضیضِ سمک به<sup>(۴)</sup> اوجِ سماک  
 معنی از کلک<sup>(۵)</sup> او چنان بارد  
 که سوانح ز گردشِ افلاک  
 زد در<sup>(۶)</sup> آن بحرِ غوطه کز آبش  
 بوالفرج را گلو<sup>(۷)</sup> نشد نمناک  
 به دعایی رود کنون که دهد  
 خصم را زهر و دوست را تریاک  
 تا توان گفت زهره<sup>(۸)</sup> را رقاص  
 تا توان گفت غنچه را ضحاک  
 رقصِ عیشِ تو باد گردشِ چرخ  
 گورِ خصمِ تو باد خنده خاک

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = غنی؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = غنا

۲- ن ۲۹، شرح میرزا جان = زخم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = رحم

۳- ن ۱۷، ۲۹ = نمی بودش؛ ن ۳ = نمی بودی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = نمی بود

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بر اوج؛ ن ۱، ۱۷۱، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ = باوج

۵- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۳۵ = لفظ؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = کلک

۶- ن ۲۹ = بر آن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = غیره = دران

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = گلو نه شد؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، شرح رحیم، شرح منیر = نه شد گلو

۸- ن ۲۹ = درّه؛ همه نسخ چاپی و خطی دیگر = زهره

## قصیده چهل و چهارم

قصیده در مدح و ستایش رسول اکرم<sup>(۱)</sup>منم که شسته‌ام<sup>(۲)</sup> از لوحِ مدعا نیرنگ<sup>(۳)</sup>

نه تشنگی کش آبم نه آرزو چش رنگ

شکسته<sup>(۴)</sup> کشتی و بی ساحل است، بحر کجاستشناوری که تواند گریختن ز نهنگ<sup>(۵)</sup>

چه سود دشمنیم با سپهر مینایی

نه زور در خم بازو نه در فلاخن سنگ<sup>(۶)</sup>

بـزیر سایه طوبی غنوده‌ام، لیکن

نه در عنان شتابم نه در رکابِ درنگ

به چار<sup>(۷)</sup> بالش تسلیم تکیه کرده مدام

تبسمی نه به صلح و کنایتی نه به جنگ

صنم به جیب نه تا<sup>(۸)</sup> خیزم از درِ اسلامردا به دوش نه تا<sup>(۹)</sup> بگذرم ز<sup>(۱۰)</sup> شهرِ فرنگ

۱- در نسخه‌های مختلف کلیات عرفی ترتیب اشعار اختلاف دارد - در نسخه موجوده این ترتیب مطابق نسخه دوم و نسخه چهل و سوم است - لطفاً پیش لفظ این جلد را هم ملاحظه بفرمائید.

۲- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شیشه‌ام؛ ن ۵، ۸، ۳۳ (حاشیه)، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۴۳، ۳۵، قطب، کارنامه، عجیب و غریب = شسته‌ام

۳- ن ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نیرنگ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۱، ۸ = نیرنگ

۴- ن ۸، ۴۳ = شکسته کشتی؛ ن ۲۹، ۳۵ = شکست کشتی

۵- این بیت تنها در نسخ ۲۹، ۲۸، ۴۳ یافته شد.

۶- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۲۹، ۳۵، ۴۳ یافته شد.

۷- ن ۱ = نیاز؛ ن ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳ = بنام بالش؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بچار بالش

۸- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = تا؛ ن ۱، ۵، ۸ = و

۹- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۱ = تا؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = و

۱۰- ن ۲۹، ۳۵، ۱، ۲، ۱۸، ۲۰، ۴۳ = ز شهر؛ ن ۹ = به شهر

به کعبه نغمه ناقوسم آورد<sup>(۱)</sup> به سماع  
 نماز شب<sup>(۲)</sup> نکنم گر قضا<sup>(۳)</sup> شود ارژنگ<sup>(۴)</sup>  
 اگر<sup>(۵)</sup> سرود صمد<sup>(۶)</sup> جوشد از لبم در دیر  
 نفس همی شکنم در گلوی سینه تنگ  
 برنگ و بونیم<sup>(۷)</sup> آلوده زان سبب دورم  
 ز گل فروشی نام و شکسته رنگی ننگ  
 نه در مذاقی من از نوش<sup>(۸)</sup> عافیت لذت  
 نه بر جبین من از نیشِ محنتی<sup>(۹)</sup> آژنگ  
 ز ذوق لب نگزم گر به شهد غوطه زنم  
 نه ریزم آبِ دهان گر فروشوم<sup>(۱۰)</sup> به شرنگ  
 هجومِ دعوی من در تساوی اضداد  
 کنایتیست که آینه‌ام ندارد زنگ  
 بلی چگونگی بود زنگ دار آینه  
 که صیقلی کندش رای شاه با فرهنگ  
 محمد عربی آن که آورند خراج  
 شهبان روم و خراسان و چین و هند و فرنگ<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = آورد از بسماع؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، شرح مسرت، ۴۳ = آورد به سماع

۲- ن ۱۷ = نماز شب نکنم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نماز بت نکنم؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱، ۲، ۵، ۸ = نماز بت بکنم

۳- ن ۲۹ = شود قضا؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۳۵، ۱۸، ۲۰ و غیره = قضا شود

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳ = اورنگ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = ارژنگ

۵- بهار عجم، ۹، ۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = وگر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۴۳، ۲۹ = اگر

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳ = صمد؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = احد

۷- ن ۵، ۸، ۴۳، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۱۷ = تنم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نیم

۸- ن ۱۷ = جوش؛ ن ۲۹ = عرش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۴۳ = نوش

۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = محنت است؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۳ = محنتی

۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شوم؛ ن ۱۷ = روم

۱۱- این بیت تنها در کارنامه فیض (شرح شفیع سنجلی) یافته شد. در نسخه‌ای از کلیات عرفی نیست - شفیع مدعی است که او معانی قصاید از چهار واسطه خود از شاعر دریافت (شفیع - محمد رستم - میرزا محمد بقا - شیخ دوست محمد - مصنف عرفی)

شهی که صیقل رای هدایت افروزش

چنان زدوده ز آینه‌ها کدورت زنگ

که برده<sup>(۱)</sup> شاهد ایمان<sup>(۲)</sup> برای کحلِ بصر

سیاهی از شکن زلفِ لعبتانِ فرنگ

مطرفشان<sup>(۳)</sup> شود از ابرِ لطفِ او بر کوه

شود چو آب و<sup>(۵)</sup> در آید بزیرِ صفحهٔ سنگ<sup>(۶)</sup>

ایا شهی که به دل گرمی حمایت تو

بروی بیضه شاهین نشسته ماده کلنگ

بکوه<sup>(۷)</sup> جاء تو جوید<sup>(۸)</sup> زمانه نسبت از آن

ز نور<sup>(۹)</sup> و سایه کند جلوه در لباسِ پلنگ

اگر دهی به ضمیرت عنانِ نظمِ امور<sup>(۱۰)</sup>

رود به صنعتِ روشنگری طبعِ زنگ

به عونِ عینک رای تو اعمی فطری

کند مشاهده از نغمه صورتِ آهنگ

نگاشتند برای نمونه صورت دهر

جهان جاه ترا می‌زدند چون نیزنگ<sup>(۱۱)</sup>

۱- شرح مسرت = برد؛ همه نسخ دیگر = برده

۲- شرح قطب = معنی؛ همه نسخ کلیات و شرح منیر و مسرت و غیره = ایمان

۳- ن ۲۸ = نظرفشان؛ ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = مطرفشان

۴- ن ۲۸، ۹، ۲۴، ۱۷۱ = از ابر لطف او؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۴ = ابر لطف او

۵- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = چو آب در آید؛ ن ۱۷۱ = چو آب در آمد؛ ن ۹ = چو آب و در آید

۶- این بیت تنها در نسخ مطبوعه مثل ۱۷۱، ۳۳، ۲۴، ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ و در نسخه ۲۸ یافته شد. در دیگر نسخ مهم نیست.

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بکوه جاه تو؛ ن ۹ = سر بگوی جای تو؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بگوی جای تو

۸- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = یابد؛ ن ۲، ۹، ۲۸، ۲۹، کارنامه، قطب، منیر، میرزاجان = جوید

۹- ن ۱ = ز نور جلوه کند سایه در لباس پلنگ؛ ن ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = ز نور و سایه کند جلوه در لباس پلنگ؛ ن ۱۷، ۲۹، ۳۵

۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نظم آموز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۴۳ = نظم امور

۱۱- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = نیزنگ؛ ن ۴۳ = بیرنگ؛ ن ۱۷۱ = میرنگ؟

محیطِ عالمِ جاوِ تو دارد آن وسعت<sup>(۱)</sup>  
 که برشکوه الهیش نیست<sup>(۲)</sup> دایره تنگ  
 زهی محال<sup>(۳)</sup> چو حفظت به بحر خیمه زند  
 که بعد ازیں شکند زورقی در آب نهنگ  
 اگر نه طبع تو محفل طراز بودی کی  
 عروسِ علم نشستی به هودجِ فرهنگ  
 دلِ سیاه عدوی ترا اگر گویند  
 که نسبتی به سپهرش بود به هیأت و رنگ  
 برون روند عناصرِ عصیروش ز فلک  
 ز بسکه دایره آسمان بگردد<sup>(۴)</sup> تنگ  
 فروغ شعله قهرت فتد<sup>(۵)</sup> چو در ارحام  
 به چشمه زار بزاید<sup>(۶)</sup> سمندر از خرچنگ  
 بزودتر بکف آرم عنانِ معنی را  
 که هیبت تو ریاید ز روی اعدا رنگ  
 خرد عرایسِ ابکار<sup>(۷)</sup> گفت و منکر شد<sup>(۸)</sup>  
 ز بهر آنکه نه راضی بود ز رنگ برنگ<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نسبت؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳، ۱، ۵، ۸ = وسعت

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = هست؛ ن ۹، ۴۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نیست

۳- ن ۹، ۲۴ = مجال؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۴۳، ۱۷۱ = محال

۴- ن ۲۲، قطب = آسمان شود دلتنگ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۹، ۳۵ = آسمان گردد تنگ

۵- ن ۹، ۲۸، مسرت، کارنامه، قطب، بهار عجم، ۱۸ = فتد چو در ارحام؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = چو در رحم افتد؛ شرح میرزا جان = فتد چو بر ارحام

۶- ن ۹، ۲۰، ۲۸، ۱۸، مسرت، کارنامه = برآید؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، بهار عجم = بزاید

۷- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = ابکار؛ ن ۱۸، ۲۴، کارنامه، عجیب و غریب = افکار

۸- ن ۹، ۲۰، کارنامه، عجیب و غریب = گفت و منکر شد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، مسرت، قطب = گفت و می گردد

۹- در نسخ ۹، ۲۰، کارنامه این مصرعه ثانی شعر آینده هست و مصرع ثانی آن بیت مصرعه ثانی این شعر هست اما در نسخ ۱، ۵، ۲، ۱۷ این هر دو شعر بطوری هستند که این جا نوشته شدند

منش معارج افکار<sup>(۱)</sup> گفتم و خجلم  
از آن که دارد ازین نام هم بغایت ننگ

### قصیده چهل و پنجم<sup>(۲)</sup>

تبارک الله از آن<sup>(۳)</sup> آسمان شتاب کرنگ

که نعل آئینه رنگش<sup>(۴)</sup> ندیده روی<sup>(۵)</sup> درنگ

اگر<sup>(۶)</sup> به ساحت میدان او در آید غم

دگر<sup>(۷)</sup> گشاده شود<sup>(۸)</sup> از هجوم غم دل تنگ

درین<sup>(۹)</sup> هوس که رود همعنان<sup>(۱۰)</sup> او نفسی

شبهانه روز زند شاطر سپهر شلنگ

سبک روی که چنان بردود چو<sup>(۱۱)</sup> زخمه بتار

که نغمه<sup>(۱۲)</sup> لب بگشاید<sup>(۱۳)</sup> به عرصه آهنگ

۱- ن ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = افکار؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹ = ابکار

۲- تقریباً در همه نسخه‌های خطی و چاپی این جزو اول قصیده پیشین است ولی در نسخه چهل و سوم (۴۳) قصیده پیشین جزو اول است. بجز اشعار ۱۱ و ۱۲ که تنها در نسخه دوم یافته شدند. در نسخه دوم این هر دو اجزای قصیده بطور در منظومات یافته می‌شوند و همین درست می‌نماید و در نسخه موجوده بر مبنای نسخه دوم آنها بطور در قصیده ناتمام شامل کرده می‌شوند.

۳- ن ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۴، ۳۳، منیر = ازین؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳، میرزا جان، مسرت و غیره = ازان

۴- ن ۱۹ = رویش؛ همه نسخ دیگر = رنگش

۵- ن ۳۵، ۵ = زنگ؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۳۰، ۳۳، ۲۸، ۲۹ و غیره = رنگ؛ ن ۱۷ = روی

۶- ن ۵، ۱ = ازان؛ ن ۸، ۹، ۱۷، ۴۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، شفیع = اگر

۷- ن ۱، ۵، ۱۷ = دگر؛ ن ۲، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵، ۴۳ = وگر

۸- ن ۱، ۴۳ = رود؛ ن ۲۹، ۳۵، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = شود

۹- ن ۱، ۲، ۵ = ازین؛ ن ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳ = درین

۱۰- ن ۳۵، ۴۳، ۲۹ = در عنان او؛ ن ۱۷ = همعنان مگر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = همعنان او

۱۱- ن ۱۷ = ز زخمه ساز؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = دود به زخمه تار؛ ن ۲۸، ۲۹ = دود چو زخمه تار؛ ن ۵، ۳۵، ۸

۲۹ = دود چو زخمه بتار؛ ن ۴۳ = دمد چو زخمه بتار

۱۲- ن ۱، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = زخمه؛ ن ۹، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = نغمه

۱۳- ن ۹، ۲۰، ۲۴، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۳ = نگشاید؛ ن ۱۸، ۳۳، ۲۸ = بگشاید

جهنده‌ای که بگاه جهندگی شاید  
 که جوهر تنش آید برون ز جامه<sup>(۱)</sup> رنگ  
 اگر کنند بمثل طئی مسافت<sup>(۲)</sup> اضداد  
 ز طبع شهد بگامی رود بطبع شرنگ  
 وگر کنند بوی نسبتِ درنگ به سهر  
 شتاب فهم شود بعد ازین ز لفظ درنگ  
 زمانه گفت زهی آسمان<sup>(۳)</sup> و قوس قزح  
 بزیر<sup>(۴)</sup> سینه او چون بدید رنگین تنگ  
 ستاره گفت که اینک سپهر<sup>(۵)</sup> و چشمه مهر  
 نشانه شُم او دیدد چون بروی النگ<sup>(۶)</sup>  
 حسابِ طولِ امل<sup>(۷)</sup> در فضای میدان  
 چو عرصه آمده اندر<sup>(۸)</sup> شماره فرسنگ  
 همیشه تا بود از اقتضای لیل و نهار  
 به چار باغ عناصر گلی امل صد رنگ  
 شگفته باد برویت گلِ بهار نشاط  
 حسودِ جاوِ تو چون غنچه باد با دلِ تنگ

۱- ن ۴۳ = خانه رنگ ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = جامه رنگ ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = جامه تنگ

۲- مسرت = طی مسافتی ؛ ن ۳۵، ۴۳، ۲۹، ۲۸، ۲، ۳۳، ۲۴ = طی ساحت ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۰ = طی مسافت

۳- ن ۲۹، ۵، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۸ = آسمان قوس قزح ؛ ن ۱، ۲۴، ۳۵ = آسمان و قوس و قزح ؛ ن ۴۳ = آسمان قوس و قزح ؛

ن ۸ = آستان و قوس قزح ؛ ن ۱۷ = آسمان ز قوس قزح

۴- ن ۲، ۴۳ = بدور هیکل او ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = بزیر سینه او

۵- ن ۱۷ = سپهر و آئینه مهر ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = سپهر و چشمه مهر

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۳۵، ۲۹ = نهنگ ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۴۳ = النگ

۷- ن ۹ = عمل ؛ ن ۱، ۴۳، ۲، ۵، ۸، ۱۸، ۲۴، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = امل

۸- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = چو عرصه آمده اندر شماره فرسنگ ؛ ن ۸، ۲۰، ۱۸، ۲۴، کارنامه، قطب، عجیب و غریب

و غیره = چو عرصه ابد است و شماره فرسنگ

## قصیده چهل و ششم

قصیده در مدح شهنشاہ جلال الدین محمد اکبر<sup>(۱)</sup>

نو بہار آمد کہ افشانند چو حسنِ یار گل

چون وصال یار<sup>(۲)</sup> ریزد بر<sup>(۳)</sup> خس و بر<sup>(۴)</sup> خار گل<sup>(۵)</sup>

۱- حقیقتاً زمینه این قصیده زمینه قصیده کاتبی نیشابوری است کہ در آن علاوه بر عرفی شعرای دیگر ہم قصایدی سروده اند چنانکہ ثنایی مشہدی قصیدہای گفت با این مطلع:

ای بدور ماه رویت خوارتر از خار گل کرد از خوبی بدور عارضت انکار گل

در بارہ قصیدہ کاتبی عوض رای مسرت در شرح خودش نوشتہ: «اول گلدستہ بندی این قصیدہ از مولانا کاتبی نیشابوری است کہ مطلع قصیدہ اش چنین گلفشان کردہ:

باز با صد برگ آمد جانب گلزار گل همچو نرگس گشت منظور الوالابصار گل

و باعث نقل این قصیدہ در تواریخ چنان بہ نظر در آمد کہ مولانا را با میرزا ابراہیم بن میرزا اعلاءالدولہ در شہر ہرات ملاقات دست دادہ و یا بدر چاچی کہ شاعر معتبر آن زمان بود و منظور نظر عنایت میرزا و جمیع امرا صورت گفتگو در میان آمد و در بدیہہ شعرهای التزامی و بعضی امتحانات کہ مطابہ و استحضر ہر فنون شعر و صنایع و بدایع آن می باشد مولانا کاتبی غالب آمد. میرزا ابراہیم و خواص مجلس ایشان متفعل شدہ خواستند کہ او را زیون بدر چاچی سازند. وقت گل بود کہ قصیدہ شرف گل را در میان انداختند - میرزا فرمود کہ در یک ہفتہ بگوئید و میرزا خوبان صاحب کمال و خنیا گران بی مثال را فرمود کہ کاتبی را در مجلس شراب بردہ غافل سازند و درین یک ہفتہ او را بہ حال خود نگذارند تا روزی کہ ازو طلب قصیدہ نمایم - بدین صورت زیون بدر چاچی تواند شد همچنان کردند و در آن ہفتہ او را آن قدر فرصت ندادند کہ فکر یک بیت کند - صباہ روز ششم کسان میرزا ابراہیم آمدہ بہ اضطراب حکم طلب رسانیدند - او متوجہ مجلس میرزا شد - بہ یکی از معتقدان گفت کہ برای من تختہ کاغذ را بیار. او آن کاغذ را قطع کردہ بنوعی کہ از برای نوشتن قصیدہ قطع کنند بیچیدہ برگوشہ دستار نہاد. چون بہ مجلس میرزا در آمدہ نشست - میرزا بدر چاچی را فرمود کہ قصیدہ خود ادامہ است (کذا) - بدر چاچی برخاستہ قصیدہ کہ درین یک ہفتہ بگوشہ نشستہ گفتہ بود از اول تا آخر خواند. بعد از آن بمولانا کاتبی اشارت فرمود - او نیز برخاستہ و کاغذ را از گوشہ دستار برآورده بنیاد خواندن کرد - اہل مجلس را بنوعی حیرت دست داد کہ بشرح راست نیاید - در اثناء خواندن مولانا شمس الدین کشف کہ صدر میرزا بود پرسید کہ از کدام مملکتی - بدیہہ گفت:

همچو عطار از گلستان نشاپورم ولی خار صحرائِ نشاپورم من و عطار گل

بعد از تمامی قصیدہ کہ میرزا را حیرت رو نمود کاغذ را ازو طلبید - دید کہ در کاغذ هیچ ننوشتہ - دانست کہ بدیہہ گفتہ است - بہ زور طبع او آفرین خواند ..... میرزا ہزار دینار نقد او را صلہ این قصیدہ داد .....»

۲- ن ۳، ۴، ۲۸، ۲۹ = عام؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۵ = یار

۳- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = بر؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، مسرت، کارنامہ، رحیم = ہر

۴- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = بر؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، مسرت، کارنامہ، رحیم = ہر

۵- در نسخ ۹، ۲۰، ۲۴ ممدوح قصیدہ شہزاد سلیم قرار دادہ شدہ است ولی در نسخ ۱۸، ۳۳ ممدوح اکبر بادشاہ است و ہمین درست است.



گل فروشی بود مخصوص دل پُر<sup>(۱)</sup> داغ ما  
 کرد بی عزت بهار آخر به هر بازار گل  
 بسکه طبع کاینات از خرّمی آبستن است  
 بر دماند بادِ آو محرمان از دار گل  
 بعد ازین از فیض رنگ آمیزی فصلی<sup>(۲)</sup> بهار  
 خامه بپیرنگ<sup>(۳)</sup> ریزد بر در و دیوار گل  
 از نهال قامتِ خویان درین موسم رواست  
 گر بجای<sup>(۴)</sup> عشوه ریزد<sup>(۵)</sup> در دم رفتار گل  
 مشهد<sup>(۶)</sup> بخت مرا پژمرده گل برگی<sup>(۷)</sup> رسید  
 بسکه از بذل چمن گردید<sup>(۸)</sup> بی مقدار گل<sup>(۹)</sup>  
 در چنین فصلی که از فیض هوای نوبهار  
 در زمین شوره می‌روید<sup>(۱۰)</sup> ز نوکِ خار گل  
 گر چه مستغنی بود عاشق ز فیض هر هوا  
 روید از نور<sup>(۱۱)</sup> نگاهش در دم دیدار گل<sup>(۱۲)</sup>

- ۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = دل افکار را؛ رحیم، عجیب و غریب = دل افکار ما؛ مسرت = دل پر داغها؛ همه نسخ دیگر مثل ۲۹، ۳۵، ۱، ۹، ۵، ۸ و غیره = دل پر داغ ما  
 ۲- ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۳۵ = طبع؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، شرح منیر، رحیم، مسرت = فصل  
 ۳- ن ۳، ۱۷، شرح مسرت، رحیم، عجیب و غریب، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = پیرنگ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = نیرنگ  
 ۴- ن ۱۷ = بجای جلوه؛ ن ۲۸ = بجمله عشوه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = بجای عشوه  
 ۵- ن ۲۰ = می‌ریزد دم رفتار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ریزد در دم رفتار  
 ۶- شرح مسرت = شاهد؛ همه نسخ کلیات و دیگر شرح‌ها = مشهد  
 ۷- شرح کارنامه = برگ؛ همه نسخ کلیات و دیگر شرح‌ها = گل برگی  
 ۸- ن ۱۷ = کردند؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = گردیده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = گردید  
 ۹- در نسخه ۲۸ مصرعه ثانی این بیت به مصرعه اولی بیت دهم مربوط است.  
 ۱۰- ن ۳ = ریزد؛ همه نسخ بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = روید  
 ۱۱- ن ۱۷ = فیض؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = نور  
 ۱۲- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۳۵ مصرعه اول این بیت به مصرعه ثانی بیت یازدهم مربوط است. در نسخ ۱، ۲، ۹، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ بطوریکه نوشته شد.

سایه گردد موج زن بی جنبش<sup>(۱)</sup> گل از نسیم  
 چون کند با این رطوبت سایه بر دیوار گل  
 گر همی داند که تاراجِ خزانسی در پی است  
 از چه می‌نازد به مثنی<sup>(۲)</sup> درهم و دینار گل<sup>(۳)</sup>  
 شاید از گلبن صفت در گلخن از فیض هوا  
 پرده‌های عنکبوت انگیزد<sup>(۴)</sup> از هر تار گل<sup>(۵)</sup>  
 مغزِ عالم را معطر کرد و گویا<sup>(۶)</sup> می‌کند  
 از شمیم خلقِ داور<sup>(۷)</sup> شمه‌ای<sup>(۸)</sup> اظهار گل  
 گلشنِ اقبال و دولت شاهِ اکبر کز<sup>(۹)</sup> ازل  
 بوی خلقش کرد از خوابِ عدم بیدار گل  
 گر صبا از<sup>(۱۰)</sup> رزمگاه او در آید در بهشت<sup>(۱۱)</sup>  
 از دهانش خون چکد<sup>(۱۲)</sup> در خواهش زنه‌ار گل

- ۱- ن ۱۷ = بی جنبش باد نسیم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و همه شرح‌ها = بی جنبش گل از نسیم
- ۲- ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = مثنی؛ ن ۹، ۲۴، ۱۷۱، ۲۸ = مثنی
- ۳- این بیت تنها در نسخه‌های چاپی مثل ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ یافته شد. در ن ۲۸ مصرعه ثانی این بیت به مصرعه اول شعر ۸ مربوط است و مطابق پاورق نسخه نهم در بعضی نسخه‌ها این بیت باین طور هم یافته شد:
- در دل خصم لثیمت گر عبوری نیست  
 از چه می‌نازد به مثنی درهم و دینار گل
- ۴- ن ۹، ۵ (حاشیه)، ۴، ۲۹، ۲۸ = عنکبوت انگیزد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۳۵ = عنکبوتش روید
- ۵- در نسخه هفدهم قبل ازین شعر مطلع زیر هم یافته شد:
- سرو من مستانه زد بر گوشه دستار گل  
 باغبان کو تا ببیند سرو را بر بار گل
- ۶- ن ۹ = بویا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = گویا
- ۷- ن ۱، ۳۵ = دارو؛ همه نسخ دیگر = داور
- ۸- ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۰ = رشته‌ای؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱ = شمه‌ای
- ۹- ن ۱، ۵، ۳۵، مسرت، ۱۷۰ = اکبر شاه کز بدو ازل؛ ن ۸ = اکبر شاه کز روز ازل؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = و دولت شاه اکبر کز ازل؛ ن ۴ = گل گل شد کز و بدو ازل؛ ن ۱۷ = گل گل شد چو از روز ازل
- ۱۰- شرح عجیب و غریب = صبا در رزمگاه او؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = صبا از رزمگاه
- ۱۱- شرح فیض یار، عجیب و غریب = چمن؛ همه نسخ کلیات = بهشت
- ۱۲- کارنامه = کند؛ همه نسخ کلیات و شرح‌های دیگر = چکد

خلق او گر توبه فرمای گنهگاران شود  
از لبِ تائب دمد هنگام استغفار گل  
جاو او دید آسمان و چشمه<sup>(۱)</sup> خورشید و گفت  
بلبل<sup>(۲)</sup> از باغ ما بگرفته در منقار گل  
گر نسیم باغ<sup>(۳)</sup> لطف او وزد در صحنِ دیر  
بمردم مانند شاخ از رشته زُنا گل  
جوهرِ اوّل طلب کرد از ضمیر او گلی  
مهر و مه را پای برسر زد که هان بردار گل  
در گلستانی که بادِ لطف او جان<sup>(۴)</sup> پرور است  
از دم عیسی شود<sup>(۵)</sup> پژمرده و بیمار گل  
شهر خلق او عجب شهرست کاندل وی بود  
درد و درمان و طیب و خسته و عطار<sup>(۶)</sup> گل<sup>(۷)</sup>  
عزم او گر باغبانِ دهر گردد، دور نیست  
گر شود چون آفتاب اندر جهان بسیار<sup>(۸)</sup> گل  
ای<sup>(۹)</sup> که از اندیشه عدلِ صلاح اندیش تو  
بر نفس بستند رو غمّازی اسرار گل

۱- ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = خورشید و گفت : ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = خورشید گفت

۲- ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۲ = مرغی از گلزار ما : ن ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بلبل از باغ ما

۳- ن ۱۷ = نسیم از باغ لطف او وزد : ن ۹ = نسیم باد لطف او وزد : ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۰ = رود : ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نسیم باغ لطف او وزد

۴- ن ۱۷۰، ۲۹ = گل پرور : ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۱ = شرح منیر، رحیم و غیره = جان پرور

۵- شرح مسرت = بود : همه نسخ کلیات دیگر شرح ها = شود

۶- ن ۴، ۱۷، ۲۸، مسرت، قطب، منیر، رحیم = بیمار : ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = عطار

۷- در هیچ یک از نسخه های چاپی این بیت نیافته شد و در همه نسخه های خطی وجود دارد.

۸- ن ۴، ۵، ۱۸، ۳۳، ۲۸ = سیار : ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳ (حاشیه)، ۲۹، ۳۵ = بسیار

۹- ن ۱۷، شرح میرزا جان = آنکه : همه نسخ دیگر = ای که

از دماغ<sup>(۱)</sup> باغ بگشاید شمیمش<sup>(۲)</sup> سیلِ خون  
 گر ز آب چشمه تیغت شود نمدار<sup>(۳)</sup> گل  
 گر ز راه کوی خصمت رو به گلزار آورد  
 گردد از فیض نسیم صبح دم بیزار گل  
 و<sup>(۴)</sup> بیاد روی اعدای تو گل سر برزنند  
 رنگِ نیلوفر برآرد بر سرِ دستار گل  
 گر نه گردد طبع رنگ آمیز تو<sup>(۵)</sup> گلشن طراز  
 ای ز فیضت خرم و خندان به هر گلزار<sup>(۶)</sup> گل  
 در حریم<sup>(۷)</sup> روضه ارکان کجا از یک نهال<sup>(۸)</sup>  
 بر خلاف رنگ و بوی هم بروید چار گل<sup>(۹)</sup>  
 در دل خصمِ لثیمت گر عبوری نیستش  
 از چه می‌سازد<sup>(۱۰)</sup> به مستی درهم و دینار گل<sup>(۱۱)</sup>  
 بادِ خشم<sup>(۱۲)</sup> گر وزد<sup>(۱۳)</sup> بر گلشن از تحریکِ برگ  
 چون دلِ بلبل کند<sup>(۱۴)</sup> الماس را انگار گل

- ۱- ن ۴، ۱۷ = از دماغ باد؛ ن ۱ = از متاع باغ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = از دماغ باغ  
 ۲- ن ۱۷ = شمیمت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = شمیمش  
 ۳- ن ۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = غدار؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰ = نمدار  
 ۴- ن ۳ = گر؛ همه نسخ دیگر مثل ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = و  
 ۵- ن ۲۸ = در؛ همه نسخ دیگر = تو  
 ۶- شرح رحیم، میرزاجان = بازار؛ همه نسخه‌های چاپی و خطی = گلزار  
 ۷- ن ۳ = در ریاض طینت اصلی؛ ن ۲، ۵ = در حریم روضه امکان؛ ن ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = در حریم روضه ارکان؛ شرح مسرت = در ریاض طینت آدم  
 ۸- ن ۲۹ = نگاه؛ همه نسخ دیگر = نهال  
 ۹- در نسخه ۲۹ این مصرعه مربوط به مصرعه اول شعر ۲۹ هست.  
 ۱۰- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸ (حاشیه)، ۲۰، ۳۳ (حاشیه)، ۳۵، ۲۸ = می‌سازد؛ ن ۹، ۱۸، ۳۳ = می‌نازد  
 ۱۱- راجع شوید به شعر دهم. در نسخه‌های قصاید که در هند چاپ شدند هر دو اشعار وجود دارند ولی در ن ۹ شعر ۲۸ در پاورق هست - در همه نسخه‌های خطی این شعر مثل شعر ۲۸ یافته شد.  
 ۱۲- ن ۲ = خشم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ و غیره همه نسخ = خشم  
 ۱۳- ن ۵ = رود؛ دیگر همه نسخ = وزد  
 ۱۴- ن ۲ = شود از یک نکته افکار؛ همه نسخ دیگر مثل ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ و غیره = کند الماس را افکار

گر ضمیرت مایهٔ آرایش<sup>(۱)</sup> بستان دهد  
 آفتاب<sup>(۲)</sup> آسا شود سرچشمهٔ انوار گل  
 باد اگر با مزدهٔ لطفت به عالم سرنهد<sup>(۳)</sup>  
 صورتِ چین را دهد از گوشهٔ دستار گل<sup>(۴)</sup>  
 مرگ در عهدهٔ به خلد از بهر گل چیدن رود  
 تا برد گاهِ عیادت بر سر بیمار گل  
 در دلِ تنگ شهیدان در نشاط<sup>(۵)</sup> عهد تو  
 روید از پیکان<sup>(۶)</sup> ناوک غنچه<sup>(۷)</sup> وز سوفار گل  
 تا دُرافشانی کند بر شاهدانِ بزم تو  
 این غزل در باغ<sup>(۸)</sup> طبعم می‌کند تکرار گل  
 چون به<sup>(۹)</sup> لطف آری به بالینِ من بیمار گل  
 از پی آرایش تابوت هم بردار گل  
 گر به جنت بگذری حاشا که رضوان در<sup>(۱۰)</sup> رهِت  
 سوسن و سنبل بیفشاند، بلی ناچار<sup>(۱۱)</sup> گل

بهار عجم: اشعر ۷، ۱۰، ۴۳

- ۱- ن ۳۵ = مایه بر آرایش نسیان ؛ ن ۲۹ = مایهٔ آسایش بستان ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = مایهٔ آرایش بستان  
 ۲- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آسمان ؛ ن ۱۸، ۱۷۰ (حاشیه)، ۳۳ (حاشیه)، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = آفتاب  
 ۳- ن ۱، ۲۸ = سرزند ؛ ن ۳۵، ۸ = بر وزد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = سرنهد  
 ۴- در نسخه ۱۷ این مصرعه مصرعهٔ ثانی شعر پیشین است و مصرعهٔ ثانیش مصرعهٔ ثانی این شعر هست.  
 ۵- ن ۱۷، ۲ = در نشاط ؛ ن ۱ = از بساط ؛ ن ۱۸، ۹، ۸، ۲، ۳۵، ۲۹، ۲۸، ۲۰ = از نشاط  
 ۶- ن ۳۵ = پیمان ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ و غیره = پیکان  
 ۷- ن ۲۹ = پنجه در سوفار ؛ ن ۱۸، ۲۸، ۱۷، ۳۳ = غنچه در سوفار ؛ ن ۴، ۹، ۲۰، ۲۴ = غنچه وز سوفار ؛ ن ۱، ۳۵ = غنچهٔ سوفار  
 ۸- ن ۲۹ = بحر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و غیره = باغ  
 ۹- ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = به لطف ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = ز لطف  
 ۱۰- ن ۳۵ = بر ؛ ن ۴، ۵، ۳، ۹ = رضوان در رهِت ؛ ن ۸ = رضوان رهِت ؛ ن ۲۹ = رضوان در بهشت ؛ ن ۳۵ = رضوان بر رهِت  
 ۱۱- ن ۳۵ = باخار ؛ ن ۸ = از خار ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۲۸ = ناچار

جلوه کن در روضه تا حوران بدستِ انفعال  
 از فروغِ چهره بر پایت کنند ایثار گل  
 زاهدان بوی مراد از هر گلی نباید بیا<sup>(۱)</sup>  
 تا می آلود آوریم از خانه خمار گل  
 رحمی ای طالع بروی شاهدِ امید ما  
 مُشتِ خس تا کی فشانی، برفشان یکبار گل  
 وقتِ گل برسر زدنِ گر از دلم یاد آورند<sup>(۲)</sup>  
 مُشتِ خون گردد کسان<sup>(۳)</sup> را برسر و<sup>(۴)</sup> دستار گل  
 جنت از کونین و باغِ حُسن از عرفی کزو<sup>(۵)</sup>  
 هر نگاهش را بدامن هست صد<sup>(۶)</sup> خروار گل  
 عهدِ داور بین کز آن زلف و جبین<sup>(۷)</sup> حسنِ غیور  
 می فشاند هر طرف بر خوابگاهِ یار گل  
 داورا، باغ است طبعِ دلفروزم کاندرو  
 غوطه در آتش زند چون مرغِ آتشخوار گل  
 گر بتابد نورِ خورشیدِ ضمیرم بر<sup>(۸)</sup> چمن  
 رازها سازد عیان از پرده عینکوار گل

بهار عجم: اشعار ۱، ۳۳، ۴۱، ۵۲، ۶۸؛ آتشکده: شعر ۷، ۲۲، ۳۳، ۵۲، ۵۴، ۵۷؛ هفت اقلیم: شعر ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۴۵، ۵۲

۱- ن ۳، ۴، ۲۸، ۲۹ = نایب بیا؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = نایب بیاد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = نایب بسار

۲- ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = آورند؛ ن ۱، ۸، ۲۹ = آورید

۳- ن ۲ = بتان؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کسان

۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۹ = سرو دستار؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = سرو دستار

۵- ن ۱۷، ۳۵ = گرو؛ ن ۲۹ = نگر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۲۸ = کزو؛ ن ۴ = بود

۶- ن ۱۷ = یک؛ همه نسخ دیگر = صد

۷- ن ۲۹ = زلف و چنین حسن بلند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷۱، ۲۰ = چنین حسن غیور؛ ن ۸، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = جبین

حسن غیور؛ ن ۱۸، ۱۷۰ = حس حس غرور؟

۸- ن ۳۵ = در؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۸، ۲۰ = بر

در سرود وصف اخلاقی تو می‌ریزد برون  
 بلبل طبعم بجای نغمه از<sup>(۱)</sup> منتقار گل  
 در مزاجش ره نیابد<sup>(۲)</sup> خشکی طبع<sup>(۳)</sup> خزان  
 گر ز آب طبع من گردد رطوبت دار گل  
 بی نزاعش از چه در خوبی مسلم داشتند  
 گشته بُرد از حُسن طبعم مایه‌ای در کار گل  
 آنکه برگی<sup>(۴)</sup> از<sup>(۵)</sup> ریاضِ جوهرِ اَوّل ندید  
 گو بیا<sup>(۶)</sup> در باغ طبع<sup>(۷)</sup> عرفی و بشمار<sup>(۸)</sup> گل<sup>(۹)</sup>  
 گر چه عالم را گلستان کرده از معنی هنوز  
 شاخ طبعم را بود از آستین بسیار گل<sup>(۱۰)</sup>  
 تا ز بیدارِ خزان در گلشنِ عالم شود<sup>(۱۱)</sup>  
 منظر مرجان<sup>(۱۲)</sup> اساسش با<sup>(۱۳)</sup> زمین هموار گل<sup>(۱۴)</sup>  
 بساد ایوانِ دماغ و دیده عمر ترا  
 از صفای جوهر<sup>(۱۵)</sup> و عطرِ نفس معمار گل

- ۱- شرح رحیم = در؛ همه نسخ کلیات = بر  
 ۲- ۳۵، ۸، ۱ = رو نتابد؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۸، ۲۹ = ره نیابد  
 ۳- ۲۹، ۲ = یاد؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = غیره = طبع  
 ۴- ۱۷ = نرگس؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = برگی؛ ۱۷۰ = برگ  
 ۵- ۱۷۰، ۴، ۱۷، ۲۹، شرح مسرت = در؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = رحیم و غیره = از  
 ۶- ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بیارد؛ ۹ = بیاور؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بیا در  
 ۷- ۲۹، ۴ = طبعم؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = طبع  
 ۸- ۲۹ = بردار؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = بشمار  
 ۹- در نسخ ۱، مصرعه اولین این بیت از مصرعه ثانی شعر ۵۰ مربوط است ولی در نسخه ۵ هر دو اشعار را بر حاشیه درست کرده‌اند.  
 ۱۰- این بیت تنها در نسخه هفدهم یافته شد.  
 ۱۱- ۱۷ = عالم گلشن بود؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = گلشن عالم شود  
 ۱۲- ۲۸ = منظر جان؛ همه نسخ دیگر = منظر مرجان  
 ۱۳- ۹، ۲۰ = تا؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۳ = با؛ ۲۹ = در؛ ۲۴ = نا  
 ۱۴- ترکیب شعر خیلی پیچیده است و مفهوم را بطور درست واضح نمی‌کند  
 ۱۵- ۱۷۰، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰ = جوهر و عطر نفس؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۳۵ = جوهر عطر نفس

در ادای مدحتِ منظومِ تخلُّق دور نیست

گر بروید از زبانِ راوی اشعار گل<sup>(۱)</sup>

### قصیده چهل و هفتم

قصیده در مدح حکیم ابوالفتح گیلانی<sup>(۲)</sup>

چهره پردازِ جهان رخت کشد چون به جمل

شب شود نیم‌رخ و روز شود مستقبل

چشمِ شب تنگ شود دائرهٔ مردمکش

دیدهٔ روز به تدریج برآید احوال

مردم دیدهٔ آن<sup>(۳)</sup> ژاله و گرمابه صفت

بیضهٔ دیدهٔ این<sup>(۴)</sup> روغن و دیبا به مثل

خون سوداییِ شب زاید و فاسد گردد<sup>(۵)</sup>

لاجرم نشترِ روزش بگشاید اکحل

روز چون کرم بریشم همه مر خویش تند

هر چه شب رد کند از معده چو زنبورِ عسل

بعد ازین ترجمهٔ روز شود صاحبِ کل

بعد ازین شب به نگین ثبت<sup>(۶)</sup> کند عبد اقل

۱- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۲- این قصیده در جواب قصیدهٔ انوریست که به این مطلع آغاز می‌شود:

جرم خورشید چو از دوست در آید به حمل      اشهب روز کند او هم شب را ارجل

شعراى مابعد هم درین زمین طبع آزمودند. در زبان اردو قصیده نگار معروف میرزا محمد رفیع سودا هم درین زمین قصیده گفت باین مطلع:

احد گیا بهمن و دی کاجنستان سی عمل      تیغ اردی نی کیا ملک خزان مستاصل

۳- ن ۱، ۱۷ = او؛ ن ۲۹، کارنامه، مسرت = این؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = آن

۴- ن ۲۹، کارنامه، مسرت = آن؛ همه نسخ دیگر = این

۵- ن ۸، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = گردد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = گردید

۶- ن ۹ (پاورق)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ثبت کند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = نقش کند



وقت آن است کنون کز اثرِ عیش<sup>(۱)</sup> و نشاط  
می نگنجد به صراحی و صراحی به بغل  
جامِ یاقوت و می لعل بهم بالاید<sup>(۲)</sup>  
اثر<sup>(۳)</sup>ِ نامیه چون لاله و داغش به مثل  
نامیه چون چمن<sup>(۴)</sup> سبزه دهد اتمامش  
ناقص از کارگه آرند بیاب<sup>(۵)</sup>ِ مخمل  
عَرَق از شبنم گل داغ شود بر رُخ حور  
اخگر از فیض<sup>(۶)</sup>ِ هوا سبز شود در منقل  
چمن آید به چمن بهر تماشای جمال  
بلبل آید بر بلبل به تمنای غزل  
سُنبل<sup>(۷)</sup> و لاله چو یکسان دمد<sup>(۸)</sup> از باغ حمل  
جلوه<sup>(۹)</sup>ِ لاله ز سیش<sup>(۱۰)</sup> بگشاید اکحل<sup>(۱۱)</sup>  
گیرد از فیضِ هوا طبع جواهر دارو  
خصمت از سوده الماس کند در مکحل  
بسکه هر خار گلی کرده عجب نیست اگر  
یاسمین بشگفت از نشتر زنبورِ عسل

- ۱- شرح عجیب و غریب = جوش نشاط؛ همه نسخ چاپی و خطی = عیش و نشاط  
۲- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = بالایند؛ ن ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = بالاید؛ شرح میرزا جان، کارنامه، مسرت، قطب = بالایند؛ ن ۶، ۲۴، منیر، سمن زار = بالاید  
۳- ۲۴، شرح رحیم = ز اثر؛ همه نسخ دیگر = اثر  
۴- سمن زار، عجیب و غریب، رحیم، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷ = چمن سبز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵، کارنامه، قطب = سبزه  
۵- ن ۱، ۴، ۹، ۲۰، ۲۸، ۱۷، ۲۸، رحیم = از؛ ن ۵، ۸، ۱۸، ۱۹، ۳۵ = ار  
۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = فیض؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = لطف  
۷- ن ۱۷ = سمن و سبزه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = سنبل و لاله  
۸- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = دمد؛ ن ۱، ۵ = شود  
۹- ن ۱۷ = عشوه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = جلوه  
۱۰- ن ۱۷ = سنبل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = سیش  
۱۱- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

پیشِ باغ و<sup>(۱)</sup> چمنِ دهر کنون گر رضوان  
 نسخهٔ خلدِ برین باز گشاید به مثل  
 صورتِ خلد ازین باغ مفصل یابد<sup>(۲)</sup>  
 سیرتِ این چمن از<sup>(۳)</sup> خلد ببیند مجمل  
 حور گیسو به میان بسته در آید به چمن  
 تا لبالب کند از سنبل و گل جیب و بغل  
 بسکه<sup>(۴)</sup> رنگ از اثرِ صحبتِ گل یافت صفا  
 بعثتِ تیرگیِ آیینه دارد صیقل  
 بسکه از سنبل و گل یافت صفا، نزدیک است  
 کز پی بوسه دولب را بهم آرد جدول  
 جام می هم صفتِ دایرهٔ آب شود  
 گر کند نامیه اش با قدح لاله بدل<sup>(۵)</sup>  
 شاید ار<sup>(۶)</sup> عذرِ پرستار<sup>(۷)</sup> پذیرند به حشر  
 بسکه برداشت صفا<sup>(۸)</sup> صورتِ عزّی و هبل  
 انبساطیست درین فصل که بی<sup>(۹)</sup> کاوشِ عقل  
 شاید ار باز شود عقدهٔ ما لاینحل  
 لیلی از گوشه<sup>(۱۰)</sup> محمل بنموده ست جمال  
 یا بود لاله که سر بر زده از سینه<sup>(۱۱)</sup> تل

۱- شرح منیر = باغ چمن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = باغ و چمن

۲- ن ۸، ۲۸، قطب، ۱۷۰ = باید؛ ن ۶ = ماند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = یابد

۳- ن ۱۸، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = ار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = از

۴- شرح مسرت = بسکه دهر از اثر لطف هوا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۳۵ = بسمکه رنگ از اثر صحبت گل  
 ۵- این شعر تنها در نسخه هفدهم یافته شد.

۶- ن ۱۷، ۲۸، شرح قطب، منیر، ۲، ۸ = از؛ همه نسخ دیگر مثل ۳۵، ۸، ۹ = ار

۷- ن ۵ = عذر پرستش پذیرند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۱۷۰ = عذر پرستار پذیرند

۸- ن ۸، ۳۵ = برو؛ ن ۴ = درو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۲۸، ۳۵ = صفا؛ ن ۵ = صبا

۹- ن ۴، ۱۷ = پی؛ همه نسخه های دیگر = بی

۱۰- شرح عجیب و غریب = پرده؛ همه نسخ خطی و چاپی = گوشه

۱۱- ن ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = گوشه؛ ن ۶، ۹، ۱۷ = دامن؛ ن ۱۸ (حاشیه)، ۲۰ (حاشیه)، ۳۵، ۲۹ = سینه

حاسد آزار شوم زین غزل تازه که باز  
 موسم شادی بلبل شد و<sup>(۱)</sup> اندوه جعل  
 ای شب هجر تو در دیده خورشید<sup>(۲)</sup> سبل  
 چشم روح القدس از شوقِ جمالت احول  
 مژده برهم نرزم دوش که در بیتِ حزن  
 تا صبا هم در دل کوفت تمنای اجل  
 از دل و دیده<sup>(۳)</sup> آلوده در یأس مزن  
 دجله عفو به اینها نشود مستعمل  
 به عذاب ابدی دل نگذارد<sup>(۴)</sup> غم دوست  
 این نه مومست کز آتش بکند ترکِ غسل  
 لذت تلخی درد تو اگر شرح دهم  
 نوشدارو بفرستم به سلامِ حنظل  
 چند ازین آتشِ خس پوش برانگیزی دود  
 ای بخوش جوهری آئینه حسنِ تو مثل  
 آستینی ز وفا بر مژه ام کش، تا چند  
 پوشم این چشمِ تر<sup>(۵)</sup> از حدس<sup>(۶)</sup> خداوندِ اجل  
 میرا بوالفتح که در سینه دولت مهرش  
 آفتابست که تحویل ندارد ز<sup>(۷)</sup> حمل

۱- ن ۶ = شد و آزار ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = شد و اندوه ؛ ن ۲۸، ۱۷۰، شرح رحیم = شده اندوه

۲- ن ۶ = امید ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خورشید

۳- ن ۱۷ = دیده ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = دامن

۴- ن ۹ (پاورقی)، ۱۷، ۲۹، ۱۷۰ = نگذارد ؛ ن ۶ = بگذارد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = نه گذارد

۵- ن ۹ = ترا از ؛ همه نسخ دیگر = تر از

۶- ن ۶ = ختم ؛ ن ۳ = حرس ؟ ؛ ن ۵ = حدت ؛ ن ۲ = مدح ؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = حدس ؛ ن ۱۷۰ = حد ؟

۷- ن ۲۹ = به ؛ همه نسخه های دیگر = ز

روی در روی رود سایه او با خورشید  
چشم در چشم کند پایه او خبث<sup>(۱)</sup> زحل  
لب او خندد اگر چشم جهان گرید زار  
دست او جنبد اگر دست قضا گردد شل  
با<sup>(۲)</sup> هواداری لطفش ز سر سبز ربیع  
بهمن و دی بربایند کلاه مخمل  
یک درم وار نیاید زیر خالص بیرون  
گر ضمیرش زیر خورشید در آرد به عمل  
عنفش اندر کنف<sup>(۳)</sup> عدل بخواب است و بود  
رازدارِ عدم و مصلحت اندیش اجل  
در مقامی که کند روی کنایت به عدو  
ضرب شمشیر ندارد اثرِ ضربِ مثل  
گشت موضوع که از وضع لغت‌های ذوات  
لغتِ ذاتِ تو مستعمل و باقی مهمل<sup>(۴)</sup>  
آسمان گفت ندانم که حلول از چه نکرد  
صورتش پیشتر<sup>(۵)</sup> از صورت عالم به محل<sup>(۶)</sup>  
زانکه چون روز<sup>(۷)</sup> ارادت ز افق<sup>(۸)</sup> سر برزد<sup>(۹)</sup>  
صاحب‌دولت او زاد و شبانگاه ازل

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، قطب = جنب ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، کارنامه، هفت اقلیم، عجیب و غریب = خبث

۲- ن ۱، ۵، کارنامه = بهواداری ؛ نسخ دیگر = با هواداری

۳- ن ۲۰ = کنف ؛ همه نسخ دیگر = کنف

۴- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸ یافته شد.

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹ = بیشتر ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = پیش تر

۶- ن ۹ = بمحل ؛ دیگر نسخ = به محل

۷- ن ۶ = صبح ؛ همه نسخ بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = روز

۸- ن ۹، ۲۹، رحیم، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ز جهان ؛ ن ۱۷۰ = به افق ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = ز افق

۹- ن ۸، ۳۵ = سر نزنند ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۲۸، ۱۷، ۲۹ = سر برزد

زین سخن جوهرِ فعال برآشفست و بگفت  
 کای تُنک بهره<sup>(۱)</sup> ز فهمِ رصدِ علم و عمل  
 بیمِ آن بود<sup>(۲)</sup> ز خاصیتِ بکتایی او  
 که هیولی نپذیرد صورِ مستقبل  
 ای تجلی وجود تو جهانگیر بقا  
 وی تمنای حسود تو عنانگیر اجل  
 صفوت<sup>(۳)</sup> ذهن تو صرافِ مطالب<sup>(۴)</sup> چو دلیل  
 جودتِ لفظ<sup>(۵)</sup> تو کشفِ دقایق چو مثل  
 فلکِ عدلِ تو هردم به جهان آرایی  
 آفتابی<sup>(۶)</sup> دگر از حوت درآرد به حمل  
 تا گرفته ز سخای تو جواهر دارو  
 جودِ حاتم شده در دیده امید سبل  
 بهر پاتابه خدام تو می رفت به خرج<sup>(۷)</sup>  
 گر نبود اطلس افلاک چنین مستعمل  
 چون دماغِ فلک از صیتِ تو مختل گردد  
 عیسی از مهر نشاید که گُند رفع<sup>(۸)</sup> خلل  
 گر جَعَلَ درِ سر از رایحه گل یابد  
 بُلبل از بهر مداواش بساید<sup>(۹)</sup> صندل

۱- ن ۹ = مایه؛ همه نسخ دیگر بشمول ۹ (پاورق) = بهره

۲- ن ۱، ۵ = است؛ دیگر همه نسخ = بود

۳- ن ۴، ۶ = صفت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = صفوت

۴- ن ۱۷ = معانی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = مطالب

۵- شرح عجیب و غریب = طبع؛ شرح قطب = لطف؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، هفت اقلیم، شرح مسرت، شرح رحیم و غیره = لفظ

۶- ن ۹، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آفتاب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = فلکی

۷- ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۱ = چرخ؛ ن ۵، ۱۷، ۳۵، ۲۸، کارنامه، عجیب و غریب، سمن زار = خرج

۸- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = دفع؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = قطب = رفع

۹- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۳۵ = مسرت = نساید؛ ن ۲، ۳، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = بساید

جمله هم سنگِ گهرهای دل و طبعِ من است<sup>(۱)</sup>

این جواهر که فشانَد کفِ جودش به امل

فاش گویم، نکنم شرم همانست که کرد<sup>(۲)</sup>

اشتیاقِ کفِ تو صورتِ نوعیش<sup>(۳)</sup> بدل

لوحش الله ز سبک سیر سمند تو، که هست

دودمانِ کسل<sup>(۴)</sup> از شوخی او مستأصل

آن سبک سیر که چون گرمِ عنانش سازی

از ازل سوی ابد وز ابد آید به ازل

قطره‌ها کش دم<sup>(۵)</sup> رفتن چکد از پیشانی

شبم آسا<sup>(۷)</sup> بنشیند گو رجعت به کفل

گر بخورشید دهد سرعت خود،<sup>(۸)</sup> در یک دم

آید از شور بترتیبِ منازل به حمل

سکوناتِ قدم از شوخی او<sup>(۹)</sup> نا معلوم<sup>(۱۰)</sup>

حرکاتِ فلک از سرعتِ او مستعمل

گر سرِ خصمِ تو بندند بپایش دم نزع

تا قیامت بگلوش نرسد دست<sup>(۱۱)</sup> اجل

۱- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۳۵ = من اند؛ ن ۳، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱، مسرت، کارنامه، قطب،

میرزاجان، رحیم، سمن زار = من است

۲- ن ۱ = بود؛ ن ۸ = گردد؛ ن ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = کرد

۳- ن ۴ = عینیش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = نوعیش

۴- بهار عجم، ۲۰ = گسل؛ همه نسخ دیگر مثل ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ و غیره = کسل

۵- ن ۶ = کز؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = کش

۶- ن ۸ = که؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و غیره = دم

۷- ن ۵ (اصلاح)، کارنامه = آسا بنشیند؛ ن ۲۸ = آسایش نشیند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ (اصل)، ۶، ۷، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = آساش نشیند

۸- ن ۹، رحیم، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = او؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خود

۹- ن ۶ = آن؛ دیگر همه نسخ = او

۱۰- ن ۱، ۴، ۶، ۲۹، ۳۵ (اصل)، ۱۷۰ = نامعمول؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸ (اصلاح) = نامعلوم

۱۱- شرح رحیم، ۲۲، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = چنگ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷ و غیره = دست

در عنان گردش او تا کره ناز<sup>(۱)</sup> و هوا

طی شود دایره بر دایره مانند بصل

داورا داوریت<sup>(۲)</sup> هست، اشارت فرمای

تا بساید فلک از بهر صداعت صندل

داد یک شهر<sup>(۳)</sup> ز عرفی بستان، کین<sup>(۴)</sup> مغرور

کبر و نازش نه باندازه قدر است و محل

پُر غروری است که تا من در مدحت<sup>(۵)</sup> نرزم

این گمان داشت که دورانش نیاورده بدل<sup>(۶)</sup>

نیم تحسین مکن ار گوید<sup>(۷)</sup> صد بیت بلند

که دماغش شده از حسن<sup>(۸)</sup> طبیعت مختل

هر سرِ مویش اگر باز شکافی، بینی<sup>(۹)</sup>

سومنائی است که چیده ست<sup>(۱۰)</sup> درولات و هبل

بهر اصل و نسبِ خویش نویسد بیرون

هر چه خوانده<sup>(۱۱)</sup> ز نسب نامه اربابِ دول

گوهر افروز<sup>(۱۲)</sup> رموز است نه دریا و نه کان

حکمت آموزِ عقول است، نه علم و نه عمل

۱- ن ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، کارنامه، قطب، رحیم = از ناکره ناز و هوا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵،

شرح منیر، مسرت = از ناکره ناز هوا؛ شرح عجیب و غریب = کاوه کره ناز و هوا

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، هفت اقلیم، ۱۷۰ = داوریت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، رحیم = داوریت

۳- ن ۶، ۱۹ = شعر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، هفت اقلیم، رحیم = شهر

۴- شرح عجیب و غریب = کان؛ همه نسخه های دیگر = کین

۵- هفت اقلیم = محنت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = مدحت

۶- شرح قطب = مثل؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = بدل

۷- ن ۲۰ = گوید؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = گوید

۸- ن ۲۹ = جنس؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ و غیره = حسن

۹- ن ۱۷، ۹ = بینی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = بخرد

۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = چند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = چند؛ ن ۹ = چیده

۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = خواهد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = خواند

۱۲- ن ۶، ۱۷، ۹ = افروز؛ ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۲۹ = آرای؛ ن ۴، ۲۸، ۱۷۰ = آبی؛ ن ۳، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = آمای

دعویِ همت و از شرمِ خسان در خلوت  
 بشکند رنگش اگر جامه نباشد مخمل  
 گربه بازچه نهد در کفِ اندیشه عنان  
 می‌نهد غاشیه بردوش جریر و اخطل  
 چه بلا عیب تراشم که حسد کم بادا  
 مشنو عیبِ زر دهمدی از سیمِ دغل  
 گر چه او بود و کنون هست و دگر خواهد بود  
 اینک آن ماضی و حال اینک و این مستقبل  
 هرکه با او چو عطارد نبود مردِ مصاف  
 صلح و<sup>(۱)</sup> تحسین خوشش آید نه تهوّر نه جدل  
 آنچه ابیاتِ بلند است که از طبعش زاد  
 انتخایست ز دیوانِ سخن بخش ازل  
 و آنچه ذراتِ معانی است که بر وی جوشند<sup>(۲)</sup>  
 همه خورشید شوند<sup>(۳)</sup> ار<sup>(۴)</sup> بشناسند محل  
 دارد از عزّت اصل گهر و ذلّت<sup>(۵)</sup> شعر  
 پای در تحت ثری دست در آغوش زحل  
 عزّت<sup>(۶)</sup> او نه شهیدست که حشرش باشد  
 ورنه بگریستمی<sup>(۷)</sup> از ستمِ مدح و غزل

۱- ن ۹ = صلح و تحسین خوشش آید نه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۲۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = صلح و تحسین و خوش آمد نه؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = صلح و تحسین خوش آید نه؛ ن ۲۴ = صلح و تحسین نه خوش آید نه؛ شرح مسرت، سمن زار = صلح و تحسین خوش آید نه؛ شرح رحیم = صلح و تحسین نه خوش آید نه؛ ن ۱۹۸ = صلح و تحسین خود آمد نه  
 ۲- ن ۱، ۵ = خورشید؛ ن ۳۵، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۳۳، ۲۴، ۲۰، ۱۸، ۹، ۴، ۳ = جوشند؛ ن ۸ = خوشد  
 ۳- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = شود؛ ن ۲۴، ۱۷۰، ۳۵، ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۱۸، ۶، ۵، ۴، ۳ = شوند  
 ۴- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = گر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ار  
 ۵- ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = ذلّت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۳۵ = لذت؛ ن ۱۷۰ = دولت  
 ۶- شرح مسرت = عنبرت؛ همه نسخه‌های کلیات و شرح میرزا جان، منیر، کارنامه، قطب و غیره = عزّت  
 ۷- ن ۴، شرح منیر، عجیب و غریب = نگریستمی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ و غیره = بگریستمی



اگر او<sup>(۱)</sup> نامزد ننگ شد از ذلت<sup>(۲)</sup> شعر

شعر از عزت او نیک برآمد ز ذلل

شعر اگر<sup>(۳)</sup> نیک و اگر بد تو زیانش<sup>(۴)</sup> دانی

شرح<sup>(۵)</sup> این با تو، غلط جز تو برم لات و هبل

لله الحمد که تا قدر تو شناخت، نبود

جوهر بندگیش چون هنرش مستعمل<sup>(۶)</sup>

ای<sup>(۷)</sup> که در عهد تو عهد جم و کی گر بودی

همه بر خویش فشاندی گهر مدح و غزل

شکر طالع کند و چون نبود شکر گذار

آن یک اندیش که چشمش بتو افتاد<sup>(۸)</sup> اول

صله نپذیرد و این حسن طلب شماری

خود تو دانی که چها کرده بامید<sup>(۹)</sup> و امل

او که پروانه قدر<sup>(۱۰)</sup> است نسوزد زین نار<sup>(۱۱)</sup>

او که عمّامة عرش است نیفتد به وحل

۱- ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = اگر او نامزد ننگ شد؛ ن ۶ = او اگر نامزد ننگ شد؛ ن ۲۸ = او اگر نامزد نیک شد

۲- ن ۲۸ = دولت؛ ن ۸، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۶ = لذت؛ ن ۹، ۱۷، ۱، ۵، ۴ = ذلت

۳- ن ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۴ = شعر ازو نیک و گر بد؛ ن ۹ = شعر اگر نیک و اگر بد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۳ = شعر ازو بیش و ازو کم؛ ن ۱۷ = شعر ازو بیش و ازو کم

۴- ن ۹ (پاورق) = رموزش؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = زیانش؛ ن ۲۴ = زیانش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زیانم

۵- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = شرح این با تو غلط جز تو برم لات و هبل؛ ن ۲۹ = شرحها با تو غلط جز تو برم لات و هبل؛ ن ۹ = بزم با تو چنین شرح غلط لاتال

۶- در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ این بیت قبل شعر پیشین است.

۷- ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹ = این که در عهد تو در عهد جم و کی گر بود؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = این که در عهد تو و عهد جم و کی که بود؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = ای که در عهد تو عهد جم و کی گر بودی؛ شرح منیر = اینکه در عهد تو در عهد کی و جم گر بود؛

ن ۳۵ = اینکه در عهد تو در عهد جم و کی که بود

۸- ن ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۴ = افتاد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = افتد

۹- ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۴ = امید و امل؛ ن ۹، ۱۷۰، ۱، ۵، ۲، ۴ = امید امل

۱۰- سمن زار = قدس؛ همه نسخه های دیگر = قدر

۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۴ = زین نار؛ ن ۵ (حاشیه)، ۲۸ = زینسان؛ ن ۱۷، ۳۵ = زین ناز؛ ن ۲، ۲۹، ۳۶ = به نیاز؛ ن ۴ = ز نیاز

صله<sup>(۱)</sup> برهان گدایی ستایش گر توست  
 بر ثنا گسرت<sup>(۲)</sup> این آیه مبادا منزل  
 آنچه دادی و دهی گر چه بمعنی صله است  
 صله دوستیش باد نه مدح و نه غزل  
 قصه مهر و وفا با تو نیارم گفتن  
 کاین حکایت چو نهایت نپذیرد اول  
 گویم از ناصیه اش هر چه نوشتست بخوان  
 این نگویم<sup>(۳)</sup> که مفصل بشنو یا مجمل  
 در نثارت<sup>(۴)</sup> گهر چند طمع داشت قضا  
 زان به اخلاص تو بشکست غرورش<sup>(۵)</sup> اول  
 عرفی افسانه مخوان، نوبت دیگر<sup>(۶)</sup> شعراست  
 گوشه چشم نمودند<sup>(۷)</sup> که تنگ است محل  
 مدح صاحب نه و حرف خود و این طول کلام  
 هیچ شرم آیدت از نکته ماقل و دل  
 به دعا زو که اجابت نظرش بر لب تست  
 گرچه محتاج دعا نامده مسعود ازل  
 تا ز تحویل حمل خاک زیر جدد گردد  
 تا ذبول<sup>(۸)</sup> از عملی نامیه مانند مهمل

۱- ن ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۸ = برهان گدایی و ستایش گری است؛ ن ۲۴، ۱۷۰ = برهان گدایی

ستایش گری است؛ ن ۲، ۴، ۳۵ = برهان گدایی ستایش گریست؛ ن ۱۷ = برهان گدایی و ستایش گر تست

۲- ن ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ثنا گسرت؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ستایش گرت

۳- ن ۲۹ = بگویم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = نگویم

۴- ن ۲۸ = در نثار؛ ن ۲۹ = دز تبارت؛ ن ۹، ۳، ۳۵، ۴، ۶ = در ثنا زو؛ ن ۱۷ = دز نثارت؛ دیگر همه نسخه ها مثل ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ و غیره = در نثارت

۵- ن ۱، ۲۹ = غرور؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = غرورش

۶- ن ۲۹ = نوبت شعر دگر است؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = نوبت دیگر شعراست؛ ن ۲۸ = نوبت اول

شعراست (به مناسبت مصرعه ثانی "نوبت دیگر شعراست" درست تر می نماید).

۷- ن ۲۹ = نمودست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = نمودند

۸- ن ۲۹ = زیون؛ ن ۹ = زنول؛ ن ۵، ۳۵، ۱۷ = ذبول؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = زیول

کشته مزرع بخت تو پذیراد<sup>(۱)</sup> نمو  
تا بحدی که چرندش بمیان جدی و حمل  
بعدم خصم درون<sup>(۲)</sup> خسته<sup>(۳)</sup> چو در توبه<sup>(۴)</sup> گناه  
تو<sup>(۵)</sup> برون تاخته از حلم<sup>(۶)</sup> چو از علم عمل

### قصیده چهل و هشتم

قصیده در نعت سید المرسلین صل الله علیه و سلم<sup>(۷)</sup>

دلا ز مصحف تسلیم برگشودم فال  
بیار مطهرة ترک و نسخه اعمال  
لباس بوقلمون را به نیل کش، تاکی  
روی به خانه<sup>(۸)</sup> طاووس و<sup>(۹)</sup> بر طرازی بال  
به صد هوس کمر سعی کرده ای رنگین  
به ساق<sup>(۱۰)</sup> حور ببخش این مرضعی خلخال  
ز ناله<sup>(۱۱)</sup> می بچکد خون، اثر چه می طلبی  
ز چوب خشک به بازیچه می تراش نهال

۱- ن ۳۵ = پری زاد؛ همه نسخه های دیگر = پذیراد

۲- ن ۱۷ = دران؛ ن ۵، ۹، ۲۸، ۲۹، ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۳۵ = درون

۳- ن ۱۷، ۲۹، ۳۵ = جسته؛ شرح عجیب و غریب = رفته؛ دیگر نسخه ها مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = خسته

۴- ن ۹ = از تو بگناه؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۸، ۳۳، ۲۴ = در توبه گناه؛ ن ۲۰ = از توبه گناه

۵- ن ۲۹ = تا؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = تو

۶- ن ۲۸، ۳۳، ۲۰ = علم؛ عجیب و غریب = چهل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = حلم

۷- این قصیده یکی از منظومات نادر عرفیست و گردآورنده این اثر آن را تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ یافته شد.

۸- ن ۱۷۳، ۴۲، ۲۹ = بخانه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۳۵، ۱۷۲، ۸ = جامه

۹- ن ۵، ۲، ۲۹ = طاووس در طرازی؛ ن ۸، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = طاووس و بر طرازی

۱۰- ن ۱۷۲، ۵ = بسان؛ ن ۲ = بساط؛ ن ۱ = لباس؛ ن ۸، ۱۷۳، ۴۲ = بساق

۱۱- ۱۷۳ = ز ناله ای بچکد خون؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۴۲ = ز ناله می بچکد خون؛ ن ۲ = ز ناله می نه چکد خون؛

ن ۱۷۲ = ز ناله می چکدش خون

بین که زاده چه نیکی<sup>(۱)</sup> بود باین منگر<sup>(۲)</sup>

که وضع حمل و زفافش یکیست بکر<sup>(۳)</sup> سؤال  
به اینکه نافه بجویی و عطسه‌ای بزنی<sup>(۴)</sup>

مخار سینۀ آهو مكاو نافِ غزال

کسی به جامۀ اطلس چگونه دل بندد

که آستینش بود مژده<sup>(۵)</sup> ریز بر غسال

دلی<sup>(۶)</sup> که پای<sup>(۷)</sup> بناقوس<sup>(۸)</sup> نفس ماند او را

کند به ناصیه قندیلِ عرش استقبال

به صدرِ صَفَه دل شاهدِ هوس نشان<sup>(۹)</sup>

به طاقِ کعبه صنم بر منه که هست و بال

تو شکلی خود به صد آئینه‌ات شاهد نیست

چرا ز شاهدِ قدست<sup>(۱۰)</sup> هواست عرضِ جمال<sup>(۱۱)</sup>

چو شاهبازِ ملامت همیشه پروازست

ببند و باز مکن کبکِ خنده را پر و بال

ز چاهِ طبعِ برآ<sup>(۱۲)</sup> در مفاکِ نفسِ مخواب

روا مدار به یوسف نیابتِ دجال

۱- ن ۴۲ = تنگی ؛ ن ۲ = تنگی ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷، ۳۵، ۱۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = نیکی

۲- در همه نسخ "منکثر" است

۳- ن ۵، ۱ = بکر و سوال ؛ ن ۲، ۸، ۱۲، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = بکر سوال

۴- ن ۴۲ = زنی ؛ دیگر همه نسخه‌ها مثل ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷، ۱۲ = بزنی

۵- ن ۲، ۱، ۵، ۸، ۱۷۲، ۱۲، ۳۵ = مرده ریز ؛ ن ۱۷، ۴۲، ۱۷۳ = مژده ریز

۶- ن ۳۵، ۱۷۲، ۴۲، ۱۷۳، ۸، ۱۲، ۱۲ = دلی ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = ولی

۷- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = بجامه ؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳، ۱۲، ۴۲ = که پای

۸- ن ۲ = ناموس ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۲، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = ناقوس

۹- ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۱۷۲، ۱۷۳ = نشان ؛ ن ۸، ۴۲ = نشان

۱۰- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۴۲ = قدست ؛ ن ۸ = قدرت

۱۱- ن ۲ = کمال ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۲، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = جمال

۱۲- ن ۲ = برآ بر ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۲۹ = درآ در ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = برآ در ؛ ن ۱۷۳ = برآ

نمی‌کنند درین صفه<sup>(۱)</sup> می‌بجام درست

پیاله بر سرِ خم بشکن و بیار سفال

مچین بساط اقامت به وادی امید

که هست طبع هیولی مشکلی اشکال

بزن لوای سلامت بعالم تسلیم

که نیست صورتِ نوعی به هیچ ماه<sup>(۲)</sup> حلال

ز روی شاهدِ ایمان بشوی نیلِ گناه

که این مگس<sup>(۳)</sup> بدوام نشست گر در خال؟

که گوید از من مست این حدیث با لیلی

به حُسنِ عجز طرازنده صورتِ احوال

که<sup>(۴)</sup> آستینِ دلم چاک و گنجِ ایمان فاش

تصرفی که به بازیچه می‌برند اطفال

چو از بساطِ ملامت متاع بر چینم

در آن معامله ناموس بایدم دلال

چو در سلامتِ ایمان ترانه<sup>(۵)</sup> سنجیدم

در آن مطایبه ناقوس را<sup>(۶)</sup> کنم هزّال<sup>(۷)</sup>

یکیست شکلی وجود و عدم درین مرآت<sup>(۸)</sup>

چو نزد علمِ احد حکمِ حال و استقبال

ز کعبه تافته رو می‌روی و آن در و بام

دواندت به اثر نامه تعال تعال

۱- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = صف می بجام درست ؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳، ۴۲ = صفه می بجام درست

۲- ن ۴۲ = یاوه حال ؛ ن ۱۷۲ = ماده حلال ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۱۷۳ = ماده حال

۳- ن ۱۷۲ = بکس ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۴۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳ = مگس

۴- ن ۱۷ = نه ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۲ = که

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = ترانه سنجیدم ؛ ن ۲۹ = ترانسنجیدم (ترانه سنجیدم)

۶- ن ۵، ۸، ۳۵، ۴۲ = بایدم ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷، ۱۲ = راکنم

۷- ن ۱۷۳ = نزال ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۴۲، ۱۲، ۱۷۲ = هزّال

۸- ن ۲۹ = درین آیات ؛ ن ۳۵ = دران مرآت ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۱۷، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = درین مرآت

تو خواه<sup>(۱)</sup> مدفن خود کعبه ساز و خواهی دیر  
 که کرده جای تو خالی فرشته نَقَّال<sup>(۲)</sup>  
 بنوش هر<sup>(۳)</sup> چه بجامت کنند و<sup>(۴)</sup> دم درکش  
 مبین که دُرد کدام<sup>(۵)</sup> است یا کراست زلال  
 بنوش جام،<sup>(۶)</sup> لبالب بنوش و گرم بنوش  
 بود که مستیت آرد به آستانِ وصال  
 مرو به کعبه که مشاطگان بر آریند  
 برنگ و بوی ریا حین<sup>(۷)</sup> شاهد افعال  
 بیا به دیر و بنه روی عجز بر<sup>(۸)</sup> درِ صدق  
 که در حجابِ معانیست صورتِ اعمال  
 جماعتی بـنگر در لباسِ کفر ولی  
 صنم شکن همگی بالغدو والآصال  
 ز نغمه سنجی ناقوس جمله مستِ سماع  
 ولی بدعوی تکمیل دین و حُسن مآل  
 لباسِ کعبه دهد جبرئیل شان بر دوش  
 ز ننگِ کسوت و صورتِ بری چو فرضِ محال  
 به علم آینه<sup>(۹)</sup> دارِ معلّم اوّل  
 به ذهن مصلحت آموز<sup>(۱۰)</sup> جوهرِ فعّال

۱- ن ۱۷۲ = خوانده؛ همه نسخ دیگر نسخه‌ها مثل ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۱۷، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = خواه

۲- ن ۲۱ = نقّال؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = نقّال؛ ن ۴۲ = تعال

۳- ن ۲ = بنوش و هرچه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷ = بنوش هرچه

۴- ن ۲، ۴۲ = کنند دم در کش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = کنند و دم در کش

۵- ن ۴۲ = کرامست؟؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = کدام است

۶- ن ۱۷، ۲۹، ۱۷۳ = جام و لبالب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = جام لبالب

۷- ن ۵، ۱، ۱۷۲ = ریاحین؛ ن ۲، ۱۲، ۱۷، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۳ = ریا حسن

۸- ن ۴۲، ۱۷ = صدق بر در عجز؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = عجز بر در صدق

۹- ن ۵ = آینه دار و معلّم؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = آینه دار معلّم

۱۰- ن ۵ = آموز و جوهر؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = آموز جوهر

جَنیّت و عَلمِ کفر پیش‌پیش، ولی

دوان به ناصیه ایمان چو سایه در<sup>(۱)</sup> دنیال

بکام شاهدِ معنی درون چو لذّتِ حُسن

بچشمِ عاشقِ صورتِ عیان چو رنگِ<sup>(۲)</sup> جمال

بنوش باده بذوقی<sup>(۳)</sup> که گم شوند مغان<sup>(۴)</sup>

که نوش‌نوش بر آرند<sup>(۵)</sup> چون حلال حلال

بنوش باده لعلی که لانه‌سان ز سرت

دمد<sup>(۶)</sup> پیالهٔ مرجان و لیک مالامال

زهی بسجلوهٔ قدّ تو خونِ فتنه حلال

خیالِ چشمِ ترا خیلِ عشوه در دنبال

به نور یوسفِ مصری مثل به حسن که بود

ز صورتِ تو در آئینهٔ زمانه مثال

بود ز فتنهٔ عشقت<sup>(۷)</sup> شرابِ غصّه به<sup>(۸)</sup> من

چو خونِ اهلِ محبّت به غمزهٔ تو حلال

ز لطف‌های نهانی رقیب مستغنی

چو حسن تو<sup>(۹)</sup> ز تصرف، چو عشقِ من ز ملال

۱- ن ۱۷۲، ۴۲، ۱۷۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳، ۵، ۸، ۲، ۱ = در؛ ن ۱۷ = از

۲- ن ۴۲ = ریگ؛ همه نسخه دیگر = رنگ

۳- ن ۸ = بنوعی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۴۲ = به ذوق

۴- ن ۱۷۳ = کم شوند عیان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = کم شوند مغان

۵- ن ۱۷۳، ۴۲ = بر آرند یا؛ ن ۱۷، ۲۹ = بر آرند یا؛ ن ۳۵ = بر آرند یا؟؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = بر آرند چون

۶- ن ۳۵ = دهد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۲، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = دمد

۷- ن ۵، ۱ = حسنت؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۱۲، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = عشقت

۸- ن ۱۷۲ = غصّه من؛ همه نسخه‌های دیگر = غصه به من

۹- ن ۸، ۳۵، ۲۹ = حسن او؛ ن ۱۷، ۴۲، ۱۷۳ = حسن تو

زهی ز شهید ملالت گلوی جان شیرین  
 چو لعل تو<sup>(۱)</sup> به<sup>(۲)</sup> تبسم چو کام دل به وصال<sup>(۳)</sup>  
 بیا به دیده نشین تا درش<sup>(۴)</sup> فراز کنم  
 که دل ز شوق تسلی نمی شود به خیال  
 نمی کنم ز خیال تو شرم و می گویم  
 تو خود بیا که تسلی نمی شوم ز خیال<sup>(۵)</sup>  
 طبیعت که و بیجاده را مبدل یافت  
 کسی که روی مرا<sup>(۶)</sup> دید و آستان وصال  
 همیشه بندگی این دود بر من افشاند  
 که بر تو نسبت همچو منی مباد حلال  
 بجان دوست که دشمن ز دوستی دور است  
 چو کینه<sup>(۷)</sup> تو ز نقصان چو مهر من به زوال  
 چو دست غیرتم آینه دار او<sup>(۸)</sup> گردد  
 ز رشک خود نگشاید نظر برو<sup>(۹)</sup> تمثال  
 چو پیش در برسی رو<sup>(۱۰)</sup> بر آستانه منه  
 بدون رخصت کرسی نشین عرش جلال

۱- ن ۸، ۳۵، ۱، ۱۷۲، ۵، ۸ = لعل او؛ ن ۱۷، ۴۲ = لعل تو

۲- ن ۸، ۳۵، ۴۲، ۱۷۳ = ز تبسم چو کام دل ز وصال؛ ن ۱۷۳ = ز تبسم چو کام او ز وصال؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = ز تصرف چو عشق من ز ملال

۳- این بیت در نسخه ۱، ۲، ۱۷۲، ۵ هر دو اشعار ۳۹، ۴۰ را خلط خلط کرده اند و بطور یک بیت زیر نوشته اند:

زهی ز شهید ملالت گلوی جان شیرین  
 چو لعل او ز تصرف چو عشق من ز ملال

۴- ن ۱۲ = درش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۳ = درس

۵- این بیت در نسخه ۱، ۲، ۵، ۱۷۲ نیست. همین طور نمایند که در مسودات مغشوش ابیات ۴۱ و ۴۲ به شکل نادرست یافته شدند و در بعضی نسخ این را بطور یک و در بعضی دیگر بطور دو اشعار درست کردند.

۶- ن ۱۷، ۴۲ = مرا؛ ن ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳ = ترا (در نسخ ۱، ۲، ۵، ۱۷۲ این شعر نیافته شد)

۷- ن ۱۷ = کشته؛ ن ۱، ۲، ۵، ۴۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = کینه

۸- ن ۱، ۵، ۱۷ = من؛ ن ۲، ۸، ۱۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = او

۹- ن ۱۷۳ = بران؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = برو

۱۰- ن ۱۷ = برسی ره بر آستانه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = برسی زو بر آستانه؛ ن ۲۹، ۱۷۳ = برسی رو به آستانه؛ ن ۴۲ = نرسد رو بآستانه



شهی که مایده کن فکان کفِ رادش  
 به نسیم لقمه<sup>(۱)</sup> در افکند در دهانِ سؤال  
 نموده فیض ضمیرش به اعمی فطری  
 ز پرده دل قوَت مائِثِرِ افعال  
 نسیم لطفش اگر بیشتر شود، شاید  
 که موجزن شود آینه همچو آبِ زلال<sup>(۲)</sup>  
 چو بختِ دشمنش آینه گر شود، شاید  
 که واژگونه نماید هیاکلِ تمثال  
 زهی محال که با حکمِ نافذِ منعت  
 شود مشامِ هوا منفذِ نسیمِ شمال  
 هنوز در رحمِ گن نبود شکلی<sup>(۳)</sup> وجود  
 که مهدِ جاوِ تو آراست دایه اقبال  
 بحیرتم که چه حالت عطا کند ایزد  
 کزان زیاده شود در طبیعتِ تو کمال  
 ازان بشاهدِ دنیا طرازِ حُسنِ ابد  
 عطا<sup>(۴)</sup> نکرد حکیم محوّل<sup>(۵)</sup> الاحوال  
 که همّت چو ازین تنگنا ملول شود  
 توان<sup>(۶)</sup> ز دامنش افشاند این غبارِ ملال  
 اگر بنامیه<sup>(۷)</sup> عمرِ حسودت آویزد  
 خلافِ قاعده کوتاه شود چو شمع نهال

۱- ن ۱، ۵ = گفته ؛ ن ۲ = نغمه ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = لقمه

۲- این بیت در نسخ ۱، ۵، ۱۷۲ نیافته شد. در نسخه ۱۷۳ بجای اشعار ۵۰ و ۵۱ فقط یک بیت بطور زیر یافته شد: نسیم

لطفش اگر بیشتر شود شاید که واژگونه نماید هیا کل تمثال

۳- ن ۱، ۵، ۱۷۲، ۲ = نقش وجود ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۳ = شکل وجود

۴- ن ۴۲ = ادا نکرد ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = عطا نکرد

۵- ن ۴۲ = محوّل الاحوال ؛ همه نسخه های دیگر = محوّل احوال

۶- ن ۲۹ = ازان ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۲، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ = توان

۷- ن ۱۷، ۳۵، ۴۲ = بنامیه ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷۲، ۱۷۳ = بنامه

اگر بنوکِ سنانِت وزد هوا،<sup>(۱)</sup> شاید  
 که شکلی سایه ریاید ز سطحِ آب زلال  
 ببین که صیرفی رای او چه زر<sup>(۲)</sup> سنجد  
 که آفتاب بود در ترازوی منقال  
 پیِ شمردنِ احسانِ اوست در حرکت  
 اصابعِ شب و روز و اناملِ مه و سال  
 به آن<sup>(۳)</sup> مشابه در ایامِ عدلِ او گردید<sup>(۴)</sup>  
 طباع<sup>(۵)</sup> ظالم و مظلومِ منقلبِ احوال  
 که در مشیمهٔ ارحامِ شیر و آه‌ورا  
 شود بحکمِ طبیعت بدلِ سُم و چنگال  
 کسی که تب کند از رشکِ رای روشن تو  
 ز آفتاب برون آورد لبش تبخال  
 ز بس که چترِ ضمیرت ز قُبه عکس افکند  
 صد آفتاب چو طاووس دارد از دنبال  
 چنان به چشم و زبان آشناست گفتهٔ من  
 که نانوشته توان خواند از صحیفهٔ حال  
 اگر عدوی تو بروی نشسته بگریزد  
 بود سوارِ اجل تا قیامت از دنبال<sup>(۶)</sup>

۱- ن ۴۲، ۲۹، ۱۷۳، ۸ = دزد صبا شاید؛ ن ۱۷ = وزد هوا شاید؛ ن ۳۵ = صبا وزد شاید؛ ن ۲ = طغر وزد شاید؛ ن ۱، ۵ = وزد روان شاید؛ ن ۱۷۲ = وزد شاید؟

۲- ن ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = چه زرد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = چو زرد؛ ن ۴۲ = چه بر

۳- ن ۱۷، ۴۲، ۲۹، ۱۷۳ = بدان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = به آن

۴- ن ۱۷۳، ۱۷۲، ۲۹، ۳۵، ۱ = گردید؛ ن ۵ = کردمد؟؛ ن ۲، ۴۲ = کردند؛ ن ۸ = کردم

۵- ن ۴۲، ۱۷۲ = طبایع؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۳ = طباع

۶- در نسخ ۴۲ و ۱۷ یافته نشد

## قصیده چهل و نهم در منقبتِ امیرالمومنین علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه

ای مرتفع ز نسبتِ ذاتِ <sup>(۱)</sup> تو شأنِ علم  
کلکِ گهرفشانِ تو رطبِ اللسانِ علم  
ای ساکنانِ مصرِ معانی بحسن <sup>(۲)</sup> عقل  
نادیده یوسفی چو تو در کاروانِ علم  
سلطانِ دین علی که ز شستِ کمانِ <sup>(۳)</sup> اوست <sup>(۴)</sup>  
هر ناوکی که یافت گشاد از کمانِ علم  
جیب و کنارِ عقل ز گوهر <sup>(۵)</sup> لبالب است  
تا باز کرده‌ای لبِ گوهرفشانِ علم  
سلکِ عقول <sup>(۶)</sup> و <sup>(۷)</sup> نظمِ جواهر بباد رفت  
تا صیتِ گوهرِ تو بر آمد ز کانِ علم  
پیش از وجودِ صلبِ فلک بود ذاتِ تو  
در بطنِ صنعِ نادره‌زا تو امانِ علم  
امکان اگر نه تکیه زدی بر وجودِ تو  
کی داشتی تحمّلِ بارِ گرانِ علم

بهار عجم: اشعار ۸، ۲۱، ۲۳، ۳۱

۱- ن ۹ = نسبت ذات؛ همه نسخه‌های دیگر مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = ذات

۲- ن ۱، ۵ = حسن و عقل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = حسن  
عقل

۳- ن ۲، ۳، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کمان؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = کمال

۴- ن ۳، ۴، ۲۸، ۲۹ = تست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = اوست؛ ن ۱ = او

۵- ن ۱، ۵ = جوهر؛ ن ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = گوهر

۶- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، شرح مسرت، شرح عجیب و غریب = عقول؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = نقود

۷- در همه نسخه‌های چاپی مثل ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ و او عطف وجود ندارد.

دستِ مجرّاداتِ ستونِ زنج شود<sup>(۱)</sup>  
آن جا که فطرتِ تو زند<sup>(۲)</sup> سایبانِ علم  
علم است جانِ هر که بود معنوی نهاد  
الا فطانت تو، که گردید جانِ علم  
ذاتِ تو اعتدال<sup>(۳)</sup> و سلیمان مزاجِ عدل<sup>(۴)</sup>  
عقلِ تو مغز<sup>(۵)</sup> و جوهرِ کلِ استخوانِ علم  
صدره<sup>(۶)</sup> فتد به چاهِ ضلالت<sup>(۷)</sup> به هر قدم  
دستِ هدایتِ ار نکنی بر<sup>(۸)</sup> میانِ علم  
در سینه مرادِ زند غوطه فی المثل  
گر تیری افگنی به نقیض نشانِ علم<sup>(۹)</sup>  
بر<sup>(۱۰)</sup> گوشِ فطرتِ تو در اوّل نفس<sup>(۱۱)</sup> شمرد  
هر نکته‌ای که داشت لبِ داستانِ علم

- ۱- ن ۳، ۴، ۸، ۱۹، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، کارنامه، بهار عجم = بود؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، مسرت = شود
- ۲- ن ۶، ۱۷ = بود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، مسرت = زند
- ۳- ۲۹ = اعتدال و ارسطو؛ ن ۲ = اعتدال ارسطو؛ ن ۱ = اعتدال و مسلمان؛ ن ۲۸ = اعتماد سلیمان؛ ن ۳۵ = اعتدال سلیمان؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، شرح منیر، کارنامه، فیض یار، مسرت و غیره = اعتدال و سلیمان
- ۴- ۲۸، ۲۹ = فضل؛ ن ۱۷ = ملک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، شرح منیر، کارنامه، فیض یار، مسرت و غیره = عدل
- ۵- ن ۲۸، ۱ = مغز جوهر کل؛ همه دیگر نسخه‌ها = مغز و جوهر کل
- ۶- ن ۱۷ = جا؛ ۸ = رو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، شرح رحیم، عجیب و غریب و غیره = ره
- ۷- ن ۱۷ = جهالت؛ ن ۳۵ = جماعت؛ همه دیگر نسخه‌ها = ضلالت
- ۸- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = در؛ ن ۹، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، شرح رحیم، عجیب و غریب و غیره =
- ۹- این شعر تنها در نسخ ۲، ۲۹ یافته شد.
- ۱۰- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = بر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵
- ۱۱- ن ۲ = قدم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = نفس

آنجا که دانش تو نهد رسم<sup>(۱)</sup> تقویت

ای آیت شمعور تو نازل بشأنِ علم

دستِ ضعیفِ جهل که در آستین شکست

از عقلِ اولین بر باید عنانِ علم

بر آسمانِ علم ضمیرِ تو آفتاب

اما مسیر<sup>(۲)</sup> او نهمین آسمانِ علم

بودی اگر معلّمِ علمِ تو تیر گز<sup>(۳)</sup>

می ساخت تیرِ جهل بقدر<sup>(۴)</sup> کمانِ علم<sup>(۵)</sup>

زان<sup>(۶)</sup> مایه<sup>(۷)</sup> دشمنی که به علم است جهل را

ای کعبه وجودِ تو دارالامانِ علم

اندر ضمیرِ جوهرِ اوّل شدی تباہ

تقدیر، هستیت نشدی گر ضمانِ علم

ارزان متاعِ روی دکانِ گنه<sup>(۸)</sup> هستی است

آنجا که فطرتِ تو گشاید دکانِ علم

تا عزمِ خاکبوسِ حریمِ فطانت<sup>(۹)</sup>

دارند ساکنانِ نهم آسمانِ علم

۱- ن ۴، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۱، رسم؛ ن ۱۷ = دست؛ ن ۲ = پای

۲- ن ۹ = مسیر تو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، مسیر او؛ ن ۲۸ = منیر او

۳- ن ۲۹ = کز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵ = کر

۴- ن ۲۹ = بقدر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵ = بقدر

۵- این بیت تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = آن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = این؛ شرح عجیب و

غریب، کارنامه = زان

۷- در نسخه چهارم این مصرعه باین طور هست: این دشمنی دین که بعلم است جهل

۸- ن ۶ = کان؛ همه نسخه‌های دیگر = کنه

۹- بهار عجم = نظامت؛ ن ۱۸، ۳۱، ۱، ۳۳، ۱۷۱ = فطانت است؛ ن ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = فطانت

از بیم<sup>(۱)</sup> دوربایش ادب هر صباح و شام  
 صد بوسه مرده<sup>(۲)</sup> بر لب روحانیانِ علم  
 گر صنعِ ایزدی ز ازل مصلحت نداشت  
 تا سازد امتیازِ تو خاطر نشانِ علم  
 الا در آستانِ حریمِ فطانت  
 ذیلِ ملازمتِ نزدی بر میانِ علم  
 روزی ز<sup>(۳)</sup> روی نسبتِ اجزا<sup>(۴)</sup> به یک دگر  
 ترتیبِ دادمی به تصوّر جهانِ علم  
 در دل فتاد سایه طبعِ بلندِ تو<sup>(۵)</sup>  
 گفتم که این سزد به صفتِ آسمانِ علم  
 آشفته گشت طبعِ غیورم که هان<sup>(۶)</sup> خموش  
 زین پی غلط مکن، که بلند است شأنِ علم  
 گر سایه طبیعتِ او<sup>(۷)</sup> مهبطیش هست  
 آن دُروه<sup>(۸)</sup> می سزد که شود<sup>(۹)</sup> لامکانِ علم  
 شاها تویی که فیضِ هوای طبیعت<sup>(۱۰)</sup>  
 سازد به نوبهار مُبدلِ خزانِ علم

- ۱- ۱ = داریم؛ همه نسخه‌های دیگر = از بیم  
 ۲- ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = مرده؛ ۱، ۲، ۶، ۲۸ = برده بر؛ ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، رحیم، عجیب و غریب = مرده بر  
 ۳- ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ و غیره = ز  
 ۴- ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، کارنامه، شرح مسوّت = اجزای یکدگر؛ ۱، ۴، ۵، ۹ (پاورق)، ۳۵ = اجزای یک  
 دگر؛ ۱، ۲۸، ۲۹ = آخر یک دگر؛ قطب = اجزای یک دگر  
 ۵- ۹ = او؛ همه نسخه‌های دیگر = تو  
 ۶- شرح منبر = هان دهان؛ همه نسخه‌های کلیات و دیگر شرح‌ها = هان خموش  
 ۷- ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = او؛ ۱، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = تو  
 ۸- ۱، ۲، ۴، ۵، ۲۹ = دُزه؛ ۱، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ و غیره = ذروه  
 ۹- ۱۷ = بود؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ و غیره = شود  
 ۱۰- ۹ = طبیعت؟ همه نسخ دیگر = طبیعت

دانند<sup>(۱)</sup> معجز نفس آتشین تو  
 آنانکه روسپید شوند از دُخانِ علم  
 از دست پخت<sup>(۲)</sup> طبع تو بالذّت<sup>(۳)</sup> است ویس  
 برخوانِ عقل هر که شود میهمانِ علم  
 رو پیش طاقِ صفتِ گردون چو کهکشان  
 آویختی به قوّتِ دانش کمانِ علم<sup>(۴)</sup>  
 دارم امید آنکه به عرفی ز عین<sup>(۵)</sup> لطف  
 بخشی<sup>(۶)</sup> وظیفه‌ای ز نعیمِ جنانِ علم  
 مسندنشینِ خاکِ درِ دانشم<sup>(۷)</sup> کنی  
 ای فضلِ مایه<sup>(۸)</sup> بخشِ تو سلطانِ نشانِ علم  
 در مجمعی که قوت<sup>(۹)</sup> معنی دهی به عقل<sup>(۱۰)</sup>  
 دستم ز آستینِ بفرستی به خوانِ علم  
 با آنکه دست بسته میدانِ دانشم  
 گر نامزد کنی بکفِ من عنانِ علم  
 چون دانه‌های گوهرِ مدحت به سلکِ نظم  
 سرهای خیلِ راز کشم بر سنانِ علم

۱- ن ۲، مسرّت = دانند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = واللّه (این بیت تنها درین پنج نسخ کلیات و شرح مسرّت یافته شد).

۲- ن ۲ = از برگ ساز طبع تو؛ ن ۴، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = از دست بخت طبع تو؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ و غیره = از دست بخت طبع تو

۳- بهار عجم = بالذات؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره تمام نسخه‌ها = بالذّت

۴- این بیت تنها در نسخه دژم یافته شد.

۵- ن ۱۷ = روی لطف؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۹، ۳۵، رحیم، عجیب و غریب و غیره = عین لطف

۶- ن ۴، ۲۸ = بخشد وظیفه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = بخشی وظیفه‌ای؛ ن ۱۷۰ = بخشی وظیفه‌ای

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = دانشش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = دانشم

۸- ن ۲، ۴، ۲۹ = پایه بخش؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = مایه بخش

۹- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = قوت معانی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۸، ۲۹، رحیم = قوت معنی

۱۰- ن ۱، ۲، ۴، ۳، ۸، ۶، ۲۹ و غیره = به عقل؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸ = به فیض

تا دل شکافت جهلی بسیط و<sup>(۱)</sup> مرکب است  
 زخمِ دلیلِ قطعی و<sup>(۲)</sup> تیغِ زبانِ علم  
 بادا هدایتِ تو که معیار<sup>(۳)</sup> دانش<sup>(۴)</sup> است  
 تیغِ ضمیر<sup>(۵)</sup> جوهریان را فسانِ علم

### قصیده پنجاهمین

در منقبتِ امیرالمؤمنین امام‌المتقین علی ابن ابی طالب

منم آن سحر بیان کز مددِ طبع<sup>(۶)</sup> سلیم  
 نبرد ناطقه نام سخنم بی تعظیم  
 منم آن مایه<sup>(۷)</sup> فطرت که گرانصاف بود  
 با وجودم نتوان گفت به اندیشه فهم  
 منم آن بحر لبالب ز معانی که شود<sup>(۸)</sup>  
 قطره آب ز شرم سخنم دُرِ یتیم  
 گر به یاد سخنم عود بر آتش مانند<sup>(۹)</sup>  
 حشر اموات شود هر طرف از نشرِ شمیم

خلاصه: اشعار ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸،

بهار عجم: اشعار ۵، ۳۸، ۳۹، ۵۲

- ۱- ن ۳۵ = جهل بسیط مرکب: ن ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = جهل نسیط و مرکب: ن ۱، ۴، ۸، ۲۸، ۲۹ = جهل و بسیط مرکب
- ۲- ن ۲ = قاطع و تیغ: ن ۴، ۸، ۳۵ = قطعی تیغ: ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ = قطعی و تیغ
- ۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = معیار: ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵ = معیار
- ۴- ن ۲۹ = دانشم: ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ و غیره = دانش است
- ۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = زبان: ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = ضمیر
- ۶- ن ۶، کارنامه = بخت: ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = طبع
- ۷- ن ۲۸ = فطره فطرت: ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = مایه فطرت
- ۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بود: ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، خلاصه، شرح مسرت، کارنامه، رحیم = شود
- ۹- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = سوزند: ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، خلاصه، رحیم، کارنامه، مسرت، میرزا جان، قطب = مانند



در حرم گاو دل و حجله گه طبع منست  
 حامله مریم و جُز مریم اگر هست، عقیم  
 از حجابِ سخنم بسکه عرق داد<sup>(۱)</sup> برون  
 صورتِ شیشه بر آورد<sup>(۲)</sup> زلالِ تسنیم  
 فوج فوج است معانی به<sup>(۳)</sup> دلم در پرواز  
 همچو مُرغان<sup>(۴)</sup> اولی اجنحه در باغِ نعیم  
 غنچه از نسبتِ سبحان به سخن عار<sup>(۵)</sup> کند  
 گر کنم طرزِ سخن بادِ صبا را تعلیم  
 در<sup>(۶)</sup> پذیرد ز دمم صورتِ دیوار، حیات  
 مایه فطرت ازو دام کنند فهم<sup>(۷)</sup> حکیم  
 آن خردمند حکیم که به سیّابه عقل  
 گیرم اندر حرم جوهرِ کُل نبضِ سقیم  
 چون<sup>(۸)</sup> ببازچه شوم ملزمِ اربابِ کلام  
 خننده جوهرِ فرد است دلیلِ تقسیم  
 هر نفس قافله‌ای در دلم از عالمِ عقل<sup>(۹)</sup>  
 می‌رسد، چیست<sup>(۱۰)</sup> متاعش؟ همه عجز و تسلیم

۱- ن ۱۷، ۳۵ = داده؛ ن همه نسخه‌های دیگر = داد

۲- ن ۸، ۳۵ = بر آورده؛ همه نسخه‌های دیگر = بر آورد

۳- ن ۱، ۵، ۲۹ = ز دلم؛ ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = بدلم

۴- ن ۸، ۳۵ = آن مرغ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = مرغان

۵- ن ۴، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵ = سخن آغاز کند؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = به سخن عار کند

۶- ن ۲ = و بر بریزد؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = در پذیرد

۷- شرح مسرت = طبع؛ همه نسخه‌های دیگر و خلاصه‌الاشعار و دیگر شرح‌ها = فهم

۸- شرح قطب = گر؛ همه نسخ دیگر = چون

۹- شرح عجیب و غریب = عالم غیب؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ و غیره =

عالم عقل

۱۰- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = جنس متاعش؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = چیست متاعش

زهر خندی کند ار<sup>(۱)</sup> چشمه طبعم به بهشت  
 در دگانِ حلاوت نگشاید تسنیم  
 با چنین وتبه که می‌گویم هجوست مرا  
 بسکه ادراک<sup>(۲)</sup> بود فانی و انصاف<sup>(۳)</sup> عدیم  
 با من از جهل معارض شده نامُفعلی  
 که گرش هجو<sup>(۴)</sup> کنم آن بودش مدح عظیم  
 که به صد قرنِ دگر امرِ بدیهی نکند  
 عقلِ اوّل به براهینِ مُبینش<sup>(۵)</sup> تفهیم<sup>(۶)</sup>  
 هیچ ازیّن لیک<sup>(۷)</sup> دلم را نبود گردِ ملال  
 گرچه این واقعه بسیار عذاب است الیم  
 زانکه از مشکِ سخن شاه دم استشمام  
 حالتِ جُمله کند منکشف از لطفِ عمیم  
 دوش بر دوشِ نبی در شرفِ ذاتِ علی  
 که عدیم است عدیلش چو خداوند علیم<sup>(۸)</sup>  
 آن که با مرتبه همتِ او اوج حُضیض  
 وانکه<sup>(۹)</sup> با نازکی طبع وی اندیشه جسیم  
 آید از دور چو سیلابِ سیاهی به نظر  
 متأثر شود از برق<sup>(۱۰)</sup> عتابش چو نسیم

- ۱- ن ۲۹ = که کند چشمه طبعم ؛ ن ۳۵ = از چشمه طبعم ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ و غیره = کند ار چشمه طبعم  
 ۲- ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، رحیم = انصاف ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ادراک  
 ۳- ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = ادراک ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خلاصه = انصاف  
 ۴- ن ۴، ۲۸، مسرت، قطب = مدح ؛ عجیب و غریب = قدح ؛ همه نسخ کلیات و شرحها و خلاصه = هجو  
 ۵- ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = به پیش ؛ کارنامه، قطب، مسرت = متینش  
 ۶- الفاظ شعر بشکل موجوده مفهوم را روشن نمی‌سازد.  
 ۷- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = ازین لیک ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = زین گونه ؛ ن ۲۸ = ازین شرم  
 ۸- ن ۳، ۴، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲، رحیم = کریم ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = علیم  
 ۹- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = وانکه ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = آنکه  
 ۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = حدّث قهرش ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۲۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، خلاصه، کارنامه، مسرت، قطب، منیر = برق عتابش

خانه‌زاد خسردهش، جوهر اوّل با وی  
 گفتم، کای دانش من در برِ علم تو سقیم  
 حرفی از مصلحت<sup>(۱)</sup> گویم<sup>(۲)</sup> و از من بپذیر  
 این سخن گر چه براو ادب افتاده<sup>(۳)</sup> ذمیم  
 جاه را پایایه بیفزای،<sup>(۴)</sup> مبادا که قضا  
 زندهش طعنه همسایگی<sup>(۵)</sup> عرشِ عظیم  
 خواست رضوان که در آید به حریم حرمش  
 عمرها گشت<sup>(۶)</sup> و کسی راه ندادش به حریم<sup>(۷)</sup>  
 برود<sup>(۸)</sup> بسی مدد داد و ستد دست بدست  
 نام دست تو نویسند اگر بر دلِ سیم<sup>(۹)</sup>  
 گر نویسند به مثل جاوِ تو مکتوب، سزد  
 گر شود پیرهنِ هفت فلک حلقه میم<sup>(۱۰)</sup>  
 شیوه رمح تو باشد نه دگر کس که عصا  
 اژدها<sup>(۱۱)</sup> می‌شود، اما به کف دستِ کلیم<sup>(۱۲)</sup>

۱- ن ۴، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = مصلحتی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = مصلحت؛ ن ۳۵ = مصلحت؟

۲- ن ۲۹ = گویم از من؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۸، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ = گویم و از من

۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۳ و غیره = افتاد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = افتاده

۴- خلاصه، عجیب و غریب = میفزای؛ همه نسخ کلیات = بیفزای

۵- ن ۳۵ = هم پایگی؛ ن ۹، ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳ و غیره = همسایگی

۶- ن ۱۷ = گشت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = گرد

۷- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۸- ن ۱ = می‌رود؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = برود

۹- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۱۰- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۱۱- ن ۱۷ = اژدها می‌شور؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = اژدها می‌شود

۱۲- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

ای<sup>(۱)</sup> که<sup>(۲)</sup> نسبت به جلال<sup>(۳)</sup> تو هم از<sup>(۴)</sup> بی ادبی است  
 گر فلک نام شکوه<sup>(۵)</sup> تو برد با تعظیم  
 قسمتِ نقطه موهوم محال است و برین  
 چه<sup>(۶)</sup> براهین که ندارند<sup>(۷)</sup> بزرگانِ حکیم<sup>(۸)</sup>  
 بنده گویم نه محال است، توان قسمت کرد  
 و در دلیلی طلبی تا کنی آن<sup>(۹)</sup> را تفهیم<sup>(۱۰)</sup>  
 چشمِ اعمی شود از رای<sup>(۱۱)</sup> تو گر نور پذیر<sup>(۱۲)</sup>  
 به نظر نقطه موهوم نماند تقسیم  
 چشمِ اشهل به صفت دیده احوال گردد<sup>(۱۳)</sup>  
 گر حسام تو نگاهش بشکافد به دو نیم  
 گرم رفتار بحدیست که دود انگیزد  
 گر دود مرکبِ خوش گام تو بر سطح نسیم  
 گر به عَمَّان نگیرد رای تو در بینایی  
 نایبِ مردمکِ دیده شود دُرِ یتیم

- ۱- شرح رحیم = آنکه؛ دیگر همه نسخه‌ها = ای که  
 ۲- ن ۲۸ = ز نسبت؛ همه نسخ دیگر بسمول ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۹، ۳۵ و غیره = که نسبت  
 ۳- ن ۱، ۵ (اصل) = بکلام؛ ن ۴، ۸، ۹ (اصلاح شده)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بحلال  
 ۴- ن ۳۵ = تو نه بی ادبی است؛ ن ۲۹ = تو بود ارزانی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰ = تو هم از  
 بی ادبی ست  
 ۵- ن شرح منیر = جلال؛ ن همه نسخ دیگر بسمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = شکوه  
 ۶- ن ۱۷، ۳۵ = چه براهین که ندارند بزرگه حکیم؛ ۵ = بنده گویم نه محال است توان کرد فهمیم  
 ۷- ن ۱۷ = نه آرند؛ ن ۸، ۳۵ = ندارند  
 ۸- این بیت تنها در نسخ ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.  
 ۹- ن ۸ = او را؛ ۱۷، ۳۵ = آن را  
 ۱۰- تنها نسخ ۸، ۱۷، ۳۵ دارای این بیت هستند.  
 ۱۱- ن ۶ = نور؛ ن ۲۹، خلاصه = روی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = رای  
 ۱۲- ن ۶ = عکس پذیر؛ همه دیگر نسخه‌ها = نور پذیر  
 ۱۳- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه = صفت دیده احوال گیرد؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸ = به صفت دیده  
 احوال گردد؛ ن ۱۷۰ صفت دیده احوال گردد

هر کرا ضربتِ گرزِ تو در آید به ضمیر  
 در بدن‌ها<sup>(۱)</sup> شود از سایهٔ او عظمِ رمیم  
 گر به عصر<sup>(۲)</sup> ادب انجامِ تو سنجند، به طول  
 به میانش نرسد سلسلهٔ عهدِ قدیم  
 آن که از روضهٔ لطفِ تو شود فیضِ پذیر  
 که<sup>(۳)</sup> بود غیرتِ فردوس ز بس نواز و نعیم  
 گر بنه شمشیرِ سیاست بدو نیمش سازند  
 نشود تا ابدش سلبِ حیات از هر نیم  
 ای<sup>(۴)</sup> که در عالمِ اجسام<sup>(۵)</sup> حکیمانه اگر  
 دفع<sup>(۶)</sup> افسادِ عوارض<sup>(۷)</sup> کنی از لطفِ<sup>(۸)</sup> عمیم  
 گفتگویی که بُتان را به نگه<sup>(۹)</sup> می‌باشد  
 بیشتر<sup>(۱۰)</sup> از دلِ عاشق شنود گوشِ صمیم  
 کی دهند اهلِ محبت<sup>(۱۱)</sup> نعمِ لطفِ ترا  
 که ستانند عوضِ مایدهٔ باغِ نعیم

۱- خلاصه = در بدنِ گر دوش از سایهٔ او عظیمِ رمیم؛ در همه نسخه‌های کلیات بطوری که نوشته شد

۲- ن ۱۷ = به عهد؛ همه نسخ دیگر = به عصر

۳- ن ۱، ۳۵ = گر؛ ن ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = که

۴- ن ۱۴، ۲۰، ۳۰ = آنکه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳ = ای که

۵- شرح منبر = اجسام؛ همه نسخ دیگر = اجسام

۶- شرح قطب و رحیم = رفع؛ همه نسخ کلیات و غیره = دفع

۷- شرح مسرت = حوادث؛ همه نسخه‌های دیگر = عوارض

۸- قطب، مسرت = طبع سلیم؛ همه نسخ کلیات و خلاصه و دیگر شرح‌ها = لطف عمیم

۹- ن ۱۷ = به نظر؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید و شرح‌های منبر، مسرت، کارنامه، رحیم، خلاصه = به نگه

۱۰- شرح قطب، رحیم = بیشتر؛ همه نسخ کلیات و قصاید و شرح منبر = بیشتر

۱۱- ن ۱، ۵ = دیارت؛ ن ۱۷، ۲۹ = بعارت؛ ن ۸، ۳۵ = دثارت؛ ن ۱۹، مسرت، ۱۷۰ = زیارت؛ ن ۲، ۱۸، ۹، ۲، ۲۰، ۲۴، ۳۰،

۳۱، ۳۲، ۳۳ = محبت؛ ن ۳ = دیانت

شبهتی<sup>(۱)</sup> نیست درین واقعه کاصحاب بهشت  
 مَنْ و سلوی نفروشد<sup>(۲)</sup> بزقوم و<sup>(۳)</sup> حمیم  
 ای که با نسبت<sup>(۴)</sup> سیرِ فلکی عزمِ تو چرخ  
 بی نصیب از حرکت آمده چون حلقهٔ میم  
 آسمانِ نهمین حصرِ شکوهِ تو کند  
 در میان گیرد اگر دایره را نقطهٔ جیم<sup>(۵)</sup>  
 داورا ای که سزای تو همین تعریف است  
 که عدیم است عدیلت چو خداوند<sup>(۶)</sup> کریم<sup>(۷)</sup>  
 طمع<sup>(۸)</sup> گوشهٔ چشم است مرا از تو و بس  
 ورنه مستغنیم از مال و منال و زر و سیم  
 زده‌ام پای به عیشِ دو جهان از همت  
 زان ندارد به دلم دست، چه امید و چه بیم  
 جز غلامی سگانت که نیایدشان<sup>(۹)</sup> عار  
 نه به تعظیم دلم مایل و نی با تکریم<sup>(۱۰)</sup>  
 شکرِ لَهِ که ازان جمع نیم، گر چه ز من  
 همه افعالِ قبیح آید و اعمالِ ذمیم

۱- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = شبهتی؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شبهه‌ای

۲- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۱، ۳۲، ۳۰، ۲۸، ۳۵ = بفروشد؛ ن ۱، ۳، ۴، ۶، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹ = نفروشد

۳- ن ۹، ۳۵، ۱، ۱۷۰، ۲۹ = زقوم جحیم؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = زقوم و حمیم؛ ن ۲۸ = زقوم حمیم؟

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = سرعت؛ ن ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹ و غیره = نسبت

۵- در چند نسخه‌های مهم مثل ۱، ۵، ۸، ۲۹ نیافته شد ولی در نسخ ۳۵، ۲۸، ۱۷۰ و همه نسخ چاپی هست.

۶- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = کریم؛ ن ۸، ۳۵، ۱۷ = قدیم؛ ن ۴، ۶، خلاصه، شرح قطب = علیم (این بیت در نسخه‌های چاپی نیست ولی در نسخه نهم در پاورقی بطور غلط یافته شد).

۷- مصرعه ثانی این بیت مطابق مصرعه ثانی شعر ۱۹ هست.

۸- شرح مسرت = طمع از گوشه؛ همه نسخ دیگر = طمع گوشه

۹- ن ۵، ۳۵ = نیاید؛ ن ۱، ۸، ۱۷ = نیاید

۱۰- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد. (در نسخه ۱۷ بیت به همی جاست که نوشته شد ولی در نسخه‌های دیگر این بیت پس شعر ۲۴ هست).

که بصد حيله اگر<sup>(۱)</sup> راه کنم در بزمی  
 دلم از غصه شود همچو دل پسته دو نیم  
 کز<sup>(۲)</sup> چه معنی کنم از سفله نهادن تأخیر  
 وز<sup>(۳)</sup> چه بر صدرنشینان ننمایم<sup>(۴)</sup> تقدیم  
 عرفی این طول سخن چیست، به آهنگ دعا  
 دست بردار به درگاه خداوند کریم  
 تا شود منبسط از بذلِ درم<sup>(۵)</sup> طبع سخن<sup>(۶)</sup>  
 منقبض باد دلِ خصم تو چون دستِ لثیم

### قصیده پنجاه و یکم

#### قصیده در فخر خود

من کیستم، آن سالکِ کونین مسیرم<sup>(۷)</sup>

کز بیخته جوهرِ قدس<sup>(۸)</sup> است خمیرم

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = کنم راه اگر؛ ن ۱، ۵ = کند راه اگر؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = اگر راه کنم

۲- ن ۲۸، ۳۵، ۱، بهار عجم = گر؛ ن ۵، ۲۹، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵، ۱۷ و غیره = کز

۳- بهار عجم = در؛ همه نسخ کلیات و قصاید = وز

۴- ن بهار عجم، شرح قطب، ۱۷ = به نمایم؛ ن ۵، ۸، ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = نه نمایم؛ ن ۶، ۲۹ = نمایم

۵- ن ۱۷ = کرم؛ ن ۶ = سخن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = درم

۶- ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = طبع سخی؛ ن ۲۸ = سخن طبع؛ ن ۱ = طبع سخا؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = ۱۷۱، طبع سخن

۷- نغی شاعر معروف زبان برکيه که بقول گب (Gibb) از سبک عرفی خیلی متأثر بود هم درین زمین قصیده نعتیه گفته است و آن قصیده به ابیات زیر آغاز می شود:

من بوالعجب صنع خداوند قدیرم  
 معجون بیابان خیال است نظیرم  
 با آن که ز اندیشه نه آگه نه خیرم  
 بر درگاه ارباب نظر خاک حقیرم

دل داند و اندیشه که از چیست خمیرم  
 تصویر سرا پرده عشق است مثال  
 معجونم و عقلم سبق آموز الهیست  
 بر ریش دل اهل درون ریزه الماس

۸- ن ۱، ۵ (اصل) = فرد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = قدس

در<sup>(۱)</sup> صفحه تصویر حلال<sup>(۲)</sup> است مثال

در پرده تقدیر محال است نظیرم

چون حُسن کشد جامِ صفا، رنگِ شرابم

چون عشق دهد رنگِ جبین،<sup>(۳)</sup> آبِ زیرم

در قامتِ عاشق شکن آموزِ کمانم

در غمزه معشوق گشایش ده تیرم

آنجا که وفا<sup>(۴)</sup> تشنه شود،<sup>(۵)</sup> چشمه خونم

و آنجا<sup>(۶)</sup> که صفا<sup>(۷)</sup> غُسل کند، آبِ غدیرم

بر کتفِ ریاضت طلبان شال و پلاسم

بر دوشِ زلیخامنشان بُرد و حریرم<sup>(۸)</sup>

در هندسه فقر و فنا صفر الوهم

در مزرعه عز و علا ابر<sup>(۹)</sup> مطیرم

در کوزه لذت شکنان چشمه زهرم

در کاسه کودک منشان جرعه شیرم

در مرسله<sup>(۱۰)</sup> جوهر فردم دُرِ یکتا

در سلسله علّت و<sup>(۱۱)</sup> معلول کثیرم

۱- شرح قطب = بر؛ همه نسخ کلیات و شرح مسرت، عجیب و غریب، کارنامه = در

۲- ۱۹، ۲۰، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، شرح مسرت، کارنامه، عجیب و غریب = حلال؛ ۱، ۳، ۹، ۴، ۲۸ = جلال؛ ۱۷ = خیال

۳- ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۳۵، کارنامه، مسرت، قطب = جبین؛ ۱، ۶، ۸، ۱۹، ۲۸ = چنین

۴- ۱۷ = جفا؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = وفا

۵- شرح مسرت = بود؛ همه نسخ کلیات و غیره = شود

۶- ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، مسرت = آنجا؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = و آنجا

۷- ۱، ۸، ۳۵ = ریا؛ ۶ = جفا؛ ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، مسرت = صفا

۸- در چند نسخه‌های مهم مثل ۶، ۱۷، ۲۸ این شعر نیست

۹- شرح مسرت = آب؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید مثل شرح منیر و قطب = ابر

۱۰- ۲، ۲۹ = حوصله؛ ۱، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = مرسله (در نسخ ۶، ۲۸، ۱۷۰ نیست).

۱۱- ۸، ۲۹، ۳۵ = علّت و معلول؛ ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰ = علّت معلول



آنجا که ادب نغمه طراز است، سمیع  
 وانجا که هنر جلوه فروش است، بصیرم  
 پای طلبم، در روش سعی تمامم  
 دستِ ادبم، در کشش کام قصیرم  
 چون سجده بت گرم شود، ناصیه سوزم  
 خفاش و خورشید خزد<sup>(۱)</sup> در ته بالم  
 دُر اجم و بلبل پرد از شاخ صفیرم  
 عشقم که بر آسود دلان نیست گذارم  
 حُسنم که ز خونین جگران نیست گزیرم  
 در حُجله<sup>(۲)</sup> لیلی، که بهشت است، عبیرم  
 با ناطقه گلریزم و با سامعه گلچین<sup>(۳)</sup>  
 با واهمه نابالغ و با عاقله پیرم  
 در دل قویم گر چه به آثار ضعیفم  
 در دین<sup>(۴)</sup> غنی ام، گر چه به دینار<sup>(۵)</sup> فقیرم  
 از کلکِ بُنان<sup>(۶)</sup> لوح خراشنده<sup>(۷)</sup> ماهم  
 وز تیغِ زبان خامه تراشنده تیرم  
 در گُندی شمشیرِ زبان قاتلِ سیفم  
 در پرده اندیشه خردپوش ظهیرم

۱- ن ۵، مسرت = خزد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = خرد

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۲۸، ۳۵ = حله؛ ن ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۱۷۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = حجله

۳- ن ۲، ۲۹ = گل خیز؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، مسرت، آرزو، کارنامه = گل چین

۴- ن ۵ = دل؛ همه نسخ دیگر = دین

۵- ن ۲۸ = آثار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰ = اظهار؛ ن ۲، ۲۹ = دینار

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۲۹، کارنامه، قطب = بنان؛ ن ۱۹ = زبان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، مسرت = بیان

۷- ن ۸، ۳۵ = تراشنده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = خراشنده

از<sup>(۱)</sup> اوجِ سخن بهرِ فرود آمدنِ طبع  
 بر داشتیم این نغمه که اعی و جریرم  
 طبعم ز غضب<sup>(۲)</sup> گفت ندانم به چه نسبت  
 در دام سرشت تو قضا کرد اسیرم  
 گر جوهرِ خود می شناسی ز<sup>(۳)</sup> چه کانی  
 از گوهرِ من شرم بکن کابرِ مطیرم  
 بر تافت عنانِ سخنم حُسنِ<sup>(۴)</sup> طبیعت  
 برگشتم<sup>(۵)</sup> ازین ره که نه<sup>(۶)</sup> این بود مسیرم  
 بر تارکِ اربابِ فنا ترک<sup>(۷)</sup> کلام  
 در صُفّه<sup>(۸)</sup> اربابِ<sup>(۹)</sup> صفا نقشِ حصیرم  
 در آب و هوای چمنِ خلد سرورم<sup>(۱۰)</sup>  
 در بست و کشادِ درِ فردوس صریرم<sup>(۱۱)</sup>  
 توفیقِ چو<sup>(۱۲)</sup> صورت شکند، قوتِ دستم  
 تحقیقِ چو معنی طلبد، جوشِ ضمیرم

- ۱- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، عجیب و غریب، مسرت؛ از؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، شرح منیر، قطب = در  
 ۲- ن ۶ = ز قضا؛ ن ۲، ۹، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = ز غضب؛ ن ۱۷، ۲۹، مسرت = به غضب  
 ۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ز چه کانی؛ ن ۱۹، ۱۷۰ = که چه کانی؛ ن ۲۸ = ز چه باغی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۳۵، ۲۹ =  
 که چه باغی  
 ۴- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = حسن؛ ن ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = رخس  
 ۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = برگردم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = برگشتم  
 ۶- ن ۱۷ = که نبود است مسیرم؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = که نه این بود  
 مسیرم  
 ۷- ن ۱۸ (حاشیه)، ۳۳ (حاشیه)، شرح عجیب و غریب = بَرک؛ همه نسخه‌های کلیات و شرح آرزو = ترک (از بَرک  
 مصرع ناموزون می‌شود)  
 ۸- ن ۴، ۵، ۸ = صفه؛ ن ۱، ۲، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = صفحه  
 ۹- ن ۱، ۸، ۳۵ = ارباب؛ ن ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = اصحاب  
 ۱۰- ن ۱، ۲۸ = سرودم؛ همه نسخ دیگر = سرورم  
 ۱۱- ن ۳۵ = سریر؛ همه نسخ دیگر = صریر  
 ۱۲- ن ۹، ۲۸ = چه؛ همه نسخ دیگر = چو

می‌گویم و اندیشه ندارم ز ظریفان  
 من زهره رامشگر<sup>(۱)</sup> و من بدر منیرم  
 سر بر زده‌ام با مه کنعان ز یکی جیب  
 معشوق تماشا طلب و آینه گیرم  
 در بارگاه سلطنت<sup>(۲)</sup> چون گذرت<sup>(۳)</sup> نیست  
 بر<sup>(۴)</sup> ناصیه عرش<sup>(۵)</sup> ببین نقش سریرم  
 هنگام رقم سنجی احکام کواکب  
 آن چشمه قُربم<sup>(۷)</sup> که ز لب تشنگی وحی  
 جبریل در آید به حرم گاه ضمیرم  
 عرفی بکجا می‌روی،<sup>(۸)</sup> این راه کدام است؟  
 بشتاب<sup>(۹)</sup> و عنان دار<sup>(۱۰)</sup> ازین راه خطیرم  
 ز آشوب<sup>(۱۱)</sup> صریرش دل کونین بر آشفست  
 نای قلم نغمه گشا تنگ بگیرم

۱-ن ۱۷ = خنیاگر؛ همه نسخ دیگر = رامشگر

۲-ن ۱، ۵ (اصل) = سلطنت؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (اصلاح)، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = سلطنتم  
 ۳-ن ۸، ۲۹ (اصل)، ۳۵ = گذری؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۳۸، ۲۹ (اصلاح)، ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گذرت؛ ن ۱۷۰ = گذر؛ ن ۱ = گذرم

۴-ن ۱ = با؛ همه نسخه‌های دیگر = بر

۵-ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = ماه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲، ۳، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = عرش

۶-ن ۱، ۵ (حاشیه)، ۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = دبیرم؛ ن ۲، ۴، ۵، ۶، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = وزیرم؛ ن ۳ = و رسید

۷-ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = قدسم؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = قریب؛ کارنامه = فیضم

۸-ن ۴، ۶، ۱۷ = می‌روم؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = می‌روی

۹-ن ۲۸ = برتاب؛ ن ۸، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = مشتتاب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = بشتاب

۱۰-ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = عنان دار ازین؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (اصل)، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = عنان و ازین؛ ن ۲۸ =

عنان خود وزین؟؛ ن ۶ = عنان گیر ازین

۱۱-ن ۱، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۱۷۰، ۱۷۱ = ز آشوب صریرش؛ ن ۶ = از طرز صریرم؛ ن ۲۹ = ز آشوب صریرم؛ ن ۱۷،

۲۸ = آشوب صریرش

## قصیده پنجاه و دوم

قصیده در مدح شاهزاده سلیم<sup>(۱)</sup>

صبح عید که در تکیه گاه ناز و نعیم

گدا کلاه نمد<sup>(۲)</sup> کج نهاد و شه دیهیم

نشاط طبع بحدی که نشنود دانا

بجز ترانه اطفال و ترهات ندیم

بساط مجلس دهر آن چنان نشاط آموز<sup>(۳)</sup>

که دست را به سماع آستین دهد تعلیم

بر از معانقه نازکان به لمس شجاع

لب از مضافه شاهدان ببوسه کریم

نواى مرثیه صوم<sup>(۴)</sup> و شادیانه عید

گشاد<sup>(۵)</sup> از اثر انبساط گوش صمیم

به خوان<sup>(۶)</sup> و<sup>(۷)</sup> مایده شد دست اشتها مطلق<sup>(۸)</sup>

به کام و معده عدوت فزود طبع لثیم

بهار عجم: اشعار ۱، ۵، ۱۶، ۱۷، ۳۳؛ خلاصه: اشعار ۱ تا ۲۰، ۲۲ تا ۳۱، ۳۳ تا ۴۰، ۵۶ تا ۶۶؛ آتشکده: ن ۱، ۳، ۴

۱- این قصیده در زمین قصاید انوری و خسرو گفته شد که با اشعار زیر آغاز می شوند (ثنائی مشهدی هم دو قصاید درین زمین گفته):

شب چهاردهم ذی الحجه سنه ثامیم (انوری)	بسحکم دعوی زیج و گواهی تقدیم
که آسمان بلندی ز احسن تقویم (خسرو)	سزد که سجده برندت کواکب از تعظیم
که گشت کعبه هفتم مقام ابراهیم (ثنائی)	زمین طوس بود سجده گاه هفت اقلیم

۲- بهار عجم = به سر: ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = نمد

۳- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۷۱ = نشاط آموز: ن ۹ (پاورق) = آمیز: ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ (حاشیه)،

۲۸، ۲۹، مسرت، ۳۵، ۱۷۰ = نشاط آموز

۴- بهار عجم = شام؛ خلاصه و دیگر نسخه ها = صوم

۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۱۷۰، ۱۷۱ = گشاد

۶- ن ۴، کارنامه = ز خوان؛ همه دیگر نسخه ها = بخوان

۷- شرح آرزو و مسرت = بخوان و مانده؛ همه نسخ کلیات و شرح ها مثل کارنامه و رحیم = بخوان مانده (بقول یحان آرزو خوان عام است و مانده خاص)

۸- مسرت غالب؛ همه نسخه های کلیات و دیگر شرح ها = مطلق

به چشم و هم ز فیض شکفته رویِ دهر  
 نمود چهرهٔ امّید<sup>(۱)</sup> داشت صورتِ بیم  
 جهان چنین خوش و من خوشتر از جهان بوئاق  
 نشسته با خرد اندر تعلم و تعلیم  
 که ناگهان ز درم در رسید مژده دهی  
 چنانکه از<sup>(۲)</sup> چمنِ طالعَم به مغز شمیم  
 چه گفت؟ گفت که ای مخزنِ جواهرِ قدس  
 چه گفت؟ گفت که ای مطلبِ بهشت<sup>(۳)</sup> نعیم  
 بیا، که از گهرت یاد می‌کند دریا  
 بیا، که تشنه لب راطلب کند تسنیم  
 زلالِ چشمهٔ امّید، نقدِ اکبرشاه  
 طرازِ دولتِ جاوید، شاهزاده سلیم  
 ازین پیام<sup>(۴)</sup> دلم شد شگفته و شاداب  
 چنانکه باغ ز شبنم، چنانکه گل ز نسیم  
 بره فتادم و گشتم چنان شتاب زده  
 که دستِ اهلِ کرم در نثارِ گوهر و سیم  
 چو روزگار رسیدم به درگهی، که کند  
 زمانه طوفِ حریمش به دیدهٔ تعظیم  
 رسیدنِ من و اقبالِ آن همایون<sup>(۵)</sup> فال  
 چنان فتاد مطابق<sup>(۶)</sup> در آن خجسته حریم

۱- ن ۸، ۳۵ = امّید و داشت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، شرح مسرت، کارنامه = امّید داشت

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶ = در؛ ن ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = از

۳- ن ۵، ۸، ۳۵ = ریاض؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = بهشت

۴- ن ۱۷ = نوید؛ دیگر همه نسخ = پیام

۵- ن ۳۵ = همیون؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷ و غیره = همایون

۶- ن ۲، ۸، ۳۵ = موافق؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = مطابق

که گر ادب نکشیدی<sup>(۱)</sup> عنان من،<sup>(۲)</sup> قدمش  
 ببوسه گاه نمی کرد<sup>(۳)</sup> بر لبم تقدیم  
 مرا چو دوش بدوش ادب بدید، استاد  
 به لطف خاص بدل کرد التفات عمیم  
 رموز کرنش و تسلیم را ادا کردم  
 بدآب مردم دانا، نه بذله سنج ندیم  
 چه گویمت که به کامم چه<sup>(۴)</sup> مایه لذت داد  
 گزیده نویر کرنش نمک چش تسلیم  
 نگفت<sup>(۵)</sup> و من بشنودم<sup>(۶)</sup> هر آنچه گفتن داشت  
 که در بیان نگهش کرد بر زبان تقدیم  
 لبش چو نوبت خویش از نگاه باز گرفت  
 فتاد سامعه در موج کوثر و تسنیم  
 بخنده گفت که در عذر این گناه بزرگ  
 که رفته نام تو بی حکم ما به هفت اقلیم  
 همین<sup>(۷)</sup> که رفتی ازین آستان نوشته بیار  
 گزیده نسخه‌ای از زاده‌های طبع سلیم  
 ازین سخن سر و دستار من گلستان شد  
 ز بسکه چیدم و برسر<sup>(۸)</sup> زدم گل تسلیم

۱- ن ۶، ۱۷، ۲۸ = بکشیدی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، مسرت، آرزو، کارنامه = نکشیدی

۲- ن ۴ = عنان از قدمش؛ همه نسخ دیگر = عنان من قدمش

۳- ن ۵ (ترمیم)، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰ = همی کرد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ (اصل)، ۶، ۱۷، ۲۸، ۳۵، شرح منیر، آرزو، مسرت، کارنامه، عجیب و غریب = نمی کرد

۴- ن ۹ (پاورق) = چگونه؛ همه نسخ دیگر و شرح‌ها و خلاصه = چه مایه

۵- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نگفت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = بگفت

۶- ن ۱ = نشنودم؛ ن ۱۷ = بشنیدم؛ ن ۱۸، ۲۸، ۳۵، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ و غیره = بشنودم

۷- خلاصه = گهی؛ همه نسخ کلیات و غیره = همین

۸- خلاصه = در بر زدم؛ همه نسخ کلیات و غیره = برسر زدم

چو باز گشتم از آن آستان، خرد جزوی<sup>(۱)</sup>  
 نوشته<sup>(۲)</sup> داد که این تحفه گل و تو نسیم  
 بگیر و زود بسر با قصیده‌ای، که بود  
 به شاخ و برگ سخن نسخه ریاض نعیم  
 ز جا شدم که کدامین<sup>(۳)</sup> قصیده باید گفت<sup>(۴)</sup>  
 به لهجای که دمد روح در عظام رمیم  
 من و نمودن بطلان عهدهای قدیم  
 بذکر منقبت عهد شاهزاده سلیم  
 تولدش به نهاد شریر دهر آن کرد  
 که با طبیعت آتش نزول ابراهیم  
 نهیب هیبت او در مشیمه تقدیر  
 شکست گوهر گفتار بر<sup>(۵)</sup> زبان کلیم  
 به عهد معدلت او که عاملان فساد  
 ز بس هدایت<sup>(۶)</sup> تعطیل فارغانند از بیم  
 کشیده فتنه معزول سر بزیر لحاف  
 دریده ظلم فراموش طبل زیر گلیم  
 اگر عیادت<sup>(۷)</sup> مرضی کند عدالت او<sup>(۸)</sup>  
 جهد بقاعده اعتدال نبض سقیم

۱- ن ۱، ۳۵ = خردی ؛ ن ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ و غیره = جزوی

۲- ن ۱۷ = نوشت و داد ؛ همه نسخ دیگر = نوشته داد

۳- ن ۹ (پاورق)، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۴ = کدامی ؛ ن ۱، ۴، ۵ = کدام این ؛ دیگر همه نسخ = کدامین

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۰، ۲۸ = باید گفت ؛ ن ۲ = برخوانم ؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۲۹ = را برخواند ؛ ن ۲، ۴ = بر خواند

۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = بر ؛ ن ۵، ۲۹ = در

۶- ن ۲ = هدامت ؛ ن ۲۸ = براحت ؛ ن ۱، ۴، ۶، ۸، ۲۹ = بدایت ؛ ن ۲۴، ۳۳، ۲۰، ۱۸، ۹ = هدایت ؛ ن ۱۷۰، ۵ = مدایت ؟

۷- ن ۶ = عدالت مرضی کند عیادت ؛ همه نسخ دیگر = عیادت مرضی کند عدالت

۸- ن ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = تو ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = او

بروی ازمنه گر آستین بر افشاند<sup>(۱)</sup>

شود به سعی تموج زمان حال قدیم

زهی وجود تو در سایه عنایت شاه

که کرده بذل سعادت همای را تعلیم

هر آن دقیقه که شه یافت در مصالح ملک

شناخت حدس<sup>(۲)</sup> تو از کج نهادن دیهیم<sup>(۳)</sup>

همه مراد، چو امید در قبول دعا

تمام فیض چو اندیشه در دماغ<sup>(۴)</sup> کریم

حسود ناز و نعیم تو بر در طالع

چنان غریب که طامع بر<sup>(۵)</sup> آستان لثیم

ز فیض لطف تو شاید که بی سرایت عشق

شود به اهل محبت دل کرشمه<sup>(۶)</sup> رحیم<sup>(۷)</sup>

زمانه را همه فرزند اگر چو تو بایست

ترا بزادی و بودی دگر همیشه عقیم<sup>(۸)</sup>

ز بحر و کان کرم آن نفایس آورده است

که احتیاج ز گوهر گرفتن است و نه سیم

اگر عدوی ترا در جحیم بگذارند

ازان بود که معذب شود عذاب جحیم<sup>(۹)</sup>

۱- شرح مسرت = برافشانی؛ همه نسخه‌های دیگر = رافشاند

۲- ن ۱۷ = حدس؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = حدس

۳- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد. در نسخه ۱۷ این شعر بطور شعر ۵۱ هست

۴- ن ۵ (حاشیه) = مزاج / دماغ؛ ن ۵ = دهان؛ همه دیگر نسخه‌های کلیات و شرح‌ها = دماغ

۵- ن ۲۴، ۱۷۱، ۳۵، ۲۸، ۵ = در آستان؛ ن ۳ = در آستین؛ ن ۱۷۰، ۳۳، ۲۲، ۱۸، ۹، ۶ = بر؛ ن ۱ = ز

۶- کارنامه، خلاصه = دو نیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = رحیم

۷- در نسخه ۱۷ این شعر در اشعار بعد از شعر ۵۵ یافته شد.

۸- در نسخه ۱۷ این شعر در اشعار بعد از شعر ۵۵ یافته شد.

۹- اشعار از ۴۳ تا ۵۶ تنها در چند نقل‌های نسخه سراجا (ن ۱، ۵، ۸، ۳۵) و در نسخه ناظم (ن ۱۷) یافته شدند.



ایا رفیع جنابی که آید<sup>(۱)</sup> از رفعت  
 مسیح جاء تو بر فوق<sup>(۲)</sup> آن سپهر مقیم  
 که آفتاب<sup>(۳)</sup> اگر جاودان بود به حضیض  
 فرو نیاید<sup>(۴)</sup> ازو روشنی به عرش عظیم  
 زهی حمیده خصلی که گر چکد به مثل  
 ز ابرِ مرحمت قطره‌ای بقعرِ جحیم  
 چنان شود که بر آید ندا ز حی غفور<sup>(۵)</sup>  
 که از جحیم روند عاصیان به باغِ نعیم  
 امان طلب شود از آن<sup>(۶)</sup> که گوشه‌ای<sup>(۷)</sup> دارد  
 به جمع نعمتِ آسایش از عذابِ الیم  
 شود ز گرم روی چون سحاب قطره‌فشان  
 اگر عنان به عنانش رود دو گام نسیم  
 سزد که رفیع گرانی کند اگر بمثل  
 رسد<sup>(۸)</sup> چو صیتِ سبک روحیش بگوشِ صمیم  
 دو واصل‌اند و دو موصول باهم الفت‌گیر  
 که احتمال جدایی نمی‌دهدشان بیم  
 جبینِ شاهدِ دولت به آستانه تو  
 سرِ شهیدِ محبتِ بدامین تسلیم

۱- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = آمد؛ ن ۱، ۵ = آید

۲- ن ۱، ۸، ۱۷ = فوق؛ ن ۳۵ = فرق

۳- ن ۵، ۳۵ = آفتابش؛ ن ۱ = آفتاب

۴- ن ۱۷ = نناید؛ ن ۱، ۸، ۳۵ = نیاید

۵- ن ۵ = رب غفور؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = حی غفور

۶- ن ۱۷ = از زانکه؛ ن ۱، ۸، ۳۵ = از آنکه

۷- ن ۵ = بوسه‌ای؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = گوشه‌ای

۸- ن ۳۵ = رود؛ ن ۱، ۸، ۱۷ = رسد

اجل<sup>(۱)</sup> به شیوة عاجز کشی تمام شدی<sup>(۲)</sup>  
 اگر نه چشمِ تو دادی به مستیش<sup>(۳)</sup> تعلیم  
 به نسبتِ کفِ او<sup>(۴)</sup> بحر و کان تمام شود  
 اگر کسی متکلم شود به لفظ لثیم  
 به عهدِ عدل تو از بس گنه جزا طلب است  
 کند پذیرة تیر شهاب دیوِ رجیم  
 طرازِ مدح تو بر خویش بسته می آید  
 هر آن سخن<sup>(۵)</sup> که رسد از ولایتِ تعظیم  
 ز بحر و کان کرم<sup>(۶)</sup> آن نفایس آورده است  
 که احتیاج نه گوهر گرفته<sup>(۷)</sup> است و نه سیم  
 ز عفو و حلم تو دلها بغایتی جمع است  
 که معصیت نه امید آزموده است و<sup>(۸)</sup> نه بیم  
 همای قدر تو اوجی گرفته در پرواز  
 که دام کسبِ شرف باز چید<sup>(۹)</sup> عرشِ عظیم  
 بهارِ خلق تو عطری فشانَد بر آفاق  
 که بوی مهرِ پدر باز یافت طفلِ یتیم  
 خدایگانا گویم به مدح خویش<sup>(۱۰)</sup> دو بیت  
 کزین نیارد پرهیز کرد طبعِ سلیم<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۸، ۳۵، ۱۷ = اجل به شیوة عاجز کشی؛ ن ۱، ۵ = شکست گوهر گفتار چون

۲- ن ۵ = تمام شود؛ ن ۱، ۳۵، ۸ = تمام شدی؛ ن ۱۷ = بنام شدی

۳- ن ۵، ۳۵، ۸ = به مستیش؛ ن ۱ = دُرُستیش

۴- ن ۱۷ = تو؛ ن ۱، ۳۵، ۸ = او

۵- ن ۱۷ = کسی؛ ن ۱، ۳۵، ۸ = سخن

۶- ن ۱، ۵ = نفست؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاسبه)، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، میرزا جان، خلاصه و غیره = کرم

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گرفتن؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، عجیب و غریب، مسرت، آرزو = گرفته

۸- ن ۱ = است نه بیم؛ همه نسخ دیگر = است و نه بیم

۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، شرح آرزو = چیده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = چید

۱۰- ن ۳۵ = خود؛ همه دیگر نسخه ها = خویش

۱۱- ن ۱، ۲، ۵ (اصل)، ۶، ۸، ۱۷، ۳۵، ۲۹ = سقیم؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۱۷۱ = سلیم

ز زاده دل و طبعم اگر شود آگاه  
 به اصلِ خویش بتازد<sup>(۱)</sup> ز شرم دُر یتیم  
 لطیفه سنج ضمیرم لطافتِ فردوس  
 وظیفه گیر<sup>(۲)</sup> کلام حلاوتِ تسنیم  
 مثال طبع من و هر طبیعتی که جز اوست  
 زلال ماء معین است و درد ماء حمیم  
 خموش عرفی ازین ترهات، وقت دعاست  
 بر آر دست به درگاهِ کردگارِ کریم  
 همیشه تا که نگردد حلال بر فرزند  
 جمیله‌ای که شود با پدر به حجله مقیم  
 عروسِ دهر به فتوای ذره تا خورشید  
 حلالِ اکبر شه باد و شاهزاده سلیم

### قصیده پنجاه و سوّم

#### قصیده در مدح حکیم ابوالفتح گیلانی<sup>(۳)</sup>

بباز گلبانگی پریشان می‌زنم      آتشی<sup>(۴)</sup> در عیندلیان می‌زنم  
 حجله گل بهر من بستند و من      سر به دیوار گلستان می‌زنم  
 در<sup>(۵)</sup> بُن هر خار خنجر می‌خورم      بر سر هر نیش جولان می‌زنم

بهار عجم: اشعار ۱، ۳، ۱۳

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = ننازد؛ ن ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، شرح مسرت، قطب، رحیم = بتازد

۲- ن ۸، ۳۵ = وظیفه دار؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = گیر (در دیگر نسخه‌ها نیافته شد)

۳- خان آرزو در شرح خویش خانخانان را معدوح قرار داده است. در این زمین شعراء دیگر هم قصاید گفته‌اند مثلاً ثنائی مشهدی (در منقبت امام رضا) و نفعی به اشعار زیر آغاز می‌شوند:

طبل عشق یار پنهان می‌زنم      دست شوقی بر در جان می‌زنم (ثنائی مشهدی)

عاشقم خنده بدوران می‌زنم      پشت پابر کفر و ایمان می‌زنم (نفعی)

۴- ن ۶، ۱۷۰، بهار عجم = آتش اندر؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۲۹، ۳۵ = آتشی بر؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آتشی در؛ ن

۲۸ = آتش در؟

۵- ن ۲۸ = از؛ همه نسخ دیگر = در (در نسخه ۲۸ مصرعه اول بیت سوّم با مصرعه ثانی بیت چهارم مربوط است)

خونِ گرم از ریشهٔ دل می‌مکم  
صد محیطِ زهر<sup>(۱)</sup> دارم در سفال  
بسکه لذت دوستم، یک لختِ دل  
آن خلیلِ من که قفلِ الحذر  
آن چراغِ کشته‌ام کز دود گرم  
پادشاهِ عالمِ درویش‌ام  
جابه را کوسِ بلندآوازی  
پایِ هجرم، راهِ حسرت می‌روم  
بحرِ طوفانِ خیزِ دردم، موج<sup>(۴)</sup>ِ خون  
مرغِ تَجَرِیدم، نوا در فصلِ دی  
می‌کنم در گلشنِ جَنّت<sup>(۵)</sup> فغان  
زهره می‌دُزدد نوایِ خونِ چکان  
تابه کی هر سودوم در سومات  
بُتِ پَرستانِ می‌فریبند بسی  
از مساماتم رود سیلابِ خون<sup>(۸)</sup>  
آتشِ طُورم می و جامِ آفتاب  
جامِ زهر از شیشهٔ جان می‌زنم  
مرحبایی گو، که آسان می‌زنم  
بر متاعِ صد نمکدان می‌زنم  
بر دهان و دستِ مهمان می‌زنم  
آتشِ اندر آبِ حیوان می‌زنم  
مُهر بر پایان<sup>(۲)</sup> فرمان می‌زنم  
بر فرازِ بامِ نسیان می‌زنم  
دستِ عجزم، چاکِ دامان<sup>(۳)</sup> می‌زنم  
از تحرّکهای شریان می‌زنم  
بر فرازِ شاخِ عریان می‌زنم  
نغمه‌ای در گنجِ زندان می‌زنم  
زخمه چون بر عودِ افغان می‌زنم  
تیشه‌ای بر پایِ ایمان می‌زنم  
شیشه‌ای<sup>(۶)</sup> بر سنگِ ایشان<sup>(۷)</sup> می‌زنم  
تا شراب از<sup>(۹)</sup> جامِ رهبان می‌زنم  
حیف کاین می در شبستان می‌زنم

۱- ن ۲۸ = محیط از زهر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = محیط زهر

۲- ن ۲۸ = طغرای؛ ن ۱، ۴، ۶، ۱۹ = پایان؛ ن ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ رحیم، مسرت = پائین؛ ن ۲، ۵، ۸، ۳۵ = بالای

۳- ن ۸ = خاک دامان؛ ن ۴، ۱۷، ۱۹، ۲۹، آرزو، مسرت، ۱۷۰ = فال دامان؛ ن ۲ = فال دایان؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = چاک دامان

۴- شرح قطب = موجزن؛ همه نسخه‌های کلیات و غیره = موج خون

۵- ن ۲۹ = محنت؛ همه نسخ دیگر بشمول شرح مسرت و آرزو = جنت

۶- آرزو = شیشه را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شیشه‌ای؛ ن ۱۷۰ = تیشه‌ای

۷- ن ۵ = بطلان؛ همه نسخ دیگر و ن ۵ (حاشیه) = ایشان

۸- ن ۲۸، ۴، ۱۷، ۱۹، ۲۸ =؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = خون

۹- ن ۱، ۵ (حاشیه) = شراب جام رهبان؛ ن ۵ = شراب صاف رهبان؛ ن ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۵ = شراب از جام رهبان

کاین نفس در کام ثعبان می‌زنم  
 کف به کف چون بحرِ عَمَّان می‌زنم<sup>(۳)</sup>  
 از چه آه از خلق پنهان می‌زنم<sup>(۴)</sup>  
 سر به جای گو<sup>(۶)</sup> به چوگان می‌زنم<sup>(۷)</sup>  
 تکیه بر غمهای الوان<sup>(۸)</sup> می‌زنم  
 چون قدم<sup>(۱۰)</sup> در بحرِ عَمَّان می‌زنم<sup>(۱۱)</sup>  
 خنده بر بازیچه پنهان می‌زنم  
 لیک پا بر نیشِ عصیان می‌زنم  
 دشنه بر خارِ مغیلان می‌زنم  
 فالِ آتشگاهِ گبران می‌زنم  
 بر دلِ صد پاره دندان می‌زنم  
 سینه را بر موجِ طوفان می‌زنم  
 عطسه‌ای کز مغزِ حرمان<sup>(۱۳)</sup> می‌زنم  
 دشنه‌ای بر عیدِ قربان می‌زنم  
 می‌کنم در جام و خندان می‌زنم

گردم از راحت زنم،<sup>(۱)</sup> بر من مخند<sup>(۲)</sup>  
 از صدا آویزه آویزم بگوش  
 عشق چون رسواتر از خویشم کند  
 مرد میدانم<sup>(۵)</sup> که همچون آفتاب  
 چون نباشد داغ گوناگون مرا  
 آبله‌سان بر<sup>(۹)</sup> کفم دارد عزیر  
 بسکه کج پنداشتم نقشِ درست  
 فرشِ راهم دیده عصمت بود  
 بسکه بر نیش است پایم، هر قدم  
 کعبه در آغوشِ دل دارم، ولی  
 من و سلوی بر لبم ریزند، و من  
 دمبدم چون کشتی، از شوق<sup>(۱۲)</sup> شکست  
 می‌فشانم بر لبم خونِ مراد  
 می‌کنم تعظیم<sup>(۱۴)</sup> روزِ قتل خویش  
 بحرِ خون، دریای آتش، سیلِ زهر

۱-ن ۱۷ = زیم؛ شرح مسرت = زدم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زنم

۲-ن ۸، ۳۵، ۲۹ = ۱۷۰ = میخند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱ = مخند

۳-این شعر تنها در ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۴-این شعر تنها در ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۵-ن ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = میدانی؛ ن ۱ = میدانم

۶-ن ۱ = گوی چوگان؛ ن ۵، ۳۵ = گو بچوگان

۷-این شعر تنها در ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۸-ن ۸ = ایوان؛ همه نسخ دیگر = الوان

۹-ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بر؛ ن ۱۷ = در

۱۰-ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = قدم؛ ن ۱۷ = قدح

۱۱-این بیت تنها در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد. در نسخه ۱۷ بین همین جاست که نوشته شد ولی در دیگر

نسخه‌ها این بعد از بیت ۴۷ هست.

۱۲-ن ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۲۹، ۱۷۱ = شوق؛ ن ۱، ۱۷۰ = ذوق؛ ن ۲۸ = موج

۱۳-ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = ایمان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹، ۳۵ = حرمان

۱۴-ن ۲ = تعظیم قتل خویشتن؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = تعظیم روز قتل خویش

زان جهت<sup>(۱)</sup> بر سنگِ بطلان می‌زنم  
 شعله بر خاشاکِ مژگان می‌زنم  
 دیده را بر نیشِ پیکان می‌زنم  
 خیمه را در کافرستان می‌زنم  
 بیستون بر تارکِ جان می‌زنم  
 بر سرِ گل‌های خندان می‌زنم  
 کاسه در خونِ شهیدان می‌زنم  
 در میانِ آبِ حیوان می‌زنم  
 نقشها بر لوحِ امکان می‌زنم  
 می‌برم، در ملکِ گیلان می‌زنم  
 این نوا از عود بُرهان می‌زنم  
 کاتش از نامش به یونان می‌زنم  
 بر سرِ افهام و اذهان می‌زنم  
 در صفاتِ باغِ رضوان می‌زنم  
 بر دلِ دریایِ عمان می‌زنم  
 دهر<sup>(۶)</sup> میدان است، جولان می‌زنم  
 آفتابم<sup>(۷)</sup> گوست، چوگان می‌زنم<sup>(۸)</sup>

در شراب افتاده‌ام جام و سبو  
 گریه شو قم ز آتشگاه دل  
 تا به مژگانِ تو گردد<sup>(۲)</sup> آشنا  
 تا شوم پامالِ خیلِ غمزات  
 تیشه زد بر بیستون فرهاد، و من  
 دستِ شیون در گِلستانِ نشاط  
 شیشه از زهرِ هلاهل شد تهی  
 آتش اندر خرمین مقصود<sup>(۳)</sup> خویش  
 منکه از کلکِ نظامِ روزگار  
 کوسِ افلاطونی از یونان زمین  
 و سبب جوید کسی، در گوشِ وی<sup>(۴)</sup>  
 کان ولایت مولدِ دانشور است  
 میر ابو الفتح، آن که لوح دانش  
 ذکرِ طبعش می‌کنم با نغمه‌ای  
 نامِ جودش می‌برم یا<sup>(۵)</sup> دشنه‌ای  
 فارسِ حکمش به جولان رفت و گفت  
 راکبِ رایش به میدان راند و گفت

۱- ن ۲، ۲۹ = سبب ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = جهت

۲- ن ۲۹ = گردم ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = گردد

۳- ۱۷ = هستی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = مقصود

۴- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۱۷۰ = وی ؛ ن ۲۹ = دل ؛ ن ۱، ۵ = او ؛ ن ۶ = آن

۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۹ = یا ؛ ن ۱، ۲۴، ۲۰، ۱۷۱ = تا ؛ ن ۱۷، ۲۸، ۳۳، ۳۵ = با

۶- ن ۲۹، ۲، ۳، ۴، ۱۷ = دهر میدان است جولان می‌زنم ؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱، ۳۵، ۱، ۵، ۱۷۰ = آفتابم  
 گوست چوگان می‌زنم

۷- ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷ = آفتابم گوست چوگان می‌زنم ؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱ = دهر میدان است چوگان می‌زنم

۸- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۰ بجای اشعار ۵۰ و ۵۱ تنها یک شعر است و در نسخه ۸ آن به این طور است:

آفتابم گوست چوگان می‌زنم

راکب رایش بمیدان راند و گفت

و در نسخ ۱، ۵، ۳۵، ۱۷۰ شعر باین طور است:

فارس حکمش بجولان رفت و گفت

آفتابم گوست چوگان می‌زنم

عقل می‌گوید گلِ ایجاد او  
عشق می‌گوید عبیرِ جیبِ او  
گفت جاهش دهر بر من تنگ شد<sup>(۲)</sup>  
گفت جودش سیم و زر در کان نمائد  
گُرگ می‌گوید به دورانش، که من  
داورا! تا سایه کردی بر سرم  
تا مرا در بزمِ خود جا داده‌ای  
تا حیات آموز<sup>(۶)</sup> تن لطف تو شد  
گوش کن کز بامِ مدحت صبح و شام  
چشمه نور است چشمِ فطرت  
بیِ پشیمانی ز<sup>(۹)</sup> کویت کی قدم  
تا بر آرم گوهرِ ارزنده‌ای  
هر گلی کز باغِ طبعم<sup>(۱۱)</sup> بشگفت  
تن زخمِ عرفی به<sup>(۱۲)</sup> غم آخر چرا

بر سرِ تقدیر<sup>(۱)</sup> امکان می‌زنم  
بر دماغِ پیر کنعان می‌زنم  
چاک در<sup>(۳)</sup> افلاک و ارکان می‌زنم  
سگه بر پیشانیِ کان می‌زنم  
بر صفِ اعدای چوپان می‌زنم  
خنده بر خورشیدِ تابان می‌زنم  
تکیه<sup>(۴)</sup> بر دیوارِ احسان می‌زنم  
طعنه بر<sup>(۷)</sup> مغز<sup>(۸)</sup> دل و جان می‌زنم  
طبلِ نظم آرای شروان می‌زنم  
خنده بر کحلِ صفاهان می‌زنم  
در بهشتِ ناپشیمان می‌زنم<sup>(۱۰)</sup>  
تیشه اندیشه بر جان می‌زنم  
بر سرِ غلمان و رضوان می‌زنم  
بر نوایِ خود پرستان می‌زنم

بهار عجم: شعر ۴

- ۱- شرح مسرّت = تقدیر و امکان؛ همه نسخه‌های دیگر = تقدیر امکان
- ۲- ن ۱۷ = کرد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = گشت؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱ = شد
- ۳- ن ۹، ۲۹، ۱۷۱ = بر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = در
- ۴- شرح مسرّت = طعنه؛ همه نسخ کلیات و دیگر شرح‌ها = تکیه
- ۵- شرح مسرّت = ایوان حسان؛ همه نسخ کلیات و شرح‌های دیگر = دیوار احسان
- ۶- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، کارنامه، مسرّت، عجیب و غریب = حیات آموز تن؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخه‌های چاپی) = حیات آموز تن؛ ن ۶ = بهار آموزش؛ ن ۲، ۱۷ = حیات آموزش
- ۷- ن ۱، ۵ = در؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰ و غیره = بر
- ۸- ن ۸، ۳۵ = طعنه‌ای بر مغز بی جان؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = طعنه بر معزولی جان؛ ن ۱، ۵ = طعنه در معزولی جان
- ۹- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = پشیمانی ز کویت؛ ن ۱۷ = پشیمانی کویت
- ۱۰- این بیت تنها در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.
- ۱۱- ن ۱ = صحنم؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = طبعم
- ۱۲- ن ۱۷ = بغم؛ ن ۲۸ = نهم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ و غیره = نیم

در حضورت گر دعا گویم<sup>(۱)</sup> چه سود گویی<sup>(۲)</sup> از تزویر دستان می‌زنم  
ساکنتم<sup>(۳)</sup> این نغمه را در نیم شب همرو مرغ سحرخوان می‌زنم

### قصیده پنجاه و چهارم

#### در ذکر افتخارات خود

گر سر به صحبت گل و سوسن در آورم  
دست چمن گرفته به مسکن در آورم  
با های و هوی ناله<sup>(۴)</sup> کنم راه عشق طی  
باشد که هول در دلِ رهزن در آورم  
گر طاعت صنم برم<sup>(۵)</sup> از خالقه به دیر  
زُئار را به طعنِ برهمن در آورم  
شرم<sup>(۶)</sup> دروغ بین که زبانِ فصیح را  
در گفتگوی نطقی تو<sup>(۷)</sup> الکن در آورم  
همت ثمر فشان<sup>(۸)</sup> و شجر طوبی و هنوز  
شرم آیدم که میوه بدامن در آورم

۱- ن ۱، ۵، ۳، ۲۹، شرح عجیب و غریب = گر دعا گویم حسود؛ ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = گر دعا گویم چه سود؛ ن ۹ = زان نمی گویم دعا

۲- ن ۹ = تانه گویندم که دستان می‌زنم؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = گوید از تزویر و دستان می‌زنم؛ ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸ و غیره = گویی از تذویر و دستان می‌زنم؛ ن ۲۹، ۳۵ = گوید از تزویر و دستان می‌زنم؛ ن ۲، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = گویی از تزویر دستان می‌زنم

۳- ن ۹ = در غیاب این نغمه؛ ن ۲۸ = تاکنم این نغمه؛ ن ۸، ۳۵ = ساکنم کین نغمه؛ ن ۱۷، ۲۹ = ساکنم این نغمه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ساکنم این نغمه؛ ن ۱، ۵ = ساکنم وین نغمه

۴- ن ۱ = به که کنی؟؛ ن ۲۹ = به که کنم؟؛ ن ۴ = لاف؛ ن ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ناله کنم؛ ن ۲، ۸، ۱۹، ۳۵ = گریه کنم؛ ن ۱۷ = عشق کنم

۵- شرح قطب = کنم؛ همه نسخ کلیات = برم

۶- ن ۱۷ = شرح؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = شرم

۷- شرح عجیب و غریب = نطق بالکن؛ همه نسخ کلیات و شرح قطب، مسرت، رحیم، بهار عجم = نطق تو الکن

۸- ن ۴، ۹، ۱۸، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = همت ثمر فشان و شجر طوبی و هنوز؛ شرح رحیم = همت ثمر فشان و شجر طوبی ام هنوز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، کارنامه، مسرت = همت ثمر فشان شجر طوبی و هنوز



تا زاغِ ظُلْمَت افکنم از شاخسارِ طبع  
خورشید و ماه را به فلاخن در آورم<sup>(۱)</sup>  
کو بخت آن که منفعل آید به صبح<sup>(۲)</sup> و من  
با آفتاب دست به گردن در آورم  
از بس هجوم حادّه در رزمگاه<sup>(۳)</sup> عشق  
یک عذرِ ناکسی<sup>(۴)</sup> به غلط گر بیان کنم  
صد لاف در میانه مُبرهن در آورم  
صد پرده مصلحت به یکی راز بر تنم  
ترسم که شک بخاطرِ کودن در آورم  
هر گوه‌ری که بر کشم از معدنِ خرد  
پرداخت کرده باز به معدن در آورم  
آیینۀ اصالتِ<sup>(۵)</sup> خورشید و کان شود  
هر دانه گهر که به مخزن در آورم  
در معرضی که راهزنان<sup>(۶)</sup> را کنند عرض  
هر شب هزار غمکده را می‌کنم طواف  
تا خویش را به حلقه شیون در آورم

۱- این بیت فقط در نسخه‌های چاپی مثل ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ یافته شد.

۲- ن ۹، ۲۸ = صبح من؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = صبح و من

۳- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = رزمگاه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی قصاید) = بزمگاه

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، مسرت = ناکسی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخ چاپی) = باکسی

۵- ن ۱۷ = آیینۀ ضلالت دریا و کان؛ ن ۱۹ = آیینۀ جمالت خورشید و کان؛ ن ۱، شرح قطب = آیینۀ اصالت و خورشید  
کان؛ ن ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = آیینۀ اصالت خورشید و کان

۶- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = راهزنان؛ ن ۱۷۱، ۲۴ = راه زیان؛ ن ۹ = راه زمان؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = راه زیان

تا خوابِ عافیت ندهد خو<sup>(۱)</sup> به غفلتم  
 از رزمگاهِ فتنه به مأمن در آورم  
 معجونِ همتِ ار<sup>(۲)</sup> گهرِ سوده بایش  
 یاقوتِ آفتاب به هاون در آورم  
 گر شاهدِ هوس کند آهنگِ دلبری  
 رویش سیاه کرده به برزن در آورم  
 خرمن به مور بخشم و با این کرم هنوز  
 ترسم که سر به دانه ارزن در آورم  
 هر گه که جیبِ دل بدرانم ز دردِ دین  
 زَنارِ بهرِ بخیه به سوزن در آورم  
 از زلفِ تناب داده شامم کمند بس  
 چون خواهم آفتاب به روزن در آورم<sup>(۳)</sup>  
 خورشید را بگو که در آید به روزنم  
 زان پیش کش<sup>(۴)</sup> کمند به گردن در آورم  
 هر گه که آورم گلی روی تو در نظر  
 گلشن ز راو دیده بدامن در آورم<sup>(۵)</sup>  
 هر گه که ناله‌ای کنم از اشتیاقِ گل  
 شیون ز بلبلانِ نوازن در آورم  
 ای طائرانِ سدره همتِ مدد کنید  
 کانِ عندلیبِ قدس به گلشن در آورم

۱- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، ۳۵ = خو به غفلتم ؛ ن ۲۸ = خوابِ مهلت ؛ ن ۱۷، شرح منیر = خود به غفلتم ؛ کارنامه = خوی غفلتم

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = ار ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱ = از

۳- این بیت تنها در نسخه‌های خطی نیست - تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۴- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، شرح رحیم = کین ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کش

۵- در این بیت بخلاف دیگر ابیات خطاب به کسی دیگر است و ممکن است که او معدوح عرفی باشد. در آن صورت این قصیده ناتمام می‌نماید.

ای<sup>(۱)</sup> مهر شادباش که گوهر کمال یافت

اکنون وسیله شو<sup>(۲)</sup> که به مخزن در آورم<sup>(۳)</sup>

### قصیده پنجاه و پنجم

قصیده متعلق به سفر حیات عرفی و در مدح حکیم ابوالفتح

یا خانخانان عبدالرحیم

رفتم ای غم<sup>(۴)</sup> ز درِ عمر و شتابان رفتم

هان شتاب، ار طلبی هست ز من، هان رفتم

مشتاب ای غم دنیا که به گردم نرسی

بکن از دور وداعم که شتابان رفتم

ایهاالناس بگوید مبارکبادم

کز صنم خانه تن<sup>(۵)</sup> در حرم<sup>(۶)</sup> جان رفتم

الوداع از<sup>(۷)</sup> من دردی کش بیهوشی دوست

کاینک از خویش ببوی می رهبان رفتم

درد همدوش و بلا بر<sup>(۸)</sup> اثر و غم در پیش

تا براحتی که<sup>(۹)</sup> تسلیم بدینسان رفتم

۱- این شعر تنها در نسخه‌های چاپی یعنی ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ یافته شد.

۲- ن ۹ = کو؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخه‌های چاپی قصاید) = شو

۳- این قصیده در زمین خاقانی شروانی است که به مطلع زیر آغاز می‌شود:

هر صبح پای صبر بدامن در آورم      پرکار عجز گرد دل و تن در آورم

۴- شرح آرزو = ای دل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = ای غم

۵- ن ۱۷، ۳۵ = دین؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، شرح رحیم، مسرت و

غیره = تن

۶- ن ۱۷ = تا در انمان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = در حرم جان

۷- ن ۲۸ = الوداع من؛ ن ۲ = الوداع این من؛ ن ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ = الوداع ای من؛ ن ۱، ۴، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰،

۱۷۱، شرح آرزو = الوداع از من

۸- شرح رحیم = در اثر؛ همه دیگر نسخه‌ها = بر اثر

۹- کارنامه فیض = نزهت که؛ همه نسخ دیگر و شرح‌ها مثل قطب، رحیم، عجیب و غریب = راحت‌گر

تَا حِدِ دَشْتِ مَحَبَّتِ کِه قِیامت‌گاه است

پیش روی غمِ دل مَروحه‌جنبان رفتم

هوسِ گریه شبم<sup>(۱)</sup> بیشتری<sup>(۲)</sup> داد بدست

رگِ ابری بگشودم که به طوفان رفتم

آرزو گُشتم<sup>(۳)</sup> و خون خوردم و عشرت کردم

نه در جود<sup>(۴)</sup> زدم نی بر احسان رفتم

همه را ماتمی حسرتِ دنیا دیدم

چون به ماتم کده گبر و مسلمان رفتم

کس عنان‌گیر نشد ورنه من از بیت حرام<sup>(۵)</sup>

تا در بتکده<sup>(۶)</sup> در سایه ایمان رفتم

گر حکومت همه عدلست، مکش گیر که من

باد پیمودم و همدوش سلیمان رفتم

خضر اگر نیست، قدم می‌زن و می‌کوش که من

رفتم آخر به حرم، وز ره خذلان رفتم

پای کوبان به حرم رفتم و عییم کردند

بدرِ دیر مغان ناصیه کوبان رفتم

من کجا کشمکشِ رد و قبولم<sup>(۷)</sup> ز کجا

نیک رفتم که نه کافر نه مسلمان رفتم

آفتاب آمد و در زیر سرم بالین شد

چون بخوابِ عدم از حسرتِ جانان رفتم

۱- ن ۵، ۸، ۳۵، ۲ = شبی؛ ن ۱، ۲۸، ۲۹، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = شبم

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = نشتر غم؛ ن ۲، ۴، ۸، ۳۵، ۱۷۰، ۲۹ = بیشتری؛ ن ۱ = نه

۳- ن ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۹ (حاشیه) = گشتم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = کُشتم

۴- ن ۱۷ = خور؟؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = جور؛ ن ۴، ۸، ۵، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = جود

۵- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۱۷۱ = حرم؛ ن ۲، ۴، ۸، ۵، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = حرام

۶- ن ۲۹ = میکده؛ همه نسخه‌ها دیگر = بتکده

۷- ن ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۹ (حاشیه) = قبولم؛ ن ۴، ۸، ۵، ۹، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کارنامه، مسرت = قبولش

صفحه تیغم ازان نسخه خلد است که دوش

به شیخون سپاه غم الوان رفتم  
هرکجا مزده اندوه نوی بشنیدم<sup>(۱)</sup>

جستم از درد گران توشه و رقصان رفتم  
منم آن سیر ز جان گشته که با تیغ و کفن

به در خانه جلاد غزل خوان رفتم  
سفته ام گوهری، از من بخور، اما مفروش

که بدریوزه آن بر در صد کان رفتم

### تجدید مطلع

از در دوست چه گویم<sup>(۲)</sup> به چه عنوان<sup>(۳)</sup> رفتم

همه شوق آمده بودم، همه حرمان رفتم<sup>(۴)</sup>

بس<sup>(۵)</sup> به دیوار زدم سر که درین کوچه تنگ

آمدم مست، و سراسیمه و حیران رفتم

آمدم نغمه گشا از لب ائید و ز یأس

در<sup>(۶)</sup> رگ و ریشه دل دوخته دندان رفتم

آمدم صبح دم و شام برفتم، بشنو

که چسان آمدم این جا، به چه عنوان رفتم

آمدم صبح چو بلبل به چمن در نوروز

شام چون ماتی از خاک شهیدان رفتم

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷، ۲۹ = بشنیدم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = بشنودم

۲- ن ۳۵ = نگویم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = گویم

۳- ۱۸ (حاشیه)، ۳۳ (حاشیه) = سامان؛ همه نسخ قصاید و کلیات و غیره = عنوان

۴- در نسخه چهارم قبل این مطلع فقط اشعار ۱، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵ یافته شدند. بعد این مطلع در نسخه های مختلف ترتیب اشعار جدا گانه است.

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۳ (حاشیه)، ۱۷۰، ۲۹، ۳۵ = بس؛ ن ۹ (باورق)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = پس

۶- ن ۲۹ = بر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = در؛ ن ۲۴ = وز

رفتم از کوی تولب<sup>(۱)</sup> تشنه به گلگون سرشک  
 نیک رفتم که نه آفتان و نه خیزان رفتم  
 دل و دین و خرد و هوش و زبان بازم ده  
 تا بگویم ز در دوست بسامان رفتم  
 دوستان زهر بگریید<sup>(۲)</sup> که رفتم ناکام  
 دشمنان نوش بخندید که گریان رفتم  
 رفتم و سوختم از داغ دل دشمن و دوست  
 که جگر سوزتر از اشک یتیمان رفتم  
 منم آن قطره که صد سینه و دل کردم داغ  
 تاز<sup>(۳)</sup> نوک مژه غلطیده به دامن رفتم  
 منم آن یوسف بد روزه که نارفته به مصر  
 تا برون آمدم<sup>(۴)</sup> از چاه، به زندان رفتم  
 منم آن غنچه پژمرده که از<sup>(۵)</sup> باد خزان  
 خنده بر لب گره و سر بگریبان رفتم  
 نور پیشانی صبح طربم،<sup>(۶)</sup> لیک چه سود  
 که ز غم<sup>(۷)</sup> تیره تر از شام غریبان رفتم  
 رفتم آهسته، ولی صاحب دل می داند  
 که دل آشوب تر از غمزه<sup>(۸)</sup> جانان رفتم

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = لب تشنه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰ (حاشیه) = بنشته

۲- ن ۹ = بگویند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = بگریند؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷، ۳۳ = بگریند

۳- شرح رحیم = بنوک؛ همه نسخ قصاید و کلیات = ز نوک

۴- ن ۳۵ = آمده؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = آمدم

۵- ن ۵، ۲ = با؛ ن ۱، ۴، ۸، ۳۵ = بر؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = از

۶- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹ = خردم؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = طربم

۷- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = که غم انگیزتر از؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = که ز غم

تیره تر از

۸- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = غمزه جانان؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = زلف عروسان

مردم از گریه و کارم به تبسم نکشید<sup>(۱)</sup>  
 منم آن نوح که هم<sup>(۲)</sup> بر<sup>(۳)</sup> سر طوفان رفتم  
 از<sup>(۴)</sup> پریشانی دل سوختم و بهر علاج  
 هم بدریوزه دل‌های پریشان رفتم  
 بازوی همتم آن روز چو قیمت بشکست  
 که به تاییدن سرپنجه مرجان رفتم  
 منم آن هیکل روحانی اندیشه غذا<sup>(۵)</sup>  
 که در آب زدم بر اثر نان رفتم  
 منم آن میوه<sup>(۶)</sup> ارزنده بستان<sup>(۷)</sup> کمال  
 که بدست و دهن ذائقه ارزان رفتم  
 منم آن شیر ختن‌گیر که آهو گیرد<sup>(۸)</sup>  
 که<sup>(۹)</sup> چو موشان به شکار تو انبان رفتم  
 گوهر قیمتی گنج ازل بودم، لیک  
 ره بی عزتی جنس فراوان رفتم  
 آن چنان منفعل از پیش تو رفتم که به خویش  
 این گمان است مرا کز در ایمان رفتم<sup>(۱۰)</sup>  
 رفتم اندر پی مقصود، ولی همچو پلنگ  
 به سرکوه به قصد مه تابان رفتم

۱- شرح مسرت = کشور (ولی از "کشید" هم شرح شعر کرده؛ همه نسخه‌های دیگر = کشید

۲- شرح عجیب و غریب = یم؛ همه نسخه‌های قصاید و کلیات = هم

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = ور؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = بر

۴- ن ۲۹ = در؛ همه نسخه‌های دیگر کلیات و قصاید = از

۵- ن ۱، ۵، ۹، ۲۹، ۱۷۰، آرزو = غذا؛ ن ۸، ۳۵ = قضا؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = خدا

۶- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = لقمه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = میوه

۷- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = ارزنده بستان کمال؛ ن ۲، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = ارزنده به بستان کمال؛ ن ۱۷۱ =

ارزنده بستان کمال

۸- ن ۱، ۵، ۹، ۲۹، ۱۷ = گیرد؛ ن ۸، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = گیرد

۹- ن ۱، ۵، ۹، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = نه؛ ن ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = که

۱۰- این بیت تنها در نسخه ۱۷ یافته شد.

بودم از قـدر ترنجِ زرِ پرویز، ولی  
 گوی گشتم، بره سلی چوگان رفتم<sup>(۱)</sup>  
 من<sup>(۲)</sup> چه بودم؟ حلبی شیشه<sup>(۳)</sup> لعل صها  
 پای کوبان به کجا؟ برسرِ سندان رفتم  
 چون صبا رخصتِ گشتِ چمن بود، ولی  
 چون تماشا<sup>(۴)</sup> خایف به خیابان رفتم  
 ذوقِ عریانی تجرید ندانستم، حیف  
 کز پی سندس و استبرقِ رضوان رفتم  
 آخر این با که توان گفت که در مکتب<sup>(۵)</sup> قدس  
 دانش آموزِ خرد بودم و نادان رفتم  
 شعر ورزیدم و از معرفت آن سو ماندم  
 جانِ معنی شدم و صورتِ بی جان رفتم  
 زان شکستم که به<sup>(۶)</sup> دنبال دلِ خویش مدام  
 در نشیبِ شکن زلفِ پریشان رفتم  
 شبِ یلدای حیاتم به سحر گوید حیف  
 که در افسانه بیهوده به پایان رفتم  
 ماتم اهلِ دل<sup>(۷)</sup> آن بود که با عشرتیان<sup>(۸)</sup>  
 بادف و چنگ به گلگشتِ گلستان رفتم

۱- در مختلف نسخه‌ها ترتیب اشعار اختلاف دارد - در اثر موجوده عموماً ترتیب اشعار مطابق نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ هست

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = بوده‌ام من؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = من چه بودم

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = حلبی شیشه لعل صها؛ ن ۲۹، ۳۵ = حلبی شیشه لعل صها؛ شرح مسرت = حلبی شیشه صهای لعل

۴- شرح مسرت، ۲۸ = چون تماشا خلاق؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = چو تماشا خلاق؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، ۱۹ (پاورق) = چون تماشا خائف؛ ن ۱۹ = چون خلاق به تماشا

۵- ن ۸، ۳۵ = مکتب عشق؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ و غیره = مکتب قدس

۶- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = ز دنبال؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳ و غیره = بدنبال

۷- ن ۹، ۲۹ = اهل دل این بود؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۱، ۳۳، ۲۸ = اهل دلان بود؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۴، ۳۵، ۱۷۰ = اهل دل آن بود

۸- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = عشرتیان؛ ن ۲۹ = شیرتیان؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، رحیم = حسرتیان



عید آن طایفه آن بود که با شیونیان  
 تهنیت گوبه سرِ خاک شهیدان رفتم  
 راهِ فرهادی<sup>(۱)</sup> و مجنونیم آمد در پیش  
 رفتم این راه، ولیکن نه چو<sup>(۲)</sup> ایشان رفتم  
 آشیانِ زغن و زاغ<sup>(۳)</sup> نجیدم برسر  
 سرِ قدم ساخته در خارِ مگیلان رفتم  
 ناخنِ تیشه<sup>(۴)</sup> نراندم به رگ و ریشه سنگ  
 کوه غم در ته پاسوده بجولان رفتم  
 اینهمه رفتم و رفتم که شمردم<sup>(۵)</sup> عرفی  
 به تقاضای ردیف از پی بُهتان رفتم  
 ساکنِ خاکِ درِ صاحبِ خویشم، مشنو  
 گر بگویم که به چشم<sup>(۶)</sup> و سرِ خاقان رفتم  
 نوبهارِ چمنِ آرای گلستانِ عطا  
 تابه دردِ غمِ عشق از پی<sup>(۷)</sup> درمان رفتم<sup>(۸)</sup>  
 تیغِ وی گفت که در معرکهٔ جنگش من<sup>(۹)</sup>  
 همه از<sup>(۱۰)</sup> تارکِ او تا شَمِ یکران رفتم

۱- شرح رحیم = مجنونی و فرهادیم؛ همه نسخه‌های قصاید و کلیات = راه فرهادی و مجنونیم

۲- کارنامه = از؛ همه نسخ کلیات و قصاید = چو

۳- ن ۱۷، ۳۵ = بجیدم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹ و غیره = نجیدم

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ و غیره = نراندم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۱۷، ۳۵ = براندم

۵- ن ۸، ۳۵ = شمردی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = شمردم

۶- ن ۵ (حاشیه) = گر بگویم بر چشمهٔ رضوان؛ ن ۱۹ = گر بگویم که به جهت بر رضوان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۳۵ = گر بگویم که به چشم و سر خاقان

۷- ن ۲۹ = از سر جانان؛ ن ۲ = از پی درمان

۸- این بیت تنها در نسخ ۲، ۲۹ یافته شد.

۹- ن ۹ = من؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹ = تاخت؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴ و غیره = تافت

۱۰- ن ۱، ۵، ۸ = که من از؛ ن ۱۷، ۲۹ = گر نه از؛ ن ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = که نه از؛ ن ۹ = همه از

رمح وی گوید اگر صلح و<sup>(۱)</sup> اگر جنگ که من<sup>(۲)</sup>  
 بگشاد<sup>(۳)</sup> گره جبهه خاقان رفتم  
 آهنین<sup>(۴)</sup> پنجه تیفش به اجل گفت، که من  
 فوج<sup>(۵)</sup> در فوج سرشتم چو بمیدان رفتم  
 باد طوفان سخایش به صبا گفت که من  
 موج<sup>(۶)</sup> در موج شکستم چو به عمان رفتم  
 طالعش صبح ولادت در دنیا زد و گفت  
 آفتابی بکف اینک به شبستان رفتم  
 هر که اندیشه خلق ویم از جای ریود  
 چون صبا بر ورق شنبلی و ریحان رفتم  
 این جواهر ز نثار کرمش<sup>(۷)</sup> برچیدم  
 کس نگوید که بدریوزه عمان رفتم  
 دارم<sup>(۸)</sup> این قافله<sup>(۹)</sup> سرمه ز خاک در او<sup>(۱۰)</sup>  
 نبری ظن که بتاراج صفاهان رفتم

۱- ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۹، ۲۸ = اگر جنگ و گر صلح؛ ن ۱، ۸، ۲۹ = اگر صلح و گر جنگ

۲- ن ۱، ۵ = اینک؛ ن ۲، ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۹، ۲۸ = که من

۳- ن ۱ = کشاده؛ همه دیگر نسخه‌ها = کشاد

۴- ن ۲۹ = آتشین؛ ن ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = آهنین

۵- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = موج بر موج شکستم چو بعمان رفتم؛ ن ۲ = فوج در فوج شکستم چو بمیدان رفتم؛ ن ۱، ۸، ۳۵، ۱۷۰، ۲۸ = فوج در فوج سرشتم چو بمیدان رفتم؛ ن ۲۹ = چرخ در فوج سرشتم چو بمیدان رفتم

۶- ن ۹ = فوج در فوج شکستم چو بمیدان رفتم؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = موج در موج شکستم چو به عمان رفتم (در نسخ ۲، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ این بیت یافته نشد).

۷- ن ۱، ۲، ۸، ۵ = قدمش؛ ن ۴، ۱۸، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = کرمش

۸- ن ۲۹، ۲ = دارم؛ ن ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = دارم

۹- ن ۱، ۸، ۳۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = قافله سرمه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۲۸ = قافله راسرمه

۱۰- ن ۲ = در آن؛ ن ۱، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵، ۱۹، ۱۷ = در او؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸، ۱۷۰ = در تو

زان نفس کامدم از بهرِ ثنا<sup>(۱)</sup> در بزم  
از<sup>(۲)</sup> قبولِ خردت<sup>(۳)</sup> عزّت<sup>(۴)</sup> سحبان رفتم<sup>(۵)</sup>  
بسکه عیسی نفسان بوسه به راهم دادند  
هر قدم بر سر صد چشمه حیوان رفتم  
بالِ اندیشه ز پرواز شکستم صد بار  
نبری ظن که به عرش سخن آسان رفتم  
السلام ای ملک النظم<sup>(۶)</sup> برون داد<sup>(۷)</sup> ز خاک  
چون به آرام گه ناظمِ شروان رفتم  
داورا دوش به دوش قدر<sup>(۸)</sup> اندر همه<sup>(۹)</sup> عمر  
با دعای<sup>(۱۰)</sup> تو و نفرینِ حسودان رفتم  
راهِ نفرینِ حسودانِ تو رفتم، لیکن  
آن نیرزد که بگویم به چه عنوان رفتم  
راهِ بی حدّ ثنای<sup>(۱۱)</sup> تو سپردم، وین راه  
نیست راهی که توان گفت بپایان رفتم

خلاصه: اشعار ۱۳ تا ۱۶ و ۲۳ تا ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۳۷ تا ۴۰ آتشکده: اشعار ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵ تا ۱۷  
بهار عجم: اشعار ۲۱، ۲۲

۱- ۲ = نثار بزم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = ثنا در بزم

۲- ۲، ۲۹ = وز؛ ۱، ۵، ۸، ۱۹، ۳۵ = از

۳- ۱، ۵ = خرد؛ ۸، ۲۹، ۳۵ = خردت

۴- ۲۹ = دربر؛ ن ۱ = عزّت؛ ن ۵، ۸، ۳۵ = عنبرت (مفهوم مصرع ثانی روشن نیست)

۵- ۱۹ = در؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = زان (این بیت فقط در این هفت نسخ یافته شد)

۶- ۲۸ = ملک العزم؛ ن ۱۷ = ملک العظم؛ همه نسخه‌های دیگر = ملک النظم

۷- ۸، ۳۵ = برون آ از خاک؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۹ = برون داد ز خاک؛ ن ۲۸ = برون از  
بخاک؟

۸- ۱، ۵ = قدم؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = قدر

۹- ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = اندر ره عمر؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = اندازۀ عمر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = اندر همه  
عمر

۱۰- ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = ثنای؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = دعای تو

۱۱- ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = دعای تو؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰ = ثنای تو

## قصیده پنجاه و ششم

## قصیده در مدح امیرالمومنین علی ابن ابی طالب

چون گردباد آه ز خاکم کشد علم  
 بر فرق روزگار فشانند غبارِ غم  
 چون<sup>(۱)</sup> دل به جای خویش بود کز نهیبِ درد<sup>(۲)</sup>  
 زین آشیانه<sup>(۳)</sup> طایر آرام کرده رم  
 در عهدِ من ز دهر مجو خوش ولی که هست  
 در سینه<sup>(۴)</sup> زمانه وجودم<sup>(۵)</sup> جهانِ غم<sup>(۶)</sup>  
 ای<sup>(۷)</sup> طورِ وعده تو فراموشی وفا  
 وی طرزِ غمزه تو هم آغوشی ستم  
 ذوقِ غم تو شانه کشِ طره طرب  
 شوقِ لب تو سرشکنِ شحنه الم  
 از وعده تو شوق به تشویق مبتلا  
 با<sup>(۸)</sup> عشوه<sup>(۹)</sup> تو فتنه به آشوب متهم  
 آشوبِ دل ز فتنه زلف تو گشته بیش  
 تشویش جان ز عشوه چشم تو گشته کم<sup>(۱۰)</sup>  
 بخشد هزار کشته چشم ترا حیات  
 لعنت لطیفه‌ای که برون آرد از عدم

۱- خلاصه = کم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = چون

۲- ۲۹ = عمر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = درد

۳- خلاصه = آستانه؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید = آشیانه

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شیشه؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه و غیره = سینه

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۲۴، ۳۳، ۱۹، ۲۰ = وجود؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = وجودم

۶- ن ۹ = وجود جهان غم؛ ن ۱۹ = وجود هزار غم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = وجود جهان غم

۷- ن ۳۵ = قطب = این؛ همه نسخ دیگر = ای

۸- ن ۱، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = قطب، ۲۰ = وز؛ ن ۱۸، ۳۳ = در؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۲۴ = با

۹- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ و غیره = عشوه؛ ن ۹ (پاورق) = غمره؛ خلاصه = فتنه

۱۰- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

گيرد به هر دو دست سرِ خود اجل ز بیم  
 جایی که غمزه تو کشد خنجرِ ستم  
 لعلِ حیات بخش تو جایی که دم زند  
 نبود مسیح را ز خجالت مجالِ دم  
 ز اعجازِ <sup>(۱)</sup> حُسنِ تست که کلکِ قضا <sup>(۲)</sup> نسوخت <sup>(۳)</sup>  
 بر لعلِ آتشین خطِ سبزه چو زد رقم  
 هم خود بگو روا بود ای بیوفا که من  
 محروم باشم از تو و اغیارِ محترم  
 محرم ببزم وصل تو غیر و <sup>(۴)</sup> مرا ز بیم  
 مُریغِ اُمید پر نزنند گردِ آن حرم  
 دست افگنی بدوش رقیبان برغمِ من  
 وز چنگِ من برون کشی <sup>(۵)</sup> آن زلفِ خم به خم  
 من جان دهم برای تو، وان لعلِ روح بخش  
 از معجزِ مسیح زند با رقیب دم  
 با دوستان <sup>(۶)</sup> به کینی و با دشمنان به مهر  
 من بعد اگر سلوکِ تو این است لاجرم  
 خواهم <sup>(۷)</sup> شدن به محکمه عدل، تا شود  
 طبعِ سلیم عادلِ شاه جهان حکم

۱- ن ۱، ۱۷، ۸، ۴، ۲، ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ز اعجاز حسن تست ؛ ن ۱، ۵ = اعجاز کلک تست

۲- ن ۱، ۵ = حسن قضا ؛ همه نسخ دیگر = کلک قضا

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = بسوخت ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = نسوخت

۴- خلاصه = اغیار و من ز بیم ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = غیر و مرا ز بیم

۵- ن ۳۵، آتشکده = کنی ؛ همه نسخ دیگر = کشی

۶- خلاصه = با دوست دشمنی و بدشمن خلاف دوست ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ و غیره = با

دوستان به کینی و با دشمنان به مهر

۷- ن ۱۹ = در هم شدن بمعرکه عدل ؛ ن ۱۷ = خواهم شوم به محکمه عدل ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹،

۳۵ = خواهم شدن به محکمه عدل

سلطانِ دین، وحیِ نبی، قهرمانِ شرع  
 شاهِ نجف، علی ولی، معدنِ کرم  
 آن واهبِ النعم که ز داوودِ نطقِ او  
 نشنید گشایشِ از بجز نغمهٔ نعم  
 اول به آب چشمهٔ کوثر وضو<sup>(۱)</sup> کند  
 جبریل اگر به خاکِ جنابش خورد قسم  
 عزمِ طوافِ کعبه ز کوش<sup>(۲)</sup> چنان بود  
 کاینکه از برای تیممِ برون ز یم<sup>(۳)</sup>  
 اندوزد از عبادتِ یزدانِ عدوی او<sup>(۴)</sup>  
 اجری که برهمین برد از طاعتِ صنم  
 از قدر خواستم که فلک خوانمش، قضا  
 گفت ای بری ز<sup>(۵)</sup> شیوهٔ تمیز مدح و ذم  
 او را سپهر گویی<sup>(۶)</sup> و این ننگری که هست  
 او<sup>(۷)</sup> منبع<sup>(۸)</sup> عطوفت و این<sup>(۹)</sup> مصدرِ ستم  
 خواهد اگر به پهلوی دامادِ لطفِ او<sup>(۱۰)</sup>  
 حامل شود به نطفهٔ شادی عروس غم<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۲۹ = کند وضو؛ همه نسخه‌های دیگر = وضو کند

۲- ن ۲۹ = کویت؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید = کوش

۳- ن ۵، ۱۷، ۱۷۱، ۲۴، کارنامه = نم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = یم

۴- ن ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، تو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۳۵ = او

۵- ن ۱۷ = و ز شیوهٔ مدح و تمیز ذم؛ ۲ = شیوهٔ اتمام مدح و ذم؛ ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، ۳۵ و غیره = شیوهٔ تمیز مدح و ذم

۶- ن ۲ = خوانی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۹ و دیگر همه نسخ = گویی

۷- ن ۲، ۳ = آن؛ ن ۲۹، خلاصه = این؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = او

۸- خلاصه = معدن؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید و غیره = منبع

۹- ن ۲۹ = آن؛ خلاصه = او؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = این

۱۰- ن ۱۷ = تو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = او

۱۱- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

مشاطة ولایتش<sup>(۱)</sup> از زیب گر شود  
 ز اعجاز عیسوی کنند آرایش صنم  
 ای<sup>(۲)</sup> طوف<sup>(۳)</sup> بارگاه تو پیرایه شرف  
 وی دودمان جا<sup>(۴)</sup> تو همسایه<sup>(۵)</sup> قدم  
 در<sup>(۶)</sup> باغ فطرت تو مسیحا<sup>(۷)</sup>ست یک نسیم  
 در فوج حشمت تو سلیمانست یک حشم<sup>(۸)</sup>  
 مست غرور کرده<sup>(۹)</sup> عروسان خلد را  
 دعوی باغ لطف<sup>(۱۰)</sup> تو با روضه ارم  
 هرگز زمین رزم تو از خون نگشت<sup>(۱۱)</sup> خشک  
 از بس که خنجر تو رسانید نم<sup>(۱۲)</sup> به نم  
 آن کینه پروری که ز بغض<sup>(۱۳)</sup> تو دم زند  
 وان خون گرفته ای که به کینت کشد علم<sup>(۱۴)</sup>  
 با تیغ روزگار کند قصید کارزار  
 با قهر کردگار به میدان نهد قدم

- ۱- ن ۱، ۸ هـ = ولایتش از زیب گر شود؛ ن ۳، ۲۸، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = ولایتش از زیب گر شود؛ ن ۹ = ولایتش اگر زیب گر شود؛ ن ۴، ۳ = ولایتش از پیکری شود؛ شرح کارنامه، مسرت، قطب، منیر = ولایتش از آزاری کند  
 ۲- ن ۱، ۵ = این؛ دیگر نسخ مثل ۹، ۱۷، ۳۵ و غیره = ای  
 ۳- ن ۱، ۸ هـ = ۳۵ = طور؛ ن ۱۷ = طرفه؛ ن ۴، ۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = طرف  
 ۴- ن ۱، ۲۹ = جود؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ و غیره = جاه  
 ۵- ن ۱، ۸ هـ = ۳۵ = پیمانه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷ و غیره = همسایه  
 ۶- شرح مسرت = از؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۳، ۲۸، ۳۵ و غیره = در  
 ۷- ن ۹ = مسیحا چو یک؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = مسیحا<sup>(۷)</sup>ست یک  
 ۸- ن ۱، ۱۷۰ = حشم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۳۵ و غیره = علم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = خلد  
 ۹- ن ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، مسرت، فارغ، ۹ = کرد؛ همه نسخ کلیات = کرده  
 ۱۰- خلاصه = خلد؛ همه نسخ کلیات و قصاید = لطف  
 ۱۱- خلاصه = نگشته؛ دیگر نسخ مثل ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و غیره = نگشت  
 ۱۲- ن ۱، ۱۷ = یم به یم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ و غیره = نم به نم  
 ۱۳- ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = نقص؛ ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۱۷۰، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بغض  
 ۱۴- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = علم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = رقم؛ ن ۲۸ = قدم

هر شام که نه<sup>(۱)</sup> از اثر مهر خاوری  
 رنگِ بقم گرفته سپهر جفا رقم  
 چون سرکشی بحکم<sup>(۲)</sup> تو اندیشه کرده است  
 خروش فکنده بیم سنانِ تو در شکم  
 حفظِ تو گر ستون نشود، بر<sup>(۳)</sup> هم اوفتد  
 از تندبادِ حادثه این نیلگون خیم  
 شاها منم که درد و غم و غصه متصل  
 آیندم از قفا چو سپاه از پی علم  
 تا بر کنارِ خوانِ وجود است جای من  
 پرورده روزگار مرا از نعیم غم  
 هر جا غم است کرده به تحویل من، مگر<sup>(۴)</sup>  
 از بهر دیگران به من اکنون کند رقم  
 عرفی شکایتِ تو نهایت پذیر نیست  
 این قصه را بیا، به دعا ساز مُختم  
 تا خامه خیال که نقاشِ معنوی ست  
 مدحِ تو بر صحیفه هستی کند رقم  
 خصمت که هست صورتِ عصیان، همیشه باد  
 گریان و بیقرار و نگونسار چون قلم

### قصیده پنجاه و هفتم

#### قصیده در منقبتِ امیرالمومنین علی ابن ابی طالب

منادی است ز هر سو که ای خواص و عوام  
 می نشاطِ حلال و شرابِ غصه حرام

۱- ن ۹ = که؛ همه نسخ کلیات و قصاید = نه

۲- ن ۳۵ = بمهر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = بحکم

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۲۹ = از هم؛ ن ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۸، ۹، ۲۰ و غیره = بر هم

۴- ن ۲۹ = بلی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = مگر



فضای عالم هستی به<sup>(۱)</sup> غصّه تنگ آمد  
 مشایبه دل عاشق مثال چشم لیم  
 هوای روضه گیتی شکفته شد ز آن سان  
 که نوبهار خط گلرخان سیم اندام  
 قضا نهاده به کام زمانه معجونی  
 که بهر ساختن<sup>(۲)</sup> آن قدر گرفته بوم<sup>(۳)</sup>  
 بشاشت دل اطفال در شب نوروز  
 نشاط خاطر صایم<sup>(۴)</sup> به صبح عید صیام  
 هم<sup>(۵)</sup> از دریچه امکان نمود صورت امن  
 چنانکه عارض<sup>(۶)</sup> خورشید از شکاف غمام  
 هم از نتیجه افیون امن شاهد تیغ  
 نهاده پهلوی راحت به خوابگاه نیام  
 بگوش عارضه صوت عدم رسید<sup>(۷)</sup> از دهر  
 به چشم حادثه میل فنا<sup>(۸)</sup> کشید<sup>(۹)</sup> ایام  
 ز ائتلاف طبایع در آشیان<sup>(۱۰)</sup> وفاق<sup>(۱۱)</sup>  
 شود<sup>(۱۲)</sup> به طعمه شاهین بزرگ بچه حمام

- ۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = هستی ز غصّه؛ ن ۱۷ = هستی که عرصه؛ ن ۸ = به قصد؛ ن ۳۵، ۱ = هستی به قصه؛ ن ۳، ۵، ۲۴، ۱۷۰ = هستی به عرصه؛ ن ۲۸ = هستی به عرصه؛ ن ۲۹ = قدسی به عرصه  
 ۲- ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۳۵ = ساختنش؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ساختن  
 ۳- ن ۱، ۲، ۸، ۳۵، ۱۷۰ = قوام؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷ = بوم  
 ۴- قطب = پیران؛ همه نسخ کلیات و قصاید = صایم  
 ۵- ن ۲۸، شرح مسرت = سر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = هم  
 ۶- شرح مسرت = خاطر؛ همه نسخ کلیات و غیره = عارض  
 ۷- ن ۹ (پاورقی)، ۱۷ = رسد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = رسید  
 ۸- ن ۱۷ = قضا؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = فنا  
 ۹- ن ۹ (پاورقی)، ۱۷ = کشد؛ همه نسخ دیگر = کشید  
 ۱۰- ن ۸ = در آستان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = در آشیان؛ ن ۱۷ = ز اشتیاق  
 ۱۱- ن ۲۹ = وفاق؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = وفاق  
 ۱۲- کارنامه = بود؛ همه نسخ کلیات و غیره = شود

نیاید<sup>(۱)</sup> از دهنِ باز<sup>(۲)</sup> یک نفس بیرون  
 زبانِ کبکی<sup>(۳)</sup> طمع لباس<sup>(۴)</sup> طرفه خرام؟  
 زمانه در کنف عافیت قرار گرفت  
 چنانکه در دلِ عاشق نگارِ سیم اندام  
 ز غایتِ شفقت تیز<sup>(۵)</sup> می‌کند ناخن  
 بعزمِ خارش اعضای آهوان ضرغام  
 ز پنجه<sup>(۶)</sup> شانه کند گرگ تا کند هموار  
 چو موی کج شود از باد بر تنِ اغنام<sup>(۷)</sup>  
 دراز شد سخنم، مختصر کنم تقریر  
 زمانه را بکف، عدل شاه داده زمام  
 شو سریر امامت،<sup>(۸)</sup> وصی پیغمبر  
 که ذاتِ عصمتِ او هست مرکزِ اسلام<sup>(۹)</sup>  
 ز<sup>(۱۰)</sup> بانگی هیبت و از نعرهٔ صلابت اوست  
 فلک فکنده عنان و صبا<sup>(۱۱)</sup> گسسته لجام

۱- ن ۱۷، ۲۹، ۱۷۰ = نیامد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = نیاید

۲- ن ۱ = نفس ما؛ ن ۳۵ = دهن آز؛ ن ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دهن باز

۳- ن ۱، ۵ (اصل) = طبع؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (درست شده)، ۸، ۹ و غیره همه نسخ دیگر = کبک

۴- مسرت = لباس و طرفه؛ دیگر همه نسخ = لباس طرفه

۵- ن ۳۵ = تیشه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ و غیره = تیز

۶- ن ۹، ۲۰ = ز پنجه شانهٔ گرگان همی شود دشوار؛ ن ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ز پنجه شانهٔ گرگان همی شود هموار؛ ن ۲۹ = ز پنجه شانهٔ گرگ در تا شود هموار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷ = ز پنجه شانه کند گرگ تا شود هموار (در ن ۲۸، ۱۷۰ این بیت نیافته شد)

۷- ن ۱۷ = اغنام؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = اغنام

۸- ن ۸ = اقامت و وحی پیغمبر؛ ن ۱۷ = ولایت علی ولی الله؛ ن ۱، ۵، ۸ = امامت وحی پیغمبر

۹- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته - (در همه نسخه‌های مطبوعه و هم در شرح‌های قصاید از خان‌آرزو و عبدالمجیدخان این قصیده در مدح اکبر بادشاه ذکر شد ولی در کارنامه فیض قصیده در مدح شاه ولایت گفته شده)

۱۰- ن ۳ = گرفته عصمت و؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = ز بنگ هیبت و

۱۱- ن ۱۷ = زمین کشیده لگام؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۱۷۰ = صبا گسسته لگام آن ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۳۵، مسرت، ۲، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۲۸ = صبا گسسته لجام

نـمازِ شـام نـه از پـرتوِ لوامـعِ مـهر  
 بـرنـگِ لـاله بـود ذیـلِ چـرخ ازرق فـام  
 بـه جـرم آن کـه بـرایـش <sup>(۱)</sup> سـرِ مـعارضـه دـاشت  
 قـضا بـریـده سـرِ آفتـاب بـر لبِ بـام  
 بـه رـسمِ عـبـرتـش اـکـنـون سـپـهـرگـردانـد  
 بـگـردِ خـطـةِ عـالم بـه نـیزه بـهـرام  
 از آن زـمـان کـه سـراپـرده مـعانی او  
 وراي مـنـظر کـون و مـکان گـرفته <sup>(۲)</sup> مـقام  
 بـه روى بـستـرِ لـیل و نـهار مـی غـلطـد  
 فـلـک ز رنجِ حـسد <sup>(۳)</sup> چـون مـریضِ بـی آرام  
 و گـر چـنانکـه حـدیثـم نـمی کـنی باور  
 دلیـل قـاطـع <sup>(۴)</sup> ایـنک کـبـودـی انـدام <sup>(۵)</sup>  
 چـه سـود <sup>(۶)</sup> پـوشـد <sup>(۷)</sup> اگـر دـشـمنـش زـره، کـز <sup>(۸)</sup> بـیم  
 نـمی کـند بـه بـدن مـرغِ رـوح وی آرام  
 چـو <sup>(۹)</sup> مـنـع طـایـر آبـی نـماید <sup>(۱۰)</sup> از طـیران  
 بـروى آب ز مـوج افـکـند صـبا گـر <sup>(۱۱)</sup> دـام

۱- ن ۳ = ز آتش ؛ ن ۲، ۴، ۱۷، ۲۹ = به رایت ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = رایش

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، رحیم = گرفت آرام ؛ ن ۱۷۰ = گرفته قیام ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، شرح منیر و غیره = گرفته مقام

۳- ن ۲۹ = نحن ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = حسد

۴- ن ۹، ۴ (یا ورق)، ۱۷، ۱۷۰، ۲۹ = قاطع ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = قاطع

۵- ن ۴، ۲۸، ۳۵ = ایام ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = اندام

۶- ن ۳۵ = حسود ؛ همه نسخه های دیگر = چه سود

۷- ن ۲۸ = بوسد ؛ همه نسخ دیگر = پوشد

۸- ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = از ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸ = کز

۹- ن ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰ = چه ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = چو

۱۰- ن ۲۸ = نمائد ؛ همه نسخه های دیگر = نماید

۱۱- ن ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = گر ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = صد

دمی که موسی تیغش چو پنجه خورشید

برون کند ید بیضا ز آستین لیام<sup>(۱)</sup>

عدوی بی‌بصر<sup>(۲)</sup> از تاب طلعتش گیرد

مثالی شب‌پره در ظلمتِ عدم آرام

کشد زبانه ز کام حسامش آتش کین

چنانکه صاعقه بیرون جهد ز کام غمام

ز تاب شعله تیغت سزد که دانه صفت

ز سطح تابه افلاک بر جهند<sup>(۳)</sup> اجرام

بتازه<sup>(۴)</sup> می‌کنم انشا گهرفشان نظمی

که داده عکسِ سوادش ضیا به ما تمام

زهی رمیده مرا آهوی وصال از دام

چنانکه از نظرم خواب و از دلم آرام

به سوی او نفرستم پیام از آن ترسم

که بر حکایتِ ما مطلع شود پیغام

بگاوِ عربده دشنام چون دهد، سوزم

که ناگه<sup>(۵)</sup> از لب او لذتی برد دشنام

چه نازکیست که بینم به گاو<sup>(۶)</sup> جلوه قدش

گرانگی<sup>(۷)</sup> نظرم باز داردش ز خرام

۱- اشعار ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ یافته شدند.

۲- ن ۵ = بی‌بصر؛ ن ۱ = بی‌صبر؟؛ ن ۸، ۳۵ = بی‌سپر

۳- ن ۱ = جهد احرام؛ ن ۵، ۸، ۳۵ = جهند احرام

۴- ن ۲، ۳، ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۳۵ = بتازه می‌کنم انشا گهر فشانی نظم؛ ن ۱، ۵، ۸ = دبیر خامه انشا نموده نظمیی باز

۵- ن ۹ = مباد از لب او؛ ن ۹ (پاورق) = که بیشک از لب او؛ ن ۱ = که ناگه از بر او؛ ن ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = که ناگه از لب او؛ ن ۱۷۰ = که ناگه لذتی از لب او برد؟

۶- ن ۱۷۰، ۹، ۵، ۳۵ = بگاه جلوه قدش؛ ن ۱ = چو جلوه گاه قدش؛ ن ۴، ۱۷ = چو گاه جلوه قدش؛ ن ۳، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، کارنامه، رحیم = بگاه جلوه قدش

۷- ن ۸ = گرامی؛ همه نسخ دیگر = گرانی

ز اضطرابِ دلم پای هوش<sup>(۱)</sup> می‌لفزد<sup>(۲)</sup>  
 چو می‌رسد به خیال آن نگار<sup>(۳)</sup> سیم اندام  
 به نیم جرعه چه<sup>(۴)</sup> شور است در دلم گویا<sup>(۵)</sup>  
 کزان لب نمکین رشحه‌ای فتاده به جام  
 به دور<sup>(۶)</sup> حسرت<sup>(۷)</sup> او جام زهر می‌نوشم  
 گه از نصیحتِ خالص و گه از ملامت<sup>(۸)</sup> عام  
 ز ذوقِ کشتنِ عرفی به حیرتم<sup>(۹)</sup> که چرا  
 چو کینه در دل بی مهر او گرفته مقام  
 ز تازیانه جودش سمند صبر<sup>(۱۰)</sup> من است  
 عنان فکنده چو فرمان شهریار انام  
 زهی وجود سخاوت مشخص از کف تو  
 چنان که ذات به صورت، چنانکه شخص بنام  
 بود برات عطایت به دست هر فردی<sup>(۱۱)</sup>  
 چو نامه‌های عمل در حساب‌گاه قیام  
 فشرده ذوقِ سخا در دل تو پا محکم  
 چو استقامت زر در خزینه‌های<sup>(۱۲)</sup> لثام

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = شوق؛ ن (حاشیه)، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = هوش

۲- ن ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۹، ۳۵ = می‌لفزد؛ ن ۱، ۵، ۲۸ = می‌لرزد

۳- ن ۱۷، ۱۷۰ = نگار؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = نهال

۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = به نیم جرعه شور است؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = به نیم جرعه چه شور است

۵- ن ۲۹، ۲۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۰، ۹ (حاشیه)، ۸، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۹ (پاورق) = گویا؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گوئی

۶- ن ۱، ۵، ۳۵ = به بزم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ و غیره = بدور

۷- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = حسرت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = حیرت

۸- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹ = نصیحت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = ملامت

۹- ن ۳، ۴، ۲۸، ۲۹ = به غیرتم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۵ و غیره = بحیرتم

۱۰- ن ۱۷ = صبر نیست؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = تن است؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = من است

۱۱- ن ۲۹ = مردی؛ همه نسخ دیگر = فردی

۱۲- ن ۹ (پاورق)، ۵، ۱ = خزانه‌های؛ ن ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵ = خزینه‌های

به عهدِ عدلِ تو شاید که توامان نشوند  
صمیمیه و صبیی اندر مشیمه ارحام  
بنای دولِتِ خصمِ تو سست و <sup>(۱)</sup> بی بنیاد  
چو دوستیِ هوسناک و اعتقادِ عوام  
دوامِ جاوِ تو آن عالمی که <sup>(۲)</sup> روزش را  
ذخیره ابد آید به یک دقیقه تمام  
درون مطبخِ جاوِ تو مهر و ماه بود  
دو قرص نان، یکی پخته است و دیگر خام  
زبانِ حادثه را <sup>(۳)</sup> کی قضا تواند بست  
اگر به <sup>(۴)</sup> حُجَّتِ تیغِ تو ندهدش <sup>(۵)</sup> الزام  
ز زخمِ نشترِ فِضادِ انتقامِ تو شد  
درونِ حادثه پُر خون چو شیشه حِجّام  
حروفِ قدرِ ترا صورتِ فلکِ جزمی است <sup>(۶)</sup>  
که عکسِ <sup>(۷)</sup> قاعده پایین فتاده در <sup>(۸)</sup> ارقام  
بعهدِ عدلِ تو کز کحلِ جزم <sup>(۹)</sup> همچو غزال  
به خونِ گرگ سسیاه است دیده اغنام

- ۱- ن ۳۳، ۲۴، ۱۸، ۲۹، رحیم، ۲۰ = هست بی بنیاد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۳۵ = سست و بی بنیاد  
۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱ = عالمی که دورش را؛ ن ۲۹ = آن روشنی که عالم را؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷۰ = عالمی که روزش را؛ ن ۳۵ = عالمی که زورش را  
۳- ن ۹، ۳۳، ۱۸ = تاکی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = راکی  
۴- ن ۱، ۸، ۳۵ = نه حُجَّت؛ ن ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = به حُجَّت  
۵- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = ندهدش؛ ن ۸، ۳۵ = بدهدش  
۶- ن ۱۷ = صغریست؛ ن ۵، ۸، ۳۵، ۹ = جزمیست؛ ن ۱۸، ۲۰، ۴، ۲۴، ۳۳ = جزمیست؛ ن ۲۸ = حرمست؟؛ ن ۲۹ = حرفیست  
۷- قطب، منیر = به عکس؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = غیره = عکس  
۸- ن ۸، ۳۵ = از؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = در  
۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، کارنامه، قطب = جزم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = جزم؛ ن ۴ = حیر؛ عجیب و غریب = جزم؛ مسرت = حیر؛ ن ۲۹ = خز؟؛ ن ۳۵ = حرم؟

خلاف قاعده صیادپیشگان شاید

که پرورند به آهنگِ صیدِ باز حمام

شها، به بزمِ تو چون این قصیده بر خوانم

که ملکِ نظم ز فیضش گرفته است نظام

سزد به جایزه با جیب<sup>(۱)</sup> پُرگهر گردون

بدوش افکند این جامه زمرّد فام

همیشه تا زدم عنکبوت پرده صبح

بود لعابِ لوامع تنیده بر ایّام

به جای شربتِ مقصود خصمِ جاءِ ترا

لعابِ افمی تیغِ تو باد اندر کام

### قصیده پنجاه و هشتم تفاخر شاعرانه

ای طعن <sup>(۲)</sup> فلک نوشته بر سُم <sup>(۳)</sup>	وی زلفِ صبا بُریده از <sup>(۴)</sup> دَم
ای در بر <sup>(۵)</sup> توسنِ فلک شوخ	زان گونه که شعله <sup>(۶)</sup> پیشِ هیزم

بهار عجم: اشعار ۱، ۴

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = جیب پُرگهر گردون؛ ن ۲۸، (حاشیه) = با جیب پروریم که چرخ؛ ن ۵، ۸، ۳۵ =

پرورم کز چرخ

۲- ن ۲۸ = ای فلک هجو؟؛ شرح قطب = طعن نیز صحن؛ ن ۱۹، بهار عجم، عجیب و غریب = این هجو فلک؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ و غیره = ای طعن فلک

۳- ن ۲۸ = نوشته در دم؛ ن ۱۹ = نوشته بر هم؛ همه نسخ مثل ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵، شرح مسرت، رحیم، قطب، منیر، عجیب و غریب = نوشته بر سُم؛ (در شرح قطب "از" بجای "بر" هم است)

۴- ن ۲۸ = در هم؛ ن ۴، ۱۷، ۱۹، ۱۷۰ = در دُم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = از دم

۵- (۱، اصل) = بر در؛ همه نسخ دیگر بشمول (اصلاح) = در بر

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ (همه نسخ چاپی) = پیش شعله هیزم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و شرح های مختلف = شعله پیش هیزم

کش خنده نزیاید<sup>(۱)</sup> از تبسم  
 زان گونه که نشکنی<sup>(۳)</sup> تکلم  
 هر نقطه ز نوکِ نیش کژدم  
 سیمرخ<sup>(۵)</sup> وجودِ خویش را گم  
 چون وقتِ روشِ علم کنی دم  
 رانددت<sup>(۶)</sup> به مسالکِ تعلم  
 آخر چمنِ بهشتِ هشتم  
 جامی<sup>(۸)</sup> تهی از شرابِ صد خم  
 دریایِ معانی از تلاطم  
 صد فوجِ معانی از تصادم  
 طوبی طلبدِ رواج<sup>(۱۰)</sup> هیزم  
 رایش ز بیاضِ صبحِ قاقم  
 انگورِ بپرورد به طارم

هر غنچه سبک روی بداندسان  
 تازی<sup>(۲)</sup> به لبِ فسانه‌پرداز  
 از گامِ شمرده خطِ نگاری  
 گرد<sup>(۴)</sup> از تو شتابِ وام از آن کرد  
 هشتمِ فلکی و ذو ذو آ به  
 ز آن راست روی که طبعِ عرفی  
 اولِ قدمِ ریاضِ طبعش  
 بی‌فیض<sup>(۷)</sup> قبولش آسمان بود  
 نشست<sup>(۹)</sup> مگر بوقتِ خوابش  
 درهم شکند بگاو حمله  
 چون آتشِ طبعِ برافروزد  
 در ایره<sup>(۱۱)</sup> اطلسِ فلکِ دوخت  
 رضوان<sup>(۱۲)</sup> ز پی شرابِ بزمش

- ۱- ن ۱۷، ۲۸ = برآید؛ ن ۹ (پاورق)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = فزاید؛ ن ۲۹، ۳۵، ۸، ۴، ۳، ۹، شرح منیر، رحیم، کارنامه، قطب، مسرت = نزیاید
- ۲- ن ۵، ۹، شرح منیر، ۱۷۰، ۲۸ = نازی بلب؛ ن ۸ = باری بلب؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹ = تازی بلب؛ ن ۳ = تازی ز لب؛ ن ۳۵ = ماری ز لب؟
- ۳- ن ۱۷، ۲۸ = بشکنی؛ ن ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = نشکنی
- ۴- شرح قطب = گرد از تو شهاب یافت ازان کرد؛ ن ۲۹ = آموخت شتاب تو ازان کرد؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰ = کرد از تو شتاب دام ازان کرد؛ ن ۹ = کرد از تو شتاب دام وزان کرد
- ۵- شرح کارنامه = عنقای؛ همه نسخ دیگر = سیمرخ
- ۶- ن ۴، ۲۸، رحیم = راند؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = رانددت
- ۷- ن ۴، ۲۸، ۱، ۵، ۲۹ = بی‌فیض فنونش؛ ن ۸، ۳۵ = بی‌فیض فنونش؛ ن ۲۰ = بی‌فیض قبولش؛ ن ۹ = بی‌فیض قبولش
- ۸- ن ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = بی‌فیض قبولش؛ ن ۴ = بی‌فیض فنونش؛ ن ۱۷ = بی‌فیض و قبولش
- ۹- ن ۴ = جام؛ همه نسخه‌های دیگر = جامی
- ۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = بنشست؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = نشست
- ۱۱- ن ۹ = بجای؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = رواج
- ۱۲- ن ۱ (حاشیه)، رحیم = پرده؛ همه نسخ دیگر = ایره
- ۱۳- شرح عجیب و غریب = دوران؛ همه نسخ کلیات و غیره = رضوان



از آبِ سخاش خوشه برداشت	نوکِ مژه چون درخت <sup>(۱)</sup> گندم
برخاکِ در طبیعت او	دریای محیط در تیمم <sup>(۲)</sup>
گردون به نظاره ضمیرش <sup>(۳)</sup>	یک دیده <sup>(۴)</sup> و آفتاب مردم
عرفی به مدیح خود شتابی <sup>(۵)</sup>	هشدار، مباد ره کنی گم
دادِ صفت <sup>(۶)</sup> بده که مردند	معنی و عبارت از تظلم
هان شرم مکن، ثنای خود گوی	گو، باش حسود در تبسم
شایسته تویی به مدح امروز	ای خاکِ هجا به فرقِ مردم

### قصیده پنجاه و نهم<sup>(۷)</sup>

#### قصیده در مدح مخدومی که اسمش ظاهر نمی باشد

مطلع دیوانِ معنی بر زبان آورده ام  
 عقلِ اوّل بر<sup>(۸)</sup> اثر تحسین فشان آورده ام  
 از نهالِ دل به ناخن کاری<sup>(۹)</sup> بادِ مسیح  
 یاسمن را در لباس ارغوان آورده ام  
 نغمه نو هر نفس می زاید از دستانِ طبع  
 بلبلِ پُر بیضه ای در<sup>(۱۰)</sup> آشیان آورده ام

- 
- ۱- شرح قطب، عجیب و غریب = سنان گندم ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و غیره همه نسخ کلیات = درخت گندم  
 ۲- ن ۲۸، ۳۱ = تبسم ؛ ن ۴، ۵، ۸، ۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = تیمم  
 ۳- ن ۹ = ضمیری ؛ ن ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ و غیره = ضمیرش  
 ۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = یک دیده و آفتاب ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، شرح مسرت = یک دیده آفتاب ؛ شرح قطب = یک دیده ز آفتاب  
 ۵- ن ۱۷، ۳۵ = ستابی ؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = شتابی  
 ۶- ن ۹، شرح عجیب و غریب = سخت ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = صفتی ؛ ن ۳، ۱۷۰، ۲۰، ۱۸، ۲۴ = ضعت ؛ ن ۲۸ = صفت  
 ۷- این یکی از قصاید نارد عرفیست و تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۴۲ و ۱۷۲ یافته شد.  
 ۸- ن ۲۱ [را] براین ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ بر اثر  
 ۹- ن ۲۱ = گیری ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = کاری  
 ۱۰- ن ۱۷ = در ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = با

تنگ دستی‌های طبعم گنج ریزِ معنی است  
 چشمه مهتاب از باغِ کستان آورده‌ام  
 تشنه لب می‌آیم از خُم‌خانه معنی ولی<sup>(۱)</sup>  
 دامنی خمیازه را در<sup>(۲)</sup> می‌کشان آورده‌ام  
 زورقی افکنده‌ام<sup>(۳)</sup> در لَجَه طبعِ سلیم  
 کش ز نفسِ مطمئنَه بادبان آورده‌ام  
 بسکه فوجِ بوسه<sup>(۴)</sup> از هر سو فرستم حمله ریز  
 شاهدانِ ملک معنی را به جان آورده‌ام  
 هر بهشتی میوه کز باغِ طبیعت چیده‌ام  
 انوری را آبِ حسرت در دهان آورده‌ام  
 حاتم<sup>(۵)</sup> معنی منم، هان تنگ دستان را صلا  
 بر مرادِ خاطرِ درِوزه خوان آورده‌ام  
 نی غلط رفتم، دمِ انصاف بردارم<sup>(۶)</sup> نه لاف<sup>(۷)</sup>  
 انوری لعل و گهر، من بحر و کان آورده‌ام  
 از ته دریای معنی دُر و مرجان<sup>(۸)</sup> گنج گنج  
 بهرِ گوش و گردنِ روحانیان آورده‌ام  
 ور کسی گوید نیاوردی دُرِ یک دانه‌ای  
 گویم، اینک خویشان را بر کران آورده‌ام

۱- ن ۴۲ = ولیک؛ همه نسخ دیگر = ولی

۲- ن ۱۷ = از؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = در

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷۲ = افکنده‌ام؛ ن ۲۱، ۲۹، ۳۵ = آورده‌ام

۴- ن ۱۷، ۴۲ = فتنه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = بوسه

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = حاتم؛ ن ۱۷، ۲۱ = خاتم

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۴۲، ۱۷۲ = بردارم؛ ن ۳۵ = پردازم

۷- ن ۱، ۲۹، ۵۱، ۱۷۲ = ملاف؛ ن ۸، ۴۲ = نه لاف؛ ن ۲، ۱۷، ۲۱، ۳۵ = به لاف

۸- ن ۸، ۳۵ = گوهر؛ دیگر همه نسخ = مرجان

نغمه‌ها بر چیده‌ام از سینه مرغان دوست  
 از خموشی زار برگ<sup>(۱)</sup> داستان آورده‌ام  
 دامنِ سمع و بصر را مژده کز گلزارِ عشق  
 چشمِ گلریز و لبِ بلبل<sup>(۲)</sup> فشان آورده‌ام  
 ریشه دردی که لذت می دواند بر ثمر  
 از تو دل بر سر شاخِ زبان آورده‌ام  
 تحفه لب تشنگانِ معنی از باغِ درون  
 هر نفس صد چشمه رطب‌اللسان آورده‌ام  
 بهر آتش‌گاهِ عشق از تار و پودِ جان و تن  
 دامنِ خاشاک و مِث استخوان آورده‌ام  
 کرده‌ام رو در حریم کعبه از دیر مغان  
 آبروی سجده را از آستان<sup>(۳)</sup> آورده‌ام  
 کرده‌ام پژمردگی را خنده‌ای تسلیم<sup>(۴)</sup> ریز  
 نو بهارِ تازه روئی در خزان آورده‌ام<sup>(۵)</sup>

#### قصیده شصتم<sup>(۶)</sup>

#### تشبیب قصیده فخریه

گر چه از ارزش فزون افتاده<sup>(۷)</sup> یکتا گوهرم  
 تیغِ همتِ دستبازی می‌کند با گوهرم

۱- ن ۱۷ = ترک؛ همه نسخ دیگر = برگ

۲- ن ۲۱ = گوهر؛ همه نسخ دیگر = بلبل

۳- ن ۴۲ = آسمان؛ همه نسخ دیگر = آستان

۴- ن ۱۷ = تسنیم؛ ن ۱، ۲۵، ۴۲ = تسلیم

۵- این بیت تنها در نسخ ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۴۲ یافته شد.

۶- این چند اشعار فخریه تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۴۲، ۱۷۲ یافته شدند

۷- ن ۲۹ = افتاد؛ ن ۱، ۵، ۲۱، ۴۲، ۱۷۲ = افتاده

در نثار<sup>(۱)</sup> آفرینش دُر یکتایم، ولی

کس نمی‌گوید سفالم در میان یا گوهرم

آفتاب از تنگدستی رونمای وی<sup>(۲)</sup> دهد

گر به چشم معرفت بیند مسیحا گوهرم

شاید ار<sup>(۳)</sup> نام یلبیضا فراموشش شود<sup>(۴)</sup>

گر شعاعی افکند بر دستِ موسی گوهرم

میغ<sup>(۵)</sup> جیحون گریه‌ام یعنی سراسر ریزشم<sup>(۶)</sup>

تیغِ قدسی جوهرم، یعنی سراپا گوهرم

زان سبب آینه معنی به هر سو چیده‌ام<sup>(۷)</sup>

تا ز حُسنِ خود شود مستِ تماشا گوهرم

با شرابِ صبح دم هم‌رنگم، اما چشم‌ام

با سفالی آسمان هم‌دوشم، اما گوهرم

آفتاب اندوده بر پیشانیِ خود پرتوم

مشتی بر بسته بر طرفِ مصلی گوهرم

نقش‌بندِ صنع گیرد سایهٔ شخصم به دام

گر بچشمِ مردمان سازد<sup>(۸)</sup> مثنی گوهرم

هر سرِ مویم به والا گوهری خوشتن

می‌خورد سوگند هر ساعت که والا گوهرم<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۲۹، ۱۷، ۲۱، ۴۲ = نثار؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = ثنای

۲- ن ۲۱ = می‌دهد؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۴۲، ۱۷۲ = وی دهد

۳- ن ۱۷، ۲۹، ۱ = از؛ ن ۵، ۲۱، ۴۲، ۱۷۲ = ار

۴- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = کند؛ ن ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۴۲ = شود

۵- ن ۲۹ = میغ جیحون قطره؛ ن ۱، ۵ = میغ همچون قطره؛ ن ۲۱ = میغ جیحون گریه؛ ن ۱۷، ۴۲ = منع جیحون قطره؛ ن ۱۷۲ = منع همچون قطره

۶- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = ریزشم؛ ن ۲۱ = قطره‌ام؛ ن ۱۷، ۲۹، ۴۲ = گریه‌ام

۷- ن ۱، ۵، ۱۷۲، ۲۱ = چیده‌ام؛ ن ۱۷، ۲۹ = چشم‌ام

۸- ن ۱۷، ۲۱، ۲۹ = سازد مثنی؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = سازند معنی

۹- این بیت تنها در نسخ ۲۱، ۱۷، ۲۹ یافته شد.

در دو عالم قِیمَتِ من نیست، دور است این سخن  
ایستقدر گویم که این جا خاک و آنجا گوهرم

### قصیده شصت و یکم<sup>(۱)</sup>

#### قصیده ناتمام در مدح محمد بن اسماعیل

مثل زدند حکیمان<sup>(۲)</sup> بروزگارِ قدیم

که ناگزیر بود مر حکیم را ز کریم<sup>(۳)</sup>

من آن مثل را<sup>(۴)</sup> تسلیم کردم و گفتم

حکیم را ز کریم و کریم را ز حکیم

حکیم وار چو تسلیمِ من درست آمد

کریم وار ز من زین دین<sup>(۵)</sup> کنی تسلیم

که من مر<sup>(۶)</sup> او را مدّاحم او مرا ممدوح

فریضه بر من و بروی مدیح و برگ نعیم؟

مرا مشرّف دارد به خلعت و تشریف

چو آستانش ببوسم به حرمت و تعظیم

به زر و سیم خریدارِ شعر من باشد

که آرزو دارد دُرّج<sup>(۷)</sup> دُرّ پُر زر و سیم

۱- این قصیده تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ یافته شد.

۲- ۱، ۵، ۱۷۲ = بزرگان؛ ۱، ۲، ۷، ۸، ۱۷، ۲۱، ۳۵، ۴۲ = حکیمان

۳- ۵ = حکیم؛ همه نسخ دیگر = کریم

۴- ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۱۷۳ (نسخه کمال ادیب که برای نسخه ۲۱ مبنی است) = را؛ ۲۱ (نسخه نعیم الدین) = سر

۵- ۱۷ = سخن؛ ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = دین (بمعنی قرض)؛ ۱، ۵ = جهت؛ ۲ = وی؛ ۲۲ = و من؟

۶- ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = که من مر او را مداحم؛ ۲۲ = که من او را مداحم؛ ۲۱ = که من مراد رام مداحم

۷- ۲۲ = که آرزو دارد و صد قدح پُر از؛ ۲۱، ۱۷۳ = که آرزو درو دُرّج درو؛ ۱۷ = که آرزو دارد صد دُرّج دُرّ پُر؛ ۸، ۳۵، ۱۷۲ = که آرزو دارد دُرّج دُرّ پُر؛ ۲۹ = که آرزو دارد پُر؟

ثنای مجلس میمون او به هر محفل  
 ادا کنم بزیان فصیح و طبع سلیم  
 ازان که مهتر و مخدوم من، نکو داند  
 به نظم و نثر حدیث صحیح را ز سقیم  
 درون نفاق آهو شود چو خلق، ورا  
 صفت کنم بنویسم اگر به نفس نسیم  
 بروز و شب سه قلم گیر<sup>(۱)</sup> من که نقش کنند  
 سر مخاطبه آن کریم هفت اقلیم  
 امیر مفضل<sup>(۲)</sup> و مکرم جمال<sup>(۳)</sup> اهل قلم  
 سزای اهل سخا و عریض فضل عمیم  
 محمدابن سماعیل آن که یافت ز حق  
 جمال حسن سماعیل و خوی ابراهیم  
 وجود چون چه زمزم ز پای اسماعیل  
 پدید شد ز کفش بحر قلزم و زامیم<sup>(۴)</sup>  
 بجای دست سخا گستر و عطا ده او  
 سحاب سفله بود، کان بخیل و بحر لثیم  
 ز فضل صاحب عباد و جود حاتم طی  
 مثل زدند حکیمان هوشیار و<sup>(۵)</sup> فهیم  
 سزد که تا به تمامت مثل زنند به تو  
 روان حاتم طائی و روح فضل کریم<sup>(۶)</sup>

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۲، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = سه قلم گیر من که نقش کند؛ ن ۲۱، ۱۷۳ = سه قلم گیر من که نقش کنند؛ ن ۱۷، ۴۲ = سه اقلیم گیر نقش کند

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۴۲ = امیر مفضل مکرم؛ ن ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ = امیر مفضل و مکرم

۳- ن ۸، ۳۵ = کمال؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۴۲، ۱۷۲ = جمال

۴- سیم رود بزرگ و پهناور

۵- ن ۲۱ = هوشیار و فهیم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲ = هوشیار فهیم

۶- این شعر تنها در نسخه ۱۷ یافته شد.

فلک<sup>(۱)</sup> بود گره کار من که بگشاید

کس این گره نتواند گشود جز تسلیم<sup>(۲)</sup>

### قصیده شصت و دوم<sup>(۳)</sup>

#### تشبیب قصیده ناتمام

وقت آن شد که دگر بار سفر بر بندم

سعی را در طلبِ دوست کمر بر بندم<sup>(۴)</sup>

کو در کعبه ایمان که بصد سجده<sup>(۵)</sup> عجز

ذره خاک به آرایش سر بر بندم

عشق اگر در چمنِ قدس گشاید بالم<sup>(۶)</sup>

ابندی نامه پرواز به پر بر بندم

در طریقی سفرِ قدس بغیر از سوزن

هر چه اسبابِ مسیحا ست به خر<sup>(۷)</sup> بر بندم

کو برآرم به شهادت دو سه زخمی تا چند

نسبتِ زخم تو بر جان و جگر بر بندم

مستِ لذت نه چنانم ز دلِ ریش که من

زخم مرهم که گشوده ست، دگر بر بندم

همتِ ار<sup>(۸)</sup> دست نفس بازگشاید چه عجب

که به زنجیر دعا دستِ قدر بر بندم

۱- این شعر تنها در نسخه ۱۷ یافته شد.

۲- آهنگ این قصیده از سبک عرفی متشابه نیست و با آن که در ده نسخه ها یافته شد به نظر این گردآورنده این مال مشکوک است.

۳- این ابیات قصیده ناتمام تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۴۲، ۱۷۲ یافته شدند.

۴- این مطلع تنها در نسخه ۱۷، ۴۲ یافته شد.

۵- ن ۲ = عجز و نیاز ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۴۲، ۱۷۲ = سجده عجز

۶- ن ۴۲ = نالم ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = بالم

۷- ن ۴۲ بغیر از سوزن ؟ ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = به خر بر بندم

۸- ن ۱، ۴۲، ۲ = از ؛ ن ۵، ۱۷، ۱۷۲ = ار

خدمتِ سبحة جبریل چه شایسته برفت

که به زَنارِ مغان نیز کمر ببرندم

سبحة در دست و در صومعه باز، این چه ریاست

به<sup>(۱)</sup> که ناقوس بدست آرم و در ببرندم

من که میراث بر لَذتِ زهرم،<sup>(۲)</sup> نه رواست

که دروغی<sup>(۳)</sup> چو حلاوت به شکر ببرندم

### قصیده شصت و سوّم<sup>(۴)</sup>

قصیده ناتمام در نعت سید المرسلین صلی الله علیه وسلم

ای<sup>(۵)</sup> رازدارِ وحی که آرد ز احترام

روح الامینت از حرمِ ایزدی سلام

در عرش جلوه تو به نعلین جانش است

آمد برهنه پایی بر دانشت<sup>(۶)</sup> حرام

آید ز عرش نغمه<sup>(۷)</sup> لَبّیک تا ابد

گریک رهش به سهو برد مسند تو نام

عهد قدیم را به عدم دست می‌دهد

از شوقِ وصلِ شاهدِ عصرِ تو احتلام<sup>(۸)</sup>

۱- ن ۱، ۲، ۵ = که بناقوس ؛ ن ۱۷، ۴۲ = نه که ناقوس ؛ ن ۱۷۲ = به که ناقوس

۲- ن ۱۷۲ = لَذت زمزم برد است ؛ ن ۵ = لَذت زهرم برد است ؛ ن ۱ = لَذت زهرم برداشت ؛ ن ۲ = لَذت زهرم نه رواست ؛ ن ۴۲ = لَذت زهرم نه دواست

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷۲ = فروغی ؛ ن ۱۷، ۴۲ = دروغی

۴- این پاره قصیده تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۴۲، ۳۵، ۱۷۲ یافته شد. در نسخه‌های ۱، ۸، ۴۲، ۱۷۲ بطوری نوشته شده‌اند که می‌نماید که آخرین چهار اشعار (که در نسخه دهم هم یافته شدند) نظم دیگریست ولی در دیگر نسخه‌های این همه شانزده اشعار بطور یک منظومه نوشته شده‌اند.

۵- ن ۱ = از ؛ همه نسخه‌های دیگر = در

۶- ن ۲ = و برداشت احترام ؛ ۱، ۵، ۱۷۲ = برو آشت حرام ؛ ن ۴۲، ۳۵ = بردانشت ؛ ن ۲۹، ۲۱ = بردانشت حرام ؟

۷- ن ۳۵ = نعره ؛ همه نسخه‌های دیگر = نغمه

۸- ن ۵، ۲۹، ۲۱ = احتلام ؛ ن ۲ = استلام ؛ ن ۳۵ = احتلام ؛ ن ۱۷۲ = انثلام ؛ ن ۴۸ = انسلام ؟



از بس که هر طرف متحرک نگاشته  
 شاهین و باز در طیران کلکی<sup>(۱)</sup> خوشخرام؟  
 مردم به<sup>(۲)</sup> شوق آن که به صیدش کنند میل  
 روح ملک حلول کند در تن حمام  
 گرجاورد و زر و به مثل بهر زیتش  
 گیرند از ضیا و ستانند از ظلام  
 از نور و<sup>(۳)</sup> سایه شسته شود لوح کاینات  
 مانند هنوز حاشیه غرقه ناتمام  
 جبریل ازو<sup>(۴)</sup> بگاہ فرود آمدن رسید  
 در موضعی بطرح که آن عرش داشت نام  
 پرسید کین<sup>(۵)</sup> محل چه و این خود چه طرحهاست  
 گفتند روضه‌ای که تو هستیش مرغ بام  
 اول قضا نهاد اساسش<sup>(۶)</sup> درین محل  
 چون پست یافت گفت وی<sup>(۷)</sup> این هست ناتمام  
 این روضه کسی که بر آمیزد از غضب  
 گاه عتاب عنبر و کافور صبح و شام  
 دی که نظر شد آن صنم آفتاب نام<sup>(۸)</sup>  
 مشاطه زمانه بیاراست زلف شام

۱- ن ۲ = کبک؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۴۲، ۱۷۲، ۲۱ = کلک؛ ن ۱۷ = ؟

۲- ن ۲۹، ۸، ۴۲ = مردم ز شوق؛ ن ۲۱، ۱۷۳ = مردم به قصد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷ = مردم بشوق؛ ن ۱۷۲ = مردم بشوق

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲، ۲۱ = از نور و سایه؛ ن ۴۲ = از نور سایه

۴- ن ۱، ۵، ۴۲، ۱۷۲، ۲۹، ۲۱، ۱۷ = ازو؛ ن ۸، ۳۵ = ازان

۵- ن ۴۲، ۱ = این؛ همه نسخه‌های دیگر = کین

۶- ن ۴۲ = اساس؛ همه نسخه‌های دیگر = اساسش

۷- ن ۸، ۳۵ = گفت وی؛ ن ۲۱، ۲۹ = جای وی؛ ن ۱، ۵ = روی وی؛ ن ۱۷، ۴۲ = بهر وی؛ ن ۱۷۲ = ؟

۸- ن ۲۹ = روی؛ همه نسخه‌های دیگر = نام

صد عشوه می نمود دران زلف، گفتمی

کز دیده های حور سیاهی نمود وام<sup>(۱)</sup>

نی نی کدام زلف، به هر سو فگنده بود

دامی که طایرانِ هوس آورد به دام

با آنکه در شریعتِ اهلِ شعور نیست

مانند طایرانِ حرم صیدشان حرام

### قصیده شصت و چهارم<sup>(۲)</sup>

#### اسم ممدوح قصیده پیدا نیست

زهر را در جامِ هجران می کنم	درد را از درد درمان می کنم
حالتی دارم که بینم هر <sup>(۳)</sup> که را	دیده را خون ریز باران <sup>(۴)</sup> می کنم
آن طلبکارم که در راه طلب	پای را از دیده درمان می کنم
کرد ابراهیم قربان غیر و من	خویش را از خویش قربان می کنم
آسمان را غوطه در خون می دهم	دیده را هر که که درمان می کنم
بر کمان آهی که از دل می کشم	جان فزا چون بادِ بُستان می کنم
می کنم <sup>(۵)</sup> چون نارش <sup>(۶)</sup> از غیرت فرو	بر جگر شمشیر بُران می کنم
فارس میدانِ قُربم کز دعا	آسمان را گوی چوگان می کنم
تا به موسایی برافرازم علم	دست در چاکِ گریبان می کنم
از تعجب کاری عیسی طبع	مرگ را هم پیشه جان می کنم

۱- بطوری که نوشته شد، در چند نسخه ها این اشعار طوری نوشته شده اند که می نماید که این نظم دیگر است. بخیال این گردآورنده ممکن است که مطلع ثانی (شعر ۱۳) مطلع اول باشد و اشعار ۱۴، ۱۵، ۱۶ جزو تشبیب باشند و بعد آنها از مطلع اول (شعر ۱) اصل قصیده آغاز یابد - در نسخه دهم این چهار اشعار در بخش غزلیات یافته شدند.

۲- این اشعار تنها در نسخه های ۱، ۲، ۵، ۱۲، ۱۷۲ یافته شدند.

۳- ۵ = مرکرا؛ ن ۱، ۲، ۱۲ = هرکرا؛ ن ۱۷۲ = هر که را

۴- ن ۱، ۲، ۵ = پاران؛ ن ۱۷۲ = باران

۵- ن ۲، ۱۷۲ = بی فورم؛ ن ۱، ۵ = کنم

۶- ن ۲ = نازش؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = نارس

آن یـمـین الدوله ام کز روی مدح  
همچو مستان از نواهای سخن  
می زنم چون غوطه<sup>(۱)</sup> در بحر سخن  
گر چه جز خاکم چو دامن بهره نیست  
باغِ طبعم را که می گفتم<sup>(۲)</sup> خرد  
خار زاری شد که بهر پای فکر  
خاک را معراج کیوان می کنم  
نه فلک را پای کیوان می کنم  
آسمان را قعرِ عَمّان می کنم  
آسمان از گردِ دامن می کنم  
زیـنت و زیبِ گلستان می کنم  
موزه از آهن چو پیکان می کنم

### قصیده شصت و پنجم قصیده در نعت رسول اکرم<sup>(۳)</sup>

صبحدم چون در دمد دل صور شیون زای من  
آسمان صحن قیامت گردد از غوغای من  
گوشِ اهلِ آسمان و حلقه ماتم یکیست  
شیونم<sup>(۴)</sup> تا برکشد<sup>(۵)</sup> آهنگ هایای من  
مصر ویران کرد و رو در وادی ایمن نهاد  
روِ نـیل شوق یعنی گریه<sup>(۶)</sup> موسای من<sup>(۷)</sup>

بهارعجم: اشعار ۴، ۶، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱

- 
- ۱- ن ۲ = غوطه؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = کوره (بمعنی حمله)  
۲- ن ۲ = گفتش؛ ن ۱، ۵، ۱۲، ۱۷۲ = گفتم  
۳- این قصیده در زمین قصیده خاقانی که به مطلع زیر آغاز می شود گفته شد:  
صبحدم چو کله بند و آه دودآسای من  
چون شفق در خون نشیند چشم پیمای من  
ثنایی مشهدی و نفعی و غیره هم درین زمین قصاید گفتند که با مطلع های زیر آغاز می شوند:  
صبحدم طوفان کند چون چشم طوفان رای من  
ساغر خورشید گردد جام خون پیمای من (ثنایی)  
چون در آمیزد بناله آه آتش رای من  
آسمان گیرد کنار از گرمی غوغای من (نفعی)  
۴- ن ۲۹ = شیونی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = شیونم  
۵- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، کارنامه، ۱۷ = برکشید؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۳۵، مسرت = برکشد؛ ن ۲۹ = سرکند  
۶- ن ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = دیده؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱، کارنامه، قطب، مسرت = گریه  
۷- تا شعر پانزدهم در نسخ ۱، ۵، ۲ و غیره ترتیب اشعار اختلاف دارد.

زان دلِ شوریده را بر تارکِ خود<sup>(۱)</sup> می‌نهم  
 کاشیان<sup>(۲)</sup> مرغِ مجنون شد دلِ شیدای من  
 زان ملایک چون مگس جوشندم<sup>(۳)</sup> از هر سو که هست  
 چشمه لَذت گشا<sup>(۴)</sup> هر موی غم بالای من  
 کامِ جان را تازه کردی ای غمِ لَذت سرشت  
 نی، غلط گفتم، چه غم، ای من و ای سلوای من  
 در خممارِ احتیاجم<sup>(۵)</sup> زان که ایزد دور داشت  
 باده کامِ دوکون از جامِ استغنائی من  
 آسمان در یوزه<sup>(۶)</sup> کرد و آفتابش کرد نام  
 لعلی<sup>(۷)</sup> از آویزه گوش شبِ یلدای من  
 نیلگون گردید دوشِ آفتاب<sup>(۸)</sup> از تکیه‌ام  
 بسکه هر مو گشته کوهستانی از غمهای من  
 مَنّت<sup>(۹)</sup> باز یچه عیسی مکش بهر حیات  
 ارزش<sup>(۱۰)</sup> مردن بپُرس<sup>(۱۱)</sup> از نفسِ مرگ‌آرای من

۱- ن ۲۸ = دل؛ بهار عجم = سر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = خود

۲- ن ۴ = کاشیان؛ همه نسخ دیگر = کاشیان

۳- ن ۱۷۱، ۲، ۹، ۳، ۴، ۲۹، ۸، ۱۷۰، ۲۴ = جوشندم؛ ن ۵، ۳۵ = جوشند؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = جوشیدم

۴- ن ۲۹ = کجا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = گشا

۵- ن ۹ = انتظارم؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ و غیره = احتیاجم

۶- ن ۲۸، رحیم = درویزه؛ همه نسخه‌های دیگر = دریوزه

۷- ن ۶ = سلی؛ همه نسخ دیگر = لعلی

۸- شرح عجیب و غریب = آسمان؛ همه نسخ دیگر = آفتاب

۹- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = مَنّت از بازیچه؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = مَنّت بازیچه؛ ن ۱ = مَنّت از بازیچه

۱۰- ن ۱۷، ۵، ۸، ۳۵ = درگه مردن؛ ن ۲، ۳، ۲۹ = لَذت مردن؛ ن ۱، ۴، ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۹، ۲۰ و غیره = ارزش مردن؛

ن ۲۸ = از بس مردن

۱۱- ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۵ (حاشیه)، ۲۸، ۲۹ = بپُرس از؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = مترس ای؛ ن ۱۷۰ = بپُرس ای

خورده هر دم صد شکست از فوجِ قدس آشوبِ حسن<sup>(۱)</sup>  
 شوقِ بی هنگامِ ناز<sup>(۲)</sup> مست بی<sup>(۳)</sup> پروای من  
 من که مستی کردن از خونِ جگر دانسته‌ام<sup>(۴)</sup>  
 تنگ هوشم باد اگر جز خون بود صبه‌ای من  
 شاهدِ عصمت تلاشِ صحبت<sup>(۵)</sup> من کی کند  
 خونِ حیضِ دخترِ رز جوشد<sup>(۶)</sup> از لبهای من<sup>(۷)</sup>  
 من که از دل تا دماغم چیده خُم‌های شراب  
 کی شوم مخمور و کی خالی شود<sup>(۸)</sup> مینای من  
 مریم من فیضِ جبریل از مزاجِ خود گرفت  
 مریمی را برد بالا ذهنِ عیسی‌زای من<sup>(۹)</sup>  
 مـرحـبـا ای بـا دة کـیـفیتِ روح‌القدس  
 کامدی چون عشق و در رفتی به سر تا پای من  
 آن بهشتِ معنیم<sup>(۱۰)</sup> کز بعدِ معزولی هنوز  
 خدمتِ طوبی بود<sup>(۱۱)</sup> ننگِ چمن‌پیرای من

۱- ن ۱۷، ۲۸ = من؛ همه نسخ دیگر = حسن

۲- ن ۱، ۹، ۲۸، ۲۹ = یار؛ ن ۸، ۳۵، ۲۰ = ناز؛ ن ۲۴، ۳۳، ۱۸ = ناز

۳- ن ۱، ۳۵، ۲۸، ۱ = نا؛ ن ۲۹، ۹ = بی

۴- ن ۴ = آموخته؛ ن ۳۵ = آورده‌ام؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸ = آموختم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹ = دانسته‌ام

۵- ن ۹ = صحبتِ مراکی سزد؛ ن ۲، ۲۹ = صحبت من گر کند؛ ن ۸ = صحبت من می‌کند؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۹، ۳۳، ۱۷، ۱۷۱ = صحبت من کی کند

۶- ن ۴، ۲۸ = نوشد از؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵ = نوشد از؛ ن ۵، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، کارنامه، شرح مسرت = جوشد از؛ شرح قطب = ریزد از

۷- جواب شعر زیر خاقانی می‌نماید:  
 حیض بر حور و جنابت بر ملانک بسته‌ام

۸- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۹ = کی خالی شود؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = کی خالی بود؛ ن ۴ = خالی کی شود

۹- خاقانی گوید:  
 روزه کردم نذر چون مریم، که هم مریم صفاست

خاطر روح‌القدس پیوند عیسی‌زای من

۱۰- ن ۱ = بی غم؛ همه نسخ دیگر = معنی‌ام

۱۱- ن ۸ = کند پیک؛ ن ۳۵ = کند ننگ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = بود ننگ

من قیامت زارِ عشقم، دیده کو تا بنگرد  
 صد بهشت و دوزخ از هر گوشه صحرای من  
 نفخ صور آمد بجای لحنِ داوود<sup>(۱)</sup> و هنوز  
 رقصِ معنی می‌کند طبع سهی بالای من  
 من مطیعِ ملکی استغنا، ولی<sup>(۲)</sup> رانند<sup>(۳)</sup> حکم  
 دودمان‌های هوس در ملکِ استغنا من  
 دامنم تر کرده طوفانی که در معنی یکیست  
 موج دریا و موجِ حُلّه خارای من  
 نور و ظلمت را بود یک پایه<sup>(۴)</sup> در تابندگی<sup>(۵)</sup>  
 آن ز<sup>(۶)</sup> روی آفتاب و این یک از سیمای من  
 بسکه در معنی به طفلی باز می‌گردم، ملک<sup>(۷)</sup>  
 در حسابِ دی شمارد غفلتِ فردای من  
 آیت لا تقنطوا من رحمة الله شد گره  
 بر زبان جبرئیل از شرمِ عصیان‌های من  
 معنی پنهانِ من آرایش بیت‌الله است  
 گوشیه دیر باشد صورتِ پیدای من  
 لوحِ دل نقشِ صمد<sup>(۸)</sup> دارد، چه غم کاستادِ چین<sup>(۹)</sup>  
 بافت<sup>(۱۰)</sup> تمثالِ صنم بر شقّه دیبای من

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = لحن داوودی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = لحن داوود

۲- شرح عجیب و غریب = کجا؛ همه نسخ کلیات و مجموعه‌های قصاید و ولی

۳- ۲۸ = دانند؛ ن ۳ = رانید؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = رانند

۴- ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = مایه؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = پایه

۵- ن ۲ = تابندگی؛ همه نسخ دیگر بشمول ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = تابندگی

۶- کارنامه = آن یکی از آفتاب و این یک از سیمای من؛ ن ۲۹ = این ز روی آفتاب و آن یک از سیمای من؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = کارنامه، مسرت = آن ز روی آفتاب و این یک از سیمای من

۷- ن ۲، ۲۹ = خرد؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = ملک

۸- ن ۳۵ = صنم؛ ن ۲۸ = احمد (احد؟)؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ و غیره = صمد

۹- ن ۱۷، ۲۹ = حسن؛ همه نسخ دیگر بشمول ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ و غیره = چین

۱۰- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = یافت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ و غیره = بافت

بال<sup>(۱)</sup> طاووس از گلاب و عودِ رضوان پرورد  
تا بسازد<sup>(۲)</sup> مروحه در موسم گرمای من  
اصلی من از دودمانِ نوعِ انسانی مجوی  
حورِ غم،<sup>(۳)</sup> رضوانِ درد است آدم و حوای من  
جوهرِ اوّل که فرزندم ز بیباکی نوشت  
آن زمان<sup>(۴)</sup> سنجد عیارِ گوهرِ یکتای من  
کز<sup>(۵)</sup> جهان در یثرب آرم<sup>(۶)</sup> روی و در گوش آیدش<sup>(۷)</sup>  
مُرحبا یا اُمّتی، از مرقِدِ مولای من  
گرگزیند سرمه جُز<sup>(۸)</sup> خاکی درش، مژگان چو باز  
چنگل اندازد به زاغ دیده بیتی من  
شقّه دیبای جاهش گفت محسود<sup>(۹)</sup> که ام؟  
آسمان گفتا "طراز حُلّه خضرای<sup>(۱۰)</sup> من"  
موجه دریای طبعش بانگی کوثر کرد و گفت  
تشنه منشین، ای فدای زاده دریای من  
در دم<sup>(۱۱)</sup> اندیشه قدر تو بشکافد ز بیم  
حُلّه‌های علم بر دوشِ دلی دانای من

۱- ن ۱۷ = پای؛ همه نسخه‌های دیگر = بال

۲- بهار عجم = نماید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۳۳، ۳۵ و غیره = بسازد

۳- ن ۸ = ۳۵ = قدسم و رضوان در دست؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = حور غم رضوان در دست

۴- ن ۲ = این زمان سنجد؛ ن ۲۸ = آن بسنجیدم؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۳۵، ۲۹ = آن زمان سنجد

۵- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = کز؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = کز

۶- ن ۸ = ۳۵ = آرد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = آرم

۷- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = آیدش؛ ن ۲، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = آیدم

۸- ن ۲، ۳۵، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = بر؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = جز

۹- ن ۲، ۸ = محصور کدام؟؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = محسود که ام؛ ن ۲۸ = محسود توام

۱۰- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = خانه خضرای من؛ ن ۳، ۵، ۱۷ = حُلّه خارای من؛ ن ۱، ۴، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = حُلّه خضرای من

۱۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = دمی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = دم

تا تو گشتی غایت<sup>(۱)</sup> چشم از ره نسبت گرفت  
 مردمک حکم سبل در دیده بینیای من  
 سایه من همچو من در ملک هستی امت<sup>(۲)</sup>  
 سایه تو در عدم پیغمبر همتای<sup>(۳)</sup> من  
 آسمان و حلاوت بر عالم فطرت محیط  
 تو امانت بر نیت پیکر جوزای من  
 دودمان عشق را از من گرامی تر نژاد<sup>(۴)</sup>  
 جوهر<sup>(۵)</sup> من کرد روشن گوهر<sup>(۶)</sup> آبای من  
 نازش سعدی به مشت<sup>(۷)</sup> خاک شیراز از چه بود  
 گر نبود آگه که گردد مولد و مأوی من  
 این کباب<sup>(۸)</sup> آتش جان و شراب درد دل  
 کش سخن نام است تاکی ریزد از لبهای من  
 من پریشان گوی و سهو اندیش و سودا هرزه دوست  
 من به سودا مانم و ماند به من سودای من

- 
- ۱- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۲۹ = غایت از چشم؛ بهار عجم = بابت چشم؛ ن ۲۰، ۳۰، ۱۷۱، ۲۴ = غایت چشم؛ ن ۱۸، ۳۳، ۱۷۰، ۹ = غایت چشم؛ ن ۴، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۳۵ = نانب چشم  
 ۲- ن ۱، ۲، ۵ (اصل)، ۲۹، ۱۷۰ = امتیست؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = امتت  
 ۳- ن ۱، ۲، ۵ = یکنای؛ ن ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، ۱۷۰ = همتای  
 ۴- ن ۲۹ = نبود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ و غیره = نژاد  
 ۵- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = گوهر من؛ ن ۲، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = جوهر  
 ۶- ن ۲، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = گوهر؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = جوهر  
 ۷- ن ۱۷ = بخاک ملک شیراز؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ = بمشت خاک شیراز؛ ن ۲۹، ۱۷۰ = به مشت خاک شیراز؛ ن ۲۸ = ز مشت خاک شیراز  
 ۸- ن ۸، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۳۱، ۳۳ = کتاب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۳۵ و غیره = کباب



## قصیده شصت و ششم

### قصیده عرفانی در حکمت و موعظت<sup>(۱)</sup>

عادتِ عشاق چیست؟ مجلسِ غم داشتن  
 حلقهٔ شیون<sup>(۲)</sup> زدن ماتم<sup>(۳)</sup> هم داشتن  
 تابه دل از اوج لب زهرِ الم ریختن  
 تا بلب از مغزِ دل چشمهٔ غم داشتن<sup>(۴)</sup>  
 بر سرِ<sup>(۵)</sup> عمان درد موجِ حلاوت زدن  
 بر درِ<sup>(۶)</sup> میدان دل فوجِ ستم داشتن  
 حمدِ غم و نعتِ درد بر لبِ دل دوختن  
 شهرِ دل و باغِ جان وقفِ الم<sup>(۷)</sup> داشتن  
 نغمهٔ داوود را از لبِ شیون زدن  
 آتشِ نمرود را باغِ ارم داشتن  
 با خطِ آزادگی بندگی آموختن  
 بادِ بی آرزو چشمِ کرم داشتن  
 از ابدی ذوقِ غم روی زیان<sup>(۸)</sup> تافتن<sup>(۹)</sup>  
 وز ازلی بیعِ دزد سود<sup>(۱۰)</sup> سلم داشتن

خلاصه: همه اشعار بجز ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۲، ۳۴؛ آتشکده: اشعار ۱؛ بهار عجم: اشعار ۱، ۲، ۹

- ۱- این قصیده در زمین قصیدهٔ خاقانی که با مطلع زیر آغاز می‌شود، گفته شد:  
 ناگذران دل است نوبت غم داشتن  
 حبصهٔ اعمال را داغ عدم داشتن
- ۲- آتشکده = ماتم؛ همه نسخ دیگر = شیون
- ۳- آتشکده = شیون؛ همه نسخ دیگر = ماتم
- ۴- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.
- ۵- شرح مسرت = لب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = سر
- ۶- شرح مسرت = سر؛ همه نسخ دیگر و خلاصه = در
- ۷- خلاصه = الم؛ همه نسخ کلیات و قصاید = ارم
- ۸- ن ۱، ۴، کارنامه، مسرت، ۲۸ = زیان؛ ن ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵ و غیره = زیان
- ۹- ن ۵، ۳۵ = یافتن؛ ن ۲۸، ۲۹ = یافتن؟؛ ن ۱، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، مسرت و غیره = تافتن
- ۱۰- ن ۱، ۵، ۳۵، ۲۸، ۲۹ = سود و سلم؛ ن ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = سود سلم

حُسْنِ عِبَادَاتِ را بُرَقِ نَسِیَانِ شَدَن<sup>(۱)</sup> .  
 زشَتِیِ اَعْمَالِ را لَوْحِ و قَلَمِ داشتَن  
 در تَوِ دَوِزَخِ ز شَوْقِ جُرْعَةُ کَوِثَرِ زَدَن  
 بَر لَبِ کَوِثَرِ ز شَرَمِ حَسَرَتِ نَم<sup>(۲)</sup> داشتَن<sup>(۳)</sup>  
 آيِنَةُ دِيْدِه را صَبِیْقِلِ حِیْرَتِ زَدَن  
 زَاوِيَةُ سَیْنِه را مَخْزَنِ<sup>(۴)</sup> غَمِ داشتَن  
 هَم ز غِبَارِ کَنْشَتِ عَطْرِ کَفْنِ ساختَن  
 هَم بَتَرَاوِیِ دِیْنِ<sup>(۵)</sup> سَنَگِ حَرَمِ داشتَن  
 در دَهْنِ<sup>(۶)</sup> بَخْتِ عِیْشِ نَاوِکِ لَا رِیْخْتَن<sup>(۷)</sup>  
 در کَمَرِ دَرِیْسِ عَشَقِ دَسْتِ نَعَمِ داشتَن  
 در جَگَرِ اَشْتَهَا آبِ هَوَسِ سَوِخْتَن  
 وَز اَثَرِ اَمْتَلَا دَرْدِ شُکَمِ داشتَن  
 تَابِه ثَرِیْ آبِ چَشَمِ از پِیِ هَم رِیْخْتَن  
 تَابِه فَلَکِ دَاغِ دِلِ بَرَسَرِ هَم داشتَن  
 مَسْتِیِ و دِیَوَانْگِیِ جَامِ مَسِیْحَا شُکَسْت  
 صَرْفِه دَرِیْنِ بَزْمِ نِیْسَتِ سَاغَرِ جَمِ داشتَن  
 دِیْنِ و دِلِ و عَمَرِ و جَانِ جَمْلِه بَه سِیْلَابِ دِه  
 دَشْمَنْ دَرَوِیْشِیِ اسْتِ خِیْلِ و حَشَمِ داشتَن

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه = شَدَن ؛ ن ۲۸، ۳ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، مَسَرَتِ، قَطْب، ۱۷۱ = زَدَن

۲- ن ۲، ۴، ۲۸ = نِم ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = نَم

۳- در نسخ ۵، ۸ مصرعۀ اولی این بیت مربوط به مصرعۀ ثانی بیت آینده هست - در نسخ ۲۹، ۳۵ بجای اشعار نهم و دهم فقط یک شعر با مصرعۀ اولی شعر نهم و مصرعۀ ثانی شعر دهم یافته شد - در نسخه نهم شعر نهم نیافته شد.

۴- ن ۲۹ = مَحْرَم ؛ همه نسخ دیگر = مَخْزَن

۵- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = دِیْر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دِیْن

۶- ن ۲، ۳، ۹، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = در دَهْنِ بَخْتِ عِیْش ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = در جَگَرِ بَخْتِ عِیْش

۷- قَطْب = دَوِخْتَن ؛ دیگر همه نسخ = رِیْخْتَن

خامه تراشی ستم، نامه خراشی<sup>(۱)</sup> گناه

ساده و بی زخم به لوح و قلم داشتن

شیب نگویم به طبع به ز شبابست، لیک

به زرعونت بود قامتِ خم داشتن

بهرِ نَعیمِ بهشت طاعتِ ایزد مکن

بر لب جیحون خطاست چشم به نم داشتن

با صنم آمیختن کفرِ ادب دان، ولی

شرط بود در میان فاصله کم داشتن

رهرویِ دیر<sup>(۲)</sup> عشق بر تو شمارم که چیست

گام به فرسخ زدن، پاس قدم داشتن

رو به قفا کن، بین عمرِ تلف کرده را

تا بتو روشن شود رو به عدم داشتن

چند به تزویر و فن پرده کشیدن به عیب

صورتِ مدح آمدن معنیِ ذم داشتن

عدل و کرم خسروست و رنه گدایی بود

بهر دو ویرانه ده طویل و علم داشتن

صرفه<sup>(۳)</sup> زبانم ببت و رنه به شه گفتمی

کز دلِ درویش پُرس ذوقِ ستم<sup>(۴)</sup> داشتن

دم مزین از جور<sup>(۵)</sup> چرخ زانکه نه آزادگیست

زو<sup>(۶)</sup> متأثر شدن بس گله هم داشتن

۱- ن ۲۸، ۹، ۱ = تراشی؛ ن ۱۹ = نویسی؛ ن ۲، ۶، ۸، ۵، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴ و غیره = خراشی؛ ن ۱۷ = نویسد

۲- ن ۱۸، ۹، ۶، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = راه؛ خلاصه = دهر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹ (پاورق)، ۱۷۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دیر

۳- ۱۷ = سرمه؛ همه نسخ دیگر بشمول ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = صرفه

۴- ن ۸، ۳۵ = کرم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹ و غیره = ستم

۵- ن ۸، ۳۳، ۳۵ = دور؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۰، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۹ = جور

۶- ن ۹ (پاورق) = زو متالم؛ ن ۶ = زان متأثر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زو متأثر

آدمیت نام و دیو بر تو حکومت کند  
وانگهت اندر سرت ملکی قدم داشتن<sup>(۱)</sup>  
این دو کثرت اساس بشکن و وانگه بین  
مالکی وحدت شدن ملکی قدم داشتن  
نسخه<sup>(۲)</sup> این باغ را زیر و زیر کن، بس<sup>(۳)</sup> است  
بر<sup>(۴)</sup> سرگل تا یکی منت شم<sup>(۵)</sup> داشتن  
مایه<sup>(۶)</sup> نازندگی از گهر خویش گیر  
تا به کی این عز و ناز از اب و عم داشتن  
مذهب عرفی بگیر، ملت قارون بهل  
گنج هنر ریختن به ز درم داشتن  
اوست مسیحای عهد<sup>(۷)</sup> لیک مسیحی<sup>(۸)</sup> که هست  
دون اثرهای او معجز دم داشتن  
تیغ زبانش فکند بر سر هم مهر و ماه  
شهرت او را حلال ملکی عجم داشتن  
پایه<sup>(۹)</sup> وصفش مجو از دل من کی توان  
در صدف قطره کی گوهر یم داشتن  
طی کنم این نامه را، گر نکنم چون کنم  
حوصله خامه نیست تاب رقم داشتن

۱- تنها در ن ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد.

۲- ن ۲۹ = غنچه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ و غیره = نسخه

۳- ن ۵، ۱، ۵ = بین ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵ = بس است ؛ ن ۲ = سبب

۴- ن ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = از ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بر

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = شم ؛ ن ۳، ۴ = ضم ؛ ن ؟ = ۲۸ = خم ؛ ن ۲۹، ۳۵ = رحم

۶- ن ۲۹ = بازندگی ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = نازندگی

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = عهد ؛ ن ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = وقت

۸- ن ۸، ۵، ۹، ۱۷۰، ۳۵ = مسیحی ؛ ن ۶، ۸، ۹، ۲۰ و غیره = مسیح

۹- ن ۸، ۳۵ = مایه ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = پایه (این بیت تنها درین پنج نسخ یافته شد)

## قصیده شصت و هفتم

قصیده در منقبت حضرت امیرالمومنین علی کرم الله وجهه<sup>(۱)</sup>نه شهید لطف کزان<sup>(۲)</sup> کام جان شود شیرین

نه وعده‌ای، که گلوی گمان شود شیرین

فغان ز<sup>(۳)</sup> زهر فروشنده غمزه‌ای<sup>(۴)</sup> کوراز جوش جان درو بام<sup>(۵)</sup> دکان شود شیرینکسی که از<sup>(۶)</sup> هوس نوشخند او میردبکام ما تمیانش فغان<sup>(۷)</sup> شود شیرین

دمی که شوق لب او دلم بجوش آرد

ز ناله‌ام دهان آسمان شود شیرین

ز بس<sup>(۸)</sup> که ذوق<sup>(۹)</sup> سرشتم، ز خون من دم قتل

دهان تیر و زبان سنان شود شیرین

ز بوس<sup>(۱۰)</sup> حور و ملک چون زبان<sup>(۱۱)</sup> شه‌آلود

خندنگ غمزه او در کمان شود شیرین

۱- مطابق عنوانی که در همه نسخ قصاید عرفی که در هند چاپ شدند مثل ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ و غیره و در شرح خان آرزو داده شده، این قصیده در نعت سید المرسلین هست و صاحب شرح عجیب و غریب آن را در مدح اکبر بادشاه نوشته ولی از شعر ۱۴ که تنها در یک نسخه یافته شد چنان می‌نماید که (اگر این بیت الحاقی نیست) این در منقبت حضرت علی سروده شده. غلام حسین جواهری هم این قصیده را در منقبت حضرت علی خیال می‌کند اگر چه در نسخه ۹ شعر ۱۴ موجود نیست.

۲- ن ۱۷، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = کزو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کزان

۳- ن ۳ = که؛ همه نسخ دیگر = ز

۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = غمزه‌اش کورا؛ ن ۹ = غمزه‌اش کز او؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، شرح آرزو، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = غمزه‌ای کورا

۵- ن ۱ = بام و دکان؛ همه نسخ دیگر = بام دکان

۶- شرح میرزا جان = در هوس؛ همه نسخه‌های دیگر = از هوس

۷- ن ۲۹ = دهان؛ همه نسخه‌های دیگر = فغان

۸- ن ۲ = دمی که؛ همه نسخ دیگر = ز بس که

۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شوق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ذوق

۱۰- ن ۱، ۵، ۳۵، ۸ = نوش خورد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = ز بوس حور و؛ ن ۲۸، ۲۴ = ز بوس خورد

۱۱- ن ۱، ۳، ۸، ۳۵ = چون زبان شه‌آلود؛ ن ۹ = چون دهان شه‌آلود؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = چون شود زبان

شیرین (در ن ۲۹ مصرعه اول شعر پنج به مصرعه دوم شعر ششم مربوط هست)

ز نَسَبِ لب و دندانِ او عجب نبود  
 که لعل و دُر به دلِ بحر و کان شود شیرین  
 بیا، به گریه تلخ بزن شکر خندی  
 که اشک بر مژه سیل<sup>(۱)</sup> ران شود شیرین  
 چنان خلد به رگ و ریشه ام شمایلِ تو<sup>(۲)</sup>  
 که مغز سوخته در استخوان شود شیرین  
 چو آشیانه زنبورِ شهد، روزِ وصال  
 ز نوشند توام خان و مان شود شیرین  
 به شهدِ جنت اگر خون بدل<sup>(۳)</sup> کنم، مشکل<sup>(۴)</sup>  
 که در مذاقِ تو نامهربان شود شیرین  
 چنین که شد لبم از زهرِ فتنه تلخ، مگر  
 ز مدحِ شاه<sup>(۵)</sup> زمین و زمان شود شیرین  
 شهی<sup>(۶)</sup> که گر بگشاید دهان درج آسا  
 لب عطارد گوهرفشان شود شیرین  
 چه شاه، آن که بود مرتضیٰ علی ولی  
 ز خاک پاش به فرقِ شهان شود شیرین<sup>(۷)</sup>  
 ز نوشداروی لطفِ عمیم او شاید  
 که زهر در دهن دشمنان شود شیرین

۱- ن ۲، ۹ (پاورق) = مژه سیل ازان؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مژه سیل ران؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = مژه سیل روان

۲- ن ۱ = او؛ همه نسخه‌های دیگر = تو

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = خون دل کنم؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، آرزو = خون بدل

۴- ن ۹، ۱۸ (حاشیه)، ۲۰، ۲۴، ۳۳ (حاشیه) = شاید؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۸، ۳۳، ۲۹، ۳۵، آرزو = مشکل

۵- ن ۲، ۹، ۲۹ = ز مدح شاه زمین و زمان؛ ن ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۱۷، ۲۸، ۲۰ = ز مدح داور سلطان نشان؛ ن ۱۸، ۲۴، ۳۳ = ز مدح داور سلطان لسان

۶- ن ۹ (پاورق) = تو آن شهی که ملک چون کنند ذکر ترا؛ ن ۲ = شهی که گر بگشاید زبان درج آثار؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، شرح آرزو = شهی که گر بگشاید دهان درج آسا؛ ن ۲۹ = شهی که گر بگشاید دهان درج آثار

۷- تنها در نسخه دوم یافته شد.

ز فیض<sup>(۱)</sup> ابر عطایش گلوی شاخ شجر  
 ز<sup>(۲)</sup> مایه ثمر اندر خزان شود شیرین  
 بر آستانه طبعش کسی که سجده کند  
 ز نور ناصیه اش آستان<sup>(۳)</sup> شود شیرین  
 چو بر بساط کلامش بتازد اندیشه  
 ز نعل توسن او تا عنان شود شیرین  
 زهی ستم شکنی کز حلاوت عدلت  
 دهان راحت کون و مکان شود شیرین  
 به عهد شاهد<sup>(۴)</sup> عدلت ز فرط آرایش  
 بچشم اهل تجرد جهان شود شیرین  
 ز کشت عیش تو گردانه چین شود، شاید<sup>(۵)</sup>  
 که بیضه در شکم ماکیان شود شیرین  
 ز امن عهد تو گردد فسانه گو شحنه  
 که خواب در نظر پاسبان شود شیرین  
 ز نور شمع جمالت<sup>(۶)</sup> که موم شهد بقاست  
 هوای انجمن لامکان شود شیرین  
 اگر نه مصدر ذات بود، چگونه قضا  
 لبش ز زمزمه کن فکان شود شیرین  
 زهی حلاوت نامت که وقت بیهوشی<sup>(۷)</sup>  
 چو در خیال در آید، زبان شود شیرین

۱- ن ۵ = ز ابر فیض ؛ همه نسخه های دیگر = ز فیض ابر

۲- ن ۲۸ = زمانه شهر ؛ ن ۴ = ز مایه شجر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = ز مایه ثمر

۳- ن ۳۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = آستان ؛ ن ۲۸، شرح قطب، رحیم = آسمان

۴- ن ۴، ۱۷، ۲۹، ۳۲ = ساعی ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = شاهی ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۴، عجیب و غریب، رحیم = شاید

۵- ن ۹ (پاورق) = زبید ؛ همه نسخه های کلیات و غیره = شاید

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = جمالت ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۴، ۱۷۱ = جلالت

۷- ن ۳، شرح آرزو = خاموشی ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۱۷۱ و غیره = بیهوشی

چو آسمان<sup>(۱)</sup> نگری از<sup>(۲)</sup> فلک بجوشد زهر  
 چو بر زمانه بخندی، زمان شود شیرین<sup>(۳)</sup>  
 عسارت چو در اندیشه دبیر آید  
 چو نیشکر قلمش در بُنان شود شیرین  
 شمایل تو چو در دل در آورد مادح<sup>(۴)</sup>  
 لباس بر بدنش چون بیان شود شیرین  
 ایا حمیده صفاتی که از ستایش<sup>(۵)</sup> تو  
 زبان<sup>(۶)</sup> عرفی حنظل<sup>(۷)</sup> فشان شود شیرین  
 منم که چون به تکلم طبر زد افشانم  
 دهان سامعه انس و جان شود شیرین  
 چو مشتری بسر افتد هوای نظم<sup>(۸)</sup> منش  
 عجب مدار گرش طیلان شود شیرین  
 اگر به گوهر منظوم نظم خود سنجم  
 ز چاشنی گره<sup>(۹)</sup> ریسمان شود شیرین

۱- شرح عجیب و غریب = بر سما؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۲۹، رحیم = آسمان

۲- ۲ = بر فلک؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ و غیره = از

۳- این بیت تنها در نسخه‌های چاپی مثل ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۷۱ و در دو نسخ خطی یعنی ۲، ۲۹ یافته شد. در دیگر اهم نسخه‌های خطی مثل ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و غیره موجود نیست.

۴- ۲۹ = مداح؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = مادح

۵- ن ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = ستایش تو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = ستایش او؛ ن ۲۹ = شمایل تو

۶- ۲۹ = دهان؛ دیگر همه نسخ = زبان

۷- ن ۲، ۲۹ = حنظل فشان؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = رطب اللسان

۸- ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۷۱ = طبع؛ ن ۲، ۳، ۴ (حاشیه)، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نظم

۹- ن ۱۷ = گهر و ریسمان؛ ن ۲۸ = گره ریسمان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، قطب، خان آرزو

= گهر ریسمان



چگونه شیرین نگردد ز شکر<sup>(۱)</sup> دوست لب

ز کلکِ من لب معنی چنان شود شیرین

بکامِ قافیه سنجان ز لذتِ سخنم

سزد که قافیه شایگان شود شیرین

بروح خسرو ازین قند<sup>(۲)</sup> پارسی دادم

که کامِ طوطی هندوستان شود شیرین

ز کفش داری شیراز کش منم اکلیل<sup>(۳)</sup>

کمال را به نظر اصفهان شود شیرین

چو در ستایش تیغت شود زبانم تیز

ز تیز کردن تیغت فسان شود شیرین

چنان به مدح تو داستان زنم که از لذت

بکامِ اهلِ حسد<sup>(۴)</sup> داستان شود شیرین

از آن حیاتِ ابد جویم از عنایت تو

که لب ز مدح<sup>(۵)</sup> توام جاودان شود شیرین

وجودِ خویش به جوزا بدل کنم، که مرا

ز مدحت تو<sup>(۶)</sup> دو کام و زبان شود شیرین

سخن دراز کشد آن<sup>(۷)</sup> قدر بگو عرفی

که کام مستمع از ذوقِ آن شود شیرین

۱- ن ۳، ۱۷ (حاشیه)، ۲۴، ۲۰، ۹، ۳۴ = شیرین گردد ز شکر لب دوست ؛ ن ۲۹ = شیرین گردد ز کام دوست کیم ؛ ن ۳۳، ۱۸ = شیر نگردد ز شکر لب دوست ؛ ن ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = شیرین گردد ز شکر دست لب ؛ ن ۱، ۴ = شیرین نگردد ز شکر دوست لب

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، رحیم = ازین فارسی شکر دادم ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = قند پارسی دادم  
۳- ن ۱، ۵ = الحاق ؛ ن ۸، ۳۵ = اکمل ؛ ن ۱۷ = خسرو ؛ ن ۳ = اینک ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۲۹، ۲۸ = اکلیل

۴- ن ۲۹ = چمن ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۴، ۲۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵ و غیره = حسد

۵- ن ۱۷ = نام ؛ همه نسخه های دیگر = مدح

۶- ن ۱۷ = تو چو ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = تو که ؛ ن ۵، ۹، ۲۹ = تو دو ؛ ن ۴، ۲ = تو و

۷- ن ۲۹ = این ؛ همه نسخ دیگر = آن

همیشه تا دهن<sup>(۱)</sup> گفتگوی اهلِ وفاق<sup>(۲)</sup>

ز نُقلِ زمزمه‌دوستان<sup>(۳)</sup> شود شیرین

حدیثِ تلخ<sup>(۴)</sup> دهانی به دشمنانِ توباد

حکایتی که ز نقلش دهان شود شیرین

### قصیده‌ شصت و هشتم

#### چیستان در وصف شمع و مدح اکبر شاه

چيست آن جوهرِ هدايت فن <sup>(۵)</sup>	آسمان مولد و زمين مسكن
شوخ <sup>(۶)</sup> آيينه روى روشن دل	رنك <sup>(۷)</sup> ژولیده موى تر دامن
سوزنش در حراستِ رشته	رشته‌اش در سياستِ سوزن
گردنش تا به فرق سيماب <sup>(۸)</sup> است	ساق <sup>(۹)</sup> سيم است پای تا گردن
چون عروسانِ هند در دم رقص	از خم <sup>(۱۰)</sup> گيسوش چكد روغن
چون زير <sup>(۱۱)</sup> قلب شاهدِ دنيا <sup>(۱۲)</sup>	چهره تاريك و برقش روشن

بهارعجم: شعر ۴۱

۱- شرح میرزاجان = تاکه لب؛ دیگر همه نسخه‌ها = تا دهن

۲- میرزاجان = نفاق؛ دیگر نسخه‌ها مثل ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = وفاق

۳- ۲۹ = داستان؛ همه نسخه‌های دیگر = دوستان

۴- ۲۹، ۴۹، ۹۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = تلخ دهانی؛ ۳۵ = تلخ زبانی به؛ ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸ = تلخ دهان سوز

۵- ۲۹ = من؛ ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = فن

۶- شرح آرزو، ۱۷۰ = شیخ؛ شرح مسرت، ۳ = قوش (بمعنی مرد کوچک)؛ ۲۸ = قوس؛ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = قرص

۷- ۲ = بار؛ ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شوخ

۷- ۳ = ژنده ژولیده موی؛ ۲۸ = رند و ژولیده موی؛ ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ و غیره =

رند ژولیده موی

۸- ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۷۱ = سیمایی؛ ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = سیماب است؛ ۱۷۰ =

سیمایی است

۹- ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ساق سیم است؛ ۱۷ = سیمین ست؛ ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ =

سیم ساق است

۱۰- ۹ = دم؛ همه نسخ دیگر = خم

۱۱- ۲۸ = ز شب قدر؟ همه نسخه‌های دیگر = زر قلب

۱۲- ۲ = دلکش؛ همه نسخه‌های دیگر = دنیا

نوزد <sup>(۱)</sup> باد لاله حمر است	بوزد <sup>(۲)</sup> هست غنچه سوسن؟
کیمیایست گوهر تاجش	کسه ازو زر شود مس و آهن
عزّت <sup>(۳)</sup> تاج او بیفزاید	جلوه طلعت <sup>(۴)</sup> سهیل یمن
جوهر هیکلش هیولانیست	در قبولِ صور چو <sup>(۵)</sup> جوهر <sup>(۶)</sup> ظن
شاهبازیت آتشین منقار	صید او مُرغکی سمندر فن <sup>(۷)</sup>
کهکشانت تارکش، چون مرد	زنده گردد شهابِ دیو افکن <sup>(۸)</sup>
او همی گرید <sup>(۹)</sup> و ز گوهرِ او	سنگ و <sup>(۱۰)</sup> آهن به خنده آبستن <sup>(۱۱)</sup>
گر بمیرد، تنش بود سالم	تا بود زنده، کاهدش سر و تن <sup>(۱۲)</sup>
چهره‌اش در نقاب و پنداری	که بغیر از گمان شد آبستن <sup>(۱۳)</sup>
جامه‌اش گاه سبز و گاه سپید	چهره‌اش روز، تیره شب روشن
گیسوش نوریار <sup>(۱۴)</sup> چون مریم	ابروش چون هلال چشمک زن <sup>(۱۵)</sup>

- ۱- ن ۱، ۵، ۳، ۸، ۲۹، ۳۵ = بوزد باد؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = نوزد باد؛ ن ۱۷۰، ۱۷۱ = نورد باد؛ ن ۲۸ = نوزد باد
- ۲- ۲۸ = نوز و هست؟؛ ن ۱، ۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = نوزد هست؛ ن ۸ = نورد هست؛ ن ۵ = بوزد هست؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بوزد هست
- ۳- ۱۷ = عزّت تاج او بیفزاید؛ جلوه‌اش روز تیره شب روشن
- ۴- ۲۸ = طلعتش؛ ن ۱، ۳، ۲، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵ = طلعت
- ۵- ن ۱، ۵ = چه؛ ن ۱، ۳، ۲، ۸، ۹، ۲۰، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۲۴ = و غیره = چو
- ۶- شرح مسرت = صورت ظن؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = جوهر زن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، شرح آرزو، ۳۵ = گوهر زن (در اصطلاحات فلسفه جوهر زن بمعنی قوه تخیل)
- ۷- این بیت تنها در ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.
- ۸- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.
- ۹- ن ۱۷ = گوید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = گرید
- ۱۰- ن ۳۵ = سنگ آهن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = سنگ و آهن
- ۱۱- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.
- ۱۲- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.
- ۱۳- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.
- ۱۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نور یاف؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نور بار
- ۱۵- ترتیب اشعار این قصیده در نسخه‌های مختلف از یکدیگر اختلاف دارد پس در نسخ ۵، ۲۹، ۳۵ نمره این بیت ۳۴ هست، در نسخه دوم این شعر دهم است، مطابق نسخه سوم این بیت یازدهم است و مطابق نسخه‌های چابی مثل ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره این بیت دوازدهمین است، در نسخه اول این شعر سی و پنجمین است و همین طور هست در نسخه‌های دیگر.

هم ز باد صبا شود جوزا  
 ماهتابیست، برقع‌اش<sup>(۱)</sup> ز کتان  
 برخط استوا کند حرکت  
 قصبِ ماهتابِ او اکسون  
 گه گهی از میانِ تاجِ خروس  
 زندگانش مُردنِ شب‌گیر  
 دسته‌هاون طلاست، ولی  
 گاهی<sup>(۲)</sup> از دانه‌های اشکِ نیاز  
 هم شکفته‌ست در مصیبت و سور<sup>(۳)</sup>  
 شاه تیر<sup>(۴)</sup> جهازِ زرین است  
 رازِ دل بر زبان چو آرد،<sup>(۵)</sup> ازو  
 چون به خلوت زبان بجناند  
 معنیش روحِ موسیِ عمران  
 صوفیان گرد او نشسته بذوق  
 روز برهم فشرده مژگان،<sup>(۶)</sup> لیک  
 هم ز برقِ صفا سهیلِ یمن  
 آفتابیست، برقِ پیراهن  
 آفتابش، چه تیر و چه بهمن  
 شرفِ آفتابِ او ایمن  
 برفشاند به فرقِ خود ارزن  
 دیده‌بانش کوری ره‌زن  
 سوده آن سرکه نیست در هاون  
 سبجه آویخته‌ست در<sup>(۷)</sup> گردن  
 هم برهنه است در دی و بهمن  
 برسرش موجِ نور سایه فگن  
 مستفیض‌اند زیرک و کودن  
 راز بیرون فشاند از روزن  
 صورتش نخلِ وادی ایمن  
 هم<sup>(۸)</sup> شیوخ و جوانِ یارب زن  
 شب گشاده<sup>(۹)</sup> است دیده روشن

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۱۷۱، ۳۳ = درفش کتان ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ (حاشیه)، ۱۷۱ = درفش کیان ؛ ن ۵ = برقع‌اش ز کتان ؛ ن ۲۸ = بردش کتان ؟

۲- ۹ = زاهدآسا ز دانه‌های سرشک ؛ ن ۲۸، ۱۷۰ = هر شب از دانه‌های اشک نیاز ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۲۹، ۳۵ = گاهی از دانه‌های اشک نیاز ؛ ن ۱ = گاهی از دانه‌های راز و نیاز

۳- ۵، ۱۷۰، ۲۹ = از ؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = در

۴- ۳ = سودا ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۳۳ (حاشیه)، ۱۷، ۳۵ = سور ؛ ن ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = سوز

۵- ۲ = شاه شیرین نهاد زرین ؛ ن ۲۹ = شاه تیر جهان زرین ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = شاه تیر جهاز

۶- ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = چومی آرد ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۹، ۱۷۰ = چو آرد ازو

۷- ۳ = هم شیوخ و جوان یارب زن ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = همچو آن شوخ دیده یارب زن ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = همه سبوح گوی و یارب زن ؛ ن ۲۸ = همه سبوح خوان و یارب زن ؛ ن ۱۷۰ = ازو هم جوان و شیوخ

یارب زن

۸- ن ۱ = رضوان ؛ همه نسخه‌های دیگر = مژگان

۹- ۱۷ = کشور است ؛ ن ۵، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱ = گشاده است ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷۰ = گشاد است

گریه در آستین چو دیده من <sup>(۱)</sup>	دیده بر آسمان چو عاشقِ مهر
رند شوریده خوی <sup>(۲)</sup> تر دامن <sup>(۳)</sup>	صوفی گریه ناکِ بیش بخش
گاه در خلوت و گهی برزن <sup>(۵)</sup>	آب و بادش <sup>(۴)</sup> بود وسیله خواب
قامتش کانِ لعل همچو یمن <sup>(۶)</sup>	ابروش زرد موی همچو حلال
مردنِ او بری ز گور و کفن <sup>(۷)</sup>	محشرِ او محلّ مردنِ اوست
آفتاب است برف پیراهن	هم ز آهن ستونِ خانه او
زنده <sup>(۸)</sup> گردد به کاهش سر و تن	چون بمیرد، تنش نفرساید
چیره <sup>(۹)</sup> زر تار و چرب پیراهن	چون شکر مشربانِ هندستان
دامنش پر شود ز آب دهن	با همه حدّت و حرارتِ طبع
به زبان <sup>(۱۰)</sup> آرد می کند خرمن	خرمن از سنگِ آس اگر باشد
شام عاشق بود، سحر دشمن	پدرش مهر و مادرش مه لیک
خنده <sup>(۱۲)</sup> تا فرق <sup>(۱۳)</sup> و گریه تا دامن	بزبان <sup>(۱۱)</sup> خندد، از گلو گرید
خنده از عیش <sup>(۱۵)</sup> بزمِ شاهِ زمن <sup>(۱۶)</sup>	گریه از شوق <sup>(۱۴)</sup> دیدن خورشید

۱- تنها در ن ۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ یافته شد.

۲- ن ۱، ۵ = رند شوریده خوی تردامن؛ ن ۸، ۲۹، ۳۵ = رند ژولیده موی تردامن

۳- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ به نظر آمد.

۴- ن ۱۷ = خاکش؛ ن ۱ = بارش؛ ن ۸، ۲۹، ۳۵ = بادش

۵- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۶- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۷- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۸- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = زنده گردد به کاهش سر و تن؛ ن ۵ (حاشیه) = زنده گردد بکاهد از سر و

تن؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = گریه در آستین چو دیده من (این مصرعه ثانی بیت ۳۳ هست)

۹- ن ۹ = کله رز تار؛ ن ۱۷ = چهره اش رزد؛ ن ۵، ۳، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۰، ۱۹ = چیره رز تار؛ ن ۱، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۹ =

چهره زرد؛ ن ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ (حاشیه)، ۱۸ (حاشیه) = چهره زر تار

۱۰- ن ۸، ۹، ۱۷۰ = بر زبان؛ همه نسخه های دیگر = بزبان

۱۱- ن ۲، ۹ = بر زبان؛ همه نسخه های دیگر = بزبان

۱۲- رحیم = خنده از عیش بزم شاه زمین؛ دیگر نسخ بطوری که نوشته شد

۱۳- ن ۲، ۲۸، ۵، ۸، ۳۵، ۲۹ = فرق و گریه؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = فرق، گریه

۱۴- شرح عجیب و غریب = خوف؛ همه نسخ دیگر = شوق

۱۵- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۹ = عیش بزم؛ ن ۲۸ = التفات؛ ن ۱۷ = شوق

۱۶- در ن ۳۵، ۸ مصرعه اول این بیت مربوط است به مصرعه ثانی بیت ۲۷

گریه و خنده‌اش گدازیش عمر  
همچو انگشت پنجه خورشید  
جوهرش در حریم خاطر شاه  
شاه اکبر که هست ترکیبش  
شاخ گندم که دیده خوشه زر  
خاطرش بحر فیض را معبر  
هر کرا لطف او حیات دهد  
هر کرا داده است خلعت لطف  
نصب را روی بخت او مرآت  
ای غبار حریم حرمت تو<sup>(۳)</sup>  
شاه چین و حبش غلام تواند  
زان نوشته‌ست عبده و فدا  
بلبل باغ عمر دشمن تو<sup>(۵)</sup>  
مرغ جاهت<sup>(۶)</sup> بزیر شهر حکم  
بگذراند چو<sup>(۷)</sup> رشته حکمت<sup>(۸)</sup>  
عدل او را به عدل نوšروان  
همچو اعدای شاه قلب شکن  
صد اشارت کند به شاه زمن  
ماه نخشب بود چه بیژن  
نور خورشید و سایه ذو المن  
اینک از بزم شه بین روشن<sup>(۱)</sup>  
گوهرش سر غیب را معدن  
نوبت جامه کی رسد به کفن<sup>(۲)</sup>  
نرسد نوبت قبا به کفن  
عزل را بخت خصم او مدفن  
عطر پیراهن عروس چمن  
دور ازین آستان اسیر محن<sup>(۴)</sup>  
بدیار تو ملک چین و ختن  
نزدند نغمه‌ای بجز شیون  
از بدخشان گرفته تا به دکن  
آسمان راز چشمه سوزن  
کی بسنجد سپهر نادره فن

۱- ترتیب اشعار این قصیده در نسخه‌های مختلف خیلی اختلاف دارد. چنانکه در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ این بیت بعد از شعر ۳۸ یافته شد ولی در نسخه ۱۷ بطوریکه نوشته شد و در نسخه ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره این بیت بعد از بیت ۴۶ هست.

۲- در ن ۱۷ شعر ۵۳ موجود هست ولی این بیت نیست و در نسخ ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱، ۱۵ این شعر هست ولی شعر ۵۳ نیست. در دیگر همه نسخه‌ها مثل ۱، ۲، ۳، ۸، ۲۹، ۳۵ هر دو اشعار شامل قصیده هستند.

۳- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = او؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = تو

۴- در نسخ ۱، ۵، ۳۵، ۲۹، ۱۸ این شعر بعد از بیت ۴۲ هست. در نسخه پنجم (درست شده)، نهم، بیستم، بیست و چهارم و غیره آن بعد از شعر ۴۹ هست. در اثر موجوده ترتیبش مطابق نسخه هفدهم است.

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = او؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = تو

۶- ۲۸ = مرغ حلمش؛ ن ۱۷ = مرغ جاهت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = مرغ جاهش

۷- ن ۱۷ = به؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = چو

۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = رشته حکمت؛ ن ۲، ۱۷۰ = رشته حکمت؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = رشته حکمت او

این<sup>(۱)</sup> بسنجد کسی که نشناسد صافی جامِ جم ز دردیِ دن  
 نطفه دشمنش ز صلبِ پدر داده پیوند تار و بود کفن  
 تا ارادی بود جفایِ سفر تا طبعی بود هوایِ وطن  
 وطنم آستانِ جاوِ تو باد تا نکرده‌ست جان سفر ز بدن  
 عید<sup>(۲)</sup> او همچنان مبارک باد بر فراز ننده دی و بهمن<sup>(۳)</sup>

### قصیده شصت و نهم<sup>(۴)</sup>

#### قصیده در مدح شاه اسماعیل ثانی

مژدگانی<sup>(۵)</sup> کامد از عرشِ برین در گوشِ جان  
 خطبه شاهی بنام خسرو صاحب قران  
 بر جناحِ نسرِ طایر بسته اینک می‌برد<sup>(۶)</sup>  
 استمالت نامه سوی ساکنان آسمان  
 پیکِ زرین رنگ مهر اینک ز سر کرده قدم  
 تا برد<sup>(۷)</sup> پروانه‌اش از شرق تا غربِ جهان  
 مشتری و مه برین فیروزه منظر می‌روند  
 بر سرِ حکم و نشانش سیم ریزد زرفشان  
 قرصِ مه ضرابِ دارالضربِ دور اینک شکست  
 تا بنام او زرنو<sup>(۸)</sup> سگه آرد در میان

۱- ن ۹، ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = این بسنجد؛ ن ۱۷، ۱، ۳، ۵، ۲۹، ۱۷۰ = این که سنجد؛ ن ۸، ۳۵ = ای که سنجد

۲- ن ۱۷ = عید بهمن رفت ۹؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = عید بهمن خبر؛ ن ۲ = عید همچو مه؛ ن ۵ (حاشیه) = عید او همچنان

۳- این شعر تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ یافته شد.

۴- این قصیده یکی از منظومات نادر عرفیست و تنها در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ یافته شد و در زمین قصیده خاقانی که با مطلع زیر آغاز می‌شود گفته شد:

الامان ای دل که وحشت زحمت آورد الامان  
 زرین مغیلان‌گاه غولان بر کران شو برکران

۵- ن ۲ = زندگانی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۳، ۱۷۲ = مژدگانی

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = می‌برد؛ ن ۱۷۲ = می‌برد

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۲ = برد؛ ن ۱، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = برد

۸- ن ۲۱ = زر سگه در آرد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = زر نو سگه آرد؛ ن ۱۷۲ = زر نو سگه آرد

اطلس افلاک می‌پیچند<sup>(۱)</sup> برهم تا زنند  
 بر فراز بام ایوانِ جلالش سایبان  
 می‌دوند<sup>(۲)</sup> اینک مه و خورشید در پست و بلند  
 مژدگانی بر به نزدِ غربیان و<sup>(۳)</sup> شرقیان  
 می‌روند اینک بهای قصرِ جاهش هر<sup>(۴)</sup> قدم  
 سر فرود آران، مبارکباد گویان قدسیان  
 می‌برند<sup>(۵)</sup> اینک ملایک کرسی عرشِ برین  
 تا نشیند بر فرازش داورِ دارانشان  
 شاهِ اسماعیل ثانی کامد از روزِ ازل  
 آفرینش بر سرِ خوانِ نوالش میهمان  
 بیضه گردون چو عمرِ دشمنش گردد تباه  
 طایرِ حفظش اگر بر خیزد از بالای آن  
 ارقم چرخ از هراسِ انتقامِ قهرِ او  
 تا ابد بر خویش می‌پیچد چو شاخِ خیزران  
 گر نسیمِ لطیفِ او در باغِ فطرت بگذرد  
 رخت بر بندد تفاوت از میانِ جسم و جان  
 سر نیاوردی برون از غرغه صبح آفتاب  
 گر ضمیرش سر بر آوردی ز جیبِ آسمان  
 گر نمی‌دوزد به قد<sup>(۶)</sup> کبرای او لباس  
 ورنه نمی‌بندد فلک در خدمتِ قدرش میان

۱-ن ۱۷ = می‌پیچند تا برهم زنند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = می‌پیچند برهم تا زنند؛ ن ۲۹ = پیچیده بهم تا بر زنند؛ ن ۲۱ = پیچیدند برهم تا زنند

۲-ن ۱۷ = روند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷۲، ۳۵ = دوند

۳-ن ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = غربیان و شرقیان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = شرقیان و غربیان

۴-ن ۸ = در؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = هر

۵-ن ۱، ۱۷۲ = می‌زنند؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = می‌برند

۶-ن ۵، ۲۱ = به قد؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = بقدر



قرص زَرینِ مِوِ بدر از چه رو پیوسته است  
 زرگرِ تقدیر بر سمین<sup>(۱)</sup> نطاقِ کهکشان  
 وز چه رو خیاطِ صبح افکنده بر طرح<sup>(۲)</sup> برش  
 چاک‌ها بر اطلِس فیروزه فامِ آسمان  
 کوهِ حلمش گر شود بر آسمان لنگرفکن<sup>(۳)</sup>  
 شخصِ عزمش گر کشد خنکِ زمین<sup>(۴)</sup> در<sup>(۵)</sup> زیرِ ران  
 لنگرِ گردون بِنرون آرد زمین را بی وقار  
 سرعتِ<sup>(۶)</sup> غبرا ریاید گوی سیر از<sup>(۷)</sup> آسمان  
 در زمانِ<sup>(۸)</sup> قاضی عدلش<sup>(۹)</sup> ز عینِ اعتماد  
 دور<sup>(۱۰)</sup> نبود گر کند جان آفرین انس و جان؟  
 حشرِ خلقِ اوّلین و آخرین تا او کند  
 پرسشِ یوم‌القیام امروز در دارِ جهان  
 گر زمین را بر گرتی رفعتِ قدرش ز خاک  
 ور شدی بختِ حسودش<sup>(۱۱)</sup> رهنمایِ آسمان  
 آسمان رفتی بزیر دامنِ تحت‌الثری  
 سربر آوردی بر اوجِ لامکان این خاکدان

۱- ن ۲۱ = شمس اطاق ؟ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = سمین نطاق ؛ ن ۲۹ = شمس نطاق

۲- ن ۱۷ = طرح در سر ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = بر طرح برش

۳- ن ۳۵ = لشکر فکن ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲ = لنگر فکن

۴- ن ۳۵، ۸، ۲۹، ۱۷۲ = زمین ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۱ = فلک

۵- ن ۱۷۲ = را ؛ ن ۳۵، ۲۹، ۸، ۲۱، ۱ = در

۶- ن ۱۷۲ = صورت ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = سرعت

۷- ن ۱۷ = سیر آسمان ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = گوی سیر از آسمان

۸- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = زمان ؛ ن ۱۷ = زمان ؛ ن ۲۱ = زمانش

۹- ن ۵ = عدلش را زمین ؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = عدلش ز عین

۱۰- ن ۲۱، ۱۷۲ = دو نبود ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷ = دور نبود

۱۱- ن ۲۱ = همایش ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲ = حسودش (در نسخه‌های ۸، ۳۵ این بیت نیافته شد)

در مصافی کز تو خیزد القتال و القتال  
 وز<sup>(۱)</sup> صف دشمن برآید الامان و الامان  
 تا زبان نگشاید<sup>(۲)</sup> از بهر شفاعت پیش تو  
 نیزه را تبخاله پرچم شود عقداللسان  
 روز هیجا<sup>(۳)</sup> بس که از سُم ستور لشگرش  
 سربسر گردد زمین گرد و رود بر آسمان  
 اطلس گردون شود پوشیده از تاثیر خاک  
 گر نیفشانند<sup>(۴)</sup> فراشان بزمّت گرد<sup>(۵)</sup> آن  
 آن که از روی غضب گر حمله بر دور آوری  
 از سر روز قیامت بر جهد شخص زمان<sup>(۶)</sup>  
 آسمان گوئیست از میدانِ قدرش<sup>(۷)</sup> کز ازل  
 در گوی افتاده می گردد ز ضربِ صولجان  
 در عبادتخانه بخت تو تا روز جزا  
 صبح در شب زنده داری شام در خواب گران

۱- ن ۱، ۸، ۳۵ = در؛ ن ۵، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = وز

۲- ن ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ = بگشاید؛ ن ۵، ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = نگشاید

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۲، ۳۵ = روز هیجا بسکه از؛ ن ۱۷، ۲۱، ۲۹ = روز هیجایش که از

۴- ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = نیفشانند؛ ن ۸، ۲۱، ۲۹ = نیفشانند

۵- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = گرد آن؛ ن ۸، ۳۵ = گردمان ؟

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = زمان؛ ن ۲۱ = امان

۷- ن ۱۷ = قدرت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = قدرش

قصیده هفتاد<sup>(۱)</sup>

## اسم مدح پیدا نیست

ز می همای جلال تو در قدم یزدان  
 برشته طیران بسته بالش<sup>(۲)</sup> از طیران  
 نگاه<sup>(۳)</sup> مدعی از حمله تو تافته<sup>(۴)</sup> رو  
 چو ناوکی که بود راست رو بسوی نشان  
 چنان نشسته به چشمش وزان برون جسته  
 که مرگ بر اثر خویش دیده گرم عنان  
 ز بهر آنکه بدریوزه جلال آید<sup>(۵)</sup>  
 مرا به عالم اشباه<sup>(۶)</sup> گفته افلاطون  
 تقدمی که مسلم بود بنوع<sup>(۸)</sup> وجوب  
 ز روی نسبت ذات است نی ز راه<sup>(۹)</sup> زمان  
 وگر قبول نداری برغم اهل کلام  
 بصد دلیل کنم ثابت اول این بُرهان

۱- این قصیده بزمین قصیده انوری است که به مطلع زیر آغاز می شود و تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ یافته شد

ز کوه رفت فرود و ز چشم گشت نهان

نماز شام چو خورشید گنبد گردان

۲- ن ۱۷ = پایش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۱ = بالش

۳- ن ۱۷ = بگاه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = نگاه

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = یافته؛ ن ۲۱، ۱۷، ۲۹ = تافته

۵- ن ۲۱، ۲۹ = آرد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = آید

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = اشباه؛ ن ۱۷، ۲۱، ۲۹ = اشباح

۷- ن ۲۱، ۲۹، ۳۵ = در زمان امکان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲ = در زمان مکان

۸- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۲، ۲۹ = بنوع؛ ن ۳۵ = ز نوع

۹- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = ز راه امان؛ ن ۵ = ز روی امان؛ ن ۲۱، ۳۵ = ز راه زمان

که سایه بر اثرِ ذات می‌رود هان<sup>(۱)</sup> کی

عنانِ فیضِ نگهداشت سایه یزدان

صد آفتاب فشارم بدستِ اندیشه

که در ورای تو جمع آرم از چکیدن<sup>(۲)</sup> آن

چه حالت است که در عالمِ سیاستِ تو<sup>(۳)</sup>

بود به طبع زمستان عدلیِ تابستان

اگر به طبع نباتات غیرتش بودی

حنا ز شرمِ نبستی به پنجهٔ مرجان

به گلشنِ سخنم در بهارِ مدحت تو

طبیعت آید و گل چمند از نهالِ زبان<sup>(۴)</sup>

نسیمِ بانگیِ تو جوهرِ فشان ز روی حسام

هوایِ گرزِ تو تیزی شکن بنوکِ سنان

### قصیدهٔ هفتاد و یکم<sup>(۵)</sup>

قصیده در مدح پری خانم دختر شاه طهماسب صفوی

ای قُبله<sup>(۶)</sup> جمالِ ترا کعبه آستان

جیبِ<sup>(۷)</sup> نقابت<sup>(۸)</sup> از گهرِ حسن بس گران

۱- ن ۸ = کین هان ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = هان کن ؛ ن ۱۷، ۲۱، ۲۹ = هان کی ؛ ن ۳۵ = هان کین

۲- ن ۱۷، ۲۱ = چکیدن آن ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = چکیدن آن ؛ ن ۲۹ = چکیده ازان

۳- ن ۱۷ = سیاست او ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = سیاست تو

۴- ن ۲۱ = زبان ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = زمان

۵- این هم یکی از قصاید نادر است که بخیال این گردآورنده در ایران گفته شد. اسم ممدوح از اشعار قصیده پیدا نیست ولی می‌نماید که ممدوح شاهزاده پری خانم خان، دختر شاه طهماسب است. قصیده تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۶، ۳۵، ۱۷۲، ۱۷۳ یافته شد ولی در نسخ ۲۹، ۱۷۳ (که بربنای آن ن ۲۱ چاپ شده) پانزده اشعار اول قصیده نیافته شدند. قصیده در زمین چند تا قصاید خاقانی ست.

۶- ن ۱۷، ۳۵ = کعبه ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷۲ = قبله

۷- ن ۱، ۵ = بند ؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = جیب

۸- ن ۸، ۳۵ = نقاب ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = نقابت

گردد<sup>(۱)</sup> متاعِ مهرِ زلیخا یکی هزار  
 گر چهره در نقابِ تو یوسف کند نهان  
 و ربی نقاب روی تو بیند بسوی وی  
 در مایهٔ محبت<sup>(۲)</sup> اول کند زیان  
 امید مآتمی بود و آرزو شهید  
 هر جا که غمزهٔ تو کشد تیغ<sup>(۳)</sup> از میان  
 آنجا که رازدارِ تو آیند حسن و عشق  
 خویشی بود میانِ خموشی و داستان  
 آنجا که دردِ عشق بود جانگداز، هست  
 کوبهتر از امیدِ دوا<sup>(۴)</sup> عمر جاودان؟  
 در پیشگاهِ رزم که<sup>(۵)</sup> چون جامِ اهل دل  
 زخمی به صد حیات<sup>(۶)</sup> خورد سینهٔ یلان  
 شاخِ نفس ز سایه<sup>(۷)</sup> مرغ دعا شکست  
 غمناهم به بال<sup>(۸)</sup> وی از بسکه شد گران<sup>(۹)</sup>  
 دردا که سوخت تشنگی زخمِ اعتماد  
 از بس مکیدم آبِ لبِ تیغِ امتحان  
 من عینِ ذاتِ عقلم و در عالمِ علوم<sup>(۱۰)</sup>  
 از حسنِ شغل<sup>(۱۱)</sup> و تجربه هم پیر و هم جوان

۱- ن ۱۷ = کرده ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = گردد

۲- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = محبتِ اول ؛ ن ۸، ۳۵ = تعجب ؛ ن ۱۷ = محبتِ دل او ؟

۳- ن ۱۷ = تیغ ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = خنجر

۴- ن ۸، ۳۵ = بود ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = دوا

۵- ن ۱۷ = تو ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = که

۶- ن ۱۷ = حباب ؟ ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = حیات

۷- ن ۱۷ = ز سایه ؛ ن ۸، ۳۵ = مشابه

۸- ن ۱۷ = به پای ؛ ن ۸، ۳۵ = بیال

۹- این بیت تنها در نسخ ۸، ۳۵، ۱۷ یافته شد.

۱۰- ن ۸، ۳۵ = جنون ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = علوم

۱۱- ن ۸، ۳۵ = شغل و تجربه ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = شغل تجربه

هم عقل<sup>(۱)</sup> و دانشم صفت آموز جنگ و<sup>(۲)</sup> وهم  
هم<sup>(۳)</sup> لفظ و معنیم گهر افروزِ جسم و جان  
دانشورِیست عاقله کورا منم ضمیر  
دستان ز نیست ناطقه کورا منم زیان  
نگشوده شاهدانِ معانی ز رخ نقاب  
ز آیینۀ طبیعتِ من شکلشان<sup>(۴)</sup> عیان  
در شهر طبعم از اثرِ حدّت<sup>(۵)</sup> هوا  
آیینۀ را کباب شود مغزِ استخوان  
بالطبع لفظ و معنی از هم جدا شوند  
رانم چو وصفِ تیغِ شهنشاه بر زبان<sup>(۶)</sup>  
تا<sup>(۷)</sup> اختراع امر تو آسان برون<sup>(۸)</sup> برد  
ایام سبعه برگی<sup>(۹)</sup> تداخل ز<sup>(۱۰)</sup> بیم آن  
با امتناعِ نهی تو ز استادنِ فلک  
ناید مرورِ ازمنه را فصل در میان  
در جستجوی ساحلِ دریای همت  
اندیشه رو نهاد بر<sup>(۱۱)</sup> اطراف لامکان

۱- ن ۱، ۵ = فهم؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = عقل

۲- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = جنگ و وهم؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = جنگ و هم

۳- ن ۱۷ = که؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = هم

۴- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = شکلشان؛ ن ۸، ۳۵ = کهکشان

۵- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ (حاشیه) = حدّت؛ ن ۳۵، ۱۷۲ = شدت

۶- این بیت تنها در نسخ هفدهم یافته شد.

۷- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = با؛ ن ۱، ۵، ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = تا

۸- ن ۱، ۵ = بیرون روز طبع؛ ن ۱۷۲ = بیرون بروز طبع؛ ن ۱۷ = آسان بدر برد؛ ن ۸، ۳۵ = آسان برد برون؛ ن ۲۱، ۲۹ = آسان برون برد

۹- ن ۲۱، ۲۹ = برگ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = ترک

۱۰- ن ۱، ۵، ۱۷ = ز بیم؛ ۲۱، ۲۹، ۳۵ = به بیم؛ ن ۸ = به نیم؛ ن ۱۷۲ = تیم؟

۱۱- ن ۱، ۲۹، ۲۱ = به اطراف؛ ن ۵، ۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۲ = بر اطراف

عقلِ محل‌شناس میانش<sup>(۱)</sup> گرفت و گفت  
 بر تاب رو که بیمِ سراسیمگیست هان<sup>(۲)</sup>  
 صنعِ ازل که صاحبِ علم سیاحتست  
 دارد نشانِ ساحلِ این بحر از<sup>(۳)</sup> میان  
 از موجِ رعشه محو شود معنی سکون  
 آنجا که هیبتِ تو زند بانگِ برزمان<sup>(۴)</sup>  
 بر چیند آفتاب ز ره مسند و<sup>(۵)</sup> کلاه  
 آنجا که دولتِ تو رود آستین فشان  
 آنجا که دست نهی تو سیلی فشان بود<sup>(۶)</sup>  
 آن جا که سعیِ امر تو باشد ملک نشان  
 بر چهره دعا<sup>(۷)</sup> شکند گونه اثر  
 در سینه هلاک بود مسندِ روان  
 در بدو کاینات که می‌کرد کردگار  
 اندازه حواله به هر باغ و بوستان  
 باغِ مطالبِ تو و اعطا<sup>(۸)</sup> ز هر جهت  
 بنمود صنع را و همی گفت کای فلان  
 اینجا بباد<sup>(۹)</sup> بوسه لب غنچه می‌گشا<sup>(۱۰)</sup>  
 وان جا گیاه می‌کن و الماس می‌فشان

۱- ن ۱۷ = عنانش ؛ ن ۱ = ببالش ؛ ن ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = میانش

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = جان ؛ ن ۱۷، ۲۱، ۲۹ = هان

۳- ن ۳۵ = در ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۷۲ = از

۴- ن ۱، ۱۷۲ = زیان ؛ ن ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = زمان

۵- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = مسند کلاه ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = مسند و کلاه

۶- ن ۱۷، ۲۱ = شود ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = بود

۷- ن ۱۷ = وفا ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = دعا

۸- ن ۲۱ = اعدا ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = عطا

۹- ن ۲۹، ۲۱ = بیاد ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۲ = بیاد

۱۰- ن ۱۷، ۲۹ = می‌گشا ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = می‌گشاد

کافور را کبود کنند سایه رکاب  
 اندیشه را زیاد<sup>(۱)</sup> کند آتشین<sup>(۲)</sup> عنان  
 فتحت ز بیم معتکف سایه علم  
 نصرت ز سهم منزوی<sup>(۳)</sup> گوشه کمان  
 هم سینه‌ها فگار کند ناله خدنگ  
 هم ناله‌های تلخ کشد سینه کمان  
 اعیان فتنه را نفس عجز رعشه ناک  
 سلطان مرگ را لب زندهار خون چکان  
 از جیب عشق راز<sup>(۴)</sup> کشد جذبه<sup>(۵)</sup> خدنگ<sup>(۶)</sup>  
 وز دام حسن دل ببرد غمزه سنان<sup>(۷)</sup>  
 سهم غضب زیر بر انگیزد از بقم  
 برقی عتاب لاله فروشد به زعفران  
 تیغ تو شام را سترد ظلمت از جبین  
 گرز تو صبح را شکند خنده در دهان  
 آن لحظه گر نه سیر ز آب ظفر شود  
 تیغت، که هست تشنه به خون مبارزان  
 از کثرت جواهر ارواح اهل رزم  
 آفتد هزار چاک به صندوق آسمان<sup>(۸)</sup>

۱- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = زیاد، ۵، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = زیاد

۲- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = آتشین؛ ن ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۳۵ = آتش

۳- ن ۱۷ = منزوی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲، ۲۱ = تیرنی؛ ن ۲۹ = تیرونی

۴- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۱۷۲ = راز؛ ن ۸، ۳۵ = راست

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۲ = جذبه؛ ن ۲۱، ۲۹ = خدعه (بمعنی مکر و حيله)

۶- ن ۱، ۵، ۲۱، ۱۷۲ = خدنگ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹ = کمند

۷- ن ۲۱ = کمان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = سنان

۸- در نسخه‌های مختلف تعداد اشعار و ترتیب اختلاف دارد. پس ترتیب اشعار مطابق چند نسخ از بیت ۳۱ تا ۳۷ بطور زیر است. نسخه‌های ۱، ۵، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷؛ نسخه‌های ۲۹، ۱۳۳، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷؛ نسخه‌های ۸، ۳۵، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۲، ۳۶، ۳۷؛ نسخه ۱۷۲ = ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۲، ۳۶، ۳۴، ۳۷



در گرمی عتاب تو از تابِ تشنگی  
 تیغ از دهانِ معرکه بیرون کند زبان  
 دل در برامید بمیرد ز القاتل  
 خون در عروقی یأس بجوشد ز الامان  
 اوراقِ تن<sup>(۲)</sup> به جلدِ کتاب فنا روند<sup>(۳)</sup>  
 شیرازه را بکار شود رشته‌های جان

### قصیده هفتاد و دوم قصیده در نعتِ سید المرسلین صلّ الله علیه وسلم

ای مرا بر زشتی<sup>(۴)</sup> اعمالِ نو میدی گواه  
 دورم از حُسنِ عمل چون رو سپیدی از گناه<sup>(۵)</sup>  
 صورتِ اتّید می‌بینم چو آبِ موج‌زن  
 بسکه می‌گیرد<sup>(۶)</sup> ز شرمم ریشه در نورِ نگاه  
 گر بصورتِ گاه را گویم که همرنگ منی  
 کهریا چون مردم چشم بُتان گردد سیاه  
 میلِ فعلِ زشت را با طبعِ من آمیزش است  
 وین شبیه ربطِ کفر است و مکافاتِ آله

خلاصه: اشعار ۱ تا ۵، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۷ تا ۳۳، ۳۸

۱- ن ۱۷ = وز ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = در

۲- ن ۱۷، ۲۹ = تن ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷۲ = من

۳- ن ۱۷ = روند ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۲ = رود

۴- خلاصه = نامه اعمال ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = زشتی اعمال

۵- کارنامه = سیاه ؛ همه نسخه‌های کلیات = گناه

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، کارنامه = می‌گردد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، مسرت، آرزو = گیرد

ور<sup>(۱)</sup> به عصیان در نمی‌آویزم، از بی قوتی‌ست  
 وین بعینه چون حریص شهوت است و ضعفِ باه  
 ای که داری نامه اعمال را از فعلِ زشت  
 چون مصیبت خانه عاشق ز دودِ دل سیاه  
 چهره را از آبِ یاقوت<sup>(۲)</sup> ندامت برافروز  
 چون گلِ روی دلاریان ز تشویش<sup>(۳)</sup> نگاه  
 در نگاهِ شاهدِ معنی دو عالم غوطه زن  
 تا<sup>(۴)</sup> بجولان‌گاهِ صورت بسته‌ای دام نگاه<sup>(۵)</sup>  
 مرحبا نیک آمدی ای یأس تا بیرون دهم  
 گریه گرمی که شوید تیرگی را از گناه  
 حبذا ای نو بهارِ عجز کز تاثیر تو  
 مصیبت را می‌دهد آمرزش از طرفِ کلاه  
 هان سمند آهسته ران ای گمرو ناهوشمند  
 منحرف می‌تازی و مستی و تاریک<sup>(۶)</sup> است راه  
 می‌توان کردن تلافی عمر ضایع کرده را  
 گرز نو<sup>(۷)</sup> برگِ گیاه تازه گردد برگِ کاه  
 شاهدِ معنی عیان و ما بصورت ملتفت  
 ای درونِ جهلِ ما<sup>(۸)</sup> چون روی نادانی<sup>(۹)</sup> سیاه

۱- ن ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۱۸، ۱۷۱ = گر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = ور

۲- ن ۳۵ = یاقوت قیامت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = یاقوت ندامت (این بیت در نسخ ۲۸، ۱۷۱ نیافته شد)

۳- ن ۵، ۹ (حاشیه)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ز تاثیر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = ز تشویش

۴- ن ۱۷ = تو؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = تا

۵- این بیت تنها در نسخه‌های چاپی قصاید و نسخه غلام حسین جواهری یافته شد.

۶- ن ۵، ۲۹، ۳۵ = تاریک؛ ن ۱، ۴، ۶، ۸، ۲۸، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = تاریک

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = ز تو؛ ن ۱، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ز نو

۸- ن ۲۸، ۲۹ = ای درون جهل همچون؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۳۵ و غیره = ای درون جهل ما چون

۹- ن ۸، ۳۵ = نومیدی؛ ن ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = نادانی

بسکه بی تاثیر ضایع گشت در دیرِ مجاز  
 گریه‌های تلخ شام و ناله‌های صبحگاه  
 بعد ازین در معبدی<sup>(۱)</sup> نالم که بی منت نهند<sup>(۲)</sup>  
 گوهرِ کامِ ابد در دامنِ تاثیرِ آه  
 حالتی یابم<sup>(۳)</sup> که از تکفیرِ من کافر شوند  
 گر تراود از زبانم لیس‌فی‌دلقی سواه  
 مقصدت دور است عرفی گر به این ره می‌روی  
 کام<sup>(۴)</sup> همت را ردایی باید<sup>(۵)</sup> از امدادِ شاه<sup>(۶)</sup>  
 قهرمانِ عرش مسند داورِ اُمّی لقب  
 صورتِ<sup>(۷)</sup> مرآة معنی، معنی<sup>(۸)</sup> صنع<sup>(۹)</sup> اله  
 گر محیطِ رای او بر چرخ گردد موج ریز<sup>(۱۰)</sup>  
 دامنِ موجش بروید<sup>(۱۱)</sup> چشمه خورشید و ماه  
 در شبِ معراج کان یکتای بی شبه و نظیر  
 جامه صورت ز دوش افکنده<sup>(۱۲)</sup> در آرامگاه

۱-ن ۵=برمبندی؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = در معبدی

۲-ن ۱، ۵، ۹، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۶=نهد؛ ن ۳، ۸، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱، ۲۸=نهند

۳-شرح مسرت = دارم؛ همه نسخ کلیات و قصاید و شرح‌ها = یابم

۴-ن ۱۸، ۳۰=کام همت؛ ن ۲۴، ۱۷۱، ۲۰، ۹، ۳۵، ۲۹، ۲۸، ۴، ۵، ۸=کام همت؛ ن ۱=کام تهمت؛ ن ۶=کامی همت

۵-ن ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۲۰=یابد؛ ن ۱، ۶، ۵، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱، ۳۵=یابد

۶-تنها در نسخه ۲۹ بعد این شعر بیت زیر هم یافته شد و ازین بیت ظاهر می‌شود که این قصیده در مدح حضرت علی گفته شد ولی از شعر آینده که در همه نسخ وجود دارد می‌نماید که این قصیده در نعت رسول اکرم گفته شد:

شاه ایوان یثرب عالی حشم زوج بتول      پادشاه انس و جن و سر در خیل سپاه

۷-ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۷۱=صورتش؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵=صورت

۸-ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۲۸، ۳۵=معنی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۷۱=معنیش

۹-ن ۱۷، ۲۹=لطف؛ همه نسخه‌های دیگر = صنع

۱۰-ن ۱، ۹، ۲۸، ۲۹، خلاصه = موج زن؛ ن ۴، ۶، ۵، ۸، ۳۵، ۱۷، ۱۷۰=موج ریز؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱=رای زن

۱۱-شرح عجیب و غریب = شوید؛ ن ۴، ۱۸، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۳۰=بروید؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵=بروید؛ ن ۱۷۰=نروید

۱۲-ن ۹، ۲۰، ۳۳، خلاصه، شرح میرزاجان، ۵=افکنده؛ ن ۲۴، ۱۷۱، ۱، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۶۸=افکند

زان کسی محرم نبود<sup>(۱)</sup> اندر حریم ایزدی  
 تا بود<sup>(۲)</sup> وهم غلطیین در امان<sup>(۳)</sup> از اشتباه  
 ای ز روی نسبیت ذات و ولایت<sup>(۴)</sup> را شرف  
 وی بزیر سایه جاهت نبوت<sup>(۵)</sup> را پناه  
 سایه یزدانی و انوار سیمایت دلیل  
 داور کونین و انواع احسانت سپاه  
 عرش بینم برفلک یا تخت جاهت بر مکان  
 آسمان بر عرش بینم یا ترا بر تخت<sup>(۶)</sup> جاه<sup>(۷)</sup>  
 دست حفظت بهر چابک خیزی و بر بستگی  
 بر میان شعله بریند نطق از برگ کاه<sup>(۸)</sup>  
 شاخ شاخ و برگ برگش تازه<sup>(۹)</sup> برهم ریختند  
 تا ز باغ همت<sup>(۱۰)</sup> خواندیم طوبی را گیاه<sup>(۱۱)</sup>  
 شاهد عدلت بدست خلق در ایوان دهر  
 سنبل و ریحان فشاند فتنه را در خوابگاه<sup>(۱۲)</sup>

۱- ن ۱، ۵ = نبوده در؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ و غیره = نبود اندر

۲- شرح مسرت = تا شود؛ ن ۲۹ = با تو بود؟ همه نسخ دیگر = تا بود

۳- ن ۸، ۳۵ = امان اشتباه؛ ن ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۸، ۱۷، ۴، ۲۸، ۲۹ = امان از اشتباه

۴- ن ۱۷، ۲۹ = نبوت؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۵ و غیره = ولایت

۵- ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۲۸ = نبوت؛ ن ۱۷، ۲۹ = ولایت

۶- ن ۱ = تخت گاه؛ همه نسخ دیگر = تخت جاه

۷- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

۸- این شعر در قصیده دیگر در مدح اکبر بادشاه هم یافته شد. شعر ۲۶ در شرح منیر و رحیم هم وجود دارد.

۹- ن ۸، ۳۵، ۲۸ = باز برهم ریختند؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = تازه برهم ریختند؛ ن ۲۹ = جمله درهم ریختند؛ ن ۵ = باز

ازهم ریختند

۱۰- شرح مسرت و منیر = همتش؛ همه نسخ دیگر = همت

۱۱- این شعر در قصیده دیگر در مدح اکبر بادشاه هم یافته شد. شعر ۲۶ در شرح منیر و رحیم هم وجود دارد.

۱۲- این شعر در قصیده دیگر در مدح اکبر بادشاه هم یافته شد. شعر ۲۶ در شرح منیر و رحیم هم وجود دارد.

توشه گیر انتفاع<sup>(۱)</sup> از ریزش جوّدِ توِ جوّد

خوشه چینِ ارتفاع از مزرعِ جاهِ توِ جاه<sup>(۲)</sup>

از خیالِ هیئت<sup>(۳)</sup> اندیشه میرد در ضمیر

وز نشاط<sup>(۴)</sup> آستان سجده رقصد در جباه<sup>(۵)</sup>

بسکه دستِ رحمت<sup>(۶)</sup> آرایش هر چهره<sup>(۷)</sup> کرد

عشق می‌ورزد بحسن یأس و اُمید اشتباه<sup>(۸)</sup>

با<sup>(۹)</sup> ازل گوید ابد کاین ناامید از ساحل است

گر کند در بحرِ علمت جوهرِ اوّل شناه

ای که از احوال<sup>(۱۰)</sup> آگاهی، مهل زینسان<sup>(۱۱)</sup> مرا

همچو سعیم در حصولِ طاعت و<sup>(۱۲)</sup> عفوّت تباه

می‌تراود آبِ شور از تیره<sup>(۱۳)</sup> بختم، گر کسی

تا ابد در ساحلِ تحت‌الثری می‌کند چاه

۱- ن ۳۵ = انقطاع؛ همه نسخ دیگر = انتفاع

۲- این شعر در قصیده دیگر در مدح اکبر بادشاه هم یافته شد. شعر ۲۶ در شرح منیر و رحیم هم وجود دارد.

۳- ن ۳۵، ۸، ۱ = همت؛ ن ۹ = هیئت؛ ن ۴، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = هیئت

۴- ن ۲۹ = نشاط؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۸، ۳۵ = نشان (در قصیده دیگر در همین زمین در همه نسخه‌ها که آن یافته شد "نشاط" هست و همین درست می‌نماید)

۵- این شعر در قصیده دیگر در مدح اکبر بادشاه هم یافته شد.

۶- ن ۳۵، ۸ = همت؛ شرح کارنامه = مرحمت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۹ = رحمت

۷- ن ۲۹ = چشمه؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱، ۱۷۰، ۳۵ و غیره = چهره

۸- این شعر در قصیده دیگر در مدح اکبر بادشاه هم یافته شد.

۹- شرح مسرت = با ابد گوید ازل؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید = با ازل گوید ابد

۱۰- ۶ = احوال؛ همه نسخه‌های دیگر = احوالم

۱۱- ن ۱۹ = اکنون مرا؛ ن ۸ = جان مرا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = حال مرا؛ ن ۱۷۰، ۱۷۱ = حال مرا؛ ن ۹؛

۲۸ سقمی؛ ۹ اینسان؛ ۶، ۱۷ = زین سان

۱۲- ن ۴ = طاعت و عفت تباه؛ ن ۱، ۸، ۳۵ = طاعت و عفت پناه؛ ن ۲۹ = طاعت و عفوّت پناه؛ ۲۸ = طاعت عفوّت پناه؛

ن ۲۴، ۳۳، ۱۸، ۱۷۰، ۱۷۱ = طاعت عفت تباه؛ ن ۲۰ = طاعت عفت پناه؛ ن ۹ = طاعت و عفوّت تباه

۱۳- شرح عجیب و غریب = تخت شورم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ = تیره بختی؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ تیره

بختم

سینه مد<sup>(۱)</sup> را الف بشکافد و بیرون جهد  
 چون<sup>(۲)</sup> در انشای<sup>(۳)</sup> پریشانی نویسم تیر آه  
 یوسف نفس مرا ز آسیب اخوان دور دار  
 کین حسودان مروّت سوز با این بیگناه  
 با فریب غول همرازاند<sup>(۴)</sup> در راه سلوک  
 با فسادِ گرگ انبازاند در نزدیکی چاه<sup>(۵)</sup>  
 تا اسیران محبّت را به جولانگاهِ دوست<sup>(۶)</sup>  
 احتمالِ سجده کردن مضمّر است اندر جباه  
 احتمالِ روسپیدی دور باد از آنکه او  
 جز بدرگاهِ تو شاید چهره در عذر گناه

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = سینه مد الف؛ ن ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰، ۳۵، ۲۹، ۱۷۸، ۶، ۵، ۳ = سینه مد را الف؛ ن ۴ = سینه را مد الف  
 ۲- شرح منیر = گر؛ همه نسخ کلیات = چون  
 ۳- ن ۴، ۵ (حاشیه)، ۳، ۲۹، ۳۵، ۱۷، ۸، مسرّت، قطب = انشای؛ ن ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، کارنامه، منیر، رحیم = اثنای  
 ۴- ن ۱، ۶، ۵، ۸، ۱۷ = همراز؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۵ و غیره = همزاد  
 ۵- به سلسله شرح این قطعه شفیع سنجعلی در کارنامه فیض نوشته: "اخوان کنایه است از پنج پسر شیخ مبارک..... چنانکه عرفی گوید:

این پنج گهر کز صدف یک پشت اند	در دست زمانه همچو پنج انگشت اند
گرفرد شوند در نظرها علم اند	ور جمع شوند بر دهن ها مشت اند

و وجه کنایه این است که روزی پادشاه بزم جشن آراسته بود. به ابوالفیض فرمود که چیزی بر حسب حال بگو. چون طبعش یاری نکرد، رخصت خواست که از خانه بجهت خاطر گفته آرم - منظور شد - در اثنای راه با عرفی ملاقات شد - عرفی گفت که به اضطراب تو در چنین روز جشن معلوم می شود که پادشاه فرمایش حسب حال کرده با تو گفت نعم - عرفی گفت من می فروشم - گفت ..... خریداری می کنم - پنج صره از برای صله می گذرانم - عرفی پنج هزار روپیه گرفت و گفت:

زان مطرب ببزم می زند دست بهم	کز بزم زمانه رم کند طایر غم
نی نی غلط گفتم که دستهای مطرب	از شادی نغمه دست بوسید بهم

ابوالفیض شادمان برگشت و بیادش رسید. پادشاه فرمود مگر از بازار خریدی که باین سرعت برگردیدی - گفت او را در دیوان خاص بملازمت خواهی آورد - ابوالفیض با برادران و غیره مشورت کرد تا که ملازمت او مصلحت نیست ..... کینه حسد آنها در دل عرفی جا گرفته ماند.  
 ۶- ن ۲۹ = حسن؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۳۵ و غیره = دوست

قصیده هفتاد و سوم  
قصیده در عزّت نفس<sup>(۱)</sup>

گر مردِ همتی ز مرّوت نشان مخواه  
صد جا شهید شو، دیت از دشمنان مخواه  
گر تشنه لب بمیری و ریزان شود صاحب  
تن<sup>(۲)</sup> زن بپام کعبه، نم از ناودان مخواه<sup>(۳)</sup>  
بستان ز جاج<sup>(۴)</sup> و در جگرافشان و نم<sup>(۵)</sup> مجوی  
بشکن سفال و<sup>(۶)</sup> در دهن انداز و نان مخواه  
کام<sup>(۷)</sup> از فلک مخواه<sup>(۸)</sup> و مراد از زمین مجوی  
ماه<sup>(۹)</sup> از زمین مجوی<sup>(۱۰)</sup> و وفا ز آسمان مخواه

بهار عجم: شعر ۷

- ۱- این قصیده در پیروی از قصیده خاقانی که به مطلع زیر آغاز می‌شود گفته شد:  
در ساحت زمانه ز راحت نشان مخواه      ترکیب عاقبت ز مزاج جهان مخواه  
میرزا غالب دهلوی مضمون این قصیده را در اردو باین طور گفته:  
بخود کوپ گر یقین اجابت دعا نه مانگ      یعنی بغیر یک دل بی‌مدعا نه مانگ
- ۲- ن ۱، ۵ = تنها؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = تن زن
- ۳- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد. در نسخه ۱۷ این بعد از شعر ۱۵ هست ولی در دگر همه نسخه‌ها این شعر دوم قصیده است.
- ۴- ن ۵، ۲۸، ۱۷۰ = ز جاج در مگیر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = ز جاج و در جگر
- ۵- ن ۶، ۱۷ و می؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ و غیره = و نم؛ ن ۲۸ = هم؟
- ۶- ن ۵، ۲۸، ۱۷۰ = سفال در دهن؛ همه نسخه‌های دیگر = سفال و در دهن
- ۷- ن ۱۹ = کام؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = خاک
- ۸- ن ۱، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بخواه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳ = مخواه
- ۹- در همه نسخه‌های لفظ "ماه" هست ولی "مهر" مفهوم را واضح‌تر می‌کند. از "خاک از فلک بخواه" و "ماه از زمین بجوی" مفهوم حصول ناممکنات روشن شود. ولی این معنی دور دراز می‌نمایند.
- ۱۰- ن ۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱، ۲۴، ۳۳، کارنامه = مجوی؛ ن ۱۷۰ = نجوی؛ ن ۱، ۴، ۸، ۱۷، ۳، ۲۹، ۳۵ = بجوی؛ ن ۲۸ = بخواه

ترصیع<sup>(۱)</sup> تخت و<sup>(۲)</sup> تاجت اگر خسروی دهد<sup>(۳)</sup>  
 بشکن کلاه<sup>(۴)</sup> و مسند و گوهر ز کان مخواه  
 گر ماه و آفتاب بمیرد، عزا مگیر  
 و<sup>(۵)</sup> تیر و زهره کشته شود، نوحه خوان مخواه  
 شریان ز پوست برکش<sup>(۶)</sup> و در کام<sup>(۷)</sup> تیغ<sup>(۸)</sup> نه  
 لب<sup>(۹)</sup> را گلو بگیر و ز قاتل امان مخواه  
 گر بی شهادت از در عشقت روان کنند  
 تیغ کرشمه و دلِ نا مهربان مخواه  
 گر مژده وصال رسد، در زمان بمیر  
 و ر بعد مرگ اگر برسد دوست، جان مخواه  
 طاووس همتی، سر منقار تیز کن  
 یعنی که بال و پر بکن و سایبان مخواه  
 مجلس به نوحه گرم کن، از کس<sup>(۱۰)</sup> نوا مجوی  
 خنجر به سینه تیز کن، از کس فسان مخواه  
 رو، بیضه را به سنگ زن ای هُدهِدِ بهشت  
 بر شاخ<sup>(۱۱)</sup> سدره جا<sup>(۱۲)</sup> مکن و آشیان مخواه

۱- ن ۸، ۲۹ = ترجیع؛ همه نسخه‌های دیگر = ترصیع

۲- ن ۶، ۱۷ = تاج و تخت؛ دیگر همه نسخ = تخت و تاجت

۳- ن ۳۵ = بود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۲۰، ۲۹، ۳۵ و غیره = دهد

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بشکن کلاه گوشه و گوهر؛ ن ۴ = کلاه مسند و گوهر؛ ن ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۷ = کلاه و مسند و گوهر

۵- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ = کز؛ ن ۳۵ = ور؛ ن ۱، ۲، ۶، ۹، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = گر

۶- بهار عجم؛ ۲۹ = بر؛ ن ۱۷ = ورکش؛ همه نسخ دیگر = برکش

۷- ن ۱۷ = پیش؛ همه نسخه‌های دیگر = کام

۸- ن ۳۵ = شیر؛ همه نسخه‌های دیگر = تیغ

۹- ن ۲، ۲۹ = دندان بلب فشارد؛ همه نسخ دیگر = لب را گلو بگیر و

۱۰- ن ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴ = از نی؛ ن ۲، ۳ = از پی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۳۵ = از کس

۱۱- ن ۱، ۵ = خاک؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = شاخ

۱۲- ن ۲۹ = خس مکش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = جا مکن



گر کعبه‌ات بزیر لب آرند لب بدوز<sup>(۱)</sup>  
 بر خاک بوسه ده،<sup>(۲)</sup> ز حرم آستان مخواه  
 ای<sup>(۳)</sup> مرغِ سدره<sup>(۴)</sup> در طیرانِ ابد بمان  
 منشین بشاخِ طوبی و اُنسِ مکان مخواه  
 آهوی عصمت از بگریزد ز صیدگاه  
 گیریای از کمند و شتاب از عنان<sup>(۵)</sup> مخواه  
 صد فوجِ بَرّه<sup>(۶)</sup> گر به یکی حمله بشکند  
 دندانِ گرگِ مشکین<sup>(۷)</sup> و منع از شبان مخواه<sup>(۸)</sup>  
 گر ناگهت بروی هوس دیده وا شود  
 بهر خراش<sup>(۹)</sup> تیزی نوکِ سنان مخواه  
 تا میزبانیت نکشد در خمِ<sup>(۱۰)</sup> غرور  
 تنها به طرف سفره نشین، میهمان مخواه  
 دنیا حلاوتی نرساند به کام کس  
 این لقمه را مناسبتی با دهان مخواه  
 دستان زنی و بال فشانی<sup>(۱۱)</sup> که دلگشاست  
 از کبکِ طالعِ من و زاغِ کمان مخواه

۱- ن ۴، ۹ (پاورقی)، ۱۷، ۲۹، ۱۷۰ = بدزد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = بدوز

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بوسه زن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ (پاورقی)، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = ده

۳- ن ۱، ۵ = هان؛ همه نسخه‌های دیگر = ای

۴- ن ۲۹ = روزه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = سدره

۵- شرح قطب، فیض‌یار، عجیب و غریب، ۱۸ (حاشیه)؛ ۳۳ (حاشیه) = کمان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = عنان

۶- ن ۱، ۵ (اصل)، ۳۵ = راه؛ ن ۵ (ترمیم)، ۸، ۱۷، ۲۹ = برّه

۷- ن ۲۹ = بشکن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = مشکین

۸- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = یافته شد.

۹- ن ۲۹ = سزاش؛ همه نسخه‌های دیگر = خراش

۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = خم غرور؛ ن ۸، ۳۵ = غم غرور

۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۱ = گشایی؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = فشانی

از من بگیر عبرت و کسبِ هنر مکن  
 از بختِ خود عداوتِ هفت آسمان مخواه  
 نامِ قبیله را مبر از فضلِ خود به عرش  
 تا نفعِ صور طنطنه دودمان مخواه  
 عرفی چه احتیاج که گویم<sup>(۱)</sup> بداستان  
 کاین از فلان مجوی و ز بهمان فلان مخواه  
 لب بستن از طلبِ روش همت است و بس  
 گفتم مخواه تن زن و صد داستان مخواه

### قصیده هفتاد و چهارم قصیده در حمدِ باری تعالی

ای متاعِ درد در بازارِ جان انداخته  
 گوهرِ هر سود در جیبِ زیان<sup>(۲)</sup> انداخته  
 نورِ حیرت در شبِ اندیشه اوصافِ تو<sup>(۳)</sup>  
 بس همایون مرغِ عقل از آشیان<sup>(۴)</sup> انداخته  
 از کمانِ ناجسته<sup>(۵)</sup> در چشمِ تحیر کرده<sup>(۶)</sup> جا  
 معرفتِ گر<sup>(۷)</sup> تیرِ حکمی بر نشان<sup>(۸)</sup> انداخته

خلاصه: ن: ۱، ۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴ بهار عجم: ۱، ۶، ۹، ۱۰

- ۱- شرح رحیم، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۹، ۱۷۱ = گوید؛ ن: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = گویم
- ۲- ن: ۹ = گمان؛ ن: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زیان
- ۳- ن: ۱ = او؛ همه نسخه‌های دیگر = تو
- ۴- ن: ۶ = آسمان؛ همه نسخه‌های دیگر = آشیان
- ۵- ن: ۲۹، ۳۰، ۱۸، ۳۳ = ناجسته؛ ن: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۳۵ و غیره = ناجسته
- ۶- شرح مسرت = کرد جا؛ شرح آرزو = کرد جای؛ شرح میرزا جان و همه نسخه‌های کلیات و قصاید = کرده جا
- ۷- ن: ۱، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، شرح مسرت = کو؛ ن: ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه، شرح آرزو، فارغ = گر
- ۸- خلاصه = بر کمان؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید = نشان

در چمن‌های محبت هر قدم چون کربلا<sup>(۱)</sup>

از نسیم عشوه فرش ارغوان انداخته

میهمانِ عرش را خوانده در خوانِ وجود (کذا)

وان گهش در قیدِ مستی استخوان انداخته<sup>(۲)</sup>

ای بطبع باغِ کون از بهرِ بریانِ حدوث

طرح رنگ‌آمیزی از<sup>(۳)</sup> فصلی خزان انداخته

سرعتِ اندیشه را افکنده در دامنِ تیر

عادتِ خمیازه در جیبِ کمانِ انداخته

مرغِ طبع اندر هوای معصیت نگشوده<sup>(۴)</sup> بال

عفو تو شاهینِ رحمت را بران انداخته

سایه پروردِ غمت در آفتابِ رستخیز

فرشِ استبرق بزیرِ سایبان انداخته

طعمه عشقِ ترا از مغزِ جان آورده‌ام

آن<sup>(۵)</sup> هما تا سایه براین استخوان انداخته

ای<sup>(۶)</sup> مذلّت را روایی<sup>(۷)</sup> داده در<sup>(۸)</sup> بازارِ عشق

عزّت و شان را ز اوجِ عزّو شأن انداخته

۱- شرح مسرّت = کربلاست ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۰ = چون کربلا (این بیت در بعضی نسخه‌های مهم کلیات عرفی مثل ۳، ۸، ۶، ۲۸، ۱۷، ۳۵ و غیره نیافته شد. در شرح مسرّت این بیت بعد از شعر نهم هست، در نسخ ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره این شعر ششم قصیده هست. در اثر موجوده ترتیب مطابق نسخه اول هست)

۲- این بیت تنها در نسخ ۲، ۲۲ بنظر در آمد.

۳- ن ۲۹، ۹، خلاصه، بهار عجم = طرح رنگ‌آمیزی ؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = طرح رنگ‌آمیزی از

۴- ن ۴، ۲۹ = بکشوده ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = نگشوده

۵- بهار عجم = این ؛ همه نسخه‌های دیگر = آن

۶- ن ۲۹، ۶، ۸، ۳۵ = این ؛ همه نسخه‌های دیگر مثل ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = ای

۷- ن ۹ (پاورق)، ۱۹ (حاشیه) = رواحی ؛ ن ۱، ۲ = روای ؛ ن ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = روایی

۸- ن ۱ = از ؛ همه نسخه‌های دیگر = در

هر کجا تاثیرِ غم را داده‌ای اذن<sup>(۱)</sup> عموم  
 شادیِ راحت‌فشان<sup>(۲)</sup> را ناتوان انداخته  
 زین خجالت چون برون آیم که دل در موجِ خون  
 نو عروسانِ غمت را موکشان انداخته  
 فیض را نازم که هر کس پا<sup>(۳)</sup> به راحت مانده است  
 دل بدست آورده و<sup>(۴)</sup> جان از میان انداخته<sup>(۵)</sup>  
 صیدِ دل را بهر آگاهی ز صیادِ ازل<sup>(۶)</sup>  
 در کمند<sup>(۷)</sup> طُورِ عنبرفشان انداخته<sup>(۸)</sup>  
 طعمه‌ای<sup>(۹)</sup> کز خوانِ عشق افکنده‌ای<sup>(۱۰)</sup> در کامِ دل  
 ریزه آن را جحیم اندر دهان انداخته  
 شرح گوید منع لب کن عشق گوید نعره زن  
 کای<sup>(۱۱)</sup> تو هم در راهِ عشق خود عنان انداخته  
 دولتِ وصلت که در یابد؟ که با آن محرمی  
 جوهرِ اوّل علم بر آستان<sup>(۱۲)</sup> انداخته

- ۱- ن ۹ (پاورقی) = داده باشی بار عام؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = داده‌ای اذن عموم  
 ۲- ن ۹ (پاورقی)، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = راحت‌نشان؛ ن ۱، ۳۳، ۲۴، ۱۸، ۹، ۳۵ = راحت‌فشان؛ ن ۶ = رحمت‌فشان  
 ۳- ن ۵ (حاشیه)، ۱۷ = را؛ ن ۳، ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱ = پا  
 ۴- کارنامه = آورده جان را از؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آورد و جان را از؛ ن ۳، ۵ (حاشیه)، ۱۷ = آورده و جان از  
 ۵- این بیت در چند نسخ خیلی مهم مثل ۱، ۲، ۲۹، ۳۵ و غیره نیافته شد.  
 ۶- ن ۱ = اجل؛ ن ۳، ۲۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ و غیره = ازل  
 ۷- ن ۹ = دل بدست؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = در کمند  
 ۸- این بیت هم در چند نسخه‌های خیلی مهم مثل ۲، ۴، ۶، ۳۵ نیافته شد.  
 ۹- ن ۱ = لقمه‌ی؛ ن ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = طعمه‌ای  
 ۱۰- ن ۲۸، ۱۷۱، ۳۳، ۲۴، ۲۰، ۱۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = افکنده‌ام؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = افکنده‌ای  
 ۱۱- ن ۱، ۵ (اصل) = کای تو اندر راه عشق خود؛ ن ۲۹، ۳۵، ۵ (درست شده)، ۱۸، ۲۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۶، ۲، ۳، ۸، ۱۷۱ = کی  
 تو هم در راه عشق خود؛ ن ۹ = ای تو هم در ره عشقت؟  
 ۱۲- ن ۶ = بر آسمان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = در؛ ن ۲۹، ۲۸، ۹، ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بر آستان

حیرت<sup>(۱)</sup> حُسنِ ترا لازم که در بزمِ وصال  
جام آبِ زندگی از دستِ جان انداخته  
وصفِ صنعتِ کز لبِ پر ذره می‌ریزد<sup>(۲)</sup> برون  
نطق را در معرضِ عقداللسان انداخته  
در<sup>(۳)</sup> ثنایت چون گشایم لب که برقِ ناکسی  
منطقم<sup>(۴)</sup> را آتش اندر خانمان<sup>(۵)</sup> انداخته  
مستِ ذوقِ عرفیم کز نغمه توحید تو  
لذتِ آوازه در کام جهان انداخته  
من که باشم<sup>(۶)</sup> عقلِ گُل را ناوک اندازِ ادب  
مرغِ اوصافِ تو از اوجِ بیان انداخته  
کرده از عرفان لباسِ عجز را دامن دراز  
کوتهی در جیبِ عقلِ نکته‌دان انداخته<sup>(۷)</sup>

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = غیرت حسن ؛ ن ۳ = جلوه حسن ؛ ن ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = حیرت حسن

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = می‌آید ؛ ن ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = می‌ریزد

۳- ن ۲۹، رحیم = بر ؛ همه نسخه‌های دیگر = در

۴- ن ۲ = آتش در مشت خاشاک بیان ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = منطقم را آتش اندر

۵- ن ۱۷، ۲۹، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹ و غیره = خانمان ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۳۵ = خان و مان

۶- ن ۲ = من کیم روح‌الامین را ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = من که باشم عقل کل را

۷- در نسخه‌های چاپی قصاید مثل ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰ و غیره و هم در نسخه ۲۸ این بیت بعد از شعر پانزدهم یافته شد. در نسخه اول این بیت آخرین قصیده است - در نسخه‌های ۲۹، ۳۵، ۵ این شعر وجود نداشت ولی در نسخه پنجم آن را به حاشیه اضافه کردند.

قصیده هفتاد و پنجم  
 قصیده دو مطلعین در منقبتِ امیرالمومنین امام‌المتقین اسدالله الغالب  
 علی ابن ابی طالب کرم‌الله وجهه

ز تابِ شمعش مهر سایه بهر پناه  
 سزد که بگسلد از شخص و پیش گیرد راه  
 فروغِ مهر به تفسیدگی<sup>(۱)</sup> چنان گردید  
 که شعله بر سرِ خود زد ز دودِ دل خرگاه  
 شود برشته چو ماهی درونِ<sup>(۲)</sup> روغنِ گرم  
 چو عکسِ ماه نو افتد درین هوا به میاه  
 ز هم‌رهی صبا<sup>(۳)</sup> پرتوِ شهاب دهد  
 ز بس که تابِ هوا بر فروخت گونه<sup>(۴)</sup> کاه  
 سزد که شعله چو ماهی ز عکسِ خود<sup>(۵)</sup> گه موج  
 ز فرطِ شدتِ<sup>(۶)</sup> گرما کند در آب شنا  
 مگو در آینهٔ آب عکسِ مهر افتاد  
 که آفتاب ز گرما در آب<sup>(۷)</sup> بُرد پناه  
 ز غایتِ اثرِ حدتِ هوا شاید  
 که گرمی جگرِ موم گردد<sup>(۸)</sup> آتشگاه

خلاصه: اشعار ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰

۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۲ = تفسیدگی؛ ن ۳، ۸، ۳۵ = تفسندگی؛ ن ۵ = تفتندگی؛ ن ۹ = تفتیدگی

۲- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = درون؛ ن ۹ (پاورق) = میان

۳- ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸ و غیره = صبا؛ شرح رحیم = هوا

۴- ن ۱۷ = چهره؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ و غیره = گونه

۵- ن ۲۸ = ز عکسِ خود در موج؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹ = ز عکسِ خود گه موج؛ ن ۸ = برد به آب پناه؛ ن ۱، ۳۵ = برد پناه به آب

۶- ن ۲، ۹ (پاورق)، ۲۸، ۲۹ = شدت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = حدت

۷- ن ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲، ۹، ۱۸، ۱۷۱ = برد به آب پناه؛ ن ۵ = در آب برد پناه؛ ن ۳۵ = بسایه برد پناه

۸- ن ۱، ۳۵ = آه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = گردد

بـغایتی شده آتش اثر<sup>(۱)</sup> ز گرما<sup>(۲)</sup> روح  
 که دستِ مرگ بود از تصرّفش کوتاه  
 نه آب را متموّج کند وزیدنِ باد  
 که شخصِ موج<sup>(۳)</sup> ز گرما کند در آب شناه  
 همین نه شخصِ پناه آورد به سایه و بس  
 که سایه نیز ز گرما<sup>(۴)</sup> برد به شخص<sup>(۵)</sup> پناه  
 چنین<sup>(۶)</sup> که شهر زیون شد ز تابِ مهر سزد  
 که بهر نطع کشد پوست از برش روباه  
 ز تابِ مهر تنور سپهر<sup>(۷)</sup> تافته شد  
 چنانکه معرکه، کین<sup>(۸)</sup> بگاہِ حدّتِ شاه  
 شه سریر ولایتِ امام<sup>(۹)</sup> خطّه شرع  
 محیطِ عالمِ دانشِ علی ولیّ اللّه  
 شہی که بر قدم و فرق او ز رفعت و قدر  
 نسوده چهره سریر و نداده بوسه کلاه<sup>(۱۰)</sup>  
 همای حفظش اگر سایه بر جهان فکند  
 امان دهد قصبِ سایه را ز آفتِ ماه

۱- ن کارنامه = نفس ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه و غیره = اثر

۲- ن ۹ = ز گرما جان ؛ ن ۲ = ز گرمی روح ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۸، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۳، ۲۹، ۲۸، ۳۵ و غیره = روح ؛ ن ۹ (پاورق) =

رخ

۳- ن شرح رحیم = آب ؛ همه نسخ کلیات و قصاید = موج

۴- ن ۴، ۲۸ = زمانی ؛ همه نسخ بشمول ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = ز گرما

۵- ن ۸ = ۳۵ = برد به آب ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۴، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = برد به شخص

۶- ن ۲۹ = چنان که ؛ همه نسخه‌های دیگر = چنین که

۷- شرح رحیم = فلک بتافته گرم ؛ همه نسخه‌های دیگر = سپهر تافته شد

۸- ن ۴ = معرکه رزمگاه حدّت شاه ؛ ن ۲۹ = معرکه کین بگاہ ضربت شاه ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۳۵ = معرکه کین بگاہ

حدّت شاه ؛ ن ۱۷ = معرکه کین بوقت حدّت شاه

۹- خلاصه = علی عالی قدر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = امام خطّه شهر ؛ ن ۱۷۰

= امام خطبه ؛ ۹ (پاورق) = امیر خطّه شرع

۱۰- این دو اشعار (اشعار ۱۴، ۱۵) تنها در نسخ ۱، ۸، ۱۷، ۳۵ و خلاصه‌الاشعار یافته شدند.

شهی که از رحم اطفال سرنگون آیند  
 که بهر سجده او بر زمین نهند جباه<sup>(۱)</sup>  
 زهی فروغ ضمیر تو شمع بزمِ رسول<sup>(۲)</sup>  
 زهی وجود شریف تو ختمِ صنع اله  
 اگر<sup>(۳)</sup> اشاره کند حکمِ تو،<sup>(۴)</sup> سزد که نسیم  
 بپای برق نهد سلسله ز موجِ میاه<sup>(۵)</sup>  
 فلک به خاکِ بلند آستانِ دولت تو<sup>(۶)</sup>  
 امید بوسه ندارد ز قامتِ کوتاه<sup>(۷)</sup>  
 طوافِ کوی تو سرمایه تجارتِ قدر<sup>(۸)</sup>  
 صفاتِ قدرِ تو پیرایه تجمل و<sup>(۹)</sup> جاه  
 بجان حادثه آن کرده‌ای بناوکی خشم<sup>(۱۰)</sup>  
 که تُرکی چشمِ بتان با دل از خدنگِ نگاه  
 چنان<sup>(۱۱)</sup> که دیده عفوت براهِ عصیان است  
 سزد که عین ورع گردد ارتکاب گناه  
 ز بحرِ طبع بر آورده پُر گهر صدفی  
 به تحفه آورم اینک نثارِ حضرت شاه

۱- این بیت تنها در خلاصه‌الاشعار یافته شد.

۲- شرح عجیب و غریب = رُسل؛ همه نسخه‌های دیگر = رسول

۳- ۱۷ ن = ۱۷؛ اگر؛ ۱، ۵، ۸، ۳۵، خلاصه = وگر

۴- ۱۷ ن = ۱۷؛ خلاصه = تو؛ ۱، ۵، ۸، ۳۵ = او

۵- این بیت تنها در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ بنظر در آمد و در خلاصه‌الاشعار نیز وجود دارد.

۶- ۵ ن = ۵؛ درگه او؛ ۱، ۵، ۸، ۳۵ = دولت او؛ ۱۷ ن = دولت تو

۷- این بیت تنها در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ بنظر در آمد و در خلاصه‌الاشعار نیز وجود دارد.

۸- ۹ ن = تجارت مهر؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = تجارت قدر؛ ۵ ن = نجات قدر

۹- ۹ ن = تجمل ماه؛ ۲۸، ۹ (حاشیه) = تجمل جاه؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹، ۳۵ = تجمل و جاه

۱۰- ۱۷، ۸، ۴، ۱ = بناوکی چشم؛ ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۲ = خلاصه = ناوکی خشم

۱۱- ۱۸، ۹، ۱، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = چنان؛ ۲۹ (حاشیه)، ۲، ۵، ۳، ۸، ۲۸، ۳۵ = چنین



ز فیض گلشنِ روی تو چون شوم آگاه<sup>(۱)</sup>

که سوزد آتشِ حُسنِ تو بالِ مرغِ نگاه

چه سود ازین که ز شوق لبِ شدم همه جان

چنین که آتشِ سودای دل بود جانگاه

برویِ رحم<sup>(۲)</sup> بدان گونه بسته‌ای در دل

که ذوق<sup>(۳)</sup> کشتنِ من<sup>(۴)</sup> در دلت ندارد راه

جوگیری آینه در کف ز شوقِ عارضِ خویش

ازان کسرشمه نرگس وز آن فریبِ نگاه

شود مثال در آینه مضطرب زانسان

کز اضطرابِ دل<sup>(۵)</sup> آبِ عکسِ عارضِ ماه

نداری<sup>(۶)</sup> آینه را<sup>(۷)</sup> پیشِ رو<sup>(۸)</sup> به چندین شوق<sup>(۹)</sup>

اگر ز چاشنیِ حیرتم<sup>(۱۰)</sup> شوی آگاه<sup>(۱۱)</sup>

بیادِ روی تو چون آهِ جانگداز<sup>(۱۲)</sup> کشم

بصورتِ تو سزد گر برآید<sup>(۱۳)</sup> آتش<sup>(۱۴)</sup> آهِ

۱- ن ۱، ۸، ۵، ۳۵ = شدم همه جان؛ ن ۲، ۴، ۵ (ترمیم شده)، ۱۷، ۲۹، ۲۴، ۳۳، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱، ۲۸ = شوم آگاه؛ ن ۹ = شود آگاه

۲- ن ۴، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۱۷۱ = زخم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = رحم

۳- ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = شوق؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۳۵، ۹ (پاورق)، ۱۷، قطب، رحیم = ذوق

۴- ن ۱، ۳۵ = کشتن حسن تو بالِ مرغِ نگاه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = کشتن من در دلت ندارد راه؛ ن

۹ (پاورق) = کشتن من در دلت نیاید راه؛ ن ۲۸ = کشتن من در دلت ندارد راه

۵- ن ۲۹ = کز اضطرابِ دل عکسِ آبِ عارضِ ماه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵، ۳۵، ۲۸، ۳۵ = کز اضطرابِ دل

آبِ عکسِ عارضِ ماه

۶- کارنامه = نگیری؛ همه نسخه‌های قصاید و کلیات = نداری

۷- ن ۱۷ = در؛ ن همه نسخه‌های دیگر = از

۸- کارنامه = پیش ازین؛ همه نسخه‌های دیگر = پیشِ رو

۹- ن ۱، ۸، ۵، ۳۵ = ذوق؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰، رحیم و غیره = شوق

۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹ (پاورق)، ۵، ۳۵ = حسرتم؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷ = حیرتم

۱۱- ن ۹ (پاورق) = شود مثالِ جمالتِ دلیلِ شوقِ دلم اگر بجاشنیِ حسرتم شوی آگاه

۱۲- ن ۲ = دردناک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = جانگداز

۱۳- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = برآرد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = برآید

۱۴- ن ۱۷ = از من آهِ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = آتش آهِ

زنی به تیغم و فریاد از شریعتِ عشق  
 که آرمیدن کفر است و اضطراب گناه  
 چنان ز لطف<sup>(۱)</sup> تو نظارگی هجوم آورد  
 که عارض<sup>(۲)</sup> تو نبینم ز ازدحام نگاه  
 زهی بخنده گشوده<sup>(۳)</sup> ز کارِ غصه<sup>(۴)</sup> گره  
 زهی به عشوه ربوده<sup>(۵)</sup> ز فرقِ فتنه کلاه  
 ز شهید<sup>(۶)</sup> مزده لطف<sup>(۷)</sup> تو کام جان شیرین  
 به عهد و عده وصل تو عمرِ غم کوتاه  
 عنانِ عشوه<sup>(۸)</sup> نگاهِ تراست<sup>(۹)</sup> دست آویز  
 بساطِ فتنه خرام<sup>(۱۰)</sup> تراست جولانگاه  
 دلِ زمانه هراسان ز چشمِ ظالم تو  
 چنانکه فتنه ز آسیبِ عدل شاهنشاه<sup>(۱۱)</sup>  
 شها منم که بلا را بجز فضای<sup>(۱۲)</sup> دلم  
 بگاوِ عرض<sup>(۱۳)</sup> سپه نیست عرض<sup>(۱۴)</sup> گاه سپاه

- ۱- شرح عجیب و غریب = حسن؛ همه نسخه‌های قصاید و کلیات = لطف  
 ۲- ن ۱، ۵، ۳۵ = که عارضت نتوان دید از علوی نگاه؛ ن ۲، ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = که عارض تو نه بینم ز ازدحام نگاه  
 ۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گشودی؛ ن ۱۷ = گشاده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = گشوده  
 ۴- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بسته؛ ن ۹ (پاورقی) = گریه؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = غصه  
 ۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ربودی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ربوده  
 ۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = ز فیض؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ز شهید  
 ۷- ن ۱، ۵، ۱۷ = وصل؛ همه نسخه‌های دیگر = لطف  
 ۸- ن ۲ = عشق؛ همه نسخه‌های دیگر = عشوه  
 ۹- شرح رحیم = مرا؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید = ترا  
 ۱۰- ن ۳ = خرام سمند؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = سمند تراست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = خرام تراست  
 ۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = عدل شاهنشاه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = عدل شامل شاه  
 ۱۲- ن ۳، ۸، ۲۰، ۱۷۱، ۱۷، ۹ = قضای؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = فضای  
 ۱۳- ن ۱، ۵ = سالی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = عرض  
 ۱۴- ن ۹ (پاورقی) = جای عرض سپاه؛ ن ۱، ۳ = عزم گاه سپاه؛ ن ۲ = عرصه گاه پناه؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = عرض گاه

باین<sup>(۱)</sup> غرض که شود حسرت<sup>(۲)</sup> فزون دایم<sup>(۳)</sup>

زمانه یوسف عیشم نماید از تو چاه

زهی امید طواف تو رهنمای مراد

زهی سجود جناب<sup>(۴)</sup> تو آبروی جباه

شدم هلاک ز حرمان، خوش آن زمان که شوم

بخاکبوسی کوی تو چون سپهر دو تاه

چنان نیازفشانی کنم که عشق برد

خمیر مایه عجز از غبار آن درگاه

زهی محبت آل تو پای مزد ورع

زهی<sup>(۵)</sup> حمایت لطف تو دستگیر گناه

ز روی لطف به فریاد رس مرا چو<sup>(۶)</sup> به حشر

بپایت اُفتم و گویم که حسبه للّه

منم غلام تو عرفی مهل<sup>(۷)</sup> مرا، که سزد

بحال من بگشایی لب شفاعت خواه

### قصیده هفتاد و ششم<sup>(۸)</sup>

قصیده ناتمام در مدح شهنشاه جلال الدین محمد اکبر

بسکه از ذوق تماشای تو می رقصد نگاه

می نماید نقطه جواله آن خال سیاه

۱- ن ۲۹ = بآن؛ ن ۱۷ = بدین؛ همه نسخه های دیگر = به این

۲- ن ۲۹، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱، ۱۷۰ = حیرتم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = حسرتم

۳- ن ۱۷، ۱۷۰ = دانم؛ همه نسخه های دیگر = دایم

۴- ن ۳۵ = حیات؛ همه نسخه های دیگر = جناب

۵- شرح رحیم، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = خهی؛ ن ۹ = گهی؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زهی

۶- ن ۲ = که؛ همه نسخه های دیگر = چو

۷- ن ۱، ۳، ۵، ۲۸، ۳۵، ۱۸ (حاشیه)، ۲۰، ۳۳ (حاشیه) = محل بود که لطف؛ ن ۲، ۱۸، ۳۳، ۱۷۱ = مهل بود که لطف؛ ن ۲۹ =

خجل بود که لطف؛ ن ۹ = مهل مرا که سزد

۸- این اشعار قصیده تنها در نسخ ۱، ۱۷، ۱۷۲ یافته شدند.

گر تماشای خود از آینه جانم کنی  
 گرددت چون ..... کاکل ..... نگاه<sup>(۱)</sup> (کذا)  
 عشق<sup>(۲)</sup> دامن برگشاید از<sup>(۳)</sup> نسیم باغ وصل  
 یاسمین ریز است سنبل دسته بر بخت سیاه  
 حُسن هم دامن برقع بر زند کز شهر<sup>(۴)</sup> عشق  
 تحفه ریز آمد امید و خوشه چین آمد نگاه  
 بر نخیزد چین ز روی چین مگر در اوج عرش  
 بسکه جنبان<sup>(۵)</sup> نقطه‌ها بر هم کند انداز راه  
 تا کی از آرایش شادی و تعمیر ملال  
 ترکنم<sup>(۶)</sup> دامن لفظ و مایه معنی تباه  
 گو مصیبت بر خروش و چاک زن جیب لباس  
 عافیت گو هرزه خند<sup>(۷)</sup> و بر شکن طرف کلاه  
 مرغِ اوج همتم، بالی بهم بر می‌زنم  
 می‌برم بر آستانِ مدح اکبر پادشاه  
 گر به تحسینم بیک جنبش کنی طرف کلاه  
 هر نفس صد ماه کنعانی برون آرم ز چاه  
 دست حفظت بهر چابک خیزی و بر بستگی  
 بر میان شعله می‌بندد نطق از برگ کاه<sup>(۸)</sup>

۱- این بیت تنها در نسخه ۱۷ دیده شد.

۲- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = عشق؛ ن ۱۷ = پیش

۳- ن ۱۷، ۱۷۲ = کز؛ ن ۱، ۵ = از

۴- ن ۱ = کز بهر عشق؛ ن ۵ = گر بهر عشق؛ ن ۱۷۲ = کز شهر عشق؛ ن ۱۷ = گر شهر عشق

۵- ن ۱۷ = بسکه جنبد حلقه‌ها بر هم کند آواز آه؛ ن ۵، ۱۷۲ = بسکه جنبان نقطه‌ها بر هم کمند انداز راه؛ ن ۱ = بسکه جنبان نقطه‌ها بر هم کند انداز راه

۶- ن ۱ = برکنم؛ ن ۵، ۱۷، ۱۷۲ = ترکنم

۷- ن ۱، ۵ = گو و؛ ن ۱۷، ۱۷۲ = خند و

۸- اشعار ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷ در نسخه هفدهم نیستند ولی این همه اشعار در قصیده هفتاد و دوم هم یافته شدند. چنان می‌نماید که در سوادت مغشوش آنها شامل هر دو قصاید بودند. پس سراجا آنها را در هر دو قصاید شامل کرد ولی ناظم تبریزی آنها را در قصیده ۷۲ شامل کرد.

شاخ شاخ و برگ برگش جمله برهم ریختند  
 تا ز باغِ همت<sup>(۱)</sup> خواندیم طوبی را گیاه  
 توشه گیر انتفاع<sup>(۲)</sup> از زیورِ جودِ تو جود  
 خوشه چینِ ارتفاع از مزرعه جاهِ تو جاه  
 از خیالِ هیبت اندیشه میرد در ضمیر  
 وز نشاطِ آستانت بوسه رقص در جباه  
 شاهدِ عدلت بدست خلق در ایوان<sup>(۳)</sup> دهر  
 سنبلی و ریحان فشاند فتنه را در خوابگاه  
 بسکه دستِ همت<sup>(۴)</sup> آرایش هر چهره<sup>(۵)</sup> کرد  
 عشق می‌ورزد بحسنِ یاس و امید اشتباه  
 نخلِ سرسبزی طرازِ مهر و پای نازکت  
 ریشه در مسند دواند طره در مغزِ کلاه  
 گر محیطِ رای تو بر چرخ گردون موج ریز  
 دامنِ موجش بروید چشمه خورشید و ماه

### قصیده هفتاد و هفتم<sup>(۶)</sup>

اسم ممدوح قصیده معلوم نیست - ممکن است که در  
 مدح پری خانم خان، دختر شاه طهماسب باشد

این سخن مدحی که می‌سنجی گناه است این گناه  
 دست و پای خود ببند آنگه به مدحش کن شناه

۱- ن ۱، ۵، ۱۷ = همت؛ ن ۱۷۲ = تهمت

۲- ن ۱۷۲ = انتفاع؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = انقطاع

۳- ن ۱، ۵، ۱۷ = میزان؛ ن ۱۷۲ نیز در قصیده ۷۲ هم = ایوان

۴- در قصیده ۷۲ "رحمت" هست

۵- ن ۱، ۵، ۱۷ = حجره؛ ن ۱۷۲ و قصیده

۶- این اشعار قصیده تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ یافته شدند

گوش و لب نامحرمِ اوصافِ دستانِ وی‌اند  
 باز کرد این<sup>(۱)</sup> نغمه بر دل ریز<sup>(۲)</sup> و هوشم را نگاه (کذا)  
 در ازل عزمِ تماشای تو کرد از بهرِ آن  
 احتسابِ صنع روی مردمک دارد سیاه  
 با وجودِ یادِ او<sup>(۳)</sup> مستحضرانِ صرف را  
 جُز موث می‌نماید<sup>(۴)</sup> صیغه‌ای در ذهنِ راه  
 گرد دلِ اهلِ ملال از عفتش<sup>(۵)</sup> یاد آورد  
 ماتی را<sup>(۶)</sup> روشنایی لب نگردد دودِ آه  
 دیده نادانسته<sup>(۷)</sup> بیند گز بجولانگاه<sup>(۸)</sup> تو  
 پای رجعت را به دامن بشکند نورِ نگاه  
 چون به تارک بر نهد<sup>(۹)</sup> مرئی نگردد تا ابد  
 آفتاب از برقعِ رویش اگر سازد کلاه  
 گر نهم منتِ بسان عرش گویم بی حجاب  
 کای به شبه ساقِ لالایانِ آن عصمت پناه  
 طوقِ لعنت گربه گردن بنگرد ابلیس وار  
 از ملایک هر که را بر ساقِ عرش افتد نگاه

۱- ن ۱۷ = ای؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = این

۲- ن ۱۷۲ = ریزه؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = ریزو

۳- ن ۱۷ = آن؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = او

۴- ن ۱ = می‌نماید؛ ن ۱۷، ۱۷۲ = می‌نماید؛ ن ۵ = می‌نماید؟

۵- ن ۱، ۵، ۱۷ = عفتیش؛ ن ۱۷۲ = عقیبش؟

۶- ن ۱۷ = ماتی را؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = ماتی

۷- ن ۱۷۲ = نادانسته؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = نادانسته

۸- ن ۱، ۵، ۱۷۲ = تو؛ ن ۱۷ = او

۹- ن ۱۷ = برفتد؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = برنهد

قصیده هفتاد و هشتم<sup>(۱)</sup>

اسم ممدوح قصیده معلوم نیست

مرحبا این<sup>(۲)</sup> همه توفیقِ زمین بوسی شاهاین<sup>(۳)</sup> سراپا اثرِ زمزمه و شوقِ نگاه

فی المثل حلمِ تو گر سایه بر اجرام کند

متحرک نشود نور چو آیینه ز ماه

در محالیتِ شبه تو سخن داشت خرد

بسکه از واقعه می گشت حضورِ اشباه

قدمِ عهدِ تو گر اصلِ حوادث گیرند

طی شود صد ازل اندر نسبِ هفته و ماه

بشنو این واقعه و دست به دل مان<sup>(۴)</sup> و مخند

که رهی را چه فراز آمد ازان وحشتگاه

رو در آن بادیۀِ حادثه خیز آوردم

که به فتویِ قدر هست دران یکشبه راه

آمدن سوی تو بی بدرقه و توشه ثواب

رفتن کعبه به صد قافله حاج گناه<sup>(۵)</sup>اندر آن ره ز صدای قدم راهزنان<sup>(۶)</sup>

دمبدم جای بدل می کند از بیم نگاه

در زمین از<sup>(۷)</sup> شکم مور بدوزند کمر

در هوا از سر همدند بریابند کلاه

۱- این قصیده ناتمام تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷، ۱۷۲ = یافته شد.

۲- ۱۷ ن = ای؛ ۱، ۵، ۱۷ = این

۳- ۱۷ ن = ای؛ ۱، ۵، ۱۷ = این

۴- ۵، ۱ = بدامان؛ ۱۷، ۱۷۲ = بدل مان

۵- در نسخه ۱۷ این شعر بعد از شعر چهارم (بطور شعر پنجم) است و بعد آن شعر ششم است و پس آن شعر پنجم است - اینجا ترتیب مطابق نسخه های ۱، ۵، ۱۷۲ هست.

۶- ۱۷ ن = راهزنان؛ ۱، ۵، ۱۷۲ = راه روان

۷- ۱، ۱۷۲ = ار؛ ۵، ۱۷ = از

به گمانِ ستم اندیش ز جنیدنِ باد

همچو تکسیرِ صور مکت کند موجِ میاه<sup>(۱)</sup>

صبحِ آن ناصیه تا چاشت بود در پسِ کوه

بسکه از بیمِ حرامی نتوان خواست نگاه<sup>(۲)</sup>

روی لیلی شود از ناصیه کوپِ مجنون

دیده نگشاید<sup>(۳)</sup> از اندیشه آن وحشتگاه

شیرِ آن ناحیه در مصلحتِ رفعِ خطر<sup>(۴)</sup>

پنجه خویشتن برد تحفه به نزدِ روباه

گرگِ آن بادیه را افکند از عطسه میش

وهم چون آهویِ کنگان چرد اندر تو چاه

### قصیده هفتاد و نهم

#### توبه نامه

وز <sup>(۶)</sup> کرده <sup>(۷)</sup> ناصواب توبه	کردم ز شرابِ ناب توبه
با تشنگی <sup>(۸)</sup> از گلاب توبه	می ساختمش بباده ممزوج
باتشنه لبی ز آب توبه	در لفظِ شراب چون بود آب
صد بار ز شهد ناب توبه	در وصف به باده چون شریک <sup>(۹)</sup> است
شاید <sup>(۱۰)</sup> که کنم ز خواب توبه	تا باده به خواب هم نیبم

۱- ن ۵ = میاه ؛ ن ۱، ۱۷، ۱۷۲ = سپاه

۲- ن ۵ = بکاه ؛ ن ۱، ۱۷، ۱۷۲ = نگاه

۳- ن ۱۷ = بگشاید ؛ ن ۱، ۵، ۱۷۲ = نگشاید

۴- ن ۱۷۲، ۵ = خطیر ؛ ن ۱، ۱۷ = خطر

۵- ن ۱۷۲، ۱۷ = گرگ آن بادیه را ؛ ن ۱، ۵ = که گر آن بادیه را

۶- ن ۳۵، ۸ = وزن ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷۰ = وز

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = کرده ؛ ن ۹، ۱۸، ۳۳، ۱۷۱ = گفتند

۸- ن ۲ = باتشنگی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، ۱۷۰ = بی خستگی

۹- ن ۱ = شرنگست ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شریک است

۱۰- ن ۱، ۵ = صد بار کنم ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = صد سال کنم ؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳، ۲۸ = شاید که کنم



مستانه اگر رود سمندم  
 گر عرض کنم زیانِ مستی  
 گر دردِ ندامتم بسنجد  
 می‌دیدم و پیچ و تاب خوردم  
 چون دیده<sup>(۴)</sup> ز توبه لذتم<sup>(۵)</sup> کرد  
 هر دم<sup>(۷)</sup> ز نجاتِ گناهانم  
 صد فوج گنه کشد<sup>(۸)</sup> به یک دم  
 دل توبه‌کنان و نفس گوید  
 در عهد شباب توبه کردم  
 در کشور هندِ عشرت‌انگیز  
 میلیم به فغان و شیون اولی‌ست  
 حُسنِ تنک<sup>(۱۲)</sup> بتان چه<sup>(۱۳)</sup> بینم  
 لب زهرِ ترانه‌چند ریزد  
 از درگه‌مرگ باز گشتم

پسایم کنند از رکاب توبه<sup>(۱)</sup>  
 از نشئه کند شراب توبه<sup>(۲)</sup>  
 ز آسیب کند عذاب توبه<sup>(۳)</sup>  
 از خوردنِ پیچ و تاب توبه  
 از زهر<sup>(۶)</sup> شرابِ ناب توبه  
 صد بره کند کباب توبه  
 چون تیغ کشد<sup>(۹)</sup> قراب توبه  
 از توبه ناصواب توبه  
 ایمن باد از<sup>(۱۰)</sup> شباب توبه  
 کی دیده کسی<sup>(۱۱)</sup> به خواب توبه  
 ز آهنگِ نی و ریاب توبه  
 از دیدنِ آفتاب توبه  
 در ریزشِ این لعاب توبه  
 تا گفت عنان بتاب توبه

۱- این شعر در میان اشعار ۱۲ و ۱۳ یافته شد. در نسخه موجوده ترتیب مطابق نسخه‌های ۱، ۵، ۵ هست

۲- این شعر در میان اشعار ۱۲ و ۱۳ یافته شد. در نسخه موجوده ترتیب مطابق نسخه‌های ۱، ۵، ۵ هست

۳- این شعر در میان اشعار ۱۲ و ۱۳ یافته شد. در نسخه موجوده ترتیب مطابق نسخه‌های ۱، ۵، ۵ هست

۴- ن ۲، ۳، ۹، ۲۰ = دیده؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = دید

۵- ن ۱۹ = از ستم کرد؛ همه نسخه‌های دیگر = لذتم کرد

۶- ن ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۳، ۱۷۱، ۲۸ = از راه زنی شراب؛ ن ۱، ۵، ۳۵، ۲۹ = رهزنی شراب؛ ن ۱۷ = از زهر

شراب ناب

۷- ن ۱ = مردم؛ همه نسخه‌های دیگر = هر دم

۸- ن ۳۵ = کند؛ همه نسخه‌های دیگر = کشد

۹- ن ۱، ۳۵ = کند کباب؛ ن ۲۹ = کند عذاب؛ ن ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = کشد قراب

۱۰- ن ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۸ = باز از بی شباب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵، ۲۸ = ایمن باد از شباب؛ ن ۹ (پاورق) = ایمن یابد از

شراب

۱۱- ن ۱۹ = کنی؛ ن ۱۷ = کشد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کسی

۱۲- شرح رحیم = تنک این بتان؛ همه نسخه‌های کلیات = حسن تنک بتان

۱۳- ن ۱۷، ۲۸ = چو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ و غیره = چه

آنرا که درنگ توبه روزیست	عمرش کند از شتاب <sup>(۱)</sup> توبه
در حالتِ بیمِ موت کاندم	بیدار شود ز خواب توبه
ز <sup>(۲)</sup> اندیشه مرگ توبه کردم	وان را نکنم حساب توبه
چون صحت یافتم ز تشویش	از <sup>(۳)</sup> صحبتِ ناصواب <sup>(۴)</sup> توبه
نو توبه شدم که خانه <sup>(۵)</sup> فسق	بی شبهه کند <sup>(۶)</sup> خراب توبه
زین بس من و عزلت و عبادت	از <sup>(۷)</sup> صحبتِ شیخ و شاب توبه
از هر که نه اهلِ شرع، پرهیز	وز <sup>(۸)</sup> هر چه نه در کتاب، توبه
گردد <sup>(۹)</sup> همه گوش و لب ببندد <sup>(۱۰)</sup>	با هر که کند خطاب توبه
گو، حور و ملک سؤال می کن	من کرده ام از جواب توبه
از توبه مناز <sup>(۱۱)</sup> تا نگردد	بی مغز تراز حباب توبه
عرفی چه کنی به توبه نازش	هشدار که شد خراب توبه
مخروش که تائب از شرابم	ناگه نشود <sup>(۱۲)</sup> سراب <sup>(۱۳)</sup> توبه
منت به که می نهی که کردی	از آبِ دن و گلاب توبه
سی سال ز نفس معصیت زاد	اکنون دهدش <sup>(۱۴)</sup> سداب <sup>(۱۵)</sup> توبه

۱- ن ۸، ۱۹، ۲۹، ۳۵، عجیب و غریب = شتاب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = شتاب

۲- ن ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = ز اندیشه مرگ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = از هیبت مرگ

۳- م ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = ۳۵ = از صحبت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۳۵ = کز صحبت

۴- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = ناصواب؛ ن ۲۹ = بی ثواب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = بی صواب

۵- ن ۱، ۲۹ = ز خانه؛ ن ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = که

۶- ن ۱ = کنم؛ همه نسخه های دیگر = کند

۷- ن ۲، ۱۷ = از؛ ن ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = غیره = وز

۸- ن ۱۷ = از؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = غیره = وز

۹- ن ۲، ۱۷ = کردم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = غیره = گردد

۱۰- ن ۲، ۱۷ = به بندم؛ همه نسخه های دیگر = ببندد

۱۱- ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = منال؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = مناز

۱۲- ن ۱، ۲۹، ۱۷۰ = بشود؛ ن ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۱۷۱ = نشود؛ ۳۵ = بشر؟

۱۳- ن ۱۷، عجیب و غریب = سراب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = شراب

۱۴- ن ۱، ۵، ۲۹ = دهدت؛ قطب = دهد از؛ ن ۳، ۹، ۱۷، ۲۸، ۱۷۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، مسرت، رحیم = دهدش

۱۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۸ = سداب؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۹ = شراب

سی ساله<sup>(۱)</sup> گنه،<sup>(۲)</sup> خجالتش کو  
 بر توبه مدوز<sup>(۴)</sup> کیسه اجر<sup>(۵)</sup>  
 این بس که به آستین رحمت<sup>(۷)</sup>  
 ما توبه هر دو دست گیریم  
 این بس که وبالِ ما نگرده  
 از<sup>(۹)</sup> کشمکش حساب توبه  
 گیریم که بود صواب<sup>(۳)</sup> توبه  
 تا نگسلد<sup>(۶)</sup> از عتاب توبه  
 راندد ز رُخت<sup>(۸)</sup> ذهاب توبه  
 وز ما کنند اجتناب توبه

### قصیده هشتاد

قصیده در منقبت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه

دمی که لشکر غم می کشد به خونخواری  
 دلم به ناله دهد منصب علمداری  
 خرابِ نرگس مستانه توام که نه<sup>(۱۰)</sup>  
 هزار شیوه مستی به طبع هشیاری  
 مریض<sup>(۱۱)</sup> عشق ترا اشتها از آن بیش است  
 که بعدِ مرگ بیاساید<sup>(۱۲)</sup> از جگر خواری

بهار عجم: اشعار ۱۱، ۴۲

- 
- ۱- ن ۱۷، ۲۸ = ساله؛ ن ۱، ۹، ۲۹، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = سال  
 ۲- ن ۱ (اصل)، ۳۵، ۸ = کند؛ ن ۲، ۳، ۵، ۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = گنه  
 ۳- ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۳۵، مسرت، ۱۷۰ = ثواب؛ ن ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = صواب  
 ۴- ن ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۸، ۱ = بدوز؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = مدوز  
 ۵- ن ۱۷ = کیسه اجر؛ شرح قطب = کیسه آخر؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵، ۲۸ = اجر  
 ۶- ن ۱۷، ۵ = بگسلد؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نگسلد  
 ۷- ن ۲۹ = توبه؛ همه نسخه های دیگر = رحمت  
 ۸- ن ۲۹، ۸، ۳۵ = راندد از رخت آب و تاب؛ ن ۱ = راندد از راه آب و تاب؛ ن ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۰ = راندد ز رخت ذباب  
 ۹- ن ۳، ۲ = از؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = در  
 ۱۰- ن ۲۸، ۶ = دهد؛ ن ۱۷، ۳۳ = نهند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = نهند  
 ۱۱- ن ۱۷، ۳۵ = حریص؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = شرح منیر، میرزا جان، کارنامه، رحیم و غیره = مریض  
 ۱۲- ن ۱۷، ۵، ۱۷۰ = نیاساید؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = مسرت، قطب، منیر، میرزا جان و غیره = بیاساید

ولی تـو جـه آن حـسـنِ جاودان بایـد<sup>(۱)</sup>  
 که فیض نامیه‌اش با جگر کند یاری<sup>(۲)</sup>  
 هزار چشمه خون سرزند ز هر ذره  
 چو بعد مرگ به خاکم قدم بیفشاری  
 چنان به شهر دلم جنس درد ارزان است  
 که بوالهوس کندش<sup>(۳)</sup> رغبت خریداری  
 ز خوش متاعی بازار عشق می‌ترسم<sup>(۴)</sup>  
 که دست حسن ببندد کساد بازاری  
 در آن دیار به سودا رود دلم که دهند  
 جوی ملال به عمر ابد ز<sup>(۵)</sup> بسیاری  
 ز بس ملال جدایی منم<sup>(۶)</sup> ز صحبت جان  
 چو زخم عشق ز مرهم تمام بیزاری  
 به درد عشق که هرگز به ذوق گریه من  
 نکرده قهقهه شوق کبک کهرساری  
 هوای شهر<sup>(۷)</sup> محبت چنان<sup>(۸)</sup> مرض خیز است  
 که مرگ بر اثر خود رود ز بیماری  
 منم خراب عمارت به کشوری که در او<sup>(۹)</sup>  
 بود به دست خرابی عنان معماری

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۰ = یابد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = باید

۲- ن ۹، ۱۸، ۳۳ خواری؛ همه نسخه‌های دیگر = یاری

۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷، ۱۷۱ = کندش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شودش

۴- ن ۸، ۳۵ = عشق نزدیک است؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۱۷۰، ۳۳، ۱۷۱، ۲۹ = عشق می‌ترسم؛ ن ۲۸ = دوست می‌نازم

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = به بسیاری؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = ز بسیاری

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱، ۱۷ = تنم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = منم

۷- بهار عجم = دشت؛ همه نسخه‌های دیگر = شهر

۸- ن ۲ = عجب؛ همه نسخه‌های دیگر = چنان

۹- ن ۶ = دران؛ همه نسخه‌های دیگر = درو

چنان به عشق تو در شکر درد بیتابم<sup>(۱)</sup>  
 که تنگ حوصلگان بیقرار در زاری  
 ز جیب غم که بر آرد سرم که طالع من  
 به خصم شاه دهد مایه نگون ساری  
 شه<sup>(۲)</sup> سریر سخاوت<sup>(۳)</sup> علی که ابر کفش  
 به ذوق دیده عاشق کند گهر باری  
 مخالفش چو در آید به زمرة اسلام  
 کند بدست ملک تار سبجه زناری  
 نجوم سبجه اگر صیت عدل او شنوند<sup>(۴)</sup>  
 نهند برگ تساوی به جیب سیاری  
 به دیده‌ای که به نوک سنان او نگرند  
 کند بگاہ اعادت نگاه مسماری  
 زهی جواد که تاثیر نام جان بخش<sup>(۵)</sup>  
 فشانده<sup>(۶)</sup> گوهر صحت به فرق بیماری  
 اگر به عون سبک روحیت عوارض ثقل  
 ز طبع سلسله حادثات برداری  
 سزد که حسرت<sup>(۷)</sup> دیدار بر دل عاشق  
 بگاہ نزع<sup>(۸)</sup> شود مایه سبکساری<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۹۹ (پاورق)، ۱۷۱، ۱۷۰، ۲۸ = می‌نالیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۳۵ = بیتابم

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، رحیم = شهی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = شه

۳- ن ۲، ۲۹، ۱۷ = امامت؛ ن ۵، ۸ = ولایت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = سخاوت

۴- ن ۹ = شوند؛ ۹ = همه نسخه‌های دیگر = شنوند

۵- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بخشش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = بخش؛ ن ۱ = بخش ست

۶- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نشاند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = فشانده

۷- شرح منیر = حیرت؛ همه نسخه‌های دیگر = حسرت

۸- ن ۲۸ = خصم؛ همه نسخه‌های دیگر = نزع

۹- ن ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = سبک باری؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۱۷۰ = سبکساری

چو برقی عزمِ تو بر چرخ پرتو اندازد  
 به دستِ مهر بسوزد عنانِ سیّاری  
 جهان ز جاه<sup>(۱)</sup> تو و جلالت بغایتی پُر شد  
 که آسمان خَرَکت می‌کند به دشواری  
 شعاع دیده آن کس که روی خصمِ تو دید  
 کند به آینه آفتاب زنگاری  
 ز فیضِ معدلتِ تو<sup>(۲)</sup> سزد که چون صحت  
 به هر مزاج دهد اعتدالِ بیماری<sup>(۳)</sup>  
 مسیحِ خلقِ ترا در زمانِ ماضی بود  
 به جیبِ دلبرِ کنعان دکانِ عطّاری  
 نهیبِ عدلِ تو در طبعِ آسمانِ محیل  
 که شیشه‌ایست<sup>(۴)</sup> لبالب ز مَرْدُمِ آزاری  
 بسانِ<sup>(۵)</sup> رنگِ زلیخا و زلفِ مشکینش<sup>(۶)</sup>  
 بروی هم شکنند شیوه‌های طرّاری  
 بعهدِ<sup>(۷)</sup> عدلِ<sup>(۸)</sup> تو کز<sup>(۹)</sup> رفعِ بیمِ امنّیت  
 کنند دل شکنان غمره را نگهداری

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخه‌های چاپی) = جهان بی‌جاه؛ ن ۴ = جهانی جاه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵،

۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = جهان ز جاه

۲- ن ۱۷ = تو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = او

۳- در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ این شعر بعد از شعر ۱۶ یافته شد. در اثر موجوده این مطابق ن ۱۷ هست در دیگر نسخه‌ها یافته نشد.

۴- ن ۴، ۶، ۸، ۲۸، ۱۷، ۳۵، ۱۷۰ = سینه؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = شیشه

۵- ن ۱۷ = برنگ؛ ن ۲۸ = نشان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵ و غیره = بسان

۶- بهار عجم = پر شکنش؛ دیگر همه نسخه‌ها = مشکینش

۷- ن ۱۹ = بدور؛ همه نسخه‌های دیگر = بعهد

۸- ن ۳۳ (حاشیه)، ۱۸ (حاشیه) = امن؛ همه نسخه‌های قصاید و کلیات = عدل

۹- ن ۳۱، ۳۳ = از؛ دیگر همه نسخه‌ها = کز

به محفل که به امعان میزبان عتاب<sup>(۱)</sup>

کنی تهیة اسباب میهمان داری<sup>(۲)</sup>

ز روی فتنه خوابیده تا مگس راند

دهد زمانه مگس ران بدست بیداری<sup>(۳)</sup>

برنج خصمت اگر بوالهوس در آمیزد

چو تیر<sup>(۴)</sup> عشق شود ناله هوس کاری

بمدح کرده سرایت رموز عشق و<sup>(۵)</sup> رواست

گزیرش<sup>(۶)</sup> از سریان نیست علت ساری

تبارک الله از آن<sup>(۷)</sup> برق سیرکز<sup>(۸)</sup> دنبال

چو نور سایه بسوزد<sup>(۹)</sup> بگرم رفتاری<sup>(۱۰)</sup>

سبک روی که زمین را به بوسه<sup>(۱۱)</sup> بنوازد<sup>(۱۲)</sup>

عروس<sup>(۱۳)</sup> سایه او در محل سیاری<sup>(۱۴)</sup>

۱-ن ۵ = خطاب ؛ ن ۱، ۸، ۳۵ = عتاب

۲- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ یافته شد.

۳- ن ۶ = بیماری ؛ همه نسخه های دیگر = بیداری

۴- ن ۹ = پیر ؛ همه نسخه های دیگر = تیر

۵- ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = و رواست ؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = رواست

۶- ن ۱، ۵، ۶، ۹، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = گزیرش ؛ ن ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، قطب، منیر، ۳۰، ۳۱، ۳۲ = گزیرش

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ = الله آن ؛ ن ۱۷ = از آن

۸- شرح میرزا جان = کج ؛ شرح رحیم = تیرکز دنبال ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ و غیره = سیرکز دنبال

۹- ن ۱۷، شرح میرزا جان = بسوزد ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، رحیم و غیره = بدزد

۱۰- این شعر تنها در نسخه ۱۷ و نسخه های چاپی مثل ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ یافته شد. در دیگر نسخه های مهم مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ موجود نیست.

۱۱- ن ۱۷ = بوسه ؛ همه نسخه های دیگر = ببویه

۱۲- ن ۱۷ = بنوازد ؛ همه نسخه های دیگر = بنوازد

۱۳- ن ۱۷ = عروس سایه او ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴ و غیره = چو نور سایه او

۱۴- این شعر تنها در نسخه ۱۷ و نسخه های چاپی مثل ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ یافته شد. در دیگر نسخه های مهم مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ موجود نیست.

ز حسنِ سیرِ وی اندر مسیرِ بادِ صبا  
زند بجلوهٔ خود خنده کبکِ کهساری<sup>(۱)</sup>  
منم که طالعِ فیروز من بگاوِ عروج  
دهد به تحتِ ثری مایهٔ نگون‌ساری  
فلک به سهوم<sup>(۲)</sup> اگر داده<sup>(۳)</sup> راه بر در کام  
کلیدِ فتح<sup>(۴)</sup> به وی بسته عهد<sup>(۵)</sup> مسماری  
دلم بهمونِ شکایت ز غم تهی نشود  
چون نظمِ من ز معانی بسمی نثاری<sup>(۶)</sup>  
زهی شکنجهٔ طالع که مرگی ظلم‌گرای  
ملول گشته ندارد سرِ مددگاری  
بزیر تیغِ هلاکم ز بارِ درد رواست  
که بارِ منتِ مُردن<sup>(۷)</sup> کشم به سرباری<sup>(۸)</sup>  
به روزگار فریم سپهر شعبده باز  
تنک متاع شد از جنسهای عیاری  
هزار جرعهٔ زهر از لبم بدل<sup>(۹)</sup> ریزد  
تبسمی که به طالع کنم به دشواری  
خמוש عرفی ازین شکوهٔ ملال‌انگیز  
ز لاف حوصله یباد آر و طی کن این زاری

۱- تنها در نسخهٔ ۱۷ یافته شد.

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = به سهوم ؛ ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = سهوم

۳- ن ۲۹، شرح قطب، مسرت = راه داد ؛ ن ۲ = راه داده ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = داد راه ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۳۵ = داده راه

۴- ن ۲، ۳، ۴ = عهد ؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = فتح

۵- ن ۱، ۵ = راه ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = عهد

۶- ن ۳، قطب = ایتاری ؛ دیگر همه نسخ = نثاری

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ (حاشیه)، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = مُردن ؛ ن ۵ (حاشیه)، ۸، ۳۵ = مردم

۸- ن ۲۹ = بسرداری ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = بسرباری

۹- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = بدل ؛ ن ۹، ۵ (حاشیه)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = فرو



بیانِ دردِ دل<sup>(۱)</sup> است این دعای شه خود نیست<sup>(۲)</sup>

که بی ملال بود با وجودِ بسیاری  
همیشه تا نفسِ گرمِ نیک بختان است  
به یک لباس درون با اجابتِ باری  
حسودِ جاوِ تو بادا ز رحمتِ ایزد<sup>(۳)</sup>  
چنان بعهید که ناقوسیانِ زُناری

### قصیده هشتاد و یکم

قصیده ذومطالعین در مدح سپه سالار عبدالرحیم خانخانان<sup>(۴)</sup>

ز خود گردیده بربندی، چگویم،<sup>(۵)</sup> کام جان بینی  
همان کز اشتیاقِ دیدنش زادی، همان بینی  
کسی کز ملکِ معنی در رسد خود را به وی بنمای<sup>(۶)</sup>  
که گرمس وائمایی، کیمیا را ارمغان بینی  
ز ناقص عیارت پیش ازان بر کیمیایی زن  
که هم زر هم محک را شرمسار از<sup>(۷)</sup> امتحان بینی

خلاصه: اشعار ۱، ۶، ۱۴، ۱۵، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱  
بهار عجم: شعر ۸؛ مآثر رحیمی: شعر ۲

۱- ن ۱، ۴، ۱۷، ۲۹ = دلت؛ ن ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۳۵ و غیره = دل است  
۲- ن ۹ = نبود؛ همه نسخه‌های دیگر = خود نیست  
۳- ن ۶، ۱۷، ۹ (حاشیه) = ایزد؛ همه نسخه‌های دیگر = یزدان  
۴- این قصیده در زمین قصیده حکیم سنائی ست و قبل عرفی نعمت‌الله کرمانی هم قصیده‌ای درین زمین گفته باین مطلع:

بیا برچشم ما بنشین که خوش آب روان بینی  
دمی با خود بیاسانی سر آبِ چنان بینی  
۵- ن ۹ = برآیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = چگویم  
۶- ن ۲۹ = منمای؛ ن ۱، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = بنمای؛ ن ۴، ۵، ۸، ۲۸، مآثر رحیمی، کارنامه = بنما  
۷- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = شرمسار از امتحان؛ ن ۱۷، ۲۸، مآثر رحیمی، کارنامه =  
شرمسار امتحان

تو<sup>(۱)</sup> سلطانِ غیوری در<sup>(۲)</sup> کمنَدِ نفیس<sup>(۳)</sup> بد گوهر  
 بکش زان پیشتر خود را که جورِ آسمان<sup>(۴)</sup> بینی  
 روان از<sup>(۵)</sup> خشم و شهوت در عذاب، از بهرِ تنِ تاکی  
 دو گرگی میش پرور را جگر خامی<sup>(۶)</sup> شبان بینی  
 ز نصرت شاد شو هر که غمی برگردِ دل گردد  
 ز غفلت داغ شو هر که<sup>(۷)</sup> که دل را شادمان بینی  
 طرب را پای برسر<sup>(۸)</sup> زن که جنت را خجل یابی  
 هوس را دست بر دل نه که دوزخ را تپان بینی  
 به نزهت گاو معنی مهمان شو تا ز استغنا  
 مگس را باد زن در دست بر اطرافِ خوان بینی  
 زبان از شکرِ منعم تا ببندی،<sup>(۹)</sup> سوی عرفان شو  
 که قدر<sup>(۱۰)</sup> نعمتش پروانه عَزَلِ زبان بینی  
 چنان مشتاقِ خذلانی که با صد بند و صد زندان  
 گریزی در شقاوت گر ساعات را ضمان بینی

۱- ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = تو؛ ن ۱، ۲، ۵، ۶، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = جو

۲- مسرت، قطب = از؛ همه نسخه‌های کلیات و غیره = در

۳- ن ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، قطب = خصم؛ ن ۱، ۲، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نفس

۴- ن ۲ = جور دشمنان؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰ = جور آسمان؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = جور از آسمان

۵- ن ۶، ۱۷ = روان در قهر؛ ن ۳۵ = روان خشم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = روان از خشم

۶- شرح قطب = خوار؛ همه نسخه‌های کلیات و غیره = خامی

۷- ن ۲۹ = هرگاه دل را؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۸ = هرگاه که خود را؛ ن ۱۷ = هرگاه دلت را؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = هرگاه که دل را

۸- ن ۱، ۵، ۲۹ = نه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = زن؛ ن ۴ = سر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸ = دل

۹- ن ۲، ۹، ۱۷، ۳۵ = ببندی؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۸ = نه ببندی؛ ن ۲۹ = زبان در شکر معنی ببندی راه عرفان را؟

۱۰- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = شکر؛ همه نسخه‌های دیگر = قدر

خرد در آدمی، وانگه<sup>(۱)</sup> توشانِ قد و رخ سنجی  
 هُما در آشیان وانگه تو فرُ آشیان بینی  
 به خون آلوده دست و تیغ، نمازی مانده بی تحسین  
 تو اوّل زیبِ اسب و زینتِ برگستوان بینی  
 به آب و دانه خو کردی، بلی<sup>(۲)</sup> هنگامِ صیّادی  
 چو بر صید افگنی شهبازِ دل را، ماکیان بینی  
 به طاعت آن زمان ارزنده‌ای کز لذّت طاعت  
 چو سر در<sup>(۳)</sup> سجده مانی، در جنان خود راستان<sup>(۴)</sup> بینی  
 مزن لافِ شجاعت، ور زنی، آنکه که در میدان  
 عدم شمشیرِ دل یابی، فنا شب‌دیزِ جان بینی  
 اگر خواهی که باشی عیب‌جو، شاگردِ همت شود  
 که<sup>(۵)</sup> نام هر چه بردی، عیب<sup>(۶)</sup> آتش بر زبان بینی  
 به جنت خوانمت، نی بهرِ عسرت، بهرِ آن کانجا  
 غذای آتشِ همت، به از کون و مکان بینی  
 سرِ روحانیان داری، ولی<sup>(۷)</sup> خود را ندیدیستی  
 بخوابِ خود<sup>(۸)</sup> در آ تا قبله روحانیان بینی

۱- ن ۱، ۳۵ = آنکه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ و غیره = وانگه

۲- ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۱۷۱ = بلی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = ولی

۳- خلاصه = بر؛ همه نسخه دیگر = در

۴- در نسخه نهم جواهری "راستان" خوانده معنیش مسلم و محقق نوشته‌اند و این درست نیست. سراج‌الدین علیخان آرزو در شرح خودش معنی ستان "بر پشت غلطیدن" نوشته است و عوض‌رای مسرت هم از خان‌آرزو اتفاق دارد و همین درست است.

۵- ن ۲۹ = چو؛ همه نسخه‌های دیگر = که

۶- ن ۶ = نام عیبی؛ ن ۲، ۹، ۱۷۱، ۲۸ = عیب آتش؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = عیب آتش؛ ن (پاورق) = لهب آتش

۷- ن ۱۷ = هستی؛ دیگر همه نسخه‌ها بشمول سمن‌زار، مسرت، قطب، هفت‌اقلیم، منیر، رحیم، آرزو و غیره = داری  
 ۸- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ (پاورق)، ۲۹، ۳۵، مسرت، قطب، منیر، آرزو = بلی؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ =

ولی

۹- ن ۱، کارنامه = خوش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، مسرت، ۱۷۰، ۱۷۱، آرزو، قطب = خود

فسادِ عالمی می‌تابد از پیشانیِ نفست  
 بین در آینه تا آتش صد خانمان بینی  
 مخور<sup>(۱)</sup> دم گر ز بالِ پشه‌ای کمتر نهد خود را  
 که چون فالِ خرابیها زند، پیل زمان بینی  
 ز بیرون پنبه نه در گوش و افغان از درون برکش<sup>(۲)</sup>  
 اگر در<sup>(۳)</sup> نفسِ واعظ<sup>(۴)</sup> انتعاشی از<sup>(۵)</sup> بیان بینی  
 غزل پردازم اینک از دو بیت خود دو مصرع را  
 کنم مطلع که حُسنِ آفتاب از فرقدان بینی  
 به خواب خود درآ، تا قبله روحانیان بینی  
 بین در آینه تا آتش صد خانمان بینی  
 به دیدارِ تو دلشادند دایم دوستانِ تو  
 ثرا هم شادمان<sup>(۶)</sup> خواهم چو روی دوستان بینی  
 هلاکم می‌کند گردون و غمگین بینمت، آری  
 تو نتوانی که بر احباب دشمن قهرمان<sup>(۷)</sup> بینی  
 تو محبوبِ جهان وانگه مدارا، باورم ناید  
 تو شمعِ انجمن باشی و در پروانه جان بینی  
 به حفظ<sup>(۸)</sup> گریه مشغولم، و گر بینی<sup>(۹)</sup> درونم را  
 ز دل تا پرده چشمم دو شاخِ ارغوان بینی<sup>(۱۰)</sup>

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، آرزو = مخور دم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = مخور غم

۲- ن ۵، ۱۷، ۲۸، کارنامه = درکش؛ ن ۲۹ = بردار؛ ن ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، آرزو = برکش

۳- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، آرزو، ۱۷۰ = در؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = از

۴- قطب = خود را؛ همه نسخ دیگر = واعظ

۵- ن ۲، آرزو = در بیان؛ ن ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = از بیان؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = در میان

۶- ن ۱۷ = شاد می‌خواهم؛ همه نسخه‌های دیگر = شادمان

۷- ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، آرزو، مسرت = مهربان؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۱۷۱ = قهرمان

۸- شرح مسرت = ضبط گریه؛ همه نسخ دیگر = حفظ گریه

۹- ن ۱، ۵ = کاوی؛ دیگر همه نسخ = بینی

۱۰- مسرت نوشته: "ملا فیروز که قوه حافظه او بر اشعار متقدمین و متوسطین و متاخرین از اندازه بیان افزون است..... نوشته که عرفی صاحب این یک بیت است و بس و دیگر همه مضامین معتدل بسته."

به وعظ اندر شو از راه غزل عرفی ترنم بس  
 در شیون زن آخر مردن دل<sup>(۱)</sup> چون عیان بینی  
 دلت الماس همت<sup>(۲)</sup> بود اگر و بینی اکنونش  
 ترنج زر<sup>(۳)</sup> دست افشار پرویز جهان بینی  
 نبینی در مقام<sup>(۴)</sup> نفس و طبع آسودگی، منشین<sup>(۵)</sup>  
 به هفتم<sup>(۶)</sup> پایه نه مسند که راحتگاه، جان بینی  
 نشان جان همی جو، تا نشان از بی نشان یابی  
 مکان دل طلب کن، تا مکان در<sup>(۷)</sup> لامکان بینی  
 ز حور و سدره هستم بهره ور بی دست و<sup>(۸)</sup> بی دیده  
 تو این دولت کجا یابی که جنت در مکان بینی  
 ز جنگ دی و فردا رسته ام بی منت امروز  
 تو این<sup>(۹)</sup> معنی کجا دانی<sup>(۱۰)</sup> که هستی در زمان بینی

۱- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = خود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دل

۲- ن ۶ = حکمت؛ همه نسخه های دیگر = همت

۳- ن ۲۹ = زر بدست افشار؛ ن ۱۷۰، ۲۸، ۴ = زر ز دست افشار؛ ن ۵ = زرد دست افشار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = زر دست افشار

۴- ن ۱۷ = در میان طبع و نفس؛ ن ۲۹ = در مقام طبع نفس؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = در مقام نفس و طبع

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = هرگز؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = بنشین؛ ن ۳، ۶، ۸، ۹ (پاورقی)، ۳۵، ۱۹، ۲۹ = منشین

۶- ن ۲۸، ۴ = به هفتم پایه مسند که راحتگاه جان بینی؛ ن ۶ = به هفتم پایه راحت که آتشگاه جان بینی؛ ن ۹ = به هفتم پایه مسند نه که راحتگاه جان بینی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۵ و غیره = به هفتم پایه نه مسند که راحتگاه جان بینی

۷- ن ۱۷ = مکان لامکان؛ ن ۱، ۲۹ = مکان از لامکان؛ ن ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = مکان در لامکان

۸- شرح عجیب و غریب = بی منت دیده؛ همه نسخه های دیگر = بیدست و بی دیده

۹- شرح قطب = تو این دولت کجا یابی که هستی در زمان بینی؛ در دیگر نسخه ها بطوری که نوشته شد.

۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۲۸، مسرت، ماثرحیمی = دانی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = یابی

من از گل باغ می‌جویم<sup>(۱)</sup> تو گل از باغ می‌جویی  
 من<sup>(۲)</sup> آتش از دخان بینم، تو از آتش دخان بینی  
 ز ترتیبِ نظامِ آفرینش چون نه‌ای آگه  
 حوادث را ز تاثیر نجومِ آسمان بینی  
 ز ابر و آفتاب اندیشه‌ات کوتاه بود، زانرو  
 دُر از گنجینهٔ دریا و لعل<sup>(۳)</sup> از جیبِ کان بینی  
 به چشمِ مصلحت بنگر مصاف<sup>(۴)</sup> نظمِ هستی را  
 که هر خاری در آن وادی درفشِ کاویان بینی  
 شعارِ ملتِ اسلامیان بگذار، اگر خواهی  
 که در دیرِ مغان آیی و اسرارِ نهران بینی  
 تو از ملکِ عراقی و ازگون کن عادتِ پیشین<sup>(۵)</sup>  
 اگر خواهی که حُسن و رونقِ هندوستان بینی  
 ز ملکِ نور زانرو تاختی در کشورِ ظلمت  
 که حُسنِ چینیان را در لباسِ زنگیان بینی  
 از آن تاراج بینی در بیابان کاندَرین کشور  
 به آبادی چو آیی، راهزن را دیده‌بان بینی  
 گهر جویند غواصانِ فطرت در تِه دریا  
 تو در فکر همین دایم که از دریا کران بینی  
 بدام اندر کشیدند اهلِ معنی طایر دولت  
 تو در زیرِ درختان همجو طفلانِ آشیان بینی

۱- ن ۲۹ = می‌چیدم؛ همه نسخه‌های دیگر = می‌جویم

۲- ن ۲۹ = من آتش در دخان بینم تو از آتش دخان بینی؛ ن ۱، ۵ = من از آتش دخان بینم تو آتش از دخان بینی؛ ن ۱۷ = من آتش از دخان بینم و آتش از دخان بینی؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = من آتش از دخان بینم تو از آتش دخان بینی

۳- ن ۳، ۴، ۶، ۹ (پاورقی)، ۱۷، ۲۸، ۲۹، خلاصه = زر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵، ماثِر، کارنامه، رحیم، سمن‌زار = لعل

۴- ن ۲۸، ۲۹، مسرّت، قطب = نظام ملک هستی؛ ن ۱، ۵، ۳۵ = مصاف اهل عالم؛ ن ۱۷ = مصاف بعد هستی؛ ن ۱، ۲، ۶، ۸، ۹، ۴۰ (حاشیه)، هفت اقلیم، کارنامه، ماثِر = مصاف نظم هستی؛ خلاصه = مصاف نظم دینی

۵- ن ۲۹ = ترین؟؛ کارنامه = عادت خود را؛ کارنامه (حاشیه) = کسوت خود را؛ همه نسخ دیگر = عادت پیشین

نگنجد نورِ خورشیدِ ازل در ظرف<sup>(۱)</sup> هر دیده  
 به آب دیده مردان نگر تا عکس آن بینی  
 تو خفاشی، ز نورِ مه قیاس نور خور می کن  
 ترا سود این بود، گر نورِ خور بینی، زیان بینی  
 نظر از پیش گاه شرع در<sup>(۲)</sup> کاخِ حقیقت<sup>(۳)</sup> کن  
 تو کز<sup>(۴)</sup> اندیشی، آن بهتر که صدر از<sup>(۵)</sup> آستان بینی  
 ز گرد<sup>(۶)</sup> رغبتِ خاطر فرو شو دیده فطرت  
 اگر خواهی که حُسنِ خار و گل یک یک عیان بینی  
 تو سرما دیده ای، بر<sup>(۷)</sup> شعله می تازی<sup>(۸)</sup> ز<sup>(۹)</sup> خاکستر  
 ببینی حُسنِ خاکستر چو در روشنگران بینی  
 مرو در عرصه دانش کز آسیبِ تنک فهمان  
 یقین را در پناه پرده داران گمان بینی  
 در آ در پرده بیش<sup>(۱۰)</sup> که مدهوشان حیرت را  
 فروغِ دیده سترِ عورتِ دوشیزگان بینی

- ۱- ن ۲۹ = در منظر دیده ؛ ن ۲۸ = بر ظرف هر دیده ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = در ظرف هر دیده
- ۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۳۵ = بر ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = در
- ۳- ن ۴ = شریعت ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱ = حقیقت
- ۴- ن ۲، ۲۹ = کبراندیشی ؛ ن ۴، ۹ (پاورق)، ۶، ۲۸ = کبراندیش ؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = کزاندیشی ؛ ن ۵، ۱۷ = کراندیشی ؟
- ۵- ن ۵ = صدر آستان ؛ ن ۲۸، رحیم = صدر از آشیان ؛ ن ۱ = خلد از آستان ؛ ن ۲، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = و غیره = صدر از آستان
- ۶- ن ۶ = ز گرد خاطر حیرت فروشان دیده فطرت ؛ همه نسخه ها دیگر = ز گرد رغبت خاطر فروشد دیده فطرت
- ۷- خلاصه = در ؛ نسخه های کلیات و غیره = بر
- ۸- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = می تازی ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = می تازی
- ۹- ن ۹ = چو خاکستر ؛ ن ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸ = ز خاکستر ؛ ن ۳۵ = نه خاکستر ؛ ن ۲۹، ۱ = به خاکستر
- ۱۰- ن ۶ = حیرت ؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بیش ؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵ = دانش

چه نقصان بینی<sup>(۱)</sup> از حیرت که خارش گلستان یابی  
 چه لذت گیری از دانش که مغزش استخوان بینی  
 مخاطب گر نباشد مستمع<sup>(۲)</sup> خامش مشو عرفی  
 که هست او آنچه<sup>(۳)</sup> هست اما تو در معنی زیان بینی  
 سخنور را خموشی نقص خود می‌دان، خطا باشد  
 که خاموشی بلبل را زیان مهرگان بینی  
 نوا را تلخ‌تر می‌زن چو ذوق نغمه کم یابی  
 حدی را نیز تر می‌خوان چو محمل را گران بینی  
 مشوش<sup>(۴)</sup> خواهمت گاهی که بینی رهرو خسته<sup>(۵)</sup>  
 در آتش خواهمت<sup>(۶)</sup> جایی که دستی بر<sup>(۷)</sup> عنان بینی  
 برآ از پرده صورت، قدم در راه معنی زن  
 که در هر منزلی سُرّی ز اسرارِ نُهان بینی  
 وگر شوق امان ندهد، به بزم خانخانا رو<sup>(۸)</sup>  
 که نقش لوح محفوظش ز پیشانی عیان بینی  
 دکانی چیده خُلقش بر سر بازارِ انسانی  
 که جُنت را متاع روی دستِ آن دکان بینی  
 اگر آگه شوی از نیتِ او وقتِ گفتارش  
 زیانش عینِ دل یابی، دلش عینِ زبان بینی

۱- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = یابی؛ ن ۲، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷، ۲۴، ۲۸ = بینی

۲- شرح منیر، هفت اقلیم = مستعد؛ همه نسخه‌های کلیات و غیره = مستمع

۳- ن ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = هر چه؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = آنچه

۴- ن ۲۹ = خوانمت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و غیره = خواهمت

۵- مسرت = خفته؛ همه نسخه‌های کلیات و غیره = خسته

۶- ن ۲۹ = خوانمت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و غیره = خواهمت

۷- ن ۱۷ = دستی بر دهان؛ مسرت = دستی در عنان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه،

رجیم و غیره = دستی بر عنان

۸- ن ۲، ۴، ۶، ۱۷، ۱۸، ۲۹، کارنامه = رو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۳۵ = شو



گر از<sup>(۱)</sup> بادِ خلاقی آتشِ قهرش علم گردد<sup>(۲)</sup>

براندام فلک هر مو بسانِ خیزرانِ بینی

سمندِ عزمِ او را سرعتِ گردونِ عنانِ یابی

خُسامِ عقلِ او را جوهرِ اوّل فسانِ بینی

چو با حلمش<sup>(۳)</sup> بینی، کاهِ عجزِ<sup>(۴)</sup> کهریا سنجد<sup>(۵)</sup>

چو با عدلش بینی، ماهِ نساچِ کتانِ بینی

چو مهرش<sup>(۶)</sup> در جهانِ جان و تن والی شود زان پس

ز تن امکلانِ تنِ یابی ز جان امکانِ<sup>(۷)</sup> جانِ بینی

چه خوانی ای ثنا خوان مدحِ گفتار و کردارش

که فعل و قولِ او را قول و فعلش ترجمانِ بینی

جهانِ علوی و سفلیست از شخصش<sup>(۸)</sup> در آمیزش

اگر خواهی که حدّ ارتباطِ این و آن بینی

بین در صورتش تا آن جهان در این جهانِ یابی

بین در معنیش تا این جهان در آن جهانِ بینی

بفخرِ دودمانِ عالمِ سفلی مکن مدحش

درآ در عالمِ علوی<sup>(۹)</sup> که فخرِ دودمانِ بینی

۱- مأثر رحیمی، ۱۷۰ = اگر بادِ خلاقی ؛ ن ۳۵، ۸ = چو از بادِ خلاقی ؛ ن ۶ = گرش بادِ خلاقی ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۱ = گر از بادِ خلاقی

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ (پاورقی)، ۱۷، ۱۸ (حاشیه)، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱، ۳۳ (حاشیه)، ۲۴، ۳۵، رحیم، مأثر = گیرد ؛ ن ۲، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = گردد

۳- هفت اقلیم = مهرش ؛ همه نسخ دیگر = حلمش ؛ عجیب و غریب = علمش

۴- ن ۱، ۲۹ = عزمِ کهریا ؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۲۹، ۳۵، ۵، ۸ و غیره = کاهِ عجزِ کهریا ؛ ن ۹ = کاهِ عاجزِ کهریا ؛ ن ۲۰ = کاهِ عجز و کهریا

۵- هفت اقلیم، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = سنجی ؛ ن ۱۷۰ = سنجد

۶- ن ۱، ۵ (اصل)، ۸، ۳۵، ۲۸ = قهرش ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰ = مهرش

۷- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۵، ۱۷۰ = تقدیر ؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = امکان

۸- رحیم = شخصی ؛ همه نسخ دیگر = شخصش

۹- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = علوی

به مجلس غم‌گداز<sup>(۱)</sup> و عشرت‌افزا<sup>(۲)</sup> لیک در خلوت  
 به شادی دشمنش یابی به انده مهربان بینی  
 برون<sup>(۳)</sup> از تشنگی در آتش است اما درون<sup>(۴)</sup> بنگر  
 که نهر سلسیلش در گلوی دل روان بینی  
 کنار بحر بی پایان عرفان در وسط یابی  
 اگر با زورقِ دل شوقِ او<sup>(۵)</sup> را بادبان بینی  
 اگر عادت به ترتیبِ فصولت<sup>(۶)</sup> راهزن نبود  
 ازان راحت بی‌باغ آرد که گل را در خزان بینی  
 دعا<sup>(۷)</sup> عقدِ اخوت با اجابت بست، همان عرفی  
 دعا کن، از ثنا بگذر، که دیگر وقتِ آن بینی  
 به درویشی ثنای خانِ خانان می‌کنی، آری  
 خوشامد گونه‌ای تا روی حشمت در میان بینی  
 دعای<sup>(۸)</sup> تو برسم مدحت اندیشان نمی‌گویم  
 که یارب تا فلان باشد تو بهمان و فلان<sup>(۹)</sup> بینی  
 تو خیر اندیشِ خلقی، پس چنین باید دعای تو  
 که یارب هرچه بهر خلق اندیشی همان بینی

۱- ن ۱۷ = عمگسار؛ همه نسخه‌های دیگر = گداز

۲- ن ۱، ۱۷ = عالم آرا؛ خلاصه = عزت‌افزا؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = عشرت‌افزا

۳- مآثر رحیمی = درون؛ همه نسخه‌های کلیات = برون

۴- مآثر رحیمی = برون؛ همه نسخه‌های دیگر = درون

۵- ن ۱، ۳۵، ۸، آن = ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = او را

۶- ن ۲، ۴، ۲۹، هفت اقلیم = فضولت؛ دیگر نسخه‌ها بشمول ۵، ۸، ۱۷، ۳۵، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ و غیره = فضولت

۷- ن ۵ (حاشیه)، ۱۹ = قضا عقد دعا را با اجابت بسته همان عرفی؛ در دیگر نسخه‌ها بطوری که نوشته شد

۸- ن ۵ (حاشیه)، ۱۹ = قضا عقد دعا را با اجابت بسته همان عرفی؛ در دیگر نسخه‌ها بطوری که نوشته شد

۹- ۱، ۲، ۵، ۸، ۴، ۱۷، ۲۹، ۲۸، ۱۹، ۳۵، مآثر رحیمی = تو بهمان در جهان بینی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، هفت اقلیم = تو بهمان و

فلان بینی

## قصیده هشتاد و دوم

قصیده ذو‌مطلمین در مدح عبدالرحیم خانخان<sup>(۱)</sup>

بفرمایش حکیم ابوالفتح گیلانی

بیا که با دلم آن می‌کند پریشانی

که غمزه تو نکرده‌ست با مسلمانی

ز دیده رفتی و مُردم همان نفس،<sup>(۲)</sup> فریاد

که بی تو مُردم و آنکه چنین بآسانی

کسی که تشنه لبِ نیازِ تست می‌داند

که موجِ آبِ حیات است چنینِ پیشانی

بهشت غمزه اسلام دشمنت که دو روز

مَحَبَّت تو کنم جمع با مسلمانی

ترخمی نکند حسن بر دلم، گویی

که در زمانه یوسف نبوده<sup>(۳)</sup> زندانیز<sup>(۴)</sup> مطلعِ دگر این وصف را دهم تزئین<sup>(۵)</sup>که تازه گردد<sup>(۶)</sup> ازان مطلع آفرین خوانی

خلاصه‌الاشعار: اشعار ۱ تا ۲۳، از ۲۶ تا ۲۸ تا ۳۱، ۳۲ تا ۴۲، ۴۳ تا ۵۰، ۵۱ تا ۵۶، ۵۷ تا ۷۰، ۷۱ تا ۹۰، ۹۱ تا ۱۱۳ ؛  
آتشکده: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

۱- قصیده نظیری نیشاپوری در مدح خانخانان که با مطلع زیر آغاز می‌شود هم باید دید:

رنند باغ و بهارم صلاهی ویرانی      گلم ز شاخ فرو ریزد از پریشانی

حکیم شغائی هم قصیده‌ای درین زمینه گفته و در آن هجو عرفی کرده است. بقول کش چند اخلاص در صله این قصیده عرفی از خانخانان هفتاد هزار درم انعام یافت.

۲- ن ۱۷، مآثر رحیمی = زمان؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه، آتشکده، مسرت، صادق، رحیم و غیره = نفس

۳- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵، خلاصه، صادقی = نبوده

۴- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

گفت؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵ = ز مطلع دگر این وصف را دهم تزئین

۵- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

۶- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

زهی وفای تو همسایه<sup>(۱)</sup> پشیمانی  
 نگاه گرم تو تکلیف نامسلمانی  
 لب تو جگره ده باده دل آشوبی  
 غم تو شانه کش طرّه تن آسانی  
 متاع لطف تو سرمایه تهی دستی  
 خیال زلف تو مجموعه پریشانی  
 گل کرشمه بخندد چو چشم باز کنی  
 بهار عشوه بریزد چو رخ بپوشانی  
 ز دین خویش سؤالش کنند در محشر  
 کسی که عشق تو نگزید<sup>(۲)</sup> بر مسلمانی  
 چنانکه لشکری از مرغ نامه بر دارم  
 مرا رسد که کنم دعوی سلیمانی  
 بسی نوشت و نیامد جواب نامه ز<sup>(۳)</sup> دوست  
 قلم که دست ز من می برد بگریانی  
 چه<sup>(۴)</sup> دست در خم اندیشه می زند<sup>(۵)</sup> دیگر  
 مگر به جوش در آمد<sup>(۶)</sup> شراب روحانی  
 ز فرّ عدل وی امروز یک بها دارد  
 متاع نوشروانی و خان خانانی  
 بهمن مکرمت<sup>(۷)</sup> او نیاز کاسه تهی  
 ز فقر تابه غنا می برد به مهمانی

۱- ن ۳۵ = پیمانه ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = همسایه

۲- ن ۱، ۴، ۹ = بگزید ؛ ن ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۵ = نگزید ؛ ن ۲۸ = نگزیده

۳- ن ۱، ۸، ۳۵ = نامه ز دوست ؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = نامه دوست

۴- مآثر، صارقى = چو ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = چه

۵- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۳۵، ۲۹، ۱۷، ۹، و غیره = می زند دیگر ؛ منیر = می زند دگر ؛ صادقی = می زنم دیگر

۶- صادقی = در آرد ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = در آمد

۷- ن ۱، ۵ = مرحمت ؛ ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = مکرمات

دمی که دست برآرد ز آستی جودش  
 بچشمِ آز کند<sup>(۱)</sup> موجِ بحر سوهانی  
 بعهده او شمع را در صفاتِ زلفِ بتان  
 کنند نقل<sup>(۲)</sup> به جمعیت از پریشانی  
 ز سهم او چو نیارد فشاند<sup>(۳)</sup> گردِ فتور  
 فلک به دامنِ احوال انسی و جانی  
 کنند ز حایله برای گزیدنِ مردم  
 بگناهِ مستی ازو التماسِ ترخانی  
 بوصفِ رایش اگر خامه زن شوم گردد  
 اناملم همگی چون هلال نورانی  
 هوای وصفِ کمندش<sup>(۴)</sup> بخاطرم زد موج  
 گره شد افمی اندیشه‌ام ز پیچانی  
 زهی زمانه طرازی که عدلِ دولت تو  
 چو نور و سایه کند روز و شب جهانبانی<sup>(۵)</sup>  
 جهان پناها، دریا دلا، خداوندا  
 که در پناه<sup>(۶)</sup> جهان نیست چون تویی ثانی<sup>(۷)</sup>  
 دلِ حسودِ تو ویران تراست از آن موضع  
 که در زمانه جورِ تو می‌کند کانی  
 نهالِ بختِ تو در گلشنی بود سرسبز  
 که راه کاهکشانش کنند خیابانی

۱- شرح میرزا جان = کشد ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱ = کند

۲- ن ۲۸، شرح منیر = وصف ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۱۷۱ = نقل

۳- ن ۳، ۴، ۱۷، ۱۹، مسرت = نشانند ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = فشاند

۴- ن ۱، ۵، ۳۵ = کمندت ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = کمندش

۵- این بیت تنها در نسخه‌های اول و پنجم و هشتم و بیست و نهم و سی و پنجم یافته شد.

۶- ن ۵ = بنای ؛ ن ۱، ۸، ۲۹، ۳۵ = پناه

۷- این بیت تنها در نسخه‌های اول و پنجم و هشتم و بیست و نهم و سی و پنجم یافته شد.

تو زیب محفل و من<sup>(۱)</sup> بینمت که در میدان

سر زمانه به فتراک بسته می‌رانی

چو سدره ریشه دوانید<sup>(۲)</sup> در جهات<sup>(۳)</sup> ابد<sup>(۴)</sup>

درختِ عمرِ تو در چارباغِ ارکانی

ز حد گذشت حقِ خدمتِ فلک، ترسم

که زیرِ مسندِ خویشش چو عرش بنشانی

زمانه جمع کند شش جهتِ بیک جانب

اگر تو رخسِ حکومتِ بیک جهت<sup>(۵)</sup> رانی

بخرقِ عادت اگر ملتفت شوی شاید

که کنه خویش در ادراکِ عقل گنجانی

بجز تو در وسطِ عقل ثانی و اول

که دیده واسطه عقلِ اول و ثانی؟<sup>(۶)</sup>

شجاعتِ تو ولی نعمتی بود که کند

به مطبخش جگرِ شیرِ هرزه بریانی

چو رخسِ گیتی تازی به روزگار، سزد<sup>(۷)</sup>

که گردِ تحتِ ثری بر سپهر افشانی<sup>(۸)</sup>

۱- شرح منیر و مآثر رحیمی=می بینمت ؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید نیز در شرح کارنامه، خلاصه، رحیم و غیره=من بینمت

۲- ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = دوانید ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دوانیده

۳- ن ۱، ۳، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = جهات ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ذهاب

۴- ن ۱، ۲۸ = آید ؛ ن ۲۹ = آمد ؛ ن ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = ابد

۵- ن ۸، ۳۵ = طرف ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = جهت

۶- در نسخ ۱، ۵، ۸ این بیت بعد از شعر بیست و نهم یافته شد. در نسخه چهارم و چند دیگر نسخ مطلقاً نیست

۷- ن ۲۹ = روزگار نبرد ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸ (حاشیه)، ۳۵ = روزگار سزد

۸- ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ (حاشیه)، ۳۵ = بنشانی ؛ ن ۱، ۱۷، ۵ = افشانی ؛ ن ۲۹ = بفشانی

چو عرضِ معجزه<sup>(۱)</sup> را تربیتِ دهی، شاید

که سایه در بغلِ آفتاب گنجانی<sup>(۲)</sup>

قلم<sup>(۳)</sup> براهِ صلاحِ تو می‌رود ورنه<sup>(۴)</sup>

کجا رسد به دو انگشتِ نی جهانبانی

همان عصای کلیم است خامهٔ تو ولی

صلاح در قلمی دیده نی به<sup>(۵)</sup> ثعبانی

سمندِ دولتِ جاویدیت که در هرگام

بساطِ کون و مکان نازدش<sup>(۶)</sup> به میدانِ

برهنه پاو سر آید ابد بدنبالش<sup>(۷)</sup>

اگر عنانش به صوب<sup>(۸)</sup> ازل بگردانی

رقم کشان<sup>(۹)</sup> یمین و یسارِ دشمن<sup>(۱۰)</sup> تو

که می‌کنند عمل<sup>(۱۱)</sup> سنجی و قلم<sup>(۱۲)</sup> رانی

۱- مآثر رحیمی = معجزه ترتیب می‌دهی؛ خلاصه، ۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷ = عرض معجزه تربیت؛ ن ۹، ۱۸، ۵، ۲، ۳، ۶، ۲۰،

۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = عرض معجزه را تربیت؛ ن ۱، ۵ (اصل)، ۳۵ = ناصیه را تربیت

۲- ن ۵، ۶، ۲۴، ۱۸، ۳۳ = پالانی؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸ (حاشیه)، ۳۳ (حاشیه)، ۳۵ = بالانی؛ ن ۲۸ = تالانی؛ ن ۲۹، ۲ = گنجانی

۳- ن ۲۹ = سخن؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = قلم

۴- ن ۱۷، ۲۹ = ورنه؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۸، ۳۵ = ورنه

۵- ن ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۸، ۳۴ = دیده نی به ثعبانی؛ ن ۳، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = خلاصه = دیده نه ثعبانی؛ آتشکده = دیده به ثعبانی

۶- ن ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بایدش؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵ = ناردش

۷- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۵، مسرت، منیر = به دنبالش؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، خلاصه، مآثر = ز دنبالش

۸- ن ۹، ۱۷، مسرت = بسوی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۱، خلاصه، منیر، رحیم = صوب

۹- مآثر، مسرت = کشان به یمین و یسار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = کشان یمین و یسار

۱۰- ن ۱، ۸، ۲۸، خلاصه = دولت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵، خلاصه، دشمن

۱۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۴ = سخن سنجی؛ ن ۱۷ = رقم سنجی؛ ن ۲ = علم سنجی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه،

مسرت، مآثر، رحیم = عمل سنجی

۱۲- ن ۱۷ = عمل رانی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه، رحیم، مسرت = قلم رانی؛ ن ۲۸ = سخن رانی

ز بهر شدتِ خذلانِ او بدل کردند

طبیعتِ ملکی را به نفسِ شیطانی<sup>(۱)</sup>

ز روز تیره حسودت بگاوِ جلوهٔ شام

گمان برد که دمیده‌ست صبحِ نورانی<sup>(۲)</sup>

سه‌گانه<sup>(۳)</sup> گوهر<sup>(۴)</sup> والانژاد<sup>(۵)</sup> دودهٔ کون

که جنسِ معدنی و نامیه<sup>(۶)</sup> است و حیوانی

ازان میانِ وجود و<sup>(۷)</sup> عدمِ فرود آیند<sup>(۸)</sup>

که حرف<sup>(۹)</sup> ردّ و قبولت شود<sup>(۱۰)</sup> بآسانی

فلک به مردمکِ آفتاب اگر دیدی

به دور<sup>(۱۱)</sup> عدلِ تو حُسنِ زمانهٔ فانی

بماندی از حرکتِ آفتاب در مطلع

مثالِ دیدهٔ عاشق<sup>(۱۲)</sup> بگاوِ حیرانی

گهر شناسا! دُرِ پیش پای بین و بسنج

نثارِ من که بفرقِ تو باد ارزانی

۱- ن ۷ = انسانی؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول خلاصه و رحیم و مسرت و غیره = شیطانی

۲- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ یافته شد. در نسخه ۱۷ این بیت ۴۳ است ولی در نسخه‌های دیگر این بیت بعد از بیت ۹۱ یافته شد.

۳- ن ۱، ۲، ۸، ۲۹، ۳۵ = سه گونه؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۸ = سه گانه

۴- ن ۳، ۶، خلاصه، کارنامه = جوهر؛ همه نسخه‌های دیگر = گوهر

۵- ن ۶ (پاورقی)، ۱۶ = نهاد؛ همه نسخه‌های دیگر = نژاد

۶- ن ۳، ۴، ۳۵، منیر، کارنامه نامی است؛ ن ۲۹ = کانی است؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، خلاصه، مسرت و غیره = نامیه است

۷- کارنامه = از عدم؛ همه نسخه‌های دیگر = و عدم

۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، مسرت = آیند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = آمد

۹- ن ۱، ۵، ۲۰ = حرف؛ همه نسخ دیگر = صرف

۱۰- کارنامه، مسرت = بود؛ همه نسخه‌های دیگر = شود

۱۱- ن ۱، ۲، ۹، ۱۸، ۲۰ = بروز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = بدور

۱۲- کارنامه، رحیم = عاشق؛ همه نسخ کلیات بشمول ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = احول



غلط، مسنج و مبین،<sup>(۱)</sup> پایمالِ نسیان کن  
 مباد چیده دگر باره<sup>(۲)</sup> برسر افشانی  
 سبک ز جای نگیری<sup>(۳)</sup> که بس گران گهر<sup>(۴)</sup> است  
 متاعِ من که نصیص مباد ارزانی  
 قماشِ دست زد<sup>(۵)</sup> شهر و ده ز من مطلب  
 متاعِ من همه دریایی است یا کانی  
 ز بسکه لعل فشاندم بنزد اهلِ قیاس  
 یکیست نسبت شیرازی و بدخشانی  
 بمهد جلوهٔ حُسنِ کلامِ من اندوخت  
 قبولِ شاهدِ نظمِ کمال<sup>(۶)</sup> نقصانی  
 کنونکه یافت چو من سرمه‌سای در شیراز  
 خرد ز<sup>(۷)</sup> دیده کشد سرمهٔ صفاهانی  
 ببین که تافته ابریشمش چه خامی<sup>(۸)</sup> یافت  
 ز تابِ اطلسِ من شعرافای شروانی  
 زمانه بین که مرا جلوه داد تا از رشک  
 به‌داغهای پس از مرگ سوخت خاقانی<sup>(۹)</sup>

- ۱- ن ۱، ۵، ۲۹، ۱۷ = مکن پایمال نسیانش ؛ ن ۲ = ببین پایمال نسیان کن ؛ ن ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = مبین پایمال نسیان کن  
 ۲- ن ۱، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = دگر بار ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵ = خلاصه = باره  
 ۳- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = سبک ز جاش بگیری ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷، مآثر، آتشکده، خلاصه = سبک ز جای نگیری ؛ شرح عجیب و غریب = سبک ز جاش نگیری  
 ۴- ن ۱، ۵ = قدر ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵ = گهر  
 ۵- ن ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دست زد ؛ ن ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = مسرت = دست زده  
 ۶- کمال اصفهانی  
 ۷- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بدیده ؛ ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۱۷۱، مآثر، کارنامه، رحیم = ز دیده  
 ۸- ن ۱۷ = صافی ؛ همه نسخه‌های دیگر = خامی  
 ۹- نظیری نیشاپوری پس از مرگ عرفی قصیده‌ای در مدح خانخانان گفت و در پاسخ این اسعار، اشعار زیر گفت:  
 درین قصیده بگستاخی ار چه عرفی گفت      بداغ رشک پس از مرگ سوخت خاقانی  
 ادامهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد

گرفته<sup>(۱)</sup> روی زمین جمله آفتاب صفت

بمعون تیغ زبان شهرتم به آسانی

چو کرم پیله لعابی تنیده‌ام بر خود<sup>(۲)</sup>

که اصل خلعت دارائی است و خاقانی

ببختد ای در و دیوار روزگار خراب

که بر زمانه زدم تکیه سلیمانی

ز شوقِ بوقلمون حله عبارت من

مدام شاهد معنی نموده عریانی

ز سحر خامه جادو اثر فرستادم

بجای شعر به کاغذ شراب روحانی

بنوش و باک مدار، این شراب جام<sup>(۳)</sup> بیان

که نیست خوردن این باد را پشیمانی

ازین شراب گر<sup>(۴)</sup> آلوده دامنی خیزد

بکش که بر تو حرام است پاکدامنی

زمانه خواند و فلک بر بیاض<sup>(۵)</sup> دیده نوشت

که این قصیده بیاضی بود نه دیوانی

ادامه پاورقی از صفحه قبل

کنون بگور چنان او بر شک می‌سوزد که در تنور توان گوسفند بریان

همین طور حکیم شقائی هم در قصیده‌ای در همین زمین مذمت عرفی کرده است.

۱- ن ۲، ۴، ۲۸، ۹ = گرفت؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۱۸ و غیره = گرفته

۲- ن ۶ = امروز؛ ن ۲ = بیرون؛ ن ۴، ۲۸ = بردست؛ ن ۱ = به برت؛ ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵، ۱۷، مآثر، قطب = بیروت؛ ن ۱۷ = بر خود

۳- ن ۱۷ = جام بیان؛ ن ۱۸، ۲۰، ۹، ۲۴، ۳۳ = خامه رسا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۹، ۳۵، خلاصه، مآثر = خامه رسان؛ ن ۲۸ = جام رسان

۴- ن ۱۷، منیر = کز؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = گر؛ ن ۱، ۳۵ = که

۵- ن ۶ = سواد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بیاض

بر<sup>(۱)</sup> آستانِ تو صد گنجِ شایگان ریزد<sup>(۲)</sup>  
 چو آستینت<sup>(۳)</sup> اگر نامه‌ام<sup>(۴)</sup> برافشانی  
 مده به راوی<sup>(۵)</sup> بدلهجه<sup>(۶)</sup> شعر من که مرا  
 درین قصیده بروز<sup>(۷)</sup> کمال نشانی<sup>(۸)</sup>  
 مرا به نسبتِ همدردی کمال غم است  
 وگر نه شعر چه غم دارد از غلط خوانی  
 مفرّحی که من از بهرِ روح ساختم<sup>(۹)</sup>  
 نه انوری نه فلانی دهد<sup>(۱۰)</sup> نه بهمانی  
 ز همعنائی طبعم<sup>(۱۱)</sup> به شاعرِ شروان  
 به عهدِ کودکیم فارس<sup>(۱۲)</sup> کرده شروانی  
 کنون که رتبهٔ حکمت گرفت شعر از من  
 کند به نسبتِ این اعتبار یونانی<sup>(۱۳)</sup>

۱- ۱۹، خلاصه، رحیم = باستان؛ همه نسخه‌های دیگر = برآستان

۲- ۱ = خیزد؛ همه نسخه‌های دیگر = ریزد

۳- مسرت، قطب = چو آستین خود ار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵، خلاصه و غیره = چو آستینت اگر

۴- ۱۹ = خامه‌ام؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نامه‌ام

۵- اشاره بر اوی بدلهجه، کمال اصفهان‌نست

۶- ۱۷، شرح قطب = بدلهجه؛ همه نسخه‌های دیگر = ناجنس

۷- ۱۰ = بروزی؛ همه نسخه‌های دیگر = بروز

۸- ۱، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نشانی؛ ن ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۰، خلاصه، رحیم، مأثر، ۱۸، ۱۷۱ = نشانی

۹- ۱۷ = ساختم؛ مأثر رحیمی = می‌سازم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = سازدهم

۱۰- ۱۷ = بود؛ همه نسخه‌های دیگر = دهد

۱۱- ۴ = شعرم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و غیره = طبعم

۱۲- ۱۸، ۹، ۳۳ = دهن کرده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ (پاورق)، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = فارس کرده؛ ن ۲۹ = فاش کرده

۱۳- نظیری نیشابوری در بارهٔ این شعر از راه تعریض می‌گوید:

بسلک مدح تو مدح حکیم گیلانی  
 بود بقرب کیان اعتبار یونانی  
 ولی نهد به پی آفتاب پیشانی  
 کلاه پادشهی راکلاه بارای

دگر نبود ز شرط ادب در آوردن  
 گراو بفضل فلاطون‌ست بر کشیدهٔ تست  
 اگر چه سایه ز رفعت زمین فرو گیرد  
 دگر چه ابر در افشان شود کسی نکند

بس است عرفی ازین شعر و ذکر دم درکش

که روی مهر نبینی ز عالمِ فانی<sup>(۱)</sup>

همیشه تا که درین طاس نیلگون باشد

زند ز صورت گوی از هلالِ چوگانی<sup>(۲)</sup>

هنوز هست امیدش<sup>(۳)</sup> که یابد از فیضم

بعونِ خدمتِ صاحبِ نصابِ<sup>(۴)</sup> گیلانی

چه صاحب آن که در اهمالِ<sup>(۵)</sup> خدمتش نشنید<sup>(۶)</sup>

قضا ز صورتِ دیوارِ عذرِ بیجانی

همان که هست ترا<sup>(۷)</sup> با روانِ<sup>(۸)</sup> افلاطون

خطابِ لفظی و باوی<sup>(۹)</sup> تکلمِ جانی

همان که گریهٔ کلکت از آن روا<sup>(۱۰)</sup> داری

که نوبهارِ طبیعتِ برو بخندانی

همان که فرقِ فلک را به تیغ بشکافد

گرت ز حادثهٔ چینی فتد به پیشانی

همان که ابرِ عتابش<sup>(۱۱)</sup> چو فتنه بار شود

جهان ز حفظِ تو جوید کلاه بارانی

۱- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ یافته شد.

۲- این شعر تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۳۵ یافته شد.

۳- ن ۱، مآثر، خلاصه = امید به؛ همه نسخه‌های دیگر = امیدش

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، عجیب و غریب = خطاب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، آرزو = نصاب

۵- ن ۸، ۳۵ = جمال؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ و غیره = اهمال

۶- کارنامه = نشنود؛ ن ۲۹، مآثر = بشنید؛ دیگر همه نسخ = نشنید

۷- ن ۲۹ و را؛ ن ۱۷ = مرا؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۳۵ و غیره = ترا

۸- مسرت، قطب = راز دار

۹- ن ۲۹، ۳۵، مآثر = باوی؛ همه نسخ دیگر = باوی

۱۰- ن ۲ = ازو روانی داد؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۵ = ازان روا داری

۱۱- ن ۲، ۳، ۵، ۳۵ = عتابش؛ ن ۱ = عطایت؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = عتابش

همان که نشکند<sup>(۱)</sup> از پیچ دست طرف کلاه  
 که تو نثار وفاقی<sup>(۲)</sup> بران<sup>(۳)</sup> نیفشانی<sup>(۴)</sup>  
 سخن صریح<sup>(۵)</sup> بگویم حکیم ابوالفتح است  
 که تو سپهر فضایل مآثرش خوانی  
 دلیر<sup>(۶)</sup> ازانش پرستم<sup>(۷)</sup> که از لیاقت او<sup>(۸)</sup>  
 گرفته برهمنی صورت<sup>(۹)</sup> مسلمانی<sup>(۱۰)</sup>  
 ذخیره‌ای نهد از من که مانی از صورت  
 تمتعی برم از وی که صورت از مانی  
 ازان ندیده ثنا گویمت که می‌بینم  
 ترا و او را یک تن بچشم روحانی  
 دلیل وحدتم این بس که مدح خود می‌خواست  
 مرا به مدح تو فرمود گوهرافشانی  
 تو چون گذر کنی آنجا به نظم رنگینم  
 که مصرعش چمنی کرده،<sup>(۱۱)</sup> بیت بستانی  
 ضمیر وی<sup>(۱۲)</sup> بمن این جا نشان دهد هرجا  
 که ناخن بزنی یا سری بجنبانی

۱- ن ۲۹ = بشکند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵ = نشکند

۲- ن ۸، ۳۵ = نفاقی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۲۸ = وفاقی

۳- ن ۴، ۱۷ = برو؛ همه نسخه‌های دیگر = بران

۴- ن ۱، ۳، ۱۷، ۲۹، مسرت، مآثر، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بیفشانی؛ ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = نیفشانی

۵- ن ۸، ۳۵ = درست؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = صریح

۶- ن ۱۸ (حاشیه)، ۳۳ (حاشیه) = بدیر؛ همه نسخه‌های قصاید و کلیات = دلیر

۷- ن ۲۹ = ترسم؟ همه نسخه‌های دیگر = پرستم

۸- ن ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = او؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۳۵ = آن

۹- ن ۲۸، مآثر، خلاصه = صورت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = سیرت

۱۰- ن ۸، ۳۵ = سلیمانی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۹ و غیره = مسلمانی

۱۱- ن ۹، ۲۰، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = کرد بیت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = کرده بیت

۱۲- مآثر رحیمی = ضمیر من بوی آنجا؛ ن ۲، ۲۹، کارنامه = ضمیر وی بمن آنجا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰،

۲۴، ۳۳، ۱۷۱ و غیره = ضمیر وی بمن این جا

درین زمین دو سه بیتی<sup>(۱)</sup> گزیده در مدحش

ذخیره دارم از انعامهای ربانی  
قصیده نشده و نگذرانده<sup>(۲)</sup> می خوانم<sup>(۳)</sup>

که شوقِ من به ثنا خواندش<sup>(۴)</sup> تو میدانی  
تبارک الله ازان گوهر محیطِ عطا

که از افاضتِ او قطره کرده عمانی  
نه نفسِ کلی و دریای گوهرِ دانش

نه عقلِ اول و استادِ جوهرِ ثانی  
عداوتش به گهر سیمای مصلحتی

عنایتش به اثر کیمیای رحمانی<sup>(۵)</sup>  
بجای دیو ملک را کند به شیشه، اگر

کسی به خلوتِ خلقتش کند پری خوانی  
اگر در<sup>(۶)</sup> آینه باد و<sup>(۷)</sup> عتابِ او گذرد

سزد که آینه پُرچین شود چو<sup>(۸)</sup> پیشانی  
ز<sup>(۹)</sup> روز تیره حسودت بگاہِ جلوهٔ شام

گمان برد که دمیده ست صبحِ نورانی<sup>(۱۰)</sup>  
نخست خوشتنت بخشد از گران گهری

چو دست همتش آید به گوهرافشانی

۱- بهار عجم = بیت ؛ همه نسخه های کلیات = بیتی

۲- ۹ ن = ناتمام ؛ ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ (نسخه های چاپ هند) = نارسانده ؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ (پاورق)، ۲۸، ۲۹ = ناگذرانده

۳- ۱ ن، ۱۷، ۲۸ = خواهم ؛ ۴، ۵، ۹، ۲۹، ۳۵ و غیره = خوانم

۴- ۱۷ ن = خوانیش ؛ ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = خواندش

۵- ۲ ن، ۳، ۵ = روحانی ؛ ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = رحمانی

۶- ۱ ن، ۵ = در ؛ ۱۷، ۲۸، ۳۵ = به (در دیگر نسخ نیست)

۷- ۱ ن، ۱۷، ۲۸ = باد عتاب او ؛ ۱، ۵ = با او عتاب

۸- ۸ ن = که ؛ ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = چو

۹- این بیت در نسخه های ۱، ۵، ۸، ۳۵ یافته شد

۱۰- ۱ ن = یونانی ؛ ۵، ۸، ۳۵ = نورانی

زمانه را و فلک را به وی خطابی بود  
نه<sup>(۱)</sup> دوش و دی، دم اشراقِ صبحِ امکانی  
زمانه گفت "تو پرویز و من ترنج زرم  
به کام<sup>(۲)</sup> خود بطرازم چنان که می دانی"  
سپهر گفت "توانی"<sup>(۳)</sup> که تو، من آن که منم  
براهِ عجز برانم چنان که می رانی"  
چو رسمِ خدمتِ او عام گشت، گردون گفت  
که داغِ صورتِ چین تازه شد ز بیجانی<sup>(۴)</sup>  
شکفته بختِ دی و دل شکسته طالعِ خصم  
ندیم می کده و کام جوی رندانی<sup>(۵)</sup>  
زمانه گفت فلک را گهی<sup>(۶)</sup> بیاید ابر  
مراتبِ کفِ جودش ز گوهرافشانی  
فرو<sup>(۷)</sup> گریست که آری گهی که نفس<sup>(۸)</sup> فلک  
به علمِ جوهرِ اول رسد ز گردانی<sup>(۹)</sup>  
سخن شناسا دیدی و<sup>(۱۰)</sup> دیده باشی هم  
علو پایه من در مقامِ سبحانی  
فلان مرئی و من تربیت [پذیرم و]، این بس  
ز فضلِ خود چه زنم لاف های طولانی

۱- ن ۱ = ۵ = دوش دی ؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = نه دوش و دی

۲- ن ۱، ۴، ۱۷، ۱۹ = گاه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، خلاصه، بهار عجم، مآثر رحیمی و غیره = کام

۳- ن ۹ = توانی که توسن آنچه منم ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۲۸، ۲۴، ۳۳ = توانی که تو، من آنچه منم ؛ ن ۶، ۱۷ = توانی که تو من آنکه منم ؛ ن ۵ = توانی و من همان که منم

۴- مسرت = ز بیجانی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = ز بیجانی

۵- ن ۳۵، خلاصه = رندانی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۳، ۲۹، ۲۸ = زندانی

۶- ن ۵ = که کی بیاید ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۵، ۲۸، ۳۳ گهی بیاید ابر ؛ ن ۲، ۶، مآثر = گهی بیاید بر ؛ ن ۲۴ = گهی بیاید

۷- مآثر = فلک ؛ نسخه های دیگر = فرو

۸- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵، ۲۸ = نقش ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = نفس

۹- ن ۳ = نادانی ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ = گردانی

۱۰- ن ۱ = چه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵ و غیره = و

دراز شد سخنم جای شرم و تن<sup>(۱)</sup> زدن است  
 گزرفتم آن که لآلی است جمله عَمّانی  
 طریقِ ذیل چه پویم درین خجالت‌گاه  
 که لنگ شد خردم را سمندِ جولانی  
 ثنای صاحب و مدحِ تو همچو شیر و شکر  
 بهم سرشتم و بگرفت شکلِ وحدانی<sup>(۲)</sup>  
 نوای لاف و گزافِی که سُنّتِ شعر است  
 زدم چنانکه دلم خون شد از پشیمانی  
 نمی‌وزد ز جهان باد بر دلم هرگز  
 که زلفِ شاهدِ نطقم کند پریشانی  
 حدیثِ آب و علفِ خود بنزدِ من باد است  
 که نظم و نثر خودم<sup>(۳)</sup> کرده آبی و نانی<sup>(۴)</sup>  
 تمام هَمّت و سر تا قدم مرادِ دلم  
 اگر دهی نستانم،<sup>(۵)</sup> دهم چو<sup>(۶)</sup> بستانی  
 دگر چه مانده دعای تو خود بگو<sup>(۷)</sup> که چه کام  
 طلب کنم، که نه<sup>(۸)</sup> تحصیلِ حاصلش خوانی  
 همیشه تا نبود ثانی اقدم<sup>(۹)</sup> از اوّل  
 همیشه تا که بود سربه تاجِ ارزانی

۱- ن ۲، ۶ = و دم زدن است؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = و تن زدن است

۲- ن ۱، ۸، ۲۹ = وحدانی؛ ن ۵، ۲۸، ۳۵ = وجدانی

۳- ن ۹ = مرا؛ همه نسخه‌های دیگر = خودم

۴- در چند نسخه‌های مهم مثل ۴، ۱۷ وجود ندارد.

۵- ن ۲۹ = بستانم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵ = نستانم

۶- ن ۲ = تو؛ همه نسخه‌های دیگر = چو

۷- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹ (پاورق) = دعای تو خود بگو که چه کام؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = دعای کنون بگو که چه کنم؛ ن

۲، ۲۹ = دعای بگو کنون که چه کنم؛ ن ۳، مآثر، خلاصه، رحیم = دعای کنون بگو که چه کام

۸- خلاصه = تو؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = نه

۹- ن ۱۷ = اقدم از اولی؛ مآثر = اوّل از اقدم؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = اقدم از اوّل



ز سایه تاج ده فرقِ بختِ عرفی باد  
همای دولتِ مخدمِ اوّل و ثانی

### قصیده هشتاد و سوم

#### قصیده در تهنیت و تاریخ تولّد میرزا قارن فرزند خانخانان

بود در کتبِ علم بکر طبیعت را جای  
که خرد بر<sup>(۱)</sup> سرش استاده<sup>(۲)</sup> همی گفت بر آی<sup>(۳)</sup>  
چند در پرده نشیند خلفِ دوده کون  
محرمی نیست مگر هم تو شوی پرده گشای  
نه ترا عقدِ زفافست درین پرده ضرور  
نه مرا صبر و سکون داده<sup>(۴)</sup> درین دار<sup>(۵)</sup> خدای<sup>(۶)</sup>  
مریمی کن تو<sup>(۷)</sup> که فرزندِ مسیح است مسیح  
حاتمی کن تو که توفیق<sup>(۸)</sup> گدایست گدای  
این سخن گوش زدِ بکر طبیعت چون گشت  
خننده زد، گفت برو، صبر<sup>(۹)</sup> کن و ژاژمخای  
گوشه‌ای گیرو جگر می‌خور و تلخی می‌کش  
تا به عهده‌ی که شود صاحبِ تو ملک‌آرای

۱- ن ۳۵، ۸ = در ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = بر

۲- ن ۲۸، ۳ = استاد ؛ ن ۲۹ = استاد و ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۵، ۱۷۰ = استاده ؛ ن ۲ = افتاده

۳- ن ۲، ۳، ۸، ۲۹ = برای ؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰ = برای

۴- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = داده ؛ ن ۴، ۲۸ = داد ؛ ن ۱۸ = داد و

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = درین دیر ؛ شرح قطب = ازین دار ؛ ن ۱، ۵ = درین پایه ؛ ن ۳، ۴، ۸، ۲۹، ۳۵ = درین دایه ؛ ن ۱۷ = درین دانه ؛ ن ۹، ۲۸، کارنامه، مسرت، بهار عجم = درین دار

۶- ن ۲۸ = به جای ؛ همه نسخه‌های دیگر = خدای

۷- ن ۱، ۸، مسرت، ۲۸ = که تو ؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = تو که

۸- مسرت، مآثر = اقبال ؛ همه نسخه‌های دیگر و شرح‌ها = توفیق

۹- ن ۳ = که رو، بیش ازین ژاژمخای ؛ ن ۱۷، مآثر رحیمی، مسرت = برو، صبر کن و ژاژمخای ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = که رو صبر کن و ژاژمخای

خلقی از مژده برو مژده شنو جمع شوند<sup>(۱)</sup>  
 جمله جوهر طلب و جوهری و<sup>(۲)</sup> گنج ستای  
 فلک<sup>(۳)</sup> آماده شود، زهره مهیا گردد  
 آن یکی حُلّه<sup>(۴)</sup> طراز آید و این غالیه سای  
 من بصد ناز و کرشمه همه رنگ و همه بو  
 برسر جمله<sup>(۵)</sup> ارکان نهم از خلوت پای  
 پس<sup>(۶)</sup> در آید ببرم آنکه منش<sup>(۷)</sup> نامزدم  
 او کشد بند نقاب من و من بند قباب  
 بعد ازان کشمکش و طی شدن حالت<sup>(۸)</sup> حمل  
 لب به گستاخی اگر باز کنی دارد جای  
 لله الحمد که آن وعده<sup>(۹)</sup> بپایان آمد  
 هم خرد کام روا آمد و هم یار خدای<sup>(۱۰)</sup>  
 دوش بر دوش قضا دست در<sup>(۱۱)</sup> آغوش قدر  
 آمد از پرده برون پردگی صنع خدای

- ۱- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شدند؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = شوند  
 ۲- ن رحیم = جوهری گنج ستای؛ همه نسخه های دیگر = جوهری و گنج ستای  
 ۳- ن ۲، ۱۷ = ملک؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = فلک  
 ۴- ن ۴ = جمله؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳ = حُلّه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = حجله  
 ۵- ن ۱، ۵، ۲۹، رحیم، عجیب و غریب، ۸، ۳ = جمله؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۵ = حجله  
 ۶- ن ۱۷ = زان پس آمد ببرم؛ ن ۱، ۵، مآثر، ۲۹، ۳۵، ۸ = پس در آید ببرم؛ ن ۹، ۸، رحیم، ۱۸، ۲۰ = پس در آید ببرم؛ ن ۴ = پس در آمد ببرم  
 ۷- ن ۲ = ز پیشش هر دم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، ۳۵ و غیره = آن که منش نامزدم  
 ۸- ن ۱، ۵ = بعد ازان طی شدن کشمکش حاله و حمل؛ ن ۲، ۳، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = بعد ازان کشمکش و طی شده  
 حالت حمل؛ ن ۴، ۱۷، ۲۹ = بعد ازان کشمکش و طی شدن حاله و حمل؛ ن ۵ (حاشیه) = بعد ازان کشمکش و طی شدن  
 حالت وصل  
 ۹- ن ۱۷، قطب = عهد؛ همه نسخ دیگر = وعده  
 ۱۰- ن ۱، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸ = یار خدای؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = یار خدای؛ ن ۳ = هم کار کشای  
 ۱۱- ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = دست در آغوش قدر؛ ن ۱، ۴، ۸، ۳۵ = بود در آغوش قدر؛ ن بود و در آغوش  
 قدر؛ ن ۱۷۰ = بود و هم آغوش قدر

وهم با طالع او گفت که باشم<sup>(۱)</sup> در عرش  
گفت اگر گم نشوی<sup>(۲)</sup> بیشتر می<sup>(۳)</sup> می‌آی  
بخت با گوهر او گفت که دولت پس نیست<sup>(۴)</sup>  
گفت دائم به چها<sup>(۵)</sup> حامله‌ای، رو<sup>(۶)</sup> می‌زای  
سال مولودش از آن "شاخ گل پی بدل"<sup>(۷)</sup> است  
 $\frac{۹۹۹}{۹۹۹} = \frac{۴۸}{۵۰} + \frac{۹۰۱}{۵۰}$   
که ندارد بدل<sup>(۸)</sup> اندر چمن دولت و<sup>(۹)</sup> رای  
مرحبا ای گهرت را شرف ذات پدر  
مرحبا<sup>(۱۰)</sup> ای قدمت را اثر ظل همای<sup>(۱۱)</sup>  
مرحبا ای ز عنایات ازل رمز خروش  
مرحبا ای به<sup>(۱۲)</sup> علامات هنر خویش ستای  
مرحبا ای نظر بخت تو کیوان پرواز<sup>(۱۳)</sup>  
مرحبا ای شرف<sup>(۱۴)</sup> ذات تو امکان آرای

- ۱- ن ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱، ۴، ۵، ۸ = بایستم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = که باشم  
۲- ن ۹، ۲۰ = گم نشوی؛ ن ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = کم نشوی  
۳- ن ۱۷ = هم نه پای؛ همه نسخه‌های دیگر = هم می‌آی  
۴- شرح رحیم، قطب = دولت بس هست؛ شرح مسرت = دولت پس تست؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دولت بس نیست  
۵- ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بیجهان؛ ن ۹ = بیچه‌ای؛ ن ۳، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، مسرت، قطب، آرزو = بیچه‌ها  
۶- ن ۱۷ = حامله آرد، می‌زای؛ ن ۹ = رو رو می‌زای؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۸، ۲۰، ۳۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = حامله‌ای، رو می‌زای  
۷- از این ماده تاریخ پیداست که این قصیده در سنه ۹۹۹ هجری که سال وفات عرفیست گفته شده و کلام دور آخرین عرفیست.  
۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = بدلی در؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، مآثر، کارنامه = بدل اندر  
۹- ن ۲۸، مسرت = دولت زای؛ ن ۳، ۴، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = دولت و رای؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = دولت رای  
۱۰- ن ۱۷ = جندا؛ همه نسخه‌های دیگر = مرحبا  
۱۱- ن ۳۵، قطب = ظل خدای؛ همه نسخه‌های دیگر = ظل همای  
۱۲- شرح قطب = ز؛ همه نسخه‌های دیگر = به  
۱۳- ن ۲، ۳ = کیوان پرواز؛ ن ۲۸ = کیوان نظر؛ ن ۵، ۱ = کیوان پرورد؛ ن ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = کیوان پرور  
۱۴- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۷۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، مسرت = شرف؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گهر

مرحبا ای بکنار آمده از صلبِ کمال<sup>(۱)</sup>  
جاودان در کنف<sup>(۲)</sup> فضل و هنر می‌آسای  
خانِ خانان که کمالیست مصوّر گهرش  
کو<sup>(۳)</sup> شناسای گهر<sup>(۴)</sup> تا نگرد صنعِ خدای  
ناخنِ فطرت<sup>(۵)</sup> او پردهٔ تحقیق شکافت  
خامهٔ دولتِ او چهرهٔ توفیق گشای  
زیبِ فرمان دهیش در شکنِ طرفِ کلاه  
نقد<sup>(۶)</sup> زیبندگیش در گره بندِ قبای  
دشمنش را بود آن مایه شقاوت که شود<sup>(۷)</sup>  
گردِ آرایش او دامنِ جیحونِ آلائی  
دیدهٔ عقل شود خیره ز آیین<sup>(۸)</sup> و هم  
گر<sup>(۹)</sup> شود صیقلِ اندیشهٔ اوزنگ زدای  
عدلِ او چون روشِ آموزِ مکافات شود  
پیروِ جااذبهٔ کاه شود کاه‌ربای  
بختِ او گر به دلِ نغمه‌طرازان گذرد  
شاخِ طوبی شود از برگ و ثمرِ پیکرِ نای<sup>(۱۰)</sup>

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۷۱ = پدر؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کمال

۲- ن ۳، ۸ = بیجهان در کنف فضل خدای؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۳۵ = در کنف فضل و هنر می‌آسای؛ ن ۲، ۳، ۴، ۲۸، ۸، ۹، ۲۳ =

= در کنف فضل پدر می‌آسای؛ ن ۲۴ = در کنف فضل پدر می‌آسای؛ ن ۵ (حاشیه) = در کنف خلد پدر می‌آسای

۳- ن ۱۷، ۲۹ = که؛ ن ۴، ۹، ۲۸، ۳۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = کو

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = کهر؛ ن ۲۸، مسرت = خرد

۵- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = قدرت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = فطرت

۶- ن ۱۷ = نور؛ همه نسخه‌های دیگر = نقد

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = بود؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ (پاورقی)، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شود

۸- ن ۱ = آرایش؛ همه نسخه‌های دیگر = آیین

۹- ن ۱۷ = که؛ همه نسخ دیگر = گر

۱۰- ن ۱، ۵ = برگ شجر؛ ن ۸، ۳۵ = برگ ثمر؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰ = برگ و ثمر؛ ن ۲ = برگ شکر خار ریای؟

زان بود زنده حسودش که جهان گشته ز ننگ<sup>(۱)</sup>  
 در<sup>(۲)</sup> وجود و عدم دشمنِ او نا<sup>(۳)</sup> پروای  
 آنچنان پیرو<sup>(۴)</sup> شاه است که از غایتِ قرب<sup>(۵)</sup>  
 که گهی سایه رساند به سرش بال<sup>(۶)</sup> همای  
 اختلافِ صور از نوعِ بشر بر خیزد  
 خامه<sup>(۷)</sup> معدلتِ او شود از چهره گشای  
 ای که در سایه عدلت همه امن است و امان  
 عالم فتنه فروش<sup>(۸)</sup> و فلک نایبه<sup>(۹)</sup> زای  
 تاب‌به‌هوش<sup>(۱۰)</sup> تو دهد صافی صهای رموز  
 گردد<sup>(۱۱)</sup> از پرده دل عاقله<sup>(۱۲)</sup> دانش پالای  
 شامِ احبابِ ترا طلعتِ خورشید اندود  
 صبحِ اعلای ترا ظلمت<sup>(۱۳)</sup> خورشید اندای  
 نزدِ ادراکِ تو اسرارِ قضا بر کفِ دست  
 پیشِ فرمان<sup>(۱۴)</sup> تو احکامِ فلک بر سرِ پای

۱- ن ۱، ۲۸ = رشک ؛ ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ننگ

۲- شرح مسرت = از همه نسخ دیگر = در

۳- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ = بی پروای ؛ ن ۱، ۵، ۳۵ = ناپروای

۴- ن ۱، ۵، ۳۵ = پرده ؛ ن ۲، ۴، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = پیرو ؛ ن ۱۷ = مزده ؟

۵- ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شوق ؛ ن ۲، ۴، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، متأثر، مسرت = قرب

۶- ن ۹ (پاورق) = ظل ؛ همه نسخه‌های دیگر = بال

۷- ن ۲۹، ۳۵ = نامه ؛ ن ۱، ۴، ۳، ۹، ۱۷، ۲۸ = خامه

۸- ن ۴ = فتنه فروش است ؛ همه نسخه‌های دیگر = فتنه فروش و

۹- ن ۱۷ = واقعه ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، متأثر، رحیم، کارنامه = نایبه ؛ ن ۱، ۵ = نامه ؛ ن ۸، ۲۹، ۳۵ = ناصیه زای

۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = متأثر = تابنوش ؛ ن ۲، ۴، ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱، مسرت، کارنامه، رحیم = تاب‌هوش

۱۱- ن ۲، ۴، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، متأثر، کارنامه و غیره = گردد ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = کرده

۱۲- ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = خاطر ؛ ن ۲، ۴، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، متأثر، کارنامه، رحیم = عاقله

۱۳- ن ۱، ۴، ۳، ۹، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ = ظلمت خورشید اندای ؛ ن ۸، ۳۵ = ظلمت خورشید آرای ؛ ن ۱۷ = پرتو ظلمت

اندای

۱۴- ن ۲، ۱۷ = احکام تو فرمان فلک ؛ ن ۱، ۴، ۳، ۹، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = فرمان تو احکام فلک

بسکه از لطف و عطا عزّت و ثروت<sup>(۱)</sup> بخشد<sup>۱</sup>  
 عالم آرا<sup>(۲)</sup> دل و دست تو به هر بی سر و پای  
 وقت آن است که دختر طلبد<sup>(۳)</sup> از پی عقد  
 دودمان کرم از سلسله آرز گدای  
 گر نه گشتی کرم حامی اصناف<sup>(۴)</sup> اُمم  
 احتساب نشدی عامل معزول نمای  
 زهر ناز<sup>(۵)</sup> از نگه<sup>(۶)</sup> خود بمکد<sup>(۷)</sup> چشم بُتان  
 هر کجا عدل تو از ظلم شود پرده گشای  
 ای که از بهر ستایش گریست معتکف است  
 بر لب نکته سراییم خرد نادره زای  
 مدحتِ جُز<sup>(۸)</sup> تو به فتوای یک اندیشی من  
 چون غم و شادی مغلوب طبیعت پیمای<sup>(۹)</sup>  
 حرصِ کسبِ شرفم لب به ثنای<sup>(۱۰)</sup> تو گشود  
 وای اگر معذرتم عرض تو می بودی، وای  
 دیده تُنه فلکم زایر انگشتان است  
 هر گهم نامه مدح تو شود دست<sup>(۱۱)</sup> آرای

- ۱- ن ۹ (حاشیه) = قدرت؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۱ = حرمت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۳۵ = ثروت  
 ۲- ن ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = عالم آرای دل و دست تو هر بی سر و پای؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۳۵ = عالم آرا دل و دست تو  
 بهر بی سر و پای؛ ن ۲۸ = عالم آرای دل و دست بهر بی سر و پای  
 ۳- ن ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = طلبد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = طلبند  
 ۴- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۳۵ = انصاف؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، مسرت، منیر و غیره = اصناف  
 ۵- ن ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، مسرت، کارنامه، منیر = زهرمار؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = زهرناز؛ ن ۲ = زهره را  
 ۶- ن ۱۷ = مژه خود؛ همه نسخه های دیگر = نگه خود  
 ۷- ن ۲ = ببرد؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بمکد  
 ۸- ن ۳ = چون تو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = جز تو  
 ۹- ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، مسرت، ۲۴، ۳۳، مآثر = بیجای؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ = پیمای  
 ۱۰- ن ۲، ۳ = دعای؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۵، مسرت = ثنای  
 ۱۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = نامه مدح تو بود دست گرای؛ ن ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نامه مدح تو بود دست آرای؛ ن ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = نامه مدح تو شود دست آرای؛ ن ۲ = نامه مدح تو شود دست گرای

هر<sup>(۱)</sup> سحر جمع نماید گهراندوزِ فلک  
 این گهرها که فروچیده درین<sup>(۲)</sup> نادره جای<sup>(۳)</sup>  
 تا یکایک شکند چون گهرِ ماهِ قضا  
 در تـه هاوَن تقدیر شود گوهرسای  
 شـیره شـهدِ نشاط آورد و صاف کند  
 تا بحدی که ازو<sup>(۴)</sup> روح دهد<sup>(۵)</sup> دیده جلای  
 زعفران آورد از مهر و درو<sup>(۶)</sup> آمیزد  
 درهم اینها که بیان کردم و دیگر اجزای  
 بعد از آن ساز دهد روح فرا ترکیبی  
 وز پی آن کند اینها فلکِ نادره زای<sup>(۷)</sup>  
 گه ندیمانه دهد مجلسیان را معجون  
 کبریای تو به هر جا که شود بزم آرای<sup>(۸)</sup>  
 از لبم حور و پری بوسه بتاراج برند  
 هرگه از شاهدِ مدح تو شوم بوسه ریای<sup>(۹)</sup>  
 جایم<sup>(۱۰)</sup> از دیده کند عقل و چنیش<sup>(۱۱)</sup> دارند  
 هر کرا کعبه مدح تو بود ناصیه جای<sup>(۱۲)</sup>

۱- ن ۱۷، ۲۹ = هر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = در

۲- ن ۸، ۲۹، ۳۵ = برین؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = درین

۳- ن ۱۷ = زای؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = جای

۴- ن ۱، ۵ = ازان؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = ازو

۵- ن ۸، ۳۵ = کند؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = دهد

۶- ن ۱۷ = و درو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = و روان

۷- ن ۱، ۵ = سای؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = زای

۸- اشعار از نمرة ۴۳ تا ۴۸ تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ یافته شدند. در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ (نقل‌های نسخه سراجا) اینها در میان اشعار سی و سه هستند و در نسخه ۱۷ (نسخه ناظم تبریزی) بطوری هستند که نوشته شد.

۹- در مآثر رحیمی این بیت بعد از بیت چهل یافته شد.

۱۰- ن ۴، ۲۸ = جانم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = جایم

۱۱- ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = جبینم؛ ن ۲۴، ۱۷۱ = حبیبم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۳۵ = جبینش؛ ن ۹ = چنیم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۱۷ = چنیش

۱۲- ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = ناصیه سای؛ ن ۸، ۳۵ = ناصیه خای؛ ن ۴، ۱۷، بهار عجم = ناصیه جای

گلی اندیشه من سحر غلط<sup>(۱)</sup> معجزه<sup>(۲)</sup> رنگ  
 بلبلِ نطقی<sup>(۳)</sup> من الهام،<sup>(۴)</sup> غلط وحی سرای<sup>(۵)</sup>  
 کلکم از بهر سخن چینی من سر در پیش  
 وز علو سخنم تارکِ او گردون‌سای  
 رهرو<sup>(۶)</sup> طبعم اگر قطع کند وادی خواب<sup>(۷)</sup>  
 بر سر گنج معانی همه ره<sup>(۸)</sup> ماند پای  
 عرفی آهنگ دعا کن بس<sup>(۹)</sup> ازین لاف و<sup>(۱۰)</sup> گزاف  
 وجه کفار به دست آر و<sup>(۱۱)</sup> دگر ژاژم‌خوای  
 تا محال<sup>(۱۲)</sup> است که مهتاب به گز پیمایند  
 تا بود در عرض<sup>(۱۳)</sup> خلق فلک ناپروای  
 باد مساح فلک در غرض<sup>(۱۴)</sup> آباد جهان  
 به ذراع<sup>(۱۵)</sup> غرضت مزرع دوران پیمای<sup>(۱۶)</sup>

- ۱- ن ۱۷ = سحر و غلط ؛ ن ۹ = سحر خطا ؛ دیگر همه نسخ = سحر غلط  
 ۲- ن ۱۸، ۹، ۲۴، ۳۳ = معجزه ؛ همه نسخه‌های دیگر = معجز  
 ۳- ن ۲ = ناطقه‌ام ؛ ن ۸ = نظم من ؛ ن ۱۷ = مدح من ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵ = نطق من  
 ۴- ن ۱۷ = الهام و غلط ؛ دیگر همه نسخه‌ها = الهام، غلط  
 ۵- در مآثر رحیمی و کارنامه فیض این بیت بعد از شعر ۴۲ یافته شد. اشعار از ۴۳ تا ۵۰ در مآثر رحیمی نیستند  
 ۶- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = رهرو طبعم ؛ ن ۱، ۳، ۸، ۲۹، ۳۵ = زهره طبعم ؛ ن ۲، ۱۷، ۱۸ (حاشیه)، ۲۰، رحیم، مآثر = رهبر طبعم  
 ۷- ن ۳۵، ۸ = دور ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = خواب  
 ۸- ن ۲ = همه مانند پای ؛ ن ۱، ۲۹، ۳۵ = همه مانند پهای ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، رحیم = همه ره دارد ؛ مآثر رحیمی = همه جا ماند ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، کارنامه = همه ره ماند ؛ ن ۳، مسرت = مه را ماند  
 ۹- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = پس ازین ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = پس ازین  
 ۱۰- ن ۵، ۱ = لاف مزین ؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۵ = لاف و گزاف  
 ۱۱- ن ۴، ۲۰ = آر دگر ؛ همه نسخه‌های دیگر = آر و دگر  
 ۱۲- ن ۱، ۵ (اصل)، ۳۵ = محل ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = محال  
 ۱۳- ن ۱، ۳، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ = در عرض خلق ؛ ن ۱، ۹ (حاشیه)، ۱۸، ۲۰ = در غرض خلق ؛ ن ۱۷ = در عرض آباد ؛ ن ۵ = از غرض خلق  
 ۱۴- ن ۱، ۴، ۲، ۵، ۹ (پاورق) = غرض آباد ؛ ن ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = غرض آباد  
 ۱۵- ن ۱، ۴، ۹، ۲۹ = بذراع عرض ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بر زاع عرض ؛ ن ۲ = ز زاع غرض ؛ ن ۱۸، ۲۰ = بذراع غرض  
 ۱۶- ن ۲ = بر پای ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = پیمای



یأس و اُمید مَحَبَّانِ تَو مقصود انگیز  
 بود و نابودِ حسودانِ تَو حرمانِ آلی

### قصیده هشتاد و چهارم قصیده در مدح شاهزاده سلیم

دگر<sup>(۱)</sup> سفیر<sup>(۲)</sup> طبیعت به سازِ آگاهی  
 به عالمِ ملکوتست محملش راهی  
 بلی،<sup>(۳)</sup> رود به خریداریِ جواهرِ قدس  
 ز بهر<sup>(۴)</sup> تحفه یکدانه گوهرِ شاهی  
 طرازِ دولتِ جاوید، شاهزاده سلیم  
 که یافت بازوی او صولتِ<sup>(۵)</sup> یداللهی  
 ستوده‌ای که بعنوانِ نامه و صفش<sup>(۶)</sup>  
 حسودِ او به تصور نوشته جم جامی  
 شهی که دستِ سخاوت چو برسر اندازد  
 طرازِ دولتِ<sup>(۷)</sup> او قدرتِ<sup>(۸)</sup> یداللهی<sup>(۹)</sup>

۱- ن ۱۷ = دلا؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، کارنامه، رحیم، قطب و غیره = دگر

۲- ن ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = صغیر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = سفیر

۳- شرح قطب = همی؛ همه نسخه‌های دیگر = بلی

۴- ن ۲، ۳۵ = بحر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = بهر

۵- ن ۲ = قوت؛ ن ۱ = صورت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۳۵، ۱۷۱ = صولت

۶- ن ۸، ۱۷، ۳۵ = رقمش؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = و صفش؛ ن ۲ = صفش؛ ن ۲۹ = سندش؛ ن ۱۷۰ = قدرش؛ ن

۲۸ = ضممش؛ ن ۴ = ذمش؟

۷- ن ۸، ۳۵ = دولت؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = بازو

۸- ن ۸، ۳۵ = قدرت؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = قوت

۹- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ یافته شد.

زهی ضمیر<sup>(۱)</sup> تو پاک از غبار<sup>(۲)</sup> سہو<sup>(۳)</sup> و خطا  
 چو زمرة ملکوتی ز مخطی<sup>(۴)</sup> و ساهی<sup>(۵)</sup>  
 به ملک مصلحت اندیشی قضا و قدر  
 قبول و رد تو احکامِ امر و ناهی  
 حدیثِ روشنی مهر با ضمیر تو هست  
 به صدق و کذب چو تمثیلای افواہی  
 چو مهر کاشش مه را ز رشکِ رای<sup>(۶)</sup> تو دید  
 بخندہ گفت زہی ابلہی و گمراہی  
 منم فتادہ بہ صد رنج ازین حسد، وز شرم  
 ز بہر رعشہ اندام و چہرہ کاهی<sup>(۷)</sup>  
 زمان زمان بہ مسیحا وجود می سپرم<sup>(۸)</sup>  
 ترا کسی چہ شمارد تو خود چہ<sup>(۹)</sup> می کاهی  
 چو خلق و<sup>(۱۰)</sup> رای تو آتش فروزِ دہر شوند  
 سزد کہ دود کند عنبرش،<sup>(۱۱)</sup> شرر ماهی

- ۱- ن ۲۹ = عبور؛ همه نسخه‌های دیگر = ضمیر  
 ۲- ن ۱۷ = غبار؛ ن ۲۹ = ضمیر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۹، ۲۸، ۳۵، ۱۷۰، ۱۷۱، شرح رحیم، قطب، مسرت، عجیب و غریب = عبور  
 ۳- ن ۱۷۰ = سود؛ همه نسخه‌های دیگر = سہو  
 ۴- ن ۱۹ = خاطی؛ همه نسخه‌های دیگر = مخطی  
 ۵- ن ۱، ۴، ۱۷، ۸، ۵، ۱۷، ۸، ۲۹ = شاهی؛ ن ۲، ۵ (درست شده)، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۴، ۳۵، ۱۷۰ و غیره = ساهی  
 ۶- ن ۲۹ = روی؛ همه نسخه‌های دیگر = رای  
 ۷- در نسخ ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ شعر بطوریکہ نوشته شدہ است بافتہ شد. ولی در نسخ مطبوعہ (۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳) مصرعہ ثانی این بیت با مصرعہ اول شعر مابعد مربوط است؟؟؟؟ طور مصرعہ ثانی شعر دہم با مصرعہ اول این بیت مربوط است.  
 ۸- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = شرم؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴ = سپرم  
 ۹- ن ۲۹ = جود می کاهی؛ همه نسخه‌های دیگر = خود چہ می کاهی  
 ۱۰- ن ۱، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = خقل رای؛ ن ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = خلق و رای  
 ۱۱- ن ۱ = عنبرش؛ ن ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = عنبری؛ ن ۲، ۲۹، ۳۵ = عنبرین؛ ن ۲۸ = عنبر و

دمی که آهویِ خلقِ تو نافه اندازد  
 هجومِ عطسه بگیرد ز ماه تا ماهی  
 ز حُسنِ عهدِ تو مشکل که لوحِ خواب و خیال  
 شود نگاشته از شکلهای اکراهی  
 حسودِ جاهِ تو در تنگنای غم مردم  
 فراق‌نامه نویسد به مرگِ ناگاهی  
 چو ظلُّ جاهِ بر ارقامِ هندسی فگنی  
 بدونِ صفر کند<sup>(۱)</sup> پنج فرد پنج‌جایی  
 فلک ز سهمِ تو با روزگار یکی رنگ است  
 چو پاک‌بازی عینی<sup>(۲)</sup> ز ناتوان باهی  
 سرِ دعای مسیحا ز اوجِ عرش گذشت  
 وز<sup>(۳)</sup> آستانِ جلالِ تو کرد کوتاهی  
 ز فتنه‌های زمین و زمان مهیا باد  
 منافقانِ ترا برگِ سالی و ماهی  
 ز رفقه‌های<sup>(۴)</sup> فضا و قدرِ مثنی<sup>(۵)</sup> باد  
 موافقانِ ترا سازِ مالی و جاهی

۱- شرح رحیم = شود؛ همه نسخه‌های دیگر = کند

۲- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۳۵، ۱۷۰ = عنی؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = عنین

۳- ن ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = در؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۴ = وز

۴- ن ۲۹ = ز فتنه‌های؛ ن ۵ = رفقه‌های؛ ن ۹، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۸ = رفقه‌های

۵- ن ۴، ۸، ۱۷، ۱، ۵، ۳۵ = مثنی؛ ن ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = مهیا؛ ن ۱۷۰ = شتابان؛ ن ۲۸ = شناسا؟

قصیده هشتاد و پنجم<sup>(۱)</sup>گر بدل خوش غنودمی<sup>(۲)</sup> چه غمستیبی غم<sup>(۳)</sup> اگر<sup>(۴)</sup> شاد بودمی چه غمستیاینکه<sup>(۵)</sup> بچندین حیل سبک شوم از غمغم بغم ار<sup>(۶)</sup> در فزودمی چه غمستیاینکه<sup>(۷)</sup> بسودم به دیده کحل رعونت

مردمکش گر بسودمی چه غمستی

اینکه<sup>(۸)</sup> گل تازه روی عیشم اگر منداغ نمک سوده<sup>(۹)</sup> بودمی چه غمستی

اینکه خرابم ز بوی هستی موهوم

بوی عدم گر شنودمی چه غمستی<sup>(۱۰)</sup>

گر دهمی ای دل به ازین مطلع ثانی؟

مطلع اول بزدودمی چه غمستی<sup>(۱۱)</sup>

[گر] الم عشق آزمودمی چه غمستی

بسنده راحت نبودمی چه غمستی<sup>(۱۲)</sup>

۱- عبدالرحیم در شرح خود اکبر را مدوح این قصیده قرار داده است ولی از بیت دوازدهم پیداست که این در مدح حکیم ابوالفتح یا خانخانا است زیرا که عرفی فقط ایشان را صاحب خود قرار می دهد. جواهری عنوان این قصیده "در حسب حال خود گوید" نوشته است

۲- ن ۸، ۳۵ = نمودمی؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ شرح رحیم = غنودمی

۳- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بی غم؛ شرح رحیم = باغم

۴- ن ۲۸، شرح مسرت و عبدالرحیم = ار؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = اگر

۵- ن ۴، ۲۸، مسرت، عبدالرحیم = اینک؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ = اینکه

۶- ن ۱۷، ۸ = از در؛ ن ۲۸ = از درد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، رحیم، ۲۹، ۳۵ = ار در؛ مسرت = اندر

۷- ن ۴، ۲۸، مسرت، عبدالرحیم = اینک؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ = اینکه

۸- ن ۴، ۲۸، مسرت، عبدالرحیم = اینک؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۳۵ = اینکه

۹- ن ۹ = نمک زده؛ ن ۲۸، عبدالرحیم = نمک سوده؛ ن ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = نمک سود (در نسخ ۱،

۵ اصل) مصرعه ثانی بیت هشتم با مصرعه اول این بیت مربوط است

۱۰- این شعر تنها در شرح عبدالرحیم یافته شد.

۱۱- این شعر تنها در شرح عبدالرحیم یافته شد.

۱۲- این شعر تنها در شرح عبدالرحیم یافته شد.

خواب<sup>(۱)</sup> تن و هوش بود در عدم ازمن  
هم<sup>(۲)</sup> گهر جان نبودمی چه غمستی  
گفته‌ام<sup>(۳)</sup> اندر<sup>(۴)</sup> ابد گشایم ز ناز  
گفته‌ام این‌گر<sup>(۵)</sup> گشودمی<sup>(۶)</sup> چه غمستی  
خشک و ترم در دهان داس سپهر است  
کشت خود ار<sup>(۷)</sup> خود درودمی چه غمستی  
عذر جفا<sup>(۸)</sup> بر تو نیست، غم مزین ای چرخ  
گر گله‌مند از تو بودمی چه غمستی  
مدح خود و صاحب اندر آرم درهم  
گر همه صاحب ستودمی<sup>(۹)</sup> چه غمستی  
داور عادل که فتنه گفت ز عدلش  
دربا گوید که گر به عهد سخایش  
مایه خود را<sup>(۱۰)</sup> فزودمی چه غمستی

---

۱- ن ۵ (حاشیه) = خواب و تن و هوش و دل در عدم از من؛ شرح عبدالرحیم = خواب و تن و هوش دل برد عدم از من؛ ن ۸، ۱۷، ۳۵ = خواب تن و هوش بود در عدم از من؛ ن ۴ = خواب تن و هوش بود عدم از من؛ ن ۹، ۲۹، مسرت = خواب تن و هوش بود در عدم از من؛ ن ۲۸ = خواب تن و هوش بود در عدم اگر من  
۲- ن ۹، رحیم = گر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = هم  
۳- ن ۴ = گفته‌اید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = گفته‌ام  
۴- ن رحیم = ایدون؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = اندر  
۵- مسرت = ایدر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = این‌گر  
۶- ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = شنودمی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، رحیم = گشودمی  
۷- ن ۳۵ = ار خود؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = خود ار خود؛ ن ۲۸ = خود از خود  
۸- ن ۸، ۳۵ = عذر جفا نیست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = عذر جفا بر تو نیست؛ ن ۲۹ = عذر جفای تو نیست  
۹- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ستودمی؛ ن ۱، ۹ = شنودمی  
۱۰- ن ۱، رحیم = گر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = را

گفت قضا اذن اگر بدی<sup>(۱)</sup> که بمثلش  
 قدرت<sup>(۲)</sup> خویش آزمودمی چه غمستی  
 عرفی گوید که گر بگاهِ شنایش  
 عاجزِ هجران نبودمی چه غمستی  
 گر طلبیدی مرا که از غمِ هجرش  
 رنگ<sup>(۳)</sup> شکسته نمودمی چه غمستی  
 گر طلبیدی مرا که خود ز زبانش  
 نغمهٔ تحسین شنودمی چه غمستی<sup>(۴)</sup>  
 گر طلبیدی مرا که<sup>(۵)</sup> دیده به پایش  
 ترکی ادب کرده سودمی چه غمستی  
 گر طلبیدی مرا که پیشِ دماغش  
 نافهٔ معنی گشودمی چه غمستی  
 مانع ناگفتنی<sup>(۶)</sup> بلاست و گر نه  
 بی طلب از رفته بودمی چه غمستی  
 قافیه کم<sup>(۷)</sup> یافتم، مکرر بستم  
 گر من فرهنگ بودمی چه غمستی

۱- ن ۴، ۵ = ۹ که بمثلش ؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بدی بمثلش

۲- مسرت = قدر خوش ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = قدرت خویش

۳- ن ۳۵ = نافهٔ معنی گشودمی چه غمستی ؛ در همه نسخه‌های دیگر = رنگ شکسته نمودمی چه غمستی (در نسخه ۳۵ بیت ۲۰ یافته نمی‌شود و مصرعه دوم آن بیت با مصرعه اول بیت ۱۷ مربوط است)

۴- این بیت تنها در نسخ ۱۷، ۲۹ یافته شد.

۵- ن شرح رحیم = مرا و دیده ؛ ن ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مرا که دیده (این بیت در نسخ ۱، ۵ نیافته شد)

۶- شرح رحیم = مانع نارفتنی قضا است ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مانع ناگفتنی بلاست و گر نه

۷- ن ۹ = گر ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کم

## قصیده هشتاد و ششم

## قصیده در پند و اندرز

شکست رنگِ شَبَاب و هَنُوز رَعْنایی

در آن دیار که زادی هَنُوز آنجایی

بحیرتم که چه دارو رهاندت زین درد

که عین جهلی و داری گمان<sup>(۱)</sup> که دانایی

خُراب کرده جهلی و فارغ از دانش<sup>(۲)</sup>

عظیم دردی<sup>(۳)</sup> داری و بس شکیبایی

اگر در آینه بینی ز شرم زشتی خویش

به چاهِ ویل درافتی و<sup>(۴)</sup> دیده نگشایی<sup>(۵)</sup>

زمانه بهر تو تابوت می‌دهد سامان

تو خود ز گوشه مسند فرو نمی‌آیی

هزار مغلطه دارد<sup>(۶)</sup> در آستین، زَنهار<sup>(۷)</sup>

کلاه گوشه دانش<sup>(۸)</sup> به عشق<sup>(۹)</sup> ننمایی<sup>(۱۰)</sup>

۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۳، ۲۸، ۳۵ = گمان دانایی؛ ن ۱۷، عجیب و غریب = کمال دانایی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = گمان که دانایی

۲- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸ = تعمیر؛ ن ۳، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دانش

۳- ن ۲۰ = در وی و داوری بس شکیبایی؛ ن ۳۵ = در وی پس شکیبایی؟؛ ن ۲۸ = در وی و داری بسی شکیبایی؛ ن ۱،

۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = در وی داری و بس شکیبایی

۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = چو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، مسرت، قطب، کارنامه و

۵- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = بگشایی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵، قطب = نگشایی

۶- ن ۲۸، ۲۹، عجیب و غریب = دار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۳۵ = دارد

۷- ن ۹ = پنهان؛ همه نسخه‌های دیگر = زَنهار

۸- ن ۹ (حاشیه) = شوکت؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول شرح مسرت و قطب = دانش

۹- ن ۹، شرح عجیب و غریب = عرش؛ ن ۱، ۵ = عقل؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵،

کارنامه، مسرت، قطب = عشق

۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۹، ۳۵، قطب، مسرت = ننمایی؛ ن ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = بنمایی؛ ن ۹ = اگر سایی

شکسته‌اند و دواشان همان<sup>(۱)</sup> شکستگی است

تو تن درستی و بر مومیائی افزایی

مگو که جوهر الماسی و مصون ز<sup>(۲)</sup> شکست

که دهر سنگ به کف حاضر و تو مینایی

سپهر<sup>(۳)</sup> بیضه عنقا بود، کنون درباب

که تو به دعوی هستی<sup>(۴)</sup> چه زاو می‌خایی

سپید موی شدی ای عروس طبع و هنوز

به طالع من بد روزه فتنه می‌زایی

همه بهشت مجو، قرب دوست هم جنسی ست<sup>(۵)</sup>

قدم فراز ترک نه، چه<sup>(۶)</sup> گرم سودایی

به کودکی شده موی سفید و بی خردی

از آن ز بطن هوس در بهشت می‌زایی

مبصران همه تن چشم در حریم وصال

تو جمله دست و شکم پیش من و سلوایی

از آن حساب تو هر دم تفاوتی دارد

که قد سرو نیینی و سایه پیمایی

شبه به جوهر از آن به شماری از الماس

که همچو اعمی فطری به لمس بینایی

به زیر<sup>(۷)</sup> جامه نهان کرده‌ای برص، لیکن

بچشم اهل بصیرت برهنه می‌آیی

۱- ن ۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = همان شکستگی است؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = همین شکستگی است؛ ن ۱۷ = شکستگی باید

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴ = مصون از سنگ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مصون ز شکست

۳- بقول مسرت در بعض نسخ بجای سپهر کلمه "حیات" است.

۴- ن ۱۷ = مستی؛ ن ۸، ۳۵ = سستی؛ ن ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = هستی

۵- ن ۱۸، ۲۰ = چیزی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = جنسی؛ ن ۲۹ = خوبی

۶- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷ = چو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = چه

۷- ن ۱۷ = هزار جامه مرض کرده مهلکه لیکن؛ در همه نسخه‌های دیگر بطوری که نوشته شد.



چگونه شاهد عصمت ز تو نپرهیزد  
 که در شکستنِ ناموس ناشکیبایی  
 چه عذرهای موجه نهی معاصی را  
 بچش لعابِ دهانت که قند می‌خایی  
 تمام عرصه محشر مگس فرو گیرد  
 اگر چنین به قیامت شکر فروش آیی  
 به تلخی غم اگر آشنا کنی کامت  
 گمان برم که به از بیغمان بیاسایی  
 سبک عنان شو و خود را به ملکِ علم رسان  
 ازین چه سود که انگشتِ جهل می‌خایی  
 بگرد<sup>(۱)</sup> کون به هیهای اعتصام بیا  
 که نیست حیل متین را خلل ز یکتایی<sup>(۲)</sup>  
 جنون ز سر بنه<sup>(۳)</sup> و دست<sup>(۴)</sup> عقل گیر و بناز  
 کزین بهانه مسلم نه‌ای که شیدایی  
 عصا ز<sup>(۵)</sup> کف نه و تکبیر فتح خوان و برو  
 که نشنود ز تو همت که ناتوانایی  
 دو شیوه داری و در هر دو عرفی از تو به است  
 که ترهات فروشی و عمر فرسایی  
 سخن دراز شد، افسانه تا بکی خوانم<sup>(۶)</sup>  
 اگر سخن شنوی بس همین که خود رایی

۱- ن ۱۷ = بگر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳۵ = بگرد (در دیگر نسخه‌ها این بیت شامل قصیده نیست)

۲- ن ۸ = یکتایی؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۳۵ = یکتایی

۳- ن ۹ = منه؛ همه نسخه‌های دیگر = بنه

۴- ن ۳۵، ۵ = دست عقل گیر و بیار؛ ن ۱۷ = گرد عقل یکدم تاز؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = دست عقل گیر و بیا؛

کارنامه = دست عقل [را] برگیر؛ ن ۲، ۳، ۴، ۲۸ = دست عقل گیر و بناز؛ ن ۲۹ = دست گیر و عقل مناز

۵- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۳۵، قطی، مسرت = ز کف؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۲۴، ۳۳ = بکف

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = خوانم؛ ن ۱، ۱۷، ۳۵ = خوانی

گرت هواسـت که گویم<sup>(۱)</sup> چگونه باید بود<sup>(۲)</sup>  
چگونه‌ای<sup>(۳)</sup> بـنگر، واژگونه می‌آیی

### قصیده هشتاد و هفتم قصیده در حکمت و موعظت

به سعی جوهر<sup>(۴)</sup> اندیشه رازِ دین مگشای  
کلید موم بکف،<sup>(۵)</sup> قفلِ آهنین مگشای  
جمال<sup>(۶)</sup> علم لذتی<sup>(۷)</sup> گرت ز خامه چکد  
مثال<sup>(۸)</sup> ظن بنما،<sup>(۹)</sup> چهره یقین مگشای  
بهشتِ راز<sup>(۱۰)</sup> مقامِ درازِ دستان نیست<sup>(۱۱)</sup>  
در مشاهده بر روی میوه چین مگشای<sup>(۱۲)</sup>  
هنوز در رحمت آنکه طبع دایه اوست  
بر روی سِرِّ ازل دیده چنین مگشای

- ۱- کارنامه، منیر = بگویم؛ همه نسخه‌های کلیات = که گویم  
۲- ن ۱، ۵ (اصل) = خواهد بود؛ ن ۹ = می‌باشی؛ ن ۳، ۴، ۵ (ترمیم)، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۵ = باید بود  
۳- ن ۳، ۴ = چگونه‌ای بنگر واژگونه می‌یابی؛ ن ۱۷ = چگونه‌ای به چنین واژگونه می‌آیی؛ ن ۹ = بگویمت بنگر  
واژگونه می‌آیی؛ ن ۵، ۸، ۳۵ = چگونه ره روی و واژگونه پیمایی؛ ن ۱۹ = چگونه بنگری واژگونه می‌آیی؛ ن ۲۸ =  
چگونه بنگر و واژگونه می‌نایی  
۴- شرح قطب، کارنامه، مسرت = گوهر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = جوهر  
۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخه‌های چاپی) = کلید موم و سر قفل آهنین؛ ن ۲۸، ۲۹، ۳۵ = کلید موم بسر قفل  
آستین؛ ن ۵ = کلید موم ببر قفل آتشین؛ شرح مسرت = کلید موم ببر قفل آهنین؛ ن ۱، ۸ = کلید موم بسر قفل آهنین؛ ن ۲  
= کلید موم بکف قفل آهنین؛ کارنامه = کلید موم ببر قفل آتشین  
۶- ن ۹ = مثال؛ ن همه نسخه‌های دیگر بشمول ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۳۵، ۲۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = جمال  
۷- ن ۹ = لذتی؛ همه نسخه‌های دیگر = لدنی  
۸- ن ۹ = جمال؛ ن همه نسخه‌های دیگر و شرح مسرت = مثال  
۹- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = منما؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بنما  
۱۰- ن ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = زار؛ ن ۲۸ = امن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = راز؛ ن ۲ = آز  
۱۱- ن ۲، ۳۵، شرح قطب، مسرت = است؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نیست  
۱۲- در نسخ چاپی (۹، ۱۸، ۲۰ و غیره) این بیت دوم قصیده است.

هرآن گره که زند<sup>(۱)</sup> بر دلت نهفتنِ راز  
 به کاوشِ نفسِ تیز<sup>(۲)</sup> واپسینِ مگشای  
 جهان و هر چه درو هست لطف<sup>(۳)</sup> حکمت دان  
 در معارضه با حکمت آفرینِ مگشای  
 بهم‌نشین،<sup>(۴)</sup> مگشا<sup>(۵)</sup> رازِ دل به<sup>(۶)</sup> بیگانه  
 وگر ملازم<sup>(۷)</sup> طبع است همنشین، مگشای  
 بهشت ماحضَرِ خوانِ تنگ‌عیشان است  
 به اینقدر ز جبینِ نیاز چینِ مگشای  
 خلدنِ طعنه همت نشانه می‌طلبد  
 مشبکِ مژه بر روی حورِ عینِ مگشای  
 اگر به کیشِ مروتِ عمل کنی، زنهار  
 گره ز کارِ دلِ عافیت‌گزینِ مگشای  
 اگر دلت ز خرابیِ عافیتِ تنگ است  
 هزار گونه عمارتِ بهل، همینِ مگشای  
 بر او ملکِ قدم می‌روی به سعیِ حدوث  
 بتاز و دیده به دوانِ همنشینِ مگشای  
 دریچه‌ای که غمی سر برون نیارد از آن<sup>(۸)</sup>  
 بروی<sup>(۹)</sup> صرفه کارِ دلِ حزینِ مگشای

۱- ن ۱، ۹ = نه؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = قطب، مسرت = زند

۲- ن ۱، ۵ (اصل) = تیره آتشین ؛ ن ۲۹، ۳۵، ۱۷ = تیز و آستین ؛ ن ۵ (ترمیم شده)، ۲، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = تیز واپسین

۳- ن ۱۷ = لطف حکمت دان ؛ ن ۱، ۵ = لطف که ببند ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = لطف کن در بند ؛ ن ۱۹، ۲۸ = لطف کن بر بند ؛ ن ۹ = سر بسر در بند ؛ ن ۲ = لطف کن بینی ؛ ن ۲۹ = لطف که بند ؟

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = بهم‌نشین ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = مسرت = به همنشین

۵- ن ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۹ = مگشا ؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بکشا

۶- ن ۱ = ز ؛ ن ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۵ = نه ؛ ن ۱۷، ۲۸ = به

۷- مسرت = ملایم ؛ همه نسخه‌های دیگر = ملازم

۸- ن ۱۷ = نیارد ازو ؛ ن ۲ = نیارد زان ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نیارد زان ؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = نیارد ازان

۹- ن ۵ = ز روی ؛ ن ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۳۵ = بروی

محل شناس طرب باش یعنی آن ساعت  
 که گرد غم ننشینند<sup>(۱)</sup> به رُخ، جبین<sup>(۲)</sup> مگشای  
 بطرف چشمه کوثر چو تشنه لب برسی  
 فرو میا،<sup>(۳)</sup> وگر آبی، ز رخس زین مگشای  
 اگر تو<sup>(۴)</sup> مردِ رمی رحمت وجود مبر<sup>(۵)</sup>  
 ز آسمان در تشنیه بر زمین مگشای  
 ز جان<sup>(۶)</sup> و دل بگشا عقده‌ای که فرصت هست<sup>(۷)</sup>  
 گره ز رشته اسرارِ ماء و طین مگشای  
 بدست<sup>(۸)</sup> دل بگشا قفلِ معنی از درِ جان  
 هر آن دری که بود بسته غیر ازین، مگشای  
 دلی که باید<sup>(۹)</sup> از افتادگی گشاده شود<sup>(۱۰)</sup>  
 به برفشانندن دامان و آستین مگشای  
 دلی که صحبت<sup>(۱۱)</sup> عشق است مایه طربش  
 به نظم و نثر مکن<sup>(۱۲)</sup> خوش، به آن و این مگشای

۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۳۵ = بنشینند؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، رحیم، قطب، مسرت = نه نشینند

۲- مسرت = تو جبین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = جبین

۳- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = فرو میای گر آبی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۳۵ = فرو میای گر اندر

۴- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، رحیم، عجیب و غریب = تو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵، قطب = نه

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ببر؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، رحیم = مبر

۶- کارنامه = ز حال دل؛ ن ۲۸ = بدست و دل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۳۵، رحیم، مسرت = ز جان و

دل (در کارنامه هم از جان و دل تشریح شعر کرده شده است)

۷- کارنامه = هست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۳، ۳۵ = غیره = رفت

۸- ن ۲۸ = بدست و جان؛ همه نسخه‌های دیگر = بدست دل

۹- ن ۲ = تا ابد از بستگی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ (همه نسخه‌های چاپی) = باید از افتادگی (در نسخه ۱، ۵، ۸، ۱۷،

۲۸، ۲۹، ۳۵ نیافته شد)

۱۰- ن ۲ = بود؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = شود

۱۱- ن ۲۸ = مایه عشقش؛ همه نسخه‌های دیگر = صحبت عشق است

۱۲- ن ۱۷ = بکن خوش، بهان و هین؛ ن ۲۸ = مکن خوش نهان به هین؛ ن ۲ = مکن خوش به آن و این؛ ن ۱، ۵ = مکن

خوش بها ببین؛ ن ۲۹، ۳۵ = مکن خوش بهان و هین؛ ن ۹، ۱۸، ۲۹ = مکن خوش نهاد و هین

ز آب و رنگ چه خیزد به غنچه<sup>(۱)</sup> لاله  
 بگو که بند قیا پیش یاسمین مگشای  
 ز تیغ<sup>(۲)</sup> غمزه جانان گشای<sup>(۳)</sup> پهلوی دل  
 دلی که در غم او تنگ شد چنین، مگشای  
 متاع دل که نباید<sup>(۴)</sup> گشود جز<sup>(۵)</sup> بر دوست  
 اگر بهاش<sup>(۶)</sup> سلیمان دهد نگین، مگشای  
 بنای عمر بر انصاف<sup>(۷)</sup> دوست نه، نه<sup>(۸)</sup> زمان  
 در شهر مزن، غرغه<sup>(۹)</sup> سنین مگشای  
 به مشب خاک نیرزد ولایت دارا  
 دلی گشای که فتح است، ملک چین مگشای  
 ز شیخ و راهب اگر استماع می طلبی  
 ز خوب و زشت مگو، لب به کفر و دین مگشای  
 لب صفا بگشا در بیان ساده ولی  
 زبان عقل به تشریح مهر و کین مگشای  
 بیان<sup>(۱۰)</sup> وحدت و تفسیر آیت<sup>(۱۱)</sup> توحید  
 زبان بوقلمون<sup>(۱۲)</sup> را به آن و این مگشای

- ۱- شرح قطب = غنچه و لاله؛ همه نسخه‌های کلیات = غنچه لاله  
 ۲- ن ۲ = ز تیغ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۲۸ = به تیغ (در نسخه‌های ۱، ۵، ۸، ۳۵ شعر نیست)  
 ۳- ن ۲ = کشاد دل نبود؛ ن ۲۹ = اگر بخون غلطی؛ ن ۲۸ = کشا اول بلهو (کذا)؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گشای پهلوی دل  
 ۴- ن ۱ = نباید؛ همه نسخه‌های دیگر = نباید  
 ۵- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = در بر دوست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = جز بر دوست  
 ۶- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = قطب؛ ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، کارنامه، مسرت، رحیم = بهاش  
 ۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = الطاف؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = انصاف  
 ۸- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۲۴ = نه زمان؛ ن ۲۰ = بزبان؛ ن ۲، ۱۷ = ز زمان  
 ۹- ن ۱، ۵، ۸ = دیده سنین؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۹، رحیم = غرغه سنین؛ ن ۹، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = دیده بر سنین  
 ۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، رحیم، عجیب و غریب = بیان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = مسرت = زبان  
 ۱۱- ن ۱۷، ۳۵ = وحدت و تفسیر و آیت و توحید؛ ن ۱، ۵ = وحدت تفسیر و آیت توحید؛ ن ۲۸ = وحدت تغیر و آیت توحید؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = وحدت و تفسیر آیت توحید  
 ۱۲- ن ۵، ۱۷، ۲۹، ۳۵ = بوقلمونی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، رحیم = بوقلمون را

ز بخلِ صاحبِ خرمن نصیحت است این حرف  
 که مرحمت کن و دامان<sup>(۱)</sup> خوشه‌چین مگشای  
 هزار مرده بروی زمین بود سیّار<sup>(۲)</sup>  
 اگر تو مرده ندیدی، دلِ زمین مگشای  
 کسی که خونِ دلِ ارزد به ریختنِ ای چرخ  
 ز<sup>(۳)</sup> هیچ کوچه<sup>(۴)</sup> سری بر نزد، کمین مگشای  
 ز هر سخن درِ بازِیچهای فراز کنم  
 به زاده خردم چشمِ هزل‌بین مگشای  
 خموش عرفی ازین نغمه‌های شورانگیز  
 لبِ ترانه بلبل به آفرین مگشای  
 رموزِ حکمت و اسرارِ قدس جلوه دهد  
 بمدحِ خویش لبِ عقلِ اوّلین مگشای

۱- ن ۱۷ = دامان بخوشه چین؛ همه نسخه‌های دیگر مثل ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵ و غیره = دامان خوشه

چین

۲- ن ۱۸، ۹، ۱۸ (حاشیه)، ۲۰ (حاشیه)، ۳۳ (حاشیه) = هشتاد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۳۵ = سیّار؛ ن ۲۸، رحیم = بسیار

۳- ن ۱۷ = به؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۳۵ = ز (این بیت در نسخه‌های چاپی یعنی ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ نیافته شد)

۴- ن ۳۵، ۲۹، ۱۷، ۸ = کوچه؛ ن ۱، ۵ = گونه؛ ن ۲۸ = دوده

## قصاید مشکوک و مردود

## قصیده هشتاد و هشتم

بیا که دیده نرگس ز خواب شد بیدار  
 دماغِ غنچه معطر شد از نسیم بهار<sup>(۱)</sup>  
 ز خاکِ لاله صیوحی کشان برون آمد  
 شکست نرگس رعنا به یک پیاله خمار  
 ز سبزه خاک برون کرده رنگِ دی از دل  
 گرفت دامنِ صحرا و کوه را زنگار  
 زبانِ سوسنِ آزاده را که شحنه دی<sup>(۲)</sup>  
 بریده بود، بروید ز اعتدال بهار  
 غریب نیست که چون فاخته شکوفه ز برگ  
 برآورد پَر و در بوستان شود طیار  
 به عزمِ طوفِ چمن برگِ لاله و نسرین  
 به بادپای صبا را شکوفه گشت سوار  
 گشاد چون دهنِ تنگِ غنچه باد سخن  
 ببند، گو، در دگان خویشتن، عطار  
 حبابِ برسرِ آبِ روان به طرفِ چمن  
 بود کواکبِ سیّار و چرخ کج رفتار  
 مگر که شاخِ گلِ سبز طوطی چمن است  
 که سرخ شد ز گل ناشکفته طوطی وار

۱- دکتر نعیم الدین، رئیس بازنشته قسمت فارسی، دانشگاه اورنگ آباد، مهاراشتره (هند) بنابر چند نسخه کلیات عرفی (دیوان عرفی شماره ۲۷۰، کتابخانه ملی استانبول و دیوان عرفی شماره ۴۴۹۳۷ محفوظ در کتابخانه فاکولته زبان و تاریخ و جغرافیا، دانشگاه انقره) این قصیده را در کتابچه بعنوان *Some Unknown Qasidas Of Urfi Shirazi* انتشار داد ولی به نظر این نویسندگان این مال عرفی شیرازی نمی نماید زیرا که از بیت سی و سه (۳۳) این قصیده واضح است که مدح قصیده کسی است "انیس شاه حسین". اگر این شاه حسین، شاه حسین بایقراست قصیده حتماً مال عرفی شیرازی نمی تواند باشد زیرا که عصر این پادشاه قبل از عصر عرفی شیرازی بود. احتمال است که این گفته عرفی کمانگیر تبریزی باشد که مداح شاه طهماسب بود.

۲- دکنر نعیم الدین این را "وی" نوشته است.



ز عکس دیده خود عندلیب بر لبِ جوی  
 برای دیدنِ گل چشمِ خویش کرد چهار  
 سحر ز سرخیِ لاله سوادِ شام شده  
 چنانکه شام شود ظاهر از شفق شبِ تار  
 هنوز آتشِ گل بر نکرده‌اند بیاغ  
 بنفشه همچو مغان بسته بر میان زَنار  
 بخورِ خویش در آتش نهاد فصلِ بهار  
 در آمد از تَفِ آن در میان خاکِ بخار  
 بخار باز برون آمد از مسامِ زمین  
 بنفشه گشت و روان<sup>(۱)</sup> شد به جانبِ بازار  
 رسید وقت که دهر از نویدِ مقدمِ گل  
 به نوکِ غنچه برآرد ز پای گلبنِ خار  
 صبا به صحنِ چمن فرشِ سبزه اندازد  
 سپیده دم که زند ابر خیمه در گلزار  
 بنامِ خسرو گل کرد خطبهٔ خوبی  
 چو عندلیب بشد بر منابرِ اشجار  
 فرازِ مسندِ گل سرو سایبان سازد  
 گل از سراجِ خلوت رود به صفهٔ یار  
 شکوفه خردهٔ سمین که کرده بود گره  
 گشاد و بر سرِ گل ریخت بر طریقِ نثار  
 زری که غنچه نهان داشت مدتی به چمن  
 بشکرِ مقدمِ گل کرد جمله را ایثار  
 نمود تازه درخت آتش تجلیِ گل  
 هزار بلبل شیدا فتاد موسی وار

ندید تا نشد از خویش بلبل از آتش  
 بغیر هستی او نیست مانع دیدار  
 بروی شاهد گل باغبان چه بندی در  
 که در بندی اگر سر بر آرد از دیوار  
 عروسی است مگر در حریم باغ امشب  
 که شاهد چمن از شاخ سبز بسته نگار  
 سروش مرغ چمن چون سروش غیب شنید  
 بگوش زهره چنگی رسید صوت هزار  
 شکوفه عارض خود از سپیده ساخت سفید  
 چو نوعروس گل از غازه سرخ کرد عذار  
 گلاب زن به کف از غنچه شاخ تا ریزد  
 مخدرات چمن را گلاب بر رخسار  
 چه صورت است که صورتگر چمن انگیخت  
 چه نقشه‌هاست که نقاش صنع کرد نگار  
 بیایا که گل از آتش خلیل شکفت  
 فتاده شعله در اطراف باغ از گلنار  
 شکفته از دم باد سحر گل سوری  
 نماند بر سر از شاخ شکوفه‌ها آثار  
 چو بشکفت گل صبح از افق، فرو ریزد  
 شکوفه‌های فلک از ثوابت و سیار  
 سفید و زرد مه و مهر بر فلک دو گل‌اند  
 طفیل بزم خداوندگار ملک گزار  
 جلیس مسند عزت، انیس شاه حسین  
 که خلق روی زمین را به اوست استظهار  
 زمانه گر چه به دورت گرفت آرامی  
 سپهر را ز پس خدمت تو نیست قرار

دمی که آتشِ قهر تو انتقام کشید  
 ز پیش تو بگریزد شریر همچو شرار  
 به حسنِ خلق و کرمِ مرد و زن شکار تواند  
 چه می‌شوی ز پی صید بر سمند سوار  
 نمی‌شود ز تو آزاده خاطری هرگز  
 ز جانبِ تو به موری نمی‌رسد آزار  
 تویی که منبعِ احسان و معدنِ جودی  
 دلِ تو بحرِ کرم، دستت ابرِ گوهر بار  
 جهان پناها فصلِ بهار و موسمِ گل  
 رسید و نیست مرا استطاعت آن مقدار  
 که دستِ لاله رُخی گیرم و به باغِ روم  
 به گوشه‌ای بنشینم که خالی از اغیار  
 بدستِ خاصه در ایامِ گل تهی دستی  
 برآمد از غمِ آن دود در درونِ چنار  
 عجب مدار که در باغِ دهر سوسن را  
 هوای مدحِ تو آرد زبانش در گفتار  
 مسبحان نهانخانه صوامعِ قدس  
 پی دعای تو هستند روز و شب در کار  
 جماعتی به رکوع‌اند و فرقه‌ای به سجود  
 همی کنند گروهی ستاده استغفار  
 هلال وار به کنجی فتاده عرفی هم  
 نهاده روی به خاک و بدیده خونبار  
 سپهرِ معذلت و ابرِ رحمت آنکه فکند  
 نهالِ جور ز بیخ و درختِ ظلم از بار  
 ستونِ دولت و ملت به عهدِ او قایم  
 مدارِ امن و امان مرجعِ صفار و کبار

بچشمِ اهلِ بصیرت نشانِ خاتمِ اوست  
 سوادِ مردمک دیدهٔ ابوالابصار  
 نرانده است قضا بی حضورِ او یک حکم  
 نکرده است فلک بی وقوفِ او یک کار  
 به راستگاری او نیست در زمانه کسی  
 به طبعِ راست ترازویِ عدل را معیار  
 ایارفعِ جنابِ بلند همت و قدر  
 که هست در نظرت نه سپهرِ بی مقدار  
 فتاده بر سرِ راهِ تو آفتابِ ز عجز  
 بظلِّ مرحمت از خاکِ خود سرش بردار  
 تو آن کسی که نیابند خسروانِ جهان  
 به بارگاهِ تو بی سبقِ آشنایی بار؟  
 ز طاعتِ تو نتابد سرِ وضع و شریف  
 ز خدمتِ تو ندارد قباد و قیصر عار  
 زهی مراتبِ جاهِ علوِ منزلت  
 که از تصوُّرش افکار می شود افکار  
 نظر به ملکِ کی و تخت جم نیندازم  
 اگر به گوشه، چشمی نظر کنی یکبار  
 به همعنائیِ بخت از همه سرافرازان  
 ربندهای قصبِ السبق را درین مضمار  
 بقای عمرِ ترا از خدای می طلبد  
 پس از دعای صباح و رواح لیل و نهار  
 نهالِ باغِ حیات همیشه باد ایمن  
 ز تُندبادِ حوادث مثال گل از خار  
 بهارِ عمرِ تو سرسبز باد چندانگی  
 که دی ز عدلِ تو گیرد مزاجِ فصلِ بهار

## قصیده هشتاد و نهم

بهار رفت و خزان آمد و گذشت جوانی  
 مرا هنوز به آن گل هزار دل نگرانی<sup>(۱)</sup>  
 اگرچه پُر شدم از غم تو خوش گذراندم (کذا)  
 به صحبتِ سگِ کوی تو روزگارِ جوانی  
 ترا که می‌گذرد بر مرادِ دل همه کامی  
 ز تلخِ کامی عشاقِ نامراد چه دانی  
 چو کهربا شده‌ام ز آرزوی روی تو یک ره  
 بتاب بر منِ دل خسته ای سهیلِ یمانی  
 بگویمت که مرا جای ده به خیلِ سگانت  
 مباحش بسی خبر از ناله و نگاهِ زمانی<sup>(۲)</sup>  
 من از عنانِ تو یکدم چو گردِ روی تو نگردم<sup>(۳)</sup>  
 ز پیشِ راهِ خودم گر هزار بار برانی  
 شبی که روی بر آن آستانِ نهم بگذارم  
 ز خونِ دیده بر آن فرشِ آستانه نشانی  
 چنان بدیعِ جمالی که در شمائلِ حسنت  
 زبانِ ناطقه لال است در بیانِ معانی  
 ز آب و گل نبود قد و<sup>(۴)</sup> عارضی که تو داری  
 نهالِ باغِ بهشتی بهارِ عالمِ جانی

۱- دکتر نعیم‌الدین این قصیده را در ترکیه در دو نسخه کلیات عرفی یافت (نسخه خطی شماره ۴۴۹۳۷، کتابخانه دانشکده زبان و تاریخ و جغرافیا، انقره و نسخه خطی شماره ۲۶۰۵، کتابخانه موزه قونیه). ظاهراً این قصیده الحاقی می‌نماید و این نویسنده آن را در ایران و هندوستان در نسخه‌ای نیافت ولی بیت زیرینش عکاس فطرت عرفیست:

کجا تعلقِ جانی، کجا تعلقِ نانی

برای نان چو سگان بردرت نیامده‌ام من

و بدین سبب این را مشکوک می‌شمارم نه که مردود.

۲- این بیت تنها در نسخه کتابخانه موزه قونیه یافته شد.

۳- ممکن است که این "گردم" باشد ولی دکتر نعیم‌الدین این را "نگردم" خوانده و چاپ کرده است.

۴- دکتر نعیم‌الدین "قد عارض" چاپ کرده است.

مرا که بی تو بجان است کارِ حال، چه گویم  
 بیانِ عشق ترا کی کند حدیثِ زبانی  
 در انتظارِ تو ای بادِ صبح چشم به راهم  
 کز آن دیار نسیمی به این دیار رسانی  
 بیا که رفت گل از باغِ دهر<sup>(۱)</sup> وقت خزان شد  
 کجاست آتشِ زردشتی و شرابِ مغانی  
 رسید لشکرِ دی،<sup>(۲)</sup> بر شکست رونقِ بستان  
 بغیرِ سرو ز غارت نیافت خطِ امانی  
 فکند سهمِ وی از دستِ بید خنجرِ زرین  
 فتاد لرزه در آبِ روان ز بادِ خزانگی  
 چو اشکِ برگِ خوی<sup>(۳)</sup> از چهره شاخسار فشاند  
 نماندم به درونِ شجر ز اشکِ فشانگی  
 بریده دستِ چنار از جفا برودتِ صرصر  
 بلی به دستِ تهی می‌رسد همیشه زبانی  
 فتاد تفرقه‌ای در چمن به شرح و<sup>(۴)</sup> بیانش  
 ز من می‌پرس که خود استماع نتوانی (کذا)  
 مزاجِ مرگ گرفت این جهان بی سرو<sup>(۵)</sup> پی (کذا)  
 نهاد روی در اطوارِ خویش عالمِ فانی  
 درین زمانه چنین وحشتی رسید به گلشن  
 که فاخته ز نوا ماند و بلبلان ز آغانی

۱- محفوظه موزه قونیه = دهر و وقت

۲- دکتر نعیم‌الدین "وی" نوشته است.

۳- دکتر نعیم‌الدین "خود" نوشته است.

۴- نسخه انقره = به شرح و بیانش؛ نسخه قونیه = تو شرح و بیانش (دکتر نعیم‌الدین "تو" قبول کرده است.

۵- نسخه قونیه = پی بن (این مصرعه بطوریکه دکتر نعیم‌الدین بجای رسانید ناموزون است. ممکن است که "بی سرو و بی پا" یا "بی سرو پا" باشد.

زبانِ برگی درختان گشاده دل شده<sup>(۱)</sup> گویا  
 به باغِ مدحِ نهالِ امان و باغِ امانی  
 بلند مرتبه خان<sup>(۲)</sup> آنکه اوجِ قصرِ جلالش  
 زمانه سپهر<sup>(۳)</sup> بود برتر از رفیع مکانی (کذا)  
 شهی که دین و دول را بود معین و معان<sup>(۴)</sup>  
 شهی که ملک و ملل را شده است باعث و بانی (کذا)  
 نموده در نظرِ همّتش چو تَرّه کاهی  
 شکوه دولّتِ خاقانِ چین و دولّتِ خانی  
 به ذاتِ علّتِ غایبی، به خلقِ ظلّ الهی  
 به عقلِ جوهرِ اوّل، به حسنِ یوسفِ ثانی  
 سپهرِ بخشش<sup>(۵)</sup> و کانِ سخا و بحرِ مرّوت  
 که رزقِ خلقِ جهان را به جود کرده ضمّانی  
 دهد قبا به غلامِ کهن<sup>(۶)</sup> ز خلعت شاهی  
 نهد به فرقِ گدایِ کمینه تاجِ کیانی<sup>(۷)</sup>  
 شهبانِ روی زمین را ز روی همّت و قدرت  
 به لطفِ تاجِ دهی و به<sup>(۸)</sup> قهرِ باج ستانی  
 هوایِ عدلِ توای شه ز اعتدالِ طبیعی  
 رهاند گلشنِ دهر از گزندِ بادِ خزانِی

۱- در اصل نسخه قونیه "شده" است ولی دکتر نعیم الدین "شد" قبول کرد.

۲- می توان خیال کرد که اشاره به خانخانان عبدالرحیم است ولی در شعر آینده ممدوح به لقب شاه یاد کرده شده و عرفی که ممدوحش شهنشاه اکبر هم بود نمی توانست خانخانان را بطور شاه خطاب کرد.

۳- مصراع درست نیست.

۴- بطوریکه در اثر نعیم الدین یافته شد هر دو مصرع درست نیست.

۵- نسخه قونیه = بحر سخا کان مرّوت

۶- نسخه قونیه = غلام کهن ؛ نسخه انقره = غلام کهن

۷- در اثر دکتر نعیم الدین "کیسانی" است ولی این لفظ "کیانی" باید

۸- در اثر دکتر نعیم الدین "دهی به و قهر" هست.

دِلِ تُو بِسَحْرِ عَطَا و عَطَا لَّآلِیِ دَرِیَا  
 کَفِ تُو کَانَ سَخِن و درو جواهر کانی (کذا)  
 به علم و حلم و حیا پاکِ حسین و حسن را  
 ز خال و خطُّ تُو پیداست سرِ سبعِ مثنائی  
 به عقل خود نتوانم بیانِ حسنِ تُو کردن  
 همان که وصف نیارند کردنش تُو همانی  
 نفاذِ حکمِ تُو چون تیغِ تست کز سرِ فرمان  
 به حلقِ خصمِ تُو چون آبِ بگذرد ز روانی  
 در آن زمان که گریزد عدو ز سهمِ سیاست  
 اگر شود به مثلِ بادِ نیزه را برسانی  
 چو دست و پای به تیغ و رکابِ راست کنی تُو  
 ز بیمِ زهرهٔ شیرِ سپهر را بدرانی  
 به روزِ حرب<sup>(۱)</sup> چو پا بر زمین ز قهرِ فشردی  
 زمین ز زورِ تُو بر پشتِ گاو کرد گرانی  
 نداشتِ خصمِ مسلمِ خدنگِ شصتِ تُو در دل  
 مگر به خاطرِ او یک‌بیک از آن بنشانی  
 ز من بپرس عدو وصفِ تیغ و خنجرِ او را  
 که در مذاقِ تُو ذوقیست تیغ او به بیانی  
 نظر به حالِ من بینوا فگن که ندارم  
 به خاکِ پاکِ سگانت بجز محبتِ جانی  
 برای نان چو سگان بردرت نیامده‌ام من  
 کجا تعلقِ جانی کجا تملُّقِ نانی  
 به کعبه روی نیارم ز آستانِ تُو شاها  
 که حاصل است ازین در مقاصدِ دو جهانی

۱- نسخهٔ قونیه = بروز ضرب؛ نسخهٔ انقره = بروز حرب؛ در اثر دکتر نعیم‌الدین = به زور حرب



امید هست که رختی مراد و توسنِ همت  
 هزار سال به کام و مُرادِ خویش برانی  
 خدای حافظِ جاءِ تو باد و ناصرِ دولت  
 بـیزم و رزم ز آفتاب و حادثاتِ زمانی  
 هزار بار اگر بینمت دعای من این است  
 که با سعادت و دولت هزار سال بهانی



بخش

ترکیب بند و ترجیع بند

ز جوشِ ناطقه در حالتی که خاموشم  
سخن ز سینه پرد بر دریچه گوشم

منم یکی چمنِ تازه در بهشتِ خِرد  
که از هجومِ معانی مدام گل پوشم

## ترکیب بند در مدح عبدالرحیم خانخانان

نوای مدح که سنجی دلا، مبارکباد  
 تَهوَر<sup>(۱)</sup> نفسِ نغمه‌زا<sup>(۲)</sup> مبارکباد  
 همیشه نغمه شنو<sup>(۳)</sup> عرش بود لیک<sup>(۴)</sup> امروز  
 بلند نغمه‌تری، این نو مبارکباد  
 فشانی<sup>(۵)</sup> از نفس گرم دود پر ملکوت  
 به چشم معنویان<sup>(۶)</sup> توتیا مبارکباد  
 ز بذلِ<sup>(۷)</sup> ناطقه<sup>(۸)</sup> گنج معانی افشانت<sup>(۹)</sup>  
 به خان<sup>(۱۰)</sup> و مانِ معانی صلا<sup>(۱۱)</sup> مبارکباد  
 ز مخزنِ خردت ریزش جواهرِ مدح<sup>(۱۲)</sup>  
 به جیب و دامنِ ارض و سما مبارکباد  
 کنار دولتت<sup>(۱۳)</sup> از میوه<sup>(۱۴)</sup> دوام پُراست  
 ثمرفشانیِ نخلِ دعا مبارکباد

۱- ن ۹ = ترانه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۱۷۰، ۱۷۱، مآثر = تَهوَر

۲- ن ۲۹ = نغمه‌ها؛ همه نسخه‌های دیگر = نغمه‌زا

۳- ن ۹ = نغمه سرا؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید و مآثر = نغمه شنو

۴- ن ۹ = و اینک تو؛ ۹ (پاورق) و همه نسخه‌های دیگر = و لیک امروز

۵- ن ۹ = رساندی؛ ن ۱، ۵ = فشانی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۱۷۰، ۱۷۱، مآثر = فشانی

۶- ن ۹ = بدیده ملک این توتیا؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید (بشمول ۹ پاورق) و مآثر = به چشم معنویان توتیا

۷- ن ۹ = فضل؛ همه نسخه‌های دیگر و مآثر = بذل

۸- ن ۴ = ناطقه گنج معنی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = ناطقه گنج معانی

۹- ن ۴، ۱۷۰، ۲۸ = افشانت؛ ن ۹، ۲۹ = افشانی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = افشان ست

۱۰- ن ۹ = به اهل بزم خرد این؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، ۱۷۱ = به خان و مان معانی

۱۱- ن ۱۷۰ = عطا؛ همه نسخه‌های دیگر = صلا

۱۲- ن ۱، ۵ = قدس؛ ۴، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۳ و غیره همه نسخه‌های دیگر = مدح

۱۳- ن ۱۷۰، ۲۸، ۲۹ = کنار دولتی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = دولت

۱۴- ن ۹ = نعمت مدام؛ ن ۲۹ = میوه مراد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۱۷۰ و غیره = میوه دوام



به<sup>(۱)</sup> بختِ داورِ دانا زدیم جامی چند  
به این روش که زدی گام، باز گامی چند

### بند دوم

نسیم<sup>(۲)</sup> مدح که از نخلِ دل گل افشان است  
که عالم<sup>(۳)</sup> از گل اندیشه‌ام گلستان است  
زمانه مسبَحِ جود که در میان دارد<sup>(۴)</sup>  
که دعویش ز رو<sup>(۵)</sup> صدق<sup>(۶)</sup> عین برهان است  
که حُسن<sup>(۷)</sup> طنطنه<sup>(۸)</sup> بنمود از دریچه حکم<sup>(۹)</sup>  
که باز<sup>(۱۰)</sup> بر در و دیوار جوش<sup>(۱۱)</sup> فرمان است<sup>(۱۲)</sup>  
که حرز حکم نویسد که هیکل طوعش  
طرازِ گـردنِ گردن‌کشانِ دوران است

- ۱- ن ۹ = به بخت داور دانا زدیم جامی چند ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰ = ز نام داور عالم دلیر بکشایند ؛  
ن ۹ (پاورقی) = بنام داور عالم سپهر بکشایند  
۲- ن ۱، ۴، ۵، مآثر = نسیم مدح که از نخل دل گل افشان است ؛ ن ۲۹ = هوای معرکه در مدح روح بیجانست ؛ ن ۹ =  
نسیم مدح تو از نخل دل گل افشانست ؛ ن ۹ (پاورقی) = شمیم مدح تو در باغ فکر بیجانست ؛ ن ۲ = هوای مدح که از  
نخل دل گل افشانست ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = هوای مدح که در مغز روح بیجانست  
۳- ن ۲۹ = دلم همیشه بگفتار عشق بریان است ؛ ن ۲ = که دهر بر در و دیوار مست و حیران است ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰،  
۲۴، ۲۸، ۳۳ = که عالم از گل اندیشه‌ام گلستانست ؛ ن ۱۷ = که عالم از گل اندیشه‌اش گلستانست  
۴- ن ۹، ۲۹ = آورد ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = آرد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = دارد  
۵- ن ۲۹ = بره ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۱۷۰ = ز ره  
۶- ن ۹ = صدق و عین ؛ همه نسخه‌های دیگر = صدق عین  
۷- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = رخ که ؛ ن ۲۹ = چه حسن ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۱۷۰ = که حسن  
۸- ن ۹ = ناصیه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۱۷۰، مآثر، ۹ (پاورقی) = طنطنه  
۹- ن ۳ = عشق ؛ همه نسخه‌های دیگر = حکم  
۱۰- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۱ = که باز بر در و دیوار ؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = که دهر بر در و دیوار ؛ ن ۱۷۰ = که کرم بر در و دیوار ؟  
ن ۲۸ = که بر دره در دیوار ؟  
۱۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = جوش ؛ ن ۹ (پاورقی) = گوش ؛ ن ۹ = چشم ؛ ن ۲۹ = خویش  
۱۲- درن ۲ مصرعه اولی این بیت مربوط به مصرعه ثانی شعر پیشین است و همین طور مصرعه ثانی.



بگو<sup>(۱)</sup> و لیک زبان را به شهید ناب بشوی  
بگو و لیک نخستین به هفت آب بشوی

### بند سوّم<sup>(۲)</sup>

اگر نهیب دهد چرخ واژگون گردد  
وگر عتاب کند، آفتاب خون گردد  
فلک به زمزمه<sup>(۳)</sup> با او که ماه چون شکند  
قضا به مشوره<sup>(۴)</sup> با او که چرخ چون گردد  
گر از سفینه حکمش<sup>(۵)</sup> چنین برآید فال  
که فتنه را اثر تقویت<sup>(۶)</sup> فزون گردد  
غبار حادثه ریزد بروی هم چندان  
که در بساط جهان ذره بیستون گردد  
وگر به فال برآید که از شراب نشاط  
جبین تربیت<sup>(۷)</sup> دهر لاله گون گردد  
عنان<sup>(۸)</sup> فتنه بگیرد که نبض مرده شود  
گلوی غم بفشارد که مشت<sup>(۹)</sup> خون گردد

۱- ن ۲۹ = بریز ریشه بمهر و بسوز طاقت ماه × زبان بشو به گلاب و بگو که اکبر شاه؛ ن ۹ (پاورق) = بریز ریشه مهر و بسوز خرمن ماه × زبان شو به گلاب و بگو که اکبر شاه؛ ن ۲ = بریز ریشه به مهر و بسوز طاقت آه × زبان بشو به گلاب و بگو که اکبر شاه؛ ن ۱، ۱۷، ۵، ۲۸ = بگو و لیک زبان را بشهید ناب بشو × بگو و لیک نخستین بافتاب بگو؛ ن ۹ = بگو لیک دهان را بشهید ناب بشوی × بگوی لیک نخستین نهفت آب بشوی؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بگو و لیک زبان را به شهید ناب بشو × بگو و لیک نخستین بهفت آب بشو  
۲- این بند در نسخه دوم بند هفتمین است و بند مابعد این بند سوّم.

۳- مآثر رحیمی = به زمزمه او؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = بززمه با او

۴- مآثر رحیمی = به مشوره او؛ دیگر نسخ = بمشوره با او

۵- ن ۹ = حکمش؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۱۷۰، مآثر رحیمی = حکمت

۶- ن ۲ = عافیت؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۰، مآثر، ۱۷۰ = تقویت؛ ن ۱، ۵ = تربیت

۷- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷ = جبین تربیت دهر؛ ن ۱۸، ۲۸، ۳۳ = چنین به تربیت دهر؛ ن ۲۴، ۹ = جبین بتربیت دهر؛ ن ۲۰ =

جنین به تربیت دهر

۸- ن ۹ = دهان غصه؛ ن ۲۸ = غبار فتنه؛ ن ۲ = عنان مرگ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = عنان فتنه

۹- ن ۹ = لخت خون؛ همه نسخه های دیگر = مشت خون

به گردِ کوچه نطقش ببوی نعمت<sup>(۱)</sup> فیض

لبِ مسیح به دریوزه فسون گردد

اگر ترقی جاهش به مهر مایه دهد

چو مه تمام شود، نشکند، فزون گردد

زهی شرف که فلک گر کند طوافِ درت

نحوستِ ذنب<sup>(۲)</sup> از یمنِ او شگون گردد

ز آستان<sup>(۳)</sup> تو چند<sup>(۴)</sup> آسمان گزیده شود

برای<sup>(۵)</sup> بوسه ز عرش آرد<sup>(۶)</sup> و دریده شود

### بند چهارم

زهی شکوه که بروی شکوه مفتون است

ز جامِ نسبتِ تو<sup>(۷)</sup> روی جاه<sup>(۸)</sup> کلگون است

به ملکِ خود<sup>(۹)</sup> چو کنی سیر، هر قدم صد جا

بسنه ز فاتحه شمعِی که یاس مفتون است

قضا<sup>(۱۰)</sup> ز عالمِ جاهت همین قدر داند

که لامکان ز ولایاتِ ربع مسکون است

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۸، ۱۷۰ = باده؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، مآثر رحیمی = نعمت

۲- ن ۱۷ = زحل؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۱۷۰ = ذنب

۳- ن ۹ = آسمان؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۵، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۱۷۰ و غیره = آستان

۴- ن ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۰ = صد؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۱۸ (حاشیه)، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ (حاشیه)، ۱۷۰ = چند

۵- ن ۹ = برات؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۰، مآثر رحیمی = برات

۶- ن ۱، ۵ = آرد و دریده؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ و غیره = آورد، دریده

۷- ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۸، ۱۷۰ = تو؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = او

۸- ن ۱۷ = ماه؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = جا

۹- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۰ (اصل)، ۱۷۰ = خود؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ (ترمیم)، ۲۹، مآثر = او

۱۰- ن ۱، ۵ = فضای عالمِ جاهت؛ ن ۲ = قضا ز عالمِ جاهش؛ ن ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = قضا ز عالمِ جاهت؛ ۹ = قضا ز

ملک و سیمت؛ ن ۱۷ = به حاکم رایت



برون ز نسبت<sup>(۱)</sup> تو<sup>(۲)</sup> یک دیار نیست، مگر  
 دیارِ عمرِ عدویت<sup>(۳)</sup> که وقفِ طاعون است  
 قضا به حاکم<sup>(۴)</sup> رایت نوشت<sup>(۵)</sup> مصلحتی  
 فلک ندیده که مرسول او چه مضمون است  
 دریده نامه ز خشم و بروی قاصد زد  
 که مصلحت به که می‌سنجد<sup>(۶)</sup> این نه گردون است  
 بگو<sup>(۷)</sup> ز لوح و قلم گوش کن<sup>(۸)</sup> که گویندش  
 که امر و نهی تو مصداقِ حکم<sup>(۹)</sup> بیچون است  
 عبور جاه تو بر عالم از جهان قدم  
 گذارِ محملِ لیلی به سوی مجنون است  
 هر آن لطیفه معنی که در مشیمه غیب  
 نه<sup>(۱۰)</sup> بهر مدح تو پرورده‌اند، مطعون است  
 ز شوقِ نسبت<sup>(۱۱)</sup> مدحت ز بامدادِ ازل<sup>(۱۲)</sup>  
 حشم حشم<sup>(۱۳)</sup> جگر لفظ و معنیم خون است

۱- ن ۹ = حیطه؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۱۷۰ و غیره = نسبت

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = تو؛ ن ۲، ۲۸، ۲۹، مآثر = او

۳- ن ۲، ۲۸، ۲۹، مآثر = عدویش؛ همه نسخه‌های دیگر = عدویت

۴- ن ۱۷ = به حکم ضمیرت؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۱۷۰ = رایت؛ ن ۲، ۲۹ = رایش

۵- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نوشته؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = نوشت

۶- ن ۲ = می‌سنجی؛ ن ۹ = بنویسد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۹، ۱۷۰ = می‌سنجد

۷- ن ۹ = چگونه مصلحت آرند در مقام کسی؛ در همه نسخه‌های دیگر بطوری که نوشته شد

۸- مآثر رحیمی = نه؛ همه نسخه‌های دیگر = کن

۹- ن ۱، ۵، ۲۹ = امر؛ دیگر همه نسخ = حکم

۱۰- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بغیر؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = ز بهر مدح تو؛ ن ۴، ۳۰ = نه بهر مدح تو

۱۱- ن ۹ = وصلت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۱۷۰ = نسبت

۱۲- ن ۹ = قدم؛ همه نسخه‌های دیگر = ازل

۱۳- ن ۲۸ = چشمه چشمه؟؛ ن ۹ = قدم قدم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۳ و غیره = حشم حشم

حسودِ جاهِ تو دارد هزار گنجِ مراد  
 ولی کلیدِ حصولش بدست<sup>(۱)</sup> قارون است  
 به خوابگاهِ عدمِ دشمنِ تو تا دم<sup>(۲)</sup> حشر  
 سرش به دامنِ اندیشهٔ شبیخون است  
 قضا ز شعلهٔ قهرِ تو لمعه‌ای برداشت  
 زمانه<sup>(۳)</sup> را به چمنِ آتشِ قیامت کاشت<sup>(۴)</sup>

### بند پنجم<sup>(۵)</sup>

چو لعب<sup>(۶)</sup> خشمِ تو منصوبهٔ المِ چیند  
 بساطِ کون و مکان بر درِ عدم<sup>(۷)</sup> چیند  
 بگاهِ موجِ عطایتِ فلکِ خویِ خجلت  
 به آستینِ سحابِ از جبینِ یم<sup>(۸)</sup> چیند  
 ز ریشه باطنِ خصمتِ چو جعدِ حوروشان  
 شکنِ برویِ شکن، خمِ برویِ خمِ چیند  
 کفِ عطایِ تو در رایگانِ فروشیِ کام<sup>(۹)</sup>  
 متاعِ هر دو جهانِ زانِ سوی<sup>(۱۰)</sup> سلمِ چیند

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ = بدست؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۱۷۰ = به جیب

۲- ن ۹ = صف؛ همه نسخه‌های دیگر = دم

۳- ن ۹ = زمانه را بچمن آتش قیامت کاشت؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = زمانه در چمن آتش قیامت کاشت

۴- در نسخهٔ چهارم بیت این طور است:

بساز عشرت مهر و بساز طاق‌ت ماه  
 زمان بشویه گلاب و بگو که اکبرشاه

ولی در نسخه‌های دیگر در همه نسخه‌ها مصرعه اولی بطوریکست که نوشته شد ولی مصرعه ثانی اختلاف دارد.

۵- در نسخهٔ دوم، این بند چهارمین است و در نسخهٔ چهارم بند هفتمین. در نسخه بیست و نهم ماقبل وجود ندارد.

۶- بهار عجم = لب؛ همه نسخه‌های کلیات و غیره = لعب

۷- ن ۱، ۵ = الم؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = عدم

۸- ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = نم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۱۷۰، ۱۷۱ = یم

۹- ن ۱، ۵، ۱۷ = کان؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۱۷۰، مائر = کام

۱۰- ن ۹ = بیک سلم ن ۳۸ = وزان سلم؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = زان سوی عدم؛ ن ۱۷۰ = را سوی عدم؛ ن ۲، ۲۹، ۲۴ = زان سوی

سلم؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = زان سو سلم

دُرِ ثنای تو در نظم و نثر از آن بیش است  
 که خامه<sup>(۱)</sup> گیرد و در تحتِ فتح و<sup>(۲)</sup> ضم چیند  
 چو نعره تو شعب<sup>(۳)</sup> را بهم زند، سامع  
 ز نغمه زارِ مرصع<sup>(۴)</sup> گلی نعم<sup>(۵)</sup> چیند  
 ستایش تو تذرو همیشه<sup>(۶)</sup> پروازِ است  
 که دانه از نفس طایر حرم چیند  
 زکاتِ مایه جود ترا شماری نیست  
 که دست حصر<sup>(۷)</sup> به بازار بیش و کم چیند  
 بر آن ثمر که هوس آرزو کند، تقدیر  
 به خلد<sup>(۸)</sup> جود تو از طوبی قلم چیند  
 بدون<sup>(۹)</sup> وسعتِ جاهت به عرصه امید  
 چگونه جود تو منصوبه کرم چیند  
 لب مصیبت<sup>(۱۰)</sup> اگر حرزِ رحمت خواند<sup>(۱۱)</sup>  
 هزار بوسه شادی ز روی غم چیند

۱- ن ۹ = که خامه ام پی هم نقش؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = که خامه گیرد و در تحت

۲- ن ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۱۷۰ = فتح و صنم؛ ن ۲۸، مآثر = مدح و ذم

۳- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = شعب؛ ن ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، ۱۷۰ = شعب

۴- ن ۴ = ز نغمه زارم برقع گل عجم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۲۴ = ز نغمه زار مرصع گل عجم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، مآثر = ز نغمه زار مرتع گل عجم

۵- ن ۱۷۰ = گل اصم؛ ن ۲۹ = گل نعم؛ همه نسخ دیگر = گل عجم

۶- ن ۲ = بلند پرواز؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = همیشه

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = حصر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، مآثر = خضر؛ ن ۲۹ = مصر

۸- ن ۹ = خلد وصف تو؛ ۹ (پاورق) = خلد مدح؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰ = خلد جود

۹- ن ۲ = دور؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = بدون

۱۰- ن ۱، ۵، ۱۷ = فرشته؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰، بهار عجم، مآثر رحیمی = مصیبت

۱۱- ن ۱۸ (حاشیه)، ۲۴، ۳۳ (حاشیه) = خواهد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = خواند

اگر تو سر به اطاقه<sup>(۱)</sup> در<sup>(۲)</sup> آوری، خورشید<sup>(۳)</sup>

هزار شهر قوس<sup>(۴)</sup> قزح بهم چیند  
سمند و هم شد از اوج عرش گردانگیز  
مگر<sup>(۵)</sup> رکاب ثنای تو زد برو مهمیز

### بند ششم

چو<sup>(۶)</sup> توسن تو عرق بر زمین<sup>(۷)</sup> فرو ریزد

صبا بطرف چمن یاسمین فرو ریزد  
اگر به طی زمانش ز جا برانگیزند<sup>(۸)</sup>

بجای گرد<sup>(۹)</sup> شهر و سنین فرو ریزد  
چو تازیانه بچیند هزار نهر<sup>(۱۰)</sup> شتاب

ز چشمه قدامِ او لیکن فرو ریزد  
چو حسن<sup>(۱۱)</sup> ریش گامش به نحل عرض<sup>(۱۲)</sup> کنم

مطالب طمع از آستین فرو ریزد

۱- ن ۹ = به وثاقی ؛ ن ۹ (پاورقی) = به اطاق ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = اطاقه

۲- ن ۱، ۵ = بر آوری ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ و غیره = در آوری

۳- ن ۲۸ = همسیر ؛ همه نسخه های دیگر = خورشید

۴- ن ۹، ۲۹ = قوس و قزح ؛ دیگر همه نسخه ها = قوس قزح

۵- ن ۹ = مگر رکاب ثنای ؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۱۷۰ = بلی ثنای کمیت ؛ ن ۲۹ = ولی ثنای کمیت ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بلی کمیت ثنای

۶- ن ۲، ۲۸، ۲۹ = چو ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴ و غیره = نه ؛ مآثر رحیمی = ز تو سنت چو

۷- ن ۹ = عرق از جبین ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = عرق بر زمین

۸- ن ۹ = برانگیزی ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = انگیزند ؛ ن ۴، ۲۸ = انگیزد

۹- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸ = گرد ؛ ن ۴، ۲۹، ۱۷۰، ۱۸، ۹ = گام

۱۰- ن ۹، ۴ = نهر شتاب ؛ ن ۹ (پاورقی) = تیر شهاب ؛ ن ۲۸ = سهر شهاب ؟ ؛ ن ۱۷۰، ۲۹، ۱۸، ۲۰ = هزار

۱۱- ن ۹ = فیض ؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸ و غیره = حسن

۱۲- ن ۹ (پاورقی)، ۲۸، ۱۸، ۲۰، ۱۷۰ = عرض کنم ؛ ن ۹ = عرضه کنند ؛ ن ۱، ۵ = عرضه کنم

برون جهد ز حصارِ غرور<sup>(۱)</sup> اگر گردش

صبا به زاهد خلوت نشین فرو ریزد

ز بسکه در دم جُستن سبک شود، بیم است

که از گرانی داغش سرین فرو ریزد

گرش حیاتِ ابد هم عنان شود، در<sup>(۲)</sup> دم

بضاعت<sup>(۳)</sup> نفیس واپسین فرو ریزد

چو سر دهند عنانش نگاهِ راکب وی<sup>(۴)</sup>

هزار حلقه شود، بر زمین<sup>(۵)</sup> فرو ریزد

دلت<sup>(۶)</sup> چو مهره معنی به طاس<sup>(۷)</sup> وهم زند

ز فرطِ هوش به سمش طنین فرو ریزد

اگر<sup>(۸)</sup> به اوجِ ثنای تو می‌کنم پرواز<sup>(۹)</sup>

به توسنِ تو سوارم، رواست این تک و تاز<sup>(۱۰)</sup>

### بند هفتم

چو فال<sup>(۱۱)</sup> مدحِ تو کلکم به لوح انشی زد

دوید بر درِ جان لفظ و بانگِ معنی زد

۱- ن ۹ = خمول؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = غرور

۲- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = هردم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، متأثر رحیمی = دردم

۳- ن ۲۹ = ز جیب و لب؛ ن ۲ = به جیب لب؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = بضاعت

۴- ن ۱۷ = را؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = وی (این بیت در نسخ ۵، ۱ غیر موجود است)

۵- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = جبین؛ ن ۴، ۱۷، متأثر رحیمی = بر زمین

۶- ن ۲۹ = دلم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۱۷۰ = دلت

۷- ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰ = به طاس وهم؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = بطاس چرخ

۸- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، متأثر رحیمی = وگر؛ ن ۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = اگر

۹- ن ۲۸، ۱۷۰ = انداز؛ ن ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = پرواز

۱۰- در نسخه نهم این بیت بطور زیر هست

بتوسن تو سوارم رواست این تک و تاز که من به اوج ثنای تو می‌کنم پرواز

۱۱- ن ۹ = حرف مدح؛ ن ۹ (پاورق) = خط؛ ن ۹ (پاورق) = سطر؛ ن ۱۷۰ = چو فال مدحت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰،

۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = فال مدح

رسید مژده به روح از هوای خدمت تو<sup>(۱)</sup>

که خیمه در چمن صورت و<sup>(۲)</sup> هیولی زد

ز مکتب تو<sup>(۳)</sup> ضمیر که کسب دانش کرد

که تخته بر سر ادراک عقلی اولی زد

که ریزه چینی خوان ترا به رضوان داد

که طعن تلخی و خامی به من و سلوی زد

چو طبل جود به نامت<sup>(۴)</sup> زدند، گردون گفت

زمانه کوس بخلالت<sup>(۵)</sup> بنام یحیی زد

ز پیشگاه تو دستی دراز کرد شکوه

که چاک<sup>(۶)</sup> غم بگریبان طاق کسری زد

برون ز مدح تو هر نسخه‌ای که یافت خرد

نقاب لفظ درید و بروی معنی زد

نه از بلندی طبعم<sup>(۷)</sup> ز روی نسبت<sup>(۸)</sup> تو

سهیل<sup>(۹)</sup> شعرم سیلی بروی شعری<sup>(۱۰)</sup> می‌زد

۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = او؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۷۰ = تو

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = صورت و هیولی؛ ن ۴، ۵، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = صورت هیولی

۳- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، ۱۷۰، مآثر = ز مکتب که ضمیر تو کسب دانش کرد؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = ز مکتب تو ضمیر که کسب دانش کرد

۴- ن ۲۸، ۴ = به نامت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ = به نامت

۵- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = رزالت؛ ن ۹ = دنایت؛ ن ۱۷ = دلالت؛ ن ۹ (پاورقی) = بخلالت

۶- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = خاک غم؛ دیگر همه نسخ = چاک غم

۷- ن ۱، ۵، ۹ = بلندی طبعم؛ ن ۱۷۰ = بلندی نظم؛ ن ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳ = بلندی شعرم

۸- ن ۹ = که از جلالت تو؛ ن ۴ = بروز نسبت تو؛ ن ۱۷۰ = ر روی نسبت تو؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = بروز نسبت تو؛ ن ۱۸، ۲۰،

۳۳، ۲۴ = بود ز نسبت تو؛ ن ۲۸ = نه رور نسبت تو؟

۹- ن ۹ = سهیل شعرم؛ ن ۲ = سهیل نظم تو؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۱۷۰ = سهیل مدح تو

۱۰- ن ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = به نسر و شعری؛ ن ۲۸ = به نثر شعری؛ ن ۹، ۲۹ = بروی شعری؛ ن ۱۷۰ = به نسر

مفزعِ سخنم نشاهای به دوران داد.

که<sup>(۱)</sup> خنده‌ها به کلام جریر و اعشی زد

سخا<sup>(۲)</sup> که هست فروشنده کلیدِ نعم

ز هر قبولِ تو صد قفلِ بر لبِ نی زد<sup>(۳)</sup>

امید سایه به جودت فکند و نعره زدند

که عشق تکیه راحت به حسن لیلی زد

هوس خراب شد از نفی حکمت، گفتند

که سادگی رقم رد به نقش<sup>(۴)</sup> مانی زد

بروی<sup>(۵)</sup> وصفِ خود اندیشه را خراب<sup>(۶)</sup> کنم

ز شرمِ مدحِ تو تا کی سخن کباب کنم

### بند هشتم

ز جوشِ ناطقه در حالتی که خاموشم

سخن<sup>(۷)</sup> ز سینه پرد<sup>(۸)</sup> بر دریچه گوشم

ز آبِ کوثر و بادِ مسیح<sup>(۹)</sup> یادم نیست

دمی که از نفس<sup>(۱۰)</sup> گرمِ خویش در جوشم

۱- ن ۹ = که خنده‌ها بسرود؛ ن ۹ (پاورق) = که خنده‌ها به بیان؛ ن ۳ = هزار رخنه به نظم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = هزار خنده به نظم

۲- این شعر و دو شعر بعدی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شدند بطور اشعار ۳، ۴، ۵ این بند.

۳- اگر قوافی این بند را بطور معنی، لیلی، سلوی، مانی بخوانیم "می" درست نباشد و اگر قوافی را بطور هیولا، اولی، یحیی، کسری بخوانیم "اعشی" درست نخواهد شد. بخیال این نویسنده این سه اشعار هم از آن ابیات هستند که عرفی شامل بند نکرده بود ولی سراجا آنها را در مسودات یافته شامل بند کرد.

۴- ن ۱۷ = نقش؛ ن ۱، ۵ = حسن

۵- ن ۹ = اگر بوصف تو؛ ن ۱، ۴ = بروی وصف تو؛ ن ۲۸، ۱۷ = بلی بوصف خود؛ ن ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = بلی بوصف تو

۶- ن ۹ = را جواب؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۸، ۲۴ = را خراب؛ ن ۲۹ = یا خراب؟

۷- ن ۲ = نفس؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۱۷، مائر دحیمی = سخن

۸- ن ۱۸ = ۹، ۵ = پرد؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = ۱۷ = برد

۹- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = باد مسیح نادم نیست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷ = باد مسیح یادم نیست؛ ن ۹ = باد بهشت بی خبرم

۱۰- ن ۱، ۵، ۱۷ = سخن؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = ۱۷ = نفس

ز بوی باده طبعم وداع هوش کنند  
 بتان<sup>(۱)</sup> فکر، کز ایشان خراب و مدهوشم  
 زبانه<sup>(۲)</sup> می‌زندم نور<sup>(۳)</sup> معنی<sup>(۴)</sup> از بر و دوش  
 دمی که شاهد شعر آورد در آغوشم  
 منم یکی چمن تازه در بهشت خرد  
 که از هجوم معانی همیشه گل‌پوشم  
 ستایشی نشناسم کزان ستوده شوم  
 جزاین که با خرد خویش دوش بر دوشم  
 چنان ز هر سر<sup>(۵)</sup> مویم سخن فروریزد  
 که آفرین نتواند خزید<sup>(۶)</sup> در گوشم  
 نبود جوهر کل در میان که فطرت من  
 ز قعر دیگ قدم بانگ زد که در<sup>(۷)</sup> جوشم  
 به چشم نسبت اگر بنگرند،<sup>(۸)</sup> جوهر کل  
 حریف امشب و من مست باده دوشم  
 به دشمنت چو بخندم، صراحی زهرم  
 به مدحتت چو زنم جوش، چشمه نوشم

۱- ن ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بیان فکر؛ ن ۱۸، ۲۸، ۵ = بتان فکر؛ ن ۹ = بتان شهر

۲- ن ۱، ۳، ۱۷، ۲۸ = زمانه؛ ن ۹، ۴، ۱۸، ۵، ۲۰، ۲۸ = زبانه

۳- ن ۳، ۲۸ = حسن؛ ن ۲ = جوش؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸ = نور

۴- ن ۱، ۵ = مستی از؛ ن ۹، ۱۸ = معنی از؛ ن ۲۸ = معنی

۵- ن ۹، ۲۸، ۴، ۱۷، ۲۹، مآثر رحیمی = سر؛ ن ۱۸، ۲۰، ۹ (پاورق)، ۲۴، ۳۳ = بن

۶- ن ۳، ۱۷ = نتوان شنید در؛ ن ۱۷، ۲۴، ۳۰، ۲۸، مآثر رحیمی = نتوان خرید در؛ ن ۱، ۴، ۱۸، ۵، ۲۰، ۲۹، ۳۳، ۹ (پاورق)

= نتوان خزید در؛ ن ۹ = نبرد راه بر در

۷- ن ۱، ۵ = در جوشم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۹، ۱۷۱ = سر جوشم؛ ن ۲۸، ۱۷۰ = سر پوشم

۸- ن ۲ = بنگری ز جوهر کل؛ ن مآثر رحیمی = بنگرید جوهر کل؛ ن ۱، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = بنگرند جوهر کل



شکایت از ستم<sup>(۱)</sup> چرخ داب<sup>(۲)</sup> همت نیست

بسانِ شمع بسوزم تمام و نخروشم

من از فراز و نشیبِ زمانه کی لغزم<sup>(۳)</sup>

غزالِ بادیه همتم<sup>(۴)</sup> نه خرگوشم

بجز ثنای تو کارایش ضمیر من است

ز هر چه نقش پذیرد، شود<sup>(۵)</sup> فراموشم

فسانه<sup>(۶)</sup> سنجی لاف و کنایت<sup>(۷)</sup> گله چند

دعا<sup>(۸)</sup> نثار شوم دلفریبی صله چند

### بند نهم

به التفات تو یارب دوکون<sup>(۹)</sup> مقرون باد

عروس حکم تو لیلی، زمانه مجنون باد

ز خط<sup>(۱۰)</sup> حکم تو گر پا برون نهد گردون

گسسته دایره مانند حلقه نون باد

۱- ن ۱، ۴، ۵، ۲۸ = ستم چرخ؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰ = ستم دهر

۲- ن ۹ = شرط؛ ن ۹ (پاورق)، ۲۹ = باب؛ ن ۹ (پاورق) = رسم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، مآثر رحیمی = داب؛ ن ۲۸ = زآب

۳- ن ۱۴ (حاشیه)، ۲۸ = لرزم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = لغزم

۴- ن ۱، ۵ = محتمم؛ ن ۴، ۲۸، ۲۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = همتم

۵- ن ۹ = شده؛ ن ۴، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۰، مآثر رحیمی = بود؛ ن ۱، ۵، ۹ (پاورق)، ۲۹ = شود

۶- ن ۵ = فسانه سنجی و لاف و کنایت و گله چند؛ ن ۹ = فسانه بافی و لاف و کنایه و گله چند؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۱۷۰ = فسانه سنجی لاف و کنایت گله چند (در نسخ ۲۸، ۲۹ بیت وجود ندارد)

۷- ن ۵، ۲، ۹ = لاف و کنایه و گله؛ ن ۱، ۳، ۴، ۱۷ = کنایت گله؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۰ = کنایت کله

۸- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = دعا نثار شوم دلفریبی صله چند؛ ن ۹ = ثنای شاه جهاندار گوی حوصله چند؛ ن ۳، مآثر رحیمی، ۱۷۰ = دعا نثار در آیم فروش و ولوله چند

۹- ن ۹ (پاورق) = دایم دوکون؛ ن ۹ = دایم سپهر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳ = یارب دوکون

۱۰- ن ۱، ۵ (غیر ترمیم شده) = حفظ؛ در باقی نسخ = خط

جهانِ عزم<sup>(۱)</sup> تو را کوهِ جودی و الوند  
 ز<sup>(۲)</sup> ذره‌های هوا سیر<sup>(۳)</sup> اوجِ هامون باد  
 ز بس که گنجِ هوس دشمنت به خاک برد  
 بروزِ حشر تسلی فروشِ قارون باد  
 دمی که شاهدِ رمحت به دلبری خیزد  
 به جعدِ پُر خمِ او خیلِ فتنه مفتون باد  
 بدوشِ جاءِ تو هر جامه‌ای که از تنگی  
 هزار جا بشکافد، لباسِ گردون باد  
 نجومِ سبعة که در بحرِ همت خرفاند<sup>(۴)</sup>  
 چو بر درِ تو فشانند، درِ مکنون باد  
 به خلوتِ طربت در صفِ نواسنجان  
 عروسِ زهره خطابش ندیمه خاتون باد<sup>(۵)</sup>  
 دعا به کامِ عطایت کنم، ازو<sup>(۶)</sup> طمعم  
 اگر چه نیست فزونیش ممکن،<sup>(۷)</sup> افزون باد  
 به حسن<sup>(۸)</sup> شاهدِ عهدت<sup>(۹)</sup> دعا<sup>(۱۰)</sup> نیارم کرد  
 تو<sup>(۱۱)</sup> خود بگوی کزین دلفریب تر چون باد

۱- ن ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۳ = حلم ترا؛ ن ۲۴ = جود ترا؛ ن ۹ = عزمِ تو را؛ ن ۹ (پاورقی) = حکمِ تو را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = عزمِ ترا

۲- ن ۹ = چو؛ دیگر نسخ بشمول ۵، ۲۸، ۲۹، مآثرِ رحیمی = ز

۳- ن ۹ = ابر؛ دیگر همه نسخه‌ها و مآثرِ رحیمی = سیر

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = صدقند؛ ن ۱، ۲، ۵ و غیره = خرفاند؛ ن ۲۸ = صدقاند؟

۵- در نسخه‌های چاپی نیست.

۶- ن ۲۹ = ازان طمعم؛ ن ۱۷ = که از طمعم؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۳ = ازو طمعم (در نسخه‌های ۱، ۵، ۱۷ این بیت موجود نیست)

۷- ن ۹ = باز؛ ن ۲ = ولیکن؛ ن ۲۹ = یمكن؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = ممکن

۸- ن ۲۸ = بحکم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ = بحسن

۹- ن ۹، ۲۸ = عدلت؛ ۹ (پاورقی) = بخت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۳، مآثرِ رحیمی = عهدت

۱۰- ن ۱۷ = ثنا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳ و غیره = دعا

۱۱- ن ۱۷ = که؛ همه نسخه‌های دیگر = تو

هر آن عبارتِ نثری که مدح<sup>(۱)</sup> را شاید  
 به سلک<sup>(۲)</sup> مدحِ تو خود نظم گیر<sup>(۳)</sup> و موزون باد  
 بدون فاصله عرفی، به هر دُرُافشانی  
 رُخش ز بادهٔ تحسینِ شاه گُلگون باد  
 لبم گذاشت دعا گر چه این نه آئین<sup>(۴)</sup> است  
 گناه لب نبود،<sup>(۵)</sup> جرم جوش آمین است<sup>(۶)</sup>

### ترکیب بند<sup>(۷)</sup>

#### بند اوّل

آن که بوسش به آستین ندهد	شرفش <sup>(۸)</sup> بوسه بر جبین ندهد
جز برای دماغِ بزمش چرخ <sup>(۹)</sup>	بوی یوسف به یاسمین ندهد
آفتاب ار نه درگهش بیند	لمعه‌اش بوسه بر زمین <sup>(۱۰)</sup> ندهد
بی مثالش مصوّرِ فطرت	شاهدان را بزلفِ چین ندهد
آسمان گر شکوه او بیند	به سکندر دو گز زمین ندهد
نفسی نگذرد که خامه او	گوشواری به حورِ عین ندهد

۱- ن = ۹ = نظم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = مدح

۲- ن = ۲۹ = به سلک نظم؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = به سلک مدح

۳- ن = ۲، ۹، ۱۸، ۲۰ = نظم گیر؛ ن ۵ = نظم کرده؛ ن ۱، ۲۹ = نظم کرد

۴- ن = ۳۰ = آمین؛ دیگر همه نسخه‌ها = آئین

۵- ن = ۱، ۵ = چه بود؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰ = نبود

۶- در چند نسخهٔ مهم این نظم بطور ترکیب بند نیست مثلاً در نسخهٔ ۱۷۰ همه بندها بطور "قصیده" نوشته شده‌اند و بند هشتم بطور جداگانه بین قصاید یافته شد. همین طور در نسخه ۲۹ هم این بند بطور جزو ترکیب بند نوشته نشده و بین قصاید دیده شد. در نسخه ۵، ۱ همه نه بند دارد و بطوری که درین اثر جاداده شده در آن هر دو نسخه‌ها یافته شد ولی بندهای دوّم و چهارم و هفتم در بین قصاید نادر بطور قصاید ناتمام هم یافته شدند. در چند نسخهٔ خیلی مهم مثل ۸، ۳۵ بندی ازین نظم وجود ندارد.

۷- این نظم غیر مکمل تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۸- ن = ۱۷ = فلکش؛ ن ۱، ۵ = شرفش

۹- ن = ۱۷ = چرخ؛ ن ۱، ۵ = خصم

۱۰- ن = ۱، ۵ = جبین؛ ن ۱۷ = زمین

جز به شرطِ اطاعتش توفیق  
 دشمنت را فلک چو مژده مرگ  
 ترکِ تحسین بگیر تا عرفی  
 گر رسم جز به کشتِ همت او  
 در محلّ سلام او فغفور  
 گر به لفظش<sup>(۱)</sup> صدف ندارد گوش  
 در تو خاک دشمنش<sup>(۲)</sup> را جای  
 جز به تمغای رایض حکمش  
 گر دهد بوسه بر<sup>(۳)</sup> درش کیوان  
 آفرینش بخواندش فرزند  
 دستِ یک تن بدستِ دین ندهد  
 شربتی در دم پسین ندهد  
 پیش تشویشِ هان و هین ندهد  
 همتِ دستِ خوشه‌چین ندهد  
 خمِ قامت به ملکِ چین ندهد  
 روزگارش درِ ثمین ندهد  
 گر دهد آسمان، زمین ندهد  
 توسنِ آسمان سرین ندهد  
 تن به ایوانِ هفتمین ندهد  
 موم دشتام انگبین ندهد<sup>(۴)</sup>

نغمه‌ام تازه شد، ترانه شنو

بندی از مدحِ غایبانه شنو

### بند دوم

غمزه او نتیجه بیداد  
 گریه‌ام خانه‌زادِ خونِ جگر  
 دیده من دریچه حیرت  
 چهره اوست نسخه فرهاد  
 نفسم کارخانه فریاد  
 سینه من محله بیداد

دره‌های وجودِ مضطربم

همه دل‌های ریش در کفِ باد

(ناتمام)

۱- ن ۱، ۵ = لفظش؛ ن ۱۷ = لطفش

۲- ن ۱۷ = دشمنش؛ ن ۱، ۵ = دشمنت

۳- ن ۱۷ = بوسه بر درش؛ ن ۱، ۵ = بوسه درش

۴- این بیت تنها در نسخه هفدهمین یافته شد.

ترجیع بند<sup>(۱)</sup>

## بند اوّل

گفتی که دلت ز غصّه خون <sup>(۲)</sup> نیست	خون است دلم ز غصّه چون نیست
هم صیدِ کمند بی غمی باد	آن دل که ز محنتِ تو خون <sup>(۳)</sup> نیست
چون دردم ازین زیاده باشد	چون مایه درد ازین فزون نیست
در سینه عاشقان <sup>(۴)</sup> نگنجد	دردی که به مرگ رهنمون نیست
چون گوش کنی به ناله ما	کاین ناله صدای ارغنون نیست
ای بی خبران فسون چه خوانید	شوریدگی من از جنون نیست
با من قدری کرشمه کمتر	کان صبر که داشتم، کنون نیست
کو ماه وشی که بی تو رویش	از سیلی غصّه نیلگون نیست
اکنون که شدم ز وصل نومید	هر چند که بی توام سکون نیست

بنشینم و در غمِ تو سوزم

تا شمعِ مراد بر فروزم

## بند دوّم

ای مایه خوشدلی وفاق	با من چه نمی کند نفاق
گفتی که مرا به غم شدی جفت <sup>(۵)</sup>	فریاد ز ابروانِ طاق
باز آ که شدیم تازه پیوند	ای صبر که داده ام طلاق
مرهم نمک است، بستر الماس	بر زخم رسیده فراق
آنم که بود به عشق نازل	درشانِ من آیتِ فراق <sup>(۶)</sup>
کو مست فتادنِ تو تا من	بوسم به مرادِ خویش ساق

۱- این ترجیع بند فقط در نسخ ۸، ۱۷ یافته شد.

۲- ن ۱۷ = خون ؛ ن ۸ = چون

۳- ن ۸ = چون ؛ ن ۱۷ = خون

۴- ن ۱۷ = عاشقان ؛ ن ۸ = بی غمان

۵- ن ۱۷ = جفت ؛ ن ۸ = خفت

۶- این بیت تنها در نسخه هفدهم یافته شد.

با شوقِ لبِت سرشته<sup>(۱)</sup> خویم<sup>(۲)</sup>      زان چون<sup>(۳)</sup> شکر است در مذاقت  
 پرتو به دلش<sup>(۴)</sup> نداد ای دل      هر چند فزون شد احتراقت  
 چون پیش من ایستی که تنهاست      بیجاره رقیب در وثاقت<sup>(۵)</sup>  
 رفتی و گذاشتی به هجرم      کو آن همه لاف انتماقت<sup>(۶)</sup> (کذا)  
 دیدیم و نبود شربتِ مرگ      تسکینِ دُردِ اشتیاق  
 روزت ز غمت سیه شد اکنون      یاری دهد از شکیب و طاقت

بنشینم و در غمِ تو سوزم

تا شمعِ مراد برفروزم

### بند سوّم

ای جلوه قامتت به هر گام      فرموده مرا وداع آرام  
 کوشیوه زود رنجی تو      مردیم ز آرزوی دشنام  
 بیغم طلبد حیات و عاشق      در حسرتِ مردن و<sup>(۷)</sup> بنا کام  
 نامش بر ما بلای جان است      آن را که تو عشوه کرده ای نام  
 افروز تغافلِ به قتل      هر چند که بیش کردم ابرام  
 آرامِ دلم تویی و از دل      این<sup>(۸)</sup> طرفه که هم تو بردی آرام  
 بی مهری و غیر پروری هست      دل بردی و جانِ آتش آشام  
 در دام فتاده مرغِ جان لیک      هشدار که رخنه هاست در دام  
 ای دل که هلاکِ اضطرابی      آن ماه بین ز<sup>(۹)</sup> گوشه بام

۱- ن ۸ = فرشته ؛ ن ۱۷ = سرشته

۲- ن ۱۷ = جویم ؛ ن ۸ = خویم

۳- ن ۱۷ = چون ؛ ن ۸ = خون

۴- ن ۱۷ = بدنش ؛ ن ۸ = بدش

۵- ن ۸ = وثاقت ؛ ن ۱۷ = وفاقت

۶- این بیت تنها در نسخه هشتم یافته شد.

۷- ن ۱۷ = مردن و بنا کام ؛ ن ۸ = مردن بنا کام

۸- ن ۸ = ای ؛ ن ۱۷ = این

۹- ن ۱۷ = ز ؛ ن ۸ = که

باقی به من ار<sup>(۱)</sup> دهی چه لطفست  
 آن‌گاه که نیم کش کنی جام  
 هر چند که خود مرادی تو  
 برد<sup>(۲)</sup> از دل من شکیب و آرام  
 بنشینم و در غم تو سوزم  
 تا شمع مراد بر فروزم

### بند چهارم

ای پای امید از تو نارو  
 گوشم به تو نیست ناصحا چند  
 چون پند تو بشنوم که با من  
 ای جانِ حزنِ مبارکت باد  
 ای<sup>(۳)</sup> حسن کجا و خوبی مهر  
 آرایشِ حسنِ اوست عشوه  
 زان گونه که بی حدیث شیرین  
 جان در طلبت به هرزه در دو  
 پیرایه گفتگو کنی نو  
 گوید غم آن صنم که مشنو  
 این درد تو و محبت تو  
 هر چند که هست مایه ضو  
 پیرایه روی<sup>(۴)</sup> مهر پرتو  
 شیرین نشود مذاق خسرو<sup>(۵)</sup>  
 بنشینم و در غم تو سوزم  
 تا شمع مراد بر فروزم

### بند پنجم

من کز تو غم تو می نهفتم  
 من کز همه چیز طاق بودم  
 خوش آن که پی شکفتن تو  
 امشب که وصال بود و فرصت  
 بیتابی دل ببین که گفتم  
 عمریست که با غم تو جُفتم<sup>(۶)</sup>  
 با این همه غصه می شکفتم  
 صد گونه دُر نیاز سفتم

۱- ن ۱۷ = اردهی؛ ن ۸ = آردی

۲- ن ۱۷ = برد از دل من؛ ن ۸ = بردی از دل

۳- ن ۱۷، ۸ = ای

۴- ن ۱۷ = روی؛ ن ۸ = رای

۵- این بیت تنها در نسخه مفدهم یافته شد.

۶- ن ۸ = خفتم؛ ن ۱۷ = جفتم

هر غصّه که در دلم گره بود      گریان گریان به یار گفتم  
 تا کرده به کشتنِ منت گرم      از طالعِ خویش در شگفتم  
 بس<sup>(۱)</sup> شب که به آرزوی مردن      در پهلوی بختِ خویش خُفتم  
 هر جا که نیازِ جلوه کردی      عمری همه ناز و عشوه رُفتم  
 گفتم ز تو کام یابم، اکنون      بی مهر و وفات چون شنفتم  
 بنشینم و در غمِ تو سوزم  
 تا شمعِ مراد بر فروزم

### بند ششم

تا هست بدستِ تو عنانم      هر جا که روی، ز پی دوانم  
 ای ناوکی درد باز<sup>(۲)</sup> امشب      خوش می‌گذری ز استخوانم  
 من خود به غمت بمیرم<sup>(۳)</sup> اما      من بعد بگو که مهربانم  
 من<sup>(۴)</sup> میرم و دل تمام حسرت      زانها که نموده‌ای به جانم  
 آرامِ دلم دگر نه پیدا است      ای غم بتو می‌رود گمانم  
 جان سوخت ز رشک در حدیث      خاموش نمی‌شود زیانم  
 گفתי که صبور باش، آری<sup>(۵)</sup>      من خود<sup>(۶)</sup> ز تو صبر چون توانم  
 از غایتِ ناشنیدنِ پند      شرمنده ز روی دوستانم  
 تا چند نگاه دارم این<sup>(۷)</sup> جان      عارض بنما که برفشانم  
 بنشینم و در غمِ تو سوزم  
 تا شمعِ مراد بر فروزم

۱- ن ۸ = پس؛ ن ۱۷ = بس

۲- ن ۱۷ = باز؛ ن ۸ = یار

۳- ن ۸ = بمیرم؛ ن ۱۷ = نمیرم

۴- ن ۸ = می؛ ن ۱۷ = من

۵- ن ۸ = عرفی؛ ن ۱۷ = آری

۶- ن ۸ = من خود [د] در صبر چون توانم؛ ن ۱۷ = من خود ز تو صبر چون توانم

۷- ن ۸ = ای؛ ن ۱۷ = این



## بند هفتم

ای گل که تمام نوشخندی  
این گریه نگاه داشتن چیست  
ناصر برو از برم که دیگر  
از ناله من گزند داری  
ای مایه ناز جلوه تا چند  
تا چند توان کرشمه کردن  
بی ثقل<sup>(۴)</sup> تو کار شوربختان  
با این همه شوق از دو جانب  
تا چند روی به خشم و از بیم  
آن شعله کزو<sup>(۵)</sup> دو کون سوزد  
این خنده ز ذوق نیست، دارم  
اکنون که ترا ترخمی نیست

شیرینی و جان مستمندی<sup>(۱)</sup>  
بخروش دلا، که دردمندی  
آماده صد هزار پسندی  
هرچند<sup>(۲)</sup> که آفت و گزند  
بنشین که مرا ز پا فکندی  
نخل طربم ز بیخ<sup>(۳)</sup> کندی  
شیرین نشود ز هیچ قندی  
داریم تفاقل بلندی  
عجزی نکند نیازمندی  
بر آتش ما بود سپندی  
بر طالع خویش زهرخندی  
این است علاج من که چندی

بنشینم و در غم تو سوزم

تا شمع مراد بر فروزم

## بند هشتم

از کشتنم آن نگار<sup>(۶)</sup> برگشت  
از گریه هجوم کن که دل باز  
تا رفته به بزم او دل از بیم

فریاد که روزگار برگشت  
نسومید ز بزم یار برگشت  
با این همه خار خار برگشت<sup>(۷)</sup>

۱- این مطلع تنها در نسخه هفدهم یافته شد. در نسخه هشتم این بند به مطلع زیر آغاز می شود:

ای مایه ناز جلوه چندی بنشین که مرا ز پا فکندی

۲- ن ۸ = ای گل [که] تمام نوشخندی ؛ ن ۱۷ = هر چند که آفت و گزند

۳- ن ۱۷ = ز پا فکندی ؛ ن ۸ = ز بیخ کندی

۴- ن ۱۷ = ثقل ؛ ن ۸ = لعل

۵- ن ۱۷ = کزو دو کون سوزد ؛ ن ۸ = که هر دو کون سوزد

۶- ن ۱۷ = نگار ؛ ن ۸ = بکار

۷- این بیت تنها در نسخه هفدهم یافته شد.

ای جان بلب رسیده برگرد      کز راه سفر نگار برگشت  
 مسکین دل مبتلا که نومید      باز از ره انتظار برگشت  
 صد بار ز بزم او دل از رشک      بیرون شد و ببقار برگشت  
 اکنون که دلت شعار خود کرد      بد عهدی و از قرار برگشت

بنشینم و در غم تو سوزم  
 تا شمع مراد بر فروزم

### بند نهم

ای دل طلب وصال تا چند      ای نخل ندیده کس برومند  
 ای گریه مرا بکش که از دور      بنمای مرا به غیر و می خند  
 یعقوب کجاست تا نماید      عشق تو بدل به مهر فرزند  
 پسند تو غم فزود ناصح      ز نهار که لب ببندی از پسند  
 دل بر سر خوان عشق آخر      دندان طمع ز عیش بر کند<sup>(۱)</sup>  
 واعظ ز فسون ببند لب را      خواهی که شویم از تو خرسند  
 بس نیست عذاب روح دادن      این هرزه شنیدن از تو تا چند

بنشینم و در غم تو سوزم  
 تا شمع مراد بر فروزم

### بند دهم

منعم چه کنی ز گریه همدم      ماتم زده است و چشم پُر نم  
 اکنون من و انتظارِ مردن      چون به نشدم ز<sup>(۲)</sup> هیچ مرهم  
 گفتمی که شوی شکفته هرگز<sup>(۳)</sup>      تا روی غم تو دیده ام کم  
 بشنو نفسی که تا بگویم      در پیش تو حال خویش کم کم<sup>(۴)</sup>

۱- این بیت تنها در نسخه هفدهم یافته شد.

۲- ن ۸ = ز ؛ ن ۱۷ = به

۳- ن ۱۷ = هرگز ؛ ن ۸ = مرکز ؟

۴- در نسخه هشتم این بند این شعر و دو شعر بعدی نیست و بند فقط دارای چهار اشعار و یک بیت است.

دارم غم عشق و رنج افلاک      گفتم همه با تو لیک درهم  
 رحمی که دگر نماند عرفی      در سینه شکیب و در جگر نم  
 این درد کجا و جانِ فرهاد      بازیچه و عشق نیست چون<sup>(۱)</sup> هم<sup>(۲)</sup>  
 بنشینم و در غمِ تو سوزم  
 تا شمعِ مراد بر فروزم

### بند یازدهم<sup>(۳)</sup>

ای از ستمِ تو جان غمناک      تا کی فکند به پیرهن چاک  
 آدابِ پیاله دادن تو      افغان که نهشت دامنِ پاک  
 بی بهره دلی که از تو دردی      همره نبرد به خلوتِ خاک  
 چندان نشدی شکفته‌ای دل      تا گشت به شومیِ تو غمناک  
 مگشای<sup>(۴)</sup> نقاب چون نهشتی      آن<sup>(۵)</sup> دست که پیرهن کنم چاک  
 می‌آید و درهم<sup>(۶)</sup> است، کو تیغ      کز قتلِ خودش کنم فرحناک  
 ای اهلِ زمانه مژده کامروز      مخصوصِ من است جورِ افلاک  
 بنشینم و در غمِ تو سوزم  
 تا شمعِ مراد بر فروزم

### بند دوازدهم

در پای تو هر که سر نینداخت<sup>(۷)</sup>      پایت بسرش گذر نینداخت

۱- ن ۸ = چون؛ ن ۱۷ = با

۲- بیدل می‌گوید:

سعی عاشق را به جهد مردم دنیا مسنج      وجد طفلان دیگر است و رقص بسمل دیگر است  
 ۳- این بند تنها در نسخه هفدهم یافته شد اگر چه ابیات دو تا هفت در نسخ ۱، ۵، نیز موجود است ولی درین دو نسخه.....

۴- ن ۱، ۵ = مگشای؛ ن ۱۷، ۸ = بکشای

۵- ن ۱، ۵ = آوست؛ ن ۱۷ = آن روی

۶- ن ۱، ۵ = درهم است، کو تیغ؛ ن ۱۷ = در همت کند تیغ

۷- ن در هر دو نسخه‌های ۱۷، ۸ ردیف "نینداخت" است ولی "نینداخت" درست‌تر می‌نماید.

تا یار قبابِ ناز پوشید	جان خلعتِ غم ز بر نینداخت
بگذشت به گلستان که صد بار	گل پیش رُخش سپر نینداخت <sup>(۱)</sup>
در پیش تو فتنه‌ای نخسید	کش خنجر غمزه سر نینداخت
آن کس که شدیم خسته او	بر جانبِ ما گذر نینداخت
با آنکه پی عیادت آمد	لیکن سوی ما نظر نینداخت

بنشینم و در غمِ تو سوزم  
تا شمعِ مراد بر فروزم

### بند سیزدهم

تا منزلِ آرزو در آن کوست	هر جا که دلیست، آرزو جوست
از دوستی تو صد بلا دید	فریاد ازین دلِ بلا دوست
جانها همه بر لب است، اما	موقوفِ اشاره‌های ابروست
سر داده هزار دل به صحرا	آن چشم که دلفریب آهوست <sup>(۲)</sup>
با دردِ تو چون دو مغزِ بادام	پرورده شدیم در یکی پوست
اینها همه فکرهای دل بود	این است خیالِ من که با دوست <sup>(۳)</sup>

بنشینم و در غمِ تو سوزم  
تا شمعِ مراد بر فروزم

### ترجیع بند<sup>(۴)</sup>

#### بند اوّل

ای حسنِ تو برتر از چه و چون      سبحان الله ز حسنِ<sup>(۵)</sup> بیچون

۱- این بیت و دو بعدی تنها در نسخه هفدهم بافته شد.

۲- این بیت و بیت بعدی تنها در نسخه هفدهم بافته شد.

۳- این بیت تنها در نسخه هشتم یافته شد.

۴- از اشعار از ۱۲۸ تا ۱۴۶ چنان می‌نماید که این ترجیع بند در مدح اکبرپادشاه گفته شده بود پیش از رسیدن عرفی بدربارش.

۵- ن ۲ = صنع ؛ ن ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = حسن

لعل<sup>(۱)</sup> تو فریب<sup>(۲)</sup> اهل ادراک  
 شمشاد قدانِ فتنه انگیز  
 سرو از قیدِ تو فتاده<sup>(۵)</sup> بر خاک  
 برحسین<sup>(۷)</sup> تو فتنه صد چو فرهاد  
 آواره عشق<sup>(۸)</sup> تست خورشید  
 شد غرقه<sup>(۹)</sup> به خون دیده لاله  
 زلفِ تو شبِ سیاه<sup>(۱۰)</sup> یلدا  
 از زلفِ تو کارِ ما پریشان  
 جانم به لب آمد و نیامد  
 بر یاد<sup>(۱۱)</sup> وصالِ ای جفاجو

چون دست نمی‌دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

### بند دوم

دل شایفته قیدِ بلندت

جان تشنه<sup>(۱۲)</sup> لعل نوشخندت

۱- ن ۱۷ = عقل؛ همه نسخه‌های دیگر = لعل

۲- ن ۱۷۱ = فریب؛ همه نسخه‌های دیگر = فریب

۳- ن ۹، ۳۰، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲ = بلای؛ ن ۱۷ = هلاک

۴- ن ۹ (پاورق) = قامت فتنه؛ همه نسخه‌های دیگر = فتنه قامت

۵- ن ۸، ۲، بیاض اعظم‌گرمه = نشسته؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = فتاده

۶- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱ = نشسته؛ ن ۲، ۸، بیاض اعظم‌گرمه = فتاده

۷- ن ۹ = آشفته تو هزار فرهاد؛ ن ۹ (پاورق)، ۲، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱، بیاض = برحسین تو فتنه صد چو

فرهاد

۸- ن ۲ = حسن؛ ن ۹ و دیگر نسخه‌های چاپی = عشق

۹- ن ۹ (پاورق)، ۲، ۸، ۱۷، بیاض = غرقه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = غرق

۱۰- ن ۲ = سیاه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = دراز

۱۱- ن ۸، بیاض اعظم‌گرمه = بر یاد؛ ن ۹ و دیگر نسخه‌های چاپی = بوی

۱۲- ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض = تشنه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = بسته

چشمِ تو ز<sup>(۱)</sup> ابروی کشیده  
بر عارضِ آتشین<sup>(۲)</sup> آن خال  
تا زلفِ تو گشت بندِ دلها  
تا دادی<sup>(۳)</sup> سمند را تو جولان  
آهسته بران که رفت بر باد  
شطرنجِ هوسِ مبارزِ ای دل  
چون گوی به گوی تو بسی سر  
در راهِ طلبِ ز پا فتادم<sup>(۵)</sup>

آهوی فتاده در کمندت  
هست از پی چشمِ بد سپندت  
آزاد نشد دلی ز بندت  
جان داده هزار مستمندت  
بسیار سر از شُمِ سمندت  
با چشمِ بُتان که می برندت  
افتاده،<sup>(۴)</sup> نمی فتد پسندت  
چندت طلبم به ناله، چندت

چون دست نمی دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

### بند سوّم<sup>(۶)</sup>

با حسن<sup>(۷)</sup> و جمالِ تو پری را  
زیباست پری ولی ندارد  
چشمِ تو به یک نگاهِ جادو  
لعلِ لبِ تو به نیم بوسه  
بر خاک فکنده از طراوت<sup>(۹)</sup>

دعوی نرسد برابری را  
این عشوه<sup>(۸)</sup> و ناز و دلبری را  
آموخته سحر سامری را  
جان داده بُتان آذری را  
گلبرگِ تری گلِ تری را

۱- ن ۲، ۸ = ز ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = و

۲- ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض = آتشین آن ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آتشین تو

۳- ن ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = دادی سمند را تو ؛ ن ۸ = دادی سمند باز ؛ بیاض = دادی سمند را به ؛ ن ۹ = داده سمند ناز

۴- ن ۹ = افتاد و نیو فتد ؛ ن ۲، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱ = افتاده نمی فتد ؛ ن ۱۸، ۳۳ = افتاده و نمی فتد

۵- ن ۹ = فتادم از پا ؛ دیگر همه نسخ = ز پا فتادم

۶- بند هفتمین نسخه هشتم، بند چهارمین نسخه دُوم، بند دُوم بیاض اعظم گره، بند سوّم نسخه های ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ و غیره.

۷- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱ = حسن جمال ؛ ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض = حسن و جمال ؛ ن ۹ روی نکوی

۸- ن ۸ = آن جلوه ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = این عشوه

۹- ن ۹ (پاورقی) = از خجالت ؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱، ۹ (پاورقی)، بیاض = طراوت

زلفِ<sup>(۱)</sup> توبه کف نمی‌گذارد      سر رشته کفر<sup>(۲)</sup> و کافری را  
 سودای رُخت ز اوج گردون      آورد فرود مشـتری را  
 دادند به سرو قامت تو      خوابانِ زمانه سروری را  
 من خار و خسم نهادم از سر      با شاخِ<sup>(۳)</sup> گلی تو همسری را  
 چون دست نمی‌دهد وصال  
 دستِ من و دامنِ خیالت

### بند چهارم

باز آن بُت تندخوی طنّاز      کرد از سرِ ناز فتنه<sup>(۴)</sup> آغاز  
 سر تا به قدم تمام ناز است      وز ناز به کس<sup>(۵)</sup> نمی‌کند ناز  
 چوگانِ<sup>(۶)</sup> دو زلف او به بازی      دل می‌برد و نمی‌دهد باز  
 گفتم که نهان کنم غم دل      کز پرده برون نیفتد این راز  
 در چنگِ غم چنانکه افتد      گنجشک بزیّر چنگلِ باز<sup>(۷)</sup>  
 می‌نالَم و ناله گریه انگیز      می‌گویم و خونِ<sup>(۸)</sup> دیده غماز  
 چندان که به سینه می‌زنم چنگ      چنگِ طریم نمی‌شود ساز  
 آمد سحری خیالی و صلت      بنواخت مرا و گشت دمساز  
 بر جستم و دامنش گرفتم      از دست ندادمش<sup>(۹)</sup> دگر باز  
 چون دست نمی‌دهد وصال  
 دستِ من و دامنِ خیالت

۱- ن ۸ = حسن؛ ن ۹ و دیگر نسخه‌ها = زلف

۲- ن ۹ (پاورق) = کیش کافری؛ همه نسخه‌های دیگر = کفر و کافری

۳- ن ۳۳، ۱۸، ۲ = شاخ گل تاج و افسری را؛ ن ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۱۷۱ = با شاخ گل تو افسری را؛ ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض با = با شاخ گل همسری را

۴- ن ۹ (حاشیه)، ۱۸، ۲۵، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = سر ناز جلوه؛ ن ۲، ۸، ۹، بیاض = سر ناز فتنه

۵- ن ۲، ۸ = نمی‌کند بکس ناز؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = به کس نمی‌کند ناز

۶- ن ۲، ۸، ۹، بیاض = چوگان دو زلف او؛ ن ۱۸، ۲۵، ۳۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = چوگان زلف

۷- این بیت تنها در نسخ ۹، ۱۸، ۲۵، ۲۴، ۱۷۱ (همه نسخه‌های چاپی) یافته شد.

۸- ن ۲۵، ۹، ۱۸ = آب؛ ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض = خون

۹- ن ۹ = دگر ندادمش باز؛ ن ۲، ۸، ۱۸، ۲۵، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = ندادمش دگر باز

## بند پنجم

خوش باش که عشقِ عافیت سوز      بر لشکرِ عقل گشت فیروز  
 در معرضِ عشقِ بی محابا      عاجز شده عقلِ حیلِه اندوز  
 خورشیدِ رُخ تو و <sup>(۱)</sup> دل من      پروانه و <sup>(۲)</sup> شمعِ عالمِ افروز  
 رخسارِ <sup>(۳)</sup> ترا از آن دو عارض      در یک <sup>(۴)</sup> روز است عید و نوروز  
 از پرده <sup>(۵)</sup> چشمِ عاشقان ساز      از بهر کمان <sup>(۶)</sup> ابروانِ توز <sup>(۷)</sup>  
 پیوسته جفا مکن که عاشق      ناگه نشود <sup>(۸)</sup> بدان بد آموز <sup>(۹)</sup>  
 یکدم نیم از خیالِ وصلت      بی ناله و آه و گریه و سوز <sup>(۱۰)</sup>  
 دادم بخيالِ وصلِ جان را <sup>(۱۱)</sup>      وصل تو نداد دستِ یک روز  
 تا دل نرود ز جا بدوزش      در <sup>(۱۲)</sup> سینه من به تیرِ دلدوز

چون دست نمی‌دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

۱- ن ۲، ۸، ۱۷ = رخ ترا دل من ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = رخ تو و دل من

۲- ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض = پروانه شمع ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = پروانه و شمع

۳- ن ۲، ۸، ۱۷، ۳۳، بیاض، ۱۷۱ (پاورق) = رخسارِ ترا از آن دو عارض ؛ ن ۹ (پاورق) = گلگونه دو گونه و قد تو ؛ ن ۹ = زلف تو و گونه‌های گلگون

۴- ن ۲، ۸، ۱۷، ۳۳، بیاض = در یک روز است عید نوروز ؛ ن ۹ = یک شام و ز بی دو صبح نوروز ؛ ن ۹ (پاورق)، ۹ (پاورق دیگر) = یک سال و درو دو عید نوروز

۵- ن ۱۷ = از پرده جان ؛ ن ۲، ۸، بیاض = از پرده چشم ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۳ = ای پرده چشم

۶- ن ۱۷ = کلان عاشقان ؛ ن ۲، ۸، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱، بیاض = کمان ابروان

۷- این بیت در نسخه نهم نیست.

۸- ن ۸ = بشود ؛ دیگر همه نسخ = نشود

۹- ن ۹ = بسیار جفا مکن که بسیار      حسن تو مراست عشق آموز

؛ در دیگر همه نسخ = به شکلی که در متن هست

۱۰- ن ۹ = بی پرتو شمع رویت ای ماه      شمع همه گریه و همه سوز

۱۱- ن ۹ = در هجر تو رفت عمرم از دست ؛ همه نسخه‌های دیگر = دادم بخيالِ وصلِ جان را

۱۲- ن ۹ = بر ؛ دیگر همه نسخه‌ها = در



بند ششم<sup>(۱)</sup>

جز وصلی تو ملتئم ندارم	غیر از تو ز تو <sup>(۲)</sup> هوس ندارم
شبگرد بکوی تو چو بادم	اندیشه <sup>(۳)</sup> ز خار و خس ندارم
بیم ز رقیب و پاسبان نیست	پروای سگ و عس ندارم
از هر طرفم غم تو بگرفت	دیگر رو پیش و پس ندارم
یک چند اگر چه طاقتم بود	در عشق تو زین سپس ندارم
من بلبل باغ وصلم <sup>(۴)</sup> ای گل	زین بیش <sup>(۵)</sup> سرِ قفس ندارم
از <sup>(۶)</sup> درد فراقِ ای دلارام <sup>(۷)</sup>	می‌نالم و همفَس ندارم
یاری که ترا ز من دهد یاد	جُز ناله زارِ کس ندارم <sup>(۸)</sup>
برئه فلکم اگر رسد دست	بر وصلی تو دسترس ندارم

چون دست نمی‌دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

بند هفتم<sup>(۹)</sup>

کارم ز غمت بجان رسیده	این کارد به استخوان رسیده
رفتی چو گل از کنار و مانده	درسینه هزار خارم از تو
اکنون به چمن چو ابرِ نیسان	با دیده اشکبارم از تو

۱- ن ۸ = بند چهارم؛ بیاض = بند پنجم؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = بند ششم  
 ۲- ن ۱۷ = هوس بکس ندارم؛ ۸، بیاض = بدل هوس ندارم؛ ن ۸، ۹، ۲۰، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = ز تو هوس ندارم  
 ۳- ن ۲، ۸، کاندیشه ز خار و خس؛ ن ۹ = اندیشه ز خار و خس؛ ن ۱۷ = اندیشه خار و خس؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = کاندیشه خار و خس  
 ۴- ن ۹ = وصلم ای گل؛ ن ۲، ۸، ۹ (پاورق)، بیاض، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = وصل بود  
 ۵- ن ۸، ۹، ۲۴، ۱۷۱ = بیش؛ ن ۱۸، ۲۰، ۳۳ = پیش  
 ۶- ن ۲ = در؛ دیگر همه نسخه‌ها = از  
 ۷- ن ۹ = پری روی؛ همه نسخه‌های دیگر = دلارام  
 ۸- ن ۹ = جز ناله که از منت دهد یاد افسوس که هیچ کس ندارم  
 ۹- ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض = یاری که ترا ز من دهد یاد جز ناله زار کس ندارم  
 ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = یاری که ز من ترا دهد یاد جز ناله زار کس ندارم  
 ۹- بیاض = بند ششم؛ ن ۸ = بند پنجم؛ دیگر نسخ = بند هفتم

هر چند که نیک<sup>(۱)</sup> دورم افکند چشم بد روزگارم از تو  
 باور نکنی که<sup>(۲)</sup> بی خیالت یک لحظه بود قرارم از تو  
 چون دست نمی دهد وصال  
 دست من و دامن خیالت

### بند نهم

دل بردی و در کمین دینی      با عاشق خود چرا چینی ؟  
 پُر خون دل و دیده<sup>(۳)</sup> تاکی از تو      تا چند تو<sup>(۴)</sup> خصم آن و اینی  
 دل بُردی و دین<sup>(۵)</sup> و جان شیرین      وین طرفه که باز در کمینی  
 سرویست که جلوه می کند این<sup>(۶)</sup>      با قُد تو در قبای چینی  
 برگرد<sup>(۷)</sup> تو حلقه بسته خوبان      تو<sup>(۸)</sup> خاتم حسن را نگینی  
 حسن تو ز ماه و مهر<sup>(۹)</sup> بگذشت      خورشید سپهر هفتمینی  
 چندانکه بتو<sup>(۱۰)</sup> وفا نمودم      از تو رسدم<sup>(۱۱)</sup> جفا و کینی  
 ای آن که ز کبر و ناز هرگز      سوی من مبتلا نبینی  
 وصل تو کجا شود میسر      با همجو منی کجانشینی  
 چون دست نمی دهد وصال  
 دست من و دامن خیالت

۱-ن ۹ = سخت؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۱۸، ۳۰ و غیره = نیک

۲-ن ۹ = گر؛ دیگر همه نسخ = که

۳-ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷، ۳۳، ۱۷۰ = از تو تاکی؛ ن ۸، بیاض = تاکی از تو

۴-ن ۹ = تا چند تو خصم؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = در بند خیال؛ ن ۲، ۸، ۱۷، بیاض = در بند جفای

۵-ن ۹ = عقل و دین ربودی؛ ن ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = دین و جان شیرین

۶-ن ۲ = راست؛ ن ۸ = او؛ ن ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۱۷۱ = این

۷-ن ۲، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = گرد؛ ن ۸، بیاض = گر

۸-ن ۱۷ = تو؛ ن ۹، ۱۷۱ و غیره همه دیگر نسخ = چون

۹-ن ۸ = ز ماه برگزشته؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = ز مهر و ماه بگذشت؛ ن ۲، ۱۷ = ز ماه و مهر بگذشت

۱۰-ن ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = چندان که وفای تو نمودم؛ ن ۹ = بتو وفا نمودم

۱۱-ن ۹ = رسدم جفا؛ دیگر همه نسخ مثل .....

بند دهم<sup>(۱)</sup>

آن<sup>(۲)</sup> سرو ز ما قدم کشیده  
 زو آبله پای طفل اشکم  
 در سینه دگر نگیرد آرام  
 بر قصر فلک فرو نیاید  
 خیط ازل قبای خوبی  
 بر روز سیاه من نظر کن  
 گفتم که به دامت زدم چنگ<sup>(۹)</sup>  
 دامن ز کفم کشیده رفتی  
 من دست ز دامت ندارم  
 جای<sup>(۳)</sup> سخنی مگر شنیده  
 از بسکه به کوی<sup>(۴)</sup> او دویده  
 آن دل که به زلفش<sup>(۵)</sup> آرمیده  
 مرغی که ز بام<sup>(۶)</sup> او پریده  
 بر قامت دلکشت بریده  
 ای چشم و چراغ<sup>(۷)</sup> و نور دیده<sup>(۸)</sup>  
 از شوق تو جیب جان دریده  
 ای آهوی وحشی رمیده  
 من بعد<sup>(۱۰)</sup> به قامت خمیده<sup>(۱۱)</sup>

چون دست نمی دهد وصال

دست من و دامن خیالت

## بند یازدهم

تا کی ز غم تو زار گردم دیوانه و بیقرار گردم

۱- نسخه هشتم = بند یازدهم؛ در دیگر نسخ = بند دهم

۲- ۹ = ماهی که فلک چو او نریزد؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۹ (پاورق)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ = آن سرو ز ما قدم کشیده

۳- ۹ = از ؟؟؟؟؟؛ ن ۲، ۸ = جایی سخنی مگر شنیده؛ ن ۱۷ = جایی سخنی ز ما شنیده؛ ن ۹ (پاورق) = از ما چه

شنیده؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = جایی سخنی بدی شنیده

۴- ۹ = سراع؛ ن ۱۸، ۲۰ و غیره = کوی

۵- ۱۷ = بکوی او رسیده؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۱۷۱ = بزلفش آرمیده؛ بیاض = بخالش آرمیده

۶- ۱۷ = ز کوی او؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۸ و غیره = ز بام او

۷- ۸، ۹ = ای چشم و چراغ نور دیده؛ ن ۱۷ = ای چشم و چراغ نور دیده؛ ن ۲ = ای چشم و چراغ و نور دیده

۸- در نسخه های قصاید چایی هند این شعر نیافته شد.

۹- ۸، ۱۸ = چنگ؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = دست

۱۰- ۹ = گرچه؛ دیگر تمام نسخه ها = من بعد

۱۱- ۱۷ = کشیده؛ دیگر همه نسخ بشمول ۹، ۳۳ و غیره = خمیده

با<sup>(۱)</sup> یاد تو خون ز دیده بارم  
وز<sup>(۲)</sup> فکر تو دلفگار کردم  
سیلابِ غمم گذشت از سر  
آن<sup>(۳)</sup> رفت که بر کنار کردم  
خواهم که چو ذره گاه جولان  
گردِ سرِ آن سوار کردم  
کارِ من بیقرار عشق است  
دیگر ز پی چه کار کردم  
زین سان که شدم فسانه در عشق  
افسانه روزگار کردم  
در کوی تو عزتم<sup>(۴)</sup> همین بس  
کز دولتِ عشق خوار کردم  
دانم نرسم بگردِ وصلت  
از هجر<sup>(۵)</sup> تو گر غبار کردم  
دنبالِ تو همچو باد تا کی  
سرگشته و بیقرار<sup>(۶)</sup> کردم

چون دست نمی دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

#### بند دوازدهم<sup>(۷)</sup>

سرو از سرِ ناز جلوه گر<sup>(۸)</sup> کن  
بر ما<sup>(۹)</sup> به غلط یکی گذر<sup>(۱۰)</sup> کن  
ای خرمین گل که می خرامی  
بر سوخته خرمی نظر کن  
غافل مگذر<sup>(۱۱)</sup> که سوخت جانم  
از آتشِ او من حذر کن  
پروانه نیم<sup>(۱۲)</sup> سوزم ای شمع  
با سوخته ای شبی بسر کن

۱- ن ۹ = با؛ همه نسخه های دیگر مثل ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بر

۲- ن ۹ = از هجر؛ ن ۲ = وز فکر؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = از فکر

۳- ن ۹ = باز آی؛ ن ۲، ۸، ۱۷ = آن رفت

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = عزتم همین؛ ن ۲، ۸، ۱۷ = عزت من این

۵- ن ۹ = از بهر تو؛ ن ۱۷ = در هجر تو؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = از هجر تو

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = خاکسار؛ ن ۲، ۸، ۱۷ = بیقرار

۷- بند هشتمین در نسخه هشتم

۸- بیاض = جلوه سر کن؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸ و غیره = جلوه گر کن

۹- ن ۸ = من؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = ما

۱۰- ن ۱۸، ۲۰ (حاشیه)، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = نظر؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۷، ۲۰ = گذر

۱۱- ن ۱۷ = منشین؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بیاض = مگذر

۱۲- ن ۱۷، ۲، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۱۷۱ = پروانه نیم که سوزم؛ ن ۸، ۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = پروانه نیم سوزم

یک شب<sup>(۱)</sup> ز درم درآی چون صبح  
 بنشان<sup>(۲)</sup> ز فروغِ شمع مه<sup>(۳)</sup> را  
 مُردم ز غمش، روان شوای باد  
 از واقعهٔ منش خبر کن<sup>(۵)</sup>  
 گفتمی سرِ خویش گیر عرفی  
 سودای مرا ز سر بدر کن<sup>(۶)</sup>  
 بیرون نرود ز سر هوایت<sup>(۷)</sup>  
 با من سخن از درِ دگر کن<sup>(۸)</sup>

چون دست نمی‌دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

### بند سیزدهم

سویت که پیام ما رساند  
 خود کیست که دردِ ناتوانی  
 این قصهٔ مگر صبا رساند  
 در جلوه‌گه دوا<sup>(۹)</sup> رساند  
 کو باد که خاکِ پای او را  
 با<sup>(۱۰)</sup> نکهٔ زلفِ عنبرینش<sup>(۱۱)</sup>  
 پیش<sup>(۱۲)</sup> من مبتلا رساند  
 روزی ز ره وفا رساند  
 کو بخت که بر سرِ من او را  
 تا<sup>(۱۳)</sup> از سرِ شوق، خاکساری<sup>(۱۴)</sup>  
 رخساره به خاکِ پا رساند

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = امشب؛ ن ۲، ۸، ۱۷ و غیره = یک شب

۲- ن ۸ = منشان؛ ن ۲ = بنشان

۳- ن ۸ = مارا؛ ن ۲ = مه را

۴- این شعر و سه شعر بعدی تنها در نسخ ۱، ۸، ۱۷ و بیاض اعظم‌گه یافته شدند.

۵- این شعر و سه شعر بعدی تنها در نسخ ۱، ۸، ۱۷ و بیاض اعظم‌گه یافته شدند.

۶- این شعر و سه شعر بعدی تنها در نسخ ۱، ۸، ۱۷ و بیاض اعظم‌گه یافته شدند.

۷- ن ۲ = از سر نرود بدر خیالت؛ ن ۸ بیاض = بیرون نرود ز سر هوایت

۸- این شعر و سه شعر بعدی تنها در نسخ ۱، ۸، ۱۷ و بیاض اعظم‌گه یافته شدند.

۹- ن ۲، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = دوا

۱۰- ن ۲، ۱۷ = یا؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = گو؛ دیگر نسخ = با

۱۱- ن ۹ = او که بویی؛ ن ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = عنبرینش

۱۲- ن ۲، ۸ = سوی دل؛ ن ۱۷ = پیش من؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = سوی من

۱۳- ن ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = کو؛ ن ۲، ۸، ۱۷ = تا

۱۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = و خاک‌ری؛ ن ۲، ۸، ۱۷ = خاک‌ری

کو آنکه به عرضِ حضرتِ شاه  
یعنی<sup>(۱)</sup> که حدیثِ دلفریم  
پیغامِ من گدا رساند  
در مجلسِ پادشا رساند  
اینگاه بخواند از زبانم  
این بیت و ز من دعا رساند

چون دست نمی دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

بند چهاردهم<sup>(۲)</sup>

ای از کرم و سخا مکرم	محتاج کف تو صد چو حاتم
ختم است سخا و جود بر تو	چو ختمِ پیمبری به خاتم
دُر در کف از کرم نماند <sup>(۳)</sup>	چون در کف گل ز مهر شبنم
تسلیم تو کرد بحر و کان جود	شد بر کف تو کرم مسلم
عالم بکفت چوگاه برگ است	از دست همی دهی به یک دم
حاتم به کرم نبود چون تو	هستی به کرم ز حاتم اکرم
مثلی تو نژاد هیچ فرزندی	از روی کرم ز نسلی آدم
ای آنکه نهالی دولت و <sup>(۴)</sup> بخت	از آب و رخ تو گشته خرم
بشنو نفسی که با تو عرفی	گوید غمِ حالِ خویش کم کم <sup>(۵)</sup>
دارم غمِ خویش و رنج افلاک	گفتم همه لیک با تو درهم
رحمی، که دگر نماند بی تو	در سینه شکیب، در جگر نم
گر باد شوم که حاجبان	در بزم تو ره نمی دهندم
راضی شده ام که بینم از دور	سوی تو و اشک ریزم از غم
هر چند که آمدم به کویت	یک روز نشد میسر آن هم

چون دست نمی دهد وصال

دستِ من و دامنِ خیالت

۱- ن ۹ = کو آنکه ؛ ن ۲، ۱۷، بیاض، ۳۵ = یعنی که ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = اعنی که

۲- این بند آخرین تنها در نسخ ۲، ۸، ۱۷ یافته شده. از اشعار ۱۲۸ تا ۱۴۶ ظاهر است که این ترجیع بند قبل از رسیدن عرفی درباری اکبری در مدح آن پادشاه گفته شده بود.

۳- ن ۱۷ = نباید ؛ ن ۲، ۸ = نماند

۴- ن ۱۷ = بخت و دولت ؛ ن ۲، ۸ = دولت و بخت

۵- این بیت و دو بیت بعدی تنها در نسخ ۲، ۸ یافته شدند.

## قطعاتِ عرفی شیرازی

منم عرفی امروز کز کشتِ طبعم

بود خرمن افشان کفِ خوشه چینان

چه گلها نچیدند از باغِ طبعم

ز کوتاه دستی دراز آستینان



## قطعات

(۱)

## ذوقِ دریوزه

نه از آن<sup>(۱)</sup> دیر بخشد ایزد کام      که دهد جلوه کبرایی را  
زان توقّف کند<sup>(۲)</sup> که دریابی      ذوقِ دریوزه<sup>(۳)</sup> و گدایی را

(۲)

جوابِ شعرِ همایون دهد ضمیری لیک  
به شاعرِ متعینِ چه بخت موزون را<sup>(۴)</sup>  
ازین که هر دو خورند استخوان ز سایه زاغ  
طلب مکن اثرِ سایه همایون را  
درین معامله با من شریک<sup>(۵)</sup> بود بسی  
بمن عداوتِ دیرینه ایست گردون را  
چه رشکها که به مجنون هم برد فرهاد  
که ننگِ شرکتِ پرویز نیست مجنون را  
زهی شعور که مُشتی خزف به رشته کشد<sup>(۶)</sup>  
که هان نظیرِ نگرِ سلکِ دُرّ مکنون را  
تو نظمِ گوهرِ سیرابِ خویش کن عرفی  
بهل به جوهریان طعنِ مردمِ دون را

۱- ن ۲۲ = نه ازان بخشد ایزد هر کام؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۱۷۱ = نه ازان بخشد ایزد کام

۲- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷ = کند؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بکن

۳- ن ۴، ۳۰، ۲۴، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = دریوزه و گدایی؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دریوزه گزایی

۴- این قطعه تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۵- ن ۱۷ = بود شریک؛ ن ۱، ۵ = شریک بود

۶- ن ۱ = کند؛ ن ۵ = کشد؛ ن ۱۷ = کشید



## (۳)

به اربابِ دل مژده برای صبا  
 بگو دوستان را که در عهدِ ما  
 مفرحِ پدید آمد، اکنون رواست  
 در آمد یکی کش دبیرانِ قدس  
 رسولی در آمد که دارد به جیب  
 تنی ز آب و خاکِ وفا ساختند  
 تولدِ همی کرد طفلی که بود  
 بباغ اندر آمد بهاری که هست  
 بصد ذوق تاریخِ وی بر نوشت  
 بگویم کدام است تاریخِ وی

که نو گشت اینک زمانِ ادب<sup>(۱)</sup>  
 بلند است بختِ جوانِ ادب  
 که خندد لبانت دهانِ ادب  
 نویسند صاحبِ قرانِ ادب  
 ز دیوانِ معنی نشانِ ادب  
 کزان<sup>(۲)</sup> تازه گردید جانِ ادب  
 به بطنِ ازل توامانِ ادب  
 طرازنده بویستانِ ادب  
 به هر برگ و بر باغبانِ ادب

بهشتی ۷۱۷+ بهار ۲۰۸+ جهان ادب ۹۹۱+۷۹۱ هـ ق<sup>(۳)</sup>

## (۴)

حیاتِ کوتاهِ خصمِ تو دید<sup>(۴)</sup> و گفت قدر  
 که مایه<sup>(۵)</sup> ادب از جمله زکات<sup>(۶)</sup> فناست<sup>(۷)</sup>  
 عروسِ جاهِ تو در جامه رفت و گفت<sup>(۸)</sup> قضا  
 که کوتاهی همه در دامنِ لباسِ بقاست

۱- این قطعه تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۲- ۱۷ ن = کزو ؛ ۱، ۵ = کزان

۳- ازین ماده تاریخ ظاهر است که این قبل از ورود عرفی در هند گفته شده بود و این هم ثابت می شود که کلیات عرفی که سراجا ترتیب داد دارای آن کلام هم بود که عرفی در ایران گفت. به همه این اندازه این کلام که دیوان اول عرفی بود که گم گشته بود. پس ثابت می شود که آن دیوان گم گشته بوقت تدوین دیوان باز یافته شده بود.

۴- ۱۷ ن = تو دید گفت ؛ ۱، ۵ = تو دید و گفت

۵- ۱۷ ن = مایه ؛ ۱، ۵ = پایه

۶- ۱۷ ن = رکاب ؛ ۱، ۵ = زکات

۷- این قطعه در ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۸- ۱۷ ن = گفت ؛ ۱، ۵ = دید

## (۵)

چون<sup>(۱)</sup> به فردوسِ ظفر سیر کنان می‌رفتم  
 ناله برداشت که مشاطه نصرت ز چه رو  
 قاطع طره حوران بهشتِ ظفر است  
 آسمان گفت که عهدی به تبسم نوکن  
 تا دهم مزده که این امر چه میمون اثر است  
 مزده بادا که به هر تاری ازان مشکین جور  
 رقمی پر<sup>(۳)</sup> خمی از رُمح شه دادگر است

## (۶)

نشسته بودم<sup>(۴)</sup> دی در وثاق و می‌گفتم  
 چه فتنه بود که ایام در جهان انداخت  
 چه درد بود که هجر<sup>(۵)</sup> همای<sup>(۶)</sup> دولت و دین  
 به جان<sup>(۷)</sup> عافیت<sup>(۸)</sup> اندیش همگان انداخت  
 غرورِ عشرت و تقصیرِ شکر وصل این کرد<sup>(۹)</sup>  
 که کار ما به دعای سحرگهان انداخت

۱- با آنکه در نسخه هفدهم و هم در نسخه ترکیه اولین کلمه این بیت "ای" هست اما بجای آن "چون" درست‌تر می‌نماید. همین‌گونه در مصرع دوم به اساس نسخه هفدهم (زینت گو بر برگ) آمده است اما مطابق نسخه ترکیه (زینت ده برگ) است و همین شکل درست می‌نماید.

۲- این قطعه در نسخه ۱۷ یافته شد. دکتر نعیم‌الدین آن را در نسخه‌ای در ترکیه هم یافت و در مجله علوم اسلامی علی‌گره (شماره دهم سنه ۱۹۶۳ میلادی) بچاپ رسانید.

۳- ن ۱۷ = رقم پر خمی؛ مجله = رقمی پر خمی

۴- ن ۹ = و دی در وثاق می‌گفتم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ = دی در وثاق و می‌گفتم

۵- ن ۱، ۵ = بهر؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷ = هجر

۶- ن ۴، ۲۸ = همای؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷ = همای

۷- ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = بجای؛ ن ۴، ۹، ۱۱، ۲۸ = بجان

۸- ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = عافیت جمله همگان؛ ن ۹، ۱۱ = عافیت اندوز همگان؛ ن ۴، ۲۸ = عافیت اندیش همگان

۹- ن ۹ = این بود؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = این کرد

من اندرین غم و این داستانِ دردافزای  
 که ناگهان خردم دست در میان انداخت<sup>(۱)</sup>  
 چه گفت؟ گفت که<sup>(۲)</sup> ای فخر دودمانِ سخن  
 بگو که خود چه گمانت درین گمان انداخت  
 ز جای جستم و در دم به پاسخش گفتم  
 خود آن که فرقتِ او آتشم بجان انداخت  
 جواب داد که آسوده باش و خاطر جمع  
 که آید آنکه ترا هجرش از توان انداخت  
 بگفتمش ز کجا داری این بشارت گفت  
 ز صد عدد منم اقبال در مظان انداخت  
 فلک که در سفر از رخس او جدا نشدی<sup>(۳)</sup>  
 همان به گردش معهودِ خود<sup>(۴)</sup> عنان انداخت  
 جهان که سایه‌نشین جلال<sup>(۵)</sup> دولت بود  
 بجست و دستِ ربایندگی بران<sup>(۶)</sup> انداخت<sup>(۷)</sup>

۱- در ن ۲۸ بعد این بیت ترتیب اشعار باین طور است:

چو گفتمش چه گمانم بر آستان انداخت  
 همان که فرصت او آتشی بجان انداخت  
 نخست و دست ربایندگی بران انداخت

چه گفتمش چه گفتا چه پرسى آمده است  
 ز جای جستم و پرسیدمش بزاری گفت  
 جهان که سایه نشین کلاه دولت او

و در ن ۱، ۵، ۱۷ اشعار قطعه به این ترتیب است:

همان که فرصت او آتشت بجان انداخت  
 چو گفتمش چو کسانم بر آستان انداخت  
 ز صد علامتم اقبال در گمان انداخت  
 همان بگردش معهود خود عنان انداخت

ز جای جستم و پرسیدمش بزاری گفت  
 چو گفتمش چه گفتا چه پرسى آمده است  
 بگفتمش ز کجا داری این بشارت گفت  
 فلک که در سفر از رخس او جدا نشدی

در اثر موجوده ترتیب مطابق ن ۹ قرار داده شده است.

۲- در اصل نسخه نهم "ای که" هست.

۳- ن ۱۷ = جدا ماندی؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ جدا نه شدی (در ن ۲۸ این شعر نیست)

۴- ن ۹، ۱۱ = او؛ ن ۱، ۵، ۱۷ و غیره = خود

۵- ن ۹، ۱۱، ۲۸ = کلاه؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = جلال

۶- ن ۱۷ = دران؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۲۸ = بران

۷- در نسخه نهم این مصرعه بطور زیر هست: به بهر اوست که تابندگی بر آن انداخت

قضا ز رشته نظم جهان دوتا می‌خواست  
 عنانِ مژده سوی ناظم جهان انداخت  
 عنان گرم شتابش<sup>(۱)</sup> ز<sup>(۲)</sup> بهر سجده شاه  
 هزار<sup>(۳)</sup> اشهب و<sup>(۴)</sup> ادهم به هر مکان انداخت  
 سرانِ درگوه شه تهنیت کنان گویند<sup>(۵)</sup>  
 که خویش را به چه شوقی برآستان انداخت  
 هزار شکر و هزاران هزار بار<sup>(۶)</sup> که باز  
 همای دولت و دین ره بر آشیان انداخت  
 درین خجسته زمان کز نشاط آمدنت  
 قضا لباس طرب در بر زمان انداخت  
 کراست غم ز چنین<sup>(۷)</sup> آستان که از شادی  
 کلاه را نتواند بر آسمان انداخت

## (۷)

دی شنیدم کز سمند<sup>(۸)</sup> افتاد آن کاندل رهش  
 خاک بودن توتیای چشم کیوان بودن است  
 آسمانش در خیالِ فرشِ مجلس گشتن است  
 آفتابش در هوای گردد دامن بودن است

۱- ن ۱، ۵، ۹، ۱۱ = شتابش ؛ ن ۳، ۱۱، ۲۸ = ستایش

۲- ن ۱، ۵، ۹، ۱۱ = ز ؛ ن ۳، ۹، ۱۱، ۲۸ = که

۳- ن ۱، ۵، ۹، ۱۱، ۲۸ = هزار اشهب ؛ ن ۳، ۹، ۱۷، ۲۸ = هزار اشهب

۴- ن ۳، ۲۸ = ادهم و اشهب ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۱ = غیره = اشهب و ادهم

۵- ن ۱، ۵ = گفتند ؛ ن ۳، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = گویند

۶- ن ۹ = شکر که باز ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ = غیره = بار که باز

۷- ن ۹ = ز چنین آستان ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = نه همین آسمان ؛ ن ۳، ۲۸ = نه همین آسمان

۸- ن ۲۸ = کز رهش ؛ ن ۲۹ = در رهش ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = کز سمند

چون شنیدم این<sup>(۱)</sup> خبر، پژمرده گشتم، عقل گفتم  
 بی خبر<sup>(۲)</sup> زین<sup>(۳)</sup> واقعه جای پریشان بودن است  
 او نه<sup>(۴)</sup> شخص دولت آمد در<sup>(۵)</sup> رو نظم جهان  
 بی<sup>(۶)</sup> ثبات دولت از افتان<sup>(۷)</sup> و خیزان بودن است  
 شاد گشتم از بیانش، گفتم الحق در جهان  
 بی تو بودن بی وجود فضل<sup>(۸)</sup> حیوان بودن است  
 سایه صاحب به فرقت باد کاندل ظل تو  
 جا گرفتن در پناه ظل یزدان بودن است

## (۸)

عرفی به حیرت<sup>(۹)</sup> از فلک طالعم<sup>(۱۰)</sup> کزو  
 نجمی به هیچ دور عبورش<sup>(۱۱)</sup> به اوج نیست  
 امید را عنان به کدامین طرف دهم<sup>(۱۲)</sup>  
 کز خیل یاس بر اثرش فوج فوج نیست  
 بُعدی که از سعادت طالع بود مرا  
 تحت الثری ز اوج و سرایش ز<sup>(۱۳)</sup> موج نیست

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = این ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آن

۲- ن ۳ = بی ؟؟؟ ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۸، ۲۰ و غیره = بی خبر

۳- ن ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = زین ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = این

۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = او ز شخص ؛ ن ۳ = آن به شخص ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = او نه شخص

۵- ن ۲، ۳ = وز ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = در

۶- ن ۴، ۵، ۹، ۲۹ = نی ؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = بی ؛ ن ۱۷ = بی

۷- ن ۱۷، ۲۹ = اقبال و حیران ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۴۱ = افتان و خیزان

۸- ن ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = فضل ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷ = فضل

۹- ن ۵ = حسرت ؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ و غیره = حیرت

۱۰- ن ۹ = ظالم ؛ ن ۹ (پاورق) و دیگر همه نسخه ها = طالعم

۱۱- ن ۱۷ = غیورش ؛ همه نسخه های دیگر = عبورش

۱۲- ن ۱۷ = زخم ؛ دیگر نسخ = دهم

۱۳- ن ۵، ۱ = به ؛ همه نسخه های دیگر = ز

## (۹)

تَهْمَتِ فِسْقِ<sup>(۱)</sup> به من کرد یکی کفر<sup>(۲)</sup> اندیش

کایزد از صورتِ او معنی آدم برداشت

این سخن گوش زِدِ شاهدِ عصمت گردید

شد پریشان چو سر زلفش و ماتم برداشت

روزگار آمد و گفتش<sup>(۳)</sup> که تو مخروش که من

پرده زین رازِ تهی مایه نخواهم<sup>(۴)</sup> برداشت

گفت ز<sup>(۵)</sup> اوّل غلط افتاد ترا<sup>(۶)</sup> می بایست

دل ز هم صحبتی مردم بی غم برداشت

من ازین حرف بجوشیدم و گفتم دلِ من

آنچه برداشت خود از کون و مکان<sup>(۷)</sup> غم برداشت

تو مرا دانی و من نیز ترا می دانم

پس چرا باید ازین مایه<sup>(۸)</sup> دل از هم برداشت

اهل دنیا همگی تهمت و<sup>(۹)</sup> کذب اند و فساد<sup>(۱۰)</sup>

رختِ خود را که ازین ورطه مسلم برداشت

ستمِ تهمت جهال نه بر ما و تو رفت

یوسف این را متحمل شد و مریم برداشت

۱- ن = ۱ = کفر ؛ ن = ۲۸ = عشق ؛ ن = ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ و غیره = فسق

۲- ن = ۱۷ = فسق اندیش ؛ ن = ۲۸، ۹ = کافر کیش ؛ ن = ۴، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۱۷۱ = دوراندیش ؛ ن = ۱، ۵، ۱۱، ۱۹ = کفر اندیش

۳- ن = ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = گفتاش که مخروش ؛ ن = ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گفتش که تو نخروش

۴- ن = ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = نخواهم ؛ ن = ۱، ۵، ۱۷، ۲، ۳، ۱۱، ۲۹ = بخوام

۵- ن = ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = از اوّل ؛ ن = ۱، ۵، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = ز اوّل

۶- ن = ۴، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۱۷۱ = مرا ؛ ن = ۱، ۵، ۱۷ = ترا

۷- ن = ۲، ۳، ۱۱ = مکانم ؛ ن = ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = مکان غم ؛ ن = ۲۹ = مکان هم

۸- ن = ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = پایه ؛ ن = ۱، ۵، ۹، ۲۹، ۲۰ = مایه

۹- ن = ۴، ۱۷ = تهمت و کذب ؛ ن = ۱، ۵، ۱۱، ۲۹، ۹ (پاورق) = تهمت کذب ؛ ن = ۹ تهمت کبر ؛ ن = ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = تهمت گیر

۱۰- ن = ۱، ۵ = نفاق ؛ ن = ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = فساد

## (۱۰)

دنیا طویله‌ایست پُر از جنس چارپا  
 آبادی<sup>(۱)</sup> و خرابی آن<sup>(۲)</sup> جسته‌جسته است  
 آبادیش<sup>(۳)</sup> عمارتِ بر باد رفته‌ای  
 ویرانیش عمارتِ درهم شکسته است  
 از عرعرِ خزانِ وی اسپان رمیده‌اند  
 وز تیز استران شتر از خواب جسته است  
 این آب و نان و اطلس و دیبا و ناز و نوش  
 جُل‌های فاخر و علفِ دسته‌دسته است  
 گردن کشی که کف<sup>(۴)</sup> به لب آورده از غضب  
 سرمستِ اُشتریست، مهارش گسته است  
 آن<sup>(۵)</sup> کس که پای بسته<sup>(۶)</sup> ز راه و روش فتاد  
 اسبی است کش<sup>(۷)</sup> اصالتِ خود پای بسته است

۱-۹ = کابادی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آبادی

۲-۹ = آن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹ = او

۳-۹ = بطوری که نوشته شد

ن ۱، ۵ = آبادیش کدام در بام و شهر و کو  
 ن ۱۷ = آبادیش کدام در بام شهر و کو  
 ن ۲، ۳، ۶ = آبادیش کدام در بام و شهر و کو  
 ن ۵ = آبادیش کدام در بام و شهر و کو  
 ن ۲۸ = آبادیش کدام در شهر و بام و کو  
 ن ۲۹ = آبادیش کدام در بام و شهر و کو  
 ویرانیش چه دشت و چه صحرا پشته است  
 ویرانیش چه دشت و بیابان و خسته است  
 ویرانیش چه دشت و بیابان خسته است  
 ویرانیش چه دشت و بیابان خسته است  
 ویرانیش چه دشت و بیابان و خسته است

۴-۱۷ = لب بلب؛ ن ۱، ۵ = لب کف؛ ن ۱، ۲، ۹، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = کف بلب

۵-۹، ۱۷، ۱۸ = وان کس؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = آن کس

۶-۱۷ = پای بسته آب و علف بود؛ ن ۱، ۵ = پای بسته ز راه و روش فتاد؛ ن ۲ = پای بسته به راه و روش فتاد؛ ن ۶ =

پای بسته آب و علف بماند؛ ن ۳، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = پای بسته راه و روش فتاد

۷-۹ = کز؛ ن ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = کش

وان<sup>(۱)</sup> کس که هرزه‌گرد و پریشان علف بود  
 چون<sup>(۲)</sup> بارکش خری است که از قید<sup>(۳)</sup> رسته است  
 گر ناگه آدمی ز خری زاده<sup>(۴)</sup> در میان  
 یا کشته گشته، یا<sup>(۵)</sup> ز لگد پا شکسته است<sup>(۶)</sup>  
 گفتم که آدمی ز خری زاید<sup>(۷)</sup> ای حکیم  
 این نکته حل کنم که دلت تنگ و خسته<sup>(۸)</sup> است  
 در ملکِ مردمی<sup>(۹)</sup> نسبِ جانست<sup>(۱۰)</sup> معتبر  
 عقل این نسب<sup>(۱۱)</sup> ز<sup>(۱۲)</sup> زادنِ جسمی نجسته است  
 در معنی از طبیعتِ گل رسته شاخِ گل  
 از روی صورت<sup>(۱۳)</sup> ار چه که<sup>(۱۴)</sup> از خاک رسته است  
 پس<sup>(۱۵)</sup> آن<sup>(۱۶)</sup> سفال‌گر که بزاد از گهر فروش  
 از<sup>(۱۷)</sup> دودهٔ سفال فروشان برسته است

- ۱- ن ۸ = آن کس ؛ ن ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = وان کس  
 ۲- ن ۱، ۵، ۸ = نا بارکش ؛ ن ۹ خود بارکش ؛ ن ۲، ۱۸ = یا بارکش ؛ ن ۳ = پا بارکش ؛ ن ۲۹ = چون بارکش  
 ۳- ن ۹ = بند ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۲۸، ۲۹ = قید  
 ۴- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = زاده ؛ ن ۶، ۹، ۱۷ = زاید  
 ۵- ن ۹ = یا ز لگد پا شکسته است ؛ ن ۱۷ = از لگد پا شکسته است ؛ ن ۱، ۵، ۸ = از لکدی یا شکسته است ؛ ن ۲۸، ۲۹ = از لکدی پا شکسته است  
 ۶- در نسخهٔ ۱۷ این بیت بعد از شعر ۶۵ یافته شد. همین طور هست شمارهٔ ۶۲ بعد از بیت بر شماره ۶۳ در نسخه‌های ۲، ۳، ۲۹ یافته شد.  
 ۷- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = زاده ؛ ن ۶، ۹، ۱۷، ۲۸ = زاید  
 ۸- ن ۹ = تنگ و خسته ؛ ن ۱۷، ۲۸ = تنگ خسته ؛ ن ۱، ۵، ۶، ۸، ۲۹ = نیک خسته  
 ۹- ن ۱۷ = مردمی که نسب ؛ ن ۲۹ = آدمی نسب ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۲۸ = مردمی نسب  
 ۱۰- ن ۹ = روح معتبر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = جانست معتبر  
 ۱۱- ن ۹ = حسب ؛ دیگر همه نسخه‌ها = نسب  
 ۱۲- ن ۱۷ = از اول جسمی ؛ همه نسخ دیگر = ز زادن جسمی  
 ۱۳- ن ۱، ۵ = نبیست ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = صورت  
 ۱۴- ن ۲۹ = ار چه گل ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۳۸ = ار چه که ؛ ن ۹ = ار چه هم  
 ۱۵- ن ۵، ۹ = بس ؛ ن ۲۸، ۲۹ = پس  
 ۱۶- ن ۱، ۲، ۳، ۸ = این ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آن  
 ۱۷- ن ۹ = و از ؛ دیگر همه نسخه‌ها = از



وان<sup>(۱)</sup> جوهری که زاد وز صلبِ سفال‌گر  
 از دودمانِ جوهریان خجسته است  
 وان هم که گفتم<sup>(۲)</sup> آدمی آزارکش فتاد  
 کز<sup>(۳)</sup> هر کیش گرد به دل بر نشسته است  
 آن<sup>(۴)</sup> را ازین خران رسد آفت که چون خران  
 معنی چو صورتش ز<sup>(۵)</sup> جهان بار<sup>(۶)</sup> بسته است  
 آن کو قرین<sup>(۷)</sup> عالمِ معنی است صورتش  
 در هر دو کون نقشِ مرادش نشسته است<sup>(۸)</sup>

## (۱۱)

اندر این<sup>(۹)</sup> بزم از دو کس شرمنده‌ام دائم<sup>(۱۰)</sup> که باز  
 آنکه بیرونم کشد بعد از قدم کفشِ من است  
 اوّل از بالانشینِ خود که بعد از وی منم  
 بعد ازان از زیر دستِ خود که هم کفشِ من است

۱- ن ۱، ۱۷، ۹ = ۲۸ = وان؛ ن ۲ = این؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۲۹ = آن

۲- ن ۱، ۵ = گفتی؛ ن ۳، ۶، ۱۷، ۹، ۲۸، ۲۹ = گفتم

۳- ن ۹ = کز هر کیش گردید بر نشسته است؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نی هر کس آنکه گرد غم از دل نه بسته است

۴- ن ۲ = او را ازان؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۹ = آن را ازین

۵- ن ۲ = ز جهان؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۲۹ = به جهان

۶- ن ۱، ۲ = بار؛ ن ۵، ۹، ۲۹ = باز

۷- ن ۱۷ = غریق؛ ن ۱ = قریب؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = قرین

۸- درین قطعه خوانی مثلاً ژسته، خجسته، بسته و غیره بطوری که در نسخه‌ها یافته شد درست نمی‌نمایند.

۹- ن ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۸ = در مجالس؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۹ = اندرین بزم

۱۰- ن ۹ = دایم که باز؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = دایم ز شرم؛ ن ۱۷ = از دام شرم؛ ن ۳ = در دام شرم؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = وز دام

## (۱۲)

این چشمه کاب<sup>(۱)</sup> جوی بهشتم بیاد<sup>(۲)</sup> داد

با تازگیش دخترِ رز را طراوت است

گفتم که آب چشمه  $\frac{\text{خلدی}}{۳۴۸ + ۳} = \frac{۹۹۵}{۶۴۴}$  بگفت نی

تاریخ سالِ زادن من این عبارت است

## (۱۳)

عیشگاهِ مخلصِ اکبر شه است

این عمارت کز علوی منزلت

لاجرم تاریخِ آن "عشرت گه" است  
۹۹۵ هـ ق

بی تکلف لایقِ عشرت فتاد

## (۱۴)

کشیده یار خدنگی و صد هزار شهید      ز شوقِ ناوکِ او بی سر از زمین برخاست<sup>(۳)</sup>  
چنان به تیغ زد آن غمزه هوشِ عرفی را      که از نهادِ اجل بانگِ آفرین برخاست

## (۱۵)

کمند زلف به مه عارضان به لهر و لعب<sup>(۴)</sup>

فروشان<sup>(۵)</sup> و همی گیر ماه را به کمند<sup>(۶)</sup>

۱- ن ۱۷ = کابروی بهشتم ؛ ن ۱، ۵ = کاب جوی بهشتم

۲- ن ۱ = بیاد داد ؛ ن ۵، ۱۷ = بیار داد

۳- این قطعه در موزه قونیه یافته شد و دکتر نعیم الدین آن را در مجله علوم اسلامیة علی گره (شماره دسامبر سنه ۱۹۶۲ میلادی بچاپ رسانید)

۴- ن ۱، ۵ = طرب ؛ ن ۱۷ = لعب

۵- بجای لفظ "فروشان" که در نسخ هست "فروشان" درست تر می نماید.

۶- در مجله علوم اسلامیة (ماه دسامبر سنه ۱۹۶۲ میلادی) دکتر نعیم الدین "کمند زلف مه عارضان" نوشته است ولی در ن ۱۷ که ازان او این قطعه را نقل کرد "کند زلفان مه عارضان" است. در نسخ ۱، ۵ بالا مصرع اول این بیت درست به نظر نمی رسد و اگر به این شکل "کمند زلف به مه عارضان به لهر و لعب" باشد از لحاظ معنی و وزن شعری درست می شود.

هزار قرن به شادی و خرمی بگذار

به لحظه‌ای دل خود را دژم مدار و نژند

گهی چو شمس بتاب و گهی چو سرو ببال<sup>(۱)</sup>

گهی چو ابر بار و گهی چو برق بخند

بلند باد اجل در نثار جانِ عدوت

تو جانفزای بروی نگار و باده رند

### (۱۶)

سخن شناسا اگر بیت بنده رد کردی

خجل مباش که من هم ز خجلتم آزاد

ترا قبول نیفتاد<sup>(۲)</sup> و ناقبولی آن

به این دلیل که گویم<sup>(۳)</sup> مرا<sup>(۴)</sup> قبول افتاد

اگر به طبع تو بیتی ز بنده جانگرفت

نه<sup>(۵)</sup> شعر بنده و نی طبع تست کج بنیاد

هم از خوش آبی و غلطانی است کاین<sup>(۶)</sup> گوهر

نمی‌تواند بر سطح مستقیم استاد

### (۱۷)

از بهر عوام هم برآید

گر اذن سجود آستان

از ناصیه حرم برآید

صد خوشه افتخار سجده

ز اطراف چمن علم برآید

در سایه نام سر بلندت

۱- ن ۱۷ = بنال ؛ ن ۱، ۵ = بیال (دکتر نعیم‌الدین "بناز" نوشته است)

۲- ن ۱۷، ۴ = نیفتاد و ناقبولی آن ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ و غیره = نیفتاد ناقبولی آن

۳- ن ۹ = گفتم ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳ = گویم

۴- ن ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مرا ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = ترا

۵- ن ۲ = نه شعر بنده و نی طبع تست کج بنیاد ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴ = نه شعر من بد و نی طبع مست کج بنیاد

۶- ن ۲۹ = کین گوهر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱ = کان گوهر ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰ = گوهر کان

گر ناله بگردد دل نیچم

دود از جگرِ الم برآید

(۱۸)

بیا ای بخت سرگردان و بنشین  
که در باغی فرو چیدیم محفل  
کدامین باغ؟ باغِ وصلِ یاری<sup>(۱)</sup>  
زهی باغی که برگِ لاله او  
از آن دم کاستین زد بر دماغم  
دل و جان هر دم<sup>(۳)</sup> از هم می‌ریایند

بزیر سایه سرو گل و بید  
که در وی عسندلیبی کرده ناهید  
که آتش می‌رود در جامِ جمشید  
زند سیلی بروی<sup>(۲)</sup> ماه و خورشید  
نسیمِ این بهشتِ عیش جاوید  
قبولِ منت و<sup>(۴)</sup> تاثیر امید

(۱۹)

صد شکر که فخر دوده<sup>(۵)</sup> جاه  
دریای توجه شه‌نشاہ  
این دانه شود هزار خوشه  
این قطره شود هزار چشمه  
از تربیتِ عنایتِ شاه  
من دانم و آسمان که اقبال  
یکتا گهر محیطِ اخلاص  
از جبهه طال‌عش چه جویی

در دامنِ دایه بقا زاد<sup>(۶)</sup>  
بنگر که چه دُرُ بی بها زاد  
کز کشته رحمت<sup>(۷)</sup> خدا زاد  
کز چشمه فیضِ کبریا زاد  
خورشید شود، اگر سُها زاد  
در کیسه آسمان کرا زاد  
از بهرِ نثارِ پادشا زاد  
سر خیلِ قبیله وفا زاد

۱- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = یاری؛ ن ۲۸ = دیدار؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = دلدار

۲- ن ۱۷ = بروی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۰ = بحسن

۳- ن ۲۹ = هر دو؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰ = هر دم

۴- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۱ = منت تاثیر؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = منت و تاثیر؛ ن ۵ (حاشیه) = قبولی هست در تاثیر امید

۵- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = دوده؛ ن ۲ = دوده

۶- این قطعه تولد میرزا قارن خلف عبدالرحیم خان خانان است. میرزا قارن در کودکی مُرد ریوعلی بیک انیسی شاملو تاریخ وفاتش گفت بطور زیر:

"سلامت ایرج و دارای ما" گفت

ز دیده خون فشان تاریخ گفتم

۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰ = سایه؛ ن ۱، ۳، ۱۷، ۲۸ = غیره = رحمت

آرایش روزگار ما زاد  
 ۵۱۲ + ۴۳۴ + ۴۱ + ۱۲ = ۹۹۹ هجری  
 دامان افق گرفت تا زاد

تاریخ تولدش چه پرسی  
 او را چه دعا کنم که بختش

## (۲۰)

عدل با علم منقسم<sup>(۱)</sup> گردد  
 تهمت و طعنه منهزم گردد  
 قصر تقویش منهدم گردد  
 زان گل اندام منعدم گردد  
 مرده در گور محتلم گردد<sup>(۵)</sup>

ای که از تهمت مؤثر تو  
 بشنو این قطعه کز لطافت آن<sup>(۲)</sup>  
 دل عرفی نگر که از شهوت  
 شاید<sup>(۳)</sup> از عصمت تنک ورعی<sup>(۴)</sup>  
 که گرش بر مزاری افتد راه

## (۲۱)

کین گهن خاکدان<sup>(۷)</sup> خراب شود  
 دهر نا مهربان خراب شود  
 خان و<sup>(۸)</sup> مانِ فغان<sup>(۹)</sup> خراب شود  
 بیتِ معمور جان خراب شود  
 ثمراتِ جنان<sup>(۱۱)</sup> خراب شود

عرفی آغازِ گریه کن شاید<sup>(۶)</sup>  
 ناله‌ای کن مگر ز تأثیرش  
 از فغان سینه ریش و غم بر جای  
 منم آن کیسه کز خرابی من  
 گر سمومی وزد به باغ<sup>(۱۰)</sup> دلم

- 
- ۱- ن ۳، ۴ = منتقم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳ = منقسم  
 ۲- ن ۱۸، ۳۳ = تو؛ ن ۹ = آن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = او  
 ۳- ن ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = شاهد؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = شاید از؛ ن ۴، ۶، ۲۸ = شاید از  
 ۴- ن ۱، ۵، ۲۰، ۲۸ = ورعی؛ ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۹ = درعی  
 ۵- در جنگی (شماره ۴۳۱۳) محفوظ در کتابخانه دانشگاه تهران در تحت عنوان "هزلیات عرفی علیه‌الرحمه" با این  
 قطعه دو قطعه دیگر یافته شد. درین اثر آنها تحت "کلام مشکوک" جا داده شده‌اند.  
 ۶- ن ۲، ۳، ۹، پاورق، ۲۸، ۲۹ = باشد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = شاید  
 ۷- ن ۳ = خاندان؛ همه نسخ دیگر = خاکدان  
 ۸- ن ۱، ۹، ۱۷، ۳۰ = خانمان؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = خان و مان  
 ۹- ن ۴ = گلان؛ همه نسخ دیگر = فغان  
 ۱۰- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = ز باغ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بیاغ  
 ۱۱- ن ۲۸، ۲۹ = جهان؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و غیره = جنان

گر شرابم کنند درد<sup>(۱)</sup> آمیز  
 همتم گر بساط برچیند  
 من کجا جنس روزگار کجا  
 گر من از گفتگو بیاسیم  
 مرغ اندیشه را گه خوابم  
 دل و طبعم اگر نه عطسه<sup>(۴)</sup> زنند  
 گر به خان دلم شکست افتد  
 چند گویم که گر ز پا افتم  
 شیشه آسمان به دست منست  
 مشرب انس و جان خراب شود  
 کشور لامکان خراب شود  
 خانه آسمان خراب شود  
 دایر ملک زبان<sup>(۲)</sup> خراب شود  
 بیضه در آشیان خراب شود<sup>(۳)</sup>  
 مغز<sup>(۵)</sup> دریا و کان خراب شود  
 قبله قدسیان خراب شود  
 بشکنند این و آن خراب شود  
 گر بیفتم، جهان خراب شود

## (۲۲)

دی کسی گفت که سوری گهر افروز سخن  
 قطعه‌ای گفت<sup>(۶)</sup> که اندیشه به آن می‌نازد  
 گفتم این گوش به آن<sup>(۷)</sup> نغمه سزد، گفت آری  
 اینک از پرده عنان سوی تو می‌اندازد  
 سخن<sup>(۸)</sup> عشق حرام است بر آن بیهده گوی  
 که چو ده بیت غزل گفت، مدیح آغازد

۱- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰ = در دامن؛ ن ۹ (پاورق) = درد آلود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۸، ۲۹ = درد آمیز

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸ = زبان؛ ن ۲، ۶، ۸، ۲۹ = زمان

۳- تنها در نسخ ۱، ۵، ۹، ۱۷ یافته شد.

۴- ن ۲۹ = طعنه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸ = عطسه

۵- ن ۲ = قعر؛ همه نسخ دیگر = مغز

۶- ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹ = گفته؛ ن ۱، ۱۷، ۹ (پاورق)، ۲۸ = گفت

۷- ن ۹، ۱۷ = بدان؛ ن ۹ = به این؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸ = به آن

۸- ن ۹ = سخن از عشق؛ ن ۹ (پاورق) = دعوی عشق؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = سخن عشق

حبذا همت سعدی و سخن<sup>(۱)</sup> گفتنِ او

که ز معشوق به ممدوح نمی‌پردازد<sup>(۲)</sup>

گفتم این خود همه عیب است که در راو تمیز

هر که این لاف زند رخس دویی می‌تازد

لوحش الله ز یک اندیشی عرفی کو را

آنکه ممدوح بود، عشق بوی<sup>(۳)</sup> می‌بازد

وانکه<sup>(۴)</sup> ممدوحی و<sup>(۵)</sup> معشوقی اثبات کند

بعد ازان جانبِ معشوق قوی می‌سازد

### (۲۳)

عرفی نه ارث<sup>(۶)</sup> و کسب و نه رزق<sup>(۷)</sup> و نه حرص و آرز

راهم به شعر خیره سرِ تیره چهر داد

طالع رهم نمود به این خصمِ خانگی

این بازیم عطارِ برگشته مهر داد

ذوقِ غزل به مهرِ بُتانم اسیر کرد

آسبِ آن فراغتم<sup>(۸)</sup> از ماه و مهر داد

مدح آبروی گوهر قدرم بخاک ریخت

تاوانِ این گهر نتواند سپهر داد

۱- ن ۱۷، ۹ = عزل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۲۸، ۲۹ = سخن

۲- در ن ۱۸ این بیت قبل بیت پیشش (شماره ۱۳۰) هست.

۳- ن ۱۷، ۹ = بدو؛ ن ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = به او؛ ن ۱، ۵ = بوی

۴- ن ۱۷ = آنکه؛ ن ۸ = زانکه؛ ن ۱، ۵ = وانکه

۵- ن ۱۷، ۸ = معشوقی و ممدوحی؛ ن ۱، ۵ = ممدوحی و معشوقی (این بیت در ن ۹ نیست)

۶- ن ۱۷، ۹ = وارث و کسب؛ ن ۱، ۵ = ارث کسب

۷- ن ۲۸، ۹ = رزق؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = رزق

۸- ن ۹ = فراغتم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = فراغتم

## (۲۴)

ملاف عرفی ازین ترهات<sup>(۱)</sup> و ژاژمخای

گرفتم آنکه کلام تو سلسیلی کرد

ز شعر دم مزن ار<sup>(۲)</sup> ورد روح قدس شود

که شعر روی ترا در زمانه نیلی کرد

ز منجنیق ملامت در آتش افکندت

مگو در آتش او گوهرم خلیلی کرد

بدین مناز که طبع تو عز یکتایی

بدست کرد که این<sup>(۳)</sup> او نکرد، سیلی کرد<sup>(۴)</sup>

دلیل ظلم ازین خصم بوالعجب مطلب

که هر چه کرد مُدلل نه از دلیلی کرد<sup>(۵)</sup>

صدای طعنه بلند است گوشِ هوش بدار<sup>(۶)</sup>

که صوت مور درین مرحله صهیلی کرد

گرفتم آنکه رسد نازشت نه هر که بفضل<sup>(۷)</sup>

یگانه<sup>(۸)</sup> شد فلکش، سعی در ذیلی کرد

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹ = ترهات و ژاژ بخای ؛ ن ۲۴، ۲۸، ۳۰ = ترهات ژاژ مخای

۲- ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = ار ورد روح قدس شود ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = آواز قدس را بشنو ؛ ن ۲ = ار زانکه روح قدس شود

۳- ن ۱، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۳ = او این نکرد ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = این او نکرد

۴- در نسخه هشتم این بیت قبل از شعر پیشش یافته شد و در نسخه های ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۰ بعد از شعر ششم این قطعه نیست.

۵- این بیت تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد.

۶- ن ۲، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = بدار ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵ = ندرد ؛ ن ۱۱ = بدرد ؛ ن ۸، ۱۷ = مدار

۷- ن ۱، ۳، ۲۸ = عقل ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = فضل ؛ ن ۲۹ = فعل

۸- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۳ = یگانه



اگر عدیلِ ترا داشت کینه<sup>(۱)</sup> کمتر داشت  
 سپهر اینهمه<sup>(۲)</sup> با تو ز<sup>(۳)</sup> بی عدیلی کرد  
 بخیل طبعی دورانِ دوست دشمن بین  
 که در عدیل چو<sup>(۴)</sup> تو ناکسی بخیلی کرد

## (۲۵)

خویشکی<sup>(۵)</sup> دارم بسی خوش صحبت اما گرسنه<sup>(۶)</sup>  
 آنچنان کز بهر سیری زخم تا<sup>(۷)</sup> مُردن خورد  
 با جوالِ زر مدامش غم بود قوت هنوز  
 بسکه با خود بخل ورزد غم ز غم خوردن خورد

## (۲۶)

هیچ دل راه پرورش<sup>(۸)</sup> نسپرد  
 که به سرحدِ کاملی نرسید  
 مشتیِ خونی که ما<sup>(۹)</sup> پروردیم  
 بسحدی نشأه دلی نرسید

## (۲۷)

زهی حمیده صفاتی که جز به دوزخ قهرت<sup>(۱۰)</sup>  
 عروس عاطفت برقع جمال نسوزد

- ۱-ن ۱۷ = چرخ کنه کمتر داشت ؛ همه نسخ دیگر = داشت کینه کمتر داشت  
 ۲-ن ۱۸، ۲۰، ۳۰ = آن همه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = این همه  
 ۳-ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = نه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ز  
 ۴-ن ۸ = که در عدیلی چون تو ؛ ن ۲۹ = که در عدیل تو با چه کسی ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = که در عدیل چو تو ناکسی  
 ۵-ن ۹ = همدمی ؛ ن ۹ (حاشیه) = دوستی و خویشکی ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = خویشکی  
 ۶-ن ۲۸، ۴ = گرسنه ست ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷ = گرسنه  
 ۷-ن ۲۸، ۱ = نا مُردن ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۹ = تا مُردن ؛ ن ۲ = نا خورده  
 ۸-ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = پرورش ؛ ن ۹، ۱۱ = پرورش  
 ۹-ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ = که ما ؛ ن ۴، ۲۸ = که منش  
 ۱۰-ن ۱۷، ۵ = قهرت ؛ ن ۱ = نصرت

گر آفتاب در آید بزیر سایه لطف  
 زهی محال<sup>(۱)</sup> که سرمایه زوال نسوزد  
 کسی که دیده ز طبع تو نور علم نگوید<sup>(۲)</sup>  
 که شمع کس به دل چشمه زلال نسوزد  
 کمال تیرگی آرد به رنگ جهل به عهده  
 که شمع فهم تو در مجمع کمال نسوزد  
 کنم سؤالی و دلدادۀ امید جوابم  
 اگر عتاب<sup>(۳)</sup> توام بر زبان سؤال نسوزد  
 کسی که شعله فهمش رسد به عرش فراست  
 چرا متاع سخن چین بد مقال<sup>(۴)</sup> نسوزد  
 ازین سموم که آورده رو به باغچه ما  
 خدا کند که برو برگ اعتدال نسوزد  
 کسی که سحر حلال مرا حرام شمارد  
 به حیرتم که چرا ز آتش<sup>(۵)</sup> و بال نسوزد  
 امام شرع فراست بقول مردم نادان  
 حرام را نکند رائیج و حلال نسوزد  
 تو<sup>(۶)</sup> جوهری و خرف نام کرده‌ای گهرم را  
 دلم چگونه به غواصی خیال نسوزد  
 عجب تر آنکه تو معصوم و من تمام گناهام  
 کسی قبول ندارم کزین ملال نسوزد

۱- ن ۱ = مجال ؛ ن ۱۷ = محال

۲- ن ۱۷ = مگوید ؛ ن ۱، ۵ = نگوید

۳- ن ۱۷ = عتاب ؛ ن ۱، ۵ = امید

۴- ن ۱، ۵، مجله = مقال ؛ ن ۱۷ = فعال

۵- ن ۱۷ = جز از آتش ؛ ن ۱، ۵ = چرا ز آتش

۶- ن ۱، ۵ = ز ؛ ن ۱۷ = تو

قبول می‌کنم این هم بود که شاهدِ لطف  
 مرا به دوزخ محرومی وصال نسوزد  
 شفیع بنده<sup>(۱)</sup> بجز انفعال نیست نفس را  
 نگاه دار ازین شعله کائنات نسوزد  
 نوشت نامه عذری به دوست عرفی [و] یارب  
 که مرغِ نامه‌برش را ز خشم بال نسوزد

## (۲۸)

کسی که معنی<sup>(۲)</sup> او هست فرع صورتِ من  
 به پست<sup>(۳)</sup> کردنم او را فلک برانگیزد  
 ز واژگونگی عهدِ ما عجب نبود  
 که افتد به زمین شخص و سایه برخیزد

## (۲۹)

ای بلهوس که آمده‌ای میهمان وعظ  
 وقتی بیا که زهر<sup>(۴)</sup> به کامت شکر بود  
 بر مرده<sup>(۵)</sup> دل زبان نگشایم به موعظه  
 شمشیر را معامله<sup>(۶)</sup> با جانور بود

## (۳۰)

عنایتِ تو چنان زد صلاهی معموری  
 که در دیار محبتِ دلِ خراب نماند<sup>(۷)</sup>  
 تو پیاله حسنِ ترا می‌کنعان  
 چنان کشید که رشحی به آفتاب نماند

۱- ن ۱۷ = سینه؛ ن ۱، ۵ = بنده

۲- ن ۱۷، ۵ = معنی؛ ن ۱ = همت

۳- ن ۵ = پست؛ ن ۱۷، ۱ = پست

۴- ن ۵ = رمز؛ ن ۲، ۳، ۹، ۲۸، ۲۹ = زهر

۵- ن ۱۷، ۹ = پزمرده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = برمرده

۶- ن ۹ = مقابله؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ = معامله

۷- این سه اشعار که در نسخه بیست و نهم در بخش غزل (بر صفحه ۳۰۲) یافته شدند از قطعه می‌نمایند.

بده بدستِ عنایتِ عنانِ عرفی را      بین که نیم‌قدم در ره صواب نماند

## (۳۱)

دوش گفت اندیشه کان فرزند احسن نام زاد

فکرِ تاریخی بکن کان یادی از نامش دهد<sup>(۱)</sup>

گفتم اندر<sup>(۲)</sup> ضمنِ این تاریخ چیزی لازم است

عرضه فرما بر ضمیرم تا سرانجامش دهد

گفت آری مطلب<sup>(۳)</sup> نام و نسب هم گفتمش

پس دعا کن تا خدا توفیقِ الهامش دهد

چون بگفتم با ضمیر این قصه را در لحظه گفت

احسن ابن حسن شاه هدی کامش دهد  
۱۱۹+۵۳+۱۱۸+۳۰۶+۱۹+۳۶۱+۱۳=۹۸۹هـ ق

## (۳۲)

آه از بیداد<sup>(۴)</sup> دور بیوفا      می ز بی مهری گردون<sup>(۵)</sup> داد داد<sup>(۶)</sup>

نوگل بستان فروزِ باغِ حسن      تندبادِ نیستی بر باد داد

زین طرف هستی به رویش نور بست      زان طرف رضوان در جنت گشاد

چون به تاثیر کلام خاصه نظم      بود رضوان را بقایت اعتماد

تا شود آرایش افزای بهشت      آفتابِ چهره آن حور زاد

گفت دارم التماسِ مصرعی      از ریاضِ خاطرت<sup>(۷)</sup> جنت سواد

۱- این هر دو قطعه (۳۱ و ۳۲) نمونه کلام عرفیست پیش از ورود به هندوستان

۲- ۵، ۱ = اندر؛ ۱۷ = از در

۳- ۱ = مطلب نام؛ ۵ = مطلب و نام

۴- ۱۷ = بیداد؛ ۵، ۱ = امداد

۵- ۱۷ = گردون؛ ۵، ۱ = دوران

۶- در هر سه نسخه یعنی ن ۱، ۵، ۱۷ که این قطعه یافته شد در مصراع اول "آه کز" هست مگر لفظ "از" معنی زار و روشن تر می‌سازد. همین طور در مصراع ثانی در نسخ ۵، ۱۷ "ای" و در نسخه ۱ "این" ثبت شده است مگر لفظ "می" مخفف "های" مناسبتر می‌نماید.

۷- ن ۱۷ = خاطر حنت سواء؛ ۵، ۱ = خاطرت جنت سواد

مشمتمل بر مدعای من، ولی      بهر سال فوت آن حوری نژاد  
 من درین اندیشه بودم کز قضا      هاتنی از کتم غیب آواز داد  
 گفت: "عرفی این همه اندیشه چیست      گو، بحسن آرایش فردوس داد"  
 $\frac{120}{+} + \frac{512}{+} + \frac{35}{+} = 991$  هق

## (۳۳)

آه این چه شیون است که از شورش فغان      ذوقِ انالـحق از لبِ منصور می جهد  
 ای موسی، آرزوی تجلی مکن، برو،      کامروز آتشِ دگر از طور می جهد

## (۳۴)

بگفتم با خرد کاین چشمه نور      کزان یابم نصابِ چشمه خلد  
 چه گویی بهر تاریخش: بگفتا      همین گویم "زهابِ چشمه" (۱) خلد

## (۳۵)

رهایی از خمِ زنجیرِ عشق ممکن نیست  
 به سعی بوسه اگر توتیا شود زنجیر (۲)  
 به عزمِ فتنه در آمد به جلوه گاه دلم  
 که فوجِ عشوه و خیلِ کرشمه راست مسیر  
 به طنز (۳) گفت چو الماسِ جامه (۴) ریشم دید (۵)  
 که نیست لایقِ پژمردگان لباسِ حریر

۱- ن ۱ = که آب چشمه خلد؛ ن ۵، ۱۷ = زهابِ چشمه خلد  
 $\frac{15}{+} + \frac{348}{+} = 634$  هق  
 ۲- این قطعه در نسخ ۱، ۵ بعد از بخش قصاید یافته شد و فقط دارای چهار شعر است. در ن ۱۷ هم این قطعه موجود  
 هست ولی دارای شش اشعار هست ولی در شعر آخرین جزو این قطعه نمی نمایند و در اثر موجوده آن بطور قطعه  
 دیگر نوشته شده اند (قطعه ۳۶).  
 ۳- ن ۱، ۵ = به طنز؛ ن ۱۷ = نظیر  
 ۴- ن ۵ = چو الماس جامه؛ ن ۱۷ = چو الماس خامه  
 ۵- ن ۱، ۵ = دید؛ ن ۱۷ = یافت

اگر نه جلوة ذات<sup>(۱)</sup> تو در نظر می‌داشت  
عرویں امکان می‌گشت در بکارت پیر

## (۳۶)

عداوتِ تو ز تاثیرِ دیده‌های عتاب      مزاجِ عفوِ خداوند را دهد<sup>(۲)</sup> تغییر<sup>(۳)</sup>  
اگر ضمیر محلّ معانی است و علوم      بود تضاعف هر موی تو هزار ضمیر

## (۳۷)

فسانهای بشنو عرفی از من بیمار  
ببا شدت به نفاق معاشران رهبر  
ز عاطفت<sup>(۴)</sup> به مکافات معصیت<sup>(۵)</sup> دو سه روز  
مریض کرده<sup>(۶)</sup> تنم<sup>(۷)</sup> را عدالت<sup>(۸)</sup> داور  
بیاض دیده ز حمرت<sup>(۹)</sup> همین بدان ماند  
که لاله سوده کسی در میانه<sup>(۱۰)</sup> عبهر  
حرارت<sup>(۱۱)</sup> تنم ار<sup>(۱۲)</sup> عاریت کند، شاید  
که مستحیل شود آفتاب را جوهر

۱- ن ۱۷ به جلوة روی؛ ن ۱، ۵ جلوة ذات

۲- با آنکه در نسخه هفدهم این جا لفظ "کند" هست ولی "دهد" درست‌تر می‌نماید.

۳- این بیت و بیت بعدی تنها در نسخه هفدهم یافته شد. به تسلسل ابیات قطعه پیشین

۴- ن ۶ = معصیت؛ ن ۹ = عافیت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = عاطفت

۵- ن ۵، ۱، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = معصیت دو سه روز؛ ن ۶ = عاطفت دو سه روز؛ ن ۲ = جرم یک دو سه روز

۶- ن ۹ = گشته؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کرده

۷- ن ۱۷ = دلم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = تنم

۸- ن ۹ = از مشییت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = را عدالت

۹- ن ۱، ۲، ۵ = حیرت؛ ن ۳، ۹، ۱۱، ۱۷ = حمرت؛ ن ۲۹ = خمرت؛ ن ۲۸ = حمدت

۱۰- ن ۱ = پیاله؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = در میانه

۱۱- ن ۲۹ = حرارت از نم؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۸ و غیره = حرارت تنم

۱۲- ن ۱، ۱۷ = از؛ ن ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = ار

ز نبض جستم از بس هوا تموج یافت  
 ز<sup>(۱)</sup> نبض<sup>(۲)</sup> موجی نتوان شناختن محور  
 گرفته<sup>(۳)</sup> مالک دوزخ متاع قاروره  
 که بهر دوزخیان شربتی برد<sup>(۴)</sup> به سقر<sup>(۵)</sup>  
 نرفته یک سر مو درد و بر سر بالین  
 ز نسخه‌های اطبا<sup>(۶)</sup> نهاده صد دفتر  
 من اوفتاده بدین حال و دوستان فصیح<sup>(۷)</sup>  
 بدور بالش و<sup>(۸)</sup> بستر نهاده<sup>(۹)</sup> صد منبر  
 یکی به ریش کشد<sup>(۱۰)</sup> دست و کج کند<sup>(۱۱)</sup> گردن  
 که روزگار وفا با که کرد جان پدر  
 به جاه و مال فرومایه دل نشاید<sup>(۱۲)</sup> بست  
 کجاست دولت<sup>(۱۳)</sup> جمشید<sup>(۱۴)</sup> و ملک اسکندر

۱- ن ۳ = که ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ز

۲- ن ۶ = موج نبض ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نبض موجی

۳- ن ۲، ۲۹ = گرفت ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸ = گرفته

۴- ن ۱، ۵ = بود ؛ ن ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = برد

۵- ن ۱، ۵، ۱۷ = به سقر ؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = به سقر

۶- ۹ (پاورق) = طبیبان ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اطبا

۷- ن ۹ = دوروی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = فصیح

۸- ن ۲ = بستر بالش ؛ ن ۱، ۵ = بالش بستر ؛ ن ۳، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بالش و بستر

۹- ن ۹ = ستاده چون منبر ؛ ن ۲۹ = نهاده سربکسر ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸ = نهاده صد منبر

۱۰- ن ۲ = نه ؛ ن ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کشد

۱۱- ن ۱، ۵ = نه ؛ ن ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کند

۱۲- ن ۱، ۵ = نباید ز ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نشاید

۱۳- ن ۶ = مسند ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دولت

۱۴- ن ۱، ۵ = دارا ؛ ن ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = جمشید

محلّ<sup>(۱)</sup> رفتن و دل با خدای داشتن<sup>(۲)</sup> است  
 بجز خدا، بکن<sup>(۳)</sup> از هر چه هست قطع نظر  
 یکی به نرمی آواز و گفتگوی حزین  
 کند شروع و کشد آستین به دیده‌تر  
 که جان من همه را این ره است و باید رفت  
 تمام راه<sup>(۴)</sup> روانیم و دهر راهگذر  
 چه ما، که ریش به عصیان<sup>(۵)</sup> سپید کردستیم  
 چه آن که یاسمنش را ز سبزه نیست خبر  
 جوان و پیر به نزد اجل به یک نرخ<sup>(۶)</sup> است  
 به بیشه برق چو آتش زند، چه خشک چه تر<sup>(۷)</sup>  
 چو در نمی‌گذرد روزگار ازین عادت<sup>(۸)</sup>  
 به تازه‌روئی اگر بگذرد<sup>(۹)</sup> کسی، بهتر  
 یکی به چرب زبانی سخن طراز شود  
 که ای وفات تو تاریخ انقطاع<sup>(۱۰)</sup> هنر  
 فراهم آی و پریشان مدار دل زندهار  
 که نظم و نثر تو من جمع می‌کنم یکسر  
 پس از نوشتن و تصحیح می‌کنم انشا  
 به مدعای<sup>(۱۱)</sup> تو دیباچه‌ای چو درج گهر

۱-ن ۵، ۱، ۵ = خجل برفتن؛ ن ۹ = بوقت رفتن؛ ن ۲، ۳، ۶، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = محل رفتن

۲-ن ۵ = وابستن؛ ن ۱، ۶، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = داشتن است؛ ن ۹ = باید داشت

۳-ن ۵، ۱ = بجز خدای کن از؛ ن ۳، ۲۸ = بجز خدای بکن؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = بجز خدا بکن از

۴-ن ۹ = ره‌گذرانیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = راه روانیم

۵-ن ۱۷ = به نقصان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۹، ۲۸، ۲۹ = به عصیان

۶-ن ۱، ۲، ۶، ۹، ۱۷، ۲۹ = نرخ است؛ ن ۲۸ = نرخ‌اند

۷-این بیت تنها در نسخه هفدهم نیست.

۸-ن ۲، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = عارت؛ ن ۱، ۵ = غارت

۹-ن ۹ = بگذرند بس بهتر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بگذر کسی، بهتر

۱۰-ن ۹ = فوت ذوق و هنر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = انقطاع هنر

۱۱-ن ۹ = سرای شان تو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = به مدعای تو



چنانکه هستی فهرست دانش و فرهنگ

چنانکه هستی مجموعه صفات و سیر<sup>(۱)</sup>

به نظم و نثر در آویزم<sup>(۲)</sup> و فرو ریزم

اگر چه حصر کمال تو نیست حدّ بشر

خدای عزوجل صحت<sup>(۳)</sup> ار دهد، بیند<sup>(۴)</sup>

که این منافقان را چه آورم برسر

### (۳۸)

زهر هنر که زخم لاف امتحان شرط است      بیازمای، و مکن<sup>(۵)</sup> پیش از امتحان انکار

بلی کلیم و کاذب نبوتم کو، نیل      بلی خلیم و ناپخته دعوتم<sup>(۶)</sup>، کو نار

### (۳۹)

ای باد بگو به حضرت او      کی جوّد تو از طمع خنک تر

ای حوصله سخاوّت تو      از روی گدای تو تنک تر

سنگین منشین<sup>(۷)</sup> که کردم اینک      از بخشش کاملت سبک تر

### (۴۰)

این خانه که ظلّ قصر شاه است      وز فخر کشیده بر فلک سر

تاریخ بنّاش چون بپرسند      گو "سایه قصر شاه اکبر"  
 $۷۶ + ۳۹۰ + ۳۰۶ + ۲۲۳ = ۹۹۵$  هـ ق

۱- ن ۹ = کمال سیر؛ ن ۱۷ = صفات و هنر؛ ن ۲۸ = صفات بشر؛ ن ۱، ۵ = صفات سیر؛ ن ۲۹ = صفات و سیر

۲- ن ۲ = فرو ریزم و در آویزم؛ ن ۹ = در آویزم و دل انگیزم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = در آویزم و فرو ریزم

۳- ن ۱، ۵ = صحت ار دهد؛ ن ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = صحتم دهد

۴- ن ۲۹ = دهد بیند؛ ن ۲۸ = دهند بیند؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ = دهد بیند

۵- ن ۲، ۳، ۸، ۲۹ = مکش؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸ = مکن

۶- ن ۹، ۱۷، ۲۹ = دعوتم؛ ن ۱، ۵ = دعویم؛ ن ۲۸ = دعوبم؟

۷- ن ۱۷ = بنشین؛ ن ۱، ۵ = منشین

## (۴۱)

صبح عید<sup>(۱)</sup> صباحی برغبِتِ عرفی  
 که حسنِ شاهد معنی ز وی گرفت طراز  
 به عزم سیر مصلی صلا<sup>(۲)</sup> کام زدیم  
 که هست ملجاء<sup>(۳)</sup> و خلدِ برین ز عزّت<sup>(۴)</sup> و ناز  
 به گردِ مرقِدِ حافظ که کعبه سخن است  
 در آمدیم به عزم طواف در پرواز  
 گذشت در دلِ عرفی هوای طوفِ حرم  
 ز بسکه ریخت فروگریه‌های دل پرداز<sup>(۵)</sup>  
 ز موجِ گریه طوفانی از هوای حرم<sup>(۶)</sup>  
 به صحنِ کعبه مصلی فکند در شیراز

## (۴۲)

خدایگانه دی بی تو در وثاقِ امید  
 نشسته بودم و در بر زمانه کرده فراز  
 که محرمی ز دم ناگهان در آمد و گفت  
 که ای ضمیرِ تو اسرارِ غیب را غماز  
 بگویمت خبری کز نهایتِ ندرت  
 نتیجه‌های خیال<sup>(۷)</sup> ترا بود انباز

۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = عید صباحی ؛ ن ۲۸ = عید و صباحی ؛ ن ۱، ۵، ۹ = عید صیامی

۲- ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = صلا<sup>(۲)</sup> کام ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۸ = صلا به کام ؛ ن ۲۴ = صلا به کام

۳- ن ۹ (پاورق) = مسند ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = ملجاء

۴- ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸ = برین ز عشرت و ناز ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = برین عزّت و ناز ؛ ن ۲۹ = برین ز عزّت و ناز

۵- ترتیب این ابیات مطابق نسخ ۴، ۲۹ هست اما در نسخ ۱، ۵ مصرع اول بیت چهارم قطعه متعلق به مصرع دوم بیت پنجم است و در نسخه نهم و بیستم و بیست و چهارم و غیره بیت پنجم قبل از بیت چهارم آمده است.

۶- ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰ = طرف چمن ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = طوف حرم

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ = ضمیر ؛ ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۰ = خیال

همای لوحِ سعادت فلان که عزّت او  
 بنزدِ شه بود از عزّ همگنان ممتاز  
 چو<sup>(۱)</sup> جعد شاهد دولت بدست عزّت داشت  
 رکابِ شاهِ پلنگ افکنِ هر برانداز  
 بهشت ناگهش از پی چو روزگارِ قدیم  
 عنانِ مصلحتِ داورِ لطیفه طراز<sup>(۲)</sup>  
 من از شنیدنِ این حرف غنچه گشتم لیک  
 شکفتم از نفسِ عقل و گفتم ای دمساز  
 شکفته باش که این بُعد عینِ نزدیکست  
 عنان ز راهِ توهمِ بتاب و هرزه متاز  
 نه این لطیفه دلیل است بر نیابتِ قرب  
 که ماند در شب معراجِ رفرف از پرواز  
 من این بگفتم و اندیشه بانگ برزد و گفت  
 که این لطیفه نگهدار در مشیمه راز  
 ز اهلِ دانشی<sup>(۳)</sup> آخر<sup>(۴)</sup> تو مبحثی<sup>(۵)</sup> اوّل  
 بدست می‌کن و آنگه دلیل<sup>(۶)</sup> می‌پرداز  
 کرشمه‌ای بود این عین<sup>(۷)</sup> سیمیا ورنه  
 کجا ز سایه یزدان همای ماند باز  
 همیشه تاگذرد در لباسِ لیل و نهار  
 به کوتاهی و درازی حیاتِ عشرت و ناز

۱- ن ۹ = چه ؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ و غیره = چو

۲- در نسخه نهم این قطعه به این بیت ختم می‌شود

۳- ن ۴، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دانش ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = دانشی

۴- ن ۱، ۲، ۵ = اوّل ؛ ن ۳، ۵ (حاشیه)، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = آخر

۵- ن ۱۷ = بیخشی ؛ ن ۳ = مبحث ؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = مبحثی

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = سخن ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دلیل

۷- ن ۱، ۵، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = جنس ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = عین

حیاتِ خصمِ تو چون وعده کرم کوتاه  
نشاطِ بزمِ تو چون آرزوی حرص<sup>(۱)</sup> دراز

## (۴۳)

شرمِ بادت گفته‌ای عرفی فلان را خام گفت  
بایدش<sup>(۲)</sup> گفت آتشِ اندیشه زین به<sup>(۳)</sup> برفروز  
هیچ کس گوید عطارِ تیرِ حکمش<sup>(۴)</sup> نارس است  
ور بگوید،<sup>(۵)</sup> می توان گفتن به تیرش بر<sup>(۶)</sup> بدوز<sup>(۷)</sup>  
هیچ کس گوید که طبّاخِ بهشت این خام پخت  
ور بگوید، می توان گفتن که<sup>(۸)</sup> این هیزم بسوز<sup>(۹)</sup>

## (۴۴)

عرفی نصیحتی کنمت، گوش دار گوش  
تا واره‌ی ز کشمکشِ صلح و جنگِ خویش  
با عقل و روح اگر<sup>(۱۰)</sup> ید<sup>(۱۱)</sup> بیضات آرزوست  
ناموسِ عشقِ جوی و مبین نامِ ننگِ خویش

---

۱- ن ۱۷ = آرزوی حسن ؛ ن ۱۷۱ = آرزوی و حرص ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = آرزوی حرص  
۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = بایدت ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = بایدش  
۳- ن ۴ = آتش کزین بهتر فروز ؛ ن ۱۱، ۹ (پاورق)، ۲۰، ۲۴، ۱۷۱ = زین بهتر فروز ؛ ن ۲، ۱۸، ۳۳ = زین برتر فروز ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = به برفروز  
۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = عطارِ راکه تیرش نارس است ؛ ن ۴ = عطارِ تیرِ پارین من است ؛ ن ۲ = عطارِ نیز  
حکمش نازواست ؛ ن ۱، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = عطارِ تیرِ حکمش نارس است  
۵- ن ۲ = نگوئی ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = بگوید ؛ ن ۱۸، ۳۳ = بگو  
۶- ن ۴ = پر ؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸، ۲۹ = بر  
۷- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۳ = بدوز ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۹ = بدوز  
۸- ن ۱۷ = دران ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = که این  
۹- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱، ۲۸، ۲۹ = مسوز ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = بسوز  
۱۰- ن ۳، ۴، ۲۹ = اگر ؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۸ = گر ؛ ن ۲ = در  
۱۱- ن ۹ = ید و بیضایت ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = ید بیضات

ز آن آفتاب پنجه کند اهلِ حسن را  
کز خویشتن نهفته حیا<sup>(۱)</sup> آب و<sup>(۲)</sup> رنگِ خویش

## (۴۵)

ای قوی برهان تزویرت<sup>(۳)</sup> علیکم بالسلام<sup>(۴)</sup>

چشمه زهرِ هلاهل کرده‌ای تریاکِ خویش  
در قیامت شرمسار<sup>(۵)</sup> همیزم دوزخ شود  
گر ز شاخ ریشه طوبی کنی مسواکِ خویش

## (۴۶)

شاهنشها حقیقتِ<sup>(۶)</sup> اسبی که داده‌ای  
درویش بی عصاش نگیرد ز من به مفت  
پیر است و علتی، به خوراکش فزوده‌ام  
گر شیهه‌ای<sup>(۹)</sup> زند به جوانی ستایمش  
مهمیز می‌زنم بوی از صبح تا به شام  
هستم بـرو سوار و به معنی پیاده‌ام  
بشنو ز<sup>(۷)</sup> لطف تا برسانم بعزِ عرض  
طرارِ مفلسش نستاند ز من به قرض  
آری بود رعایتِ پیر و<sup>(۸)</sup> علیل فرض  
ور<sup>(۱۰)</sup> نقطه‌ای رود، کنمش نام طی ارض  
تا نیم گام می‌رود آن هم بپای فرض<sup>(۱۱)</sup>  
گامی به طول می‌زد، اکنون زنم به عرض

۱- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حیا؛ ن ۴، ۹، ۱۱ = حنا؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = جدا

۲- ن ۹ = ز آب و رنگ؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ = آب و رنگ

۳- ن ۱، ۵، ۱۷ = تزویرت؛ ن ۴، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۱۷۱ = وسواس

۴- ن ۱، ۵ = علیکم بالسلام؛ ن ۴، ۹ (پاورقی)، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = علیکم بالسواک؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = علیکم بالسکوت

۵- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = شرمسارم همیزم دوزخ؛ ن ۱۷ = شرمسار آتش دوزخ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷۱ = شرمسار همیزم

دوزخ

۶- ن ۹ (پاورقی) = حکایت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۸ = حقیقت

۷- ن ۱، ۵ = به؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸ و غیره = ز لطف

۸- ن ۱، ۳، ۵، ۲۸ = پیر علیل؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰ = پیر و علیل

۹- ن ۹ (پاورقی)، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = صبیحه‌ای؛ ن ۱، ۵، ۹ = شیهه‌ای

۱۰- ن ۱۷، ۳ = گر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۸ = ور

۱۱- ن ۱۱، ۳ = قرض؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۷، ۲۸ = فرض (بمعنی تصور)

## (۴۷)

مملو شدم ز دانش و خالی شدم ز جهل  
 چون حیرت از تسلی و چون همت از امل  
 سالم نشین ز علم که ریشیست کهنه شد  
 با مرحمش مگو که مهیا کند عمل<sup>(۱)</sup>  
 از ذره مرده باد که خفاش در رسید  
 در چاشتگاه، نامه خورشید در بغل  
 از رؤیتِ دو عالم و از صنعِ کردگار  
 یک صفحه در مقابل و صد نسخه در بغل<sup>(۲)</sup>

## (۴۸)

ای صورتِ بی معنی وی هم گهرِ افعی  
 تا کی نهی از لفظت بر گردن معنی غل<sup>(۳)</sup>  
 نامِ شعرا شد پست از شعرِ تهی مغزت  
 تا کی شوی ای خریط بدنام کنِ بلبل  
 نی هرکه زیان دارد جائرِ بودش گفتن  
 نی هرکه سوار افتد لایقِ بودش دلدل  
 یک مصرعِ با معنی گفتی ز پس<sup>(۴)</sup> عمری  
 وانگاه بران بستی رنگِ گل و آبِ مُل  
 طبعِ کجّت آن گل را نادر شکفانیده

تاریخ ازان گفتم  $\frac{\text{شاخ}}{+۹۰۱} \frac{\text{کج}}{+۲۳} \frac{\text{زیبا}}{+۲۰} \frac{\text{گل}}{=۵۰}$  ۹۹۴ هـ ق

۱- ن ۱، ۵ = عمل؛ ن ۱۷ = غسل

۲- در نسخ ۱، ۵ این قطعه شامل بخش قصیده هست

۳- دکتر نعیم الدین "جل" نوشته است

۴- ن ۱، ۵ = ز پس عمری؛ ن ۱۷ = و پس از عمری

## (۴۹)

نگارخانه چینم به شاخ و برگِ سخن      بهارِ صنعتِ مانی نکرده رنگینم<sup>(۱)</sup>  
 هلاکِ گفت و شنودم، خرابِ خاموشی      گهرفشان و گهردشمن و گهرچینم  
 ز مغزِ عجز<sup>(۲)</sup> بجوشم که اشکِ فرهادم      بروی ناز بغلتم که چشمِ شیرینم

## (۵۰)

اگر ملازمِ شعرم مدان<sup>(۳)</sup> که بیخبرم      ز رازِ صوفی و نقلِ فقیه و علمِ حکیم  
 زمانه را همه کاویده<sup>(۴)</sup> و نیافته‌ام      به از ترانه اطفال و ترهاتِ ندیم  
 و گر نه جهل و خرد را به حکمِ استعداد      علوم خوانده و ناخوانده می‌کنم تعلیم

## (۵۱)

چه گویمت که نیرزد به گفتگو عرفی  
 ز عهدِ ماضی و حال آنچه در گذر دیدم  
 ز عیش و<sup>(۵)</sup> بی‌غمی عهد<sup>(۶)</sup> پیش باز مهرس  
 که عیش<sup>(۷)</sup> از سخنِ راست تلخ‌تر دیدم  
 ز درد<sup>(۸)</sup> ناقصِ این عهد هم سؤال مکن  
 که صد<sup>(۹)</sup> ملامت ازین شاخِ بی‌ثمر دیدم

۱- این قطعه هم در نسخ اول و پنجم در بخش قصاید بعد از قصاید یافته شد.

۲- ۱۷ ن ۱ = عجز ؛ ۵ = اشک

۳- ۲۹ = بدان ؛ ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۷ = مدان

۴- ۲، ۳، ۲۹ = کاویدم و ؛ ۱، ۹، ۱۷ = کاویده و ؛ ۵ = کاویده‌ام

۵- ۶ = عهد بیغمی ؛ ۹، ۱۱ = عیش و بی‌غمی ؛ ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ = عیش بیغمی

۶- ۱۷ = نقص عهد یار مهرس ؛ ۱، ۵، ۹، ۲۹ = عهد پیش باز مهرس ؛ ۶ = عیش پیش

۷- ۹ = عیشش ؛ ۱، ۵، ۶، ۲۸ = عیش ؛ ۳، ۲۹ = عیشی

۸- ۲۹ = دور ؛ ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۷ = درد

۹- ۱۷ = بس ؛ ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۲۹ = صد

ز سور<sup>(۱)</sup> و ماتم این روزگار دلگیرم

که خنده بی نمک و گریه بی اثر دیدم

### (۵۲)

بسکه لبیک‌های درد آلود      در طوافِ حریم بیت حرام  
برسرِ عید اضحی افشاندم      خون چکان شد مشامِ عیدِ صیام

### (۵۳)

شعر فخر و شاعران<sup>(۲)</sup> ننگِ جهان ار حرص و آز  
خویش را از زمرهٔ این جمع<sup>(۳)</sup> چون بیرون کشم  
انوری<sup>(۴)</sup> چون نیز از ننگِ طمع نتوان گریخت  
انستقام خویش ازین ناقص شریکان چون کشم

### (۵۴)

حوران برهنه سر طلبِ خشت می‌کنند      قصرِ بهشت را همگی خشت‌خشت کن<sup>(۵)</sup>  
طوبی کشیده قامت و افتاده آن نهال      ای آتش جحیم سری در بهشت کن  
روشن کن آتشِ ستم و کعبه را بسوز      خاکسترش بیاور و طرحِ کنشت کن

### (۵۵)

دریا دلا ز بی مددی‌های روزگار      دارم دلی که سوزدم از شرمِ آن دهان<sup>(۶)</sup>

۱- ن ۹ = سوز و ماتم ؛ ن ۲، ۳، ۵، ۱۷ = سور و ماتم ؛ ن ۱ = شور ماتم

۲- ن ۹ = شاعران ننگین ز فرط حرص و آز ؛ ن ۹ (پاورقی) = شاعران ننگ جهان از فرط آز ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸ = شاعران ننگ جهان از حرص و آز

۳- ن ۱، ۵، ۹، ۲۸ = جمع ؛ ن ۱۷ = قوم

۴- ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸ = انوری نتوان ز ننگ خستش خون ریختن ؛ ن ۹ = انوری چون نیز از ننگ طمع نتوان گریخت  
۵- این قطعه در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۶- این قطعه تنها در نسخهٔ کلیات عرفی که مال HARASSOWITZ BOOK SELLERS بود در سنه ۱۹۷۶ میلادی به نظر آمد گردآورندهٔ این اثر رسید و بطوری که یافته شد این جا نقل می‌شود.



دایم برای بنده بلا نیست در کمین  
اما غمی که تازه به من رو نهاده است  
تفصیلش از بیان کنم آید دلت به تنگ  
دارم هوای آنکه نهم روی زرد را  
لیکن ز زاد فارغم از بهر آنکه هست  
می خواهم از طویله جودش تگآوری  
چون طالعت به قوت و چون همت بلند  
بر پشت او نشیند اگر فارس خیال  
تمثیل او کشد چو مصور نفس نفس  
تا طی کنم به دولت تو این طریق را

دایم برای سینه خدنگست در کمان  
هرگز ندیده دیده گیتی غمی چنان  
گر رخصت است عرض کنم مجملی ازان  
بر آستان میرنجف شاه انس و جان  
روزی دهنده تا نفس آخرین زمان  
چون او من جهنده چو آهنگ من روان  
چون بیعت تو محکم و چون دولت جوان  
باید به هردو دست نگهداردش عنان  
محکم کند ز شدت او کلک در بنان  
سایم جبین خویش بر آن خاک آستان

## (۵۶)

شیونم، هر ناله او نغمه بلبل فشان  
گریه ام، هر قطره او لیلی محمل نشین  
ناله ام صد کیش ناوک ریز بندد بر میان  
گریه ام صد بحر طوفان خیز ریزد بر زمین

## (۵۷)

سایه شمشیر او گر جمله بر دست آورد  
تا قیامت در گریزد آستین در آستین<sup>(۱)</sup>  
از هوای آستین او هرات سایلان  
می کند پرواز در ایوان او نقش نگین

## (۵۸)

ای که در آیینهام<sup>(۲)</sup> خود را سیه رو دیده ای  
جنگ بی سود است، رو، اندیشه زنگی<sup>(۳)</sup> بکن<sup>(۴)</sup>

۱- این قطعه و قطعه بعدی تنها در نسخه ۱۷ یافته شدند

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = در آیینهای خود را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آیینهام خود را

۳- ن ۱، ۴، ۵، ۹ (پاورق)، ۱۷، ۲۴، ۲۸ = رنگی؛ ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۳ = زنگی

۴- ن ۸، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = مکن؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = بکن

وی که نافهمیده از وعظم بجان رنجیده‌ای  
 بی نصیب از فهمِ رازی فکرِ فرهنگی بکن  
 ورتوان دندانِ من<sup>(۱)</sup> چون آسمان قهرت<sup>(۲)</sup> شکست  
 حاکمی، اندیشهٔ دندان شکن سنگی بکن  
 ورتوان گاو<sup>(۳)</sup> زوری داری اینک حاضرم  
 گر نه می‌تازی به میدان<sup>(۴)</sup> نیم آهنگی بکن  
 وعظ گفتم نی هجا، این جای لذت بردنست  
 چون تو بیدردی، سؤال از ذوقِ دل تنگی بکن  
 یا به عرفی صلح کن کاعمال زشتت را نوشت  
 یا برو، با کاتبِ اعمال هم جنگی بکن

## (۵۹)

بود خرمن افشان کفِ خوشه‌چینان	منم عرفی امروز کز کشتِ طبعم
به وحدت فروشی چو عزلت گزینان	دلی دارم از جنسِ یکتایی خود
گل افشان‌تر از چهرهٔ مه‌جبینان	دلی دارم از آب و رنگِ طبیعت
برشته‌تر از حُسنِ صحرانشینان <sup>(۵)</sup>	دلی دارم از عشوه‌های معانی
پُراز داغ چون دامنِ لاله‌چینان	دلی <sup>(۶)</sup> دارم از دستِ دونانِ کودن
تنک روشنائی چو صبحِ حزینان	گروهی به صورتِ چو صبح و به معنی
به کوتاه دستی دراز آستینان	چه گلها نچیدند <sup>(۷)</sup> از <sup>(۸)</sup> باغِ طبعم
چو مستوری عشوهٔ نازنینان	ولی دعویم کس مسلم ندارد

۱- ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = چون من؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = من چون

۲- ن ۵، ۱ = قهری؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = قهرت؛ ن ۲۸، ۲۹ = مهری

۳- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = گاؤ تازی؛ ن ۹ = گاؤ دوزی؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = گاؤ زوری

۴- ن ۹ = بمیدان هم آهنگی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = بمیدان نیم آهنگ

۵- در نسخ ۱، ۵، ۱۱ این بیت بطور بیت سؤم قطعه است و در ن ۱۷ این پس از شعر ششم هست.

۶- ن ۱، ۲، ۴، ۶، ۱۱، ۲۸ = دلی نیز دارم؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۰، ۳۳ = دلی تیره دارم؛ ن ۱۷ = دل نیز از؛ ن ۱، ۵ = دلی دارم از

۷- ن ۱، ۵، ۲۸ = نه چیدند؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بچینند؛ ن ۱۷ = بچیدند؛ ن ۶ = که چیدند

۸- ن ۱، ۵، ۲۴ = کز؛ ن ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۳۰، ۳۳ = از

ز جذبِ طبیعت به اوجِ معانی  
 به آلودگان جرعه‌ای می‌فشانم  
 برآورده‌ام چشمِ کوتاه‌بینان  
 به تلخی<sup>(۱)</sup> نفرینِ پاکیزه‌دینان  
 به افعی دمان نامه‌ای می‌نویسم  
 منقش به مهرِ زمردنگینان  
 فشاندم<sup>(۲)</sup> نوشتم چه بیهوده گویم  
 که آنان کدام و کیانند<sup>(۳)</sup> اینان

## (۶۰)

از خجلتِ این گنه که عفوش  
 خواهم که شوم ز سایه تو  
 بر تست نه بر عطای یزدان  
 در مطلعِ آفتاب پنهان

## (۶۱)

سلامی کزان<sup>(۴)</sup> قاصدِ شوق را  
 سلامی که طغرا نویسنش نوشت  
 بگیرد زیان و بسوزد دهان<sup>(۵)</sup>  
 برازنده<sup>(۶)</sup> تاجِ سر داستان<sup>(۷)</sup>  
 سلامی عطاهاى تو در کمین  
 سلامی هوس‌های من در میان

## (۶۲)

برفرازِ اشبهی کز جملهٔ انعام‌هاست  
 هم‌معنان بودم زمانی با یکی از دوستان  
 ناگه آمد اشهب تاریخ دانم درسخن  
 با سمندِ آن که گفتم بود با من هم‌معنان

۱- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۳۸ = تلخی و نفرین؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷ = تلخی نفرین

۲- ن ۱۸، ۲۰، ۲۸ = فشانم نویسم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = فشاندم نوشتم

۳- ن ۶، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰ = کدام‌اند؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۸، ۹ (پاورق) = کیانند

۴- ن ۱۷ = کزو؛ ن ۱، ۵ کزان

۵- این قطعه در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۶- ن ۱، ۵ = برارنده؛ ن ۱۷ = برازنده

۷- ن ۱ = سر داستان؛ ن ۵ = سه داستان؛ ن ۱۷ = سروستان (دکتر نعیم‌الدین این قطعه را بر مبنای ن ۱۷ بچاپ رسانیده و این الفاظ را "سر دوستان" خوانده). مفهوم این بیت بطوری که یافته شد روشن نیست.

چون کهن سالار<sup>(۱)</sup> عالم دیده حرف آغاز کرد

گه ز رزم رستم و گاهی ز بزم اردوان

چون بیابان برد لختی ز انقلاب روزگار

برسر احوال خویش آمد ز راه داستان

گفت ای فرزند شوخ آهسته یک ساعت متاز<sup>(۲)</sup>

بشنو<sup>(۳)</sup> از من رمزی و بردار نقشی زین بیان

بودم ادهم نام و مشکین موی در عهد شباب

کز بهشت آدم سوارم گشت و آمد در جهان

این زمان کز اقتضای شیب شد مویم سفید

اشبهیم نام است و بخشیدم<sup>(۴)</sup> به عرفی رایگان

### (۶۳)

اگر امو<sup>(۵)</sup> خونی<sup>(۶)</sup> ار نه یکی نکوت که چرخ

اماش<sup>(۷)</sup> مهر بتو یا که بخش ماش بتو<sup>(۸)</sup>

۱- ۱۷ ن = سالان ؛ ۱، ۵ = سالار

۲- ۱، ۵ = متاز ؛ ۱۷ ن = متاز

۳- ۲۸ ن = تا بگویم حال خود کاژل چه رنگ آخر چسان ؛ ۱، ۵، ۱۷ = بشنو از من رمزی و بردار نقشی زین بیان

۴- ۱۷ ن = بخشیدم ؛ ۱، ۵، ۲۸ = بخشیدم

۵- ۱ ن = اوامد ؛ ۵ ن = امد ؛ ۳، ۲۸، ۲۹ = نومد

۶- ۱، ۲، ۳ = خون نی یکی نکوت ؛ ۱، ۵ = خونی ار نه یکی نکوت ؛ ۲۸ ن = خون یکی نکوت

۷- ۱، ۵، ۲۹ = اماش ؛ ۳، ۲۸ = ایاش

۸- در ۱۶ این قطعه که در زبان محلی شیرازی می‌نماید بطور زیر یافته شد.

اقامتش نه همین از برای ماش بنو

که دست و پا به حنا باشد و حناش بنو

که گر بخلد برندم بجز عذابش بنو

ز موج خیز جهانم همین نکوست که چرخ

روان همش آن گونه بار تا دم حشر

ز حادثات زمانه چنان شدم عرفی

ز خونِ خام و دلِ تفته بخشِ عرفی باد<sup>(۱)</sup>

شهی<sup>(۲)</sup> روی هم که در<sup>(۳)</sup> وهم که چی جداش بتو

روان همش اکلوا و ماقلق ماخه

که دس ما و حنا بود او حیاش بتو

#### (۶۴)

به حضرتِ تو مرا نسبتی ست عرض<sup>(۴)</sup> کنم

بشرط آن که کند خرده<sup>(۵)</sup> بین زبان کوتاه

به غایبانه محبتِ زخم<sup>(۶)</sup> زلیخایی<sup>(۷)</sup>

که یوسفم تو ملک سیرتی<sup>(۸)</sup> به صورتِ ماه<sup>(۹)</sup>

اگر تفاوتی اندر میانه یافت شود

همین بود که تو در مصری و منم در چاه

#### (۶۵)

بدون معنی اگر حسنِ یوسفی داری

ز صحبتِ تو زلیخا شود<sup>(۱۰)</sup> دل افسرده

یقین شناس که صورت تن است و معنی<sup>(۱۱)</sup> جان

اگر به حسنِ گرو ز آفتاب و مه بُرده

۱- ن ۲۹ = ما؛ ن ۵ = باد؛ ن ۱ = یاد؛ ن ۳، ۲۸ = و ما

۲- ن ۲۸ = شهی؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = شه

۳- ن ۱، ۵، ۲۹ = در؛ ن ۳ = ور

۴- ن ۴، ۹ (پاورقی)، ۲۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۳ = می گویم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۹ = عرض کنم

۵- ن ۵، ۱ = خورده دان؛ ن ۹، ۱۷، ۲۸ = خورده بین؛ ن ۴، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۳ = خورده

۶- ن ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = زخم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = منم

۷- ن ۹ (پاورقی) = زلیخاوار؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = زلیخایی

۸- ن ۲ = ملک سیرت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = ملک سیرتی

۹- ن ۴، ۲۸ = بصورت جاه؛ ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۳ = بصورت ماه؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = بصورت جاه

۱۰- ن ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = بود؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شود

۱۱- ن ۱، ۵، ۱۷ = جان معنی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۹ = معنی جان

برو، به صورت تنها مکن به مردم ناز  
که دل ز کس نبرد حسنِ شاهدِ مُرده

## (۶۶)

خرد دوش از سر کلاهم ریود      که ای صید امید و بیم آمده  
بشارت که آن گل که در غنچه بود      شکفت اینک<sup>(۱)</sup> از وی نسیم آمده  
چگونه خیالی که می‌بست نقش      بدان آب و رنگ و شمیم آمده  
بگفتم که هین، مژدگانی بخواه      که طبعم بغایت کریم آمده  
بگفتا: چه خواهیم چون بخشِ تو      همین ذهنگی مستقیم آمده  
تو تاریخِ مولود گو: گفتمش:      گلی از بهشتِ نعیم آمده  
۶۰+۸+۷۰۷+۷۰+۵۰=۹۹۵هـ

## (۶۷)

ای دلِ راهزن که از عرشم  
به حَضِیضِ ثریِ فرستادی<sup>(۲)</sup>  
ای ستم دوست کز در خلدم  
به جَحیمِ بلا فرستادی  
از غلَطِ سیر کز رو قدسم  
به مسیرِ فنا فرستادی  
ای عروسی که بهرِ جلوۀ خویش  
به دو عالم مرا فرستادی  
گوش کن تا بگویمت کز غیب  
چه گرفتی، کجا فرستادی

۱- ن ۱ = از وی اینک؛ ن ۵، ۱۷ = اینک از وی

۲- این قطعه در نعت در پیروی قطعه حکیم خاقانی که با شعر زیر آغاز می‌شود گفته شد

عهد نامه بقا فرستاد

ای چنان را دری که دور آن را

آمدی بادو <sup>(۱)</sup> کون معنی لیک	به عدم <sup>(۲)</sup> زود وافرستادی
صورتی <sup>(۳)</sup> ماند <sup>(۴)</sup> وقفِ ما کردی	ننگِ مردمِ گیا فرستادی
آمدی ممتلی ز استعداد	روح را ناشتا فرستادی
آبرونی که تشنه‌اش ملک است	به سبوی هوا <sup>(۵)</sup> فرستادی
کهنه ریشی که مصلحتش نمک است	به شکنجِ دوا فرستادی
هر کجا بخیه <sup>(۶)</sup> هوس دیدی	به قمیصِ رجا فرستادی
هر کجا تخم <sup>(۷)</sup> آز برچیدی	به زمینِ عطا فرستادی
جای عجز و نیاز <sup>(۸)</sup> کبر و ریا	به درِ کبریا فرستادی
در مقامی که عشق می‌لفزد	عقل را بی عصا فرستادی

۱- ن ۳۰ = ده؛ همه نسخ دیگر = دو

۲- ن ۱، ۴، ۵ = به قدم؛ ن ۶، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = به عدم

۳- ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = صورتی؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۳ = صورت

۴- ن ۶، ۱۷، مسرت = بود؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۹، ۲۸ = ماند؛ ن ۱۸، ۲۰، ۱۱، ۲۴، ۳۳ = ماند؛ ن ۹ = راکه

۵- ن ۲۹ = صلا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = هوا

۶- ن ۲ = تحفه؛ ن ۹ = پخته؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = بخیه

۷- ن ۱۷ = آز را تو بر چیدی؛ ن ۶ = تخم آرزو چیدی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۳ و غیره = تخم آز بر

چیدی

۸- ن ۴، ۵، ۹، ۲۸ = نیاز بکر؛ ن ۳، ۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۳ = نیاز و کبر

هر که<sup>(۱)</sup> از طبع هرزه سر<sup>(۲)</sup> بر زد

پیش ارض و سما فرستادی

تحفه‌ها بهر شهرت<sup>(۳)</sup> انگیزی

به شمال و صبا فرستادی<sup>(۴)</sup>

به غلط شهرت سلیمانی

به دیار صبا فرستادی

نغمه زهره سوز لاف و گزاف

به سهیل و شها فرستادی<sup>(۵)</sup>

هر چه برداشتی ز کعبه قدس

به صنم‌خانه‌ها فرستادی

هر چه جبریل در نهانت<sup>(۶)</sup> گفت

به مغان بر ملا فرستادی

هر کبوترکت از<sup>(۷)</sup> حرم دادند

در دم اژدها فرستادی

گاه رزمینه<sup>(۸)</sup> تهوّر<sup>(۹)</sup> بخش

به یلان و غا<sup>(۱۰)</sup> فرستادی

که ز شیون چکیده مرثیه‌ای

نزد اهل عزا فرستادی

۱- ن ۱ = برگش؛ ن ۵، ۲۹ = هرکش؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = هرکه

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = هرزه سر زد؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = هرزه سر بر زد

۳- ن ۹، ۱۷ = شهر؛ ن ۱، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ = شهرت

۴- در نسخ ۱، ۵، ۱۷ این بیت پیش از شعر ماقبل یافته شد ولی در نسخ دیگر مثل ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۲۹ و غیره ترتیب به طور است که در اثر موجوده قبول کرده شد.

۵- در نسخ ۱، ۵، ۱۶ این بیت بعد از بیت یافته شد.

۶- ن ۹، ۱۷، ۲۹ = نهانت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۸، ۱۸، ۲۰ = نهانت

۷- ن ۴، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = کت از؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = که از

۸- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = رزمینه؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = رزمیه

۹- ن ۹ = شجاعت؛ همه نسخه‌های دیگر = تهوّر

۱۰- ن ۹ = غزا؛ همه نسخه‌های دیگر = و غا



از برای ملوک مدح دروغ

گر نه گفتی، دعا فرستادی

هر که آمد<sup>(۱)</sup> به دیدنت درقی<sup>(۲)</sup>

گر نبود، از قفا فرستادی

صد ریانامه ساز کرده مدام

یک به یک جابجا فرستادی<sup>(۳)</sup>

که بتزید مسایل علماء

لم<sup>(۴)</sup> نوشتی و لا فرستادی

که برای مطالب حکماء

هکذا هکذا فرستادی

گاه در<sup>(۵)</sup> نظم و نثر بر شعراء

مرحبا حبیذا فرستادی

گاهی<sup>(۶)</sup> از نقش و<sup>(۷)</sup> صوت بر ندما

تنه<sup>(۸)</sup> ترنا تننا فرستادی

مجملاً هر رهی که سر کردی

خار در مغز پا فرستادی

ریش ناسور<sup>(۹)</sup> و نفس نا پرهیز

پیش عجز<sup>(۱۰)</sup> شفا فرستادی

۱- ن ۴، ۹، ۱۱، ۲۰، ۲۴، ۵، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = آمد؛ ن ۱۸، ۳۳ = آید

۲- ن ۴، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = درقی؛ ن ۲۸ = درق؛ ن ۱، ۵، ۶، ۱۷، ۲۹ = رزقی

۳- این بیت در نسخه ۱۷ نیست.

۴- هکذا هکذا فرستادی؛ دیگر نسخ بطوری که نوشته شد

۵- ن ۲، ۴، ۵ = در؛ ن ۱، ۶، ۲۸، ۲۹ = بر؛ ن ۹، ۱۷، ۱۸ = از

۶- ن ۲۸، ۲۹ = گاه؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۷ = گاهی

۷- ن ۱، ۵، ۲۰، ۲۴، ۳۰ = نقش و صوت؛ ن ۹، ۱۸، ۲۸، ۳۳ = نقش صوت؛ ن ۲۹ = صوت نقش

۸- ن ۹ = تن ترانانتا؛ ن ۵، ۲۹، ۲۸، ۱، ۴، ۱۸، ۲۰ = تن ترانانتا؛ ن ۲، ۶، ۱۷ = تنه ترانانتا

۹- ن ۱۸، ۲۰، ۳۵ = ریش و ناسور نفس؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = ریش ناسور و نفس؛ ن ۹ = ریش ناسور نفس

۱۰- ن ۱، ۲، ۵ = عجز و صفا؛ ن ۳، ۱۷، ۲۸ = عجز و شفا؛ ن ۴، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = عجز شفا

هر کجا خاست<sup>(۱)</sup> شاهدهی به طلب<sup>(۲)</sup>

شوقِ برقع‌گشا فرستادی

هر کجا شهوتی نمود<sup>(۳)</sup> ابلیس

عصمتش رونما فرستادی

از تقاضای نفس بر حسنات<sup>(۴)</sup>

فتنه<sup>(۵)</sup> کربلا فرستادی

چشم بر حُلّه بهشت بود

گر به عوری قبا فرستادی

کبرت افزود گر به درویشی

کاسه<sup>(۶)</sup> شوربا فرستادی<sup>(۷)</sup>

هر کجا فقر میزبانی کرد

صد شکم امتلا فرستادی

هر کجا دعوت<sup>(۸)</sup> تنعم بود

صد طبق اشتها فرستادی<sup>(۹)</sup>

دوده‌های کلیسیای امید

به گلوی دعا فرستادی

هر کجا فوجی از تملق بود

به سر مدعا فرستادی

۱- ن ۲۹، ۲۰ = خاست؛ ن ۹ = بود؛ ن ۱، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۴، ۳۳ و غیره = خواست

۲- ن ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = مطلب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، بهار عجم، ۲، ۲۹ = به طلب

۳- ن ۱۷ = شهوتی بود؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ و غیره = شهوتی نمود

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = حسنات؛ ن ۲۹ = حسنت؛ ن ۹ = جانت

۵- ن ۱، ۵ = کاسه شوربا؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = فتنه کربلا

۶- ن ۱، ۵ = فتنه کربلا؛ دیگر همه نسخ = کاسه شوربا

۷- در نسخ ۴، ۶، ۱۱، ۱۷، ۲۹ این بیت قبل از بیت پیشش یافته شد.

۸- ن ۵ = دعوت و تنعم؛ همه نسخه‌های دیگر مثل ۹، ۲۸، ۲۹ و غیره = دعوت تنعم

۹- در نسخ ۱، ۵، ۱۷ این بیت قبل از بیت پیشین یافته شد.

هر کجا موجی از تفوق بود

به محیطِ علا فرستادی<sup>(۱)</sup>

بدنمایی<sup>(۲)</sup> گر از کسی سر زد

به شمارِ خطا فرستادی

ناروایی که از تو صادر شد

به حسابِ قضا فرستادی

هر کجا کژدم نیازی بود

به گریبانِ ما فرستادی

پرتو نورِ صبحِ اولِ خیز

به چراغِ وفا<sup>(۳)</sup> فرستادی

شمعِ ایمانِ خانه روشن کن<sup>(۴)</sup>

به حریمِ ریا فرستادی

تا به صیدِ آیدت<sup>(۵)</sup> شبابِ حیات

به عیان<sup>(۶)</sup> بر فنا فرستادی

ایـنک آب و هوای عاریتی

هم بر<sup>(۷)</sup> آب و هوا فرستادی

ز آن جواهر که داشتن<sup>(۸)</sup> ارزد

چه به دارالبقا فرستادی<sup>(۹)</sup>

۱- در نسخهٔ سوم این بیت قبل از شعر پیشین است ولی مصرعه ثانی باین طور است: در محیط عطا فرستادی

۲- ن ۹ = ابر سهوی گر ؛ ن ۱۷ = چه نمایی که ؛ ن ۲، ۳، ۲۸ = به دعای ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۵ = بدنمایی گر ؛ ن ۲۹ = هر دعایی که

۳- ن ۳، ۱۷، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = فنا ؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = وفا

۴- ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = خانهٔ روشن ؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خانه روشن کن

۵- ن ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = آمدت ؛ ن ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = آیدت

۶- ن ۹ = به عیان بر فنا ؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = به عنان فنا ؛ ن ۲۹ = به عنان صبا ؛ ن ۱، ۵، ۲۸ = به عنان فنا

۷- ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = به ؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بر

۸- ن ۱، ۵ = داشتی از راه ؛ ن ۹ = داشت ارزشها ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = داشتن ارزد

۹- در نسخهٔ هفدهم این بیت بعد از شعر ۳۹۵ یافته شد.

هر گزت دین نبود، هان گر بود  
 گو: چه کردی؟ کجا فرستادی  
 هان روان شو که پیش خانه عیش<sup>(۱)</sup>  
 خوش به ساز و نوا فرستادی  
 لازم این نامه های رنگین<sup>(۲)</sup> را  
 گر دعایم کنی و گر<sup>(۴)</sup> نفرین  
 ولی آخر اگر دلی<sup>(۵)</sup> این نام  
 تن زنم، بی مروتی نکنم  
 که شفیع از یکا فرستادی  
 مامضی<sup>(۷)</sup> مامضی فرستادی  
 ای که خود را ز شاهراه صواب  
 بد نکردی، شفاعت خود را  
 به لب مصطفی فرستادی

۱- ن ۲۹ = عشق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = عیش

۲- ن ۹ = رنگینی را؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = رنگین را (در نسخه های ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ «همه چاپ هندوستان» این بیت نیافته شد)

۳- در نسخ ۱، ۵ این بیت قبل از بیت ۳۹۵ یافته شد.

۴- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ و غیره = دگر؛ ن ۲ = و یا

۵- ن ۴ = دلی آخر دلیست گرا این نامه؛ ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = دلی آخر اگر دلی این نامه؛ ن ۲۹ = دلی آخر دلیست کو این نامه؛ ن ۲۸ = دلی آخر که گر بود این نام؛ ن ۱، ۵، ۳۰ = دلی آخر دلیست کوزین نام

۶- ن ۹ = مژده ای که صیغه عقد؛ ن ۲۸ = مژده ای که صلّه آن؛ ن ۲۹ = مژده ای که ضعیفه عهد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷ = مژده ای که صیغه عهد

۷- ن ۹ = مامضی؛ همه نسخه های دیگر = مامضی

داوری کـز لطافت<sup>(۱)</sup> نعتش<sup>(۲)</sup>

قدسـیان را غـذا فرستادی

ای که<sup>(۳)</sup> از حملِ نعتِ او به فلک

علتِ انـحنا فرستادی

ای که بر دی به نزد مهرش دل

مـس بر کـیمیا فرستادی

ای که اعداش را بکـویش طعن<sup>(۴)</sup>

سوی تحـت‌الثری فرستادی<sup>(۵)</sup>

ای که برهان معجزش صد راه

به ثبوتِ خدا<sup>(۶)</sup> فرستادی

ای که از سایه<sup>(۷)</sup> سعادتِ خویش<sup>(۸)</sup>

سایه بخشِ هما فرستادی

ای که از همتِ بشیر<sup>(۹)</sup> نعم

به مکافاتِ لا فرستادی

ای که وقتِ گذارش پیغام

صبحِ نزد عشا فرستادی

۱- ن ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۸، ۳۳ = لطافت؛ ن ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = لطایف

۲- ن ۹ = نعتش؛ ن ۱۸، ۳۳ = نعلش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۲۴ = نعتش

۳- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = ای که؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آن که (در نسخه‌های مختلف ترتیب اشعار ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹ مختلف است).

۴- ن ۹ (پاورق) = بکوبیدن؛ ن ۲۸ = بکوشش لعن؛ ن ۱، ۵، ۹ (پاورق)، ۱۷ = بکـویش طعن؛ ن ۲، ۳، ۹، ۲۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بکـویش لعن

۵- این بیت در نسخه چهارم نیافته شد.

۶- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = خدا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۸، ۲۹ = جلد

۷- ن ۱۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۲۸، مسرت، ۲۹ = مایه؛ ن ۱، ۵ = سایه

۸- ن ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸ = خویش؛ ن ۲۹ = او

۹- ن ۲، ۲۸، ۲۹ = از جود او بشیر نعم؛ ن ۱ = همت بشر نقسم؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = از همت بشیر نعم

از ولایت به تنگنای دلم  
 وسعتِ صد فضا فرستادی<sup>(۱)</sup>  
 این<sup>(۲)</sup> چنین قطعه‌ای سبک<sup>(۳)</sup> نفسم  
 به زبانِ ادا فرستادی  
 خستگان را ز<sup>(۴)</sup> مژدهٔ صحت  
 تکیه و تکیه جا فرستادی  
 گمراهان را به ظلمتِ خذلان  
 نورِ شمعِ هدی فرستادی  
 درِ وصلت زدند اهلِ بهشت  
 رفتی و مرتضی فرستادی  
 سرِ اعدا به تن عداوت داشت  
 مظهرِ لافتی فرستادی  
 دو جهان را ز راه<sup>(۵)</sup> حکمت و عدل<sup>(۶)</sup>  
 تحفه‌های عطا فرستادی  
 بهرِ عرفی که چشمهٔ هنر است  
 آبِ فهم و ذکا فرستادی  
 بهرِ من کز هنر تهی‌دستم  
 گنجِ شرم و حیا فرستادی  
 طلبِ روضه چون کنم، کز لطف  
 به دو عالم صلا فرستادی

۱- این بیت تنها در نسخه‌های ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۲- ۱، ۵، ۱۷ = آن چنین ؛ ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = این چنین

۳- ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بیک نفسم ؛ ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = سبک نفسم

۴- بهار عجم = به مژده ؛ همه نسخه‌های کلیات و قصاید = ز مژده

۵- ۱، ۵ = ز روی ؛ ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = ز راه

۶- ۳ = عقل ؛ همه نسخه‌های دیگر = عدل

به بهشتی کجا کنی تقصیر

تو، که مهرت به ما فرستادی

به لبم<sup>(۱)</sup> گرچه چشمه چشمه ز شوق<sup>(۲)</sup>

نوش نعت و ثنا فرستادی

لب ببندم که در طریق سکوت<sup>(۳)</sup>

ادبم رهنما<sup>(۴)</sup> فرستادی

### (۶۸)

که به عرفی دعا فرستادی

ای وفا پیشه یار هم مشرب

گوهر مدعا فرستادی

نه دعای تهی، که در جیش

از بهشت عطا فرستادی

عنذلیبی ز موت<sup>(۵)</sup> گلریز<sup>(۶)</sup>

تا بگویم<sup>(۸)</sup> چرا<sup>(۹)</sup> فرستادی<sup>(۱۰)</sup>

زانچه گویم بسوزد<sup>(۷)</sup> از من لب

۱- ن ۵، ۱ = بلبلم؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹ و غیره = به لبم

۲- ن ۲۹ = ذوق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷ شوق؛ ن ۲۸ = خون

۳- ن ۲ = سلوک؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = شکوه؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۳ = سکوت

۴- ن ۲۸ = مدعا؛ نسخه‌های دیگر = رهنما (در نسخه بیست و هشتم ترتیب اشعار باین طور است:

به بهشتی کجا کنی تقصیر تو که مهرت به ما فرستادی

لبم گرچه چشمه چشمه خون نوش نعت و ثنا فرستادی

طلب روضه چون کنم کز لطف بدو عالم صلا فرستادی

درین نسخه اشعار قطعه آینده هم شامل این قطعه هستند و شعر زیر:

لب به بندم که در طرق صواب آدم رهنما فرستادی

بعد از چند اشعار قصعه آینده هست و همین شعر به اوئی تغیر:

لب ببندم که در طریق سکوت ادبم مدعا فرستادی

۵- ن ۲۹ = مودب؛ ن ۵ = نبوت؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۸ = موت

۶- ن ۱۷ = گلشن؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴ = گلریز

۷- ن ۲۸، ۴، ۱ = بسوز دامن لب؛ ن ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بسوزد از من لب

۸- ن ۱، ۴، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۸ = بگویم؛ ن ۵ = نگویم

۹- ن ۴، ۱ = شرا؛ ن ۵ = چرا؛ ن ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۸ = سزا

۱۰- در نسخ ۲، ۳، ۶، ۱۷، ۲۹ اشعار چهارم و پنجم این قطعه یافته نه شدند

پاس<sup>(۱)</sup> این شیوه دار تا گویم  
 من گل تازه تحفه کردم و تو  
 چه<sup>(۲)</sup> بدست صبا<sup>(۳)</sup> فرستادی  
 مضمحل<sup>(۴)</sup> گل مرا فرستادی  
 لطف کردی، ولی منه منت  
 مه گرفتی، سُها فرستادی

## (۶۹)

بحر هنر حکیم ابوالفتح، کانِ فضل  
 ای آن که جز به منهج اولی نیامدی  
 هم سیرت<sup>(۵)</sup> تو زیور<sup>(۶)</sup> دین است گر<sup>(۷)</sup> به شکل  
 جز نقشبند زینت دنیا نیامدی  
 کی بود کز چمن به چمن در بهشتِ جاه<sup>(۸)</sup>  
 نازک نهال رفتی و طوبی نیامدی<sup>(۹)</sup>  
 صد زب یافت انجمِ خاک<sup>(۱۰)</sup> و هیچ‌گاه  
 از روزنِ قمر به تماشا نیامدی  
 نفروخت مُشتِ خاک طمع هیچ کس که تو  
 با گنج شایگانش به سودا نیامدی

۱-ن ۲۸ = یامن؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = پاس این

۲-ن ۱، ۴، ۹، ۱۱، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = چه؛ ن ۱، ۵، ۲۸ = که

۳-ن ۱، ۵، ۱۱، ۲۸ = سُها؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۰، ۳۳ = صبا

۴-ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مهمل کل؛ ن ۹، ۱۱، ۱۸، ۳۳ = مضمحل کل؛ ن ۲۴ = مخمل کل

۵-ن ۱، ۵، ۱۷ = صورت؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰ = سیرت

۶-ن ۱۷، ۲۹ = زینت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۳ = زیور

۷-ن ۱، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۳ = کر؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گر

۸-ن ۲ = راه؛ همه نسخه‌های دیگر بشمول ۱، ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۲۸ = جاه

۹-در نسخ ۱، ۵، ۱۷ بعد از شعر اول این قطعه شعر چهارم یافته شد و پس آن شعر دوم و بعد ازان بیت پنجم و پس آن شعر ششم یافته شد.

۱۰-ن ۴، ۹، ۱۸، ۲۸، ۲۴، ۸ = خاک هیچ‌گاه؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷ = خاک و هیچ‌گاه؛ ن ۲۹ = دهر و هیچ‌گاه



چون معن گفت مظهر باذل منم، بگو<sup>(۱)</sup>  
 کز<sup>(۲)</sup> مجمع مظاهر اسما نیامدی  
 بر صحن آسمان چو فرود آمدی زیام<sup>(۳)</sup>  
 جز توتیای چشم ثریا نیامدی  
 آمد هما ردیف تو بر اشته وجود  
 در سلک نظم کون<sup>(۴)</sup> مقفا نیامدی  
 از غایت یگانگیت در هجوم شوق  
 اندیشه را به ذهن مثنی نیامدی  
 یک شب نرفت کز هوس اتصال<sup>(۵)</sup> تو  
 صدره به خواب زهره و شعری نیامدی<sup>(۶)</sup>  
 فردوس منظر، فلک آرای مسندا  
 ای آنکه جز به کام احباء<sup>(۷)</sup> نیامدی  
 می جوشد از لبم سخنی، گوش کن که تو  
 جز نکته پرور دم عیسی نیامدی  
 رفتی به صید همره جمشید روزگار  
 گفתי که اینک آمدم، اما نیامدی<sup>(۸)</sup>  
 از بسکه ناامید ز زود آمدن شدم  
 گویم بدون<sup>(۹)</sup> سهو که فردا نیامدی

۱- ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = بگو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مگر

۲- ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳ = کز؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = از

۳- ۱، ۵ = بنام؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۹ = ز بام

۴- ۹ = دهر؛ ن ۲۹ = گوهر؟؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۳ = کون

۵- ۹، ۲۹ = اتصال تو؛ ن ۹ (پاورق) = وصل روی

۶- این بیت تنها در نسخ ۹، ۲۹ یافته شد.

۷- ۲ = مهیا؛ بهار عجم = احله؟ همه نسخه های کلیات و قصاید = احبا

۸- اشعار ۱۳، ۱۴ در نسخ ۱، ۵ نیافته شدند. در نسخ دوم و سوم شعر ۱۴ پیش از بیت ۱۳ آمده است ولی در نسخه چهارم و هفدهم و یازدهم و بیست و هشتم و بیست و نهم ترتیب همین است که مطابق آن در اثر موجوده بکار برده شد.

۹- ۹ = بخود بسهو؛ ن ۲۸ = بدین بسهو؛ ن ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۰، ۳۳، ۱۷۱ = بدل بسهو؛ ن ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ (پاورق)، ۲۹ =

گر شاه مانع است، میا، گر چه گویمت  
 کز شوق مُردم و به تماشا نیامدی  
 و رداغم از کرشمه دیر آمدن کنی  
 این بس که پیش از آدم و حوا نیامدی  
 باز آی و سایه بر سر ما کن که در جهان  
 فارغ ز ننگِ تربیت ما نیامدی

## (۷۰)

شنیده‌ام که ز<sup>(۱)</sup> شوخی بر آن سری عرفی      که پرده بر سر اسرار چیده نگذاری<sup>(۲)</sup>  
 لطیفه‌ای بتو گویم که بعد ازین به غلط      عنانِ طبعِ بطالت<sup>(۳)</sup> گزیده<sup>(۴)</sup> نگذاری  
 ز گوش<sup>(۵)</sup> کردند آن‌گاه به بود گفتن      که در جهان سخنِ ناشنیده نگذاری

## (۷۱)

لطیفه‌ای ز سرِ صدق گویمت عرفی  
 بسنج اگر بد و نیکی متاع<sup>(۶)</sup> می‌دانی  
 به علم و<sup>(۷)</sup> تجربه با آنکه ذره ذره خویش  
 ز آفتابِ عدم در سماع می‌دانی

۱- ن ۹ = به شوخی ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = ز شوخی

۲- در نسخ ۲، ۹، ۲۸ "بگذاری" ردیف است ولی در نسخه‌های دیگر مثل ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره ردیف "نگذاری" هست

۳- ن ۱، ۴، ۵ (حاشیه)، ۱۱، ۲۹ = لطافت ؛ ن ۳، ۵، ۹، ۲۸ = بطالت

۴- ن ۹ = رهیده ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گزیده

۵- ن ۲، ۱۱، ۲۸ = گوش و گردنت ؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = گوش کردند

۶- ن ۲۸، ۲۹ = زمانه را دانی ؛ همه نسخه‌های دیگر = متاع می‌دانی

۷- ن ۶، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸ = علم تجربه ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ = علم و تجربه

ز<sup>(۱)</sup> کبریاي تو یابم<sup>(۲)</sup> که ملکِ هستی را<sup>(۳)</sup>

میانۀ خود و ایزد مُشاع<sup>(۴)</sup> می‌دانی

(۷۲)

در عرصۀ حُسن جلوه کردی

تا دوش به دوشِ عشوه و ناز

فریاد که جرعه‌ای و مردی

از باده خروشِ عشق برخاست

(۷۳)

ای کهن دانش که در بابِ فضیلت کرده‌ای

دعویِ اثباتِ بسیاری و نفیِ اندکی

گر ترا کودکِ شمارد عرفی اندر عهدِ شیب

معنی ای دارد، چرا طفلانه خونس می‌مکی

عمری از بهرِ تو دارد آرزو کز مدّتش

موسمِ شیبِ طبیعت هست و سنّ<sup>(۵)</sup> کودکی

(۷۴)

و یحک ای مسجدالحرام مجدّد

که شرف را دری به خلق گشادی

با نیتِ عرفیست اذنِ عبادت

در حریمِ خودش به جایزه دادی

با تو سالِ عمارتِ تو بگویم

ثانی<sup>(۶)</sup> مسجد الحرامِ بلادی  
 $۵۶۱ + ۱۰۷ + ۲۸۰ + ۴۷ = ۹۹۵$  متی

۱- ن ۹ = به؛ همه نسخه‌های دیگر = ز

۲- ن ۹، ۱۷ = نازم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۲۸، ۲۹ = یابم

۳- ن ۲۸ = تو؛ دیگر نسخه‌ها = را

۴- ن ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳ = مشاع؛ ن ۱، ۵ = متاع

۵- ن ۱ = سر؛ ن ۵ = سن

۶- ن ۱۷ = ثانی مسجد؛ ن ۱، ۵ = ثانی این مسجد

## معمیات مولانا عرفی شیرازی

این معمیات تنها در نسخ هشتم و هفدهم یافته شد. در نسخ اول و پنجم هم این اشعار در بین قطعات وجود دارند ولی بخلاف نسخ هشتم و هفدهم برای آنها عنوانی نیست بسیاری از این اشعار اگر چه عنوانی دارند اما نمی توان دریافت که آنها بچه طور معما هستند. بسیاری از آنها ابیات رباعیات و قطعات و ابیات پراکنده هستند.

(۱)

باسم قلی

چون نامه شوق در سفر بنویسم      چون شرح فراق سربس بنویسم<sup>(۱)</sup>  
آتش به سر قلم فتد گاهِ رقم      حرفی از سوز دل اگر بنویسم

(۲)

باسم هلال

لب سبزه خشک و چمن بی نم است      ز روی هوا ابر نیسان کم است<sup>(۲)</sup>

(۳)

باسم نور

دل یار<sup>(۳)</sup> نوی گزید و شادم به غمش      کز شهد وفا به است زهرِ ستمش<sup>(۴)</sup>  
بگذاشتم<sup>(۵)</sup> برابرِ یار<sup>(۶)</sup> کهن      رخساره خویشان بزیر قدمش

(۴)

باسم لبان<sup>(۷)</sup>

از شهر من ار چه تا دیارِ دلبر      رفتن نتوان مگر به صد ساله سفر<sup>(۸)</sup>  
آرد برم از گریه ز<sup>(۹)</sup> وی باد سحر      ریحانِ بلادِ یار<sup>(۱۰)</sup> شبنم برسر

۱- تنها در نسخه هفدهم یافته شد.

۲- در هر چهار نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد.

۳- ن ۱۷، ۸ = بار؛ ن ۱، ۵ = یار

۴- در هر چهار نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد.

۵- ن ۱۷ = بگذاشته جان بر ایر؛ ن ۸ = بگذاشته به ایر؛ ن ۱، ۵ = بگذاشتم برابر

۶- ن ۱۷ = بار؛ ن ۱، ۵، ۸ = یار

۷- در نسخه هشتم عنوان این رباعی "خان" است و در نسخه هفدهم "باسم لبان".

۸- در هر چهار نسخه ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد.

۹- ن ۱، ۵ = ز وی؛ ن ۸ = گریه وی؛ ن ۱۷ = گریه دی

۱۰- ن ۱، ۵ = یار؛ ن ۱۷، ۸ = بار

(۵)

باسم سیدی

تا بکوی میفروش آمد مو<sup>(۱)</sup> خلوت نشین

شیخ و شاب از درد<sup>(۲)</sup> افشاندند خویها از جبین<sup>(۳)</sup>

(۶)

باسم شهاب

آبله ریز است لبِ آبِ جو آبله سوز است لبم، دست کو<sup>(۴)</sup>

(۷)

باسم خان بابا

تا شوق تو آورده به کف دامنِ ما در دوستیِ ما شده‌ای دشمنِ ما<sup>(۵)</sup>  
بی روی تو غیرِ مردن از محنتِ هجر این مایهٔ زندگی کی آمد فنِ ما

(۸)

باسم شعیب

ای بتان مارا گر<sup>(۶)</sup> از جورِ شما ناشکیبایی یکی صد می‌شود<sup>(۷)</sup>  
نیست جای شکوه، چون بیداد هم از شما زاینده بی حد می‌شود

۱- ن ۱۷ = بیت؛ ن ۱، ۵، ۸ = مه

۲- در هر چهار نسخ "دردی" هست اما بجای آن کلمه "درد" مناسب‌تر می‌نماید.

۳- در هر چهار نسخه ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد.

۴- در هر چهار نسخ یافته شد.

۵- در هر چهار نسخ یافته شد.

۶- ن ۱، ۵، ۸ = که؛ ن ۱۷ = گر

۷- در هر چهار نسخ یافته شد.

(۹)

باسم طهماس

کرم دیده<sup>(۱)</sup> گر<sup>(۲)</sup> طالعِ گرمِ حرص      که از گنجِ قارون نگردیده<sup>(۳)</sup> سرد<sup>(۴)</sup>  
 طمع با عطایشه هم دیده است      که پوشیده خواهد ترا روی زرد

(۱۰)

باسم صنم

صحبت اوّل و اوّل طلب از صحبت یار      دمبدم بی نمکی دیدم از اوّل ناچار<sup>(۵)</sup>

(۱۱)

باسم فتحی ؟

چندان به جفا و جور خوی تو شتافت      تا دل ز غمت عنانِ اُلفت برتافت  
 بودیم اسیر آفت از عشقِ تو لیک      آخر دلِ ما ز آفت آسایش یافت

(۱۲)

تا جمالش دیده در آیینهام      دل گرفته دامنش از سینه‌ام<sup>(۶)</sup>

(۱۳)

باسم لیلی

آن زلف که دور مانده از ابرویش      در زیرِ قباش پیرهن می‌سوزد<sup>(۷)</sup>

۱-ن ۸=دید؛ ن ۱، ۵، ۱۷=دیده

۲-ن ۸=کز؛ ن ۱، ۵، ۱۷=گر

۳-ن ۱۷=نگردید؛ ن ۱، ۵، ۸=نگردیده

۴-در هر چهار نسخ یافته شد.

۵-در هر چهار نسخ یافته شد.

۶-این بیت در نسخه ۸ موجود نیست. فقط در نسخه ۱، ۵، ۸ یافته شد.

۷-این بیت در نسخه ۸ موجود نیست. فقط در نسخه ۱، ۵، ۸ یافته شد.

(۱۴)

آن زلف که مانده دور از آن<sup>(۱)</sup> رو باید آورد به دوش و نگذراند<sup>(۲)</sup> از ترتیب<sup>(۳)</sup>

(۱۵)

پیراهنِ خویش واژگون می‌پوشد هر سوی لباس واژگون است همان<sup>(۴)</sup>

(۱۶)

عیادی

از دیده‌ام فکنده دری وان صدف شده از در تهی و ناوک او را هدف شده<sup>(۵)</sup>

(۱۷)

آن زلفِ نگون به زلفِ دیگر پیوند زانگونه دلی که ابرویت بنماید<sup>(۶)</sup> ؟

(۱۸)

لا لا

چون منع دل<sup>(۷)</sup> و جان کنم از ناله که من

نلالان نیرنگ<sup>(۸)</sup> و رای مانی دارم ؟

۱- ن ۱۷ = از آن رو ؛ ن ۱، ۵ = از ابرو

۲- ن ۱۷ = بگذارد ؛ ن ۱ = نگذراند

۳- این بیت در نسخه ۸ موجود نیست. فقط در نسخه ۱، ۵، ۸ یافته شد.

۴- این بیت در نسخه ۸ موجود نیست. فقط در نسخه ۱، ۵، ۸ یافته شد.

۵- در هر چهار نسخ یافته شد.

۶- این بیت در نسخه ۸ موجود نیست. فقط در نسخه ۱، ۵، ۸ یافته شد.

۷- ن ۱۷ = منع جان ؛ ن ۱، ۵، ۸ = منع دل و جان

۸- ن ۱۷ = بیرنگ ؛ ن ۵ = به رنگ ؛ ن ۱، ۸ = نیرنگ



(۱۹)

وهاب

غبارِ وادیِ امید و آمال      به عالم هست راه آورد<sup>(۱)</sup> ابدال<sup>(۲)</sup>

(۲۰)

بُعدی که از سعادتِ طالع مرا بود      تحتِ الثری سعادَتِ طالع مرا بود<sup>(۳)</sup>

(۲۱)

باسم حسام

از فتنه خالهایت ای مایه ناز      می سوزم و عاجزم ازین<sup>(۴)</sup> سوز و گداز<sup>(۵)</sup>  
آن زلفِ نگون<sup>(۶)</sup> چنانکه باید پیوند      در دیگر زلف و خال پنهانش<sup>(۷)</sup> ساز<sup>(۸)</sup>

(۲۲)

آن مردم چشم جای ابرو دارد      دارد دلِ برتافته ای زان سرکش<sup>(۹)</sup>

(۲۳)

چون نموده رویش از آیینه آب روان

دیده ام در آب زان سر کرده خال از وی نهان<sup>(۱۰)</sup>

۱- ن ۱۷ = ای دل ؛ ن ۱، ۵ = ابدال

۲- در هر چهار نسخ یافته شد.

۳- در هر چهار نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد.

۴- ن ۱۷ = ازین ؛ ن ۱، ۵ = درین

۵- در هر چهار نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد.

۶- ن ۱، ۵ = نگون ؛ ن ۱۷ = موی

۷- ن ۱۷ = پنهانش ؛ ن ۱، ۵، ۸ = پنهان

۸- مصرعه اول این بیت تقریباً به همین شکل قبل ازین مصراع اول بیت دیگری نیز قرار گرفته است.

۹- تنها در نسخ ۱۷، ۵ یافته شد.

۱۰- تنها در نسخ ۱۷، ۵ یافته شد.

(۲۴)

در روزگار صدق کلام تو انفعال      دزدیده خنده از دهنِ صبحِ اولین<sup>(۱)</sup>

(۲۵)

بسم‌الله ای مسیح، چه فارغ نشسته‌ای      کو تهمتی که بر لبِ جان بخش بسته‌ای<sup>(۲)</sup>

(۲۶)

خاکسترِ جحیم به جنتِ کش ای ملک      تا ساکنانِ روضه ز ماتم بسر کنند<sup>(۳)</sup>

---

۱- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شدند.

۲- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شدند.

۳- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شدند.

## دیگر منظومات

### مخمّس<sup>(۱)</sup>

تا دل به تمنای تو عالی گهر افتاد      صد کشتی اندیشه به بحرِ خطر افتاد  
دل نیست که بر کوی تو بر یگدگر افتاد      الماسِ ره عشقِ چنان کارگر افتاد  
کز دیده صبرم همه لختِ جگر افتاد

شب نیست که پر خون نشود بستر از چشم  
سیلابِ سرشکم برود بر سرم از چشم  
صد داغ به دل شعله زند اکثر از چشم  
روید همه دم توده خاکسترم از چشم  
وین شوق که از حُسنِ توام در جگر افتاد

خواهم هدفِ ناوِکِ مژگانِ تو گردم      ای سخت کمان باش که قربانِ تو گردم  
حیران شده نرگسِ فتانِ تو گردم      گرد سرِ کیفیتِ چشمانِ تو گردم  
گر نیم نگاهت که دو جان در بدر افتاد (کذا)

تا شربتِ رسواییِ عشقِ تو چشیدم      پیراهنِ ناموس به شکرانه دریدم  
جانا، بتو دادم دل و از خویش رمیدم      در بادیهٔ عشقِ تو از بسکه دویدم  
اعضای وجودم همه از یکدگر افتاد

۱- این مخمّس تنها در بیاض شماره ۱۰۹۸ (ورق ۴۸۱ الف) محفوظ در کتابخانهٔ خدابخش پتّه، یافته شد. در جنگ  
نمره ۲۶۶۲ محفوظ در کتابخانهٔ مجلس، تهران، اشعار زیر عزل هم یافته شدند

الماسِ ره عشقِ چنان کارگر افتاد      کز دیده صبرم همه لختِ جگر افتاد  
در بادیهٔ عشقِ تو از بسکه دویدم      اعضای وجودم همه از یکدگر افتاد

چنان می نماید که عرفی در زمینهٔ عزل حافظ که با مطلع زیر آغاز می یابد:

پیرانه سرم عشقِ جوانی به سر افتاد      وان راز که در دل به نهفتم بدر افتاد

غزلی گفته بود و بر اشعار آن غزل مصرع‌ها گفته مخمّس ساخته بود ولی این غزل و مخمّس هر دو در کلیاتش شامل  
نشدند.

ای گوی سرِ تارکِ چوگان تو عرفی      ابیاتِ حقیقت همه در شانِ تو عرفی  
صد شعله خیالم زده دیوانِ تو عرفی      از آتشِ آهِ شبِ هجران تو عرفی  
در عرش ملایک همه بی بال و پر افتاد

## (۲)

در مدح مولا علی<sup>(۱)</sup>

مسیح بر فلک و مرتضیٰ علی به تراب      دلم ز آتشِ این غصه گشته بود کباب<sup>(۲)</sup>  
سؤال کردم ازین ماجرا ز پیرِ خرد      بسانِ غنچه تبسم نموده داد جواب  
که قدر هر دو به میزانِ عقل سنجیدم      علی گران تر از آن بود در همه ابواب  
بماند پلّه میزانِ مرتضیٰ به زمین      به آسمانِ چهارم مسیح شد به شتاب  
گرفته مشعلِ خورشید را مسیح به کف      به جستجوی علی هست تا بروزِ حساب  
مدار دست ز دامانِ مرتضیٰ عرفی      که هست گنجِ شفاعت کلیدِ فتح الباب

## (۳)

گر نیاوردی شهادت گنجِ شاهی را کلید

دشنهٔ اعجازِ او کردی شهادت را شهید<sup>(۳)</sup>

داور کونین اگر می زادش این حکم از قلم

در قیامت کی نظر کردی به لوح بازدید

کس نمیداند که بود از ماتمش گریان، ولی

خون گرم از پرده های قدس بیرون می چکید

۱- این ابیات در چهار اوراق پراکنده رقم کرده محمدزمان ذاکر در سنه ۱۱۱۲ هجری در کتابخانه آصفیه حیدرآباد بر نمر ۲۵۱۴ N. یافته شد. احتمال غالب است که این کلام الحاقی است.

۲- زیرا که این همه منظومات از ابیات مصرع آغاز می شوند آنها را (قطعه) نتوان گفت چنانکه قیس رازی نوشته ازین باعث آنها را در بخش منظومات متفرق شامل کرده شده اند.

۳- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شدند.

## (۴)

بی سبب دیده طالبِ سحر است      سحرِ من ز شام تیره تر است<sup>(۱)</sup>  
همه خوابی برادرِ مرگ است      مرگ را خواب بخت من پدر است

## (۵)

پساده می‌روی و بر سپهر می‌تازی      بین که گر خرِ لنگی بود، چه پردازی<sup>(۲)</sup>  
عنانِ موی سبک کرده‌ای به جانبِ عمر      چه کرده‌ای که بدینسان<sup>(۳)</sup> فرس همی تازی  
درین معامله محتاجِ طبعِ بی‌بصری      همان<sup>(۴)</sup> به است که تن در دهی به انبازی  
بگاه مسح کشیدن جناحِ روحِ قدس      که کشیدن افسارِ فرق و گوشِ جمّازی<sup>(۵)</sup>

## (۶)

آورد بادِ مسیح از چمنِ عزرائیل      داغِ آتشکده بر ناصیهِ باغِ خلیل<sup>(۶)</sup>  
جوهرِ معجزه آثارِ تو در تحتِ فلک      گوهرِ ذاتِ کلیم است و تو لَجّةِ نیل

## (۷)

در حالتی که سر به مصطفیٰ فرو نهم      برتر بود ز تارکِ خورشید افسرم<sup>(۷)</sup>  
پا بشکنم به است که پیچم بدامنش      دامنِ مباد در تو منت کشد سرم  
با آنکه زخمه نرمی انگشتِ حور داشت      یک بانگِ بی‌خراش نیامد ز مزمرم  
در اوجِ باغِ قدس کجا پر زند اگر      جبریلِ بالِ خویش ببندد به شهرم  
عیسیِ مزیده شیرِ فصاحت ز دایه‌ام      مریم گرفته حسنِ بکارت ز دخترم

۱- در نسخ ۱، ۵ این دو بیت در بخش قصاید بعد از قصاید و در بخش ابیات متفرق بعد از غزلیات به هر دو جا یافته شد. زیرا که هر دو رباعی و هم رباعی و قطعه نیست آنها در بخش موجوده شامل کرده شدند.

۲- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شدند.

۳- ن ۱۷ = که بدینسان فرس همی تازی ؛ ن ۱ = به بنیاد فرس می‌تازی ؛ ن به بنیاد فرس می‌تازی

۴- ن ۱۷ = هر آن به است ؛ ن ۱، ۵ = همان به است

۵- ن ۱، ۵ = حماری ؟ ؛ ن ۱۷ = حماری ؟

۶- این ابیات تنها در نسخه پنجم در بخش قصاید یافته شدند.

۷- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شدند بعد از قصاید.

## (۸)

بسکه از شعلشه مهر هوا شد سوزان<sup>(۱)</sup>  
 نرسد<sup>(۲)</sup> تیر اشارت به مجرای نشان<sup>(۳)</sup>  
 یافت خاصیت فردوس جهان کز گرما  
 مرغ بریان شده<sup>(۴)</sup> هر گوشه<sup>(۵)</sup> بود در تهران<sup>(۶)</sup>  
 طبع شوخ تو تذروست که در حالت خواب  
 آشیان ساخته<sup>(۷)</sup> بر شاخ درخت طیران ؟  
 دست و رمحت چو دهد گریه مبادا زو خصم  
 گهر اشک فشاند به کنار از مژگان<sup>(۸)</sup>

## (۹)

هوای مدح که بازم به مغز<sup>(۹)</sup> پیچانست      که صد بهشت گل عطسه‌ام به دامانست<sup>(۱۰)</sup>  
 بباغ حمد که گل روید از مشیمه گل      که بلبل چمن طبع من غزلخوان است  
 که زایر است که در کعبه هدایت جاه      ردای نسبت او زیب دوش ایمان است

۱- ن ۱۷ = سوزنده است ؛ ن ۱، ۵ = شد سوزان

۲- در همه نسخ ۱، ۵، ۱۷ "نه رسد" است ولی دکتر نعیم‌الدین "می‌زنم" نوشته است.

۳- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شدند بعد از قصاید.

۴- در هر سه نسخ ۱، ۵، ۱۷ "شد" هست.

۵- ن ۱۷ = کوی ؛ ن ۱، ۵ = گوشه (دکتر نعیم‌الدین مطابق نسخه‌ای که در ترکیه یافت "گونه" نوشته است.

۶- در هر سه نسخ "طیران" هست. ممکن است که این "طهران" باشد.

۷- ن ۱۷ = سایه بر شاخ ؛ ن ۱، ۵ = ساخته بر شاخ

۸- این بیت در نسخ ۱، ۵ موجود نیست.

۹- ن ۵ (حاشیه) = بمغز ؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = بمدح

۱۰- این ابیات تنها در نسخ ۱، ۵ در بخش قصاید یافته شدند. در ترکیب بند که قبلاً نوشته شده است بندیست که باین بیت آغاز می‌شود:

نسیم مدح که از نخل دل گل افشانست      که عالم از گل اندیشه‌ام گلستان است  
 چنان می‌نماید که عرفی برای این بند این سه اشعار هم گفته بود ولی آنها را تغیر داد و شامل ترکیب بند نه کرد. سراجا  
 این ابیات که مردود باید شمرد در مسودات کلام عرفی یافت و شامل کلیاتش کرد.

مربوط به

تعداد قصاید و ترکیب بند و ترجیع بند

نعم انا قد اردت ان يكون

۱	۴۶		۲۸	۲۸	۳۳	۳۸	۳۳	۳۸	۳۶	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۵	۳۸	۳۸	۳۵	۳۶	۳۶	۳۸	۳۸	۴۲	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۷	۴۸	۴۹۸	اقبال کرم می‌گردد از یادیب همدم را	۱
۲	۵۷		۵۷	۵۶	۵۶	۵۳	۵۶	۵۵	۵۵	۵۳	۵۵	۵۳	۵۳	۵۳	۵۵	۵۳	۵۵	۵۵	۵۳	۵۱	۵۵	۵۶	۵۳	۵۵	۵۵	۵۵	۵۶	۵۶	۷۰۱	ای داشته در سایه هم تیغ و قلم را	۲
۳	۲۵		۲۶		۲۴	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶		۲۶	۲۳	۲۶	۲۶	۲۲	۲۵	۲۴	۲۶	۲۶	۲۵	۲۴	۲۵	۲۶	۲۵	۲۴	۲۵	۲۶	۷۰۶	ای بر زده دامن پلار را	۳	
۴	۷				۷					۶		۷		۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷۰۸	هنگام سماع است دلائق و بیان را	۴	
۵	۱۲				۱۲	۱۱				۱۳		۱۳		۱۱	۱۲	۱۳	۱۲		۱۳	۱۳	۱۳	۱۲	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۷۰۹	زهی نظام زشرع تو بدین و دنیا را	۵	
۶	۵۰		۲۵	۴۹	۵۰	۴۹	۴۹	۴۳	۴۹	۴۹	۴۹	۵۰	۴۹	۴۶	۴۹	۵۰	۵۱	۴۷	۵۱	۴۶	۵۱	۴۹	۴۶	۵۱	۴۹	۵۱	۷۱۰	مرحبا ای شاهد آیاتم را عهد شباب	۶		
۷	۲۴				۲۳	۳۵				۳۵				۳۳	۳۳	۳۱	۳۴		۳۵	۳۴	۳۵	۳۴	۳۵	۳۴	۳۵	۳۴	۷۱۴	زهی نسیم جهان تو موج پیش سراب	۷		
۸	۹		۲۶		۹	۲۸		۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۶	۲۸	۲۸	۲۸	۹	۲۸	۹	۲۸	۷۸	۷۸	۷۸	۷۸	۷۸	۷۱۷	ای دل معنی سرشت راز دان آفتاب	۸		
۹	۱۰				۱۰									۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۱	۷۱۹	۷۱۹	۷۱۹	۷۱۹	۷۱۹	۷۱۹	۷۱۹	ای خیال غصوات شکر شکن در چشم خواب	۹		
۱۰	۲۸		۱۳		۲۷	۲۸	۱۳	۱۳	۱۳					۱۳	۲۱	۲۷	۲۸	۱۳	۲۸	۲۸	۲۸	۷۲۰	۷۲۰	۷۲۰	۷۲۰	۷۲۰	۷۲۰	آن طوبی که برگ و برش داغ و اخگر است	۱۰		
۱۱	۵۷				۵۷	۵۷				۵۱				۵۵	۵۷	۵۷	۵۷		۵۷	۵۷	۵۷	۷۲۳	۷۲۳	۷۲۳	۷۲۳	۷۲۳	۷۲۳	سر طبعم از توستی بر هواست	۱۱		
۱۲	۱۱				۱۱	۱۱								۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۲	۷۲۵	۷۲۵	۷۲۵	۷۲۵	۷۲۵	۷۲۵	دل خرسندم از خم شادمان است	۱۲		
۱۳	۱۹				۱۹	۱۹				۱۹				۱۹	۱۹	۱۸	۱۷	۱۹		۱۹	۱۹	۷۲۶	۷۲۶	۷۲۶	۷۲۶	۷۲۶	۷۲۶	زودتر هستی منتم را فنا غارت گریست	۱۳		



ردیف	۱۷۲	۱۷۱	۱۷۰	۳۷	۳۵	۳۰	۶۸	۷۲	۶۵	۶۸	۶۷	۴۰		۱۷۱	۱۷۰	ردیف
۱۴	۶۷			۶۸	۶۸	۶۸	۶۸	۶۸	۶۵	۶۹	۶۷	۶۸	۷۳	۷۳	۷۲۸	زهر گلی که هوای دلم قناب کشاد
۱۵	۸۹			۹۱	۸۸	۸۹	۹۱	۹۱	۹۱	۹۱	۸۹	۸۷	۹۰	۹۱	۷۳۳	عشق کو تا خرد براندازد
۱۶	۳۳		۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۴	۳۳	۳۲	۳۳	۳۳	۷۳۹	سری در عهد ما سامان ندارد
۱۷	۲۱		۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱		۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۷۴۱	داورا سال نوت محفل طراز سوز باد
۱۸	۳۷		۳۶	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۵	۳۷	۳۶	۳۶	۳۷	۳۸	۷۴۳	صاحبا عید تو رو میمون باد
۱۹	۳۹		۳۹	۳۸	۴۰	۳۹	۴۰	۳۸	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۳۹	۴۰	۷۴۵	ز آسمان و زمین مزده ناگهان آمد
۲۰	۳۳		۳۳	۳۴	۳۳	۳۳	۳۴	۳۳	۳۱	۳۴	۳۲	۳۲	۳۳	۳۴	۷۴۸	هر سوخته جانی که به کشمیر در آید
۲۱	۲۹		۲۹								۳۰		۳۰	۳۰	۷۵۱	ز عشوه‌ها که در آن چشم فتنه گر گنجبد
۲۲	۱۶		۱۵	۱۵	۱۷	۱۵	۱۵	۱۵		۱۵	۱۶		۱۷	۱۷	۷۵۳	من آن نیم که چون نعمت نمی کنم بنیاد
۲۳	۷					۷					۷		۷	۷	۷۵۴	وقت آن است که اندیشه پریشان گردد
۲۴	۹					۹							۹	۹	۷۵۵	هرگز از قهر تو بازار سلامت نشکند
۲۵	۹					۹							۹	۹	۷۵۶	دولت را تا ابد آمیزش ممتاز باد
۲۶	۵۱		۵۱	۵۲	۵۱	۵۲	۵۱	۵۱	۵۱	۴۹	۵۱	۵۲	۵۱	۵۳	۷۵۷	تا بانم از وصل جدا کرد روزگار

## شماره نهمه های دیبک

ردیف	۱۷۲	۱۷۱	۱۷۰	۲۷	۲۵	۲۴	۲۹	۲۸	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	مجموع	اول قصاید	ردیف
------	-----	-----	-----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	-------	-----------	------

## شمه داد افک در دیبک

۲۷																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																																						
----	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

## شماره نسخه های دیگه

ردیف	۱۷۱	۱۷۰	۳۷	۳۵	۳۰	۲۹	۲۸	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	نسخه	مصحح اول قصاید	ردیف
۴۰	۹۷		۹۷	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۴	۹۴	۹۴	۹۴	۹۴	۹۷	۹۶	۹۳	۹۳	۹۳	۱۰۳	۸۱۳										دل من باغبان عشق و حیرانی گلستانش	۴۰
۴۱																۱۰			۱۰	۱۰	۸۲۲											ای مستبد جلالت تو بالانشین عرش	۴۱
۴۲																۸			۸	۸	۸۲۳											تا به سبیل فتح شستی گرد آشوب از مصاف	۴۲
۴۳	۵۲	۵۱	۵۰	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۲	۵۲	۵۱	۵۱	۵۱	۵۲	۵۲	۸۲۴									صحیدم کز دریچه ادراک	۴۳
۴۴																					۳۱	۸۲۸										منم که فستام از لوح مدعا نیرنگ	۴۴
۴۵	۳۸															۳۹					۱۲	۸۳۱										تبارک الله ازان آسمان ثناب کزینک	۴۵
۴۶	۴۹	۴۸	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۹	۴۹	۴۸	۴۸	۴۹	۵۲	۸۳۲										نوبهار آمد که افشاند چو حسن یار گل	۴۶
۴۷	۹۳	۹۰	۸۹	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۹۰	۹۲	۸۸	۸۷	۸۷	۹۰	۹۱	۹۳	۸۳۷									چهره بردار جهان رخت کشد چون به حمل	۴۷
۴۸	۳۴۳	۴۲														۶۵	۶۵	۶۲	۶۲	۶۲	۶۶	۸۴۴										دلا ز مصحف تسلیم برگردم فال	۴۸
۴۹	۳۷	۳۱	۳۳	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۹	۸۴۹										ای مرقع ز نسبت ذات تو شأن علم	۴۹
۵۰	۵۱	۴۵	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۵۴	۸۵۲										منم آن سحر بیان کز مدد طبع سلیم	۵۰
۵۱	۳۳	۲۹	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۱	۳۱	۳۱	۳۳	۸۵۷										من کیستم، آن سالک کورین میرم	۵۱
۵۲	۴۳	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۶۷	۸۶۰										صبح عبد که در نیکه گاه ناز و نعیم	۵۲

شماره نسخه های دیگه

## شماره زنجیره های دیگر

ردیف	۱۷۲	۱۷۱	۱۷۰	۳۷	۳۵	۳۰	۲۹	۲۸	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تاریخ ثبت	مصرع اول قصاید	ردیف
------	-----	-----	-----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	-----------	----------------	------

## شماره اول در دیگر زنجیره ها

۵۳	۶۶	۶۰	۶۲	۶۵	۶۴	۶۱	۶۱	۵۶	۶۲	۶۲	۶۱	۶۲	۶۱	۶۶	۵۸	۵۹	۶۲	۶۴	۶۱	۶۵	۶۴	۶۱	۶۵	۶۴	۶۱	۶۶	۶۲	۶۲	۶۶	۶۷	۸۶۴	باز گلبانگی پریشان می زنم	۵۳
۵۴	۲۴			۲۳	۲۴	۲۳	۲۲	۲۴	۲۵	۲۰	۲۴	۲۱	۲۳	۲۳		۲۴		۲۴	۲۴	۲۳	۲۴	۲۳	۲۴	۲۳	۲۴		۲۳	۲۳	۲۵	۸۶۸	گر سر به صحبت گل و سوسن در آوردم	۵۴	
۵۵	۷۱	۶۵	۴۷	۶۹	۶۸	۷۰	۶۹	۷۱	۶۸	۶۸	۳۴	۶۸	۷۱	۶۸	۶۹	۶۸	۷۳	۶۴	۵۵	۶۹	۷۲	۷۱	۳۱	۷۲	۶۷	۷۱	۷۳	۷۳	۷۳	۸۷۰	رفتم ای غم ز در عصر و شبانان رفتم	۵۵	
۵۶	۴۱	۳۷	۳۷	۴۱	۳۹	۳۷	۳۸	۳۹	۳۷	۳۹	۳۸	۴۱	۳۸	۴۱	۳۸	۴۰	۳۲	۳۰	۳۹	۴۱	۳۹	۴۰	۳۹	۳۹	۴۰	۴۱	۴۱	۴۰	۴۱	۸۷۵	چون گردباد آه ز خاکم کند علم	۵۶	
۵۷	۵۵	۴۸	۴۸	۵۴	۴۹	۴۶	۴۷	۵۰	۴۹	۴۶	۴۹	۴۹	۵۰	۵۰	۴۹	۴۸	۴۸	۴۴	۴۹	۵۴	۴۵	۵۴	۴۷	۵۰	۵۳	۵۴	۵۴	۵۴	۸۷۸	منادی است زهر سو که ای خواص و عوام	۵۷		
۵۸	۲۲	۲۱	۲۲	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۸۸۲	ای طعن فلکی نوشته برسم	۵۸	
۵۹	۱۸			۱۸	۱۹						۱۸		۱۸		۱۸										۱۸	۱۷	۱۸	۱۸	۱۹	۸۸۴	مطلع دیوان معنی بر زبان آورده ام	۵۹	
۶۰	۱۰						۱۱				۱۱		۱۱		۱۱												۱۰	۱۰	۱۱	۸۸۵	گرچه از ارزش ثرون افتاده یکنا گو مردم	۶۰	
۶۱	۱۵			۱۵	۱۵						۱۵			۱۷						۱۴	۱۵	۱۵		۱۵	۱۴	۱۷	۱۷	۸۸۶	مثل زدند حکیمان برزگار قدیم	۶۱			
۶۲	۹												۱۰										۹		۹	۹	۱۰	۸۸۷	وقت آن شد که دگر بار سفر بر بندم	۶۲			
۶۳	۱۶			۱۶	۱۶					۱۶		۱۶		۱۶								۱۶	۱۲	۱۶		۱۴	۱۶	۱۶	۸۸۸	ای رازدانان و سحر ای آرد ز احترام	۶۳		
۶۴	۱۶																					۱۴	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۸۸۹	زهر را در جام هجیران می کنم	۶۴		

## فصلنامه های دیگر

ردیف	۱۷۱	۱۷۰	۳۷	۳۵	۳۰	۲۹	۲۸	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	مجموع	ردیف	
۶۵	۴۱	۳۹	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۳۸	۳۸	۴۱	۴۰	۴۱	۴۰	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۰	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۸۹۰	صبحم چون در مدد دل صورت شیون زای من	
۶۶	۳۵	۱۹	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۸۹۳	عادت عشاق چیست، مجلس غم داشتن	
۶۷	۳۸	۴۱	۳۹	۴۰	۳۹	۴۰	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۸۹۵	نه شهید لطف کز آن کام جان شود شیرین	
۶۸	۶۵	۵۲		۵۸	۵۶	۵۵	۴۴	۵۴	۵۱	۵۴	۵۴	۶۱	۵۵		۵۱	۵۳	۵۴	۶۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۸۹۸	چیت آن جوهر هدایت فن	
۶۹	۲۹		۲۹	۳۰								۳۱				۳۰																	۹۰۲	نزدگانی کامد از عرش برین در گویش جان	
۷۰	۱۳			۱۳								۱۳				۱۳																	۹۰۴	زمی همای جلال تو در قدم یزدان	
۷۱	۳۷			۳۸	۳۵							۳۵				۳۹																	۹۰۵	ای قیله جمال ترا کعبه آستان	
۷۲	۳۷		۳۳	۳۷	۳۷	۳۴	۳۴	۳۷	۳۸	۳۵	۳۷	۳۶	۳۵	۳۸	۳۷	۳۸	۳۵	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۹۰۸	ای مراب زشتی اعمال تو صدی گواه	
۷۳	۲۴	۲۱	۲۴	۲۴	۲۲	۲۳	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۹۱۱	گر مرد هفتی ز مرورت نشان مخواه
۷۴	۱۹		۱۸	۱۹	۲۳	۲۰	۲۳	۲۴	۲۳	۲۴	۲۳	۲۳	۲۰	۱۹	۲۳	۱۹	۲۳	۱۹	۲۳	۱۹	۲۳	۲۱	۲۱	۲۰	۲۰	۱۹	۲۳	۱۹	۲۰	۲۰	۲۰	۲۴	۹۱۴	ای متاع درد در بازار جان انداخته	
۷۵	۴۱	۳۹	۲۴	۴۰	۳۹	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۶	۳۶	۳۹	۳۸	۳۸	۴۲	۴۰	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۹۱۵	ز تاب شعله مهر سایه بهار پناه	
۷۶	۱۶															۱۶																	۹۱۹	بسکه از ذوق تماشا تو می رقصد نگاه	

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

۷۷	۹					۹			۹	۹	۹۲۰	این سخن مدحی که می‌سنجی گناه است این گناه	۷۷
۷۸	۱۴					۱۴			۱۴	۱۴	۹۲۱	مرحبا این همه توفیق زینین برسی شاه	۷۸
۷۹	۲۸		۲۸	۳۶	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۹۲۲	کردم ز شراب ناب توبه	۷۹
۸۰	۴۳		۴۲	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۲	۴۳	۹۲۵	دمی که لشکر خم می‌کشد بخور بخورای	۸۰
۸۱	۷۵		۷۵	۷۳	۷۵	۷۴	۷۳	۷۵	۷۳	۷۵	۹۲۸	ز خود گردیده بریندی چه گویم کام جان بینش	۸۱
۸۲	۱۱										۹۳۳	بیا که یادلم آن می‌کند بریشانی	۸۲
۸۳	۵۷			۵۷	۵۰	۵۶	۴۸	۵۰	۵۰	۵۷	۹۴۱	بود در کرم عدم بگر طبیعت را جای	۸۳
۸۴	۱۹		۱۹	۱۱	۱۹	۱۸	۱۹	۱۹	۱۷	۱۸	۹۴۶	دگر صفیر طبیعت بساز آگاهی	۸۴
۸۵	۱۵										۹۴۸	گر بدل خوش خنودمی چه ضمتی	۸۵
۸۶	۲۷		۲۵	۲۷	۳۰	۲۶	۲۵	۲۵	۲۶	۲۷	۹۵۰	شکست رنگ شایب و هنوز رعنایی	۸۶
۸۷	۳۳		۳۳	۳۱	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۴	۹۵۲	بسمی جوهر اندیشه راز دین مگندای	۸۷

شماره نسخه های دیگر		ردیف	
۱	۲	۳	۴
۱۷۲	۱۷۱	۱۷۰	۳۷
۳۴	۳۵	۳۶	۳۷
۳۸	۳۹	۴۰	۴۱
۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۲	۵۳	۵۴	۵۵
۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۲	۶۳	۶۴	۶۵
۶۸	۶۹	۷۰	۷۱
۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
۸۸	۸۹	۹۰	۹۱
۹۴	۹۵	۹۶	۹۷
۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱
۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷
۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵
۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱
۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷
۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵
۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱
۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷
۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵
۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱
۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷
۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵
۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱
۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷
۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵
۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱
۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷
۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵
۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱
۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷
۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵
۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱
۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷
۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵
۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱
۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷
۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵
۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱
۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷
۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵
۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱
۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷
۳۲۲	۳۲۳	۳۲۴	۳۲۵
۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰	۳۳۱
۳۳۴	۳۳۵	۳۳۶	۳۳۷
۳۴۲	۳۴۳	۳۴۴	۳۴۵
۳۴۸	۳۴۹	۳۵۰	۳۵۱
۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶	۳۵۷
۳۶۲	۳۶۳	۳۶۴	۳۶۵
۳۶۸	۳۶۹	۳۷۰	۳۷۱
۳۷۴	۳۷۵	۳۷۶	۳۷۷
۳۸۲	۳۸۳	۳۸۴	۳۸۵
۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰	۳۹۱
۳۹۴	۳۹۵	۳۹۶	۳۹۷
۴۰۲	۴۰۳	۴۰۴	۴۰۵
۴۰۸	۴۰۹	۴۱۰	۴۱۱
۴۱۴	۴۱۵	۴۱۶	۴۱۷
۴۲۲	۴۲۳	۴۲۴	۴۲۵
۴۲۸	۴۲۹	۴۳۰	۴۳۱
۴۳۴	۴۳۵	۴۳۶	۴۳۷
۴۴۲	۴۴۳	۴۴۴	۴۴۵
۴۴۸	۴۴۹	۴۵۰	۴۵۱
۴۵۴	۴۵۵	۴۵۶	۴۵۷
۴۶۲	۴۶۳	۴۶۴	۴۶۵
۴۶۸	۴۶۹	۴۷۰	۴۷۱
۴۷۴	۴۷۵	۴۷۶	۴۷۷
۴۸۲	۴۸۳	۴۸۴	۴۸۵
۴۸۸	۴۸۹	۴۹۰	۴۹۱
۴۹۴	۴۹۵	۴۹۶	۴۹۷
۵۰۲	۵۰۳	۵۰۴	۵۰۵
۵۰۸	۵۰۹	۵۱۰	۵۱۱
۵۱۴	۵۱۵	۵۱۶	۵۱۷
۵۲۲	۵۲۳	۵۲۴	۵۲۵
۵۲۸	۵۲۹	۵۳۰	۵۳۱
۵۳۴	۵۳۵	۵۳۶	۵۳۷

بخش مکتبہ و ترجمہ

96.	
97.	
98.	
99.	
100.	
101.	
102.	
103.	
104.	
105.	
106.	
107.	
108.	
109.	
110.	
111.	
112.	
113.	
114.	
115.	
116.	
117.	
118.	
119.	
120.	
121.	
122.	
123.	
124.	
125.	
126.	
127.	
128.	
129.	
130.	
131.	
132.	
133.	
134.	
135.	
136.	
137.	
138.	
139.	
140.	
141.	
142.	
143.	
144.	
145.	
146.	
147.	
148.	
149.	
150.	
151.	
152.	
153.	
154.	
155.	
156.	
157.	
158.	
159.	
160.	
161.	
162.	
163.	
164.	
165.	
166.	
167.	
168.	
169.	
170.	
171.	
172.	
173.	
174.	
175.	
176.	
177.	
178.	
179.	
180.	
181.	
182.	
183.	
184.	
185.	
186.	
187.	
188.	
189.	
190.	
191.	
192.	
193.	
194.	
195.	
196.	
197.	
198.	
199.	
200.	

فهرست قطعات شامل کلیات موجوده

چند نسخه مهم خطی و چاپی دیگر





